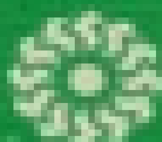
۹

ترجمه

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

از محدث کبیر شیعه علامه محمد باقر مجلسی ره



ترجمه بحار الانوار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 978-600-715070-2 : ؛ ج.5 978-600-7150-71-9 : ؛ ج.6 978-600-7150-72-6 : ؛ ج.7 978-600-7150-73-3 : ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 978-600-7150-76-4 : ؛ ج.11 978-600-7150-83-2 : ؛ ج.12 978-600-7150-66-5 : ؛ ج.13 978-600-7150-85-6 : ؛ ج.14 978-600-7150-86-3 : ؛ ج.15 978-600-7150-87-0 : ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

كتاب خمس، زكات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منكر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ترجمه

بحار الانوار

جلد 9

کتاب احتجاج و مناظره - 1

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 9 (کتاب احتجاج و مناظره - 1)

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

فهرست

ص: 5

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

ستایش سزاوار خدایی است که «خَلَقَ الْإِنْسانَ و عَلَّمَهُ الْبَیانَ» انسان را آفرید و به او سخن گفتن آموخت، و او را با دانش دلیل و برهان به شاهراه هدایت راهنمایی کرد، و به واسطه پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام حجت را بر بندگانش تمام نمود، تا آنان را از تاریکی های کفر به سوی روشنایی ایمان بیرون آورد. و نیز انسان های متدیّن و یاوران حق و یقین را با دلایل واضح و حجت های غالب بر گمراهان و گمراه کنندگان از سایر مذاهب یاری نمود، و درود بر کسی که صلوات فرستادن بر او وسیله رسیدن به نعمت های بیکران لطف و عنایت است. یعنی محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم که خداوند به واسطه او سینه های پیامبران و برگزیدگان خود را به روشنایی شناخت منوّر ساخت. و درود بر خاندان پاکش که خداوند نعمت ها را به وسیله آنان بر بندگانش تمام کرد و آنها را گنجینه علم و دانش قرآن و محافظان پایگاه یقین قرار داد.

اما بعد: این کتاب جلد چهارم بحارالانوار است که مشتمل بر احتجاج و استدلال های خداوند و پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام با مخالفان و ستیزه جویان از ارباب مذاهب گوناگون و عقاید باطله و گمراه از راه حقیقت می باشد، که دربردارنده مطالب دیگری از مجموعه دانش های دینی که به یک باب اختصاص ندارد نیز بوده است. گرچه آن مجموعه دانش ها به بخش های مختلف مناسب برای سهولت استفاده کنندگان پخش شده است.

این اثر از تألیفات خاک پای مؤمنین محمّد باقر بن محمّد تقی است که خداوند هر دو را با ائمه طاهرین محشور فرماید و از گرفتاری های قیامت محفوظ بدارد و از کسانی قرار دهد که به فضل خود نامه عمل ایشان را به دست راست آنان می دهند.

در قرآن

- «إِنَّ الَّذینَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ *خَتَمَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ عَلى سَمْعِهِمْ وَ عَلى أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظیمٌ *وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنینَ *یُخادِعُونَ اللَّهَ وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ ما یَخْدَعُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما یَشْعُرُونَ *فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضاً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ بِما كانُوا یَكْذِبُونَ *وَ إِذا قیلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ *أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لا یَشْعُرُونَ *وَ إِذا قیلَ لَهُمْ آمِنُوا كَما آمَنَ النَّاسُ قالُوا أَ نُؤْمِنُ كَما آمَنَ السُّفَهاءُ أَلا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهاءُ وَ لكِنْ لا یَعْلَمُونَ *وَ إِذا لَقُوا الَّذینَ آمَنُوا قالُوا آمَنَّا وَ إِذا خَلَوْا إِلى شَیاطینِهِمْ قالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ *اللَّهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ یَمُدُّهُمْ فی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ *أُولئِکَ الَّذینَ اشْتَرَوُا الضَّلالَةَ بِالْهُدى فَما رَبِحَتْ تِجارَتُهُمْ وَ ما كانُوا مُهْتَدینَ.»(1)

{در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند- چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - برایشان یکسان است [آنها] نخواهند گروید. خداوند بر دلهای آنان، و بر شنوایی ایشان مُهر نهاده و بر دیدگانشان پرده ای است و آنان را عذابی بزرگ است. و برخی از مردم می گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند. با خدا و مؤمنان نیرنگ می بازند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی زنند، و نمی فهمند. در دلهایشان مرضی است و خدا بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند، عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. و چون به

1- . بقره / 6 - 16

آنان گفته شود: «در زمین فساد مکنید»، می گویند: «ما خود اصلاحگریم.» به هوش باشید که آنان فسادگرانند، لیکن نمی فهمند. و چون به آنان گفته شود: «همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید»، می گویند: «آیا همان گونه که کم خردان ایمان آورده اند، ایمان بیاوریم؟» هشدار که آنان همان کم خردانند ولی نمی دانند. و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می گویند: «ایمان آوردیم»، و چون با شیطانهای خود خلوت کنند، می گویند: «در حقیقت ما با شماییم، ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم.» خدا [است که] ریشخندشان می کند، و آنان را در طغیانشان فرو می گذارد تا سرگردان شوند. همین کسانند که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند، در نتیجه داد و ستدشان سود [ی به بار] نیاورد و هدایت یافته نبودند. }

- «يا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذى خَلَقَكُمْ وَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ *الَّذى جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِراشاً وَ السَّماءَ بِناءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَكُمْ فَلا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْداداً وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ *وَ إِنْ كُنْتُمْ فى رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلى عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ.» (1)

{ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده است، پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید. همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده]، و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه ها رزقی برای شما بیرون آورد پس برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که خود می دانید. و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس - اگر راست می گویید - سوره ای مانند آن بیاورید و گواهان خود را - غیر خدا - فرا خوانید. }

- «وَ بَشِّرِ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ كُلَّما رُزِقُوا مِنْها مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قالُوا هذَا الَّذى رُزِقْنا مِنْ قَبْلُ وَ أُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً وَ لَهُمْ فيها أَزْواجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فيها خالِدُونَ *إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيى أَنْ يَضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذينَ كَفَرُوا

1- . بقره / 21 - 23

فَيَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً يُضِلُّ بِهِ كَثيراً وَ يَهْدى بِهِ كَثيراً وَ ما يُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقينَ.»(1)

{و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است. هر گاه میوه ای از آن روزیِ ایشان شود، می گویند: «این همان است که پیش از این [نیز] روزیِ ما بوده.» و مانند آن [نعمتها] برای آنها آورده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند. خدای را از اینکه به پشه ای - یا فروتر [یا فراتر] از آن - مَثَل زند، شرم نیاید. پس کسانی که ایمان آورده اند می دانند که آن [مَثَل] از جانب پروردگارشان بجاست ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند: «خدا از این مَثَل چه قصد داشته است؟» [خدا] بسیاری را با آن گمراه، و بسیاری را با آن راهنمایی می کند و [لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی کند.}

- «یا بَنی إِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَ إِیَّایَ فَارْهَبُونِ *وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ وَ لا تَکُونُوا أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتی ثَمَناً قَلیلاً وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ *وَ لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَکْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.» (2)

{ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بترسید. و بدانچه نازل کرده ام - که مؤید همان چیزی است که با شماست - ایمان آرید و نخستین منکر آن نباشید، و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید، و تنها از من پروا کنید. و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را - با آنکه خود می دانید - کتمان نکنید.}

- «أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتابَ أَفَلا تَعْقِلُونَ.»(3)

{آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید؟ آیا [هیچ] نمی اندیشید؟}

1- . بقره 25 - 26
2- . بقره / 40 - 42
3- . بقره / 44

- «يا بَنى إِسْرائيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتى أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَنِّى فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعالَمينَ.» (1)

{ای فرزندان اسرائیل، از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتم، و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید.}

- «أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كانَ فَريقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ *وَ إِذا لَقُوا الَّذينَ آمَنُوا قالُوا آمَنَّا وَ إِذا خَلا بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ قالُوا أَ تُحَدِّثُونَهُمْ بِما فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ *أَ وَ لا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ *وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لا يَعْلَمُونَ الْكِتابَ إِلاَّ أَمانِيَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ يَظُنُّونَ *فَوَيْلٌ لِلَّذينَ يَكْتُبُونَ الْكِتابَ بِأَيْديهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَليلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْديهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ.» (2)

{آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می کردند، و خودشان هم می دانستند.و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می گویند: «ما ایمان آورده ایم.» و وقتی با همدیگر خلوت می کنند، می گویند: «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است، برای آنان حکایت می کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمی کنید؟» آیا نمی دانند که خداوند آنچه را پوشیده می دارند، و آنچه را آشکار می کنند، می داند؟ و [بعضی] از آنان بی سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی دانند، و فقط گمان می برند. پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با دستهای خود می نویسند، سپس می گویند: «این از جانب خداست»، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند.}

1- . بقره / 47
2- . بقره / 75 - 79

- «وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَ بَنى إِسْرائيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللَّهَ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ ذِى الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكينِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً وَ أَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلاَّ قَليلاً مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ *وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَكُمْ لا تَسْفِكُونَ دِماءَكُمْ وَ لا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ *ثُمَّ أَنْتُمْ هؤُلاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَريقاً مِنْكُمْ مِنْ دِيارِهِمْ تَظاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ إِنْ يَأْتُوكُمْ أُسارى تُفادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْراجُهُمْ أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَما جَزاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذلِكَ مِنْكُمْ إِلاَّ خِزْىٌ فِى الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يُرَدُّونَ إِلى أَشَدِّ الْعَذابِ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ *أُولئِكَ الَّذينَ اشْتَرَوُا الْحَياةَ الدُّنْيا بِالْآخِرَةِ فَلا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ *وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ وَ قَفَّيْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنا عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّناتِ وَ أَيَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَ فَكُلَّما جاءَكُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوى أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَريقاً كَذَّبْتُمْ وَ فَريقاً تَقْتُلُونَ *وَ قالُوا قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَليلاً ما يُؤْمِنُونَ *وَ لَمَّا جاءَهُمْ كِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ كانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكافِرينَ *بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْياً أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلى غَضَبٍ وَ لِلْكافِرينَ عَذابٌ مُهينٌ *وَ إِذا قيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا نُؤْمِنُ بِما أُنْزِلَ عَلَيْنا وَ يَكْفُرُونَ بِما وَراءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقاً لِما مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِياءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ *وَ لَقَدْ جاءَكُمْ مُوسى بِالْبَيِّناتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظالِمُونَ *وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَكُمْ وَ رَفَعْنا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا ما آتَيْناكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اسْمَعُوا قالُوا سَمِعْنا وَ عَصَيْنا وَ أُشْرِبُوا فى قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَما يَأْمُرُكُمْ بِهِ إيمانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ *قُلْ إِنْ كانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَداً بِما قَدَّمَتْ أَيْديهِمْ وَ اللَّهُ عَليمٌ بِالظَّالِمينَ *وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلى حَياةٍ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَ اللَّهُ بَصيرٌ بِما يَعْمَلُونَ *قُلْ مَنْ كانَ عَدُوًّا لِجِبْريلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ وَ هُدىً وَ بُشْرى لِلْمُؤْمِنينَ *مَنْ كانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْريلَ وَ ميكالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكافِرينَ *وَ

لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَيْکَ آياتٍ بَيِّناتٍ وَ ما يَکْفُرُ بِها إِلاَّ الْفاسِقُونَ *أَ وَ کُلَّما عاهَدُوا عَهْداً نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا يُؤْمِنُونَ *وَ لَمَّا جاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْکِتابَ کِتابَ اللَّهِ وَراءَ ظُهُورِهِمْ کَأَنَّهُمْ لا يَعْلَمُونَ *وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّياطِينُ عَلى مُلْکِ سُلَيْمانَ وَ ما کَفَرَ سُلَيْمانُ وَ لکِنَّ الشَّياطِينَ کَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَ ما أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَکَيْنِ بِبابِلَ هارُوتَ وَ مارُوتَ وَ ما يُعَلِّمانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولا إِنَّما نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلاَ تَکْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ ما هُمْ بِضارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ ما يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَراهُ ما لَهُ فِى الْآخِرَهِ مِنْ خَلاقٍ وَ لَبِئْسَ ما شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ کانُوا يَعْلَمُونَ *وَ لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَهٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ کانُوا يَعْلَمُونَ *يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْکافِرِينَ عَذابٌ أَلِيمٌ *ما يَوَدُّ الَّذِينَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ لاَ الْمُشْرِکِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْکُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ اللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ *ما نَنْسَخْ مِنْ آيَهٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلى کُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ *أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ *أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَکُمْ کَما سُئِلَ مُوسى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَبَدَّلِ الْکُفْرَ بِالْإِيمانِ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِيلِ *وَدَّ کَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ يَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمانِکُمْ کُفَّاراً حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلى کُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ *وَ أَقِيمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ *وَ قالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلاَّ مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصارى تِلْکَ أَمانِيُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِينَ *بَلى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ *وَ قالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصارى عَلى شَيْ ءٍ وَ قالَتِ النَّصارى لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلى شَيْ ءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْکِتابَ کَذلِکَ قالَ الَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْکُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ فِيما کانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ *وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْکَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعى فى خَرابِها أُولئِکَ ما کانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوها إِلاَّ خائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَهِ عَذابٌ عَظِيمٌ *وَ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَيْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ واسِعٌ عَلِيمٌ *وَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ لَهُ ما

فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلٌّ لَهُ قانِتُونَ *بَدیعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِذا قَضی أَمْراً فَإِنَّما یَقُولُ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ *وَ قالَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ لَوْ لا یُکَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتینا آیَهٌ کَذلِکَ قالَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَیَّنَّا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ *إِنَّا أَرْسَلْناکَ بِالْحَقِّ بَشیراً وَ نَذیراً وَ لا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحابِ الْجَحیمِ *وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لاَ النَّصاری حَتَّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَی اللَّهِ هُوَ الْهُدی وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْواءَهُمْ بَعْدَ الَّذی جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ ما لَکَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصیرٍ *الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ *یا بَنی إِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمینَ *وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا تَنْفَعُها شَفاعَهٌ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ *وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظَّالِمینَ *وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثابَهً لِلنَّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهیمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنا إِلی إِبْراهیمَ وَ إِسْماعیلَ أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ لِلطَّائِفینَ وَ الْعاکِفینَ وَ الرُّکَّعِ السُّجُودِ *وَ إِذْ قالَ إِبْراهیمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلیلاً ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلی عَذابِ النَّارِ وَ بِئْسَ الْمَصیرُ *وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمیعُ الْعَلیمُ *رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّهً مُسْلِمَهً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحیمُ *رَبَّنا وَ ابْعَثْ فیهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ یُزَکِّیهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *وَ مَنْ یَرْغَبُ عَنْ مِلَّهِ إِبْراهیمَ إِلاَّ مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدِ اصْطَفَیْناهُ فِی الدُّنْیا وَ إِنَّهُ فِی الْآخِرَهِ لَمِنَ الصَّالِحینَ *إِذْ قالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعالَمینَ *وَ وَصَّی بِها إِبْراهیمُ بَنیهِ وَ یَعْقُوبُ یا بَنِیَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفی لَکُمُ الدِّینَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ *أَمْ کُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ یَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنیهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهیمَ وَ إِسْماعیلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ *تِلْکَ أُمَّهٌ قَدْ خَلَتْ لَها ما کَسَبَتْ وَ لَکُمْ ما کَسَبْتُمْ وَ لا تُسْئَلُونَ عَمَّا کانُوا یَعْمَلُونَ *وَ قالُوا کُونُوا هُوداً أَوْ نَصاری تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّهَ إِبْراهیمَ حَنیفاً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکینَ.»(1)

1- . بقره / 83 - 135

{و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبانِ] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید» آن گاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که: «خون همدیگر را مریزید، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید» سپس [به این پیمان] اقرار کردید، و خود گواهید. [ولی] باز همین شما هستید که یکدیگر را می کشید، و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می رانید، و به گناه و تجاوز، بر ضد آنان به یکدیگر کمک می کنید. و اگر به اسارت پیش شما آیند، به [دادن] فدیه، آنان را آزاد می کنید، با آنکه [نه تنها کشتن، بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است. آیا شما به پاره ای از کتاب [تورات] ایمان می آورید، و به پاره ای کفر می ورزید؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز ایشان را به سخت ترین عذابها باز برند، و خداوند از آنچه می کنید غافل نیست. همین کسانند که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند. پس نه عذاب آنان سبک گردد، و نه ایشان یاری شوند. و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم، و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم، و عیسی پسر مریم را معجزه های آشکار بخشیدیم، و او را با «روح القدس» تأیید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید. و گفتند: «دلهای ما در غلاف است.» [نه، چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان، لعنتشان کرده است. پس آنان که ایمان می آورند چه اندک شماره اند. و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد. وه که به چه بد بهایی خود را فروختند که به آنچه خدا نازل کرده بود از سر رشک انکار آوردند، که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد [آیاتی] فرو می فرستد. پس به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند. و برای کافران عذابی خفت آور است. و

چون به آنان گفته شود: «به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید»، می گویند: «ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می آوریم.» و غیر آن را - با آنکه [کاملا] حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است - انکار می کنند. بگو: «اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این، پیامبران خدا را می کشتید؟» و قطعاً موسی برای شما معجزات آشکاری آورد، سپس آن گوساله را در غیاب وی [به خدایی] گرفتید، و ستمکار شدید. و آن گاه که از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم، [و گفتیم:] «آنچه را به شما داده ایم به جد و جهد بگیرید، و [به دستورهای آن] گوش فرا دهید.» گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم.» و بر اثر کفرشان، [مِهر] گوساله در دلشان سرشته شد. بگو: «اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی دارد.»بگو: «اگر در نزد خدا، سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد، نه دیگر مردم، پس اگر راست می گویید آرزوی مرگ کنید.» ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده اند، هرگز آن را آرزو نخواهند کرد. و خدا به [حال] ستمگران داناست. و آنان را مسلماً آزمندترین مردم به زندگی، و [حتی حریص تر] از کسانی که شرک می ورزند خواهی یافت. هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند داشت. و خدا بر آنچه می کنند بیناست.بگو: «کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او، به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.»هر که دشمن خدا، و فرشتگان و فرستادگان او، و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است.و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم، و جز فاسقان [کسی] آنها را انکار نمی کند. و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکندند؟ بلکه [حقیقت این است که] بیشترشان ایمان نمی آورند. و آن گاه که فرستاده ای از جانب خداوند برایشان آمد - که آنچه را با آنان بود تصدیق می داشت - گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند، چنان که گویی [از آن هیچ] نمی دانند. و آنچه را که شیطان [صفت] ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند، پیروی کردند. و سلیمان کفر نورزید،

لیکن آن شیطان [صفت] ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابِل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می گفتند: «ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی.» و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می آموختند که برایشان زیان داشت، و سودی بدیشان نمی رسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره ای ندارد. وه که چه بد بود آنچه به جان خریدند- اگر می دانستند. اگر آنها گرویده و پرهیزگاری کرده بودند قطعاً پاداشی [که] از جانب خدا [می یافتند] بهتر بود - اگر می دانستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرنا»، و [این توصیه را] بشنوید و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است. نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده اند، و نه مشرکان [هیچ کدام] دوست نمی دارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید، با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد، و خدا دارای فزون بخشی عظیم است. هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم، بهتر از آن، یا مانندش را می آوریم مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست؟ مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آنِ خداست و شما جز خدا سرور و یاوری ندارید؟ آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است. بسیاری از اهل کتاب - پس از اینکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را بیاورد، که خدا بر هر کاری تواناست. و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا باز خواهید یافت آری، خدا به آنچه می کنید بیناست. و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد.» این آرزوهای [واهیِ] ایشان

است. بگو: «اگر راست می گویید، دلیل خود را بیاورید.» آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد. و یهودیان گفتند: «ترسایان بر حق نیستند.» و ترسایان گفتند: «یهودیان بر حق نیستند»- با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند. افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند. پس خداوند، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می کردند، میان آنان داوری خواهد کرد.و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود، و در ویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد] ها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری، و در آخرت عذابی بزرگ است. و مشرق و مغرب از آنِ خداست پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست. آری، خدا گشایشگر داناست. و گفتند: «خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است.» او منزّه است. بلکه هر چه در آسمانها و زمین است، از آنِ اوست، [و] همه فرمانپذیر اویند. افراد نادان گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟ یا برای ما معجزه ای نمی آید؟» کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می گفتند. دلها [و افکار] شان به هم می ماند. ما نشانه ها [ی خود] را برای گروهی که یقین دارند، نیک روشن گردانیده ایم. ما تو را بحق فرستادیم، تا بشارتگر و بیم دهنده باشی، و [لی] درباره دوزخیان، از تو پرسشی نخواهد شد. و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی شوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی. بگو: «در حقیقت، تنها هدایتِ خداست که هدایت [واقعی] است.» و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یاوری نخواهی داشت. کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، [و] آن را چنان که باید می خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند. و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند، همانانند که زیانکارانند. ای فرزندان اسرائیل، نعمتم را، که بر شما ارزانی داشتم، و اینکه شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید. و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی کند، و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود، و نه او را میانجیگری سودمند افتد، و نه یاری شوند. و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و

وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی رسد.» و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم:] «در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید»، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید.» و چون ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان، و مردمش را - هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد - از فرآورده ها روزی بخش»، فرمود: «و [لی] هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می کشانم، و چه بد سرانجامی است.» و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا می بردند، [می گفتند:] «ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی. پروردگارا، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای، که تویی توبه پذیر مهربان. پروردگارا، در میان آنان، فرستاده ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند، زیرا که تو خود، شکست ناپذیر حکیمی.» و چه کسی - جز آنکه به سبک مغزی گراید - از آیین ابراهیم روی برمی تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. هنگامی که پروردگارش به او فرمود: «تسلیم شو»، گفت: «به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند:] «ای پسران من، خداوند برای شما این دین را برگزید پس، البته نباید جز مسلمان بمیرید.» آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق- معبودی یگانه- را می پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم.» آن جماعت را روزگار به سر آمد دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست و از آنچه آنان می کرده اند، شما بازخواست نخواهید شد. و [اهل کتاب] گفتند: «یهودی یا مسیحی

باشید، تا هدایت یابید» بگو: «نه، بلکه [بر] آیین ابراهیم حق گرا [هستم] و وی از مشرکان نبود.» }

- «قُلْ أَ تُحَاجُّونَنا فِی اللَّهِ وَ هُوَ رَبُّنا وَ رَبُّکُمْ وَ لَنا أَعْمالُنا وَ لَکُمْ أَعْمالُکُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ *أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطَ کانُوا هُوداً أَوْ نَصاری قُلْ أَ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ کَتَمَ شَهادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ.» (1)

{بگو: آیا درباره خدا با ما بحث و گفتگو می کنید؟ با آنکه او پروردگار ما و پروردگار شماست و کردارهای ما از آنِ ما، و کردارهای شما از آن شماست، و ما برای او اخلاص می ورزیم. یا می گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [دوازده گانه] یهودی یا نصرانی بوده اند؟» بگو: «آیا شما بهتر می دانید یا خدا؟» و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد؟ و خدا از آنچه می کنید غافل نیست. }

- «سَیَقُولُ السُّفَهاءُ مِنَ النَّاسِ ما وَلاَّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتی کانُوا عَلَیْها قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ یَهْدی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیم*وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهیداً وَ ما جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتی کُنْتَ عَلَیْها إِلاَّ لِنَعْلَمَ مَنْ یَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ یَنْقَلِبُ عَلی عَقِبَیْهِ وَ إِنْ کانَتْ لَکَبیرَةً إِلاَّ عَلَی الَّذینَ هَدَی اللَّهُ وَ ما کانَ اللَّهُ لِیُضیعَ إیمانَکُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحیمٌ *قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَیْثُ ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکُمْ شَطْرَهُ وَ إِنَّ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ*وَ لَئِنْ أَتَیْتَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ بِکُلِّ آیَةٍ ما تَبِعُوا قِبْلَتَکَ وَ ما أَنْتَ بِتابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَ ما بَعْضُهُمْ بِتابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْواءَهُمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّکَ إِذاً لَمِنَ الظَّالِمینَ *الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ إِنَّ فَریقاً مِنْهُمْ لَیَکْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ.» (2)

1- . بقره / 139 - 140
2- . بقره / 142 - 146

{به زودی مردم کم خرد خواهند گفت: «چه چیز آنان را از قبله ای که بر آن بودند روی گردان کرد؟» بگو: «مشرق و مغرب از آن خداست هر که را خواهد به راه راست هدایت می کند.» و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. و قبله ای را که [چندی] بر آن بودی، مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می کند، از آن کس که از عقیده خود برمی گردد بازشناسیم و البتّه [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده، سخت گران بود و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند، زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است. ما [به هر سو] گردانیدنِ رویت در آسمان را نیک می بینیم. پس [باش تا] تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی برگردانیم پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت، اهل کتاب نیک می دانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [بجا و] درست است و خدا از آنچه می کنند غافل نیست. و اگر هر گونه معجزه ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله تو را پیروی نمی کنند، و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی، و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند، و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده، اگر از هوسهای ایشان پیروی کنی، در آن صورت جدّا از ستمکاران خواهی بود. کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده ایم، همان گونه که پسران خود را می شناسند، او [محمد] را می شناسند و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می دارند، و خودشان [هم] می دانند.}

- «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَ لَوْ یَرَی الَّذینَ ظَلَمُوا إِذْ یَرَوْنَ الْعَذابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمیعاً وَ أَنَّ اللَّهَ شَدیدُ الْعَذابِ *إِذْ تَبَرَّأَ الَّذینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذینَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ *وَ قالَ الَّذینَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنا کَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ کَما تَبَرَّؤُا مِنَّا کَذلِکَ یُریهِمُ اللَّهُ أَعْمالَهُمْ حَسَراتٍ عَلَیْهِمْ وَ ما هُمْ بِخارِجینَ مِنَ النَّارِ.» (1)

{و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می دارند ولی کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت

1- . بقره / 165 - 167

بیشتری دارند. کسانی که [با برگزیدن بتها، به خود] ستم نموده اند، اگر می دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو [ها] از آنِ خداست، و خدا سخت کیفر است. آن گاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان پیوندها بریده گردد. و پیروان می گویند: «کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم.» این گونه خداوند، کارهایشان را - که بر آنان مایه حسرتهاست - به ایشان می نمایاند، و از آتش بیرون آمدنی نیستند. }

- «وَ إِذا قیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ *وَ مَثَلُ الَّذینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذی یَنْعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلاَّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ.» (1)

{و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید» می گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم.» آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟و مَثَل [دعوت کننده] کافران چون مَثَل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم، چیزی] نمی شنود بانگ می زند. [آری،] کرند، لالند، کورند. [و] درنمی یابند. }

- «لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکینَ وَ ابْنَ السَّبیلِ وَ السَّائِلینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.» (2)

{نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آوَرَد، و مال [خود] را با وجودِ دوست داشتنش، به خویشاوندان و

1- . بقره / 170 - 171
2- . بقره / 177

یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راهِ آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارانند و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند، و آنان همان پرهیزگارانند. }

- «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُعْجِبُکَ قَوْلُهُ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یُشْهِدُ اللَّهَ عَلی ما فی قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصامِ *وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فِیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ *وَ إِذا قیلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّهُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَبِئْسَ الْمِهادُ *وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْری نَفْسَهُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبادِ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّهً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ *فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْکُمُ الْبَیِّناتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزیزٌ حَکیمٌ *هَلْ یَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ یَأْتِیَهُمُ اللَّهُ فی ظُلَلٍ مِنَ الْغَمامِ وَ الْمَلائِکَهُ وَ قُضِیَ الْأَمْرُ وَ إِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ *سَلْ بَنی إِسْرائیلَ کَمْ آتَیْناهُمْ مِنْ آیَهٍ بَیِّنَهٍ وَ مَنْ یُبَدِّلْ نِعْمَهَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدیدُ الْعِقابِ.» (1)

{و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجّب وامی دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد، و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است. و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباهکاری را دوست ندارد. و چون به او گفته شود: «از خدا پروا کن» نخوت، وی را به گناه کشاند. پس جهنم برای او بس است، و چه بد بستری است. از فرزندان اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه های روشنی به آنان دادیم و هر کس نعمت خدا را - پس از آنکه برای او آمد - [به کفران] بدل کند، خدا سخت کیفر است. }

- «فَإِنْ حَاجُّوکَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِیَ لِلَّهِ وَ مَنِ اتَّبَعَنِ وَ قُلْ لِلَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ الْأُمِّیِّینَ أَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَیْکَ الْبَلاغُ وَ اللَّهُ بَصیرٌ بِالْعِبادِ.» (2)

1- . بقره / 204 - 211
2- . آل عمران / 20

{پس اگر با تو به محاجّه برخاستند، بگو: «من خود را تسلیم خدا نموده ام، و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است].» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو: «آیا اسلام آورده اید؟» پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته اند، و اگر روی برتافتند، فقط رساندنِ پیام بر عهده توست، و خداوند به [امور] بندگان بیناست. }

- «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ أُوتُوا نَصیباً مِنَ الْکِتابِ یُدْعَوْنَ إِلی کِتابِ اللَّهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ یَتَوَلَّی فَریقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُونَ *ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلاَّ أَیَّاماً مَعْدُوداتٍ وَ غَرَّهُمْ فی دینِهِمْ ما کانُوا یَفْتَرُونَ.» (1)

{آیا داستان کسانی را که بهره ای از کتاب [تورات] یافته اند ندانسته ای که [چون] به سوی کتاب خدا فراخوانده می شوند تا میانشان حکم کند، آن گه گروهی از آنان به حال اعراض، روی برمی تابند؟ این بدان سبب بود که آنان [به پندار خود] گفتند: «هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید»، و برساخته هایشان آنان را در دینشان فریفته کرده است. }

- «إِنَّ مَثَلَ عیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ *الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَلا تَکُنْ مِنَ الْمُمْتَرینَ *فَمَنْ حَاجَّکَ فیهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَکُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَکُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَی الْکاذِبینَ *إِنَّ هذا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلاَّ اللَّهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلیمٌ بِالْمُفْسِدینَ *قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَةٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ *یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فی إِبْراهیمَ وَ ما أُنْزِلَتِ التَّوْراةُ وَ الْإِنْجیلُ إِلاَّ مِنْ بَعْدِهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ *ها أَنْتُمْ هؤُلاءِ حاجَجْتُمْ فیما لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فیما لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ *ما کانَ إِبْراهیمُ یَهُودِیًّا وَ لا نَصْرانِیًّا وَ لکِنْ کانَ حَنیفاً مُسْلِماً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکینَ *إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْراهیمَ لَلَّذینَ اتَّبَعُوهُ وَ هذَا النَّبِیُّ وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَلِیُّ الْمُؤْمِنینَ *وَدَّتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یُضِلُّونَکُمْ وَ ما یُضِلُّونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ

1- . آل عمران / 23 - 24

وَ ما يَشْعُرُونَ *يا أَهْلَ الْكِتابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ *يا أَهْلَ الْكِتابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ *وَ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ آمِنُوا بِالَّذی أُنْزِلَ عَلَی الَّذینَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهارِ وَ اكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ *وَ لا تُؤْمِنُوا إِلاَّ لِمَنْ تَبِعَ دينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدی هُدَی اللَّهِ أَنْ يُؤْتی أَحَدٌ مِثْلَ ما أُوتيتُمْ أَوْ يُحاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَليمٌ *يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ *وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدينارٍ لا يُؤَدِّهِ إِلَيْکَ إِلاَّ ما دُمْتَ عَلَيْهِ قائِماً ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَيْسَ عَلَيْنا فِی الْأُمِّيِّينَ سَبيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ *بَلی مَنْ أَوْفی بِعَهْدِهِ وَ اتَّقی فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقينَ *إِنَّ الَّذينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَيْمانِهِمْ ثَمَناً قَليلاً أُولئِکَ لا خَلاقَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ وَ لا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ *وَ إِنَّ مِنْهُمْ لَفَريقاً يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتابِ وَ ما هُوَ مِنَ الْكِتابِ وَ يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ يَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ *ما كانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِباداً لی مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِما كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتابَ وَ بِما كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ *وَ لا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْباباً أَ يَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ *وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ ميثاقَ النَّبِيِّينَ لَما آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلی ذلِكُمْ إِصْری قالُوا أَقْرَرْنا قالَ فَاشْهَدُوا وَ أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدينَ *فَمَنْ تَوَلَّی بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ *أَ فَغَيْرَ دينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ *قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ عَلَيْنا وَ ما أُنْزِلَ عَلی إِبْراهيمَ وَ إِسْماعيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ ما أُوتِیَ مُوسی وَ عيسی وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ *وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلامِ ديناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِی الْآخِرَةِ مِنَ الْخاسِرينَ *كَيْفَ يَهْدِی اللَّهُ قَوْماً كَفَرُوا بَعْدَ إيمانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ اللَّهُ لا يَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمينَ.»(1)

1- . آل عمران / 59 - 86

{در واقع، مَثَلِ عیسی نزد خدا همچون مَثَلِ [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس بدو گفت: «باش» پس وجود یافت. [آنچه درباره عیسی گفته شد] حق [و] از جانب پروردگار تو است. پس، از تردیدکنندگان مباش.پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم سپس مباهله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» آری، داستان درست [مسیح] همین است و معبودی جز خدا نیست، و خداست که در واقع، همان شکست ناپذیر حکیم است. پس اگر رویگردان شدند، همانا خداوند به [حال] مفسدان داناست. بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: «شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].» ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم محاجه می کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی کنید؟ هان، شما [اهل کتاب] همانان هستید که درباره آنچه نسبت به آن دانشی داشتید محاجه کردید، پس چرا در مورد چیزی که بدان دانشی ندارید محاجه می کنید؟ با آنکه خدا می داند و شما نمی دانید. ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق گرایی فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود. در حقیقت، نزدیکترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده اند و خدا سرور مؤمنان است. گروهی از اهل کتاب آرزو می کنند کاش شما را گمراه می کردند، در صورتی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی کنند و نمی فهمند. ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می ورزید با آنکه خود [به درستی آن] گواهی می دهید؟ ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل درمی آمیزید و حقیقت را کتمان می کنید، با اینکه خود می دانید؟ و جماعتی از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد، ایمان بیاورید، و در پایان [روز] انکار کنید شاید آنان [از اسلام] برگردند.» و [گفتند:] «جز به کسی که دین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید - بگو: «هدایت، هدایت خداست» - مبادا به کسی

نظیر آنچه به شما داده شده، داده شود، یا در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند.» بگو: « [این] تفضل به دست خداست آن را به هر کس که بخواهد می دهد، و خداوند، گشایشگر داناست. رحمت خود را به هر کس که بخواهد مخصوص می گرداند، و خداوند دارای بخشش بزرگ است. و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن را به تو برگرداند و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری، آن را به تو نمی پردازد، مگر آنکه دایماً بر [سرِ] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می بندند با اینکه خودشان [هم] می دانند. آری، هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد. کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می فروشند، آنان را در آخرت بهره ای نیست و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و به ایشان نمی نگرد، و پاکشان نمی گرداند، و عذابی دردناک خواهند داشت. و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده ای] می پیچانند، تا آن [بربافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید، با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست و می گویند: «آن از جانب خداست»، در صورتی که از جانب خدا نیست و بر خدا دروغ می بندند، با اینکه خودشان [هم] می دانند. هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد سپس او به مردم بگوید: «به جای خدا، بندگان من باشید.» بلکه [باید بگوید:] «به سبب آنکه کتاب [آسمانی] تعلیم می دادید و از آن رو که درس می خواندید، علمای دین باشید.» و [نیز] شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیرید. آیا پس از آنکه سر به فرمان [خدا] نهاده اید [باز] شما را به کفر وامی دارد؟ و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید. [آن گاه] فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم.» فرمود: «پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.» پس، کسانی که بعد از این [پیمان] روی برتابند آنان، خود،

نافرمانانند. آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند. بگو: «به خدا و آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده، گرویدیم [و] میان هیچ یک از آنان فرق نمی گذاریم و ما او را فرمانبرداریم. و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است. چگونه خداوند، قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند، هدایت می کند؟ با آنکه شهادت دادند که این رسول، بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد، و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی کند. }

- «کُلُّ الطَّعامِ کانَ حِلاًّ لِبَنِی إِسْرائیلَ إِلاَّ ما حَرَّمَ إِسْرائیلُ عَلی نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْراهُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْراهِ فَاتْلُوها إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *فَمَنِ افْتَری عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ *قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّهَ إِبْراهیمَ حَنیفاً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکینَ.» (1)

{همه خوراکیها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود. بگو: «اگر [جز این است و] راست می گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.» پس کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، آنان خود ستمکارانند. بگو: «خدا راست گفت. پس، از آیین ابراهیم که حق گرا بود و از مشرکان نبود، پیروی کنید.» }

- «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تَکْفُرُونَ بِآیاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ شَهیدٌ عَلی ما تَعْمَلُونَ *قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَها عِوَجاً وَ أَنْتُمْ شُهَداءُ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تُطیعُوا فَریقاً مِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ یَرُدُّوکُمْ بَعْدَ إیمانِکُمْ کافِرینَ *وَ کَیْفَ تَکْفُرُونَ وَ أَنْتُمْ تُتْلی عَلَیْکُمْ آیاتُ اللَّهِ وَ فیکُمْ رَسُولُهُ وَ مَنْ یَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِیَ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ.» (2)

1- . آل عمران / 93 - 95
2- . آل عمران / 98 - 101

{بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می ورزید؟ با آنکه خدا بر آنچه می کنید گواه است.» بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می دارید و آن [راه] را کج می شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهید؟» و خدا از آنچه می کنید غافل نیست. ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از فرقه ای از اهل کتاب فرمان برید، شما را پس از ایمانتان به حال کفر برمی گردانند. و چگونه کفر می ورزید، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می شود و پیامبر او میان شماست؟ و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است. }

- «وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتابِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفاسِقُونَ *لَنْ يَضُرُّوكُمْ إِلاَّ أَذىً وَ إِنْ يُقاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبارَ ثُمَّ لا يُنْصَرُونَ *ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ ما ثُقِفُوا إِلاَّ بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَ باؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كانُوا يَكْفُرُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذلِكَ بِما عَصَوْا وَ كانُوا يَعْتَدُونَ *لَيْسُوا سَواءً مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ أُمَّةٌ قائِمَةٌ يَتْلُونَ آياتِ اللَّهِ آناءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ *يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسارِعُونَ فِى الْخَيْراتِ وَ أُولئِكَ مِنَ الصَّالِحينَ.» (1)

{و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود. برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند. جز آزاری [اندک] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند. هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده اند - مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم [روند] - و به خشمی از خدا گرفتار آمدند، و [مُهر] بینوایی بر آنان زده شد. این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می ورزیدند و پیامبران را بناحق می کشتند. [و نیز] این [عقوبت] به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه درمی گذرانیدند. [ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درستکردارند که آیات الهی را در دل شب می خوانند و سر به سجده می نهند. به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند بازمی دارند و در کارهای نیک شتاب می کنند، و آنان از شایستگانند. }

1- . آل عمران 110 - 114

- «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِياءُ سَنَكْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِياءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذابَ الْحَريقِ *ذلِکَ بِما قَدَّمَتْ أَيْديكُمْ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلاَّمٍ لِلْعَبيدِ *الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنا بِقُرْبانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلي بِالْبَيِّناتِ وَ بِالَّذی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *فَإِنْ كَذَّبُوکَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِکَ جاؤُ بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ وَ الْكِتابِ الْمُنيرِ *كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ وَ إِنَّما تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فازَ وَ مَا الْحَياهُ الدُّنْيا إِلاَّ مَتاعُ الْغُرُورِ *لَتُبْلَوُنَّ فی أَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا أَذیً كَثيراً وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ *وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ ميثاقَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَراءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَليلاً فَبِئْسَ ما يَشْتَرُونَ *لا تَحْسَبَنَّ الَّذينَ يَفْرَحُونَ بِما أَتَوْا وَ يُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِما لَمْ يَفْعَلُوا فَلا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفازَهٍ مِنَ الْعَذابِ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ *وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلى كُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ. (1)

{مسلماً خداوند، سخن كسانی را كه گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند، و بناحق كشتنِ آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذابِ سوزان را.» این [عقوبت] به خاطر كار و كردار پیشین شماست، [و گر نه] خداوند هرگز نسبت به بندگان [خود] بیدادگر نیست. همانان كه گفتند: «خدا با ما پیمان بسته كه به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانیی بیاورد كه آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند كه دلایل آشكار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را كشتید؟» پس اگر تو را تكذیب كردند، [بدان كه] پیامبرانی [هم] كه پیش از تو، دلایل روشن و نوشته ها و كتاب روشن آورده بودند، تكذیب شدند. هر جانداری چشنده [طعم] مرگ است، و همانا روز رستاخیز پاداشهایتان به طور كامل به شما داده می شود. پس هر كه را از آتش به دور دارند و در بهشت درآورند قطعاً كامیاب شده است و زندگی دنیا جز مایه

1- . آل عمران / 181 - 189

فریب نیست. قطعاً در مالها و جانهایتان آزموده خواهید شد، و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] از کسانی که به شرک گراییده اند، [سخنان دل] آزار بسیاری خواهید شنید، و [لی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در کارهاست. و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایید و کتمانش مکنید. پس، آن [عهد] را پشتِ سرِ خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله ای کردند. البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده اند شادمانی می کنند و دوست دارند به آنچه نکرده اند مورد ستایش قرار گیرند، قطعاً گمان مَبَر که برای آنان نجاتی از عذاب است، [که] عذابی دردناک خواهند داشت. و فرمانرواییِ آسمانها و زمین از آنِ خداست، و خداوند بر هر چیزی تواناست. }

وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خاشِعينَ لِلَّهِ لا يَشْتَرُونَ بِآياتِ اللَّهِ ثَمَناً قَليلاً أُولئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَريعُ الْحِسابِ.» (1)

{و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند، در حالی که در برابر خدا خاشعند، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند. ایناننند که نزد پروردگارشان پاداش خود را خواهند داشت. آری! خدا زود شمار است. }

- «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ أُوتُوا نَصيباً مِنَ الْكِتابِ يَشْتَرُونَ الضَّلالَةَ وَ يُريدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبيلَ *وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدائِكُمْ وَ كَفى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَ كَفى بِاللَّهِ نَصيراً*مِنَ الَّذينَ هادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ يَقُولُونَ سَمِعْنا وَ عَصَيْنا وَ اسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَ راعِنا لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْناً فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ اسْمَعْ وَ انْظُرْنا لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلا يُؤْمِنُونَ إِلاَّ قَليلاً *يا أَيُّهَا الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلى أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَما لَعَنَّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ كانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً *إِنَّ اللَّهَ لا يَغْفِرُ أَنْ

1- . آل عمران / 199

يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذلِكَ لِمَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرى إِثْماً عَظِيماً *أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشاءُ وَ لا يُظْلَمُونَ فَتيلاً *انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ كَفى بِهِ إِثْماً مُبيناً *أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ أُوتُوا نَصيباً مِنَ الْكِتابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ يَقُولُونَ لِلَّذينَ كَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدى مِنَ الَّذينَ آمَنُوا سَبيلاً *أُولئِكَ الَّذينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصيراً *أَمْ لَهُمْ نَصيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذاً لا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقيراً *أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلى ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنا آلَ إِبْراهيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظيماً.» (1)

{آیا به کسانی که بهره ای از کتاب یافته اند ننگریستی؟ گمراهی را می خرند و می خواهند شما [نیز] گمراه شوید. و خدا به [حالِ] دشمنان شما داناتر است. کافی است که خدا سرپرستِ [شما] باشد، و کافی است که خدا یاورِ [شما] باشد. برخی از آنان که یهودی اند، کلمات را از جاهای خود برمی گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبری به عربی] می گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی.» و [نیز از روی استهزا می گویند:] «راعنا» [که در عربی یعنی: به ما التفات کن، ولی در عبری یعنی: خبیث ما،] و اگر آنان می گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم، و بشنو و به ما بنگر»، قطعاً برای آنان بهتر و درست تر بود، ولی خدا آنان را به علّت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی آورند. ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم یا هم چنان که «اصحاب سَبْت» را لعنت کردیم آنان را [نیز] لعنت کنیم، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است. مسلّماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ بربافته است. آیا به کسانی که خویشتن را پاک می شمارند ننگریسته ای؟ [چنین نیست،] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می گرداند، و به قدر نخِ روی هسته خرمایی ستم نمی بینند. ببین چگونه بر خدا دروغ می بندند. و بس است که این،

1- . نساء / 44 - 54

یک گناهِ آشکار باشد. آیا کسانی را که از کتابِ [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای؟ که به «جِبت» و «طاغوت» ایمان دارند، و در باره کسانی که کفر ورزیده اند می گویند: «اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند.»اینانند که خدا لعنتشان کرده، و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یاوری نخواهی یافت.آیا آنان نصیبی از حکومت دارند؟ [اگر هم داشتند،] به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی دادند. بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم. }

- «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُریدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ وَ یُریدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلالاً بَعیداً *وَ إِذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلى ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَى الرَّسُولِ رَأَیْتَ الْمُنافِقینَ یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُوداً *فَکَیْفَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصیبَةٌ بِما قَدَّمَتْ أَیْدیهِمْ ثُمَّ جاؤُکَ یَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنا إِلاَّ إِحْساناً وَ تَوْفیقاً *أُولئِکَ الَّذینَ یَعْلَمُ اللَّهُ ما فی قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فی أَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَلیغاً.» (1)

{آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده اند [با این همه] می خواهند داوریِ میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند، و [لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهیِ دوری دراندازد. و چون به ایشان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [او] بیایید»، منافقان را می بینی که از تو سخت، روی برمی تابند. پس چگونه، هنگامی که به [سزایِ] کار و کردار پیشینشان مصیبتی به آنان می رسد، نزد تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما جز نیکویی و موافقت قصدی نداشتیم؟ اینان همان کسانند که خدا می داند چه در دل دارند. پس، از آنان روی برتاب، و [لی] پندشان ده، و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثّر] افتد، بگوی. }

1- . نساء / 60 - 63

- «وَ يَقُولُونَ طاعَهٌ فَإِذا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِکَ بَيَّتَ طائِفَهٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذی تَقُولُ وَ اللَّهُ يَكْتُبُ ما يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفى بِاللَّهِ وَكيلاً *أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فيهِ اخْتِلافاً كَثيراً *وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلى أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطانَ إِلاَّ قَليلاً .» (1)

{و می گویند: فرمانبرداریم، ولی چون از نزد تو بیرون می روند، جمعی از آنان شبانه، جز آنچه تو می گویی تدبیر می کنند. و خدا آنچه را که شبانه در سر می پرورند، می نگارد. پس، از ایشان روی برتاب و بر خدا توکّل کن، و خدا بس کارساز است. آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند. و چون خبری [حاکی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می توانند درست و نادرست] آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمتِ او بر شما نبود، مسلّماً جز [شمارِ] اندکی، از شیطان پیروی می کردید. }

- «إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاَّ إِناثاً وَ إِنْ يَدْعُونَ إِلاَّ شَيْطاناً مَريداً *لَعَنَهُ اللَّهُ وَ قالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبادِکَ نَصيباً مَفْرُوضاً *وَ لَأُضِلَّنَّهُمْ وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبيناً.» (2)

{[مشرکان]، به جای او، جز بتهای مادینه را [به دعا] نمی خوانند، و جز شیطانِ سرکش را نمی خوانند. خدا لعنتش کند، [وقتی که] گفت: «بی گمان، از میان بندگانت نصیبی معیّن [برای خود] برخواهم گرفت. و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد، و وادارشان می کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند، و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند.» و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است. }

1- . نساء / 81 - 83
2- . نساء / 117 - 119

- «لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ وَ لا أَمانِیِّ أَهْلِ الْکِتابِ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً یُجْزَ بِهِ وَ لا یَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِیًّا وَ لا نَصیراً.» (1)

{[پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی یابد.}

- «یَسْئَلُکَ أَهْلُ الْکِتابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَیْهِمْ کِتاباً مِنَ السَّماءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسی أَکْبَرَ مِنْ ذلِکَ فَقالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّناتُ فَعَفَوْنا عَنْ ذلِکَ وَ آتَیْنا مُوسی سُلْطاناً مُبیناً *وَ رَفَعْنا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمیثاقِهِمْ وَ قُلْنا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبابَ سُجَّداً وَ قُلْنا لَهُمْ لا تَعْدُوا فِی السَّبْتِ وَ أَخَذْنا مِنْهُمْ میثاقاً غَلیظاً *فَبِما نَقْضِهِمْ میثاقَهُمْ وَ کُفْرِهِمْ بِآیاتِ اللَّهِ وَ قَتْلِهِمُ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَیْها بِکُفْرِهِمْ فَلا یُؤْمِنُونَ إِلاَّ قَلیلاً *وَ بِکُفْرِهِمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلی مَرْیَمَ بُهْتاناً عَظیماً *وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسیحَ عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ ما قَتَلُوهُ وَ ما صَلَبُوهُ وَ لکِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ إِنَّ الَّذینَ اخْتَلَفُوا فیهِ لَفی شَکٍّ مِنْهُ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلاَّ اتِّباعَ الظَّنِّ وَ ما قَتَلُوهُ یَقیناً *بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ وَ کانَ اللَّهُ عَزیزاً حَکیماً *وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ إِلاَّ لَیُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ یَوْمَ الْقِیامَةِ یَکُونُ عَلَیْهِمْ شَهیداً *فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذینَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ طَیِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ کَثیراً *وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَکْلِهِمْ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ أَعْتَدْنا لِلْکافِرینَ مِنْهُمْ عَذاباً أَلیماً *لکِنِ الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ یُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ الْمُقیمینَ الصَّلاةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ أُولئِکَ سَنُؤْتیهِمْ أَجْراً عَظیماً.» (2)

{اهل کتاب از تو می خواهند که کتابی از آسمان [یکباره] بر آنان فرود آوری. البتّه از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند: «خدا را آشکارا به ما بنمای.» پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت. سپس، بعد از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، گوساله را [به پرستش] گرفتند، و ما از آن هم درگذشتیم و به موسی برهانی روشن عطا کردیم. و کوه طور را به یادبود پیمان [با] آنان، بالای سرشان

1- . نساء / 123

-2 . نساء / 153 - 162

افراشته داشتیم و به آنان گفتیم: «سجده کنان از در درآیید» و [نیز] به آنان گفتیم: «در روز شنبه تجاوز مکنید.» و از ایشان پیمانی استوار گرفتیم. پس به [سزای] پیمان شکنی شان، و انکارشان نسبت به آیات خدا، و کشتار ناحقّ آنان [از] انبیا، و گفتارشان که: «دلهای ما در غلاف است» [لعنتشان کردیم] بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دلهایشان مُهر زده و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی آورند. و [نیز] به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند، و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شکّ شده اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می کنند، و یقیناً او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا بُرد، و خدا توانا و حکیم است. و از اهلِ کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زَد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم و [به سبب] ربا گرفتنشان- با آنکه از آن نهی شده بودند- و به ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده ایم. لیکن راسخان آنان در دانش، و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران، و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد. }

- «یا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ فَآمِنُوا خَیْراً لَکُمْ وَ إِنْ تَکْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ کانَ اللَّهُ عَلیماً حَکیماً *یا أَهْلَ الْکِتابِ لا تَغْلُوا فی دینِکُمْ وَ لا تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ إِلاَّ الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسیحُ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ کَلِمَتُهُ أَلْقاها إِلی مَرْیَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَهٌ انْتَهُوا خَیْراً لَکُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ یَکُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ کَفی بِاللَّهِ وَکیلاً *لَنْ یَسْتَنْکِفَ الْمَسیحُ أَنْ یَکُونَ عَبْداً لِلَّهِ وَ لاَ الْمَلائِکَهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ یَسْتَنْکِفْ عَنْ عِبادَتِهِ وَ یَسْتَکْبِرْ فَسَیَحْشُرُهُمْ إِلَیْهِ جَمیعاً *فَأَمَّا الَّذینَ

آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَمَّا الَّذينَ اسْتَنْكَفُوا وَ اسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذاباً أَليماً وَ لا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لا نَصيراً *يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكُمْ نُوراً مُبيناً *فَأَمَّا الَّذينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ في رَحْمَهٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَ يَهْديهِمْ إِلَيْهِ صِراطاً مُسْتَقيماً *يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتيكُمْ فِي الْكَلالَهِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ أُخْتٌ فَلَها نِصْفُ ما تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُها إِنْ لَمْ يَكُنْ لَها وَلَدٌ فَإِنْ كانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثانِ مِمَّا تَرَكَ وَ إِنْ كانُوا إِخْوَهً رِجالاً وَ نِساءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَليمٌ.» (1)

{ای مردم، آن پیامبر [موعود]، حقیقت را از سوی پروردگارتان برای شما آورده است. پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است. و اگر کافر شوید [بدانید که] آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ خداست، و خدا دانای حکیم است. ای اهل کتاب، در دین خود غلوّ مکنید، و در باره خدا جز [سخنِ] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست، و خداوند بس کارساز است. مسیح از اینکه بنده خدا باشد هرگز ابا نمی ورزد، و فرشتگان مقرّب [نیز ابا ندارند] و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می آورد. امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پاداششان را به تمام [و کمال] خواهد داد، و از فضل خود به ایشان افزونتر می بخشد. و امّا کسانی که امتناع ورزیده و بزرگی فروخته اند، آنان را به عذابی دردناک دچار می سازد و در برابر خدا برای خود یار و یاوری نخواهند یافت. ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم. و امّا کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسّک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از

1- . نساء / 170 - 176

جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست هدایت کند. از تو [در باره کلاله] فتوا می طلبند بگو: «خدا در باره کلاله فتوا می دهد: اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، و خواهری داشته باشد، نصفِ میراث از آنِ اوست. و آن [مرد نیز] از او ارث می برد، اگر برای او [خواهر] فرزندی نباشد. پس اگر [ورثه فقط] دو خواهر باشند، دو سوم میراث برای آن دو است، و اگر [چند] خواهر و برادرند، پس نصیب مرد، مانند نصیب دو زن است. خدا برای شما توضیح می دهد تا مبادا گمراه شوید، و خداوند به هر چیزی داناست. }

- «فَبِما نَقْضِهِمْ میثاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنا قُلُوبَهُمْ قاسِیَةً یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ وَ لا تَزالُ تَطَّلِعُ عَلی خائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلاَّ قَلیلاً مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُحْسِنینَ *وَ مِنَ الَّذینَ قالُوا إِنَّا نَصاری أَخَذْنا میثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ وَ سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِما کانُوا یَصْنَعُونَ *یا أَهْلَ الْکِتابِ قَدْ جاءَکُمْ رَسُولُنا یُبَیِّنُ لَکُمْ کَثیراً مِمَّا کُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْکِتابِ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثیرٍ قَدْ جاءَکُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ کِتابٌ مُبینٌ *یَهْدی بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوانَهُ سُبُلَ السَّلامِ وَ یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ یَهْدیهِمْ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ *لَقَدْ کَفَرَ الَّذینَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسیحُ ابْنُ مَرْیَمَ قُلْ فَمَنْ یَمْلِکُ مِنَ اللَّهِ شَیْئاً إِنْ أَرادَ أَنْ یُهْلِکَ الْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ وَ أُمَّهُ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ جَمیعاً وَ لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ *وَ قالَتِ الْیَهُودُ وَ النَّصاری نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ یُعَذِّبُکُمْ بِذُنُوبِکُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ یَغْفِرُ لِمَنْ یَشاءُ وَ یُعَذِّبُ مَنْ یَشاءُ وَ لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ إِلَیْهِ الْمَصیرُ *یا أَهْلَ الْکِتابِ قَدْ جاءَکُمْ رَسُولُنا یُبَیِّنُ لَکُمْ عَلی فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا ما جاءَنا مِنْ بَشیرٍ وَ لا نَذیرٍ فَقَدْ جاءَکُمْ بَشیرٌ وَ نَذیرٌ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.»(1)

{پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم. [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند، و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند. و تو همواره بر خیانتی از آنان

ص: 39

1- . [1] مائده / 13- 19

آگاه می شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس، از آنان درگذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می دارد. و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و [لی] بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم، و به زودی خدا آنان را از آنچه می کرده اند [و می ساخته اند] خبر می دهد. ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب [آسمانی خود] را که پوشیده می داشتید برای شما بیان می کند، و از بسیاری [خطاهای شما] درمی گذرد. قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشنگر آمده است. خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه های سلامت رهنمون می شود، و به توفیق خویش، آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می برد و به راهی راست هدایتشان می کند. کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است» مسلّماً کافر شده اند. بگو: اگر [خدا] اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر که را که در زمین است، جملگی به هلاکت رساند، چه کسی در مقابل خدا اختیاری دارد؟ فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست. هر چه بخواهد می آفریند، و خدا بر هر چیزی تواناست. و یهودان و ترسایان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می کند؟ نه،] بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است. هر که را بخواهد می آمرزد، و هر که را بخواهد عذاب می کند، و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می باشد از آن خداست، و بازگشت [همه] به سوی اوست.» ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان [حقایق را] برای شما بیان می کند، تا مبادا [روز قیامت] بگویید: «برای ما بشارتگر و هشداردهنده ای نیامد.» پس قطعاً برای شما بشارتگر و هشداردهنده ای آمده است. و خدا بر هر چیزی تواناست. }

- «وَ قالَتِ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ غُلَّتْ أَیْدیهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ یَداهُ مَبْسُوطَتانِ یُنْفِقُ کَیْفَ یَشاءُ وَ لَیَزیدَنَّ کَثیراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیاناً وَ کُفْراً وَ أَلْقَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَهَ وَ الْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ کُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ

يَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ *وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنا عَنْهُمْ سَيِّئاتِهِمْ وَ لَأَدْخَلْناهُمْ جَنَّاتِ النَّعيمِ *وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثيرٌ مِنْهُمْ ساءَ ما يَعْمَلُونَ.» (1)

{و يهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلكه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغيان و كفر بسياری از ايشان خواهد افزود، و تا روز قيامت ميانشان دشمنی و كينه افكنديم. هر بار كه آتشی برای پيكار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمين برای فساد می كوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی دارد. و اگر اهل كتاب ايمان آورده و پرهيزگاری كرده بودند، قطعاً گناهانشان را می زدوديم و آنان را به بوستانهای پر نعمت درمی آورديم. و اگر آنان به تورات و انجيل و آنچه از جانب پروردگارشان به سويشان نازل شده است، عمل می كردند، قطعاً از بالای سرشان [بركات آسمانی] و از زير پاهايشان [بركات زمينی] برخوردار می شدند. از ميان آنان گروهی ميانه رو هستند، و بسياری از ايشان بد رفتار می كنند. }

- «قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لَسْتُمْ عَلى شَيْ ءٍ حَتَّى تُقيمُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزيدَنَّ كَثيراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْياناً وَ كُفْراً فَلا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرينَ *إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ الَّذينَ هادُوا وَ الصَّابِئُونَ وَ النَّصارى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ *لَقَدْ أَخَذْنا ميثاقَ بَنی إِسْرائيلَ وَ أَرْسَلْنا إِلَيْهِمْ رُسُلاً كُلَّما جاءَهُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوى أَنْفُسُهُمْ فَريقاً كَذَّبُوا وَ فَريقاً يَقْتُلُونَ *وَ حَسِبُوا أَلاَّ تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَ صَمُّوا ثُمَّ تابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَ صَمُّوا كَثيرٌ مِنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصيرٌ بِما يَعْمَلُونَ *لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قالَ الْمَسيحُ يا بَنی إِسْرائيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّی وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْواهُ النَّارُ وَ ما لِلظَّالِمينَ مِنْ أَنْصارٍ *لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ ثالِثُ ثَلاثَةٍ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلاَّ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذينَ

1- . مائده / 64 - 66

كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذابٌ أَليمٌ *أَ فَلا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَهُ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ *مَا الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كانا يَأْكُلانِ الطَّعامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآياتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ *قُلْ أَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ اللَّهُ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ *قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لا تَغْلُوا في دينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَ لا تَتَّبِعُوا أَهْواءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَ أَضَلُّوا كَثيراً وَ ضَلُّوا عَنْ سَواءِ السَّبيلِ *لُعِنَ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ بَنی إِسْرائيلَ عَلى لِسانِ داوُدَ وَ عيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذلِكَ بِما عَصَوْا وَ كانُوا يَعْتَدُونَ *كانُوا لا يَتَناهَوْنَ عَنْ مُنكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ ما كانُوا يَفْعَلُونَ *تَرى كَثيراً مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِی الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ *وَ لَوْ كانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ النَّبِيِّ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِياءَ وَ لكِنَّ كَثيراً مِنْهُمْ فاسِقُونَ *لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ قالُوا إِنَّا نَصارى ذلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسينَ وَ رُهْباناً وَ أَنَّهُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ *وَ إِذا سَمِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرى أَعْيُنَهُمْ تَفيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنا آمَنَّا فَاكْتُبْنا مَعَ الشَّاهِدينَ *وَ ما لَنا لا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما جاءَنا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنا رَبُّنا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحينَ *فَأَثابَهُمُ اللَّهُ بِما قالُوا جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها وَ ذلِكَ جَزاءُ الْمُحْسِنينَ.» (1)

{بگو: «ای اهل کتاب، تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده اید بر هیچ [آیین بر حقّی] نیستید.» و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود. پس بر گروه کافران اندوه مخور. کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی و صابئی و مسیحی اند، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان آوَرَد و کار نیکو کند، پس نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین خواهند شد. ما از فرزندان اسرائیل سخت پیمان گرفتیم، و به سویشان پیامبرانی روانه کردیم. هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد، گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند. و پنداشتند کیفری در کار نیست. پس کور و کَر شدند. سپس

-1 . مائده / 68 - 85

خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند، و خدا به آنچه انجام می دهند بیناست. کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، قطعاً کافر شده اند، و حال آنکه مسیح، می گفت: «ای فرزندان اسرائیل، پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید که هر کس به خدا شرک آوَرَد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست.» کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند: «خدا سومین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است، قطعاً کافر شده اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید. چرا به درگاه خدا توبه نمی کنند، و از وی آمرزش نمی خواهند؟ و خدا آمرزنده مهربان است. مسیح، پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی بسیار راستگو بود. هر دو غذا می خوردند. بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می دهیم سپس ببین چگونه [از حقیقت] دور می افتند. بگو: «آیا غیر از خدا چیزی را که اختیار زیان و سود شما را ندارد، می پرستید؟ و حال آنکه خداوند شنوای داناست.» بگو: «ای اهل کتاب، در دین خود بناحق گزافه گویی نکنید، و از پی هوسهای گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند، نروید.» از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می کردند. [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یکدیگر را بازنمی داشتند. راستی، چه بد بود آنچه می کردند. بسیاری از آنان را می بینی که با کسانی که کفر ورزیده اند دوستی می کنند. راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند، [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت، و پیوسته در عذاب می مانند. و اگر به خدا و پیامبر و آنچه که به سوی او فرود آمده ایمان می آوردند، آنان را به دوستی نمی گرفتند، لیکن بسیاری از ایشان نافرمانند. مسلّماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و

رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند. و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته اند، اشک از چشمهایشان سرازیر می شود. می گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس. و برای ما چه [عذری] است که به خدا و آنچه از حقّ به ما رسیده، ایمان نیاوریم و حال آنکه چشم داریم که پروردگارمان ما را با گروه شایستگان [به بهشت] درآورد؟ پس به پاس آنچه گفتند، خدا به آنان باغهایی پاداش داد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه می مانند، و این پاداش نیکوکاران است. }

- «ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحیرَهٍ وَ لا سائِبَهٍ وَ لا وَصیلَهٍ وَ لا حامٍ وَ لکِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا یَفْتَرُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ *وَ إِذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا إِلی ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِلَی الرَّسُولِ قالُوا حَسْبُنا ما وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْلَمُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا عَلَیْکُمْ أَنْفُسَکُمْ لا یَضُرُّکُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَیْتُمْ إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ جَمیعاً فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا شَهادَهُ بَیْنِکُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ حینَ الْوَصِیَّهِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ أَوْ آخَرانِ مِنْ غَیْرِکُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِی الْأَرْضِ فَأَصابَتْکُمْ مُصیبَهُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلاهِ فَیُقْسِمانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَری بِهِ ثَمَناً وَ لَوْ کانَ ذا قُرْبی وَ لا نَکْتُمُ شَهادَهَ اللَّهِ إِنَّا إِذاً لَمِنَ الْآثِمینَ *فَإِنْ عُثِرَ عَلی أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْماً فَآخَرانِ یَقُومانِ مَقامَهُما مِنَ الَّذینَ اسْتَحَقَّ عَلَیْهِمُ الْأَوْلَیانِ فَیُقْسِمانِ بِاللَّهِ لَشَهادَتُنا أَحَقُّ مِنْ شَهادَتِهِما وَ مَا اعْتَدَیْنا إِنَّا إِذاً لَمِنَ الظَّالِمینَ *ذلِکَ أَدْنی أَنْ یَأْتُوا بِالشَّهادَهِ عَلی وَجْهِها أَوْ یَخافُوا أَنْ تُرَدَّ أَیْمانٌ بَعْدَ أَیْمانِهِمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اسْمَعُوا وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقینَ *یَوْمَ یَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَیَقُولُ ما ذا أُجِبْتُمْ قالُوا لا عِلْمَ لَنا إِنَّکَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ *إِذْ قالَ اللَّهُ یا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتی عَلَیْکَ وَ عَلی والِدَتِکَ إِذْ أَیَّدْتُکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلاً وَ إِذْ عَلَّمْتُکَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ التَّوْراهَ وَ الْإِنْجیلَ وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّینِ کَهَیْئَهِ الطَّیْرِ بِإِذْنی فَتَنْفُخُ فیها فَتَکُونُ طَیْراً بِإِذْنی وَ تُبْرِئُ الْأَکْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ بِإِذْنی وَ إِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتی بِإِذْنی وَ إِذْ کَفَفْتُ بَنی إِسْرائیلَ عَنْکَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَقالَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبینٌ *وَ إِذْ أَوْحَیْتُ إِلَی الْحَوارِیِّینَ أَنْ آمِنُوا بی وَ بِرَسُولی قالُوا آمَنَّا وَ اشْهَدْ بِأَنَّنا مُسْلِمُونَ *إِذْ قالَ الْحَوارِیُّونَ یا عیسَی ابْنَ مَرْیَمَ هَلْ یَسْتَطیعُ رَبُّکَ أَنْ یُنَزِّلَ عَلَیْنا

مائِدَةً مِنَ السَّماءِ قالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ *قالُوا نُريدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْها وَ تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنا وَ نَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنا وَ نَكُونَ عَلَيْها مِنَ الشَّاهِدينَ *قالَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنا أَنْزِلْ عَلَيْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ تَكُونُ لَنا عيداً لِأَوَّلِنا وَ آخِرِنا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ارْزُقْنا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقينَ *قالَ اللَّهُ إِنِّى مُنَزِّلُها عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّى أُعَذِّبُهُ عَذاباً لا أُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ *وَ إِذْ قالَ اللَّهُ يا عيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونى وَ أُمِّىَ إِلهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَکَ ما يَكُونُ لى أَنْ أَقُولَ ما لَيْسَ لى بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما فى نَفْسى وَ لا أَعْلَمُ ما فى نَفْسِکَ إِنَّکَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ *ما قُلْتُ لَهُمْ إِلاَّ ما أَمَرْتَنى بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّى وَ رَبَّكُمْ وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهيداً ما دُمْتُ فيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنى كُنْتَ أَنْتَ الرَّقيبَ عَلَيْهِمْ وَ أَنْتَ عَلى كُلِّ شَیْ ءٍ شَهيدٌ *إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبادُکَ وَ إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّکَ أَنْتَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ *قالَ اللَّهُ هذا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدينَ فيها أَبَداً رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ *لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما فيهِنَّ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ.» (1)

{خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل:] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می بندند و بیشترشان تعقّل نمی کنند. و چون به آنان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید»، می گویند: «آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بس است.» آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند؟ ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان بپردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که یکی از شما را [نشانه های] مرگ دررسید، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیّت، به شهادت میان خود فرا خوانید یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ، شما را فرا رسید [و شاهد مسلمان نبود] دو تن از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید]. و اگر [در صداقت آنان] شکّ کردید، پس از نماز، آن دو را نگاه می دارید پس به خدا سوگند

1- . مائده / 103 - 120

یاد می کنند که ما این [حقّ] را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد، و شهادت الهی را کتمان نمی کنیم، که [اگر کتمان حقّ کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود. و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه شده اند، دو تن دیگر از کسانی که بر آنان ستم رفته است، و هر دو [به میّت] نزدیکترند، به جای آن دو [شاهد قبلی] قیام کنند پس به خدا سوگند یاد می کنند که: گواهی ما قطعاً از گواهی آن دو درست تر است، و [از حقّ] تجاوز نکرده ایم، چرا که [اگر چنین کنیم] از ستمکاران خواهیم بود. این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند، یا بترسند که بعد از سوگندخوردنشان، سوگندهایی [به وارثان میّت] برگردانده شود، [به صواب] نزدیکتر است. و از خدا پروا دارید، و [این پندها را] بشنوید، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند. [یاد کن] روزی را که خدا پیامبران را گرد می آورد پس می فرماید: «چه پاسخی به شما داده شد؟» می گویند: «ما را هیچ دانشی نیست. تویی که دانای رازهای نهانی.» [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور، آن گاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آن گاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آن گاه که به اذن من، از گِل، [چیزی] به شکل پرنده می ساختی، پس در آن می دمیدی، و به اذن من پرنده ای می شد، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می دادی و آن گاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می آوردی و آن گاه که [آسیب] بنی اسرائیل را - هنگامی که برای آنان حجّتهای آشکار آورده بودی - از تو باز داشتم. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست. و [یاد کن] هنگامی را که به حواریّون وحی کردم که به من و فرستاده ام ایمان آورید. گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم.» و [یاد کن] هنگامی را که حواریّون گفتند: «ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگارت می تواند از آسمان، خوانی برای ما فرود آوَرَد؟» [عیسی] گفت: «اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.» گفتند: «می خواهیم از آن بخوریم، و دلهای ما آرامش یابد، و بدانیم که به ما راست گفته ای، و بر آن از گواهان باشیم.» عیسی پسر مریم گفت: «بار الها، پروردگارا، از آسمان،

خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اوّل و آخر ما باشد و نشانه ای از جانب تو. و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی.» خدا فرمود: «من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد، و [لی] هر کس از شما پس از آن انکار ورزد، وی را [چنان] عذابی کنم که هیچ یک از جهانیان را [آن چنان] عذاب نکرده باشم.» و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جایِ خداوند بپرستید؟» گفت: «منزّهی تو، مرا نزیبد که [در بارهِ خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم. اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می دانستی. آنچه در نفسِ من است تو می دانی و آنچه در ذات توست من نمی دانم، چرا که تو خود، دانای رازهای نهانی. جز آنچه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم [گفته ام] که: خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید، و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی، و تو بر هر چیز گواهی. «اگر عذابشان کنی، آنان بندگان تواند و اگر بر ایشان ببخشایی تو خود، توانا و حکیمی.» خدا فرمود: «این، روزی است که راستگویان را راستی شان سود بخشد.» برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانند. خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنودند. این است رستگاری بزرگ. فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آنِ خداست، و او بر هر چیزی تواناست. }

- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ *هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ طینٍ ثُمَّ قَضی أَجَلاً وَ أَجَلٌ مُسَمًّی عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ *وَ هُوَ اللَّهُ فِی السَّماواتِ وَ فِی الْأَرْضِ یَعْلَمُ سِرَّکُمْ وَ جَهْرَکُمْ وَ یَعْلَمُ ما تَکْسِبُونَ *وَ ما تَأْتیهِمْ مِنْ آیَهٍ مِنْ آیاتِ رَبِّهِمْ إِلاَّ کانُوا عَنْها مُعْرِضینَ *فَقَدْ کَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جاءَهُمْ فَسَوْفَ یَأْتیهِمْ أَنْباءُ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ *أَ لَمْ یَرَوْا کَمْ أَهْلَکْنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَکَّنَّاهُمْ فِی الْأَرْضِ ما لَمْ نُمَکِّنْ لَکُمْ وَ أَرْسَلْنَا السَّماءَ عَلَیْهِمْ مِدْراراً وَ جَعَلْنَا الْأَنْهارَ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَکْناهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَ أَنْشَأْنا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْناً آخَرینَ *وَ لَوْ نَزَّلْنا عَلَیْکَ کِتاباً فی قِرْطاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَیْدیهِمْ لَقالَ الَّذینَ کَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبینٌ *وَ قالُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ مَلَکٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَکاً لَقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لا یُنْظَرُونَ

*وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَكاً لَجَعَلْناهُ رَجُلاً وَ لَلَبَسْنا عَلَيْهِمْ ما يَلْبِسُونَ *وَ لَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحاقَ بِالَّذينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *قُلْ سيرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ *قُلْ لِمَنْ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلی يَوْمِ الْقِيامَهِ لا رَيْبَ فيهِ الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ *وَ لَهُ ما سَكَنَ فِی اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ *قُلْ أَ غَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ يُطْعِمُ وَ لا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكينَ *قُلْ إِنِّی أَخافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّی عَذابَ يَوْمٍ عَظيمٍ *مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَ ذلِكَ الْفَوْزُ الْمُبينُ *وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَ إِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ *وَ هُوَ الْقاهِرُ فَوْقَ عِبادِهِ وَ هُوَ الْحَكيمُ الْخَبيرُ *قُلْ أَیُّ شَیْ ءٍ أَكْبَرُ شَهادَةً قُلِ اللَّهُ شَهيدٌ بَيْنی وَ بَيْنَكُمْ وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَ إِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْری قُلْ لا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنَّنی بَری ءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ *الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمُ الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ *وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَری عَلَی اللَّهِ كَذِباً أَوْ كَذَّبَ بِآياتِهِ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ *وَ يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَميعاً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكاؤُكُمُ الَّذينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ *ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلاَّ أَنْ قالُوا وَ اللَّهِ رَبِّنا ما كُنَّا مُشْرِكينَ *انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ *وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَهٍ لا يُؤْمِنُوا بِها حَتَّی إِذا جاؤُكَ يُجادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذينَ كَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّ أَساطيرُ الْأَوَّلينَ *وَ هُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ يَنْأَوْنَ عَنْهُ وَ إِنْ يُهْلِكُونَ إِلاَّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَشْعُرُونَ *وَ لَوْ تَری إِذْ وُقِفُوا عَلَی النَّارِ فَقالُوا يا لَيْتَنا نُرَدُّ وَ لا نُكَذِّبَ بِآياتِ رَبِّنا وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ *بَلْ بَدا لَهُمْ ما كانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِما نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ *وَ قالُوا إِنْ هِیَ إِلاَّ حَياتُنَا الدُّنْيا وَ ما نَحْنُ بِمَبْعُوثينَ *وَ لَوْ تَری إِذْ وُقِفُوا عَلی رَبِّهِمْ قالَ أَ لَيْسَ هذا بِالْحَقِّ قالُوا بَلی وَ رَبِّنا قالَ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ *قَدْ خَسِرَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِلِقاءِ اللَّهِ حَتَّی إِذا جاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قالُوا يا حَسْرَتَنا عَلی ما فَرَّطْنا فيها وَ هُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزارَهُمْ عَلی ظُهُورِهِمْ أَلا ساءَ ما يَزِرُونَ *وَ مَا الْحَياةُ الدُّنْيا إِلاَّ لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذينَ يَتَّقُونَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ *قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ

الَّذى يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لا يُكَذِّبُونَكَ وَ لكِنَّ الظَّالِمينَ بِآياتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ *وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلى ما كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّى أَتاهُمْ نَصْرُنا وَ لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلينَ *وَ إِنْ كانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْراضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِىَ نَفَقاً فِى الْأَرْضِ أَوْ سُلَّماً فِى السَّماءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدى فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْجاهِلينَ *إِنَّما يَسْتَجيبُ الَّذينَ يَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ *وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ *وَ ما مِنْ دَابَّةٍ فِى الْأَرْضِ وَ لا طائِرٍ يَطيرُ بِجَناحَيْهِ إِلاَّ أُمَمٌ أَمْثالُكُمْ ما فَرَّطْنا فِى الْكِتابِ مِنْ شَيْ‏ءٍ ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ *وَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا صُمٌّ وَ بُكْمٌ فِى الظُّلُماتِ مَنْ يَشَأِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَ مَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ *قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَ غَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ ما تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شاءَ وَ تَنْسَوْنَ ما تُشْرِكُونَ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ *فَلَوْ لا إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا وَ لكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ حَتَّى إِذا فَرِحُوا بِما أُوتُوا أَخَذْناهُمْ بَغْتَةً فَإِذا هُمْ مُبْلِسُونَ *فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ *قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ *قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ *وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلينَ إِلاَّ مُبَشِّرينَ وَ مُنْذِرينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ *وَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا يَمَسُّهُمُ الْعَذابُ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ *قُلْ لا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدى خَزائِنُ اللَّهِ وَ لا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّى مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما يُوحى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الْأَعْمى وَ الْبَصيرُ أَ فَلا تَتَفَكَّرُونَ *وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذينَ يَخافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ *وَ لا تَطْرُدِ الَّذينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِيِّ يُريدُونَ وَجْهَهُ ما عَلَيْكَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ وَ ما مِنْ حِسابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْ‏ءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمينَ *وَ كَذلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَ هؤُلاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنا أَ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرينَ *وَ إِذا جاءَكَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِآياتِنا فَقُلْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلى نَفْسِهِ

الرَّحْمَهَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهالَهٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحيمٌ *وَ كَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآياتِ وَ لِتَسْتَبينَ سَبيلُ الْمُجْرِمينَ *قُلْ إِنِّی نُهيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لا أَتَّبِعُ أَهْواءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُهْتَدينَ *قُلْ إِنِّی عَلی بَيِّنَهٍ مِنْ رَبِّی وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ ما عِنْدی ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلاَّ لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفاصِلينَ *قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدی ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَيْنی وَ بَيْنَكُمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمينَ *وَ عِنْدَهُ مَفاتِحُ الْغَيْبِ لا يَعْلَمُها إِلاَّ هُوَ وَ يَعْلَمُ ما فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ ما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَهٍ إِلاَّ يَعْلَمُها وَ لا حَبَّهٍ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ وَ لا رَطْبٍ وَ لا يابِسٍ إِلاَّ فی كِتابٍ مُبينٍ *وَ هُوَ الَّذی يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَ يَعْلَمُ ما جَرَحْتُمْ بِالنَّهارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فيهِ لِيُقْضی أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *وَ هُوَ الْقاهِرُ فَوْقَ عِبادِهِ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَهً حَتَّی إِذا جاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنا وَ هُمْ لا يُفَرِّطُونَ *ثُمَّ رُدُّوا إِلَی اللَّهِ مَوْلاهُمُ الْحَقِّ أَلا لَهُ الْحُكْمُ وَ هُوَ أَسْرَعُ الْحاسِبينَ *قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَهً لَئِنْ أَنْجانا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرينَ *قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْها وَ مِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ *قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً وَ يُذيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ *وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكيلٍ *لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ *وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذينَ يَخُوضُونَ فی آياتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّی يَخُوضُوا فی حَديثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّکَ الشَّيْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْری مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمينَ *وَ ما عَلَی الَّذينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَیْ ءٍ وَ لكِنْ ذِكْری لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ *وَ ذَرِ الَّذينَ اتَّخَذُوا دينَهُمْ لَعِباً وَ لَهْواً وَ غَرَّتْهُمُ الْحَياهُ الدُّنْيا وَ ذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِما كَسَبَتْ لَيْسَ لَها مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِیٌّ وَ لا شَفيعٌ وَ إِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لا يُؤْخَذْ مِنْها أُولئِکَ الَّذينَ أُبْسِلُوا بِما كَسَبُوا لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَميمٍ وَ عَذابٌ أَليمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ *قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُنا وَ لا يَضُرُّنا وَ نُرَدُّ عَلی أَعْقابِنا بَعْدَ إِذْ هَدانَا اللَّهُ كَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّياطينُ فِی الْأَرْضِ حَيْرانَ لَهُ أَصْحابٌ يَدْعُونَهُ إِلَی الْهُدَی ائْتِنا قُلْ إِنَّ هُدَی اللَّهِ هُوَ الْهُدی وَ أُمِرْنا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمينَ.» (1)

1- . انعام / 1 - 71

{ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید، و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کفر ورزیده اند، [غیر او را] با پروردگار خود برابر می کنند. اوست کسی که شما را از گِل آفرید. آن گاه مدّتی را [برای شما عمر] مقرّر داشت. و اجَل حتمی نزد اوست. با این همه، [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می کنید. و او در آسمانها و زمین خداست. نهان و آشکار شما را می داند، و آنچه را به دست می آورید [نیز] می داند. و هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگارشان به سویشان نمی آمد مگر آنکه از آن روی بر می تافتند. آنان حقّ را هنگامی که به سویشان آمد تکذیب کردند، پس به زودی، [حقیقت] خبرهای آنچه را که به ریشخند می گرفتند به آنان خواهد رسید. آیا ندیده اند که پیش از آنان چه بسیار امّتها را هلاک کردیم؟ [امّتهایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده ایم، و [بارانهای] آسمان را پی در پی بر آنان فرو فرستادیم، و رودبارها از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم. پس ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم، و پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم.و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می کردیم و آنان، آن را با دستهای خود لمس می کردند قطعاً کافران می گفتند: «این [چیزی] جز سحر آشکار نیست.» و گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟» و اگر فرشته ای فرود می آوردیم، قطعاً کار تمام شده بود سپس مهلت نمی یافتند. و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی در می آوردیم، و امر را هم چنان بر آنان مشتبه می ساختیم. و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند. پس آنچه را ریشخند می کردند گریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید. بگو: «در زمین بگردید، آن گاه بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟» بگو: «آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ کیست؟» بگو: «از آنِ خداست» که رحمت را بر خویشتن واجب گردانیده است. یقیناً شما را در روز قیامت - که در آن هیچ شکی نیست - گِرد خواهد آورد. خودباختگان کسانی اند که ایمان نمی آورند. و آنچه در شب و روز آرام [و تکاپو] دارد، از آنِ اوست و او شنوای داناست. بگو: «آیا غیر از خدا - پدیدآورنده آسمانها و زمین - سرپرستی برگزینم؟ و اوست که خوراک می دهد، و خوراک داده نمی شود.» بگو: «من مأمورم که نخستین کسی باشم

که اسلام آورده است، و [به من فرمان داده شده که:] هرگز از مشرکان مباش.» بگو: «اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی بزرگ می ترسم.» آن روز، کسی که [عذاب] از او برگردانده شود، قطعاً [خدا] بر او رحمت آورده، و این است همان رستگاری آشکار. و اگر خدا به تو زیانی برساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست. و اوست که بر بندگان خویش چیره است، و اوست حکیم آگاه. بگو: «گواهی چه کسی از همه برتر است؟» بگو: «خدا میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعاً شما گواهی می دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟» بگو: «من گواهی نمی دهم.» بگو: «او تنها معبودی یگانه است، و بی تردید، من از آنچه شریک [او] قرار می دهید بیزارم.» کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، همان گونه که پسران خود را می شناسد، او [پیامبر] را می شناسد. کسانی که به خود زیان زده اند، ایمان نمی آورند. و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؟ بی تردید، ستمکاران رستگار نمی شوند. و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می کنیم، آن گاه به کسانی که شرک آورده اند می گوییم: «کجایند شریکان شما که [آنها را شریک خدا] می پنداشتید؟» آن گاه عذرشان جز این نیست که می گویند: «به خدا، پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم.» ببین، چگونه به خود دروغ می گویند و آنچه برمی بافتند از ایشان یاوه شد. و برخی از آنان به تو گوش فرا می دهند، و [لی] ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند، و در گوشهایشان سنگینی [قرار داده ایم]. و اگر هر معجزه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند. تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند، کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: «این [کتاب] چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.» و آنان [مردم را] از آن باز می دارند و [خود نیز] از آن دوری می کنند، و [لی] جز خویشتن را به هلاکت نمی افکنند و نمی دانند. و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می شوند، می دیدی که می گویند: «کاش بازگردانده می شدیم و [دیگر] آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم.» [ولی چنین نیست] بلکه

آنچه را پیش از این نهان می داشتند، برای آنان آشکار شده است. و اگر هم بازگردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی گردند و آنان دروغگویند. و گفتند: «جز زندگی دنیای ما [زندگی دیگری] نیست و برانگیخته نخواهیم شد.» و اگر بنگری هنگامی را که در برابر پروردگارشان باز داشته می شوند. [خدا] می فرماید: «آیا این حقّ نیست؟» می گویند: «چرا، سوگند به پروردگارمان [که حق است].» می فرماید: «پس به [کیفر] آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید.» کسانی که لقای الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان دیدند. تا آن گاه که قیامت بناگاه بر آنان دررسد، می گویند: «ای دریغ بر ما، بر آنچه در باره آن کوتاهی کردیم.» و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می کشند. چه بد است باری که می کشند. و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می کنند بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ به یقین، می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند. و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید، و برای کلمات خدا هیچ تغییردهنده ای نیست. و مسلّماً اخبار پیامبران به تو رسیده است. و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است، اگر می توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن]، و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر هدایت گِرد می آورد، پس زنهار از نادانان مباش. تنها کسانی [دعوت تو را] اجابت می کنند که گوش شنوا دارند، و [امّا] مردگان را خداوند [در قیامت] بر خواهد انگیخت سپس به سوی او بازگردانیده می شوند. و گفتند: «چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «بی تردید، خدا قادر است که پدیده ای شگرف فرو فرستد، لیکن بیشتر آنان نمی دانند.» و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند، ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده ایم سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید. و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند، در تاریکیها [یِ کفر] کر و لالند، هر که را خدا بخواهد

گمراهش می گذارد و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می دهد. بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا شما را دررسد یا رستاخیز شما را دریابد، اگر راستگویید، کسی غیر از خدا را می خوانید؟» [نه،] بلکه تنها او را می خوانید، و اگر او بخواهد رنج و بلا را از شما دور می گرداند، و آنچه را شریک [او] می گردانید فراموش می کنید. و به یقین، ما به سوی امّتهایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم، و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم، تا به زاری و خاکساری درآیند. پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرّع نکردند؟ ولی [حقیقت این است که] دلهایشان سخت شده، و شیطان آنچه را انجام می دادند برایشان آراسته است. پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند. پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است. بگو: «به نظر شما، اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دلهایتان مُهر نَهَد، آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما بازپس دهد؟» بنگر چگونه آیات [خود] را [گوناگون] بیان می کنیم، سپس آنان روی برمی تابند؟ بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به شما برسد، آیا جز گروه ستمگران [کسی] هلاک خواهد شد؟» و ما پیامبران [خود] را جز بشارتگر و هشداردهنده نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و نیکوکاری کنند بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند، به [سزای] آنکه نافرمانی می کردند، عذاب به آنان خواهد رسید. بگو: «به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است و غیب نیز نمی دانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می شود پیروی نمی کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکّر نمی کنید.» و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیعی نیست، باشد که پروا کنند. و کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان می خوانند - در حالی که خشنودی او را می خواهند - مران. از حساب آنان چیزی بر عهده تو نیست، و از

حساب تو [نیز] چیزی بر عهده آنان نیست، تا ایشان را برانی و از ستمکاران باشی. و بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم، تا بگویند: «آیا اینانند که از میان ما، خدا بر ایشان منّت نهاده است؟» آیا خدا به [حالِ] سپاسگزاران داناتر نیست؟ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: «درود بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرّر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آن گاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است.» و این گونه، آیات [خود] را به روشنی بیان می کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود. بگو: «من نهی شده ام که کسانی را که شما غیر از خدا می خوانید بپرستم.» بگو: «من از هوسهای شما پیروی نمی کنم، و گر نه گمراه شوم و از راه یافتگان نباشم.» بگو: «من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری [همراه] دارم، و [لی] شما آن را دروغ پنداشتید، [و] آنچه را به شتاب خواستار آنید در اختیار من نیست. فرمان جز به دست خدا نیست، که حق را بیان می کند، و او بهترینِ داوران است.» بگو: «اگر آنچه را با شتاب خواستار آنید نزد من بود، قطعاً میان من و شما کار به انجام رسیده بود، و خدا به [حالِ] ستمکاران داناتر است.» و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او [کسی] آن را نمی داند، و آنچه در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر [اینکه] آن را می داند، و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. و اوست کسی که شبانگاه، روح شما را [به هنگام خواب] می گیرد و آنچه را در روز به دست آورده اید می داند سپس شما را در آن بیدار می کند، تا هنگامی معیّن به سر آید آن گاه بازگشت شما به سوی اوست سپس شما را به آنچه انجام می داده اید آگاه خواهد کرد. و اوست که بر بندگانش قاهر [و غالب] است و نگهبانانی بر شما می فرستد، تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جانش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی کنند. آن گاه به سوی خداوند- مولای بحقشان- برگردانیده شوند. آگاه باشید که داوری از آنِ اوست، و او سریعترین حسابرسان است. بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می رهاند؟ در حالی که او را به زاری و در نهان می خوانید: که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند، البته از سپاسگزاران خواهیم بود.» بگو: «خداست که شما

را از آن [تاریکیها] و از هر اندوهی می رهاند، باز شما شرک می ورزید.» بگو: «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند.» بنگر، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم باشد که آنان بفهمند. و قوم تو آن [قرآن] را دروغ شمردند، در حالی که آن بر حق است. بگو: «من بر شما نگهبان نیستم.» برای هر خبری هنگام [وقوع] است، و به زودی خواهید دانست. و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می روند از ایشان روی برتاب، تا در سخنی غیر از آن درآیند و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجّه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین. و چیزی از حساب آنان [ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا [یِ خدا] دارند، نیست. لیکن، تذکّر دادن [لازم] است، باشد که [از استهزا] پرهیز کنند. و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است، رها کن و [مردم را] به وسیله این [قرآن] اندرز ده مبادا کسی به [کیفر] آنچه کسب کرده به هلاکت افتد، در حالی که برای او در برابر خدا یاری و شفاعتگری نباشد و اگر [برای رهایی خود] هر گونه فدیه ای دهد، از او پذیرفته نگردد. اینانند که به [سزای] آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتاده اند، و به [کیفر] آنکه کفر می ورزیدند، شرابی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت. بگو: «آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می رساند و نه زیانی و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده خود بازگردیم؟ مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده اند، و حیران [بر جای مانده] است؟ برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می خوانند که:» به سوی ما بیا. «بگو:» هدایت خداست که هدایتِ [واقعی] است، و دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. }

- «وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلى بَشَرٍ مِنْ شَىْ ءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذى جاءَ بِهِ مُوسى نُوراً وَ هُدىً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فى خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ *وَ هذا كِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرى وَ مَنْ

حَوْلَها وَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلى صَلاتِهِمْ يُحافِظُونَ *وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ قالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَ لَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْ ءٌ وَ مَنْ قالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَوْ تَرى إِذِ الظَّالِمُونَ فى غَمَراتِ الْمَوْتِ وَ الْمَلائِكَهُ باسِطُوا أَيْديهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذابَ الْهُونِ بِما كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَ كُنْتُمْ عَنْ آياتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ *وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادى كَما خَلَقْناكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ تَرَكْتُمْ ما خَوَّلْناكُمْ وَراءَ ظُهُورِكُمْ وَ ما نَرى مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ الَّذينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فيكُمْ شُرَكاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ ما كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ *إِنَّ اللَّهَ فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ *فالِقُ الْإِصْباحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْباناً ذلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ *وَ هُوَ الَّذى جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها فى ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ *وَ هُوَ الَّذى أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَهٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ *وَ هُوَ الَّذى أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْ ءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَهٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلى ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِنَّ فى ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنينَ وَ بَناتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يَصِفُونَ *بَديعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ صاحِبَهٌ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْ ءٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَليمٌ *ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ وَكيلٌ *لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصارَ وَ هُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ *قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْها وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفيظٍ *وَ كَذلِكَ نُصَرِّفُ الْآياتِ وَ لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَ لِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ *اتَّبِعْ ما أُوحِيَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ *وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما أَشْرَكُوا وَ ما جَعَلْناکَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكيلٍ *وَ لا تَسُبُّوا الَّذينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْواً بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذلِکَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّهٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُونَ *وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لَئِنْ جاءَتْهُمْ آيَهٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِها قُلْ إِنَّمَا الْآياتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ ما يُشْعِرُكُمْ أَنَّها إِذا جاءَتْ لا يُؤْمِنُونَ *وَ نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ أَبْصارَهُمْ كَما لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ نَذَرُهُمْ فى طُغْيانِهِمْ يَعْمَهُونَ *وَ لَوْ أَنَّنا

نَزَّلْنا إِلَيْهِمُ الْمَلائِكَهَ وَ كَلَّمَهُمُ الْمَوْتى وَ حَشَرْنا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَىْ ءٍ قُبُلاً ما كانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلاَّ أَنْ يَشاءَ اللَّهُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ *وَ كَذلِکَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِیٍّ عَدُوًّا شَياطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً وَ لَوْ شاءَ رَبُّکَ ما فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ ما يَفْتَرُونَ *وَ لِتَصْغى إِلَيْهِ أَفْئِدَهُ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَ لِيَرْضَوْهُ وَ لِيَقْتَرِفُوا ما هُمْ مُقْتَرِفُونَ *أَ فَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغى حَكَماً وَ هُوَ الَّذى أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتابَ مُفَصَّلاً وَ الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّکَ بِالْحَقِّ فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرينَ *وَ تَمَّتْ كَلِمَهُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ *وَ إِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِى الْأَرْضِ يُضِلُّوکَ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ يَخْرُصُونَ *إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ *فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآياتِهِ مُؤْمِنينَ *وَ ما لَكُمْ أَلاَّ تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ ما حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلاَّ مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَ إِنَّ كَثيراً لَيُضِلُّونَ بِأَهْوائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدينَ *وَ ذَرُوا ظاهِرَ الْإِثْمِ وَ باطِنَهُ إِنَّ الَّذينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِما كانُوا يَقْتَرِفُونَ *وَ لا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَ إِنَّ الشَّياطينَ لَيُوحُونَ إِلى أَوْلِيائِهِمْ لِيُجادِلُوكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ *أَ وَ مَنْ كانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشى بِهِ فِى النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِى الظُّلُماتِ لَيْسَ بِخارِجٍ مِنْها كَذلِکَ زُيِّنَ لِلْكافِرينَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *وَ كَذلِکَ جَعَلْنا فى كُلِّ قَرْيَهٍ أَكابِرَ مُجْرِميها لِيَمْكُرُوا فيها وَ ما يَمْكُرُونَ إِلاَّ بِأَنْفُسِهِمْ وَ ما يَشْعُرُونَ *وَ إِذا جاءَتْهُمْ آيَهٌ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتى مِثْلَ ما أُوتِیَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسالَتَهُ سَيُصيبُ الَّذينَ أَجْرَمُوا صَغارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذابٌ شَديدٌ بِما كانُوا يَمْكُرُونَ *فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقاً حَرَجاً كَأَنَّما يَصَّعَّدُ فِى السَّماءِ كَذلِکَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ *وَ هذا صِراطُ رَبِّکَ مُسْتَقيماً قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ *لَهُمْ دارُ السَّلامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُونَ *وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَميعاً يا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَ قالَ أَوْلِياؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنا بِبَعْضٍ وَ بَلَغْنا أَجَلَنَا الَّذى أَجَّلْتَ لَنا قالَ النَّارُ مَثْواكُمْ خالِدينَ فيها إِلاَّ ما شاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّکَ حَكيمٌ عَليمٌ *وَ كَذلِکَ نُوَلِّى بَعْضَ الظَّالِمينَ بَعْضاً بِما كانُوا يَكْسِبُونَ *يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَ لَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آياتى وَ

يُنْذِرُونَكُمْ لِقاءَ يَوْمِكُمْ هذا قالُوا شَهِدْنا عَلى أَنْفُسِنا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَياةُ الدُّنْيا وَ شَهِدُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كانُوا كافِرينَ *ذلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرى بِظُلْمٍ وَ أَهْلُها غافِلُونَ *وَ لِكُلٍّ دَرَجاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَ ما رَبُّکَ بِغافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ *وَ رَبُّکَ الْغَنِیُّ ذُو الرَّحْمَهِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ ما يَشاءُ كَما أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّهِ قَوْمٍ آخَرينَ *إِنَّ ما تُوعَدُونَ لَآتٍ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزينَ*قُلْ يا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلى مَكانَتِكُمْ إِنِّی عامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عاقِبَهُ الدَّارِ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ *وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعامِ نَصيباً فَقالُوا هذا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هذا لِشُرَكائِنا فَما كانَ لِشُرَكائِهِمْ فَلا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ ما كانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلى شُرَكائِهِمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ *وَ كَذلِکَ زَيَّنَ لِكَثيرٍ مِنَ الْمُشْرِكينَ قَتْلَ أَوْلادِهِمْ شُرَكاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دينَهُمْ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ ما يَفْتَرُونَ *وَ قالُوا هذِهِ أَنْعامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا يَطْعَمُها إِلاَّ مَنْ نَشاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ أَنْعامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُها وَ أَنْعامٌ لا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِراءً عَلَيْهِ سَيَجْزيهِمْ بِما كانُوا يَفْتَرُونَ *وَ قالُوا ما فی بُطُونِ هذِهِ الْأَنْعامِ خالِصَهٌ لِذُكُورِنا وَ مُحَرَّمٌ عَلى أَزْواجِنا وَ إِنْ يَكُنْ مَيْتَهً فَهُمْ فيهِ شُرَكاءُ سَيَجْزيهِمْ وَصْفَهُمْ إِنَّهُ حَكيمٌ عَليمٌ *قَدْ خَسِرَ الَّذينَ قَتَلُوا أَوْلادَهُمْ سَفَهاً بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا ما رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِراءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ ما كانُوا مُهْتَدينَ *وَ هُوَ الَّذی أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفاً أُكُلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُتَشابِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصادِهِ وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفينَ *وَ مِنَ الْأَنْعامِ حَمُولَهً وَ فَرْشاً كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ *ثَمانِيَهَ أَزْواجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحامُ الْأُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونی بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحامُ الْأُنْثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهذا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمينَ *قُلْ لا أَجِدُ فی ما أُوحِیَ إِلَیَّ مُحَرَّماً عَلى طاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلاَّ أَنْ يَكُونَ مَيْتَهً أَوْ دَماً مَسْفُوحاً أَوْ لَحْمَ خِنزيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقاً أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ باغٍ وَ لا عادٍ فَإِنَّ رَبَّکَ غَفُورٌ رَحيمٌ *وَ عَلَى الَّذينَ هادُوا حَرَّمْنا كُلَّ ذی ظُفُرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُما إِلاَّ ما حَمَلَتْ ظُهُورُهُما أَوِ الْحَوايا أَوْ مَا

اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذلِكَ جَزَيْناهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَ إِنَّا لَصادِقُونَ *فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ واسِعَةٍ وَ لا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمينَ *سَيَقُولُ الَّذينَ أَشْرَكُوا لَوْ شاءَ اللَّهُ ما أَشْرَكْنا وَ لا آباؤُنا وَ لا حَرَّمْنا مِنْ شَيْ ءٍ كَذلِكَ كَذَّبَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذاقُوا بَأْسَنا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ تَخْرُصُونَ *قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبالِغَةُ فَلَوْ شاءَ لَهَداكُمْ أَجْمَعينَ *قُلْ هَلُمَّ شُهَداءَكُمُ الَّذينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هذا فَإِنْ شَهِدُوا فَلا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ هُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ*قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلاَّ تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتى حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ *وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتيمِ إِلاَّ بِالَّتى هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْميزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبى وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ*وَ أَنَّ هذا صِراطى مُسْتَقيماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبيلِهِ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ *ثُمَّ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ تَماماً عَلَى الَّذى أَحْسَنَ وَ تَفْصيلاً لِكُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ *وَ هذا كِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ *أَنْ تَقُولُوا إِنَّما أُنْزِلَ الْكِتابُ عَلى طائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنا وَ إِنْ كُنَّا عَنْ دِراسَتِهِمْ لَغافِلينَ*أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتابُ لَكُنَّا أَهْدى مِنْهُمْ فَقَدْ جاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدىً وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآياتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْها سَنَجْزِى الَّذينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آياتِنا سُوءَ الْعَذابِ بِما كانُوا يَصْدِفُونَ*هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتى بَعْضُ آياتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فى إيمانِها خَيْراً قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ*إِنَّ الَّذينَ فَرَّقُوا دينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فى شَيْ ءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَفْعَلُونَ*مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزى إِلاَّ مِثْلَها وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ*قُلْ إِنَّنى هَدانى رَبِّى إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ ديناً قِيَماً مِلَّةَ إِبْراهيمَ حَنيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكينَ *قُلْ إِنَّ صَلاتى وَ نُسُكى وَ مَحْيايَ وَ مَماتى لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ*لا شَريكَ لَهُ وَ بِذلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمينَ*قُلْ أَ غَيْرَ اللَّهِ أَبْغى رَبًّا وَ

هُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ لا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَيْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى ثُمَّ إِلى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.» (1)

{و آن گاه كه [يهوديان] گفتند: «خدا چيزى بر بشرى نازل نكرده»، بزرگى خدا را چنان كه بايد نشناختند. بگو: «چه كسى آن كتابى را كه موسى آورده است نازل كرده؟ [همان كتابى كه] براى مردم روشنايى و رهنمود است، [و] آن را به صورت طومارها درمى آوريد. [آنچه را] از آن [مى خواهيد] آشكار و بسيارى را پنهان مى كنيد، در صورتى كه چيزى كه نه شما مى دانستيد و نه پدرانتان، [به وسيله آن] به شما آموخته شد.» بگو: «خدا [همه را فرستاده]» آن گاه بگذار تا در ژرفاى [باطل] خود به بازى [سرگرم] شوند.و اين خجسته كتابى است كه ما آن را فرو فرستاديم، [و] كتابهايى را كه پيش از آن آمده تصديق مى كند. و براى اينكه [مردمِ] أم القرى [مكّه] و كسانى را كه پيرامون آنند هشدار دهى. و كسانى كه به آخرت ايمان مى آورند، به آن [قرآن نيز] ايمان مى آورند، و آنان بر نمازهاى خود مراقبت مى كنند. و كيست ستمكارتر از آن كس كه بر خدا دروغ مى بندد يا مى گويد: «به من وحى شده»، در حالى كه چيزى به او وحى نشده باشد، و آن كس كه مى گويد: «به زودى نظير آنچه را خدا نازل كرده است نازل مى كنم»؟ و كاش ستمكاران را در گردابهاى مرگ مى ديدى كه فرشتگان [به سوى آنان] دستهايشان را گشوده اند [و نهيب مى زنند:] «جانهايتان را بيرون دهيد» امروز به [سزاى] آنچه بناحق بر خدا دروغ مى بستيد و در برابر آيات او تكبر مى كرديد، به عذاب خواركننده كيفر مى يابيد. و همان گونه كه شما را نخستين بار آفريديم [اكنون نيز] تنها به سوى ما آمده ايد، و آنچه را به شما عطا كرده بوديم پشت سر خود نهاده ايد، و شفيعانى را كه در [كار] خودتان، شريكان [خدا] مى پنداشتيد با شما نمى بينيم. به يقين، پيوند ميان شما بريده شده، و آنچه را كه مى پنداشتيد از دست شما رفته است. خدا شكافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده، و مرده را از زنده بيرون مى آورد. چنين است خداى شما پس چگونه [از حق] منحرف مى شويد؟ [هموست كه] شكافنده صبح است، و شب را براى آرامش و خورشيد و ماه را وسيله حساب قرار داده. اين اندازه گيرىِ آن تواناى

1- . انعام / 91 - 164

داناست. و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید. به یقین، ما دلایل [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان کرده ایم. و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد. پس [برای شما] قرارگاه و محل امانتی [مقرر کرد]. بی تردید، ما آیات [خود] را برای مردمی که می فهمند به روشنی بیان کرده ایم. و اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم، و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن، دانه های متراکمی برمی آوریم. و از شکوفه درخت خرما خوشه هایی است نزدیک به هم. و [نیز] باغهایی از انگور و زیتون و انار - همانند و غیر همانند - خارج نمودیم. به میوه آن چون ثمر دَهَد و به [طرز] رسیدنش بنگرید. قطعاً در اینها برای مردمی که ایمان می آورند نشانه هاست. و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، با اینکه خدا آنها را خلق کرده است. و برای او، بی هیچ دانشی، پسران و دخترانی تراشیدند. او پاک و برتر است از آنچه وصف می کنند. پدیدآورنده آسمانها و زمین است. چگونه او را فرزندی باشد، در صورتی که برای او همسری نبوده، و هر چیزی را آفریده، و اوست که به هر چیزی داناست. این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است. چشمها او را درنمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد، و او لطیفِ آگاه است. به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که به دیده بصیرت بنگرد به سود خود او، و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست، و من بر شما نگهبان نیستم. و این گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم، تا مبادا بگویند تو درس خوانده ای، و تا اینکه آن را برای گروهی که می دانند روشن سازیم. از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان. و اگر خدا می خواست آنان شرک نمی آوردند، و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده ایم، و تو وکیل آنان نیستی. و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آن گاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان

خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت. و با سخت ترین سوگندهایشان، به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه ای برای آنان بیاید، حتماً بدان می گروند. بگو: «معجزات، تنها در اختیار خداست.» و شما چه می دانید که اگر [معجزه هم] بیاید باز ایمان نمی آورند. و دلها و دیدگانشان را برمی گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی آورند] چنان که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند. و آنان را رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند. و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می فرستادیم و [اگر] مردگان با آنان به سخن می آمدند، و هر چیزی را دسته دسته در برابر آنان گرد می آوردیم، باز هم ایمان نمی آوردند- جز اینکه خدا بخواهد- ولی بیشترشان نادانی می کنند. و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می کنند و اگر پروردگار تو می خواست چنین نمی کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار. و [چنین مقرر شده است] تا دلهای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندد، و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند. پس، آیا داوری جز خدا جویم؟ با اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است. و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده ایم می دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است. پس تو از تردیدکنندگان مباش. و سخن پروردگارت به راستی و داد، سرانجام گرفته است و هیچ تغییر دهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست. و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می باشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند. آنان جز از گمانِ [خود] پیروی نمی کنند و جز به حدس و تخمین نمی پردازند. باری، پروردگار تو به [حالِ] کسی که از راه او منحرف می شود داناتر است، و او به [حالِ] راه یافتگان [نیز] داناتر است. پس، اگر به آیات او ایمان دارید از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح] بر آن برده شده است بخورید. و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن برده شده است نمی خورید؟ با اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده - جز آنچه بدان ناچار شده اید - برای شما به تفصیل بیان نموده است. و به راستی، بسیاری [از مردم، دیگران را] از روی نادانی، با هوسهای خود گمراه

می کنند. آری، پروردگار تو به [حال] تجاوزکاران داناتر است. و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، زیرا کسانی که مرتکب گناه می شوند، به زودی در برابر آنچه به دست می آوردند کیفر خواهند یافت. و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید، چرا که آن قطعاً نافرمانی است. و در حقیقت، شیطانها به دوستان خود وسوسه می کنند تا با شما ستیزه نمایند. و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید. آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند زینت داده شده است. و بدین گونه، در هر شهری گناهکاران بزرگش را می گماریم تا در آن به نیرنگ پردازند، و [لی] آنان جز به خودشان نیرنگ نمی زنند و درک نمی کنند. و چون آیتی برایشان بیاید، می گویند: «هرگز ایمان نمی آوریم تا اینکه نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما [نیز] داده شود.» خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد. به زودی، کسانی را که مرتکب گناه شدند، به [سزای] آنکه نیرنگ می کردند، در پیشگاه خدا خواری و شکنجه ای سخت خواهد رسید. پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را به پذیرش اسلام می گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می گرداند چنان که گویی به زحمت در آسمان بالا می رود. این گونه، خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد. و راه راست پروردگارت همین است. ما آیات [خود] را برای گروهی که پند می گیرند، به روشنی بیان نموده ایم. برای آنان، نزد پروردگارشان سرای عافیت است، و به [پاداش] آنچه انجام می دادند، او یارشان خواهد بود. و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می آورد [و می فرماید:] «ای گروه جنیان، از آدمیان [پیروان] فراوان یافتید.» و هواخواهان آنها از [نوع] انسان می گویند: «پروردگارا، برخی از ما از برخی دیگر بهره برداری کرد، و به پایانی که برای ما معین کردی رسیدیم.» [خدا] می فرماید: «جایگاه شما آتش است در آن ماندگار خواهید بود، مگر آنچه را خدا بخواهد [که خود تخفیف دهد] آری، پروردگار تو حکیم داناست.» و این گونه برخی از ستمکاران را به [کیفر] آنچه به دست می آوردند، سرپرست برخی دیگر می گردانیم.

ای گروه جن و انس، آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند؟ گفتند: «ما به زیان خود گواهی دهیم.» [که آری، آمدند] و زندگی دنیا فریبشان داد، و بر ضد خود گواهی دادند که آنان کافر بوده اند. این [اتمام حجت] بدان سبب است که پروردگار تو هیچ گاه شهرها را به ستم نابود نکرده، در حالی که مردم آن غافل باشند. و برای هر یک [از این دو گروه]، از آنچه انجام داده اند، [در جزا] مراتبی خواهد بود، و پروردگارت از آنچه می کنند غافل نیست. و پروردگار تو بی نیاز و رحمتگر است. اگر بخواهد شما را می برد، و پس از شما، هر که را بخواهد جانشین [شما] می کند هم چنان که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورده است. قطعاً آنچه به شما وعده داده می شود آمدنی است، و شما درمانده کنندگان [خدا] نیستید. بگو: «ای قوم من، هر چه مقدور شما هست انجام دهید من [هم] انجام می دهم. به زودی خواهید دانست که فرجام [نیکوی] آن سرای از آنِ کیست. آری، ستمکاران رستگار نمی شوند.» و [مشرکان،] برای خدا از آنچه از کِشت و دامها که آفریده است سهمی گذاشتند، و به پندار خودشان گفتند: «این ویژه خداست و این ویژه بتان ما.» پس آنچه خاص بتانشان بود به خدا نمی رسید، و [لی] آنچه خاص خدا بود به بتانشان می رسید. چه بد داوری می کنند. و این گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند، تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند و اگر خدا می خواست چنین نمی کردند. پس ایشان را با آنچه به دروغ می سازند رها کن. و به زعم خودشان گفتند: «اینها دامها و کشتزار [های] ممنوع است، که جز کسی که ما بخواهیم نباید از آن بخورد، و دامهایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است.» و دامهایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن [ها] نمی بردند به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می بستند جزا می دهد. و گفتند: «آنچه در شکم این دامهاست اختصاص به مردان ما دارد و بر همسران ما حرام شده است، و اگر [آن جنین] مرده باشد، همه آنان [از زن و مرد] در آن شریکند. به زودی [خدا] توصیف آنان را سزا خواهد داد، زیرا او حکیم داناست. کسانی که از روی بی خردی و نادانی، فرزندان خود را کشته اند، و آنچه را خدا روزیشان کرده بود - از

راه افترا به خدا - حرام شمرده اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شده، و هدایت نیافته اند. و اوست کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست، و خرمابن، و کشتزار با میوه های گوناگون آن، و زیتون، و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن - چون ثمر داد - بخورید، و حق [بینوایان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و [لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. و [نیز] از دامها، حیوانات بارکش و حیوانات کرک و پشم دهنده را [پدید آورد]. از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از پی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است. هشت فرد [آفرید و بر شما حلال کرد]: از گوسفند دو تا، و از بز دو تا. بگو: «آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟» اگر راست می گویید، از روی علم، به من خبر دهید.» و از شتر دو، و از گاو دو. بگو: «آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده ها را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟ آیا وقتی خداوند شما را به این [تحریم] سفارش کرد حاضر بودید؟» پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد، تا از روی نادانی، مردم را گمراه کند؟ آری، خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی کند. بگو: «در آنچه به من وحی شده است، بر خورنده ای که آن را می خورد هیچ حرامی نمی یابم، مگر آنکه مردار یا خونِ ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند. یا [قربانیی که] از روی نافرمانی، [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده باشد. پس کسی که بدون سرکشی و زیاده خواهی [به خوردن آنها] ناچار گردد، قطعاً پروردگار تو آمرزنده مهربان است. و بر یهودیان، هر [حیوان] چنگال داری را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم، به استثنای پیه هایی که بر پشت آن دو یا بر روده هاست یا آنچه با استخوان درآمیخته است. این [تحریم] را به سزای ستم کردنشان، به آنان کیفر دادیم، و ما البتّه راستگوییم.

[ای پیامبر،] پس اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «پروردگار شما دارای رحمتی گسترده است و [با این حال] عذاب او از گروه مجرمان بازگردانده نخواهد شد.» کسانی که شرک آوردند به زودی خواهند گفت: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم، و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی کردیم.» کسانی هم

که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند، تا عقوبت ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما جز از گمان پیروی نمی کنید، و جز دروغ نمی گویید.» بگو: «برهانِ رسا ویژه خداست، و اگر [خدا] می خواست قطعاً همه شما را هدایت می کرد.» بگو: «گواهان خود را که گواهی می دهند به اینکه خدا اینها را حرام کرده، بیاورید.» پس اگر هم شهادت دادند تو با آنان شهادت مده، و هوسهای کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند و [معبودان دروغین را] با پروردگارشان همتا قرار می دهند، پیروی مکن. بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می رسانیم و به کارهای زشت - چه علنی آن و چه پوشیده [اش] - نزدیک مشوید و نَفْسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که بیندیشد. و به مال یتیم - جز به نحوی [هر چه نیکوتر] - نزدیک مشوید، تا به حد رشد خود برسد. و پیمانه و ترازو را به عدالت، تمام بپیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم. و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویید دادگری کنید، هر چند [درباره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید. و [بدانید] این است راه راست من پس، از آن پیروی کنید. و از راه ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید. آن گاه به موسی کتاب دادیم، برای اینکه [نعمت را] بر کسی که نیکی کرده است تمام کنیم، و برای اینکه هر چیزی را بیان نماییم، و هدایت و رحمتی باشد، امید که به لقای پروردگارشان ایمان بیاورند. و این، خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم پس، از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید، تا نگویید: «کتاب [آسمانی]، تنها بر دو طایفه پیش از ما نازل شده، و ما از آموختن آنان بی خبر بودیم.» یا نگویید: «اگر کتاب بر ما نازل می شد، قطعاً از آنان هدایت یافته تر بودیم.» اینک

حجّتی از جانب پروردگارتان برای شما آمده و رهنمود و رحمتی است. پس کیست ستمکارتر از آن کس که آیات خدا را دروغ پندارد و از آنها روی گرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی می گردانند، به سبب [همین] اعراضشان، به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد. آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت بیاید، یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید؟ [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. بگو: «منتظر باشید که ما [هم] منتظریم.» کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ گونه مسئول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست. آن گاه به آنچه انجام می دادند آگاهشان خواهد کرد. هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود. بگو: «آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیمِ حق گرای! و او از مشرکان نبود.» بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است. [که] او را شریکی نیست، و بر این [کار] دستور یافته ام، و من نخستین مسلمانم.» بگو: «آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با اینکه او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی دهد، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را برنمی دارد، آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید آگاه خواهد کرد.

- «المص*کِتابٌ أُنْزِلَ إِلَیْکَ فَلا یَکُنْ فی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِکْری لِلْمُؤْمِنینَ *اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ قَلیلاً ما تَذَکَّرُونَ .(1)»

{الف، لام، میم، صاد. کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است- پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد- تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد. آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده

1- . اعراف / 1 - 3

است، پیروی کنید و جز او از معبودان [دیگر] پیروی مکنید. چه اندک پند می گیرید!}

وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً قالُوا وَجَدْنا عَلَيْها آباءَنا وَ اللَّهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللَّهَ لا يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ *قُلْ أَمَرَ رَبِّى بِالْقِسْطِ وَ أَقيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ كَما بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ *فَريقاً هَدى وَ فَريقاً حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّياطينَ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ *يا بَنى آدَمَ خُذُوا زينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفينَ *قُلْ مَنْ حَرَّمَ زينَةَ اللَّهِ الَّتى أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِىَ لِلَّذينَ آمَنُوا فِى الْحَياةِ الدُّنْيا خالِصَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ *قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّىَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْىَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ *وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذا جاءَ أَجَلُهُمْ لا يَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لا يَسْتَقْدِمُونَ*يا بَنى آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آياتى فَمَنِ اتَّقى وَ أَصْلَحَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ *وَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْها أُولئِكَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ *فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ كَذَّبَ بِآياتِهِ أُولئِكَ يَنالُهُمْ نَصيبُهُمْ مِنَ الْكِتابِ حَتَّى إِذا جاءَتْهُمْ رُسُلُنا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قالُوا أَيْنَ ما كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَ شَهِدُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كانُوا كافِرينَ *قالَ ادْخُلُوا فى أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فِى النَّارِ كُلَّما دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَها حَتَّى إِذَا ادَّارَكُوا فيها جَميعاً قالَتْ أُخْراهُمْ لِأُولاهُمْ رَبَّنا هؤُلاءِ أَضَلُّونا فَآتِهِمْ عَذاباً ضِعْفاً مِنَ النَّارِ قالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَ لكِنْ لا تَعْلَمُونَ *وَ قالَتْ أُولاهُمْ لِأُخْراهُمْ فَما كانَ لَكُمْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ *إِنَّ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْها لا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوابُ السَّماءِ وَ لا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فى سَمِّ الْخِياطِ وَ كَذلِكَ نَجْزِى الْمُجْرِمينَ *لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَواشٍ وَ كَذلِكَ نَجْزِى الظَّالِمينَ *وَ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمْ فيها خالِدُونَ *وَ نَزَعْنا ما فى صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرى مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ

أُورِثْتُمُوها بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *وَ نادى أَصْحابُ الْجَنَّهِ أَصْحابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنا ما وَعَدَنا رَبُّنا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ ما وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمينَ *الَّذينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَها عِوَجاً وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ كافِرُونَ *وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسيماهُمْ وَ نادَوْا أَصْحابَ الْجَنَّهِ أَنْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ *وَ إِذا صُرِفَتْ أَبْصارُهُمْ تِلْقاءَ أَصْحابِ النَّارِ قالُوا رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمينَ *وَ نادى أَصْحابُ الْأَعْرافِ رِجالاً يَعْرِفُونَهُمْ بِسيماهُمْ قالُوا ما أَغْنى عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَ ما كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ *أَ هؤُلاءِ الَّذينَ أَقْسَمْتُمْ لا يَنالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَهٍ ادْخُلُوا الْجَنَّهَ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ *وَ نادى أَصْحابُ النَّارِ أَصْحابَ الْجَنَّهِ أَنْ أَفيضُوا عَلَيْنا مِنَ الْماءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُما عَلَى الْكافِرينَ *الَّذينَ اتَّخَذُوا دينَهُمْ لَهْواً وَ لَعِباً وَ غَرَّتْهُمُ الْحَياهُ الدُّنْيا فَالْيَوْمَ نَنْساهُمْ كَما نَسُوا لِقاءَ يَوْمِهِمْ هذا وَ ما كانُوا بِآياتِنا يَجْحَدُونَ *وَ لَقَدْ جِئْناهُمْ بِكِتابٍ فَصَّلْناهُ عَلى عِلْمٍ هُدىً وَ رَحْمَهً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ تَأْويلَهُ يَوْمَ يَأْتى تَأْويلُهُ يَقُولُ الَّذينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنا مِنْ شُفَعاءَ فَيَشْفَعُوا لَنا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذى كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ*إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذى خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فى سِتَّهِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِى اللَّيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثيثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ *ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَهً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدينَ *وَ لا تُفْسِدُوا فِى الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَريبٌ مِنَ الْمُحْسِنينَ *وَ هُوَ الَّذى يُرْسِلُ الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذا أَقَلَّتْ سَحاباً ثِقالاً سُقْناهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنا بِهِ الْماءَ فَأَخْرَجْنا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ كَذلِکَ نُخْرِجُ الْمَوْتى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ *وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذى خَبُثَ لا يَخْرُجُ إِلاَّ نَكِداً كَذلِکَ نُصَرِّفُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ *لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلى قَوْمِهِ فَقالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرُهُ إِنِّى أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ عَظيمٍ *قالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَراکَ فى ضَلالٍ مُبينٍ *قالَ يا قَوْمِ لَيْسَ بى ضَلالَهٌ وَ لكِنِّى رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمينَ *أُبَلِّغُكُمْ رِسالاتِ رَبِّى وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ *أَ وَ عَجِبْتُمْ أَنْ جاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلى رَجُلٍ مِنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَ لِتَتَّقُوا وَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ *فَكَذَّبُوهُ

فَأَنْجَیْناهُ وَ الَّذینَ مَعَهُ فِی الْفُلْکِ وَ أَغْرَقْنَا الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا إِنَّهُمْ کانُوا قَوْماً عَمینَ *وَ إِلی عادٍ أَخاهُمْ هُوداً قالَ یا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ما لَکُمْ مِنْ إِلهٍ غَیْرُهُ أَ فَلا تَتَّقُونَ *قالَ الْمَلَأُ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَراکَ فی سَفاهَةٍ وَ إِنَّا لَنَظُنُّکَ مِنَ الْکاذِبینَ *قالَ یا قَوْمِ لَیْسَ بی سَفاهَةٌ وَ لکِنِّی رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمینَ *أُبَلِّغُکُمْ رِسالاتِ رَبِّی وَ أَنَا لَکُمْ ناصِحٌ أَمینٌ *أَ وَ عَجِبْتُمْ أَنْ جاءَکُمْ ذِکْرٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَلی رَجُلٍ مِنْکُمْ لِیُنْذِرَکُمْ وَ اذْکُرُوا إِذْ جَعَلَکُمْ خُلَفاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زادَکُمْ فِی الْخَلْقِ بَصْطَةً فَاذْکُرُوا آلاءَ اللَّهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ *قالُوا أَ جِئْتَنا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَ نَذَرَ ما کانَ یَعْبُدُ آباؤُنا فَأْتِنا بِما تَعِدُنا إِنْ کُنْتَ مِنَ الصَّادِقینَ*قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تُجادِلُونَنی فی أَسْماءٍ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرینَ.» (1)

{و چون کار زشتی کنند، می گویند: «پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است.» بگو: «قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی دهد، آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟» بگو: «پروردگارم به دادگری فرمان داده است، و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید، و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید، همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید.» [در حالی که] گروهی را هدایت نموده، و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا، دوستان [خود] گرفته اند و می پندارند که راه یافتگانند. ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی برگیرید، و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی مکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. [ای پیامبر] بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاصّ آنان می باشد.» این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان می کنیم. بگو: «پروردگار من فقط زشتکاریها را - چه آشکارش [باشد] و چه پنهان - و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقّانیّت] آن

1- . اعراف / 28 - 71

نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت دهید. و برای هر امّتی اجلی است پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش. ای فرزندان آدم، چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید، نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می شوند. و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از [پذیرش] آنها تکبّر ورزیدند آنان همدم آتشند [و] در آن جاودانند. پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ اینان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه مقرّر شده به ایشان خواهد رسید، تا آن گاه که فرشتگان ما به سراغشان بیایند که جانشان بستانند، می گویند: «آنچه غیر از خدا می خواندید کجاست؟» می گویند: «از [چشم] ما ناپدید شدند» و علیه خود گواهی می دهند که آنان کافر بودند. می فرماید: «در میان امّتهایی از جنّ و انس، که پیش از شما بوده اند، داخل آتش شوید.» هر بار که امّتی [در آتش] درآید، همکیشان خود را لعنت کند، تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند [آن گاه] پیروانشان درباره پیشوایانشان می گویند: «پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند، پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده.» [خدا] می فرماید: «برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی دانید.» و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند: «شما را بر ما امتیازی نیست. پس به سزای آنچه به دست می آوردید عذاب را بچشید.» در حقیقت، کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبّر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت درنمی آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود. و بدینسان بزهکاران را کیفر می دهیم. برای آنان از جهنّم بستری و از بالایشان پوششهاست، و این گونه بیدادگران را سزا می دهیم. و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند - هیچ کسی را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم - آنان همدم بهشتند [که] در آن جاودانند. و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم. از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است، و می گویند: «ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود، و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم. در حقیقت، فرستادگانِ پروردگارِ ما حق را آوردند.» و به آنان ندا داده می شود که این همان

بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید میراث یافته اید. و بهشتیان، دوزخیان را آواز می دهند که: «ما آنچه را پروردگارمان به ما وعده داده بود درست یافتیم آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید؟» می گویند: «آری.» پس آواز دهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که: «لعنت خدا بر ستمکاران باد.» همانان که [مردم را] از راه خدا باز می دارند و آن را کج می خواهند و آنها آخرت را منکرند. و میان آن دو [گروه]، حایلی است، و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می شناسند، و بهشتیان را - که هنوز وارد آن نشده و [لی] [بدان] امید دارند - آواز می دهند که: «سلام بر شما.» و چون چشمانشان به سوی دوزخیان گردانیده شود، می گویند: «پروردگارا، ما را در زمره گروه ستمکاران قرار مده.» و اهل اعراف، مردانی را که آنان را از سیمایشان می شناسند، ندا می دهند [و] می گویند: «جمعیّت شما و آن [همه] گردنکشی که می کردید، به حال شما سودی نداشت.» «آیا اینان همان کسان نبودند که سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید؟» « [اینک] به بهشت درآیید. نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید.» و دوزخیان، بهشتیان را آواز می دهند که: «از آن آب یا از آنچه خدا روزیِ شما کرده، بر ما فرو ریزید.» می گویند: «خدا آنها را بر کافران حرام کرده است.» همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند، و زندگی دنیا مغرورشان کرد. پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند، و آیات ما را انکار می کردند، ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم. و در حقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش، روشن و شیوایش ساخته ایم، و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است. آیا [آنان] جز در انتظار تأویل آنند؟ روزی که تأویلش فرا رسد، کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی سپرده اند می گویند: «حقاً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند. پس آیا [امروز] ما را شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] بازگردانیده شویم، تا غیر از آنچه انجام می دادیم انجام دهیم؟» به راستی که [آنان] به خویشتن زیان زدند، و آنچه را به دروغ می ساختند از کف دادند. در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید سپس بر

عرش [جهانداری] استیلا یافت. روز را به شب- که شتابان آن را می طلبد- می پوشاند، و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند [پدید آورد]. آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آنِ اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان. پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد. و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده رسان می فرستد، تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم، و از آن، باران فرود آوریم و از هر گونه میوه ای [از خاک] برآوریم. بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می سازیم، باشد که شما متذکر شوید. و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی آید و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی فایده برنمی آید. این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می گزارند، گونه گون بیان می کنیم. همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم.» سران قومش گفتند: «واقعاً ما تو را در گمراهی آشکاری می بینیم.» گفت: «ای قوم من، هیچ گونه گمراهی در من نیست، بلکه من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما می رسانم و اندرزتان می دهم و چیزهایی از خدا می دانم که [شما] نمی دانید. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزگاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟» پس او را تکذیب کردند، و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم، زیرا آنان گروهی کور [دل] بودند. و به سوی عاد، برادرشان هود را [فرستادیم] گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما معبودی جز او نیست، پس آیا پرهیزگاری نمی کنید؟» سرانِ قومش که کافر بودند گفتند: «در حقیقت، ما تو را در [نوعی] سفاهت می بینیم و جداً تو را از دروغگویان می پنداریم.» گفت: «ای قوم من، در من سفاهتی نیست، ولی من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای

پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما خیرخواهی امینم. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد؟ و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح، جانشینان [آنان] قرار داد، و در خلقت، بر قوّت شما افزود. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید.» گفتند: «آیا به سوی ما آمده ای که تنها خدا را بپرستیم و آنچه را که پدرانمان می پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می گویی، آنچه را به ما وعده می دهی برای ما بیاور.» گفت: «راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است. آیا درباره نامهایی که خود و پدرانتان [برای بتها] نامگذاری کرده اید، و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو نفرستاده با من مجادله می کنید؟ پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم.» }

- «قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً الَّذی لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ يُحْيی وَ يُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الَّذی يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِماتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.» (1)

{بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آنِ اوست. هیچ معبودی جز او نیست که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید.» }

أَوَ لَمْ يَتَفَكَّرُوا ما بِصاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذيرٌ مُبينٌ *أَ وَ لَمْ يَنْظُرُوا فی مَلَكُوتِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَیْ ءٍ وَ أَنْ عَسی أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَیِّ حَديثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ *مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلا هادِیَ لَهُ وَ يَذَرُهُمْ فی طُغْيانِهِمْ يَعْمَهُونَ *يَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْساها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ رَبِّی لا يُجَلِّيها لِوَقْتِها إِلاَّ هُوَ ثَقُلَتْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا تَأْتيكُمْ إِلاَّ بَغْتَةً يَسْئَلُونَکَ كَأَنَّکَ حَفِیٌّ عَنْها قُلْ إِنَّما عِلْمُها عِنْدَ اللَّهِ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ *قُلْ لا أَمْلِکُ لِنَفْسی نَفْعاً وَ لا ضَرًّا إِلاَّ ما شاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ ما مَسَّنِیَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلاَّ نَذيرٌ وَ بَشيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *هُوَ الَّذی خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها

1- . اعراف / 158

زَوْجَها لِيَسْكُنَ إِلَيْها فَلَمَّا تَغَشَّاها حَمَلَتْ حَمْلاً خَفيفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُما لَئِنْ آتَيْتَنا صالِحاً لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ *فَلَمَّا آتاهُما صالِحاً جَعَلا لَهُ شُرَكاءَ فيما آتاهُما فَتَعالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ *أَ يُشْرِكُونَ ما لا يَخْلُقُ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ *وَ لا يَسْتَطيعُونَ لَهُمْ نَصْراً وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ*وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدى لا يَتَّبِعُوكُمْ سَواءٌ عَلَيْكُمْ أَ دَعَوْتُمُوهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صامِتُونَ *إِنَّ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *أَ لَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِها أَمْ لَهُمْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها قُلِ ادْعُوا شُرَكاءَكُمْ ثُمَّ كيدُونِ فَلا تُنْظِرُونِ *إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذی نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحينَ *وَ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا يَسْتَطيعُونَ نَصْرَكُمْ وَ لا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ *وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدى لا يَسْمَعُوا وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْکَ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ *خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلينَ *وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّکَ مِنَ الشَّيْطانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَميعٌ عَليمٌ *إِنَّ الَّذينَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّيْطانِ تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُونَ *وَ إِخْوانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فی الغَیِّ ثُمَّ لا يُقْصِرُونَ *وَ إِذا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآيَةٍ قالُوا لَوْ لا اجْتَبَيْتَها قُلْ إِنَّما أَتَّبِعُ ما يُوحی إِلَيَّ مِنْ رَبِّی هذا بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدىً وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ.» (1)

{آیا نیندیشیده اند که همنشین آنان هیچ جنونی ندارد؟ او جز هشداردهنده ای آشکار نیست. آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته اند و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد؟ پس به کدام سخن، بعد از قرآن ایمان می آورند؟ هر که را خداوند گمراه کند، برای او هیچ رهبری نیست، و آنان را در طغیانشان سرگردان وا می گذارد. از تو در باره قیامت می پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی گرداند. [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی رسد.» [باز] از تو می پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی. بگو: «علم آن، تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی دانند.» بگو: «جز آنچه خدا بخواهد، برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم، و اگر غیب می دانستم قطعاً خیر بیشتری می اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی رسید. من جز بیم دهنده و بشارتگر

1- . اعراف / 184 - 203

برای گروهی که ایمان می آورند، نیستم.» اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم] با او [حوا] درآمیخت باردار شد، باری سبک. و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید، و چون سنگین بار شد، خدا، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. و چون به آن دو، [فرزندی] شایسته داد، در آنچه [خدا] به ایشان داده بود، برای او شریکانی قرار دادند، و خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند برتر است. آیا موجوداتی را [با او] شریک می گردانند که چیزی را نمی آفرینند و خودشان مخلوقند؟ و نمی توانند آنان را یاری کنند و نه خویشتن را یاری دهند. و اگر آنها را به [راه] هدایت فراخوانید، از شما پیروی نمی کنند. چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید، برای شما یکسان است. در حقیقت، کسانی را که به جای خدا می خوانید، بندگانی امثال شما هستند. پس آنها را [در گرفتاریها] بخوانید، اگر راست می گویید باید شما را اجابت کنند. آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دستهایی دارند که با آن کاری انجام دهند، یا چشمهایی دارند که با آن بنگرند، یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: «شریکان خود را بخوانید سپس در باره من حیله به کار برید و مرا مَهَلت مدهید.» بی تردید، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است. و کسانی را که به جای او می خوانید، نمی توانند شما را یاری کنند و نه خویشتن را یاری دهند. و اگر آنها را به [راه] هدایت فرا خوانید، نمی شنوند، و آنها را می بینی که به سوی تو می نگرند در حالی که نمی بینند. گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب.و اگر از شیطان وسوسه ای به تو رسد، به خدا پناه بَر، زیرا که او شنوای داناست.در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند. و یارانشان آنان را به گمراهی می کشانند و کوتاهی نمی کنند.و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری، می گویند: «چرا آن را خود برنگزیدی؟ «بگو: «من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم. این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است. }

- «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ *وَ لا تَكُونُوا كَالَّذينَ قالُوا سَمِعْنا وَ هُمْ لا يَسْمَعُونَ *إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ *وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ*يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اسْتَجيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاكُمْ لِما يُحْييكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ *وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لا تُصيبَنَّ الَّذينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعِقابِ *وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَليلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِی الْأَرْضِ تَخافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآواكُمْ وَ أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ *يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَماناتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ*وَ اعْلَمُوا أَنَّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظيمٌ *يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقاناً وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ *وَ إِذْ يَمْكُرُ بِکَ الَّذينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوکَ أَوْ يَقْتُلُوکَ أَوْ يُخْرِجُوکَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرينَ *وَ إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُنا قالُوا قَدْ سَمِعْنا لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هذا إِنْ هذا إِلاَّ أَساطيرُ الْأَوَّلينَ *وَ إِذْ قالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كانَ هذا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِکَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ أَوِ ائْتِنا بِعَذابٍ أَليمٍ*وَ ما كانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فيهِمْ وَ ما كانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ *وَ ما لَهُمْ أَلاَّ يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ ما كانُوا أَوْلِياءَهُ إِنْ أَوْلِياؤُهُ إِلاَّ الْمُتَّقُونَ وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ *وَ ما كانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلاَّ مُكاءً وَ تَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ *إِنَّ الَّذينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَها ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَ الَّذينَ كَفَرُوا إِلى جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ *لِيَميزَ اللَّهُ الْخَبيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ يَجْعَلَ الْخَبيثَ بَعْضَهُ عَلى بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَميعاً فَيَجْعَلَهُ فی جَهَنَّمَ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ *قُلْ لِلَّذينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ ما قَدْ سَلَفَ وَ إِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلينَ.» (1)

{ای كسانی كه ايمان آورده ايد، خدا و فرستاده او را فرمان بريد و از او روی برنتابيد در حالی كه [سخنان او را] می شنويد. و مانند كسانی مباشيد كه گفتند: «شنيديم» در حالی كه نمی شنيدند. قطعاً بدترين جنبندگان نزد خدا كران و لالانی اند

1- . انفال / 20 - 38

که نمی اندیشند. و اگر خدا در آنان خیری می یافت قطعاً شنوایشان می ساخت و اگر آنان را شنوا می کرد، حتماً باز به حال اعراض، روی برمی تافتند. ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می گردد، و هم در نزد او محشور خواهید شد. و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است. و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید. می ترسیدید مردم شما را بربایند، پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاسگزاری کنید. ای کسانی که ایمان آورده اید، به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می دانید [که نباید خیانت کرد]. و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حقّ از باطل] قرار می دهد و گناهانتان را از شما می زداید و شما را می آمرزد و خدا دارای بخشش بزرگ است. و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می کردند تا تو را به بند کَشَند یا بکُشند یا [از مکّه] اخراج کنند، و نیرنگ می زدند، و خدا تدبیر می کرد، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می گفتیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست.» و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: «خدایا، اگر این [کتاب] همان حقِّ از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگهایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور.» و [لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود. چرا خدا [در آخرت] عذابشان نکند، با اینکه آنان [مردم را] از [زیارت] مسجد الحرام باز می دارند در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند. چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی بیشترشان نمی دانند. و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید! بی گمان، کسانی

که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می کنند، و آن گاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می شوند. و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد. تا خدا، ناپاک را از پاک جدا کند، و ناپاکها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند آن گاه در جهنم قرار دهد. اینان همان زیانکارانند. به کسانی که کفر ورزیده اند، بگو: «اگر بازایستند، آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می شود و اگر بازگردند، به یقین، سنّت [خدا در مورد] پیشینیان گذشت.» }

- «وَ قالَتِ الْیَهُودُ عُزَیْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قالَتِ النَّصاری الْمَسیحُ ابْنُ اللَّهِ ذلِکَ قَوْلُهُمْ بِأَفْواهِهِمْ یُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّی یُؤْفَکُونَ *اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِیَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا یُشْرِکُونَ *یُریدُونَ أَنْ یُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ یَأْبَی اللَّهُ إِلاَّ أَنْ یُتِمَّ نُورَهُ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ *هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ کَثیراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ *یَوْمَ یُحْمی عَلَیْها فی نارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوی بِها جِباهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هذا ما کَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا ما کُنْتُمْ تَکْنِزُونَ *إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فی کِتابِ اللَّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلا تَظْلِمُوا فیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ وَ قاتِلُوا الْمُشْرِکینَ کَافَّةً کَما یُقاتِلُونَکُمْ کَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقینَ *إِنَّمَا النَّسی ءُ زِیادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عاماً وَ یُحَرِّمُونَهُ عاماً لِیُواطِؤُا عِدَّةَ ما حَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا ما حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمالِهِمْ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرینَ.» (1)

{و یهود گفتند: «عُزَیر، پسر خداست.» و نصاری گفتند: «مسیح، پسر خداست.» این سخنی است [باطل] که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند شباهت دارد. خدا آنان را بکشد چگونه [از حق] بازگردانده می شوند؟ اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به

1- . توبه / 30 - 37

الوهیّت گرفتند، با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست. منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می گردانند. می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند، و [آنان را] از راه خدا باز می دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. روزی که آن [گنجینه] ها را در آتش دوزخ بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می اندوختید بچشید.» در حقیقت، شماره ماه ها نزد خدا، از روزی که آسمانها و زمین را آفریده، در کتاب [علمِ] خدا، دوازده ماه است از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماهِ] حرام است. این است آیین استوار، پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید، و همگی با مشرکان بجنگید، چنان که آنان همگی با شما می جنگند، و بدانید که خدا با پرهیزگاران است. جز این نیست که جابجا کردنِ [ماههای حرام]، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند آن را یک سال حلال می شمارند، و یک سال [دیگر]، آن را حرام می دانند، تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند، و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند. زشتیِ اعمالشان برایشان آراسته شده است، و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. }

- «وَ إِذا ما أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زادَتْهُ هذِهِ إِيماناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزادَتْهُمْ إِيماناً وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ *وَ أَمَّا الَّذِينَ فى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَ ماتُوا وَ هُمْ كافِرُونَ *أَ وَ لا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فى كُلِّ عامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لا يَتُوبُونَ وَ لا هُمْ يَذَّكَّرُونَ *وَ إِذا ما أُنْزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ هَلْ يَراكُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا يَفْقَهُونَ.»(1)

1- . توبه / 124 - 127

{و چون سوره ای نازل شود، از میان آنان کسی است که می گوید: «این [سوره] ایمان کدام یک از شما را افزود؟» امّا کسانی که ایمان آورده اند بر ایمانشان می افزاید و آنان شادمانی می کنند. امّا کسانی که در دلهایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزود و در حال کفر درمی گذرند. آیا نمی بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزموده می شوند، باز هم توبه نمی کنند و عبرت نمی گیرند؟ و چون سوره ای نازل شود، بعضی از آنان به بعضی دیگر نگاه می کنند [و می گویند:] «آیا کسی شما را می بیند؟» سپس [مخفیانه از حضور پیامبر] بازمی گردند. خدا دلهایشان را [از حقّ] برگرداند، زیرا آنان گروهی هستند که نمی فهمند. {

- «الر تِلْکَ آیاتُ الْکِتابِ الْحَکیمِ*أَ کانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَیْنا إِلی رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَ بَشِّرِ الَّذینَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قالَ الْکافِرُونَ إِنَّ هذا لَساحِرٌ مُبینٌ.» (1)

{الف، لام، راء. این است آیاتِ کتابِ حکمت آموز. آیا برای مردم شگفت آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که: مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است؟ کافران گفتند: «این [مرد] قطعاً افسونگری آشکار است.» }

- «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذینَ لا یَرْجُونَ لِقاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ ما یَکُونُ لی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسی إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما یُوحی إِلَیَّ إِنِّی أَخافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذابَ یَوْمٍ عَظیمٍ *قُلْ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما تَلَوْتُهُ عَلَیْکُمْ وَ لا أَدْراکُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فیکُمْ عُمُراً مِنْ قَبْلِهِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ *فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً أَوْ کَذَّبَ بِآیاتِهِ إِنَّهُ لا یُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ *وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِما لا یَعْلَمُ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الْأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ *وَ ما کانَ النَّاسُ إِلاَّ أُمَّةً واحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَ لَوْ لا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ فیما فیهِ یَخْتَلِفُونَ *وَ یَقُولُونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَیْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرینَ.» (2)

1- . یونس / 1 - 2
2- . یونس / 15 - 20

{و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنان که به دیدار ما امید ندارند می گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را عوض کن.» بگو: «مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم.» بگو: «اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم، و [خدا] شما را بدان آگاه نمی گردانید. قطعاً پیش از [آوردن] آن، روزگاری در میان شما به سر برده ام. آیا فکر نمی کنید؟» پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدای بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ به راستی مجرمان رستگار نمی شوند.و به جای خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می دهد. و می گویند: «اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی داند، آگاه می گردانید؟» او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. و مردم جز یک امّت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند. و اگر وعده ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می کنند، میانشان داوری می شد. و می گویند: «چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی شود؟» بگو: «غیب فقط به خدا اختصاص دارد. پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.» }

- «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ *فَذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ *كَذلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لا يُؤْمِنُونَ *قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكائِكُمْ مَنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعيدُهُ قُلِ اللَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ *قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكائِكُمْ مَنْ يَهْدی إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدی لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ يَهْدی إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّی إِلاَّ أَنْ يُهْدی فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ *وَ ما يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلاَّ ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لا يُغْنی مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ بِما يَفْعَلُونَ *وَ ما كانَ هذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لكِنْ تَصْديقَ الَّذی بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصيلَ الْكِتابِ لا رَيْبَ فيهِ مِنْ رَبِّ الْعالَمينَ *أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يُحيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْويلُهُ كَذلِكَ كَذَّبَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ

کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الظّالِمینَ *وَ مِنْهُمْ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لا یُؤْمِنُ بِهِ وَ رَبُّکَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدینَ *وَ إِنْ کَذَّبُوکَ فَقُلْ لی عَمَلی وَ لَکُمْ عَمَلُکُمْ أَنْتُمْ بَریئُونَ مِمّا أَعْمَلُ وَ أَنَا بَری ءٌ مِمّا تَعْمَلُونَ *وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُونَ إِلَیْکَ أَ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَ لَوْ کانُوا لا یَعْقِلُونَ *وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْظُرُ إِلَیْکَ أَ فَأَنْتَ تَهْدِی الْعُمْیَ وَ لَوْ کانُوا لا یُبْصِرُونَ *إِنَّ اللّهَ لا یَظْلِمُ النّاسَ شَیْئاً وَ لکِنَّ النّاسَ أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ *وَ یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ کَأَنْ لَمْ یَلْبَثُوا إِلاّ ساعَهً مِنَ النَّهارِ یَتَعارَفُونَ بَیْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذینَ کَذَّبُوا بِلِقاءِ اللّهِ وَ ما کانُوا مُهْتَدینَ *وَ إِمّا نُرِیَنَّکَ بَعْضَ الَّذی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّیَنَّکَ فَإِلَیْنا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللّهُ شَهیدٌ عَلی ما یَفْعَلُونَ *وَ لِکُلِّ أُمَّهٍ رَسُولٌ فَإِذا جاءَ رَسُولُهُمْ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ *وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *قُلْ لا أَمْلِکُ لِنَفْسی ضَرًّا وَ لا نَفْعاً إِلاّ ما شاءَ اللّهُ لِکُلِّ أُمَّهٍ أَجَلٌ إِذا جاءَ أَجَلُهُمْ فَلا یَسْتَأْخِرُونَ ساعَهً وَ لا یَسْتَقْدِمُونَ *قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَتاکُمْ عَذابُهُ بَیاتاً أَوْ نَهاراً ما ذا یَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ *أَ ثُمَّ إِذا ما وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَ قَدْ کُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ *ثُمَّ قیلَ لِلَّذینَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاّ بِما کُنْتُمْ تَکْسِبُونَ *وَ یَسْتَنْبِئُونَکَ أَ حَقٌّ هُوَ قُلْ إِی وَ رَبّی إِنَّهُ لَحَقٌّ وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزینَ *وَ لَوْ أَنَّ لِکُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ ما فِی الْأَرْضِ لاَفْتَدَتْ بِهِ وَ أَسَرُّوا النَّدامَهَ لَمّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ قُضِیَ بَیْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ *أَلا إِنَّ لِلّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَلا إِنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ *هُوَ یُحْیی وَ یُمیتُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ *یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَتْکُمْ مَوْعِظَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ شِفاءٌ لِما فِی الصُّدُورِ وَ هُدیً وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنینَ *قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِکَ فَلْیَفْرَحُوا هُوَ خَیْرٌ مِمّا یَجْمَعُونَ *قُلْ أَ رَأَیْتُمْ ما أَنْزَلَ اللّهُ لَکُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَراماً وَ حَلالاً قُلْ آللّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللّهِ تَفْتَرُونَ *وَ ما ظَنُّ الَّذینَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللّهِ الْکَذِبَ یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النّاسِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَشْکُرُونَ *وَ ما تَکُونُ فی شَأْنٍ وَ ما تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَ لا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلاّ کُنّا عَلَیْکُمْ شُهُوداً إِذْ تُفیضُونَ فیهِ وَ ما یَعْزُبُ عَنْ رَبِّکَ مِنْ مِثْقالِ ذَرَّهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ وَ لا أَصْغَرَ مِنْ ذلِکَ وَ لا أَکْبَرَ إِلاّ فی کِتابٍ مُبینٍ *أَلا إِنَّ أَوْلِیاءَ اللّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ *الَّذینَ آمَنُوا وَ کانُوا یَتَّقُونَ *لَهُمُ الْبُشْری فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَهِ لا تَبْدیلَ لِکَلِماتِ اللّهِ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ *وَ لا یَحْزُنْکَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّهَ لِلّهِ جَمیعاً هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ *أَلا إِنَّ لِلّهِ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ

مَنْ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَتَّبِعُ الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَکاءَ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ یَخْرُصُونَ *هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ لِتَسْکُنُوا فیهِ وَ النَّهارَ مُبْصِراً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَسْمَعُونَ *قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً سُبْحانَهُ هُوَ الْغَنِیُّ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ إِنْ عِنْدَکُمْ مِنْ سُلْطانٍ بِهذا أَ تَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ*قُلْ إِنَّ الَّذینَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ لا یُفْلِحُونَ *مَتاعٌ فِی الدُّنْیا ثُمَّ إِلَیْنا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذیقُهُمُ الْعَذابَ الشَّدیدَ بِما کانُوا یَکْفُرُونَ *وَ اتْلُ عَلَیْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قالَ لِقَوْمِهِ یا قَوْمِ إِنْ کانَ کَبُرَ عَلَیْکُمْ مَقامی وَ تَذْکیری بِآیاتِ اللَّهِ فَعَلَی اللَّهِ تَوَکَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَکُمْ وَ شُرَکاءَکُمْ ثُمَّ لا یَکُنْ أَمْرُکُمْ عَلَیْکُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَیَّ وَ لا تُنْظِرُونِ *فَإِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِیَ إِلاَّ عَلَی اللَّهِ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْمُسْلِمینَ *فَکَذَّبُوهُ فَنَجَّیْناهُ وَ مَنْ مَعَهُ فِی الْفُلْکِ وَ جَعَلْناهُمْ خَلائِفَ وَ أَغْرَقْنَا الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا فَانْظُرْ کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الْمُنْذَرینَ *ثُمَّ بَعَثْنا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلاً إِلی قَوْمِهِمْ فَجاؤُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَما کانُوا لِیُؤْمِنُوا بِما کَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ کَذلِکَ نَطْبَعُ عَلی قُلُوبِ الْمُعْتَدینَ*ثُمَّ بَعَثْنا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسی وَ هارُونَ إِلی فِرْعَوْنَ وَ مَلاَئِهِ بِآیاتِنا فَاسْتَکْبَرُوا وَ کانُوا قَوْماً مُجْرِمینَ *فَلَمَّا جاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنا قالُوا إِنَّ هذا لَسِحْرٌ مُبینٌ *قالَ مُوسی أَ تَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جاءَکُمْ أَ سِحْرٌ هذا وَ لا یُفْلِحُ السَّاحِرُونَ *قالُوا أَ جِئْتَنا لِتَلْفِتَنا عَمَّا وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا وَ تَکُونَ لَکُمَا الْکِبْرِیاءُ فِی الْأَرْضِ وَ ما نَحْنُ لَکُما بِمُؤْمِنینَ *وَ قالَ فِرْعَوْنُ ائْتُونی بِکُلِّ ساحِرٍ عَلیمٍ *فَلَمَّا جاءَ السَّحَرَةُ قالَ لَهُمْ مُوسی أَلْقُوا ما أَنْتُمْ مُلْقُونَ *فَلَمَّا أَلْقَوْا قالَ مُوسی ما جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَیُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لا یُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدینَ *وَ یُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُجْرِمُونَ *فَما آمَنَ لِمُوسی إِلاَّ ذُرِّیَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ عَلی خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَ مَلاَئِهِمْ أَنْ یَفْتِنَهُمْ وَ إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعالٍ فِی الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفینَ *وَ قالَ مُوسی یا قَوْمِ إِنْ کُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَیْهِ تَوَکَّلُوا إِنْ کُنْتُمْ مُسْلِمینَ *فَقالُوا عَلَی اللَّهِ تَوَکَّلْنا رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمینَ *وَ نَجِّنا بِرَحْمَتِکَ مِنَ الْقَوْمِ الْکافِرینَ*وَ أَوْحَیْنا إِلی مُوسی وَ أَخیهِ أَنْ تَبَوَّءا لِقَوْمِکُما بِمِصْرَ بُیُوتاً وَ اجْعَلُوا بُیُوتَکُمْ قِبْلَةً وَ أَقیمُوا الصَّلاةَ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ *وَ قالَ مُوسی رَبَّنا إِنَّکَ آتَیْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زینَةً وَ أَمْوالاً فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا رَبَّنا لِیُضِلُّوا عَنْ سَبیلِکَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلی أَمْوالِهِمْ وَ اشْدُدْ عَلی قُلُوبِهِمْ فَلا یُؤْمِنُوا حَتَّی یَرَوُا الْعَذابَ الْأَلیمَ *قالَ قَدْ أُجیبَتْ دَعْوَتُکُما فَاسْتَقیما وَ لا تَتَّبِعانِ

سَبيلَ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ *وَ جاوَزْنا بِبَنى إِسْرائيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَ جُنُودُهُ بَغْياً وَ عَدْواً حَتَّى إِذا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ الَّذى آمَنَتْ بِهِ بَنُوا إِسْرائيلَ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمينَ *آلْآنَ وَ قَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدينَ *فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَ إِنَّ كَثيراً مِنَ النَّاسِ عَنْ آياتِنا لَغافِلُونَ *وَ لَقَدْ بَوَّأْنا بَني إِسْرائيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضى بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ *فَإِنْ كُنْتَ فى شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرينَ *وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخاسِرينَ *إِنَّ الَّذينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ *وَ لَوْ جاءَتْهُمْ كُلُّ آيَهٍ حَتَّى يَرَوُا الْعَذابَ الْأَليمَ *فَلَوْ لا كانَتْ قَرْيَهٌ آمَنَتْ فَنَفَعَها إيمانُها إِلاَّ قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنا عَنْهُمْ عَذابَ الْخِزْىِ فِى الْحَياهِ الدُّنْيا وَ مَتَّعْناهُمْ إِلى حينٍ *وَ لَوْ شاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِى الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَميعاً أَ فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنينَ *وَ ما كانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذينَ لا يَعْقِلُونَ *قُلِ انْظُرُوا ما ذا فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما تُغْنِى الْآياتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ *فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلاَّ مِثْلَ أَيَّامِ الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرينَ *ثُمَّ نُنَجِّى رُسُلَنا وَ الَّذينَ آمَنُوا كَذلِكَ حَقًّا عَلَيْنا نُنْجِ الْمُؤْمِنينَ *قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فى شَكٍّ مِنْ دينى فَلا أَعْبُدُ الَّذينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذى يَتَوَفَّاكُمْ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ *وَ أَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنيفاً وَ لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكينَ *وَ لا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُكَ وَ لا يَضُرُّكَ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذاً مِنَ الظَّالِمينَ *وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ إِلاَّ هُوَ وَ إِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصيبُ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ *قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدى فَإِنَّما يَهْتَدى لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكيلٍ *وَ اتَّبِعْ ما يُوحى إِلَيْكَ وَ اصْبِرْ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ.» (1)

{بگو: «کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می بخشد؟ یا کیست که حاکم بر گوشها و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده

1- . یونس / 31 - 109

را از زنده خارج می سازد؟ و کیست که کارها را تدبیر می کند؟» خواهند گفت: «خدا» پس بگو: «آیا پروا نمی کنید؟» این است خدا، پروردگار حقیقی شما، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] بازگردانیده می شوید؟ این گونه سخن پروردگارت بر کسانی که نافرمانی کردند به حقیقت پیوست، [چرا] که آنان ایمان نمی آورند. بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند و سپس آن را برگرداند؟» بگو: «خداست که آفرینش را آغاز می کند و باز آن را برمی گرداند. پس چگونه [از حقّ] بازگردانیده می شوید؟» بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حقّ رهبری کند؟» بگو: «خداست که به سوی حقّ رهبری می کند» پس، آیا کسی که به سوی حقّ رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟ و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی نیاز نمی گرداند. آری، خدا به آنچه می کنند داناست. و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد. بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می باشد، و توضیحی از آن کتاب است، که در آن تردیدی نیست، [و] از پروردگار جهانیان است. یا می گویند: «آن را به دروغ ساخته است؟» بگو: «اگر راست می گویید، سوره ای مانند آن بیاورید، و هر که را جز خدا می توانید، فرا خوانید.» بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند. پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است. و از آنان کسی است که بدان ایمان می آورد، و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی آورد، و پروردگار تو به [حال] فسادگران داناتر است. و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من به من اختصاص دارد، و عمل شما به شما اختصاص دارد. شما از آنچه من انجام می دهم غیر مسئولید، و من از آنچه شما انجام نمی دهید غیر مسئولم.» و برخی از آنان کسانی اند که به تو گوش فرا می دهند. آیا تو کران را- هر چند در نیابند- شنوا خواهی کرد؟ و از آنان کسی است که به سوی تو می نگرد. آیا تو نابینایان را- هر چند نبینند- هدایت توانی کرد؟ خدا به هیچ وجه به مردم ستم

نمی کند، لیکن مردم خود بر خویشتن ستم می کنند. و روزی که آنان را گرد می آورد، گویی جز به اندازه ساعتی از روز درنگ نکرده اند. با هم اظهار آشنایی می کنند. قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به حقیقت] راه نیافتند. و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم [در هر دو صورت] بازگشتشان به سوی ماست. سپس خدا بر آنچه می کنند گواه است. و هر امّتی را پیامبری است. پس چون پیامبرشان بیاید، میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود. و می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده چه وقت است؟» بگو: «برای خود زیان و سودی در اختیار ندارم، مگر آنچه را که خدا بخواهد. هر امّتی را زمانی [محدود] است. آن گاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی [از آن] تأخیر کنند و نه پیشی گیرند.» بگو: «به من خبر دهید، اگر عذاب او شب یا روز به شما دررسد، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می خواهند؟» سپس، آیا هنگامی که [عذاب بر شما] واقع شد، اکنون به آن ایمان آوردید، در حالی که به [آمدن] آن شتاب می نمودید؟ پس به کسانی که ستم ورزیدند گفته شود: «عذاب جاوید را بچشید. آیا جز به [کیفر] آنچه به دست می آوردید، جزا داده می شوید؟» و از تو خبر می گیرند: «آیا آن راست است؟» بگو: «آری! سوگند به پروردگارم که آن قطعاً راست است، و شما نمی توانید [خدا را] درمانده کنید.» و اگر، برای هر کسی که ستم کرده است، آنچه در زمین است می بود، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخرید خود می داد. و چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را پنهان دارند، و میان آنان به عدالت داوری شود و بر ایشان ستم نرود. بدانید، که در حقیقت آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ خداست. بدانید، که در حقیقت وعده خدا حقّ است ولی بیشتر آنان نمی دانند. او زنده می کند و می میراند و به سوی او بازگردانیده می شوید. ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی، و درمانی برای آنچه در سینه هاست، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است. بگو: «به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند.» و این از هر چه گرد می آورند بهتر است. بگو: «به من خبر دهید، آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده اید» بگو: «آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا

دروغ می بندید؟» و کسانی که بر خدا دروغ می بندند، روز رستاخیز چه گمان دارند؟ در حقیقت، خدا بر مردم، دارای بخشش است ولی بیشترشان سپاسگزاری نمی کنند. و در هیچ کاری نباشی و از سوی او [خدا] هیچ [آیه ای] از قرآن نخوانی و هیچ کاری نکنید، مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم آن گاه که بدان مبادرت می ورزید. و هم وزن ذره ای، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست، و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن چیزی نیست، مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است. آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند. همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده اند. در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است. وعده های خدا را تبدیلی نیست این همان کامیابی بزرگ است. سخن آنان تو را غمگین نکند، زیرا عزّت، همه از آنِ خداست. او شنوای داناست. آگاه باش، که هر که [و هر چه] در آسمانها، و هر که [و هر چه] در زمین است از آن خداست. و کسانی که غیر از خدا شریکانی را می خوانند، [از آنها] پیروی نمی کنند. اینان جز از گمان پیروی نمی کنند و جز گمان نمی برند. اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید]. بی گمان، در این [امر] برای مردمی که می شنوند نشانه هایی است. گفتند: «خدا فرزندی برای خود اختیار کرده است.» منزّه است او. او بی نیاز است. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست. شما را بر این [ادّعا] حجّتی نیست. آیا چیزی را که نمی دانید، به دروغ بر خدا می بندید؟ بگو: «در حقیقت کسانی که بر خدا دروغ می بندند، رستگار نمی شوند.» بهره ای [اندک] در دنیا [دارند]. سپس بازگشتشان به سوی ماست. آن گاه به [سزای] آنکه کفر می ورزیدند، عذاب سخت به آنان می چشانیم. و خبر نوح را بر آنان بخوان، آن گاه که به قوم خود گفت: «ای قوم من، اگر ماندن من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات خدا، بر شما گران آمده است، [بدانید که من] بر خدا توکّل کرده ام. پس [در] کارتان با شریکان خود همداستان شوید، تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس در باره من تصمیم بگیرید و مهلتم ندهید.»

«و اگر روی گردانیدید، من مُزدی از شما نمی طلبم. پاداش من جز بر عهده خدا نیست، و مأمورم که از گردن نهندگان باشم.» پس او را تکذیب کردند. آن گاه وی را با کسانی که در کشتی

همراه او بودند نجات دادیم، و آنان را جانشین [تبهکاران] ساختیم، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. پس بنگر که فرجام بیم داده شدگان چگونه بود. آن گاه، پس از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم، و آنان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند. این گونه ما بر دلهای تجاوزکاران مُهر می نهیم. سپس، بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود، به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم، و [لی آنان] گردنکشی کردند و گروهی تبهکار بودند. پس چون حقّ از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: «قطعاً این سحری آشکار است.» موسی گفت: «آیا وقتی حقّ به سوی شما آمد، می گویید: [این سحر است؟] آیا این سحر است؟ و حال آنکه جادوگران رستگار نمی شوند.» گفتند: «آیا به سوی ما آمده ای تا ما را از شیوه ای که پدرانمان را بر آن یافته ایم بازگردانی، و بزرگی در این سرزمین برای شما دو تن باشد؟ ما به شما دو تن ایمان نداریم.» و فرعون گفت: «هر جادوگر دانایی را پیش من آورید.» و چون جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: «آنچه را می اندازید بیندازید.» پس چون افکندند، موسی گفت: «آنچه را شما به میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی کند.» و خدا با کلمات خود، حقّ را ثابت می گرداند، هر چند بزهکاران را خوش نیاید. سرانجام، کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندانی از قوم وی، در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند، و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود. و موسی گفت: «ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده اید، و اگر اهل تسلیمید بر او توکّل کنید.» پس گفتند: «بر خدا توکّل کردیم. پروردگارا، ما را برای قوم ستمگر [وسیله] آزمایش قرار مده.» «و ما را به رحمت خویش، از گروه کافران نجات ده.» و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده. و موسی گفت: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده ای، پروردگارا، تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن و آنان

را دل سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.» فرمود: «دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی دانند پیروی مکنید.» و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم، پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز، آنان را دنبال کردند، تا وقتی که در شُرُفِ غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده اند، نیست، و من از تسلیم شدگانم.» اکنون؟ در حالی که پیش از این نافرمانی می کردی و از تباهکاران بودی؟ پس امروز تو را با زره [زرّین] خودت به بلندی [ساحل] می افکنیم، تا برای کسانی که از پی تو می آیند عبرتی باشد، و بی گمان، بسیاری از مردم از نشانه های ما غافلند. به راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه [های] نیکو منزل دادیم، و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم. پس به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل شد. همانا پروردگار تو در روز قیامت در باره آنچه بر سر آن اختلاف می کردند میانشان داوری خواهد کرد. و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده ایم در تردیدی، از کسانی که پیش از تو کتاب [آسمانی] می خواندند بپرس. قطعاً حقّ از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است. پس زنهار از تردیدکنندگان مباش. و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش، که از زیانکاران خواهی بود. در حقیقت، کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی آورند، هر چند هر گونه آیتی برایشان بیاید، تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند. چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد؟ مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم، و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم. و اگر پروردگار تو می خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می کنی که بگروند؟ و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد، و [خدا] بر کسانی که نمی اندیشند، پلیدی را قرار می دهد. بگو: «بنگرید که در آسمانها و زمین چیست؟» و [لی] نشانه ها و هشدارها، گروهی را که ایمان نمی آورند سود نمی بخشد. پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان درگذشتند، انتظار می برند؟ بگو: «انتظار برید که من [نیز] با شما از منتظرانم.»

سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می رهانیم، زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم. بگو: «ای مردم، اگر در دین من تردید دارید، پس [بدانید که من] کسانی را که به جای خدا می پرستید نمی پرستم، بلکه خدایی را می پرستم که جان شما را می ستاند، و دستور یافته ام که از مؤمنان باشم.» و [به من دستور داده شده است] که به دین حنیف روی آور، و زنهار از مشرکان مباش. و به جای خدا، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی رساند، مخوان که اگر چنین کنی، در آن صورت قطعاً از جمله ستمکارانی. و اگر خدا به تو زیانی برساند، آن را برطرف کننده ای جز او نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را ردّکننده ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می رساند، و او آمرزنده مهربان است. بگو: «ای مردم، حقّ از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می یابد، و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می شود، و من بر شما نگهبان نیستم.» و از آنچه بر تو وحی می شود پیروی کن و شکیبا باش تا خدا [میان تو و آنان] داوری کند، و او بهترین داوران است. }

- «الر کِتابٌ أُحْکِمَتْ آیاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَکیمٍ خَبیرٍ*أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ اللَّهَ إِنَّنی لَکُمْ مِنْهُ نَذیرٌ وَ بَشیرٌ*وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتاعاً حَسَناً إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی وَ یُؤْتِ کُلَّ ذی فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّی أَخافُ عَلَیْکُمْ عَذابَ یَوْمٍ کَبیرٍ *إِلَی اللَّهِ مَرْجِعُکُمْ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ *أَلا إِنَّهُمْ یَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِیَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلا حینَ یَسْتَغْشُونَ ثِیابَهُمْ یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ *وَ ما مِنْ دَابَّهٍ فِی الْأَرْضِ إِلاَّ عَلَی اللَّهِ رِزْقُها وَ یَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها کُلٌّ فی کِتابٍ مُبینٍ *وَ هُوَ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فی سِتَّهِ أَیَّامٍ وَ کانَ عَرْشُهُ عَلَی الْماءِ لِیَبْلُوَکُمْ أَیُّکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً وَ لَئِنْ قُلْتَ إِنَّکُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَیَقُولَنَّ الَّذینَ کَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبینٌ *وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّهٍ مَعْدُودَهٍ لَیَقُولُنَّ ما یَحْبِسُهُ أَلا یَوْمَ یَأْتیهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفاً عَنْهُمْ وَ حاقَ بِهِمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ *وَ لَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسانَ مِنَّا رَحْمَهً ثُمَّ نَزَعْناها مِنْهُ إِنَّهُ لَیَؤُسٌ کَفُورٌ *وَ لَئِنْ أَذَقْناهُ نَعْماءَ بَعْدَ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَیَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّیِّئاتُ عَنِّی إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ *إِلاَّ الَّذینَ صَبَرُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَ أَجْرٌ کَبیرٌ *فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحی إِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ

صَدْرُکَ أَنْ یَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَکٌ إِنَّما أَنْتَ نَذیرٌ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ وَکیلٌ *أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *فَإِلَّمْ یَسْتَجیبُوا لَکُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ *مَنْ کانَ یُریدُ الْحَیاهَ الدُّنْیا وَ زینَتَها نُوَفِّ إِلَیْهِمْ أَعْمالَهُمْ فیها وَ هُمْ فیها لا یُبْخَسُونَ *أُولئِکَ الَّذینَ لَیْسَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ إِلاَّ النَّارُ وَ حَبِطَ ما صَنَعُوا فیها وَ باطِلٌ ما کانُوا یَعْمَلُونَ *أَ فَمَنْ کانَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَ یَتْلُوهُ شاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتابُ مُوسی إِماماً وَ رَحْمَهً أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلا تَکُ فی مِرْیَهٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یُؤْمِنُونَ.(1)

{الف، لام، راء. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است: که جز خدا را نپرستید. به راستی من از جانب او برای شما هشداردهنده و بشارتگرم، و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه] شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معیّن بهره مند سازد، و به هر شایسته نعمتی از کَرَم خود عطا کند، و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. بازگشت شما به سوی خداست، و او بر هر چیزی تواناست. آگاه باشید که آنان دل می گردانند [و می کوشند] تا [راز خود را] از او نهفته دارند. آگاه باشید آن گاه که آنان جامه هایشان را بر سر می کشند [خدا] آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می دارند، می داند، زیرا او به اسرار سینه ها داناست. و هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست، و [او] قرارگاه و محلّ مُردنش را می داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است. و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید. و اگر بگویی: «شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد» قطعاً کسانی که کافر شده اند خواهند گفت: «این [ادّعا] جز سحری آشکار نیست.» و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، حتماً خواهند گفت: «چه چیز آن را باز می دارد؟» آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست، و آنچه را که مسخره می کردند آنان را فرو

1- . هود / 1 - 17

خواهد گرفت. و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم، قطعاً نومید و ناسپاس خواهد بود. و اگر- پس از محنتی که به او رسیده- نعمتی به او بچشانیم حتماً خواهد گفت: «گرفتاریها از من دور شد!» بی گمان، او شادمان و فخرفروش است. مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده اند [که] برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. و مبادا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می شود ترک گویی و سینه ات بدان تنگ گردد که می گویند: «چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته ای با او نیامده است؟» تو فقط هشداردهنده ای، و خدا بر هر چیزی نگهبان است. یا می گویند: «این [قرآن] را به دروغ ساخته است.» بگو: «اگر راست می گویید، ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می توانید فرا خوانید.» پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید؟ کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می دهیم، و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد. اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود، و آنچه در آنجا کرده اند به هدر رفته، و آنچه انجام می داده اند باطل گردیده است. آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجّتی روشن است و شاهدی از [خویشان] او، پیرو آن است، و پیش از وی [نیز] کتاب موسی راهبر و مایه رحمت بوده است [دروغ می بافد]؟ آنان [که در جستجوی حقیقت اند] به آن می گروند، و هر کس از گروه های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش وعده گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حقّ است [و] از جانب پروردگارت [آمده است] ولی بیشتر مردم باور نمی کنند. }

- «تِلْکَ مِنْ أَنْباءِ الْغَیْبِ نُوحیها إِلَیْکَ ما کُنْتَ تَعْلَمُها أَنْتَ وَ لا قَوْمُکَ مِنْ قَبْلِ هذا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعاقِبَةَ لِلْمُتَّقینَ.» (1)

{این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنیم. پیش از این نه تو آن را می دانستی و نه قوم تو. پس شکیبا باش که فرجام [نیک] از آنِ تقواپیشگان است. }

1- . هود / 49

- «وَ كُلاًّ نَقُصُّ عَلَيْکَ مِنْ أَنْباءِ الرُّسُلِ ما نُثَبِّتُ بِهِ فُؤادَکَ وَ جاءَکَ فی هذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرى لِلْمُؤْمِنينَ *وَ قُلْ لِلَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلى مَكانَتِكُمْ إِنَّا عامِلُونَ *وَ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ *وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَ ما رَبُّکَ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ.» (1)

{و هر يک از سرگذشتهای پيامبران [خود] را كه بر تو حكايت می كنيم، چيزی است كه دلت را بدان استوار می گردانيم، و در اينها حقيقت برای تو آمده، و برای مؤمنان اندرز و تذكّری است. و به كسانی كه ايمان نمی آورند بگو: «بر حسب امكانات خود عمل كنيد كه ما [هم] عمل خواهيم كرد.» «و منتظر باشيد كه ما [نيز] منتظر خواهيم بود.» و نهان آسمانها و زمين از آنِ خداست، و تمام كارها به او بازگردانده می شود پس او را پرستش كن و بر او توكّل نمای، و پروردگار تو از آنچه انجام می دهيد غافل نيست. }

- «ذلِکَ مِنْ أَنْباءِ الْغَيْبِ نُوحيهِ إِلَيْکَ وَ ما كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَ هُمْ يَمْكُرُونَ *وَ ما أَكْثَرُ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنينَ *وَ ما تَسْئَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِلْعالَمينَ *وَ كَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْها وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ *وَ ما يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلاَّ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ *أَ فَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غاشِيَةٌ مِنْ عَذابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ *قُلْ هذِهِ سَبيلی أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلى بَصيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنی وَ سُبْحانَ اللَّهِ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِكينَ *وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ إِلاَّ رِجالاً نُوحی إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرى أَ فَلَمْ يَسيرُوا فِی الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذينَ اتَّقَوْا أَ فَلا تَعْقِلُونَ.» (2)

{اين [ماجرا] از خبرهای غيب است كه به تو وحی می كنيم، و تو هنگامی كه آنان همداستان شدند و نيرنگ می كردند نزدشان نبودی. و بيشتر مردم - هر چند آرزومند باشی - ايمان آورنده نيستند. و تو بر اين [كار] پاداشی از آنان نمی خواهی. آن [قرآن] جز پندی برای جهانيان نيست. و چه بسيار نشانه ها در آسمانها و زمين است كه بر آنها می گذرند در حالی كه از آنها روی برمی گردانند. و بيشترشان به خدا

1- . هود / 120 - 123

2- . يوسف / 102 - 109

ایمان نمی آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می گیرند. آیا ایمنند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان دررسد، یا قیامت - در حالی که بی خبرند - بناگاه آنان را فرا رسد؟ بگو: «این است راه من، که من و هر کس (پیروی ام) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.» و پیش از تو [نیز] جز مردانی از اهل شهرها را - که به آنان وحی می کردیم - نفرستادیم. آیا در زمین نگردیده اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده اند بهتر است. آیا نمی اندیشید؟ }

- «المر تِلْکَ آیاتُ الْکِتابِ وَ الَّذی أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یُؤْمِنُونَ *اللَّهُ الَّذی رَفَعَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْری لِأَجَلٍ مُسَمًّی یُدَبِّرُ الْأَمْرَ یُفَصِّلُ الْآیاتِ لَعَلَّکُمْ بِلِقاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ *وَ هُوَ الَّذی مَدَّ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ فیها رَواسِیَ وَ أَنْهاراً وَ مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ جَعَلَ فیها زَوْجَیْنِ اثْنَیْنِ یُغْشِی اللَّیْلَ النَّهارَ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ *وَ فِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخیلٌ صِنْوانٌ وَ غَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقی بِماءٍ واحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَها عَلی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ *وَ إِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَ إِذا کُنَّا تُراباً أَ إِنَّا لَفی خَلْقٍ جَدیدٍ أُولئِکَ الَّذینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ الْأَغْلالُ فی أَعْناقِهِمْ وَ أُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فیها خالِدُونَ *وَ یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالسَّیِّئَهِ قَبْلَ الْحَسَنَهِ وَ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلاتُ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَذُو مَغْفِرَهٍ لِلنَّاسِ عَلی ظُلْمِهِمْ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَشَدیدُ الْعِقابِ *وَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ *اللَّهُ یَعْلَمُ ما تَحْمِلُ کُلُّ أُنْثی وَ ما تَغیضُ الْأَرْحامُ وَ ما تَزْدادُ وَ کُلُّ شَیْ ءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدارٍ *عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ الْکَبیرُ الْمُتَعالِ *سَواءٌ مِنْکُمْ مَنْ أَسَرَّ الْقَوْلَ وَ مَنْ جَهَرَ بِهِ وَ مَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّیْلِ وَ سارِبٌ بِالنَّهارِ *لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ یَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذا أَرادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوْءاً فَلا مَرَدَّ لَهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ والٍ *هُوَ الَّذی یُریکُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ یُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ *وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلائِکَهُ مِنْ خیفَتِهِ وَ یُرْسِلُ الصَّواعِقَ فَیُصیبُ بِها مَنْ یَشاءُ وَ هُمْ یُجادِلُونَ فِی اللَّهِ وَ هُوَ شَدیدُ الْمِحالِ *لَهُ دَعْوَهُ الْحَقِّ وَ الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا یَسْتَجیبُونَ لَهُمْ بِشَیْ ءٍ

إِلاَّ كَباسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْماءِ لِيَبْلُغَ فاهُ وَ ما هُوَ بِبالِغِهِ وَ ما دُعاءُ الْكافِرِينَ إِلاَّ فی ضَلالٍ *وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ *قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَ فَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ لا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُماتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ *أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسالَتْ أَوْدِيَهٌ بِقَدَرِها فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَداً رابِياً وَ مِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِی النَّارِ ابْتِغاءَ حِلْيَهٍ أَوْ مَتاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ كَذلِکَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْباطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفاءً وَ أَمَّا ما يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِی الْأَرْضِ كَذلِکَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ *لِلَّذِينَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنی وَ الَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمِيعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ أُولئِکَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسابِ وَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهادُ *أَ فَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّما أُنْزِلَ إِلَيْکَ مِنْ رَبِّکَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمی إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ.» (1)

{الف، لام، ميم، راء. اين است آيات كتاب، و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است، ولی بيشتر مردم نمی گروند. خدا [همان] كسی است كه آسمانها را بدون ستونهايی كه آنها را ببينيد برافراشت، آن گاه بر عرش استيلا يافت و خورشيد و ماه را رام گردانيد هر كدام برای مدتی معين به سير خود ادامه می دهند. [خداوند] در كار [آفرينش] تدبير می كند، و آيات [خود] را به روشنی بيان می نمايد، اميد كه شما به لقای پروردگارتان يقين حاصل كنيد. و اوست كسی كه زمين را گسترانيد و در آن، كوه ها و رودها نهاد، و از هر گونه ميوه ای در آن، جُفت جُفت قرار داد. روز را به شب می پوشاند. قطعاً در اين [امور] برای مردمی كه تفكر می كنند نشانه هايی وجود دارد. و در زمين قطعاتی است كنار هم، و باغهايی از انگور و كشتزارها و درختان خرما، چه از يک ريشه و چه از غير يک ريشه، كه با يک آب سيراب می گردند، و [با اين همه] برخی از آنها را در ميوه [از حيث مزه و نوع و كيفيت] بر برخی ديگر برتری می دهيم. بی گمان در اين [امر نيز] برای مردمی كه تعقّل می كنند دلايل [روشنی] است. و اگر عجب داری، عجب از سخن آنان [كافران]

1- . رعد / 1 - 19

است که: «آیا وقتی خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟» اینان همان کسانند که به پروردگارشان کفر ورزیده اند و در گردنهایشان زنجیرهاست، و آنان همدم آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. و پیش از رحمت، شتابزده از تو عذاب می طلبند و حال آنکه پیش از آنان [بر کافران] عقوبتها رفته است، و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم - با وجود ستمشان - بخشایشگر است، و به یقین پروردگار تو سخت کیفر است. و آنان که کافر شده اند می گویند: «چرا نشانه ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر،] تو فقط هشداردهنده ای، و برای هر قومی رهبری است. خدا می داند آنچه را که هر ماده ای [در رحم] بار می گیرد، و [نیز] آنچه را که رَحِمها می کاهند و آنچه را می افزایند. و هر چیزی نزد او اندازه ای دارد. دانای نهان و آشکار، [و] بزرگ بلندمرتبه است. [برای او] یکسان است: کسی از شما سخن [خود] را نهان کند و کسی که آن را فاش گرداند، و کسی که خویشتن را به شب پنهان دارد و در روز، آشکارا حرکت کند. برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می کنند. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می نمایاند، و ابرهای گرانبار را پدیدار می کند. رعد، به حمد او، و فرشتگان [جملگی] از بیمش تسبیح می گویند، و صاعقه ها را فرو می فرستند و با آنها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می دهد، در حالی که آنان در باره خدا مجادله می کنند، و او سخت کیفر است. دعوت حق برای اوست. و کسانی که [مشرکان] جز او می خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید، و دعای کافران جز بر هدر نباشد. و هر که در آسمانها و زمین است - خواه و ناخواه - با سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند. بگو: «پروردگار آسمانها و زمین کیست؟» بگو: «خدا!» بگو: «پس آیا جز او سرپرستانی گرفته اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و

روشنایی برابرند؟ یا برای خدا شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریده اند و در نتیجه، [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟» بگو: «خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار.» [همو که] از آسمان، آبی فرو فرستاد. پس رودخانه هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند، و سیل، کفی بلند روی خود برداشت، و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی، در آتش می گدازند هم نظیر آن کفی برمی آید. خداوند، حق و باطل را چنین مَثَل می زند. اما کف، بیرون افتاده از میان می رود، ولی آنچه به مردم سود می رساند در زمین [باقی] می ماند. خداوند مَثَلها را چنین می زند. برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده اند پاداش بس نیکوست. و کسانی که وی را اجابت نکرده اند، اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعاً آن را برای بازخرید خود خواهند داد. آنان به سختی بازخواست شوند و جایشان در دوزخ است و چه بد جایگاهی است. پس، آیا کسی که می داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی است که کوردل است؟ تنها خردمندانند که عبرت می گیرند. {

- «وَ يَقُولُ الَّذينَ كَفَرُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدى إِلَيْهِ مَنْ أَنابَ *الَّذينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ *الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ طُوبى لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ *كَذلِكَ أَرْسَلْناكَ فى أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِها أُمَمٌ لِتَتْلُوَا عَلَيْهِمُ الَّذى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَ هُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمنِ قُلْ هُوَ رَبِّى لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتابِ *وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتى بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَميعاً أَ فَلَمْ يَيْأَسِ الَّذينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَميعاً وَ لا يَزالُ الَّذينَ كَفَرُوا تُصيبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَريباً مِنْ دارِهِمْ حَتَّى يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا يُخْلِفُ الْميعادَ *وَ لَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كانَ عِقابِ *أَ فَمَنْ هُوَ قائِمٌ عَلى كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِما لا يَعْلَمُ فِى الْأَرْضِ أَمْ بِظاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَ صُدُّوا عَنِ السَّبيلِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ *لَهُمْ عَذابٌ فِى الْحَياةِ الدُّنْيا وَ لَعَذابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَ ما لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ واقٍ *مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتى وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ أُكُلُها دائِمٌ وَ

ظِلُّها تِلْکَ عُقْبَی الَّذینَ اتَّقَوْا وَ عُقْبَی الْکافِرینَ النَّارُ *وَ الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَفْرَحُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ مِنَ الْأَحْزابِ مَنْ یُنْکِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّما أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَ لا أُشْرِکَ بِهِ إِلَیْهِ أَدْعُوا وَ إِلَیْهِ مَآبِ *وَ کَذلِکَ أَنْزَلْناهُ حُکْماً عَرَبِیًّا وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْواءَهُمْ بَعْدَ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ ما لَکَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا واقٍ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِکَ وَ جَعَلْنا لَهُمْ أَزْواجاً وَ ذُرِّیَّةً وَ ما کانَ لِرَسُولٍ أَنْ یَأْتِیَ بِآیَةٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ لِکُلِّ أَجَلٍ کِتابٌ *یَمْحُوا اللَّهُ ما یَشاءُ وَ یُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ *وَ إِنْ ما نُرِیَنَّکَ بَعْضَ الَّذی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّیَنَّکَ فَإِنَّما عَلَیْکَ الْبَلاغُ وَ عَلَیْنَا الْحِسابُ *أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنَّا نَأْتِی الْأَرْضَ نَنْقُصُها مِنْ أَطْرافِها وَ اللَّهُ یَحْکُمُ لا مُعَقِّبَ لِحُکْمِهِ وَ هُوَ سَریعُ الْحِسابِ *وَ قَدْ مَکَرَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَکْرُ جَمیعاً یَعْلَمُ ما تَکْسِبُ کُلُّ نَفْسٍ وَ سَیَعْلَمُ الْکُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَی الدَّارِ *وَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهیداً بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ.» (1)

{و کسانی که کافر شده اند می گویند: «چرا از جانب پروردگارش معجزه ای بر او نازل نشده است؟» بگو: «در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد بی راه می گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد، به سوی خود راه می نماید.» همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند. بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن، امتهایی روزگار به سر بردند، فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی، در حالی که آنان به [خدای] رحمان کفر می ورزند. بگو: «اوست پروردگار من. معبودی به جز او نیست. بر او توکل کرده ام و بازگشت من به سوی اوست.» و اگر قرآنی بود که کوه ها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن درمی آمدند [باز هم در آنان اثر نمی کرد.] نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست قطعاً تمام مردم را به راه می آورد؟ و کسانی که کافر شده اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده اند مصیبت کوبنده ای به آنان می رسد یا نزدیک خانه هایشان فرود

1- . رعد / 27 - 43

می آید، تا وعده خدا فرا رسد. آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی کند. و بی گمان، فرستادگان پیش از تو [نیز] مسخره شدند. پس به کسانی که کافر شده بودند مهلت دادم، آن گاه آنان را [به کیفر] گرفتم. پس چگونه بود کیفر من؟ آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است [مانند کسی است که از همه جا بی خبر است]؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: «نامشان را ببرید» آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی داند خبر می دهید، یا سخنی سطحی [و میان تهی] می گویید؟ [چنین نیست] بلکه برای کسانی که کافر شده اند نیرنگشان آراسته شده و از راه [حق] بازداشته شده اند و هر که را خدا بی راه گذارد رهبری نخواهد داشت. برای آنان در زندگی دنیا عذابی است، و قطعاً عذاب آخرت دشوارتر است، و برای ایشان در برابر خدا هیچ نگهدارنده ای نیست. وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [این است که] از زیر [درختان] آن نهرها روان است. میوه و سایه اش پایدار است. این است فرجام کسانی که پرهیزگاری کرده اند و فرجام کافران آتش [دوزخ] است. و کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] داده ایم، از آنچه به سوی تو نازل شده شاد می شوند. و برخی از دسته ها کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می کنند. بگو: «جز این نیست که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نورزم. به سوی او می خوانم و بازگشتم به سوی اوست.» و بدین سان آن [قرآن] را فرمانی روشن نازل کردیم، و اگر پس از دانشی که به تو رسیده [باز] از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا هیچ دوست و حمایتگری نخواهی داشت. و قطعاً پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم، و برای آنان زنان و فرزندانی قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه ای بیاورد. برای هر زمانی کتابی است. خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می کند، و اصل کتاب نزد اوست. و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم، جز این نیست که بر تو رساندن [پیام] است و بر ما حساب [آنان]. آیا ندیده اند که ما [همواره] می آییم و از اطراف این زمین می کاهیم؟ و خداست که حکم می کند. برای حکم او بازدارنده ای نیست، و او به سرعت حسابرسی می کند. و به یقین، کسانی که پیش از آنان بودند نیرنگ کردند، ولی همه تدبیرها نزد خداست. آنچه را که هر کسی به دست می آورد می داند.

و به زودی کافران بدانند که فرجام آن سرای از کیست. و کسانی که کافر شدند می گویند: «تو فرستاده نیستی.» بگو: «کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد.» }

- «الر كِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلى صِراطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ *اللَّهِ الَّذِى لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِى الْأَرْضِ وَ وَيْلٌ لِلْكافِرِينَ مِنْ عَذابٍ شَدِيدٍ *الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَياةَ الدُّنْيا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَها عِوَجاً أُولئِكَ فى ضَلالٍ بَعِيدٍ *وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ بِلِسانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدى مَنْ يَشاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسى بِآياتِنا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ *وَ إِذْ قالَ مُوسى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذابِ وَ يُذَبِّحُونَ أَبْناءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِساءَكُمْ وَ فى ذلِكُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ *وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِى لَشَدِيدٌ *وَ قالَ مُوسى إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِى الْأَرْضِ جَمِيعاً فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِىٌّ حَمِيدٌ *أَ لَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَ عادٍ وَ ثَمُودَ وَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لا يَعْلَمُهُمْ إِلاَّ اللَّهُ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فى أَفْواهِهِمْ وَ قالُوا إِنَّا كَفَرْنا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَ إِنَّا لَفى شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنا إِلَيْهِ مُرِيبٍ *قالَتْ رُسُلُهُمْ أَ فِي اللَّهِ شَكٌّ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُؤَخِّرَكُمْ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى قالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُنا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونا عَمَّا كانَ يَعْبُدُ آباؤُنا فَأْتُونا بِسُلْطانٍ مُبِينٍ *قالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ ما كانَ لَنا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطانٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ *وَ ما لَنا أَلاَّ نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدانا سُبُلَنا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلى ما آذَيْتُمُونا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ *وَ قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنا أَوْ لَتَعُودُنَّ فى مِلَّتِنا فَأَوْحى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ *وَ لَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذلِكَ لِمَنْ خافَ مَقامى وَ خافَ وَعِيدِ *وَ اسْتَفْتَحُوا وَ خابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ *مِنْ وَرائِهِ جَهَنَّمُ وَ يُسْقى مِنْ ماءٍ صَدِيدٍ *يَتَجَرَّعُهُ وَ لا يَكادُ يُسِيغُهُ وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكانٍ وَ ما هُوَ بِمَيِّتٍ وَ مِنْ وَرائِهِ عَذابٌ غَلِيظٌ *مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمالُهُمْ كَرَمادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فى يَوْمٍ

عاصِفٍ لا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلى شَيْ ءٍ ذلِكَ هُوَ الضَّلالُ الْبَعيدُ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَديدٍ *وَ ما ذلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزيزٍ. »(1)

{الف، لام، راء. کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری: به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده. خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و وای بر کافران از عذابی سخت. همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می دهند و مانع راه خدا می شوند و آن را کج می شمارند. آنانند که در گمراهی دور و درازی هستند. و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند، و اوست ارجمند حکیم. و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبایِ سپاسگزاری عبرتهاست. و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن گاه که شما را از فرعونیان رهانید، [همانان] که بر شما عذاب سخت روا می داشتند، و پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را زنده می گذاشتند، و در این [امر] برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود. و آن گاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.» و موسی گفت: «اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید، بی گمان، خدا بی نیاز ستوده [صفات] است.» آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود، و آنان که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است؟ فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی آنان دستهایشان را [به نشانه اعتراض] بر دهانهایشان نهادند و گفتند: «ما به آنچه شما بدان مأموریت دارید کافریم، و از آنچه ما را بدان می خوانید سخت

1- . ابراهیم / 1 - 20

در شکّیم.»پیامبرانشان گفتند: «مگر در باره خدا- پدید آورنده آسمانها و زمین- تردیدی هست؟ او شما را دعوت می کند تا پاره ای از گناهانتان را بر شما ببخشاید و تا زمان معینی شما را مهلت دهد.» گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید. می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند باز دارید. پس برای ما حجتی آشکار بیاورید.» پیامبرانشان به آنان گفتند: «ما جز بشری مثل شما نیستیم. ولی خدا بر هر یک از بندگانش که بخواهد منّت می نهد، و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجّتی بیاوریم، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه هایمان رهبری کرده است؟ و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد، و توکل کنندگان باید تنها بر خدا توکل کنند. و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما بازگردید.» پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد. و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد. و [پیامبران از خدا] گشایش خواستند، و [سرانجام] هر زورگوی لجوجی نومید شد. [آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین نوشانده می شود. آن را جرعه جرعه می نوشد و نمی تواند آن را فرو برد، و مرگ از هر جانبی به سویش می آید ولی نمی میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد. مَثَل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، کردارهایشان به خاکستری می ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد: از آنچه به دست آورده اند هیچ [بهره ای] نمی توانند بُرد. این است همان گمراهیِ دور و دراز. آیا در نیافته ای که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده؟ اگر بخواهد شما را می برد و خلق تازه ای می آورد، و این [کار] بر خدا دشوار نیست. }

- «أَ لَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً کَلِمَةً طَیِّبَةً کَشَجَرَةٍ طَیِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ *تُؤْتی أُکُلَها کُلَّ حینٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

ص: 104

يَتَذَكَّرُونَ *وَ مَثَلُ كَلِمَهٍ خَبيثَهٍ كَشَجَرَهٍ خَبيثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ.»(1)

{آيا نديدى خدا چگونه مَثَل زده: سخنى پاک كه مانند درختى پاک است كه ريشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؟ ميوه اش را هر دم به اذن پروردگارش مى دهد. و خدا مَثَلها را براى مردم مى زند، شايد كه آنان پند گيرند. و مَثَلِ سخنى ناپاک چون درختى ناپاک است كه از روى زمين كنده شده و قرارى ندارد. }

- «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ *جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَها وَ بِئْسَ الْقَرارُ *وَ جَعَلُوا لِلَّهِ أَنْداداً لِيُضِلُّوا عَنْ سَبيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصيرَكُمْ إِلَى النَّارِ .»(2)

{آيا به كسانى كه [شكر] نعمت خدا را به كفر تبديل كردند و قوم خود را به سراى هلاكت درآوردند ننگريستى؟ [در آن سراى هلاكت كه] جهنم است [و] در آن وارد مى شوند، و چه بد قرارگاهى است. و براى خدا مانندهايى قرار دادند تا [مردم را] از راه او گمراه كنند. بگو: «برخوردار شويد كه قطعاً بازگشت شما به سوى آتش است.» }

- «الر تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ وَ قُرْآنٍ مُبينٍ *رُبَما يَوَدُّ الَّذينَ كَفَرُوا لَوْ كانُوا مُسْلِمينَ *ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ *وَ ما أَهْلَكْنا مِنْ قَرْيَهٍ إِلاَّ وَ لَها كِتابٌ مَعْلُومٌ *ما تَسْبِقُ مِنْ أُمَّهٍ أَجَلَها وَ ما يَسْتَأْخِرُونَ *وَ قالُوا يا أَيُّهَا الَّذى نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ *لَوْ ما تَأْتينا بِالْمَلائِكَهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقينَ *ما نُنَزِّلُ الْمَلائِكَهَ إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ ما كانُوا إِذاً مُنْظَرينَ *إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ فى شِيَعِ الْأَوَّلينَ *وَ ما يَأْتيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *كَذلِكَ نَسْلُكُهُ فى قُلُوبِ الْمُجْرِمينَ *لا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ قَدْ خَلَتْ سُنَّهُ الْأَوَّلينَ *وَ لَوْ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ باباً مِنَ السَّماءِ فَظَلُّوا فيهِ يَعْرُجُونَ *لَقالُوا إِنَّما سُكِّرَتْ أَبْصارُنا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ *وَ لَقَدْ جَعَلْنا فِى السَّماءِ بُرُوجاً وَ زَيَّنَّاها لِلنَّاظِرينَ *وَ حَفِظْناها مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ رَجيمٍ *إِلاَّ مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَأَتْبَعَهُ شِهابٌ مُبينٌ *وَ الْأَرْضَ مَدَدْناها

1- . ابراهيم / 24 - 26
2- ابراهيم / 28 - 30

وَ أَلْقَيْنا فيها رَواسِيَ وَ أَنْبَتْنا فيها مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ مَوْزُونٍ *وَ جَعَلْنا لَكُمْ فيها مَعايِشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرازِقينَ *وَ إِنْ مِنْ شَيْ ءٍ إِلاَّ عِنْدَنا خَزائِنُهُ وَ ما نُنَزِّلُهُ إِلاَّ بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ *وَ أَرْسَلْنَا الرِّياحَ لَواقِحَ فَأَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَسْقَيْناكُمُوهُ وَ ما أَنْتُمْ لَهُ بِخازِنينَ *وَ إِنَّا لَنَحْنُ نُحْيی وَ نُميتُ وَ نَحْنُ الْوارِثُونَ *وَ لَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرينَ *وَ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكيمٌ عَليمٌ *وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ *وَ الْجَانَّ خَلَقْناهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نارِ السَّمُومِ *وَ إِذْ قالَ رَبُّكَ لِلْمَلائِكَهِ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ *فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحی فَقَعُوا لَهُ ساجِدينَ *فَسَجَدَ الْمَلائِكَهُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ *إِلاَّ إِبْليسَ أَبی أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدينَ *قالَ يا إِبْليسُ ما لَكَ أَلاَّ تَكُونَ مَعَ السَّاجِدينَ *قالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ *قالَ فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّكَ رَجيمٌ *وَ إِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَهَ إِلی يَوْمِ الدِّينِ *قالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنی إِلی يَوْمِ يُبْعَثُونَ *قالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرينَ *إِلی يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ*قالَ رَبِّ بِما أَغْوَيْتَنی لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعينَ *إِلاَّ عِبادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصينَ *قالَ هذا صِراطٌ عَلَيَّ مُسْتَقيمٌ *إِنَّ عِبادی لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطانٌ إِلاَّ مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغاوينَ *وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعينَ *لَها سَبْعَهُ أَبْوابٍ لِكُلِّ بابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَقْسُومٌ *إِنَّ الْمُتَّقينَ فی جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ *ادْخُلُوها بِسَلامٍ آمِنينَ *وَ نَزَعْنا ما فی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْواناً عَلی سُرُرٍ مُتَقابِلينَ *لا يَمَسُّهُمْ فيها نَصَبٌ وَ ما هُمْ مِنْها بِمُخْرَجينَ *نَبِّئْ عِبادی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحيمُ *وَ أَنَّ عَذابی هُوَ الْعَذابُ الْأَليمُ *وَ نَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْراهيمَ *إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقالُوا سَلاماً قالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ *قالُوا لا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلامٍ عَليمٍ *قالَ أَ بَشَّرْتُمُونی عَلی أَنْ مَسَّنِیَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ *قالُوا بَشَّرْناكَ بِالْحَقِّ فَلا تَكُنْ مِنَ الْقانِطينَ *قالَ وَ مَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلاَّ الضَّالُّونَ *قالَ فَما خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ *قالُوا إِنَّا أُرْسِلْنا إِلی قَوْمٍ مُجْرِمينَ *إِلاَّ آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعينَ *إِلاَّ امْرَأَتَهُ قَدَّرْنا إِنَّها لَمِنَ الْغابِرينَ *فَلَمَّا جاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ *قالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ *قالُوا بَلْ جِئْناكَ بِما كانُوا فيهِ يَمْتَرُونَ *وَ أَتَيْناكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّا لَصادِقُونَ *فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبارَهُمْ وَ لا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَ امْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ *وَ قَضَيْنا إِلَيْهِ ذلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دابِرَ هؤُلاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحينَ *وَ جاءَ أَهْلُ الْمَدينَهِ يَسْتَبْشِرُونَ *قالَ إِنَّ هؤُلاءِ

ضَیْفی فَلا تَفْضَحُونِ *وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ لا تُخْزُونِ *قالُوا أَ وَ لَمْ نَنْهَکَ عَنِ الْعالَمینَ *قالَ هؤُلاءِ بَناتی إِنْ کُنْتُمْ فاعِلینَ *لَعَمْرُکَ إِنَّهُمْ لَفی سَکْرَتِهِمْ یَعْمَهُونَ *فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ مُشْرِقینَ *فَجَعَلْنا عالِیَها سافِلَها وَ أَمْطَرْنا عَلَیْهِمْ حِجارَهً مِنْ سِجِّیلٍ *إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمینَ *وَ إِنَّها لَبِسَبیلٍ مُقیمٍ *إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَهً لِلْمُؤْمِنینَ *وَ إِنْ کانَ أَصْحابُ الْأَیْکَهِ لَظالِمینَ *فَانْتَقَمْنا مِنْهُمْ وَ إِنَّهُما لَبِإِمامٍ مُبینٍ *وَ لَقَدْ کَذَّبَ أَصْحابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلینَ *وَ آتَیْناهُمْ آیاتِنا فَکانُوا عَنْها مُعْرِضینَ *وَ کانُوا یَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً آمِنینَ *فَأَخَذَتْهُمُ الصَّیْحَهُ مُصْبِحینَ *فَما أَغْنی عَنْهُمْ ما کانُوا یَکْسِبُونَ *وَ ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ إِنَّ السَّاعَهَ لَآتِیَهٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمیلَ *إِنَّ رَبَّکَ هُوَ الْخَلاَّقُ الْعَلیمُ *وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانی وَ الْقُرْآنَ الْعَظیمَ *لا تَمُدَّنَّ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِلْمُؤْمِنینَ *وَ قُلْ إِنِّی أَنَا النَّذیرُ الْمُبینُ *کَما أَنْزَلْنا عَلَی الْمُقْتَسِمینَ *الَّذینَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضینَ *فَوَ رَبِّکَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعینَ *عَمَّا کانُوا یَعْمَلُونَ *فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکینَ *إِنَّا کَفَیْناکَ الْمُسْتَهْزِئینَ *الَّذینَ یَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ *وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّکَ یَضیقُ صَدْرُکَ بِما یَقُولُونَ *فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ کُنْ مِنَ السَّاجِدینَ *وَ اعْبُدْ رَبَّکَ حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقینُ.» (1)

{الف، لام، راء. این است آیات کتاب [آسمانی] و قرآن روشنگر. چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند. بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو [ها] سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست. و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجلی معین بود. هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می افتد و نه پس می ماند. و گفتند: «ای کسی که قرآن بر او نازل شده است، به یقین تو دیوانه ای. اگر راست می گویی چرا فرشته ها را پیش ما نمی آوری؟» فرشتگان را جز به حق فرو نمی فرستیم، و در آن هنگام، دیگر مهلت نیابند. بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. و به یقین، پیش از تو [نیز] در گروه های پیشینیان [پیامبرانی] فرستادیم. و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می گرفتند. بدین گونه آن [استهزا] را

1- . حجر / 1 - 99

در دل بزهکاران راه می دهیم، [که] به او ایمان نمی آورند، و راه [و رسم] پیشینیان پیوسته چنین بوده است. و اگر دری از آسمان بر آنان می گشودیم که همواره از آن بالا می رفتند، قطعاً می گفتند: «در حقیقت، ما چشم بندی شده ایم، بلکه ما مردمی هستیم که افسون شده ایم.» و به یقین، ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم. و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ کردیم. مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می کند. و زمین را گسترانیدیم و در آن کوه های استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده ای در آن رویانیدیم. و برای شما و هر کس که شما روزی دهنده او نیستید، در آن وسایل زندگی قرار دادیم. و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه ای معین فرو نمی فرستیم. و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان، آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم، و شما خزانه دار آن نیستید. و بی تردید، این ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم، و ما وارث [همه] هستیم. و به یقین، پیشینیان شما را شناخته ایم و آیندگان [شما را نیز] شناخته ایم. و مسلماً پروردگار توست که آنان را محشور خواهد کرد، چرا که او حکیم داناست. و در حقیقت، انسان را از گِلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم. و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم. و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، خواهم آفرید. پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید. پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند، جز ابلیس که خودداری کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد. فرمود: «ای ابلیس، تو را چه شده است که با سجده کنندگان نیستی؟» گفت: «من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریده ای، سجده کنم.» فرمود: «از این [مقام] بیرون شو که تو رانده شده ای. و تا روز جزا بر تو لعنت باشد. گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی، تا روز [و] وقت معلوم.» گفت: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.» فرمود: «این راهی است

راست [که] به سوی من [منتهی می شود]. در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند، و قطعاً وعده گاه همه آنان دوزخ است، [دوزخی] که برای آن هفت در است، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می شوند]. بی گمان، پرهیزگاران در باغها و چشمه سارانند. [به آنان گویند:] «با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید.» و آنچه کینه [و شایبه های نفسانی] در سینه های آنان است برکَنیم برادرانه بر تختهایی روبروی یکدیگر نشسته اند. نه رنجی در آنجا به آنان می رسد و نه از آنجا بیرون رانده می شوند. به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان. و اینکه عذاب من، عذابی است دردناک. و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند. [ابراهیم] گفت: «ما از شما بیمناکیم.» گفتند: «مترس، که ما تو را به پسری دانا مژده می دهیم.» گفت: «آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارتم می دهید؟ به چه بشارت می دهید؟» گفتند: «ما تو را به حق بشارت دادیم. پس، از نومیدان مباش.» گفت: «چه کسی - جز گمراهان - از رحمت پروردگارش نومید می شود؟»

[سپس] گفت: «ای فرشتگان، [دیگر] کارتان چیست؟» گفتند: «ما به سوی گروه مجرمان فرستاده شده ایم، مگر خانواده لوط، که ما قطعاً همه آنان را نجات می دهیم، جز زنش را که مقدر کردیم او از بازماندگان [در عذاب] باشد.» پس چون فرشتگان نزد خاندان لوط آمدند،

[لوط] گفت: «شما مردمی ناشناس هستید.» گفتند: « [نه،] بلکه برای تو چیزی آورده ایم که در آن تردید می کردند، و حق را برای تو آورده ایم و قطعاً ما راستگویانیم، پس، پاسی از شب [گذشته] خانواده ات را حرکت ده و [خودت] به دنبال آنان برو، و هیچ یک از شما نباید به عقب بنگرد، و هر جا به شما دستور داده می شود بروید. و او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد. و مردم شهر، شادی کنان روی آوردند.

[لوط] گفت: «اینان مهمانان منند، مرا رسوا مکنید،و از خدا پروا کنید و مرا خوار نسازید.» گفتند: «آیا تو را [از مهمان کردن] مردم بیگانه منع نکردیم؟» گفت: «اگر می خواهید [کاری مشروع] انجام دهید، اینان دختران منند [با آنان ازدواج کنید].» به جان تو سوگند، که آنان در مستی خود سرگردان بودند. پس به هنگام طلوع آفتاب، فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت. و آن [شهر] را زیر و زَبر

کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گل باراندیم. به یقین، در این [کیفر] برای هوشیاران عبرتهاست. و [آثار] آن [شهر هنوز] بر سر راهی [دایر] برجاست. بی گمان، در این برای مؤمنان عبرتی است. و راستی اهل «ایکه» ستمگر بودند. پس، از آنان انتقام گرفتیم، و آن دو [شهر، اکنون] بر سر راهی آشکاراست. و اهل «حجر» [نیز] پیامبران [ما] را تکذیب کردند. و آیات خود را به آنان دادیم، و [لی] از آنها اعراض کردند. و [برای خود] از کوه ها خانه هایی می تراشیدند که در امان بمانند. پس صبحدم، فریاد [مرگبار]، آنان را فرو گرفت. و آنچه به دست می آوردند، به کارشان نخورد. و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده ایم، و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید. پس به خوبی صرف نظر کن، زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست. و به راستی، به تو سبع المثانی [سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم. و به آنچه ما دسته هایی از آنان [کافران] را بدان برخوردار ساخته ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر. و بگو: «من همان هشداردهنده آشکارم.» همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم کنندگان نازل کردیم: همانان که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]. پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید، از آنچه انجام می دادند. پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب، که ما [شرّ] ریشخندگران را از تو برطرف خواهیم کرد. همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می دهند. پس به زودی [حقیقت را] خواهند دانست. و قطعاً می دانیم که سینه تو از آنچه می گویند تنگ می شود. پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده کنندگان باش. و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد. }

- «أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ *یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاتَّقُونِ *خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ *خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذا هُوَ خَصیمٌ مُبینٌ *وَ الْأَنْعامَ خَلَقَها لَکُمْ فیها دِفْ ءٌ وَ مَنافِعُ وَ مِنْها تَأْکُلُونَ *وَ لَکُمْ فیها جَمالٌ حینَ تُریحُونَ وَ حینَ تَسْرَحُونَ *وَ تَحْمِلُ أَثْقالَکُمْ إِلی بَلَدٍ لَمْ تَکُونُوا بالِغیهِ إِلاَّ بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحیمٌ *وَ الْخَیْلَ وَ الْبِغالَ وَ الْحَمیرَ لِتَرْکَبُوها وَ زینَةً وَ

يَخْلُقُ ما لا تَعْلَمُونَ *وَ عَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبيلِ وَ مِنْها جائِرٌ وَ لَوْ شاءَ لَهَداكُمْ أَجْمَعينَ *هُوَ الَّذی أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً لَكُمْ مِنْهُ شَرابٌ وَ مِنْهُ شَجَرٌ فيهِ تُسيمُونَ *يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَ الزَّيْتُونَ وَ النَّخيلَ وَ الْأَعْنابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ إِنَّ فی ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ *وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومُ مُسَخَّراتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فی ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ *وَ ما ذَرَأَ لَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُخْتَلِفاً أَلْوانُهُ إِنَّ فی ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ *وَ هُوَ الَّذی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها وَ تَرَى الْفُلْكَ مَواخِرَ فيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ *وَ أَلْقى فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَميدَ بِكُمْ وَ أَنْهاراً وَ سُبُلاً لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ *وَ عَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ *أَ فَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لا يَخْلُقُ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ *وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوها إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحيمٌ *وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تُسِرُّونَ وَ ما تُعْلِنُونَ *وَ الَّذينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَ هُمْ يُخْلَقُونَ *أَمْواتٌ غَيْرُ أَحْياءٍ وَ ما يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ *إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَالَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ *لا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرينَ *وَ إِذا قيلَ لَهُمْ ما ذا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قالُوا أَساطيرُ الْأَوَّلينَ *لِيَحْمِلُوا أَوْزارَهُمْ كامِلَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ مِنْ أَوْزارِ الَّذينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلا ساءَ ما يَزِرُونَ *قَدْ مَكَرَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيانَهُمْ مِنَ الْقَواعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ أَتاهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ *ثُمَّ يَوْمَ الْقِيامَةِ يُخْزيهِمْ وَ يَقُولُ أَيْنَ شُرَكائِیَ الَّذينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فيهِمْ قالَ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْیَ الْيَوْمَ وَ السُّوءَ عَلَى الْكافِرينَ *الَّذينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ ظالِمِی أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ ما كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلى إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *فَادْخُلُوا أَبْوابَ جَهَنَّمَ خالِدينَ فيها فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرينَ *وَ قيلَ لِلَّذينَ اتَّقَوْا ما ذا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قالُوا خَيْراً لِلَّذينَ أَحْسَنُوا فی هذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَ لَدارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لَنِعْمَ دارُ الْمُتَّقينَ *جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ لَهُمْ فيها ما يَشاؤُنَ كَذلِكَ يَجْزِی اللَّهُ الْمُتَّقينَ *الَّذينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلائِكَةُ طَيِّبينَ يَقُولُونَ سَلامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلائِكَةُ أَوْ يَأْتِیَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذلِكَ فَعَلَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ ما ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ *فَأَصابَهُمْ سَيِّئاتُ ما عَمِلُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *وَ قالَ الَّذينَ أَشْرَكُوا لَوْ شاءَ اللَّهُ ما عَبَدْنا مِنْ دُونِهِ مِنْ

شَىْ ءٍ نَحْنُ وَ لا آباؤُنا وَ لا حَرَّمْنا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَىْ ءٍ كَذلِکَ فَعَلَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ *وَ لَقَدْ بَعَثْنا فى كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولاً أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلالَةُ فَسيرُوا فِى الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ *إِنْ تَحْرِصْ عَلى هُداهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يَهْدي مَنْ يُضِلُّ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرينَ *وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلى وَعْداً عَلَيْهِ حَقًّا وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ *لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذى يَخْتَلِفُونَ فيهِ وَ لِيَعْلَمَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كانُوا كاذِبينَ *إِنَّما قَوْلُنا لِشَىْ ءٍ إِذا أَرَدْناهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ *وَ الَّذينَ هاجَرُوا فِى اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِى الدُّنْيا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ *الَّذينَ صَبَرُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ *وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ إِلاَّ رِجالاً نُوحى إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ *بِالْبَيِّناتِ وَ الزُّبُرِ وَ أَنْزَلْنا إِلَيْکَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ *أَ فَأَمِنَ الَّذينَ مَكَرُوا السَّيِّئاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ *أَوْ يَأْخُذَهُمْ فى تَقَلُّبِهِمْ فَما هُمْ بِمُعْجِزينَ *أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ *أَ وَ لَمْ يَرَوْا إِلى ما خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَىْ ءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلالُهُ عَنِ الْيَمينِ وَ الشَّمائِلِ سُجَّداً لِلَّهِ وَ هُمْ داخِرُونَ *وَ لِلَّهِ يَسْجُدُ ما فِى السَّماواتِ وَ ما فِى الْأَرْضِ مِنْ دابَّةٍ وَ الْمَلائِكَةُ وَ هُمْ لا يَسْتَكْبِرُونَ *يَخافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ *وَ قالَ اللَّهُ لا تَتَّخِذُوا إِلهَيْنِ اثْنَيْنِ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ فَإِيَّاىَ فَارْهَبُونِ *وَ لَهُ ما فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَهُ الدِّينُ واصِباً أَ فَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ *وَ ما بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْئَرُونَ *ثُمَّ إِذا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذا فَريقٌ مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ *لِيَكْفُرُوا بِما آتَيْناهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ *وَ يَجْعَلُونَ لِما لا يَعْلَمُونَ نَصيباً مِمَّا رَزَقْناهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ *وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَناتِ سُبْحانَهُ وَ لَهُمْ ما يَشْتَهُونَ *وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظيمٌ *يَتَوارى مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ ما بُشِّرَ بِهِ أَ يُمْسِكُهُ عَلى هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِى التُّرابِ أَلا ساءَ ما يَحْكُمُونَ *لِلَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلى وَ هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ *وَ لَوْ يُؤاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ ما تَرَکَ عَلَيْها مِنْ دَابَّةٍ وَ لكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذا جاءَ أَجَلُهُمْ لا يَسْتَأْخِرُونَ ساعَةً وَ لا يَسْتَقْدِمُونَ *وَ يَجْعَلُونَ لِلَّهِ ما يَكْرَهُونَ وَ تَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ

الْحُسْنى لا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَ أَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ *تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ *وَ ما أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ إِلاَّ لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فيهِ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *وَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْيا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ في ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ *وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعامِ لَعِبْرَةً نُسْقيكُمْ مِمَّا في بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبَناً خالِصاً سائِغاً لِلشَّارِبينَ *وَ مِنْ ثَمَراتِ النَّخيلِ وَ الْأَعْنابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَراً وَ رِزْقاً حَسَناً إِنَّ في ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ *وَ أَوْحى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذي مِنَ الْجِبالِ بُيُوتاً وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ *ثُمَّ كُلي مِنْ كُلِّ الثَّمَراتِ فَاسْلُكي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلاً يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ فيهِ شِفاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ في ذلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ *وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ قَديرٌ *وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلى ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَهُمْ فيهِ سَواءٌ أَ فَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ *وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْواجِكُمْ بَنينَ وَ حَفَدَةً وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ أَ فَبِالْباطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ *وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقاً مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ شَيْئاً وَ لا يَسْتَطيعُونَ *فَلا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً عَبْداً مَمْلُوكاً لا يَقْدِرُ عَلى شَيْ ءٍ وَ مَنْ رَزَقْناهُ مِنَّا رِزْقاً حَسَناً فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْراً هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ *وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلَيْنِ أَحَدُهُما أَبْكَمُ لا يَقْدِرُ عَلى شَيْ ءٍ وَ هُوَ كَلٌّ عَلى مَوْلاهُ أَيْنَما يُوَجِّهْهُ لا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوي هُوَ وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ *وَ لِلَّهِ غَيْبُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما أَمْرُ السَّاعَةِ إِلاَّ كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ *وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ لا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ *أَ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّراتٍ في جَوِّ السَّماءِ ما يُمْسِكُهُنَّ إِلاَّ اللَّهُ إِنَّ في ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَناً وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعامِ بُيُوتاً تَسْتَخِفُّونَها يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوافِها وَ أَوْبارِها وَ أَشْعارِها أَثاثاً وَ مَتاعاً إِلى حينٍ *وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلالاً وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبالِ أَكْناناً وَ جَعَلَ لَكُمْ سَرابيلَ تَقيكُمُ الْحَرَّ وَ سَرابيلَ

تَقيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ *فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَيْكَ الْبَلاغُ الْمُبينُ *يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَها وَ أَكْثَرُهُمُ الْكافِرُونَ *وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهيداً ثُمَّ لا يُؤْذَنُ لِلَّذينَ كَفَرُوا وَ لا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ *وَ إِذا رَأَى الَّذينَ ظَلَمُوا الْعَذابَ فَلا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَ لا هُمْ يُنْظَرُونَ *وَ إِذا رَأَى الَّذينَ أَشْرَكُوا شُرَكاءَهُمْ قالُوا رَبَّنا هؤُلاءِ شُرَكاؤُنَا الَّذينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكاذِبُونَ *وَ أَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَمَ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ *الَّذينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ زِدْناهُمْ عَذاباً فَوْقَ الْعَذابِ بِما كانُوا يُفْسِدُونَ *وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فی كُلِّ أُمَّةٍ شَهيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنا بِكَ شَهيداً عَلى هؤُلاءِ وَ نَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ وَ هُدىً وَ رَحْمَةً وَ بُشْرى لِلْمُسْلِمينَ *إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إيتاءِ ذِي الْقُرْبى وَ يَنْهى عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ *وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذا عاهَدْتُمْ وَ لا تَنْقُضُوا الْأَيْمانَ بَعْدَ تَوْكيدِها وَ قَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفيلاً إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ *وَ لا تَكُونُوا كَالَّتی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكاثاً تَتَّخِذُونَ أَيْمانَكُمْ دَخَلاً بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّما يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ ما كُنْتُمْ فيهِ تَخْتَلِفُونَ *وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ لكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدی مَنْ يَشاءُ وَ لَتُسْئَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *وَ لا تَتَّخِذُوا أَيْمانَكُمْ دَخَلاً بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِها وَ تَذُوقُوا السُّوءَ بِما صَدَدْتُمْ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذابٌ عَظيمٌ *وَ لا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَناً قَليلاً إِنَّما عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ *ما عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ باقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجيمِ *إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطانٌ عَلَى الَّذينَ آمَنُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ *إِنَّما سُلْطانُهُ عَلَى الَّذينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ *وَ إِذا بَدَّلْنا آيَةً مَكانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما يُنَزِّلُ قالُوا إِنَّما أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ *قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذينَ آمَنُوا وَ هُدىً وَ بُشْرى لِلْمُسْلِمينَ *وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّما يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِسانُ الَّذی يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَ هذا لِسانٌ عَرَبِيٌّ مُبينٌ *إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِآياتِ اللَّهِ لا يَهْديهِمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ *إِنَّما يَفْتَرِی الْكَذِبَ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ أُولئِكَ هُمُ

الْكاذِبُونَ *مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إيمانِهِ إِلاَّ مَنْ أُكْرِهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمانِ وَ لكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْراً فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ *ذلِکَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَياةَ الدُّنْيا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لا يَهْدِی الْقَوْمَ الْكافِرِينَ *أُولئِکَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ *لا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَةِ هُمُ الْخاسِرُونَ *ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِينَ هاجَرُوا مِنْ بَعْدِ ما فُتِنُوا ثُمَّ جاهَدُوا وَ صَبَرُوا إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِيمٌ *يَوْمَ تَأْتِی كُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ عَنْ نَفْسِها وَ تُوَفَّی كُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ *وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً قَرْيَةً كانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيها رِزْقُها رَغَداً مِنْ كُلِّ مَكانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذاقَهَا اللَّهُ لِباسَ الْجُوعِ وَ الْخَوْفِ بِما كانُوا يَصْنَعُونَ *وَ لَقَدْ جاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذابُ وَ هُمْ ظالِمُونَ *فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طَيِّباً وَ اشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ *إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ ما أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ باغٍ وَ لا عادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ *وَ لا تَقُولُوا لِما تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هذا حَلالٌ وَ هذا حَرامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لا يُفْلِحُونَ *مَتاعٌ قَلِيلٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ *وَ عَلَى الَّذِينَ هادُوا حَرَّمْنا ما قَصَصْنا عَلَيْکَ مِنْ قَبْلُ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ *ثُمَّ إِنَّ رَبَّکَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهالَةٍ ثُمَّ تابُوا مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ أَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّکَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِيمٌ *إِنَّ إِبْراهِيمَ كانَ أُمَّةً قانِتاً لِلَّهِ حَنِيفاً وَ لَمْ يَکُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ *شاكِراً لِأَنْعُمِهِ اجْتَباهُ وَ هَداهُ إِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ *وَ آتَيْناهُ فِی الدُّنْيا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِی الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ *ثُمَّ أَوْحَيْنا إِلَيْکَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْراهِيمَ حَنِيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ.» (1)

{[هان] امر خدا دررسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزّه و فراتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید. آسمانها و زمین را به حق آفریده است. او فراتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند. انسان را از نطفه ای آفریده است، آن گاه ستیزه جویی آشکار است. و چارپایان را برای شما آفرید: در آنها برای شما [وسیله] گرمی و سودهایی

1- . نحل / 1 - 123

است، و از آنها می خورید. و در آنها برای شما زیبایی است، آن گاه که [آنها را] از چراگاه برمی گردانید، و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می برید. و بارهای شما را به شهری می برند که جز با مشقت بدنها بدان نمی توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رئوف و مهربان است. و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجمّلی [باشد]، و آنچه را نمی دانید می آفریند. و نمودن راه راست بر عهده خداست، و برخی از آن [راهها] کژ است، و اگر [خدا] می خواست مسلماً همه شما را هدایت می کرد. اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد که [آب] آشامیدنی شما از آن است، و روییدنی [هایی] که [رمه های خود را] در آن می چرانید [نیز] از آن است. به وسیله آن، کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می رویاند. قطعاً در اینها برای مردمی که اندیشه می کنند نشانه ای است. و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخّر شده اند. مسلماً در این [امور] برای مردمی که تعقل می کنند نشانه هاست. و [همچنین] آنچه را در زمین به رنگهای گوناگون برای شما پدید آورد [مسخّر شما ساخت]. بی تردید، در این [امور] برای مردمی که پند می گیرند نشانه ای است. و اوست کسی که دریا را مسخّر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید، و پیرایه ای که آن را می پوشید از آن بیرون آورید. و کشتیها را در آن، شکافنده [آب] می بینی، و تا از فضل او بجویید و باشد که شما شکر گزارید. و در زمین کوه هایی استوار افکند تا شما را نجنباند، و رودها و راهها [قرار داد] تا شما راه خود را پیدا کنید. و نشانه هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه یابی می کنند. پس آیا کسی که می آفریند چون کسی است که نمی آفریند؟ آیا پند نمی گیرید؟ و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید، آن را نمی توانید بشمارید. قطعاً خدا آمرزنده مهربان است. و خدا آنچه را که پنهان می دارید و آنچه را که آشکار می سازید می داند. و کسانی را که جز خدا می خوانند، چیزی نمی آفرینند در حالی که خود آفریده می شوند. مردگانند نه زندگان، و نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد. معبود شما معبودی است یگانه. پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دلهایشان انکارکننده [حق] است و خودشان متکبرند. شک نیست که خداوند آنچه را پنهان

می دارند و آنچه را آشکار می سازند، می داند، و او گردنکشان را دوست نمی دارد. و چون به آنان گفته شود: «پروردگارتان چه چیز نازل کرده است؟» می گویند: «افسانه های پیشینیان است.» تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند، و [نیز] بخشی از بار گناهان کسانی را که ندانسته آنان را گمراه می کنند. آگاه باشید، چه بد باری را می کشند. پیش از آنان کسانی بودند که مکر کردند، و [لی] خدا از پایه بر بنیانشان زد، در نتیجه از بالای سرشان سقف بر آنان فرو ریخت، و از آنجا که حدس نمی زدند عذاب به سراغشان آمد. سپس روز قیامت آنان را رسوا می کند و می گوید: «کجایند آن شریکان من که در باره آنها [با پیامبران] مخالفت می کردید؟» کسانی که به آنان علم داده شده است می گویند: «در حقیقت، امروز رسوایی و خواری بر کافران است.» همانان که فرشتگان جانشان را می گیرند در حالی که بر خود ستمکار بوده اند. پس، از در تسلیم درمی آیند [و می گویند:] «ما هیچ کار بدی نمی کردیم.» آری، خدا به آنچه می کردید داناست. پس، از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید، و حقّا که چه بد است جایگاه متکبران. و به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: «پروردگارتان چه نازل کرد؟» می گویند: «خوبی.» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران: بهشتهای عدن که در آن داخل می شوند رودها از زیر [درختان] آنها روان است در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [فراهم] است. خدا این گونه پرهیزگاران را پاداش می دهد. همان کسانی که فرشتگان جانشان را- در حالی که پاکند- می ستانند [و به آنان] می گویند: «درود بر شما باد، به [پاداش] آنچه انجام می دادید به بهشت درآیید.» آیا [کافران] جز این که فرشتگانِ [جان ستان] به سویشان آیند، یا فرمان پروردگارت [دایر بر عذابشان] دررسد، انتظاری می برند؟ کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این گونه رفتار کردند، و خدا به ایشان ستم نکرد، بلکه آنان به خود ستم می کردند. پس [کیفر] بدیهایی که کردند به آنان رسید، و آنچه مسخره اش می کردند آنان را فرا گرفت. و کسانی که شرک ورزیدند گفتند: «اگر خدا می خواست - نه ما و نه پدرانمان - هیچ چیزی را غیر از او نمی پرستیدیم و بدون [حکم] او چیزی را حرام نمی شمردیم.» کسانی که پیش از

آنان بودند [نیز] چنین رفتار کردند، و [لی] آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران [وظیفه ای] است؟ و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید:] «خدا را بپرستید و از طاغوت [فریبگر] بپرهیزید.» پس، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است. بنا بر این در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. اگر [چه] بر هدایت آنان حرص ورزی، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی کند، و برای ایشان یاری کنندگانی نیست. و با سخت ترین سوگندهایشان بخدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می میرد بر نخواهد انگیخت. آری، [انجام] این وعده بر او حق است، لیکن بیشتر مردم نمی دانند. تا [خدا] آنچه را در [مورد] آن اختلاف دارند، برای آنان توضیح دهد، و تا کسانی که کافر شده اند، بدانند که آنها خود دروغ می گفته اند. ما وقتی چیزی را اراده کنیم، همین قدر به آن می گوییم: «باش»، بی درنگ موجود می شود. و کسانی که پس از ستمدیدگی، در راه خدا هجرت کرده اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود. همانان که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکّل می کنند. و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی دانید، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جویا شوید، [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته ها [فرستادیم]، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند. آیا کسانی که تدبیرهای بد می اندیشند، ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد، یا از جایی که حدس نمی زنند عذاب برایشان بیاید؟ یا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد، و کاری از دستشان برنیاید؟ یا آنان را در حالی که وحشت زده اند فرو گیرد؟ همانا پروردگار شما رؤوف و مهربان است. آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته اند که [چگونه] سایه هایشان از راست و [از جوانب] چپ می گردد، و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می سایند؟ و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنبندگان و فرشتگان است، برای خدا سجده می کنند و تکبّر نمی ورزند. از پروردگارشان که حاکم بر آنهاست می ترسند و آنچه را مأمورند انجام می دهند. و

خدا فرمود: «دو معبود برای خود مگیرید. جز این نیست که او خدایی یگانه است. پس تنها از من بترسید.» و آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ اوست، و آیین پایدار [نیز] از آنِ اوست. پس آیا از غیر خدا پروا دارید؟ و هر نعمتی که دارید از خداست، سپس چون آسیبی به شما رسد به سوی او روی می آورید [و می نالید]. و چون آن آسیب را از شما برطرف کرد، آن گاه گروهی از شما به پروردگارشان شرک می ورزند. [بگذار] تا آنچه را به ایشان عطا کرده ایم ناسپاسی کنند. اکنون برخوردار شوید، و [لی] زودا که بدانید. و از آنچه به ایشان روزی دادیم، نصیبی برای آن [خدایانی] که نمی دانند [چیست] می نهند. به خدا سوگند که از آنچه به دروغ برمی بافتید، حتماً سؤال خواهید شد. و برای خدا دخترانی می پندارند. منزّه است او. و برای خودشان آنچه را میل دارند [قرار می دهند]. و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد. از بدیِ آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیله [خود] روی می پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ وه چه بد داوری می کنند. وصف زشت برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند، و بهترین وصف از آنِ خداست، و اوست ارجمند حکیم. و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می کرد، جنبنده ای بر روی زمین باقی نمی گذاشت، لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معیّن بازپس می اندازد، و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی آن را پس و پیش نمی توانند افکنند. و چیزی را که خوش نمی دارند، برای خدا قرار می دهند، و زبانشان دروغ پردازی می کند که [سرانجام] نیکو از آنِ ایشان است. حقاً که آتش برای آنان است و به سوی آن پیش فرستاده خواهند شد. سوگند به خدا که به سوی امتهای پیش از تو [رسولانی] فرستادیم [اما] شیطان اعمالشان را برایشان آراست و امروز [هم] سرپرستشان هموست و برایشان عذابی دردناک است. و ما [این] کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده اند، برای آنان توضیح دهی، و [آن] برای مردمی که ایمان می آورند، رهنمود و رحمتی است. و خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید، قطعاً در این [امر] برای مردمی که شنوایی دارند نشانه ای است. و در دامها قطعاً برای شما عبرتی است: از

آنچه در [لابلای] شکم آنهاست، از میان سرگین و خون، شیری ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. و از میوه درختان خرما و انگور، باده مستی بخش و خوراکی نیکو برای خود می گیرید. قطعاً در این [ها] برای مردمی که تعقل می کنند نشانه ای است. و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [الهام غریزی] کرد که از پاره ای کوه ها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته سازی] می کنند، خانه هایی برای خود درست کن، سپس از همه میوه ها بخور، و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه، بپوی. [آن گاه] از درون [شکم] آن، شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید. در آن، برای مردم درمانی است. راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه [قدرت الهی] است. و خدا شما را آفرید، سپس [جان] شما را می گیرد، و بعضی از شما تا خوارترین [دوره] سالهای زندگی [فرتوتی] بازگردانده می شود، به طوری که بعد از [آن همه] دانستن، [دیگر] چیزی نمی دانند. قطعاً خدا دانایِ تواناست. و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است. و [لی] کسانی که فزونی یافته اند، روزیِ خود را به بندگان خود نمی دهند تا در آن با هم مساوی باشند. آیا باز نعمت خدا را انکار می کنند؟ و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟ و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که در آسمانها و زمین به هیچ وجه اختیار روزی آنان را ندارند و [به کاری] توانایی ندارند. پس برای خدا مثل نزنید، که خدا می داند و شما نمی دانید. خدا مَثَلی می زند: بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید. آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزیِ نیکو داده ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می کند یکسان است؟ سپاس خدای راست. [نه،] بلکه بیشترشان نمی دانند. و خدا مثلی [دیگر] می زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او برنمی آید و او سربار خداوندگارش می باشد. هر جا که او را می فرستد خیری به همراه نمی آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟ و نهان آسمانها و زمین از آنِ خداست، و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر [از آن]

نیست، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. و خدا شما را از شکم مادرانتان - در حالی که چیزی نمی دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. آیا به سوی پرندگانی که در فضای آسمان، رام شده اند ننگریسته اند؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی دارد. راستی در این [قدرت نمایی] برای مردمی که ایمان می آورند نشانه هایی است. و خدا برای شما خانه هایتان را مایه آرامش قرار داد، و از پوست دامها برای شما خانه هایی نهاد که آن [ها] را در روز جابجا شدنتان و هنگام ماندنتان سبک می یابید، و از پشمها و کرکها و موهای آنها وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است [قرار داد]. و خدا از آنچه آفریده، به سود شما سایه هایی فراهم آورده و از کوه ها برای شما پناهگاه هایی قرار داده و برای شما تن پوشهایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می کند، و تن پوشها [زره ها] یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید. این گونه وی نعمتش را بر شما تمام می گرداند، امید که شما [به فرمانش] گردن نهید. پس اگر رویگردان شوند، بر تو فقط ابلاغ آشکار است. نعمت خدا را می شناسند، اما باز هم منکر آن می شوند و بیشترشان کافرند. و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گواهی برمی انگیزیم، سپس به کسانی که کافر شده اند رخصت داده نمی شود و آنان مورد بخشش قرار نخواهند گرفت. و چون کسانی که ستم کرده اند عذاب را ببینند [شکنجه] آنان کاسته نمی گردد و مهلت نمی یابند. و چون کسانی که شرک ورزیدند، شریکان خود را ببینند می گویند: «پروردگارا، اینها بودند آن شریکانی که ما به جای تو می خواندیم». و [لی شریکان] قول آنان را رد می کنند که: «شما جداً دروغگویانید.» و آن روز در برابر خدا از در تسلیم درآیند و آنچه را که برمی بافتند بر باد می رود. کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند به [سزای] آنکه فساد می کردند عذابی بر عذابشان می افزاییم. و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم، و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم، و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم. در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که

ص: 121

پند گیرید. و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده اید، زیرا خدا آنچه را انجام می دهید می داند. و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می گسست مباشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزونترند. جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می کردید، قطعاً برای شما توضیح خواهد داد. و اگر خدا می خواست قطعاً شما را امّتی واحد قرار می داد، ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می کند و از آنچه انجام می دادید حتماً سؤال خواهید شد. و زنهار، سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید، تا گامی بعد از استواریش بلغزد، و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا باز داشته اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد. و پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید، زیرا آنچه نزد خداست - اگر بدانید - همان برای شما بهتر است. آنچه پیش شماست تمام می شود و آنچه پیش خداست پایدار است، و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می کردند، پاداش خواهیم داد. هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد. پس چون قرآن می خوانی از شیطانِ مطرود به خدا پناه بر، چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند، و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست. تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند، و بر کسانی که آنها به او [خدا] شرک می ورزند. و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم - و خدا به آنچه به تدریج نازل می کند داناتر است - می گویند: «جز این نیست که تو دروغ بافی.» [نه،] بلکه بیشتر آنان نمی دانند. بگو: «آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده، تا کسانی را که ایمان آورده اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است.» و نیک می دانیم که آنان می گویند: «جز این نیست که بشری به او می آموزد.» [نه چنین نیست، زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می دهند غیر

عربی است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است. در حقیقت، کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند، خدا آنان را هدایت نمی کند و برایشان عذابی دردناک است. تنها کسانی دروغ پردازی می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغگویانند. هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود، زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. آنان کسانی اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاده و آنان خود غافلانند. شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند. با این حال، پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از [آن همه] زجر کشیدن، هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند، پروردگارت [نسبت به آنان] بعد از آن [همه مصایب] قطعاً آمرزنده و مهربان است. [یاد کن] روزی را که هر کس می آید [و] از خود دفاع می کند، و هر کس به آنچه کرده، بی کم و کاست پاداش می یابد و بر آنان ستم نمی رود. و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشانید. و به یقین، فرستاده ای از خودشان برایشان آمد، اما او را تکذیب کردند، پس در حالی که ظالم بودند آنان را عذاب فرو گرفت. پس، از آنچه خدا شما را روزی کرده است، حلال [و] پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را - اگر تنها او را می پرستید - شکر گزارید. جز این نیست که [خدا] مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام غیر خدا بر آن برده شده حرام گردانیده است. [با این همه،] هر کس که [به خوردن آنها] ناگزیر شود، و سرکش و زیاده خواه نباشد، قطعاً خدا آمرزنده مهربان است. و برای آنچه زبان شما به دروغ می پردازد، مگویید: «این حلال است و آن حرام» تا بر خدا دروغ بندید، زیرا کسانی که بر خدا دروغ می بندند رستگار نمی شوند. [ایشان راست] اندک بهره ای، و [لی] عذابشان پر درد است. و بر کسانی که یهودی شدند، آنچه را قبلاً بر تو حکایت کردیم، حرام گردانیدیم، و ما بر آنان ستم نکردیم، بلکه آنها به خود ستم

می کردند. [با این همه] پروردگار تو نسبت به کسانی که به نادانی مرتکب گناه شده، سپس توبه کرده و به صلاح آمده اند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان است. به راستی ابراهیم، پیشوایی مطیع خدا [و] حق گرای بود و از مشرکان نبود.

[و] نعمتهای او را شکرگزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد. و در دنیا به او نیکویی و [نعمت] دادیم و در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. سپس به تو وحی کردیم که: «از آیین ابراهیم حق گرای پیروی کن، [چرا که] او از مشرکان نبود.» }

- «ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبیلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدینَ *وَ إِنْ عاقَبْتُمْ فَعاقِبُوا بِمِثْلِ ما عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَیْرٌ لِلصَّابِرینَ *وَ اصْبِرْ وَ ما صَبْرُکَ إِلاَّ بِاللَّهِ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ لا تَکُ فی ضَیْقٍ مِمَّا یَمْکُرُونَ *إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذینَ اتَّقَوْا وَ الَّذینَ هُمْ مُحْسِنُونَ.»(1)

{با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر، و او به [حال] راه یافتگان [نیز] داناتر است. و اگر عقوبت کردید، همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید، و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است. و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مدار. در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند. }

- «إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَهْدی لِلَّتی هِیَ أَقْوَمُ وَ یُبَشِّرُ الْمُؤْمِنینَ الَّذینَ یَعْمَلُونَ الصَّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً کَبیراً *وَ أَنَّ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ أَعْتَدْنا لَهُمْ عَذاباً أَلیماً *وَ یَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَیْرِ وَ کانَ الْإِنْسانُ عَجُولاً *وَ جَعَلْنَا اللَّیْلَ وَ النَّهارَ آیَتَیْنِ فَمَحَوْنا آیَهَ اللَّیْلِ وَ جَعَلْنا آیَهَ النَّهارِ مُبْصِرَهً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنینَ وَ الْحِسابَ وَ کُلَّ شَیْ ءٍ فَصَّلْناهُ تَفْصیلاً *وَ کُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فی عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ کِتاباً یَلْقاهُ مَنْشُوراً *اقْرَأْ کِتابَکَ کَفی بِنَفْسِکَ الْیَوْمَ عَلَیْکَ حَسیباً

1- . نحل / 125 - 128

*مَنِ اهْتَدى فَإِنَّما يَهْتَدى لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى وَ ما كُنَّا مُعَذِّبينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً *وَ إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفيها فَفَسَقُوا فيها فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْناها تَدْميراً *وَ كَمْ أَهْلَكْنا مِنَ الْقُرُونِ مِنْ بَعْدِ نُوحٍ وَ كَفى بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبادِهِ خَبيراً بَصيراً *مَنْ كانَ يُريدُ الْعاجِلَةَ عَجَّلْنا لَهُ فيها ما نَشاءُ لِمَنْ نُريدُ ثُمَّ جَعَلْنا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاها مَذْمُوماً مَدْحُوراً *وَ مَنْ أَرادَ الْآخِرَةَ وَ سَعى لَها سَعْيَها وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ كانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُوراً *كُلاًّ نُمِدُّ هؤُلاءِ وَ هَؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّكَ وَ ما كانَ عَطاءُ رَبِّكَ مَحْظُوراً *انْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنا بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ لَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجاتٍ وَ أَكْبَرُ تَفْضيلاً *لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوماً مَخْذُولاً *وَ قَضى رَبُّكَ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ إِيَّاهُ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُما أَوْ كِلاهُما فَلا تَقُلْ لَهُما أُفٍّ وَ لا تَنْهَرْهُما وَ قُلْ لَهُما قَوْلاً كَريماً *وَ اخْفِضْ لَهُما جَناحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَهِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُما كَما رَبَّيانی صَغيراً *رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِما فی نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صالِحينَ فَإِنَّهُ كانَ لِلْأَوَّابينَ غَفُوراً *وَ آتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ وَ الْمِسْكينَ وَ ابْنَ السَّبيلِ وَ لا تُبَذِّرْ تَبْذيراً *إِنَّ الْمُبَذِّرينَ كانُوا إِخْوانَ الشَّياطينِ وَ كانَ الشَّيْطانُ لِرَبِّهِ كَفُوراً *وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغاءَ رَحْمَهٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلاً مَيْسُوراً *وَ لا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلى عُنُقِكَ وَ لا تَبْسُطْها كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُوماً مَحْسُوراً *إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ كانَ بِعِبادِهِ خَبيراً بَصيراً *وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كانَ خِطْأً كَبيراً *وَ لا تَقْرَبُوا الزِّنى إِنَّهُ كانَ فاحِشَةً وَ ساءَ سَبيلاً *وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتى حَرَّمَ اللَّهُ إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِيِّهِ سُلْطاناً فَلا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كانَ مَنْصُوراً *وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتيمِ إِلاَّ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلاً *وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقيمِ ذلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْويلاً *وَ لا تَقْفُ ما لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِكَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلاً *وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبالَ طُولاً *كُلُّ ذلِكَ كانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهاً *ذلِكَ مِمَّا أَوْحى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَهِ وَ لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتُلْقى فی جَهَنَّمَ مَلُوماً مَدْحُوراً *أَ فَأَصْفاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنينَ وَ اتَّخَذَ مِنَ الْمَلائِكَهِ إِناثاً إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلاً عَظيماً *وَ لَقَدْ صَرَّفْنا فی هذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ ما يَزيدُهُمْ إِلاَّ

نُفُوراً *قُلْ لَوْ كانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَما يَقُولُونَ إِذاً لاَبْتَغَوْا إِلى ذِی الْعَرْشِ سَبیلاً *سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبيراً *تُسَبِّحُ لَهُ السَّماواتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فيهِنَّ وَ إِنْ مِنْ شَیْ ءٍ إِلاَّ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لكِنْ لا تَفْقَهُونَ تَسْبيحَهُمْ إِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً *وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً *وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً *نَحْنُ أَعْلَمُ بِما يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَ إِذْ هُمْ نَجْوى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُوراً *انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا يَسْتَطيعُونَ سَبيلاً *وَ قالُوا أَ إِذا كُنَّا عِظاماً وَ رُفاتاً أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقاً جَديداً *قُلْ كُونُوا حِجارَهً أَوْ حَديداً *أَوْ خَلْقاً مِمَّا يَكْبُرُ فی صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعيدُنا قُلِ الَّذی فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُؤُسَهُمْ وَ يَقُولُونَ مَتى هُوَ قُلْ عَسى أَنْ يَكُونَ قَريباً *يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجيبُونَ بِحَمْدِهِ وَ تَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلاَّ قَليلاً *وَ قُلْ لِعِبادی يَقُولُوا الَّتی هِیَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطانَ كانَ لِلْإِنْسانِ عَدُوًّا مُبيناً *رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَ ما أَرْسَلْناكَ عَلَيْهِمْ وَكيلاً *وَ رَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَقَدْ فَضَّلْنا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلى بَعْضٍ وَ آتَيْنا داوُدَ زَبُوراً *قُلِ ادْعُوا الَّذينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لا تَحْويلاً *أُولئِكَ الَّذينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلى رَبِّهِمُ الْوَسيلَهَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَ يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَ يَخافُونَ عَذابَهُ إِنَّ عَذابَ رَبِّكَ كانَ مَحْذُوراً *وَ إِنْ مِنْ قَرْيَهٍ إِلاَّ نَحْنُ مُهْلِكُوها قَبْلَ يَوْمِ الْقِيامَهِ أَوْ مُعَذِّبُوها عَذاباً شَديداً كانَ ذلِكَ فِی الْكِتابِ مَسْطُوراً *وَ ما مَنَعَنا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآياتِ إِلاَّ أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ وَ آتَيْنا ثَمُودَ النَّاقَهَ مُبْصِرَهً فَظَلَمُوا بِها وَ ما نُرْسِلُ بِالْآياتِ إِلاَّ تَخْويفاً *وَ إِذْ قُلْنا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحاطَ بِالنَّاسِ وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتی أَرَيْناكَ إِلاَّ فِتْنَهً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَهَ الْمَلْعُونَهَ فِی الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَما يَزيدُهُمْ إِلاَّ طُغْياناً كَبيراً *وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِكَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاَّ إِبْليسَ قالَ أَ أَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طيناً *قالَ أَ رَأَيْتَكَ هذَا الَّذی كَرَّمْتَ عَلَیَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلاَّ قَليلاً *قالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزاؤُكُمْ جَزاءً مَوْفُوراً *وَ اسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجِلِكَ وَ شارِكْهُمْ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ وَ عِدْهُمْ وَ ما يَعِدُهُمُ الشَّيْطانُ إِلاَّ غُرُوراً *إِنَّ عِبادی لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ

سُلْطانٌ وَ كَفى بِرَبِّكَ وَكيلاً *رَبُّكُمُ الَّذى يُزْجى لَكُمُ الْفُلْكَ فِى الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كانَ بِكُمْ رَحيماً *وَ إِذا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِى الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلاَّ إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كانَ الْإِنْسانُ كَفُوراً *أَ فَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حاصِباً ثُمَّ لا تَجِدُوا لَكُمْ وَكيلاً *أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعيدَكُمْ فيهِ تارَةً أُخْرى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قاصِفاً مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِما كَفَرْتُمْ ثُمَّ لا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنا بِهِ تَبيعاً *وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنى آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِى الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّيِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلى كَثيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضيلاً *يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتابَهُ بِيَمينِهِ فَأُولئِكَ يَقْرَؤُنَ كِتابَهُمْ وَ لا يُظْلَمُونَ فَتيلاً *وَ مَنْ كانَ في هذِهِ أَعْمى فَهُوَ فِى الْآخِرَةِ أَعْمى وَ أَضَلُّ سَبيلاً *وَ إِنْ كادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِىَ عَلَيْنا غَيْرَهُ وَ إِذاً لاَتَّخَذُوكَ خَليلاً *وَ لَوْ لا أَنْ ثَبَّتْناكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَليلاً *إِذاً لَأَذَقْناكَ ضِعْفَ الْحَياةِ وَ ضِعْفَ الْمَماتِ ثُمَّ لا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنا نَصيراً *وَ إِنْ كادُوا لَيَسْتَفِزُّونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْها وَ إِذاً لا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلاَّ قَليلاً *سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنا وَ لا تَجِدُ لِسُنَّتِنا تَحْويلاً *أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كانَ مَشْهُوداً *وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَكَ عَسى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقاماً مَحْمُوداً *وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنى مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنى مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لى مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصيراً *وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً *وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنينَ وَ لا يَزيدُ الظَّالِمينَ إِلاَّ خَساراً *وَ إِذا أَنْعَمْنا عَلَى الْإِنْسانِ أَعْرَضَ وَ نَأى بِجانِبِهِ وَ إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ كانَ يَؤُساً *قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلى شاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدى سَبيلاً *وَ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّى وَ ما أُوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاَّ قَليلاً *وَ لَئِنْ شِئْنا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ ثُمَّ لا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنا وَكيلاً *إِلاَّ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كانَ عَلَيْكَ كَبيراً *قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهيراً *وَ لَقَدْ صَرَّفْنا لِلنَّاسِ فى هذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ كُفُوراً *وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعاً *أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِنْ نَخيلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجيراً *أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ كَما زَعَمْتَ عَلَيْنا كِسَفاً أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِكَةِ قَبيلاً *أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ

أَوْ تَرْقی فِی السَّماءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِیِّکَ حَتَّی تُنَزِّلَ عَلَیْنا کِتاباً نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحانَ رَبِّی هَلْ کُنْتُ إِلاَّ بَشَراً رَسُولاً *وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ یُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدی إِلاَّ أَنْ قالُوا أَ بَعَثَ اللَّهُ بَشَراً رَسُولاً *قُلْ لَوْ کانَ فِی الْأَرْضِ مَلائِکَهٌ یَمْشُونَ مُطْمَئِنِّینَ لَنَزَّلْنا عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَکاً رَسُولاً *قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهیداً بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ إِنَّهُ کانَ بِعِبادِهِ خَبیراً بَصیراً *وَ مَنْ یَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَ مَنْ یُضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونِهِ وَ نَحْشُرُهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ عَلی وُجُوهِهِمْ عُمْیاً وَ بُکْماً وَ صُمًّا مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ کُلَّما خَبَتْ زِدْناهُمْ سَعیراً *ذلِکَ جَزاؤُهُمْ بِأَنَّهُمْ کَفَرُوا بِآیاتِنا وَ قالُوا أَ إِذا کُنَّا عِظاماً وَ رُفاتاً أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقاً جَدیداً *أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ قادِرٌ عَلی أَنْ یَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَ جَعَلَ لَهُمْ أَجَلاً لا رَیْبَ فیهِ فَأَبَی الظَّالِمُونَ إِلاَّ کُفُوراً *قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِکُونَ خَزائِنَ رَحْمَهِ رَبِّی إِذاً لَأَمْسَکْتُمْ خَشْیَهَ الْإِنْفاقِ وَ کانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً.» (1)

{قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می کنند، مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود. و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند عذابی پر درد آماده کرده ایم. و انسان [همان گونه که] خیر را فرا می خواند، [پیشامد] بد را می خواند و انسان همواره شتابزده است. و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا [در آن،] فضلی از پروردگارتان بجویید، و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم. و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته ایم، و روز قیامت برای او نامه ای که آن را گشاده می بیند بیرون می آوریم. «نامه ات را بخوان. کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی.» هر کس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده، و هر کس بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته است. و هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد، و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی پردازیم.و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگذرانانش را وا می داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند، و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم. و چه بسیار نسلها را که ما پس از نوح به هلاکت رسانیدیم، و پروردگار تو به گناهان

1- . اسراء / 9 - 100

بندگانش بس آگاه و بیناست. هر کس خواهان [دنیای] زودگذر است، به زودی هر که را خواهیم [نصیبی] از آن می دهیم، آن گاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می داریم. و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنانند که تلاش آنها مورد حق شناسی واقع خواهد شد. هر دو [دسته:] اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می بخشیم، و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است. ببین چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده ایم، و قطعاً درجات آخرت و برتری آن بزرگتر و بیشتر است. معبود دیگری با خدا قرار مده تا نکوهیده و وامانده بنشینی. و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: «پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خُردی پروردند.» پروردگار شما به آنچه در دلهای خود دارید آگاه تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزنده توبه کنندگان است. و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن. چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است. و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی. و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی. بی گمان، پروردگار تو برای هر که بخواهد، روزی را گشاده یا تنگ می گرداند. در حقیقت، او به [حال] بندگانش آگاه بیناست. و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است. و به زنا نزدیک مشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است. و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده روی کند، زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است. و به مال یتیم - جز به بهترین وجه - نزدیک مشوید تا به رشد برسد، و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از

پیمان پرسش خواهد شد. و چون پیمانه می کنید، پیمانه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام تر است. و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد. و در [روی] زمین به نخوت گام برمدار، چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت، و در بلندی به کوه ها نمی توانی رسید. همه این [کارها] بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است. این [سفارشها] از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده، و گرنه حسرت زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد. آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده، و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است؟ حقّاً که شما سخنی بس بزرگ می گویید. و به راستی، ما در این قرآن [حقایق را] گونه گون بیان کردیم، تا پند گیرند و [لی] آنان را جز نفرت نمی افزاید. بگو: «اگر - چنان که می گویند - با او خدایانی [دیگر] بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی [خداوند،] صاحب عرش، برمی آمدند.» او [پاک و] منزّه است و از آنچه می گویند بسی والاتر است. آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می گوید، ولی شما تسبیح آنها را درنمی یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] آمرزنده است. و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم. و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند. هنگامی که به سوی تو گوش فرا می دارند ما بهتر می دانیم به چه [منظور] گوش می دهند، و [نیز] آن گاه که به نجوا می پردازند وقتی که ستمگران گویند: «جز مردی افسون شده را پیروی نمی کنید.» ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، در نتیجه راه به جایی نمی توانند ببرند. و گفتند: «آیا وقتی استخوان و خاک شدیم [باز] به آفرینشی جدید برانگیخته می شویم؟» بگو: «سنگ باشید یا آهن، یا آفریده ای از آنچه در خاطر شما بزرگ می نماید [باز هم برانگیخته خواهید شد].» پس خواهند گفت: «چه کسی ما را بازمی گرداند؟» بگو: «همان کس که نخستین بار شما را پدید آورد.»

[باز] سرهای خود را به طرف تو تکان می دهند و می گویند: «آن کی خواهد بود؟» بگو: «شاید که نزدیک باشد.» روزی که شما را فرا می خواند، پس در حالی که او را ستایش می کنید اجابتش می نمایید و می پندارید که جز اندکی [در دنیا] نمانده اید. و به بندگانم بگو: «آنچه را که بهتر است بگویند»، که شیطان میانشان را به هم می زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. پروردگار شما به [حال] شما داناتر است اگر بخواهد بر شما رحمت می آورد، یا اگر بخواهد شما را عذاب می کند، و تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده ایم. و پروردگار تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است. و در حقیقت، بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زبور دادیم. بگو: «کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید، بخوانید. [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند. آن کسانی را که ایشان می خوانند [خود] به سوی پروردگارشان تقرب می جویند [تا بدانند] کدام یک از آنها [به او] نزدیکترند، و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می ترسند، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است. و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را [در صورت نافرمانی،] پیش از روز رستاخیز، به هلاکت می رسانیم یا آن را سخت عذاب می کنیم. این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است. و [چیزی] ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان، آنها را به دروغ گرفتند، و به ثمود ماده شتر دادیم که [پدیده ای] روشنگر بود، و [لی] به آن ستم کردند، و ما معجزه ها را جز برای بیم دادن [مردم] نمی فرستیم.و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: «به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد.» و آن رؤیایی را که به تو نمایاندیم، و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم و ما آنان را بیم می دهیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی افزاید. و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» پس [همه] جز ابلیس سجده کردند. گفت: «آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟» [سپس] گفت: «به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود]؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را - جز اندکی [از آنها] - ریشه کن خواهم کرد.» فرمود: «برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایتان خواهد

بود که کیفری تمام است. و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگانت بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده»، و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی دهد. «در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، و حمایتگری [چون] پروردگارت بس است.» پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد، تا از فضل او برای خود بجویید، چرا که او همواره به شما مهربان است. و چون در دریا به شما صدمه ای برسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید [و فراموش] می گردد، و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهانید، روی گردان می شوید، و انسان همواره ناسپاس است. مگر ایمن شدید از اینکه شما را در کنار خشکی در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگریزه ها بفرستد، سپس برای خود نگاهبانی نیابید. یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را در آن [دریا] باز گرداند و تندبادی شکننده بر شما بفرستد و به [سزای] آنکه کفر ورزیدید غرقتان کند آن گاه برای خود در برابر ما کسی را نیابید که آن را دنبال کند؟ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشاندیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم. [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم. پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه خود را می خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود. و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراهتر خواهد بود. و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند. و اگر تو را استوار نمی داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی. در آن صورت، حتماً تو را دو برابر [در] زندگی و دو برابر [پس از] مرگ [عذاب] می چشانیدیم، آن گاه در برابر ما برای خود یاوری نمی یافتی. و چیزی نمانده بود که تو را از این سرزمین برکَنَند، تا تو را از آنجا بیرون سازند، و در آن صورت آنان [هم] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی ماندند سنّتی که همواره در میان [امتهای] فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته ایم [جاری] بوده است، و برای سنت

[و قانون] ما تغییری نخواهی یافت. نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است. و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو [به منزله] نافله ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند. و بگو: «پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده.» و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.» و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می کنیم، و [لی] ستمگران را جز زیان نمی افزاید. و چون به انسان نعمت ارزانی داریم، روی می گرداند و پهلو تهی می کند، و چون آسیبی به وی رسد نومید می گردد. بگو: «هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می کند، و پروردگار شما به هر که راه یافته تر باشد داناتر است.» و در باره روح از تو می پرسند، بگو: «روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.» و اگر بخواهیم، قطعاً آنچه را به تو وحی کرده ایم می بریم، آن گاه برای [حفظ] آن، در برابر ما، برای خود مدافعی نمی یابی، مگر رحمتی از جانب پروردگارت [به تو برسد]، زیرا فضل او بر تو همواره بسیار است. بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.» و به راستی در این قرآن از هر گونه مَثَلی، گوناگون آوردیم، ولی بیشتر مردم جز سرِ انکار ندارند. و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی، یا چنان که ادعا می کنی، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری، یا برای تو خانه ای از طلا [کاری] باشد، یا به آسمان بالا روی، و به بالا رفتن تو [هم] اطمینان نخواهیم داشت، تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم.» بگو: «پاک است پروردگار من، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم؟» و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت، آن گاه که هدایت برایشان آمد، جز اینکه گفتند: «آیا خدا بشری را به سِمَتِ رسول مبعوث کرده است؟» بگو: «اگر در روی زمین

فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می رفتند، البته بر آنان [نیز] فرشته ای را بعنوان پیامبر از آسمان نازل می کردیم.» بگو: «میان من و شما، گواه بودن خدا کافی است، چرا که او همواره به [حال] بندگانش آگاه بینا است.» و هر که را خدا هدایت کند او رهیافته است، و هر که را گمراه سازد، در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیابی، و روز قیامت آنها را کور و لال و کر، به روی چهره شان درافتاده، برخواهیم انگیخت: جایگاهشان دوزخ است. هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره ای [تازه] برایشان می افزاییم. جزای آنها این است، چرا که آیات ما را انکار کردند و گفتند: «آیا وقتی ما استخوان و خاک شدیم [باز] در آفرینشی جدید برانگیخته خواهیم شد؟» آیا ندانستند که خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، تواناست که مانند آنان را بیافریند و [همان خداست که] برایشان زمانی مقرر فرموده که در آن هیچ شکی نیست؟ و [لی] ستمگران جز انکار [چیزی را] نپذیرفتند. بگو: «اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می ورزیدید، و انسان همواره بخیل است.» }

- «وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْناهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ مُبَشِّراً وَ نَذیراً *وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلى مُکْثٍ وَ نَزَّلْناهُ تَنْزیلاً *قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذا یُتْلى عَلَیْهِمْ یَخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ سُجَّداً *وَ یَقُولُونَ سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً *وَ یَخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ یَبْکُونَ وَ یَزیدُهُمْ خُشُوعاً. »(1)

{و آن [قرآن] را به حق فرود آوردیم و به حق فرود آمد، و تو را جز بشارت دهنده و بیم رسان نفرستادیم.و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. بگو: « [چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده کنان به روی درمی افتند.» و می گویند: «منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.» و بر روی زمین می افتند و می گریند و بر فروتنی آنها می افزاید. }

1- . اسراء / 105 - 109

-«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذی أَنْزَلَ عَلی عَبْدِهِ الْکِتابَ وَ لَمْ یَجْعَلْ لَهُ عِوَجاً*قَیِّماً لِیُنْذِرَ بَأْساً شَدیداً مِنْ لَدُنْهُ وَ یُبَشِّرَ الْمُؤْمِنینَ الَّذینَ یَعْمَلُونَ الصَّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً حَسَناً *ماکِثینَ فیهِ أَبَداً *وَ یُنْذِرَ الَّذینَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً *ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَ لا لِآبائِهِمْ کَبُرَتْ کَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْواهِهِمْ إِنْ یَقُولُونَ إِلاَّ کَذِباً *فَلَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ عَلی آثارِهِمْ إِنْ لَمْ یُؤْمِنُوا بِهذَا الْحَدیثِ أَسَفاً.» (1)

{ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن ننهاد، [کتابی] راست و درست، تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته می کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست. در حالی که جاودانه در آن [بهشت] ماندگار خواهند بود. و تا کسانی را که گفته اند: خداوند فرزندی گرفته است، هشدار دهد. نه آنان و نه پدرانشان به این [ادعا] دانشی ندارند. بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی آید. [آنان] جز دروغ نمی گویند. شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیریِ [کار] شان تباه کنی.}

- «وَ اتْلُ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنْ کِتابِ رَبِّکَ لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ لَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً *وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِیِّ یُریدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُریدُ زینَةَ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطاً *وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْیُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْیَکْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنا لِلظَّالِمینَ ناراً أَحاطَ بِهِمْ سُرادِقُها وَ إِنْ یَسْتَغیثُوا یُغاثُوا بِماءٍ کَالْمُهْلِ یَشْوِی الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرابُ وَ ساءَتْ مُرْتَفَقاً *إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ إِنَّا لا نُضیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلاً *أُولئِکَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ یُحَلَّوْنَ فیها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ یَلْبَسُونَ ثِیاباً خُضْراً مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَّکِئینَ فیها عَلَی الْأَرائِکِ نِعْمَ الثَّوابُ وَ حَسُنَتْ مُرْتَفَقاً *وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً رَجُلَیْنِ جَعَلْنا لِأَحَدِهِما جَنَّتَیْنِ مِنْ أَعْنابٍ وَ حَفَفْناهُما بِنَخْلٍ وَ جَعَلْنا بَیْنَهُما زَرْعاً *کِلْتَا الْجَنَّتَیْنِ آتَتْ أُکُلَها وَ لَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَیْئاً وَ فَجَّرْنا خِلالَهُما نَهَراً *وَ کانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقالَ لِصاحِبِهِ وَ هُوَ یُحاوِرُهُ أَنَا أَکْثَرُ مِنْکَ مالاً وَ أَعَزُّ نَفَراً *وَ دَخَلَ جَنَّتَهُ وَ هُوَ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ قالَ ما أَظُنُّ أَنْ تَبیدَ هذِهِ أَبَداً *وَ ما أَظُنُّ

1- . کهف / 1 - 6

السَّاعَةَ قائِمَةً وَ لَئِنْ رُدِدْتُ إِلى رَبِّی لَأَجِدَنَّ خَیْراً مِنْها مُنْقَلَباً *قالَ لَهُ صاحِبُهُ وَ هُوَ یُحاوِرُهُ أَ کَفَرْتَ بِالَّذی خَلَقَکَ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاکَ رَجُلاً *لکِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّی وَ لا أُشْرِکُ بِرَبِّی أَحَداً *وَ لَوْ لا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْکَ مالاً وَ وَلَداً *فَعَسی رَبِّی أَنْ یُؤْتِیَنِ خَیْراً مِنْ جَنَّتِکَ وَ یُرْسِلَ عَلَیْها حُسْباناً مِنَ السَّماءِ فَتُصْبِحَ صَعیداً زَلَقاً *أَوْ یُصْبِحَ ماؤُها غَوْراً فَلَنْ تَسْتَطیعَ لَهُ طَلَباً *وَ أُحیطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ یُقَلِّبُ کَفَّیْهِ عَلی ما أَنْفَقَ فیها وَ هِیَ خاوِیَةٌ عَلی عُرُوشِها وَ یَقُولُ یا لَیْتَنی لَمْ أُشْرِکْ بِرَبِّی أَحَداً *وَ لَمْ تَکُنْ لَهُ فِئَةٌ یَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ ما کانَ مُنْتَصِراً *هُنالِکَ الْوَلایَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَیْرٌ ثَواباً وَ خَیْرٌ عُقْباً *وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَیاةِ الدُّنْیا کَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشیماً تَذْرُوهُ الرِّیاحُ وَ کانَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ مُقْتَدِراً *الْمالُ وَ الْبَنُونَ زینَةُ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ الْباقِیاتُ الصَّالِحاتُ خَیْرٌ عِنْدَ رَبِّکَ ثَواباً وَ خَیْرٌ أَمَلاً *وَ یَوْمَ نُسَیِّرُ الْجِبالَ وَ تَرَی الْأَرْضَ بارِزَةً وَ حَشَرْناهُمْ فَلَمْ نُغادِرْ مِنْهُمْ أَحَداً *وَ عُرِضُوا عَلی رَبِّکَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونا کَما خَلَقْناکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَکُمْ مَوْعِداً *وَ وُضِعَ الْکِتابُ فَتَرَی الْمُجْرِمینَ مُشْفِقینَ مِمَّا فیهِ وَ یَقُولُونَ یا وَیْلَتَنا ما لِهذَا الْکِتابِ لا یُغادِرُ صَغیرَةً وَ لا کَبیرَةً إِلاَّ أَحْصاها وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً وَ لا یَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَداً *وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاَّ إِبْلیسَ کانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَ فَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّیَّتَهُ أَوْلِیاءَ مِنْ دُونی وَ هُمْ لَکُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمینَ بَدَلاً *ما أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَ ما کُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّینَ عَضُداً *وَ یَوْمَ یَقُولُ نادُوا شُرَکائِیَ الَّذینَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ یَسْتَجیبُوا لَهُمْ وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ مَوْبِقاً *وَ رَأَی الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُواقِعُوها وَ لَمْ یَجِدُوا عَنْها مَصْرِفاً *وَ لَقَدْ صَرَّفْنا فی هذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ کُلِّ مَثَلٍ وَ کانَ الْإِنْسانُ أَکْثَرَ شَیْ ءٍ جَدَلاً *وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ یُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدی وَ یَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلاَّ أَنْ تَأْتِیَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلینَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذابُ قُبُلاً *وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلینَ إِلاَّ مُبَشِّرینَ وَ مُنْذِرینَ وَ یُجادِلُ الَّذینَ کَفَرُوا بِالْباطِلِ لِیُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آیاتی وَ ما أُنْذِرُوا هُزُواً *وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُکِّرَ بِآیاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ

عَنْها وَ نَسِیَ ما قَدَّمَتْ یَداهُ إِنَّا جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّةً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَی الْهُدی فَلَنْ یَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً.» (1)

{و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان. کلمات او را تغییردهنده ای نیست، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت. و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن، و دو دیده ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی است، اطاعت مکن. و بگو: «حق از پروردگارتان [رسیده] است. پس هر که بخواهد بگرود و هر که بخواهد انکار کند، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده ایم که سراپرده هایش آنان را در بر می گیرد، و اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مس گداخته که چهره ها را بریان می کند یاری می شوند. وه! چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است.» کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی کنیم. آنانند که بهشتهای عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است. در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می شوند و جامه هایی سبز از پرنیان نازک و حریر ستبر می پوشند. در آنجا بر سریرها تکیه می زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه گاهی! و برای آنان، آن دو مرد را مَثَل بزن که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشاندیم، و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم. هر یک از این دو باغ محصول خود را [به موقع] می داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی ورزید، و میان آن دو [باغ] نهری روان کرده بودیم. و برای او میوه فراوان بود. پس به رفیقش - در حالی که با او گفت و گو می کرد - گفت: «مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم.» و در حالی که او به خویشتن ستمکار بود، داخل باغ شد [و] گفت: «گمان نمی کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد.» و گمان نمی کنم که رستاخیز بر پا شود، و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعاً بهتر از این را در بازگشت، خواهم یافت. رفیقش - در حالی که

1- . کهف / 27 - 57

با او گفت و گو می کرد - به او گفت: «آیا به آن کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آن گاه تو را [به صورت] مردی درآورد، کافر شدی؟» اما من [می گویم:] اوست خدا، پروردگار من، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی سازم. و چون داخل باغت شدی، چرا نگفتی: ما شاء اللّٰه، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست. اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می بینی، امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرماید، و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد، تا به زمینی هموار و لغزنده تبدیل گردد یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری.» [تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه هایش را فرو گرفت. پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود، دستهایش را بر هم می زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود. و [به حسرت] می گفت: «ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی ساختم.» و او را در برابر خدا گروهی نبود، تا یاریش کنند، و توانی نداشت که خود را یاری کند. در آنجا [آشکار شد که] یاری به خدایِ حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش و [اوست] بهترین فرجام. و برای آنان زندگی دنیا را مَثَل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و [چنان] خشک گردید که بادها پراکنده اش کردند، و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. مال و پسران زیور زندگی دنیایند، و نیکیهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است. و [یاد کن] روزی را که کوه ها را به حرکت درمی آوریم، و زمین را آشکار [و صاف] می بینی، و آنان را گرد می آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی کنیم. و ایشان به صف بر پروردگارت عرضه می شوند [و به آنها می فرماید:] به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم [باز] به سوی ما آمدید، بلکه پنداشتید هرگز برای شما موعدی مقرر قرار نخواهیم داد. و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می شود، آن گاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می بینی، و می گویند: «ای وای بر ما، این چه نامه ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است.» و آنچه را انجام داده اند حاضر یابند، و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی دارد. و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده

کنید،» پس [همه]- جز ابلیس- سجده کردند، که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. آیا [با این حال،] او و نسلش را به جای من دوستان خود می گیرید، و حال آنکه آنها دشمن شمایند؟ و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. [من] آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان. و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم. و [یاد کن] روزی را که [خدا] می گوید: «آنهایی را که شریکان من پنداشتید، ندا دهید»، پس آنها را بخوانند و [لی] اجابتشان نکنند، و ما میان آنان ورطه ای قرار دهیم. و گناهکاران آتش [دوزخ] را می بینند و درمی یابند که در آن خواهند افتاد، و از آن راه گریزی نیابند. و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مَثَلی آوردیم، و [لی] انسان بیش از هر چیز سَرِ جدال دارد. و چیزی مانع مردم نشد از اینکه وقتی هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند، و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز اینکه [مستحق شوند] تا سنت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود، یا عذاب رویارویشان بیاید. و پیامبران [خود] را جز بشارت دهنده و بیم رسان گسیل نمی داریم، و کسانی که کافر شده اند، به باطل مجادله می کنند تا به وسیله آن، حق را پایمال گردانند، و نشانه های من و آنچه را [بدان] بیم داده شده اند به ریشخند گرفتند. و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده، و از آن روی برتافته، و دستاورد پیشینه خود را فراموش کرده است؟ ما بر دلهای آنان پوششهایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوشهایشان سنگینی [نهادیم]. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد. }

- «أَ فَحَسِبَ الَّذینَ کَفَرُوا أَنْ یَتَّخِذُوا عِبادی مِنْ دُونی أَوْلِیاءَ إِنَّا أَعْتَدْنا جَهَنَّمَ لِلْکافِرینَ نُزُلاً *قُلْ هَلْ نُنَبِّئُکُمْ بِالْأَخْسَرینَ أَعْمالاً *الَّذینَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ هُمْ یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً *أُولئِکَ الَّذینَ کَفَرُوا بِآیاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ فَلا نُقیمُ لَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَزْناً *ذلِکَ جَزاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِما کَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آیاتی وَ رُسُلی هُزُواً *إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ کانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلاً *خالِدینَ فیها لا یَبْغُونَ عَنْها حِوَلاً *قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبِّی وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ مَدَداً *قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما

إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ كانَ يَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلاً صالِحاً وَ لا يُشْرِكْ بِعِبادَةِ رَبِّهِ أَحَداً.»(1)

{آیا کسانی که کفر ورزیده اند، پنداشته اند که [می توانند] به جای من، بندگانم را سرپرست بگیرند؟ ما جهنم را آماده کرده ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد. بگو: «آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟» [آنان] کسانی اند که کوشش شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند. [آری،] آنان کسانی اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد. این جهنم سزای آنان است، چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند. بی گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است. جاودانه در آن خواهند بود، و از آنجا درخواست انتقال نمی کنند. بگو: «اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکّب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می یابد، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.» بگو: «من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.» }

- «ذلِكَ عيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذى فيهِ يَمْتَرُونَ *ما كانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحانَهُ إِذا قَضى أَمْراً فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ *وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّى وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هذا صِراطٌ مُسْتَقيمٌ *فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظيمٍ.»(2)

{این است [ماجرای] عیسی پسر مریم، [همان] گفتار درستی که در آن شک می کنند. خدا را نسزد که فرزندی برگیرد. منزّه است او. چون کاری را اراده کند، همین قدر به آن می گوید: «موجود شو»، پس بی درنگ موجود می شود. و در حقیقت، خداست که پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بپرستید. این است

1- . کهف / 102 - 110
2- . مریم / 34 - 37

راه راست. اما دسته ها [ی گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی دهشتناک. }

- «وَ إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُنا بَيِّناتٍ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلَّذينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَريقَيْنِ خَيْرٌ مَقاماً وَ أَحْسَنُ نَدِيًّا *وَ كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثاثاً وَ رِءْياً *قُلْ مَنْ كانَ فِى الضَّلالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا حَتَّى إِذا رَأَوْا ما يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذابَ وَ إِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكاناً وَ أَضْعَفُ جُنْداً *وَ يَزيدُ اللَّهُ الَّذينَ اهْتَدَوْا هُدىً وَ الْباقِياتُ الصَّالِحاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَواباً وَ خَيْرٌ مَرَدًّا *أَ فَرَأَيْتَ الَّذى كَفَرَ بِآياتِنا وَ قالَ لَأُوتَيَنَّ مالاً وَ وَلَداً *أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً *كَلاَّ سَنَكْتُبُ ما يَقُولُ وَ نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذابِ مَدًّا *وَ نَرِثُهُ ما يَقُولُ وَ يَأْتينا فَرْداً *وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا *كَلاَّ سَيَكْفُرُونَ بِعِبادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا *أَ لَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّياطينَ عَلَى الْكافِرينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا *فَلا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّما نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا *يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقينَ إِلَى الرَّحْمنِ وَفْداً *وَ نَسُوقُ الْمُجْرِمينَ إِلى جَهَنَّمَ وِرْداً *لا يَمْلِكُونَ الشَّفاعَةَ إِلاَّ مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً *وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً *لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئاً إِدًّا *تَكادُ السَّماواتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبالُ هَدًّا *أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمنِ وَلَداً *وَ ما يَنْبَغى لِلرَّحْمنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَداً *إِنْ كُلُّ مَنْ فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِلاَّ آتِى الرَّحْمنِ عَبْداً *لَقَدْ أَحْصاهُمْ وَ عَدَّهُمْ عَدًّا *وَ كُلُّهُمْ آتيهِ يَوْمَ الْقِيامَةِ فَرْداً *إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا *فَإِنَّما يَسَّرْناهُ بِلِسانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقينَ وَ تُنْذِرَ بِهِ قَوْماً لُدًّا.» (1)

{و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده اند به آنان که ایمان آورده اند می گویند: «کدام یک از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است؟» و چه بسیار نسلها را پیش از آنان نابود کردیم، که اثاثی بهتر و ظاهری فریباتر داشتند. بگو: «هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می دهد، تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می شود: یا عذاب، یا روز رستاخیز را ببینند پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است.» و خداوند کسانی را که هدایت یافته اند بر هدایتشان می افزاید، و

1- . مریم / 73 - 97

نیکیهای ماندگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش فرجام تر است. آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت: «قطعاً به من مال و فرزند [بسیار] داده خواهد شد»؟ آیا بر غیب آگاه شده یا از [خدای] رحمان عهدی گرفته است؟ نه چنین است. به زودی آنچه را می گوید، می نویسیم و عذاب را برای او خواهیم افزود. و آنچه را می گوید، از او به ارث می بریم و تنها به سوی ما خواهد آمد. و به جای خدا، معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مایه] عزت باشد. نه چنین است. به زودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار می کنند و دشمن آنان می گردند. آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته ایم، تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند؟ پس بر ضد آنان شتاب مکن، که ما [روزها] را برای آنها شماره می کنیم. [یاد کن] روزی را که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می کنیم. و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می رانیم. [آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است. و گفتند: « [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است.» واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید. چیزی نمانده است که آسمانها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورَد و کوه ها به شدت فرو ریزند. از اینکه برای [خدای] رحمان فرزندی قایل شدند. [خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند. هر که در آسمانها و زمین است جز بنده وار به سوی [خدای] رحمان نمی آید. و یقیناً آنها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است. و روز قیامت همه آنها تنها، به سوی او خواهند آمد. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد. در حقیقت، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید، و مردم ستیزه جو را بدان بیم دهی. }

- «وَ کَذلِکَ أَنْزَلْناهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا وَ صَرَّفْنا فیهِ مِنَ الْوَعِیدِ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ أَوْ یُحْدِثُ لَهُمْ ذِکْراً *فَتَعالَی اللّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ یُقْضی إِلَیْکَ وَحْیُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنی عِلْماً.» (1)

1- . طه / 113 - 114

{و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در [خواندن] قرآن، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.» }

- «وَ قالُوا لَوْ لا یَأْتینا بِآیَهٍ مِنْ رَبِّهِ أَ وَ لَمْ تَأْتِهِمْ بَیِّنَهُ ما فِی الصُّحُفِ الْأُولی *وَ لَوْ أَنَّا أَهْلَکْناهُمْ بِعَذابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقالُوا رَبَّنا لَوْ لا أَرْسَلْتَ إِلَیْنا رَسُولاً فَنَتَّبِعَ آیاتِکَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزی *قُلْ کُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی.»(1)

{و گفتند: «چرا از جانب پروردگارش معجزه ای برای ما نمی آورد؟» آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه های پیشین است برای آنان نیامده است؟ و اگر ما آنان را قبل از [آمدنِ قرآن] به عذابی هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟» بگو: «همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.»

- «اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسابُهُمْ وَ هُمْ فی غَفْلَهٍ مُعْرِضُونَ *ما یَأْتیهِمْ مِنْ ذِکْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلاَّ اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ یَلْعَبُونَ*لاهِیَهً قُلُوبُهُمْ وَ أَسَرُّوا النَّجْوَی الَّذینَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُکُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ *قالَ رَبِّی یَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ *بَلْ قالُوا أَضْغاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَراهُ بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْیَأْتِنا بِآیَهٍ کَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ *ما آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْیَهٍ أَهْلَکْناها أَ فَهُمْ یُؤْمِنُونَ*وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَکَ إِلاَّ رِجالاً نُوحی إِلَیْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ *وَ ما جَعَلْناهُمْ جَسَداً لا یَأْکُلُونَ الطَّعامَ وَ ما کانُوا خالِدینَ *ثُمَّ صَدَقْناهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَیْناهُمْ وَ مَنْ نَشاءُ وَ أَهْلَکْنَا الْمُسْرِفینَ *لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ کِتاباً فیهِ ذِکْرُکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ *وَ کَمْ قَصَمْنا مِنْ قَرْیَهٍ کانَتْ ظالِمَهً وَ أَنْشَأْنا بَعْدَها قَوْماً آخَرینَ *فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنا إِذا هُمْ مِنْها یَرْکُضُونَ *لا تَرْکُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلی ما أُتْرِفْتُمْ فیهِ وَ مَساکِنِکُمْ لَعَلَّکُمْ تُسْئَلُونَ

1- . طه / 133 - 135

*قالُوا يا وَيْلَنا إِنَّا كُنَّا ظالِمينَ *فَما زالَتْ تِلْکَ دَعْواهُمْ حَتَّى جَعَلْناهُمْ حَصيداً خامِدينَ *وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما لاعِبينَ *لَوْ أَرَدْنا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْواً لاَتَّخَذْناهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فاعِلينَ *بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْباطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذا هُوَ زاهِقٌ وَ لَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ *وَ لَهُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عِنْدَهُ لا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِهِ وَ لا يَسْتَحْسِرُونَ *يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ لا يَفْتُرُونَ *أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ *لَوْ كانَ فيهِما آلِهَةٌ إِلاَّ اللَّهُ لَفَسَدَتا فَسُبْحانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ *لا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ *أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هاتُوا بُرْهانَكُمْ هذا ذِكْرُ مَنْ مَعِیَ وَ ذِكْرُ مَنْ قَبْلی بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ *وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ نُوحی إِلَيْهِ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاعْبُدُونِ *وَ قالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمنُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ عِبادٌ مُكْرَمُونَ *لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ *يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْديهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا يَشْفَعُونَ إِلاَّ لِمَنِ ارْتَضى وَ هُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ *وَ مَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّی إِلهٌ مِنْ دُونِهِ فَذلِکَ نَجْزيهِ جَهَنَّمَ كَذلِکَ نَجْزِی الظَّالِمينَ *أَ وَ لَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَ جَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَیْ‏ءٍ حَیٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُونَ *وَ جَعَلْنا فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَميدَ بِهِمْ وَ جَعَلْنا فيها فِجاجاً سُبُلاً لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ *وَ جَعَلْنَا السَّماءَ سَقْفاً مَحْفُوظاً وَ هُمْ عَنْ آياتِها مُعْرِضُونَ *وَ هُوَ الَّذی خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ فی فَلَکٍ يَسْبَحُونَ *وَ ما جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِکَ الْخُلْدَ أَ فَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخالِدُونَ *كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنا تُرْجَعُونَ *وَ إِذا رَآکَ الَّذينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَکَ إِلاَّ هُزُواً أَ هذَا الَّذی يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَ هُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمنِ هُمْ كافِرُونَ *خُلِقَ الْإِنْسانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُريكُمْ آياتی فَلا تَسْتَعْجِلُونِ *وَ يَقُولُونَ مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *لَوْ يَعْلَمُ الَّذينَ كَفَرُوا حينَ لا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَ لا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ *بَلْ تَأْتيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلا يَسْتَطيعُونَ رَدَّها وَ لا هُمْ يُنْظَرُونَ *وَ لَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِکَ فَحاقَ بِالَّذينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ مِنَ الرَّحْمنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ *أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنا لا يَسْتَطيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَ لا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ *بَلْ مَتَّعْنا هؤُلاءِ وَ آباءَهُمْ حَتَّى طالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَ فَلا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِی الْأَرْضَ نَنْقُصُها مِنْ أَطْرافِها أَ فَهُمُ الْغالِبُونَ *قُلْ إِنَّما

أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَ لا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعاءَ إِذا ما يُنْذَرُونَ *وَ لَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يا وَيْلَنا إِنَّا كُنَّا ظالِمِينَ *وَ نَضَعُ الْمَوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيامَهِ فَلا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ إِنْ كانَ مِثْقالَ حَبَّهٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنا بِها وَ كَفى بِنا حاسِبِينَ *وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسى وَ هارُونَ الْفُرْقانَ وَ ضِياءً وَ ذِكْراً لِلْمُتَّقِينَ *الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِنَ السَّاعَهِ مُشْفِقُونَ *وَ هذا ذِكْرٌ مُبارَکٌ أَنْزَلْناهُ أَ فَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ.» (1)

{برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است، و آنان در بی خبری رویگردانند. هیچ پند تازه ای از پروردگارشان نیامد، مگر اینکه بازی کنان آن را شنیدند. در حالی که دلهایشان مشغول است. و آنان که ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که: «آیا این [مرد] جز بشری مانند شماست؟ آیا دیده و دانسته به سوی سحر می روید؟» [پیامبر] گفت: «پروردگارم [هر] گفتار [ی] را در آسمان و زمین می داند، و اوست شنوای دانا.» بلکه گفتند: «خوابهای شوریده است، [نه] بلکه آن را بربافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه ای بیاورد.» قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری- که آن را نابود کردیم- [به آیات ما] ایمان نیاوردند. پس آیا اینان [به معجزه] ایمان می آورند؟ و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می کردیم گسیل نداشتیم. اگر نمی دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی بپرسید. و ایشان را جسدی که غذا نخورند قرار ندادیم و جاویدان [هم] نبودند. سپس وعده [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراطکاران را به هلاکت رسانیدیم. در حقیقت، ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یادِ شما در آن است. آیا نمی اندیشید؟ و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند درهم شکستیم، و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم. پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می گریختند. [هان] مگریزید، و به سوی آنچه در آن متنعّم بودید و [به سوی] سراهایتان بازگردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید. گفتند: «ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم.» سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده بی جان گردانیدیم. و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم. اگر می خواستیم بازیچه ای بگیریم،

1- . انبیاء / 1 - 50

قطعاً آن را از پیش خود اختیار می کردیم. بلکه حق را بر باطل فرو می افکنیم، پس آن را در هم می شکند، و بناگاه آن نابود می گردد. وای بر شما از آنچه وصف می کنید. و هر که در آسمانها و زمین است برای اوست، و کسانی که نزد اویند از پرستش وی تکبّر نمی ورزند و درمانده نمی شوند. شبانه روز، بی آنکه سستی ورزند، نیایش می کنند. آیا برای خود خدایانی از زمین اختیار کرده اند که آنها [مردگان را] زنده می کنند؟ اگر در آنها [زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباه می شد. پس منزّه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می کنند. در آنچه [خدا] انجام می دهد چون و چرا راه ندارد، و [لی] آنان [انسانها] سؤال خواهند شد. آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته اند؟ بگو: «برهانتان را بیاورید.» این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده. [نه !] بلکه بیشترشان حق را نمی شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند. و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا بپرستید.»و گفتند: « [خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده.» منزّه است او. بلکه [فرشتگان] بندگانی ارجمندند، که در سخن بر او پیشی نمی گیرند، و خود به دستور او کار می کنند. آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می داند، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی کنند و خود از بیم او هراسانند. و هر کس از آنان بگوید: «من [نیز] جز او خدایی هستم»، او را به دوزخ کیفر می دهیم. [آری] سزای ستمکاران را این گونه می دهیم. آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم] ایمان نمی آورند؟ و در زمین کوه هایی استوار نهادیم تا مبادا [زمین] آنان [مردم] را بجنباند، و در آن راههایی فراخ پدید آوردیم، باشد که راه یابند. و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم، و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه های آن اعراض می کنند. و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند. و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی [در دنیا] قرار ندادیم. آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند؟ هر نفسی چشنده مرگ است، و شما را از راه آزمایش

به بد و نیک خواهیم آزمود، و به سوی ما بازگردانیده می شوید. و کسانی که کافر شدند، چون تو را ببینند فقط به مسخره ات می گیرند [و می گویند:] «آیا این همان کس است که خدایانتان را [به بدی] یاد می کند؟» در حالی که آنان خود، یاد [خدای] رحمان را منکرند. انسان از شتاب آفریده شده است. به زودی آیاتم را به شما نشان می دهم. پس [عذاب را] به شتاب از من مخواهید. و می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده [قیامت] کی خواهد بود؟» کاش آنان که کافر شده اند می دانستند آن گاه که آتش را نه از چهره های خود و نه از پشتشان بازنمی توانند داشت، و خود مورد حمایت قرار نمی گیرند [چه حالی خواهند داشت]. بلکه [آتش] به طور ناگهانی به آنان می رسد و ایشان را بهت زده می کند [به گونه ای] که نه می توانند آن را برگردانند و نه به آنان مهلت داده می شود. و مسلماً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد ریشخند قرار گرفتند، پس کسانی که آنان را مسخره می کردند، [سزای] آنچه که آن را به ریشخند می گرفتند گریبانگیرشان شد. بگو: «چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می کند؟» [نه] بلکه آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند. آیا برای آنان خدایانی غیر از ماست که از ایشان حمایت کنند؟ [آن خدایان] نه می توانند خود را یاری کنند و نه از جانب ما یاری شوند. [نه] بلکه اینها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید. آیا نمی بینند که ما می آییم و زمین را از جوانب آن فرو می کاهیم؟ آیا باز هم آنان پیروزند؟ بگو: «من شما را فقط به وسیله وحی هشدار می دهم.» و [لی] چون کران بیم داده شوند، دعوت را نمی شنوند. و اگر شمه ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد، خواهند گفت: «ای وای بر ما که ستمکار بودیم.» و ترازوهای داد را در روز رستاخیز می نهیم، پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی بیند، و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم. و در حقیقت، به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است. [همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می ترسند و از قیامت هراسناکند. و این [کتاب]- که آن را نازل کرده ایم- پندی خجسته است. آیا باز هم آن را انکار می کنید؟

ص: 147

- «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ *إِنَّ فى هذا لَبَلاغاً لِقَوْمٍ عابِدينَ *وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ رَحْمَةً لِلْعالَمينَ *قُلْ إِنَّما يُوحى إِلَيَّ أَنَّما إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ *فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ عَلى سَواءٍ وَ إِنْ أَدْرى أَ قَريبٌ أَمْ بَعيدٌ ما تُوعَدُونَ *إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَ يَعْلَمُ ما تَكْتُمُونَ *وَ إِنْ أَدْرى لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتاعٌ إِلى حينٍ *قالَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَ رَبُّنَا الرَّحْمنُ الْمُسْتَعانُ عَلى ما تَصِفُونَ.» (1)

{و در حقيقت، در زبور پس از تورات نوشتيم كه زمين را بندگان شايسته ما به ارث خواهند برد. به راستى در اين [امور] براى مردم عبادت پيشه ابلاغى [حقيقى] است. و تو را جز رحمتى براى جهانيان نفرستاديم. بگو: «جز اين نيست كه به من وحى مى شود كه خداى شما خدايى يگانه است. پس آيا مسلمان مى شويد؟» پس اگر روى برتافتند بگو: «به [همه] شما به طور يكسان اعلام كردم، و نمى دانم آنچه وعده داده شده ايد آيا نزديک است يا دور.» [آرى،] او سخن آشكار را مى داند و آنچه را پوشيده مى داريد مى داند. و نمى دانم، شايد آن براى شما آزمايشى و تا چندگاهى [وسيله] برخوردارى باشد. گفت: «پروردگارا، [خودت] به حق داورى كن، و به رغم آنچه وصف مى كنيد، پروردگار ما همان بخشايشگر دستگير است.» }

- «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجادِلُ فِى اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطانٍ مَريدٍ *كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلاَّهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَ يَهْديهِ إِلى عَذابِ السَّعيرِ *يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فى رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَهٍ مُخَلَّقَهٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَهٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَ نُقِرُّ فِى الْأَرْحامِ ما نَشاءُ إِلى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئاً وَ تَرَى الْأَرْضَ هامِدَةً فَإِذا أَنْزَلْنا عَلَيْهَا الْماءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهيجٍ *ذلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتى وَ أَنَّهُ عَلى كُلِّ شَىْ ءٍ قَديرٌ *وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فيها وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِى الْقُبُورِ *وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجادِلُ فِى اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدىً وَ لا كِتابٍ مُنيرٍ *ثانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ لَهُ فِى الدُّنْيا خِزْىٌ وَ نُذيقُهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ عَذابَ الْحَريقِ *ذلِکَ بِما قَدَّمَتْ يَداکَ وَ أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ

1- . انبياء / 105 - 112

بِظَلاَّمٍ لِلْعَبيدِ *وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلى حَرْفٍ فَإِنْ أَصابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنْ أَصابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةَ ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبينُ *يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَضُرُّهُ وَ ما لا يَنْفَعُهُ ذلِكَ هُوَ الضَّلالُ الْبَعيدُ *يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلى وَ لَبِئْسَ الْعَشيرُ *إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ جَنَّاتٍ تَجْري مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ ما يُريدُ *مَنْ كانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّماءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ ما يَغيظُ *وَ كَذلِكَ أَنْزَلْناهُ آياتٍ بَيِّناتٍ وَ أَنَّ اللَّهَ يَهْدي مَنْ يُريدُ *إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ الَّذينَ هادُوا وَ الصَّابِئينَ وَ النَّصارى وَ الْمَجُوسَ وَ الَّذينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهيدٌ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ وَ كَثيرٌ مِنَ النَّاسِ وَ كَثيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذابُ وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ ما يَشاءُ.» (1)

{و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند. بر [شیطان] مقرر شده است که هر کس او را به دوستی گیرد، قطعاً او وی را گمراه می سازد و به عذاب آتشش می کشاند.ای مردم، اگر در باره برانگیخته شدن در شکّید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آن گاه از مضغه، دارای خلقت کامل و [احیاناً] خلقت ناقص، تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم. و آنچه را اراده می کنیم تا مدتی معین در رحمها قرار می دهیم، آن گاه شما را [به صورت] کودک برون می آوریم، سپس [حیات شما را ادامه می دهیم] تا به حد رشدتان برسید، و برخی از شما [زودرس] می میرد، و برخی از شما به غایت پیری می رسد به گونه ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی داند. و زمین را خشکیده می بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی آید و نمو می کند و از هر نوع [رستنیهای] نیکو می رویاند. این [قدرت نماییها] بدان سبب است که خدا خود حق است، و اوست که مردگان را زنده می کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست. و [هم] آنکه رستاخیز آمدنی است [و] شکی در آن نیست، و در حقیقت، خداست که کسانی را که

1- . حج / 3 - 18

در گورهایند برمی انگیزد. و از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد، [آن هم] از سرِ نخوت، تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. در این دنیا برای او رسوایی است، و در روز رستاخیز او را عذاب آتش سوزان می چشانیم. این [کیفر] به سزای چیزهایی است که دستهای تو پیش فرستاده است و [گرنه] خدا به بندگان خود بیدادگر نیست. و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می پرستد. پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد، و چون بلایی بدو رسد روی برتابد. در دنیا و آخرت زیان دیده است. این است همان زیانِ آشکار. به جای خدا چیزی را می خواند که نه زیانی به او می رساند و نه سودش می دهد. این است همان گمراهی دور و دراز. کسی را می خواند که زیانش از سودش نزدیکتر است. وه چه بد مولایی و چه بد دمسازی! بی گمان، خدا کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند به باغهایی درمی آورَد که از زیر [درختان] آن رودبارها روان است. خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. هر که می پندارد که خدا [پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا طنابی به سوی سقف کشد [و خود را حلق آویز کند] سپس [آن را] بِبُرَد. آن گاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد؟ و بدین گونه [قرآن] را [به صورت] آیاتی روشنگر نازل کردیم، و خداست که هر که را بخواهد راه می نماید. کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئی ها و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، البته خدا روز قیامت میانشان داوری خواهد کرد، زیرا خدا بر هر چیزی گواه است. آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است، و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است. و هر که را خدا خوار کند او را گرامی دارنده ای نیست، چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. }

- «وَ إِنْ یُکَذِّبُوکَ فَقَدْ کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عادٌ وَ ثَمُودُ *وَ قَوْمُ إِبْراهِیمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ *وَ أَصْحابُ مَدْیَنَ وَ کُذِّبَ مُوسی فَأَمْلَیْتُ لِلْکافِرِینَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کانَ نَکِیرِ *فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ أَهْلَکْناها وَ هِیَ ظالِمَهٌ فَهِیَ خاوِیَهٌ عَلی عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَهٍ وَ

قَصْرٍ مَشيدٍ *أَ فَلَمْ يَسيرُوا فِی الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِها أَوْ آذانٌ يَسْمَعُونَ بِها فَإِنَّها لا تَعْمَى الْأَبْصارُ وَ لكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتی فِی الصُّدُورِ *وَ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذابِ وَ لَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَ إِنَّ يَوْماً عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ *وَ كَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَها وَ هِیَ ظالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُها وَ إِلَیَّ الْمَصيرُ *قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّما أَنَا لَكُمْ نَذيرٌ مُبينٌ *فَالَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَريمٌ *وَ الَّذينَ سَعَوْا فی آياتِنا مُعاجِزينَ أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَحيمِ *وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِیٍّ إِلاَّ إِذا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطانُ فی أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ ما يُلْقِی الشَّيْطانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آياتِهِ وَ اللَّهُ عَليمٌ حَكيمٌ *لِيَجْعَلَ ما يُلْقِی الشَّيْطانُ فِتْنَةً لِلَّذينَ فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمينَ لَفی شِقاقٍ بَعيدٍ *وَ لِيَعْلَمَ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهادِ الَّذينَ آمَنُوا إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ *وَ لا يَزالُ الَّذينَ كَفَرُوا فی مِرْيَةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذابُ يَوْمٍ عَقيمٍ *الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فی جَنَّاتِ النَّعيمِ *وَ الَّذينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا فَأُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ *وَ الَّذينَ هاجَرُوا فی سَبيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ ماتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقاً حَسَناً وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقينَ *لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلاً يَرْضَوْنَهُ وَ إِنَّ اللَّهَ لَعَليمٌ حَليمٌ *ذلِكَ وَ مَنْ عاقَبَ بِمِثْلِ ما عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِیَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ *ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهارِ وَ يُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّيْلِ وَ أَنَّ اللَّهَ سَميعٌ بَصيرٌ *ذلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ ما يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْباطِلُ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْكَبيرُ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطيفٌ خَبيرٌ *لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِیُّ الْحَميدُ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِی الْأَرْضِ وَ الْفُلْكَ تَجْری فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلاَّ بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ *وَ هُوَ الَّذی أَحْياكُمْ ثُمَّ يُميتُكُمْ ثُمَّ يُحْييكُمْ إِنَّ الْإِنْسانَ لَكَفُورٌ *لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنا مَنْسَكاً هُمْ ناسِكُوهُ فَلا يُنازِعُنَّكَ فِی الْأَمْرِ وَ ادْعُ إِلى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلى هُدىً مُسْتَقيمٍ *وَ إِنْ جادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما تَعْمَلُونَ *اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فيما كُنْتُمْ فيهِ تَخْتَلِفُونَ *أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ ذلِكَ فی كِتابٍ إِنَّ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسيرٌ *وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ ما لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ

ما لِلظّالِمينَ مِنْ نَصيرٍ *وَ إِذا تُتْلى عَلَيْهِمْ آياتُنا بَيِّناتٍ تَعْرِفُ في وُجُوهِ الَّذينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آياتِنا قُلْ أَ فَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذلِكُمُ النّارُ وَعَدَهَا اللّهُ الَّذينَ كَفَرُوا وَ بِئْسَ الْمَصيرُ *يا أَيُّهَا النّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُباباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَ إِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ *ما قَدَرُوا اللّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللّهَ لَقَوِيٌّ عَزيزٌ.» (1)

{و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از آنان قوم نوح و عاد و ثمود [نیز] به تکذیب پرداختند. و [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط. و [همچنین] اهل مَدْیَن. و موسی تکذیب شد، پس کافران را مهلت دادم، سپس [گریبان] آنها را گرفتم. [بنگر،] عذاب من چگونه بود؟ و چه بسیار شهرها را - که ستمکار بودند - هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها] سقفهایش فرو ریخته است، و [چه بسیار] چاههای متروک و کوشکهای افراشته را. آیا در زمین گردش نکرده اند، تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشهایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشمها کور نیست لیکن دلهایی که در سینه هاست کور است. و از تو با شتاب تقاضای عذاب می کنند، با آنکه هرگز خدا وعده اش را خلاف نمی کند، و در حقیقت، یک روز [از قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می شمرید. و چه بسا شهری که مهلتش دادم، در حالی که ستمکار بود سپس [گریبان] آن را گرفتم، و فرجام به سوی من است. بگو: «ای مردم، من برای شما فقط هشداردهنده ای آشکارم.» پس آنان که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و روزی نیکو برای ایشان خواهد بود. و کسانی که در [تخطئه] آیات ما می کوشند [و به خیال خود] عاجزکنندگان ما هستند، آنان اهل دوزخند. و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می نمود، شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می کرد. پس خدا آنچه را شیطان القا می کرد محو می گردانید، سپس خدا آیات خود را استوار می ساخت، و خدا دانای حکیم است. تا آنچه را که شیطان القا می کند، برای کسانی که در دلهایشان بیماری است و [نیز] برای سنگدلان آزمایشی گرداند، و ستمگران در

1- . حج / 42 - 74

ستیزه ای بس دور و درازند. و تا آنان که دانش یافته اند بدانند که این [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار توست. و بدان ایمان آورند و دلهایشان برای او خاضع گردد. و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده اند، به سوی راهی راست راهبر است. و [لی] کسانی که کفر ورزیده اند، همواره از آن در تردیدند، تا بناگاه قیامت برای آنان فرا رسد، یا عذاب روزی بدفرجام به سراغشان بیاید. در آن روز، پادشاهی از آنِ خداست: میان آنان داوری می کند، و [در نتیجه] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهای پرناز و نعمت خواهند بود. و کسانی که کفر ورزیده و نشانه های ما را دروغ پنداشته اند، برای آنان عذابی خفّت آور خواهد بود. و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده، و آن گاه کشته شده یا مرده اند، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می بخشد. و راستی این خداست که بهترین روزی دهندگان است. آنان را به جایگاهی که آن را می پسندند درخواهد آورد، و شک نیست که خداوند دانایی بردبار است. آری چنین است، و هر کس نظیر آنچه بر او عقوبت رفته است دست به عقوبت زند، سپس مورد ستم قرار گیرد، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد، چرا که خدا بخشایشگر و آمرزنده است. این بدان سبب است که خدا شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و خداست که شنوایِ بیناست. [آری،] این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به جای او می خوانند آن باطل است، و این خداست که والا و بزرگ است. آیا ندیده ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید؟ آری، خداست که دقیق و آگاه است. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست، و در حقیقت، این خداست که خود بی نیازِ ستوده [صفات] است. آیا ندیده ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید، و کشتیها در دریا به فرمان او روانند، و آسمان را نگاه می دارد تا [مبادا] بر زمین فرو افتد، مگر به اذن خودش [باشد]. در حقیقت، خداوند نسبت به مردم سخت رئوف و مهربان است. و اوست که شما را زندگی بخشید، سپس شما را می میراند، و باز زندگی [نو] می دهد. حقا که انسان سخت ناسپاس است. برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها بدان عمل می کنند، پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند، به راه پروردگارت دعوت کن، زیرا تو بر راهی راست

ص: 153

قرار داری. و اگر با تو مجادله کردند، بگو: «خدا به آنچه می کنید داناتر است.» خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می کردید، داوری خواهد کرد. آیا ندانسته ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند؟ اینها [همه] در کتابی [مندرج] است. قطعاً این بر خدا آسان است. و به جای خدا چیزی را می پرستند که بر [تأیید] آن حجّتی نازل نکرده و بدان دانشی ندارند، و برای ستمکاران یاوری نخواهد بود. و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده می شود، در چهره کسانی که کفر ورزیده اند [اثر] انکار را تشخیص می دهی: چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را بر ایشان تلاوت می کنند حمله ور شوند. بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ [همان] آتش است که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیده اند وعده داده، و چه بد سرانجامی است.» ای مردم، مَثَلی زده شد. پس بدان گوش فرا دهید: کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی آفرینند، هر چند برای [آفریدن] آن اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان برباید نمی توانند آن را بازپس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند. قدر خدا را چنان که در خور اوست نشناختند. در حقیقت، خداست که نیرومند شکست ناپذیر است.}

- « فَذَرْهُمْ فی غَمْرَتِهِمْ حَتَّی حینٍ *أَ یَحْسَبُونَ أَنَّما نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مالٍ وَ بَنینَ *نُسارِعُ لَهُمْ فِی الْخَیْراتِ بَلْ لاَ یَشْعُرُونَ *إِنَّ الَّذینَ هُمْ مِنْ خَشْیَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ *وَ الَّذینَ هُمْ بِآیاتِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ *وَ الَّذینَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لا یُشْرِکُونَ *وَ الَّذینَ یُؤْتُونَ ما آتَوْا وَ قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلی رَبِّهِمْ راجِعُونَ *أُولئِکَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ *وَ لا نُکَلِّفُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها وَ لَدَیْنا کِتابٌ یَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ *بَلْ قُلُوبُهُمْ فی غَمْرَةٍ مِنْ هذا وَ لَهُمْ أَعْمالٌ مِنْ دُونِ ذلِکَ هُمْ لَها عامِلُونَ *حَتَّی إِذا أَخَذْنا مُتْرَفیهِمْ بِالْعَذابِ إِذا هُمْ یَجْأَرُونَ *لا تَجْأَرُوا الْیَوْمَ إِنَّکُمْ مِنَّا لا تُنْصَرُونَ *قَدْ کانَتْ آیاتی تُتْلی عَلَیْکُمْ فَکُنْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ تَنْکِصُونَ *مُسْتَکْبِرینَ بِهِ سامِراً تَهْجُرُونَ *أَ فَلَمْ یَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جاءَهُمْ ما لَمْ یَأْتِ آباءَهُمُ الْأَوَّلینَ *أَمْ لَمْ یَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنْکِرُونَ *أَمْ یَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَ أَکْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ کارِهُونَ *وَ لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْواءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فیهِنَّ بَلْ أَتَیْناهُمْ بِذِکْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِکْرِهِمْ مُعْرِضُونَ *أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجاً فَخَراجُ رَبِّکَ خَیْرٌ وَ هُوَ خَیْرُ الرَّازِقینَ *وَ إِنَّکَ

لَتَدْعُوهُمْ إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ *وَ إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ *وَ لَوْ رَحِمْناهُمْ وَ كَشَفْنا ما بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فى طُغْيانِهِمْ يَعْمَهُونَ *وَ لَقَدْ أَخَذْناهُمْ بِالْعَذابِ فَمَا اسْتَكانُوا لِرَبِّهِمْ وَ ما يَتَضَرَّعُونَ *حَتَّى إِذا فَتَحْنا عَلَيْهِمْ باباً ذا عَذابٍ شَديدٍ إِذا هُمْ فيهِ مُبْلِسُونَ *وَ هُوَ الَّذى أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَهَ قَليلاً ما تَشْكُرُونَ *وَ هُوَ الَّذى ذَرَأَكُمْ فِى الْأَرْضِ وَ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ *وَ هُوَ الَّذى يُحْيى وَ يُميتُ وَ لَهُ اخْتِلافُ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ أَ فَلا تَعْقِلُونَ *بَلْ قالُوا مِثْلَ ما قالَ الْأَوَّلُونَ *قالُوا أَ إِذا مِتْنا وَ كُنَّا تُراباً وَ عِظاماً أَ إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ *لَقَدْ وُعِدْنا نَحْنُ وَ آباؤُنا هذا مِنْ قَبْلُ إِنْ هذا إِلاَّ أَساطيرُ الْأَوَّلينَ *قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَ مَنْ فيها إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ *سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ *قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ *سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ *قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْ ءٍ وَ هُوَ يُجيرُ وَ لا يُجارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ *سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ *بَلْ أَتَيْناهُمْ بِالْحَقِّ وَ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ *مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ ما كانَ مَعَهُ مِنْ إِلهٍ إِذاً لَذَهَبَ كُلُّ إِلهٍ بِما خَلَقَ وَ لَعَلا بَعْضُهُمْ عَلى بَعْضٍ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ *عالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ فَتَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ *قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّى ما يُوعَدُونَ *رَبِّ فَلا تَجْعَلْنى فِى الْقَوْمِ الظَّالِمينَ *وَ إِنَّا عَلى أَنْ نُرِيَکَ ما نَعِدُهُمْ لَقادِرُونَ *ادْفَعْ بِالَّتى هِىَ أَحْسَنُ السَّيِّئَهَ نَحْنُ أَعْلَمُ بِما يَصِفُونَ *وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطينِ *وَ أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ *حَتَّى إِذا جاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ رَبِّ ارْجِعُونِ *لَعَلِّى أَعْمَلُ صالِحاً فيما تَرَكْتُ كَلاَّ إِنَّها كَلِمَهٌ هُوَ قائِلُها وَ مِنْ وَرائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلى يَوْمِ يُبْعَثُونَ *فَإِذا نُفِخَ فِى الصُّورِ فَلا أَنْسابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَ لا يَتَساءَلُونَ *فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازينُهُ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *وَ مَنْ خَفَّتْ مَوازينُهُ فَأُولئِکَ الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فى جَهَنَّمَ خالِدُونَ *تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فيها كالِحُونَ *أَ لَمْ تَكُنْ آياتى تُتْلى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِها تُكَذِّبُونَ *قالُوا رَبَّنا غَلَبَتْ عَلَيْنا شِقْوَتُنا وَ كُنَّا قَوْماً ضالِّينَ *رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْها فَإِنْ عُدْنا فَإِنَّا ظالِمُونَ *قالَ اخْسَؤُا فيها وَ لا تُكَلِّمُونِ *إِنَّهُ كانَ فَريقٌ مِنْ عِبادى يَقُولُونَ رَبَّنا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمينَ *فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرى وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ *إِنِّى جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِما صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفائِزُونَ *قالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى الْأَرْضِ عَدَدَ سِنينَ *قالُوا لَبِثْنا يَوْماً أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ الْعادِّينَ *قالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلاَّ قَليلاً لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ

تَعْلَمُونَ *أَ فَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنا لا تُرْجَعُونَ *فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ *وَ مَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الْكافِرُونَ.» (1)

{پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار. آیا می پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می دهیم، [از آن روی است که] می خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم؟ [نه،] بلکه نمی فهمند. در حقیقت، کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند، و کسانی که به نشانه های پروردگارشان ایمان می آورند، و آنان که به پروردگارشان شرک نمی آورند، و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می دهند، در حالی که دلهایشان ترسان است [و می دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت، آنانند که در کارهای نیک شتاب می ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می جویند. و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. [نه،] بلکه دلهای آنان از این [حقیقت] در غفلت است، و آنان غیر از این [گناهان] کردارهایی [دیگر] دارند که به انجام آن مبادرت می ورزند. تا وقتی خوشگذرانان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم، بناگاه به زاری درمی آیند. امروز زاری مکنید که قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد. در حقیقت، آیات من بر شما خوانده می شد و شما بودید که همواره به قهقرا می رفتید. در حالی که از [پذیرفتن] آن تکبر می ورزیدید و شب هنگام [در محافل خود] بدگویی می کردید. آیا در [عظمت] این سخن نیندیشیده اند، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است؟ یا پیامبر خود را [درست] نشناخته و [لذا] به انکار او پرداخته اند؟ یا می گویند او جنونی دارد؟ [نه،] بلکه [او] حق را برای ایشان آورده و [لی] بیشترشان حقیقت را خوش ندارند. و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می کرد، قطعاً آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می شد. [نه!] بلکه یادنامه شان را به آنان داده ایم، ولی آنها از [پیروی] یادنامه خود رویگردانند. یا از ایشان مزدی مطالبه می کنی؟ و مزد پروردگارت بهتر است، و اوست که بهترین روزی دهندگان است. و در حقیقت، این

1- . مومنون / 54 - 117

تویی که جداً آنها را به راه راست می خوانی. و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه [درست] سخت منحرفند. و اگر ایشان را ببخشاییم، و آنچه از صدمه بر آنان [وارد آمده] است برطرف کنیم، در طغیان خود کوردلانه اصرار می ورزند. و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم و [لی] نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند. تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم، بناگاه ایشان در آن [حال] نومید شدند. و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد. چه اندک سپاس گزارید. و اوست آن کس که شما را در زمین پدید آورد، و به سوی اوست که گردآورده خواهید شد. و اوست آن کس که زنده می کند و می میراند، و اختلاف شب و روز از اوست. مگر نمی اندیشید؟ [نه،] بلکه آنان [نیز] مثل آنچه پیشینیان گفته بودند، گفتند. گفتند: «آیا چون بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا واقعاً باز ما زنده خواهیم شد؟ درست همین را قبلاً به ما و پدرانمان وعده دادند. این جز افسانه های پیشینیان [چیزی] نیست.» بگو: «اگر می دانید [بگویید] زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد؟» خواهند گفت: «به خدا.» بگو: «پس آیا عبرت نمی گیرید؟» بگو: «پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟» خواهند گفت: «خدا.» بگو: «آیا پرهیزگاری نمی کنید؟» بگو: «فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟ و اگر می دانید [کیست آنکه] او پناه می دهد و در پناه کسی نمی رود؟» خواهند گفت: «خدا.» بگو: «پس چگونه دستخوش افسون شده اید؟» [نه !] بلکه حقیقت را برایشان آوردیم، و قطعاً آنان دروغگویند. خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست، و اگر جز این بود، قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده [بود] با خود می برد، و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوّق می جستند. منزه است خدا از آنچه وصف می کنند. دانای نهان و آشکار، و برتر است از آنچه [با او] شریک می گردانند. بگو: «پروردگارا، اگر آنچه را که [از عذاب] به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی، پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده.» و به راستی که ما تواناییم که آنچه را به آنان وعده داده ایم بر تو بنمایانیم. بدی را به شیوه ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می کنند داناتریم. و بگو: «پروردگارا، از وسوسه های شیطانها به تو پناه می برم. و پروردگارا، از اینکه [آنها] به

پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم.» تا آن گاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آنچه وانهاده ام کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد. پس آن گاه که در صور دمیده شود، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی پرسند. پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد، ایشان رستگارانند. و کسانی که کَفِّه میزان [اعمال] شان سبک باشد، آنان به خویشتن زیان زده [و] همیشه در جهنم می مانند. آتش چهره آنها را می سوزاند، و آنان در آنجا ترش رویند. آیا آیات من بر شما خوانده نمی شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی دادید؟ می گویند: «پروردگارا، شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم.» پروردگارا، ما را از اینجا بیرون بر، پس اگر بازهم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت ستمگر خواهیم بود. می فرماید: « [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید.» در حقیقت، دسته ای از بندگان من بودند که می گفتند: «پروردگارا، ایمان آوردیم. بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانانی.» و شما آنان [مؤمنان] را به ریشخند گرفتید، تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می خندیدید. من [هم] امروز به [پاس] آنکه صبر کردند، بدانان پاداش دادم. آری، ایشانند که رستگارانند. می فرماید: «چه مدت به عدد سالها در زمین ماندید؟» می گویند: «یک روز یا پاره ای از یک روز ماندیم. از شمارگران [خود] بپرس.» می فرماید: «جز اندکی درنگ نکردید، کاش شما می دانستید.» آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده ایم و اینکه شما به سوی ما بازگردانیده نمی شوید؟ پس والاست خدا، فرمانروای بر حق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند، که برای آن برهانی نخواهد داشت، حسابش فقط با پروردگارش می باشد، در حقیقت، کافران رستگار نمی شوند. }

- «لَقَدْ أَنْزَلْنا آیاتٍ مُبَیِّناتٍ وَ اللَّهُ یَهْدی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ *وَ یَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا ثُمَّ یَتَوَلَّی فَریقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ ما أُولئِکَ بِالْمُؤْمِنینَ *وَ إِذا دُعُوا إِلَی اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ إِذا فَریقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ *وَ إِنْ

یَکُنْ لَهُمُ الْحَقُّ یَأْتُوا إِلَیْهِ مُذْعِنِینَ *أَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتابُوا أَمْ یَخافُونَ أَنْ یَحِیفَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أُولئِکَ هُمُ الظّالِمُونَ *إِنَّما کانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِینَ إِذا دُعُوا إِلَی اللّهِ وَ رَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ أَنْ یَقُولُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *وَ مَنْ یُطِعِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یَخْشَ اللّهَ وَ یَتَّقْهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ *وَ أَقْسَمُوا بِاللّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَیَخْرُجُنَّ قُلْ لا تُقْسِمُوا طاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللّهَ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُونَ *قُلْ أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما عَلَیْهِ ما حُمِّلَ وَ عَلَیْکُمْ ما حُمِّلْتُمْ وَ إِنْ تُطِیعُوهُ تَهْتَدُوا وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبِینُ *وَعَدَ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً وَ مَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ *وَ أَقِیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ *لا تَحْسَبَنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا مُعْجِزِینَ فِی الْأَرْضِ وَ مَأْواهُمُ النّارُ وَ لَبِئْسَ الْمَصِیرُ.» (1)

{قطعاً آیاتی روشنگر فرود آورده ایم، و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند. و می گویند: «به خدا و پیامبر [او] گرویدیم و اطاعت کردیم.» آن گاه دسته ای از ایشان پس از این [اقرار] روی برمی گردانند، و آنان مؤمن نیستند. و چون به سوی خدا و پیامبر او خوانده شوند، تا میان آنان داوری کند، بناگاه دسته ای از آنها روی برمی تابند. و اگر حق به جانب ایشان باشد، به حال اطاعت به سوی او می آیند. آیا در دلهایشان بیماری است، یا شک دارند، یا از آن می ترسند که خدا و فرستاده اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه،] بلکه خودشان ستمکارند. گفتار مؤمنان - وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند - تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» اینانند که رستگارند. و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان بَرَد، و از خدا بترسد و از او پروا کند آنانند که خود کامیابند. و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، بی شک [برای جهاد] بیرون خواهند آمد. بگو: «سوگند مخورید. اطاعتی پسندیده [بهتر است] که خدا به آنچه می کنید داناست.» بگو: «خدا و پیامبر را اطاعت کنید.

1- . نور / 46 - 57

پس اگر پشت نمودید، [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظّف هستید. و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت، و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست. خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند. و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید. و مپندار کسانی که کفر ورزیدند [ما را] در زمین درمانده می کنند جایگاهشان در آتش است و چه بد بازگشتگاهی است. }

- «تَبارَکَ الَّذی نَزَّلَ الْفُرْقانَ عَلی عَبْدِهِ لِیَکُونَ لِلْعالَمینَ نَذیراً *الَّذی لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَریکٌ فِی الْمُلْکِ وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدیراً *وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لا یَخْلُقُونَ شَیْئاً وَ هُمْ یُخْلَقُونَ وَ لا یَمْلِکُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ لا یَمْلِکُونَ مَوْتاً وَ لا حَیاةً وَ لا نُشُوراً *وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا إِنْ هذَا إِلاَّ إِفْکٌ افْتَراهُ وَ أَعانَهُ عَلَیْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جاؤُ ظُلْماً وَ زُوراً *وَ قالُوا أَساطیرُ الْأَوَّلینَ اکْتَتَبَها فَهِیَ تُمْلی عَلَیْهِ بُکْرَةً وَ أَصیلاً *قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذی یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ کانَ غَفُوراً رَحیماً *وَ قالُوا ما لِهذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعامَ وَ یَمْشی فِی الْأَسْواقِ لَوْ لا أُنْزِلَ إِلَیْهِ مَلَکٌ فَیَکُونَ مَعَهُ نَذیراً *أَوْ یُلْقی إِلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ تَکُونُ لَهُ جَنَّةٌ یَأْکُلُ مِنْها وَ قالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُوراً *انْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا یَسْتَطیعُونَ سَبیلاً *تَبارَکَ الَّذی إِنْ شاءَ جَعَلَ لَکَ خَیْراً مِنْ ذلِکَ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ وَ یَجْعَلْ لَکَ قُصُوراً *بَلْ کَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَ أَعْتَدْنا لِمَنْ کَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعیراً *إِذا رَأَتْهُمْ مِنْ مَکانٍ بَعیدٍ سَمِعُوا لَها تَغَیُّظاً وَ زَفیراً *وَ إِذا أُلْقُوا مِنْها مَکاناً ضَیِّقاً مُقَرَّنینَ دَعَوْا هُنالِکَ ثُبُوراً *لا تَدْعُوا الْیَوْمَ ثُبُوراً واحِداً وَ ادْعُوا ثُبُوراً کَثیراً *قُلْ أَ ذلِکَ خَیْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ کانَتْ لَهُمْ جَزاءً وَ مَصیراً *لَهُمْ فیها ما یَشاؤُنَ خالِدینَ کانَ عَلی رَبِّکَ وَعْداً مَسْؤُلاً *وَ یَوْمَ یَحْشُرُهُمْ وَ ما یَعْبُدُونَ مِنْ

دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَ أَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبادى هؤُلاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبيلَ *قالُوا سُبْحانَكَ ما كانَ يَنْبَغى لَنا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِکَ مِنْ أَوْلِياءَ وَ لكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَ آباءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَ كانُوا قَوْماً بُوراً *فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِما تَقُولُونَ فَما تَسْتَطيعُونَ صَرْفاً وَ لا نَصْراً وَ مَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذاباً كَبيراً *وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَکَ مِنَ الْمُرْسَلينَ إِلاَّ إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعامَ وَ يَمْشُونَ فِى الْأَسْواقِ وَ جَعَلْنا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبِرُونَ وَ كانَ رَبُّکَ بَصيراً *وَ قالَ الَّذينَ لا يَرْجُونَ لِقاءَنا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلائِكَةُ أَوْ نَرى رَبَّنا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فى أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتُوًّا كَبيراً *يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلائِكَةَ لا بُشْرى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمينَ وَ يَقُولُونَ حِجْراً مَحْجُوراً *وَ قَدِمْنا إِلى ما عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْناهُ هَباءً مَنْثُوراً *أَصْحابُ الْجَنَّهِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقيلاً *وَ يَوْمَ تَشَقَّقُ السَّماءُ بِالْغَمامِ وَ نُزِّلَ الْمَلائِكَةُ تَنْزيلاً *الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمنِ وَ كانَ يَوْماً عَلَى الْكافِرينَ عَسيراً *وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلى يَدَيْهِ يَقُولُ يا لَيْتَنِى اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً *يا وَيْلَتى لَيْتَنى لَمْ أَتَّخِذْ فُلاناً خَليلاً *لَقَدْ أَضَلَّنى عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جاءَنى وَ كانَ الشَّيْطانُ لِلْإِنْسانِ خَذُولاً *وَ قالَ الرَّسُولُ يا رَبِّ إِنَّ قَوْمِى اتَّخَذُوا هذَا الْقُرْآنَ مَهْجُوراً *وَ كَذلِکَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمينَ وَ كَفى بِرَبِّکَ هادِياً وَ نَصيراً *وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً واحِدَةً كَذلِکَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤادَکَ وَ رَتَّلْناهُ تَرْتيلاً *وَ لا يَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ إِلاَّ جِئْناکَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسيراً *الَّذينَ يُحْشَرُونَ عَلى وُجُوهِهِمْ إِلى جَهَنَّمَ أُوْلئِکَ شَرٌّ مَكاناً وَ أَضَلُّ سَبيلاً *وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ وَ جَعَلْنا مَعَهُ أَخاهُ هارُونَ وَزيراً *فَقُلْنَا اذْهَبا إِلَى الْقَوْمِ الَّذينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا فَدَمَّرْناهُمْ تَدْميراً *وَ قَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْناهُمْ وَ جَعَلْناهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَ أَعْتَدْنا لِلظَّالِمينَ عَذاباً أَليماً *وَ عاداً وَ ثَمُودَ وَ أَصْحابَ الرَّسِّ وَ قُرُوناً بَيْنَ ذلِکَ كَثيراً *وَ كُلاًّ ضَرَبْنا لَهُ الْأَمْثالَ وَ كُلاًّ تَبَّرْنا تَتْبيراً *وَ لَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَهِ الَّتى أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَ فَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَها بَلْ كانُوا لا يَرْجُونَ نُشُوراً *وَ إِذا رَأَوْکَ إِنْ يَتَّخِذُونَکَ إِلاَّ هُزُواً أَ هذَا الَّذى بَعَثَ اللَّهُ رَسُولاً *إِنْ كادَ لَيُضِلُّنا عَنْ آلِهَتِنا لَوْ لا أَنْ صَبَرْنا عَلَيْها وَ سَوْفَ يَعْلَمُونَ حينَ يَرَوْنَ الْعَذابَ مَنْ أَضَلُّ سَبيلاً *أَ رَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ أَ فَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكيلاً *أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلاَّ كَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبيلاً *أَ لَمْ تَرَ إِلى رَبِّکَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شاءَ لَجَعَلَهُ ساكِناً ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً *ثُمَّ قَبَضْناهُ إِلَيْنا قَبْضاً يَسيراً *وَ هُوَ الَّذى

جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِباساً وَ النَّوْمَ سُباتاً وَ جَعَلَ النَّهارَ نُشُوراً *وَ هُوَ الَّذى أَرْسَلَ الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَىْ رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً *لِنُحْيِىَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً وَ نُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنا أَنْعاماً وَ أَناسِىَّ كَثيراً *وَ لَقَدْ صَرَّفْناهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلاَّ كُفُوراً *وَ لَوْ شِئْنا لَبَعَثْنا فى كُلِّ قَرْيَةٍ نَذيراً *فَلا تُطِعِ الْكافِرينَ وَ جاهِدْهُمْ بِهِ جِهاداً كَبيراً *وَ هُوَ الَّذى مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هذا عَذْبٌ فُراتٌ وَ هذا مِلْحٌ أُجاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُما بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً *وَ هُوَ الَّذى خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً فَجَعَلَهُ نَسَباً وَ صِهْراً وَ كانَ رَبُّكَ قَديراً *وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُهُمْ وَ لا يَضُرُّهُمْ وَ كانَ الْكافِرُ عَلى رَبِّهِ ظَهيراً *وَ ما أَرْسَلْناكَ إِلاَّ مُبَشِّراً وَ نَذيراً *قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلاَّ مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبيلاً *وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَىِّ الَّذى لا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفى بِهِ بِذُنُوبِ عِبادِهِ خَبيراً *الَّذى خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فى سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمنُ فَسْئَلْ بِهِ خَبيراً *وَ إِذا قيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمنِ قالُوا وَ مَا الرَّحْمنُ أَ نَسْجُدُ لِما تَأْمُرُنا وَ زادَهُمْ نُفُوراً. »(1)

{بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد. همان کس که فرمانروایی آسمانها و زمین از آنِ اوست، و فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است، و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه گیری کرده است. و به جای او خدایانی برای خود گرفته اند که چیزی را خلق نمی کنند و خود خلق شده اند و برای خود نه زیانی را در اختیار دارند و نه سودی را، و نه مرگی را در اختیار دارند و نه حیاتی و نه رستاخیزی را. و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «این [کتاب] جز دروغی که آن را بربافته [چیزی] نیست، و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده اند.» و قطعاً [با چنین نسبتی] ظلم و بهتانی به پیش آوردند. و گفتند: «افسانه های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته، و صبح و شام بر او املا می شود.» بگو: «آن را کسی نازل ساخته است که رازِ نهانها را در آسمانها و زمین می داند، و هموست که همواره آمرزنده مهربان است.» و گفتند: «این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی

1- . فرقان / 1 - 60

او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد؟ یا گنجی به طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از [بار و بر] آن بخورد؟» و ستمکاران گفتند: «جز مردی افسون شده را دنبال نمی کنید.» بنگر چگونه برای تو مَثَلها زدند و گمراه شدند در نتیجه نمی توانند راهی بیابند. بزرگ [و خجسته] است کسی که اگر بخواهد بهتر از این را برای تو قرار می دهد: باغهایی که جویبارها از زیر [درختان] آن روان خواهد بود، و برای تو کاخها پدید می آورد. [نه!] بلکه [آنها] رستاخیز را دروغ خواندند، و برای هر کس که رستاخیز را دروغ خوانَد آتشِ سوزان آماده کرده ایم. چون [دوزخ] از فاصله ای دور، آنان را ببیند، خشم و خروشی از آن می شنوند. و چون آنان را در تنگنایی از آن به زنجیر کشیده بیندازند، آنجاست که مرگ [خود] را می خواهند. «امروز یک بار هلاکِ [خود] را مخواهید و بسیار هلاک [خود] را بخواهید.» بگو: «آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟» جاودانه هر چه بخواهند در آنجا دارند. پروردگار تو مسئول [تحقق] این وعده است. و روزی که آنان را با آنچه به جای خدا می پرستند، محشور می کند، پس می فرماید: «آیا شما این بندگان مرا به بیراهه کشاندید یا خود گمراه شدند؟» می گویند: «منزّهی تو، ما را نسزد که جز تو دوستی برای خود بگیریم، ولی تو آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آنجا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک شده، بودند.» قطعاً [خدایانتان] در آنچه می گفتید، شما را تکذیب کردند در نتیجه نه می توانید [عذاب را از خود] دفع کنید و نه [خود را] یاری نمایید و هر کس از شما شرک ورزد عذابی سهمگین به او می چشانیم. و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست. و کسانی که به لقای ما امید ندارند، گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگارمان را نمی بینیم؟» قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند. روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست، و می گویند: «دور و ممنوع [از رحمت خدایید].» و به هر گونه کاری که کرده اند می پردازیم و آن را [چون] گردی

پراکنده می سازیم. آن روز، جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است. و روزی که آسمان با ابری سپید از هم می شکافد و فرشتگان نزول یابند! آن روز، فرمانروایی بحق، از آنِ [خدایِ] رحمان است و روزی است که بر کافران بسی دشوار است. و روزی است که ستمکار دستهای خود را می گَزد [و] می گوید: «ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم.» «ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم. او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود.» و شیطان همواره فروگذارنده انسان است. و پیامبر [خدا] گفت: «پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کردند.» و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم، و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور توست. و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یک جا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم. و برای تو مَثَلی نیاوردند، مگر آنکه [ما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم. کسانی که - به رو درافتاده - به سوی جهنم رانده می شوند، آنان بدترین جای و گم ترین راه را دارند. و به یقین [ما] به موسی کتاب [آسمانی] عطا کردیم، و برادرش هارون را همراه او دستیار [ش] گردانیدیم. پس گفتیم: «هر دو به سوی قومی که نشانه های ما را به دروغ گرفتند بروید.» پس [ما] آنان را به سختی هلاک نمودیم. و قوم نوح را آن گاه که پیامبران [خدا] را تکذیب کردند غرقشان ساختیم، و آنان را برای [همه] مردم عبرتی گردانیدیم و برای ستمکاران عذابی پردرد آماده کرده ایم. و [نیز] عادیان و ثمودیان و اصحابِ رَسّ و نسلهایِ بسیاری میان این [جماعتها] را [هلاک کردیم]. و برای همه آنان مَثَلها زدیم و همه را زیر و زبر کردیم. و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد گذشته اند مگر آن را ندیده اند؟ [چرا،] ولی امید به زنده شدن ندارند. و چون تو را ببینند، جز به ریشخندت نگیرند، [که:] «آیا این همان کسی است که خدا او را به رسالت فرستاده است؟ چیزی نمانده بود که ما را از خدایانمان - اگر بر آن ایستادگی نمی کردیم - منحرف کند. «و هنگامی که عذاب را می بینند به زودی خواهند دانست چه کسی گمراه تر است. آیا آن کس که هوایِ [نفس] خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟ آیا [می توانی] ضامنِ او باشی؟ یا گمان داری که

بیشترشان می شنوند یا می اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند، بلکه گمراه ترند. آیا ندیده ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر می خواست، آن را ساکن قرار می داد، آن گاه خورشید را بر آن دلیل گردانیدیم. سپس آن [سایه] را اندک اندک به سوی خود بازمی گیریم. و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی. و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید. و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش [باران] فرستاد و از آسمان، آبی پاک فرود آوردیم، تا به وسیله آن سرزمینی پژمرده را زنده گردانیم و آن را به آنچه خلق کرده ایم - از دامها و انسانهای بسیار - بنوشانیم. و قطعاً آن [پند] را میان آنان گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند، و [لی] بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواستند.و اگر می خواستیم قطعاً در هر شهری هشداردهنده ای برمی انگیختیم. پس، از کافران اطاعت مکن، و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ بپرداز. و اوست کسی که دو دریا را موج زنان به سوی هم روان کرد: این یکی شیرین [و] گوارا و آن یکی شور [و] تلخ است و میان آن دو، مانع و حریمی استوار قرار داد. و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندیِ] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست. و غیر از خدا چیزی را می پرستند که نه سودشان می دهد و نه زیانشان می رساند و کافر همواره در برابر پروردگار خود همپشت [شیطان] است. و تو را جز بشارتگر و بیم دهنده نفرستادیم. بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی کنم، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.» و بر آن زنده که نمی میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی و همین بس که او به گناهانِ بندگانش آگاه است. همان کسی که آسمانها و زمین، و آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید. آن گاه بر عرش استیلا یافت. رحمتگر عام [اوست]. در باره وی از خبره ای بپرس [که می داند]. و چون به آنان گفته شود: « [خدای] رحمان را سجده کنید»، می گویند: «رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می دهی سجده کنیم؟» و بر رمیدنشان می افزاید. }

- «طسم*تِلْکَ آیاتُ الْکِتابِ الْمُبینِ *لَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ أَلاَّ یَکُونُوا مُؤْمِنینَ *إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعینَ *وَ ما یَأْتیهِمْ مِنْ ذِکْرٍ مِنَ الرَّحْمنِ مُحْدَثٍ إِلاَّ کانُوا عَنْهُ مُعْرِضینَ *فَقَدْ کَذَّبُوا فَسَیَأْتیهِمْ أَنْبؤُا ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ *أَ وَ لَمْ یَرَوْا إِلَی الْأَرْضِ کَمْ أَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَریمٍ *إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَهً وَ ما کانَ أَکْثَرُهُمْ مُؤْمِنینَ.» (1)

{طا، سین، میم. این است آیه های کتاب روشنگر. شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی آورند، جان خود را تباه سازی. اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم، تا در برابر آن، گردنهایشان خاضع گردد. و هیچ تذکّر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برایشان نیامد جز اینکه همواره از آن روی برمی تافتند. [آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند، و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می کردند، بدیشان خواهد رسید. مگر در زمین ننگریسته اند که چه قدر در آن از هر گونه جفتهای زیبا رویانیده ایم؟ قطعاً در این [هنرنمایی] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نیستند. }

- «وَ إِنَّهُ لَتَنْزیلُ رَبِّ الْعالَمینَ *نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمینُ *عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرینَ *بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبینٍ *وَ إِنَّهُ لَفی زُبُرِ الْأَوَّلینَ *أَ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُمْ آیَهً أَنْ یَعْلَمَهُ عُلَماءُ بَنی إِسْرائیلَ *وَ لَوْ نَزَّلْناهُ عَلی بَعْضِ الْأَعْجَمینَ *فَقَرَأَهُ عَلَیْهِمْ ما کانُوا بِهِ مُؤْمِنینَ *کَذلِکَ سَلَکْناهُ فی قُلُوبِ الْمُجْرِمینَ *لا یُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّی یَرَوُا الْعَذابَ الْأَلیمَ *فَیَأْتِیَهُمْ بَغْتَهً وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ *فَیَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ *أَ فَبِعَذابِنا یَسْتَعْجِلُونَ *أَ فَرَأَیْتَ إِنْ مَتَّعْناهُمْ سِنینَ *ثُمَّ جاءَهُمْ ما کانُوا یُوعَدُونَ *ما أَغْنی عَنْهُمْ ما کانُوا یُمَتَّعُونَ *وَ ما أَهْلَکْنا مِنْ قَرْیَهٍ إِلاَّ لَها مُنْذِرُونَ *ذِکْری وَ ما کُنَّا ظالِمینَ *وَ ما تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّیاطینُ *وَ ما یَنْبَغی لَهُمْ وَ ما یَسْتَطیعُونَ *إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ *فَلا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتَکُونَ مِنَ الْمُعَذَّبینَ *وَ أَنْذِرْ عَشیرَتَکَ الْأَقْرَبینَ *وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنینَ *فَإِنْ عَصَوْکَ فَقُلْ إِنِّی بَری ءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ *وَ تَوَکَّلْ عَلَی الْعَزیزِ الرَّحیمِ *الَّذی یَراکَ حینَ تَقُومُ *وَ تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدینَ *إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ

1- . شعراء / 1 - 8

الْعَليمُ *هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلی مَنْ تَنَزَّلُ الشَّیاطینُ *تَنَزَّلُ عَلی کُلِّ أَفَّاکٍ أَثیمٍ *یُلْقُونَ السَّمْعَ وَ أَکْثَرُهُمْ کاذِبُونَ.»(1)

{و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است. «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از [جمله] هشداردهندگان باشی به زبان عربی روشن، و [وصفِ] آن در کتابهای پیشینیان آمده است. آیا برای آنان، این خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی اسرائیل از آن اطّلاع دارند؟ و اگر آن را بر برخی از غیر عرب زبانان نازل می کردیم، و [پیامبر] آن را بر ایشان می خواند به آن ایمان نمی آوردند. این گونه در دلهای گناهکاران، [انکار را] راه می دهیم: که به آن نگروند تا عذاب پردرد را ببینند، که به طور ناگهانی - در حالی که بی خبرند - بدیشان برسد. و بگویند: «آیا مهلت خواهیم یافت؟» پس آیا عذاب ما را به شتاب می خواهند؟ مگر نمی دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم، و آن گاه آنچه که [بدان] بیم داده می شوند بدیشان برسد، آنچه از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید [و عذاب را از آنان دفع نمی کند]؟ و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن هشداردهندگانی بود. [تا آنان را] تذکّر [دهند] و ما ستمکار نبوده ایم. و شیطانها آن را فرود نیاورده اند. و آنان را نسزد و نمی توانند [وحی کنند]. در حقیقت آنها از شنیدن، معزول [و محروم] اند. پس با خدا، خدای دیگر مخوان که از عذاب شدگان خواهی شد. و خویشانِ نزدیکت را هشدار ده. و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فرو گستر. و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: «من از آنچه می کنید بیزارم.» و بر [خدایِ] عزیزِ مهربان توکّل کن، آن کس که چون [به نماز] برمی خیزی تو را می بیند، و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [می نگرد]. او همان شنوای داناست. آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند؟ بر هر دروغزن گناهکاری فرود می آیند که [دزدانه] گوش فرا می دارند و بیشترشان دروغگویند. }

- «طس تِلْکَ آیاتُ الْقُرْآنِ وَ کِتابٍ مُبینٍ *هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنینَ *الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ یُوقِنُونَ *إِنَّ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ

1- . شعراء / 192 - 223

زَیَّنّا لَهُمْ أَعْمالَهُمْ فَهُمْ یَعْمَهُونَ *أُوْلئِکَ الَّذینَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذابِ وَ هُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ *وَ إِنَّکَ لَتُلَقَّی الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَکیمٍ عَلیمٍ.» (1)

{طا، سین. این است آیات قرآن و [آیاتِ] کتابی روشنگر، که [مایه] هدایت و بشارت برای مؤمنان است. همانان که نماز برپا می دارند و زکات می دهند و خود به آخرت یقین دارند. کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا هم چنان] سرگشته بمانند. آنان کسانی اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود، و در آخرت، خود زیانکارترین [مردم] اند. و حقّاً تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می داری. }

- «وَ أَمْطَرْنا عَلَیْهِمْ مَطَراً فَساءَ مَطَرُ الْمُنْذَرینَ *قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلامٌ عَلی عِبادِهِ الَّذینَ اصْطَفی آللَّهُ خَیْرٌ أَمَّا یُشْرِکُونَ *أَمَّنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَکُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا بِهِ حَدائِقَ ذاتَ بَهْجَهٍ ما کانَ لَکُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَها أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ یَعْدِلُونَ *أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً وَ جَعَلَ خِلالَها أَنْهاراً وَ جَعَلَ لَها رَواسِیَ وَ جَعَلَ بَیْنَ الْبَحْرَیْنِ حاجِزاً أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ *أَمَّنْ یُجیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفاءَ الْأَرْضِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قَلیلاً ما تَذَکَّرُونَ *أَمَّنْ یَهْدیکُمْ فی ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَنْ یُرْسِلُ الرِّیاحَ بُشْراً بَیْنَ یَدَیْ رَحْمَتِهِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ تَعالَی اللَّهُ عَمَّا یُشْرِکُونَ *أَمَّنْ یَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعیدُهُ وَ مَنْ یَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *قُلْ لا یَعْلَمُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الْغَیْبَ إِلاَّ اللَّهُ وَ ما یَشْعُرُونَ أَیَّانَ یُبْعَثُونَ *بَلِ ادَّارَکَ عِلْمُهُمْ فِی الْآخِرَهِ بَلْ هُمْ فی شَکٍّ مِنْها بَلْ هُمْ مِنْها عَمُونَ *وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا أَ إِذا کُنَّا تُراباً وَ آباؤُنا أَ إِنَّا لَمُخْرَجُونَ *لَقَدْ وُعِدْنا هذا نَحْنُ وَ آباؤُنا مِنْ قَبْلُ إِنْ هذا إِلاَّ أَساطیرُ الْأَوَّلینَ *قُلْ سیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُجْرِمینَ *وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ لا تَکُنْ فی ضَیْقٍ مِمَّا یَمْکُرُونَ *وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *قُلْ عَسی أَنْ یَکُونَ رَدِفَ لَکُمْ بَعْضُ الَّذی تَسْتَعْجِلُونَ *وَ إِنَّ رَبَّکَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَشْکُرُونَ *وَ إِنَّ رَبَّکَ لَیَعْلَمُ ما تُکِنُّ صُدُورُهُمْ وَ ما یُعْلِنُونَ *وَ ما مِنْ غائِبَهٍ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِلاَّ فی کِتابٍ مُبینٍ *إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یَقُصُّ عَلی بَنی

1- . نمل / 1 - 6

إِسْرائِيلَ أَكْثَرَ الَّذی هُمْ فیهِ یَخْتَلِفُونَ *وَ إِنَّهُ لَهُدیً وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنینَ *إِنَّ رَبَّکَ یَقْضی بَیْنَهُمْ بِحُکْمِهِ وَ هُوَ الْعَزیزُ الْعَلیمُ *فَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ إِنَّکَ عَلَی الْحَقِّ الْمُبینِ *إِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتی وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرینَ *وَ ما أَنْتَ بِهادِی الْعُمْیِ عَنْ ضَلالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلاَّ مَنْ یُؤْمِنُ بِآیاتِنا فَهُمْ مُسْلِمُونَ *وَ إِذا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ أَخْرَجْنا لَهُمْ دَابَّهً مِنَ الْأَرْضِ تُکَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ کانُوا بِآیاتِنا لا یُوقِنُونَ *وَ یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً مِمَّنْ یُکَذِّبُ بِآیاتِنا فَهُمْ یُوزَعُونَ *حَتَّی إِذا جاؤُ قالَ أَ کَذَّبْتُمْ بِآیاتی وَ لَمْ تُحیطُوا بِها عِلْماً أَمَّا ذا کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ بِما ظَلَمُوا فَهُمْ لا یَنْطِقُونَ *أَ لَمْ یَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّیْلَ لِیَسْکُنُوا فیهِ وَ النَّهارَ مُبْصِراً إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ *وَ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ إِلاَّ مَنْ شاءَ اللَّهُ وَ کُلٌّ أَتَوْهُ داخِرینَ *وَ تَرَی الْجِبالَ تَحْسَبُها جامِدَهً وَ هِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحابِ صُنْعَ اللَّهِ الَّذی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ إِنَّهُ خَبیرٌ بِما تَفْعَلُونَ *مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ خَیْرٌ مِنْها وَ هُمْ مِنْ فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُونَ *وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَکُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلاَّ ما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *إِنَّما أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هذِهِ الْبَلْدَهِ الَّذی حَرَّمَها وَ لَهُ کُلُّ شَیْ ءٍ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْمُسْلِمینَ *وَ أَنْ أَتْلُوَا الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدی فَإِنَّما یَهْتَدی لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّما أَنَا مِنَ الْمُنْذِرینَ *وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَیُریکُمْ آیاتِهِ فَتَعْرِفُونَها وَ ما رَبُّکَ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ.»(1)

{و بارانی [از سجّیل] بر ایشان فروباریدیم، و باران هشدارداده شدگان، چه بد بارانی بود. بگو: «سپاس برای خداست، و درود بر آن بندگانش که [آنان را] برگزیده است.» آیا خدا بهتر است یا آنچه [با او] شریک می گردانند؟ [آیا آنچه شریک می پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد، پس به وسیله آن، باغهای بهجت انگیز رویانیدیم. کار شما نبود که درختانش را برویانید. آیا معبودی با خداست؟ [نه،] بلکه آنان قومی منحرفند. [آیا شریکانی که می پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن، کوه ها را [مانند لنگر] قرار داد، و میان دو دریا برزخی گذاشت؟ آیا معبودی با خداست؟ [نه،] بلکه بیشترشان نمی دانند. یا [کیست] آن کس

1- . نمل / 58 - 93

که درمانده را - چون وی را بخواند - اجابت می کند، و گرفتاری را برطرف می گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می پذیرید. یا آن کس که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا راه می نماید و آن کس که بادها [یِ باران زا] را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می فرستد؟ آیا معبودی با خداست؟ خدا برتر [و بزرگتر] است از آنچه [با او] شریک می گردانند. یا آن کس که خلق را آغاز می کند و سپس آن را بازمی آورد، و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ بگو: «اگر راست می گویید، برهان خویش را بیاورید.» بگو: «هر که در آسمانها و زمین است- جز خدا- غیب را نمی شناسند و نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد؟» [نه،] بلکه علم آنان در باره آخرت نارساست [نه،] بلکه ایشان در باره آن تردید دارند [نه،] بلکه آنان در مورد آن کوردلند. و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم، آیا حتماً [زنده از گور] بیرون آورده می شویم؟ در حقیقت، این را به ما و پدرانمان قبلاً وعده داده اند این جز افسانه های پیشینیان نیست.» بگو: «در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه پیشگان چگونه بوده است.» و بر آنان غم مخور، و از آنچه مکر می کنند تنگدل مباش. و می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود؟» بگو: «شاید برخی از آنچه را به شتاب می خواهید در پی شما باشد.» و راستی پروردگارت بر [این] مردم دارای بخشش است، ولی بیشترشان سپاس نمی دارند. و در حقیقت، پروردگار تو آنچه را در سینه هایشان نهفته و آنچه را آشکار می دارند نیک می داند. و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر اینکه در کتابی روشن [درج] است. بی گمان، این قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشترِ آنچه را که آنان در باره اش اختلاف دارند حکایت می کند. و به راستی که آن، رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است. در حقیقت، پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می کند، و اوست شکست ناپذیر دانا. پس بر خدا توکّل کن که تو واقعاً بر حقّ آشکاری. البتّه تو مردگان را شنوا نمی گردانی، و این ندا را به کران - چون پشت بگردانند - نمی توانی بشنوانی. و راهبر کوران [و بازگرداننده] از گمراهی شان نیستی. تو جز کسانی را که به نشانه های ما ایمان آورده اند و مسلمانند، نمی توانی بشنوانی. و چون قول [عذاب]

بر ایشان واجب گردد، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه های ما یقین نداشتند. و آن روز که از هر امّتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم، پس آنان نگاه داشته می شوند تا همه به هم بپیوندند. تا چون [همه کافران] بیایند، [خدا] می فرماید: «آیا نشانه های مرا به دروغ گرفتید و حال آنکه از نظر علم، بدانها احاطه نداشتید؟ آیا [در طول حیات] چه می کردید؟» و به [کیفر] آنکه ستم کردند، حکمِ [عذاب] بر آنان واجب گردد، در نتیجه ایشان دَم برنیارند. آیا ندیده اند که ما شب را قرار داده ایم تا در آن بیاسایند، و روز را روشنی بخش [گردانیدیم]؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می آورند مایه های عبرت است. و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است به هراس افتد، مگر آن کس که خدا بخواهد. و جملگی با زبونی رو به سوی او آورند. و کوه ها را می بینی [و] می پنداری که آنها بی حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند. [این] صُنعِ خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می دهید آگاه است. هر کس نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنان از هراس آن روز ایمنند. و هر کس بدی به میان آورَد، به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند. آیا جز آنچه می کردید سزا داده می شوید؟ من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدّس شمرده و هر چیزی از آنِ اوست پرستش کنم، و مأمورم که از مسلمانان باشم، و اینکه قرآن را بخوانم. پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است و هر که گمراه شود بگو: «من فقط از هشداردهندگانم.» و بگو: «ستایش از آنِ خداست. به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت.» و پروردگار تو از آنچه می کنید غافل نیست. }

- «وَ لَوْ لا أَنْ تُصيبَهُمْ مُصيبَةٌ بِما قَدَّمَتْ أَيْديهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنا لَوْ لا أَرْسَلْتَ إِلَيْنا رَسُولاً فَنَتَّبِعَ آياتِکَ وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ *فَلَمَّا جاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنا قالُوا لَوْ لا أُوتِيَ مِثْلَ ما أُوتِيَ مُوسى أَ وَ لَمْ يَكْفُرُوا بِما أُوتِيَ مُوسى مِنْ قَبْلُ قالُوا سِحْرانِ تَظاهَرا وَ قالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كافِرُونَ *قُلْ فَأْتُوا بِكِتابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدى مِنْهُما أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *فَإِنْ لَمْ يَسْتَجيبُوا لَکَ فَاعْلَمْ أَنَّما يَتَّبِعُونَ أَهْواءَهُمْ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ

بِغَيْرِ هُدىً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمينَ *وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ *الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ *وَ إِذا يُتْلى عَلَيْهِمْ قالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمينَ *أُولئِکَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِما صَبَرُوا وَ يَدْرَؤُنَ بِالْحَسَنَهِ السَّيِّئَهَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ *وَ إِذا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَ قالُوا لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لا نَبْتَغِى الْجاهِلينَ *إِنَّکَ لا تَهْدى مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لكِنَّ اللَّهَ يَهْدى مَنْ يَشاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ *وَ قالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدى مَعَکَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنا أَ وَ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَماً آمِناً يُجْبى إِلَيْهِ ثَمَراتُ كُلِّ شَىْ ءٍ رِزْقاً مِنْ لَدُنَّا وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ *وَ كَمْ أَهْلَكْنا مِنْ قَرْيَهٍ بَطِرَتْ مَعيشَتَها فَتِلْکَ مَساكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلاَّ قَليلاً وَ كُنَّا نَحْنُ الْوارِثينَ *وَ ما كانَ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرى حَتَّى يَبْعَثَ فى أُمِّها رَسُولاً يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِنا وَ ما كُنَّا مُهْلِكِى الْقُرى إِلاَّ وَ أَهْلُها ظالِمُونَ *وَ ما أُوتيتُمْ مِنْ شَىْ ءٍ فَمَتاعُ الْحَياهِ الدُّنْيا وَ زينَتُها وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقى أَ فَلا تَعْقِلُونَ *أَ فَمَنْ وَعَدْناهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لاقيهِ كَمَنْ مَتَّعْناهُ مَتاعَ الْحَياهِ الدُّنْيا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيامَهِ مِنَ الْمُحْضَرينَ *وَ يَوْمَ يُناديهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكائِىَ الَّذينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ *قالَ الَّذينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنا هؤُلاءِ الَّذينَ أَغْوَيْنا أَغْوَيْناهُمْ كَما غَوَيْنا تَبَرَّأْنا إِلَيْکَ ما كانُوا إِيَّانا يَعْبُدُونَ *وَ قيلَ ادْعُوا شُرَكاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجيبُوا لَهُمْ وَ رَأَوُا الْعَذابَ لَوْ أَنَّهُمْ كانُوا يَهْتَدُونَ *وَ يَوْمَ يُناديهِمْ فَيَقُولُ ما ذا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلينَ *فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْباءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لا يَتَساءَلُونَ *فَأَمَّا مَنْ تابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَعَسى أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحينَ *وَ رَبُّکَ يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ يَخْتارُ ما كانَ لَهُمُ الْخِيَرَهُ سُبْحانَ اللَّهِ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ *وَ رَبُّکَ يَعْلَمُ ما تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ ما يُعْلِنُونَ *وَ هُوَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْأُولى وَ الْآخِرَهِ وَ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ *قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَداً إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتيكُمْ بِضِياءٍ أَ فَلا تَسْمَعُونَ.» (1)

{و اگر نبود که وقتی به [سزای] پیش فرستِ دستهایشان مصیبتی به ایشان برسد، بگویند: «پروردگارا، چرا فرستاده ای به سوی ما نفرستادی تا از احکام تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم» [قطعاً در کیفر آنان شتاب می کردیم]. پس چون حق از جانب ما برایشان آمد، گفتند: «چرا نظیر آنچه به موسی داده شد، به او داده نشده

1- . قصص / 47 - 71

است؟» آیا به آنچه قبلاً به موسی داده شد کفر نورزیدند؟ گفتند: «دو ساحر با هم ساخته اند.» و گفتند: «ما همه را منکریم.» بگو: «پس اگر راست می گویید، کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت کننده تر باشد تا پیرویش کنم.» پس اگر تو را اجابت نکردند، بدان که فقط هوسهای خود را پیروی می کنند و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند؟ بی تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی کند. و به راستی، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. کسانی که قبل از آن، کتاب [آسمانی] به ایشان داده ایم، آنان به [قرآن] می گروند. و چون بر ایشان فرو خوانده می شود، می گویند: «بدان ایمان آوردیم که آن درست است [و] از طرف پروردگار ماست ما پیش از آن [هم] از تسلیم شوندگان بودیم.» آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می نمایند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند، دو بار پاداش خواهند یافت. و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی تابند و می گویند: «کردارهای ما از آنِ ما و کردارهای شما از آنِ شماست. سلام بر شما، جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم.» در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می کند، و او به راه یافتگان داناتر است. و گفتند: «اگر با تو از [نورِ] هدایت پیروی کنیم، از سرزمین خود ربوده خواهیم شد.» آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی- که رزقی از جانب ماست- به سوی آن سرازیر می شود؟ ولی بیشترشان نمی دانند. و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم، [زیرا] زندگی خوش، آنها را سرمست کرده بود. این است سراهایشان که پس از آنان - جز برای عدّه کمی - مورد سکونت قرار نگرفته، و ماییم که وارث آنان بودیم. و پروردگار تو [هرگز] ویرانگر شهرها نبوده است تا [پیشتر] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشان بخواند، و ما شهرها را - تا مردمشان ستمگر نباشند - ویران کننده نبوده ایم. و هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است، و [لی] آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است مگر نمی اندیشید؟ آیا کسی که وعده نیکو به او داده ایم و او به آن خواهد رسید، مانند کسی است که از کالای زندگی دنیا بهره مندش گردانیده ایم [ولی] او روز

ص: 173

قیامت از [جمله] احضارشدگان [در آتش] است؟ و [به یاد آور] روزی را که آنان را ندا می دهد و می فرماید: «آن شریکان من، که می پنداشتید کجایند؟» آنان که حکم [عذاب] بر ایشان واجب آمده، می گویند: «پروردگارا، ایناانند کسانی که گمراه کردیم گمراهشان کردیم هم چنان که خود گمراه شدیم، [از آنان] به سوی تو بیزاری می جوییم ما را نمی پرستیدند [بلکه پندار خود را دنبال می کردند].» و [به آنان] گفته می شود: «شریکان خود را فرا خوانید.» [پس آنها را می خوانند] ولی پاسخشان نمی دهند و عذاب را می بینند [و آرزو می کنند که] ای کاش هدایت یافته بودند. و روزی را که [خدا] آنان را ندا درمی دهد و می فرماید: «فرستادگان [ما] را چه پاسخ دادید؟» پس در آن روز اخبار بر ایشان پوشیده گردد و از یکدیگر نمی توانند بپرسند. و امّا کسی که توبه کند و ایمان آورَد و به کار شایسته پردازد، امید که از رستگاران باشد. و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند، و آنان اختیاری ندارند. منزّه است خدا، و از آنچه [با او] شریک می گردانند برتر است. و آنچه را سینه هایشان پوشیده یا آشکار می دارد، پروردگارت می داند. و اوست خدا [یی که] جز او معبودی نیست. در این [سرایِ] نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او بازگردانیده می شوید. بگو: «هان، چه می پندارید اگر خدا تا روز رستاخیز شب را بر شما جاوید بدارد جز خداوند کدامین معبود برای شما روشنی می آورد؟ آیا نمی شنوید؟» }

- «إِنَّ الَّذی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ قُلْ رَبِّی أَعْلَمُ مَنْ جاءَ بِالْهُدی وَ مَنْ هُوَ فی ضَلالٍ مُبینٍ *وَ ما کُنْتَ تَرْجُوا أَنْ یُلْقی إِلَیْکَ الْکِتابُ إِلاَّ رَحْمَهً مِنْ رَبِّکَ فَلا تَکُونَنَّ ظَهیراً لِلْکافِرینَ *وَ لا یَصُدُّنَّکَ عَنْ آیاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَیْکَ وَ ادْعُ إِلی رَبِّکَ وَ لا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکینَ *وَ لا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ لا إِلَهَ إِلاَّ هُوَ کُلُّ شَیْ ءٍ هالِکٌ إِلاَّ وَجْهَهُ لَهُ الْحُکْمُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ. (1)

{در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده گاه بازمی گرداند. بگو: «پروردگارم بهتر می داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است؟» و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود، بلکه

1- . قصص / 85 - 88

این رحمتی از پروردگار تو بود. پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش. و البته نباید تو را از آیات خدا - بعد از آنکه بر تو نازل شده است - باز دارند، و به سوی پروردگارت دعوت کن، و زنهار از مشرکان مباش. و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آنِ اوست. و به سوی او بازگردانیده می شوید. }

- «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذا أُوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَهَ النَّاسِ کَعَذابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ لَیَقُولُنَّ إِنَّا کُنَّا مَعَکُمْ أَ وَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِما فی صُدُورِ الْعالَمِینَ *وَ لَیَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ لَیَعْلَمَنَّ الْمُنافِقینَ *وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لِلَّذینَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبیلَنا وَ لْنَحْمِلْ خَطایاکُمْ وَ ما هُمْ بِحامِلینَ مِنْ خَطایاهُمْ مِنْ شَیْ ءٍ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ *وَ لَیَحْمِلُنَّ أَثْقالَهُمْ وَ أَثْقالاً مَعَ أَثْقالِهِمْ وَ لَیُسْئَلُنَّ یَوْمَ الْقِیامَهِ عَمَّا کانُوا یَفْتَرُونَ. »(1)

{و از میان مردم کسانی اند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دلهای جهانیان است داناتر نیست؟ و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده اند می شناسد، و یقیناً منافقان را [نیز] می شناسد. و کسانی که کافر شده اند، به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «راه ما را پیروی کنید و گناهانتان به گردن ما.» و [لی] چیزی از گناهانشان را به گردن نخواهند گرفت قطعاً آنان دروغگویانند. و قطعاً بارهای گران خودشان و بارهای گران [دیگر] را با بارهای گران خود برخواهند گرفت، و مسلّماً روز قیامت از آنچه به دروغ برمی بستند پرسیده خواهند شد. }

- «مَثَلُ الَّذینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِیاءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُیُوتِ لَبَیْتُ الْعَنْکَبُوتِ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ *إِنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَیْ ءٍ وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلاَّ الْعالِمُونَ *خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَهً لِلْمُؤْمِنینَ *اتْلُ ما أُوحِیَ إِلَیْکَ مِنَ الْکِتابِ وَ أَقِمِ الصَّلاهَ إِنَّ الصَّلاهَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ لَذِکْرُ اللَّهِ أَکْبَرُ

1- . عنکبوت / 10 - 13

وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تَصْنَعُونَ *وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْكِتابِ إِلاَّ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِلاَّ الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذِی أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ وَ إِلهُنا وَ إِلهُکُمْ واحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ *وَ کَذلِکَ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ الْکِتابَ فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مِنْ هؤُلاءِ مَنْ یُؤْمِنُ بِهِ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ الْکافِرُونَ *وَ ما کُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ کِتابٍ وَ لا تَخُطُّهُ بِیَمِینِکَ إِذاً لاَرْتابَ الْمُبْطِلُونَ *بَلْ هُوَ آیاتٌ بَیِّناتٌ فی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ الظَّالِمُونَ *وَ قالُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآیاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّما أَنَا نَذِیرٌ مُبِینٌ *أَ وَ لَمْ یَکْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنا عَلَیْکَ الْکِتابَ یُتْلی عَلَیْهِمْ إِنَّ فی ذلِکَ لَرَحْمَةً وَ ذِکْری لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ *قُلْ کَفی بِاللَّهِ بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ شَهِیداً یَعْلَمُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذِینَ آمَنُوا بِالْباطِلِ وَ کَفَرُوا بِاللَّهِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ *وَ یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذابِ وَ لَوْ لا أَجَلٌ مُسَمًّی لَجاءَهُمُ الْعَذابُ وَ لَیَأْتِیَنَّهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ *یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالْعَذابِ وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةٌ بِالْکافِرِینَ *یَوْمَ یَغْشاهُمُ الْعَذابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَ یَقُولُ ذُوقُوا ما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *یا عِبادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ أَرْضِی واسِعَةٌ فَإِیَّایَ فَاعْبُدُونِ *کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَیْنا تُرْجَعُونَ *وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفاً تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِینَ فیها نِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِینَ *الَّذِینَ صَبَرُوا وَ عَلی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ *وَ کَأَیِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ یَرْزُقُها وَ إِیَّاکُمْ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ *وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لَیَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّی یُؤْفَکُونَ *اللَّهُ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ یَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ *وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِها لَیَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ *وَ ما هذِهِ الْحَیاةُ الدُّنْیا إِلاَّ لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَیَوانُ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ *فَإِذا رَکِبُوا فِی الْفُلْکِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَی الْبَرِّ إِذا هُمْ یُشْرِکُونَ *لِیَکْفُرُوا بِما آتَیْناهُمْ وَ لِیَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ *أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنَّا جَعَلْنا حَرَماً آمِناً وَ یُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ فَبِالْباطِلِ یُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ یَکْفُرُونَ.» (1)

1- . عنکبوت / 41 - 67

{داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه ای برای خویش ساخته، و در حقیقت - اگر می دانستند - سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است. هر آنچه را که جز او می خوانند خدا می داند، و هم اوست شکست ناپذیر سنجیده کار. و این مَثَلها را برای مردم می زنیم و [لی] جز دانشوران آنها را درنیابند. خداوند آسمانها و زمین را به حقّ آفرید. قطعاً در این [آفرینش] برای مؤمنان عبرتی است. آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان، و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می داند چه می کنید. و با اهل کتاب، جز به [شیوه ای] که بهتر است، مجادله مکنید - مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده اند - و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اوییم.» و همچنین ما قرآن را بر تو نازل کردیم. پس آنان که بدیشان کتاب داده ایم بدان ایمان می آورند، و از میان اینان کسانی اند که به آن می گروند، و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی کند. و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی نوشتی، و گر نه باطل اندیشان قطعاً به شک می افتادند. بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه های کسانی است که علم [الهی] یافته اند، و جز ستمگران منکر آیات ما نمی شوند. و گفتند: «چرا بر او از جانب پروردگارش نشانه هایی [معجزه آسا] نازل نشده است؟» بگو: «آن نشانه ها پیش خداست، و من تنها هشداردهنده ای آشکارم.» آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می شود بر تو فروفرستادیم؟ در حقیقت، در این [کار] برای مردمی که ایمان دارند، رحمت و یادآوری است. بگو: «کافی است خدا میان من و شما شاهد باشد. آنچه را که در آسمانها و زمین است می داند، و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده اند همان زیانکارانند.» و از تو به شتاب درخواست عذاب [الهی را] دارند، و اگر سرآمدی معیّن نبود، قطعاً عذاب به آنان می رسید و بی آنکه خبردار شوند غافلگیرشان می کرد. و شتابزده از تو عذاب می خواهند، و حال آنکه جهنّم قطعاً بر کافران احاطه دارد. آن روز که عذاب از بالای [سرِ] آنها و از زیر پاهایشان آنها را

فروگیرد، و [خدا] می فرماید: « [نتیجه] آنچه را می کردید بچشید.»

«ای بندگان من که ایمان آورده اید، زمین من فراخ است تنها مرا بپرستید.» هر نفسی چشنده مرگ است، آن گاه به سوی ما بازگردانیده خواهید شد. و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، قطعاً آنان را در غرفه هایی از بهشت جای می دهیم که از زیر آنها جویها روان است، جاودان در آنجا خواهند بود چه نیکوست پاداش عمل کنندگان! همان کسانی که شکیبایی ورزیده و بر پروردگارشان توکّل نموده اند. و چه بسیار جاندارانی که نمی توانند متحمّل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می دهد، و اوست شنوای دانا. و اگر از ایشان بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را [چنین] رام کرده است؟» حتماً خواهند گفت: «اللّه» پس چگونه [از حقّ] بازگردانیده می شوند؟ خدا بر هر کس از بندگانش که بخواهد روزی را گشاده می گرداند و [یا] بر او تنگ می سازد، زیرا خدا به هر چیزی داناست. و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان، آبی فروفرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است؟» حتماً خواهند گفت: «اللّه.» بگو: «ستایش از آنِ خداست با این همه، بیشترشان نمی اندیشند. این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است ای کاش می دانستند. و هنگامی که بر کشتی سوار می شوند، خدا را پاکدلانه می خوانند، و [لی] چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، بناگاه شرک می ورزند. بگذار تا به آنچه بدیشان داده ایم انکار آورند و بگذار تا برخوردار شوند، زودا که بدانند. آیا ندیده اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم و حال آنکه مردم از حوالیِ آنان ربوده می شوند؟ آیا به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟ }

- «أَ وَ لَمْ یَتَفَکَّرُوا فی أَنْفُسِهِمْ ما خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّی وَ إِنَّ کَثیراً مِنَ النَّاسِ بِلِقاءِ رَبِّهِمْ لَکافِرُونَ *أَ وَ لَمْ یَسیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَکْثَرَ مِمَّا عَمَرُوها وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَما کانَ اللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ *ثُمَّ کانَ عاقِبَةَ الَّذینَ أَساؤُا السُّوای أَنْ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ وَ کانُوا بِها یَسْتَهْزِؤُنَ *اللَّهُ یَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ یُعیدُهُ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ *وَ یَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ یُبْلِسُ

الْمُجْرِمُونَ *وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكائِهِمْ شُفَعاءُ وَ كانُوا بِشُرَكائِهِمْ كافِرِينَ *وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَتَفَرَّقُونَ *فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَهُمْ فى رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ *وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ لِقاءِ الْآخِرَةِ فَأُولئِكَ فِى الْعَذابِ مُحْضَرُونَ *فَسُبْحانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ *وَ لَهُ الْحَمْدُ فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ *يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ وَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ كَذلِكَ تُخْرَجُونَ *وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ إِذا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ *وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ *وَ مِنْ آياتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَ أَلْوانِكُمْ إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِلْعالِمِينَ *وَ مِنْ آياتِهِ مَنامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ ابْتِغاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ *وَ مِنْ آياتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ ماءً فَيُحْيِى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ *وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذا دَعاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ *وَ لَهُ مَنْ فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قانِتُونَ *وَ هُوَ الَّذِى يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلى فِى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ *ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلاً مِنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ ما مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ مِنْ شُرَكاءَ فى ما رَزَقْناكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَواءٌ تَخافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ *بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْواءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِى مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرِينَ *فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِى فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها لا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ *مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَ اتَّقُوهُ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ لا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ *مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعاً كُلُّ حِزْبٍ بِما لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ *وَ إِذا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذا أَذاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ *لِيَكْفُرُوا بِما آتَيْناهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ *أَمْ أَنْزَلْنا عَلَيْهِمْ سُلْطاناً فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِما كانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ *وَ إِذا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِها وَ إِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذا هُمْ يَقْنَطُونَ *أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ فى ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *فَآتِ ذَا الْقُرْبى حَقَّهُ وَ الْمِسْكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ ذلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ

وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *وَ ما آتَيْتُمْ مِنْ رِباً لِيَرْبُوَا في أَمْوالِ النَّاسِ فَلا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ ما آتَيْتُمْ مِنْ زَکاةٍ تُريدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ *اللَّهُ الَّذی خَلَقَکُمْ ثُمَّ رَزَقَکُمْ ثُمَّ يُميتُکُمْ ثُمَّ يُحْييکُمْ هَلْ مِنْ شُرَکائِکُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذلِکُمْ مِنْ شَیْ ءٍ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا يُشْرِکُونَ *ظَهَرَ الْفَسادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِما کَسَبَتْ أَيْدِی النَّاسِ لِيُذيقَهُمْ بَعْضَ الَّذی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ *قُلْ سيرُوا فِی الْأَرْضِ فَانْظُرُوا کَيْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذينَ مِنْ قَبْلُ کانَ أَکْثَرُهُمْ مُشْرِکينَ *فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِیَ يَوْمٌ لا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ *مَنْ کَفَرَ فَعَلَيْهِ کُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ *لِيَجْزِیَ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْکافِرينَ *وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ وَ لِيُذيقَکُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ رُسُلاً إِلی قَوْمِهِمْ فَجاؤُهُمْ بِالْبَيِّناتِ فَانْتَقَمْنا مِنَ الَّذينَ أَجْرَمُوا وَ کانَ حَقًّا عَلَيْنا نَصْرُ الْمُؤْمِنينَ *اللَّهُ الَّذی يُرْسِلُ الرِّياحَ فَتُثيرُ سَحاباً فَيَبْسُطُهُ فِی السَّماءِ کَيْفَ يَشاءُ وَ يَجْعَلُهُ کِسَفاً فَتَرَی الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلالِهِ فَإِذا أَصابَ بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ *وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسينَ *فَانْظُرْ إِلی آثارِ رَحْمَتِ اللَّهِ کَيْفَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها إِنَّ ذلِکَ لَمُحْيِ الْمَوْتی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَديرٌ *وَ لَئِنْ أَرْسَلْنا ريحاً فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَکْفُرُونَ *فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتی وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرينَ *وَ ما أَنْتَ بِهادِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلاَّ مَنْ يُؤْمِنُ بِآياتِنا فَهُمْ مُسْلِمُونَ *اللَّهُ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفاً وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ ما يَشاءُ وَ هُوَ الْعَليمُ الْقَديرُ *وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ ما لَبِثُوا غَيْرَ ساعَةٍ کَذلِکَ کانُوا يُؤْفَکُونَ *وَ قالَ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَ الْإيمانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فی کِتابِ اللَّهِ إِلی يَوْمِ الْبَعْثِ فَهذا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لکِنَّکُمْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ *فَيَوْمَئِذٍ لا يَنْفَعُ الَّذينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَ لا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ *وَ لَقَدْ ضَرَبْنا لِلنَّاسِ فی هذَا الْقُرْآنِ مِنْ کُلِّ مَثَلٍ وَ لَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذينَ کَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ مُبْطِلُونَ *کَذلِکَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلی قُلُوبِ الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ *فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لا يَسْتَخِفَّنَّکَ الَّذينَ لا يُوقِنُونَ.» (1)

1- . روم / 8 - 60

{آیا در خودشان به تفکّر نپرداخته اند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی معیّن، نیافریده است، و [با این همه] بسیاری از مردم لقای پروردگارشان را سخت منکرند. آیا در زمین نگردیده اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند. بنا بر این خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند، لیکن خودشان بر خود ستم می کردند. آن گاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می گرفتند. خداست که آفرینش را آغاز و سپس آن را تجدید می کند، آن گاه به سوی او بازگردانیده می شوید. و روزی که قیامت برپا شود مجرمان نومید می گردند. و برای آنان از شریکانشان شفیعانی نیست، و خود منکر شریکان خود می شوند. و روزی که رستاخیز برپا گردد، آن روز [مردم] پراکنده می شوند. امّا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در گلستانی، شادمان می گردند. و امّا کسانی که کافر شده و آیات ما و دیدار آخرت را به دروغ گرفته اند، پس آنان در عذاب حاضر آیند. پس خدا را تسبیح گویید آن گاه که به عصر درمی آیید و آن گاه که به بامداد درمی شوید. و ستایش از آنِ اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می رسید. زنده را از مرده بیرون می آورد، و مرده را از زنده بیرون می آورد، و زمین را بعد از مرگش زنده می سازد و بدین گونه [از گورها] بیرون آورده می شوید. و از نشانه های او این است که شما را از خاک آفرید پس بناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید. و از نشانه های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است. و از نشانه های [قدرت] او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شماست. قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه هایی است. و از نشانه های [حکمت] او خواب شما در شب و [نیم] روز و جستجوی شما [روزی خود را] از فزون بخشی اوست. در این [معنی نیز] برای مردمی که می شنوند، قطعاً نشانه هایی است. و از نشانه های او

[اینکه] برق را برای شما بیم آور و امیدبخش می نمایاند، و از آسمان به تدریج آبی فرومی فرستد، که به وسیله آن، زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در این [امر هم] برای مردمی که تعقل می کنند، قطعاً نشانه هایی است. و از نشانه های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند پس چون شما را با یک بار خواندن از زمین فراخوانَد، بناگاه [از گورها] خارج می شوید. و هر که در آسمانها و زمین است از آنِ اوست همه او را گردن نهاده اند. و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می کند و باز آن را تجدید می نماید و این [کار] بر او آسانتر است. و در آسمانها و زمین نمونه والا [ی هر صفت برتر] از آنِ اوست، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار. [خداوند] برای شما از خودتان مَثَلی زده است: آیا در آنچه به شما روزی داده ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از آنها بیم داشته باشید؟ این گونه، آیات خود را برای مردمی که می اندیشند، به تفصیل بیان می کنیم.

[نه، این چنین نیست] بلکه کسانی که ستم کرده اند، بدون هیچ گونه دانشی هوسهای خود را پیروی کرده اند. پس آن کس را که خدا گمراه کرده، چه کسی هدایت می کند؟ و برای آنان یاورانی نخواهد بود. پس روی خود را با گرایش تمام به حقّ، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند. به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید: از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند. و چون مردم را زیانی رسد، پروردگار خود را، در حالی که به درگاه او توبه می کنند، می خوانند، و آن گاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشانید، بناگاه دسته ای از ایشان به پروردگارشان شرک می آورند. بگذار تا به آنچه بدانها عطا کرده ایم کفران ورزند. [بگو:] برخوردار شوید، زودا که خواهید دانست. یا [مگر] حجّتی بر آنان نازل کرده ایم که آن [حجّت] در باره آنچه با [خدا] شریک می گردانیده اند سخن می گوید؟ و چون مردم را رحمتی بچشانیم، بدان شاد می گردند و چون به [سزای] آنچه دستاورد گذشته آنان است، صدمه ای به ایشان برسد، بناگاه نومید می شوند. آیا ندانسته اند که [این] خداست که

روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می گرداند؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می آورند عبرتهاست. پس حقّ خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده. این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند. و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات - در حالی که خشنودی خدا را خواستارید - دادید، پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود]. خدا همان کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید، آن گاه شما را می میراند و پس از آن زنده می گرداند. آیا در میان شریکان شما کسی هست که کاری از این [قبیل] کند؟ منزّه است او، و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند. به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزایِ] بعضی از آنچه را که کرده اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند. بگو: «در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده [و] بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.» پس به سوی این دین پایدار روی بیاور، پیش از آنکه روزی از جانب خدا فرارسد که برگشت ناپذیر باشد، و در آن روز [مردم] دسته دسته می شوند. هر که کفر ورزد، کفرش به زیان اوست، و کسانی که کار شایسته کنند، [فرجام نیک را] به سود خودشان آماده می کنند. تا [خدا] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به فضل خویش پاداش دهد، که او کافران را دوست نمی دارد. و از نشانه های او این است که بادهای بشارت آور را می فرستد، تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند و تا کشتی به فرمانش روان گردد، و تا از فضل او [روزی] بجویید، و امید که سپاسگزاری کنید. و در حقیقت، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم، پس دلایل آشکار برایشان آوردند، و از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است. خدا همان کسی است که بادها را می فرستد و ابری برمی انگیزد و آن را در آسمان - هر گونه بخواهد - می گستراند و انبوهش می گرداند، پس می بینی باران از لابلای آن بیرون می آید. و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، رسانید، بناگاه آنان شادمانی می کنند. و قطعاً پیش از آنکه بر ایشان فروریزد، [آری،] پیش از آن سخت نومید بودند. پس به آثار

رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است، و اوست که بر هر چیزی تواناست. و اگر بادی [آفت زا] بفرستیم و [کِشت خود را] زردشده ببینند، قطعاً پس از آن کفران می کنند. و در حقیقت، تو مردگان را شنوا نمی گردانی، و این دعوت را به کران - آن گاه که به ادبار پشت می گردانند - نمی توانی بشنوانی. و تو کوران را از گمراهی شان به راه نمی آوری. تو تنها کسانی را می شنوانی که به آیات ما ایمان می آورند و خود تسلیمند. خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آن گاه پس از ناتوانی قوّت بخشید، سپس بعد از قوّت، ناتوانی و پیری داد. هر چه بخواهد می آفریند و هموست دانای توانا. و روزی که رستاخیز برپا شود، مجرمان سوگند یاد می کنند که جز ساعتی [بیش] درنگ نکرده اند [در دنیا هم] این گونه به دروغ کشانیده می شدند. و [لی] کسانی که دانش و ایمان یافته اند، می گویند: «قطعاً شما [به موجب آنچه] در کتاب خدا [ست] تا روز رستاخیز مانده اید، و این، روز رستاخیز است ولی شما خودتان نمی دانستید.» و در چنین روزی، [دیگر] پوزشِ آنان که ستم کرده اند سود نمی بخشد، و بازگشت به سوی حق از آنان خواسته نمی شود. و به راستی در این قرآن برای مردم از هر گونه مَثَلی آوردیم، و چون برای ایشان آیه ای بیاوری، آنان که کفر ورزیده اند حتماً خواهند گفت: «شما جز بر باطل نیستید.» این گونه، خدا بر دلهای کسانی که نمی دانند مُهر می نهد. پس صبر کن که وعده خدا حقّ است، و زنهار تا کسانی که یقین ندارند، تو را به سبکسری واندارند. }

- «الم *تِلْکَ آیاتُ الْکِتابِ الْحَکیمِ *هُدیً وَ رَحْمَهً لِلْمُحْسِنینَ *الَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ یُوقِنُونَ *أُولئِکَ عَلی هُدیً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ *وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْتَری لَهْوَ الْحَدیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهینٌ *وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا وَلَّی مُسْتَکْبِراً کَأَنْ لَمْ یَسْمَعْها کَأَنَّ فی أُذُنَیْهِ وَقْراً فَبَشِّرْهُ بِعَذابٍ أَلیمٍ *إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعیمِ *خالِدینَ فیها وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *خَلَقَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَ أَلْقی فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَمیدَ بِکُمْ وَ بَثَّ فیها مِنْ کُلِّ دابَّهٍ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَریمٍ *هذا خَلْقُ اللَّهِ

فَأَرُونی ما ذا خَلَقَ الَّذینَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فی ضَلالٍ مُبینٍ *وَ لَقَدْ آتَیْنا لُقْمانَ الْحِکْمَهَ أَنِ اشْکُرْ لِلَّهِ وَ مَنْ یَشْکُرْ فَإِنَّما یَشْکُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ حَمیدٌ *وَ إِذْ قالَ لُقْمانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ یَعِظُهُ یا بُنَیَّ لا تُشْرِکْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْکَ لَظُلْمٌ عَظیمٌ *وَ وَصَّیْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْناً عَلی وَهْنٍ وَ فِصالُهُ فی عامَیْنِ أَنِ اشْکُرْ لی وَ لِوالِدَیْکَ إِلَیَّ الْمَصیرُ *وَ إِنْ جاهَداکَ عَلی أَنْ تُشْرِکَ بی ما لَیْسَ لَکَ بِهِ عِلْمٌ فَلا تُطِعْهُما وَ صاحِبْهُما فِی الدُّنْیا مَعْرُوفاً وَ اتَّبِعْ سَبیلَ مَنْ أَنابَ إِلَیَّ ثُمَّ إِلَیَّ مَرْجِعُکُمْ فَأُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *یا بُنَیَّ إِنَّها إِنْ تَکُ مِثْقالَ حَبَّهٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَکُنْ فی صَخْرَهٍ أَوْ فِی السَّماواتِ أَوْ فِی الْأَرْضِ یَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطیفٌ خَبیرٌ *یا بُنَیَّ أَقِمِ الصَّلاهَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ اصْبِرْ عَلی ما أَصابَکَ إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ *وَ لا تُصَعِّرْ خَدَّکَ لِلنَّاسِ وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ *وَ اقْصِدْ فی مَشْیِکَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِکَ إِنَّ أَنْکَرَ الْأَصْواتِ لَصَوْتُ الْحَمیرِ *أَ لَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ أَسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدیً وَ لا کِتابٍ مُنیرٍ *وَ إِذا قیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ الشَّیْطانُ یَدْعُوهُمْ إِلی عَذابِ السَّعیرِ *وَ مَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی وَ إِلَی اللَّهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ *وَ مَنْ کَفَرَ فَلا یَحْزُنْکَ کُفْرُهُ إِلَیْنا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ *نُمَتِّعُهُمْ قَلیلاً ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلی عَذابٍ غَلیظٍ *وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ لَیَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ *لِلَّهِ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ *وَ لَوْ أَنَّ ما فِی الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَهٍ أَقْلامٌ وَ الْبَحْرُ یَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَهُ أَبْحُرٍ ما نَفِدَتْ کَلِماتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزیزٌ حَکیمٌ *ما خَلْقُکُمْ وَ لا بَعْثُکُمْ إِلاَّ کَنَفْسٍ واحِدَهٍ إِنَّ اللَّهَ سَمیعٌ بَصیرٌ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ یُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ یَجْری إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی وَ أَنَّ اللَّهَ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ *ذلِکَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَ أَنَّ ما یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْباطِلُ وَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِیُّ الْکَبیرُ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْکَ تَجْری فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِیُرِیَکُمْ مِنْ آیاتِهِ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ *وَ إِذا غَشِیَهُمْ مَوْجٌ کَالظُّلَلِ

دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ ما يَجْحَدُ بِآياتِنا إِلاّ كُلُّ خَتّارٍ كَفُورٍ. »(1)

{الف، لام، میم. این است آیات کتاب حکمت آموز، [که] برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است، [همان] کسانی که نماز برپا می دارند و زکات می دهند، و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند.آنانند که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند، و ایشانند که رستگارانند.و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. و چون آیات ما بر او خوانده شود، با نِخوت روی برمی گرداند، چنان که گویی آن را نشنیده [یا] گویی در گوشهایش سنگینی است پس او را از عذابی پردرد خبر ده. در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، باغهای پرنعمت خواهند داشت، که در آن جاودان می مانند وعده خداست که حقّ است و هموست شکست ناپذیر سنجیده کار. آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوه های استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنباند، و در آن از هر گونه جنبنده ای پراکنده گردانید، و از آسمان آبی فروفرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم. این، خلق خداست. [اینک] به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده اند؟ [هیچ!] بلکه ستمگران در گمراهی آشکارند. و به راستی، لقمان را حکمت دادیم که: خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد، تنها برای خود سپاس می گزارد و هر کس کفران کند، در حقیقت، خدا بی نیاز ستوده است. و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش - در حالی که وی او را اندرز می داد - گفت: «ای پسرک من، به خدا شرک میاور که به راستی شرک ستمی بزرگ است.» و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی. و از شیر بازگرفتنش در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکرگزارِ من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است. و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی، از آنان فرمان مبر، و [لی] در

-1 . لقمان / 1 - 32

دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن، و راه کسی را پیروی کن که توبه کنان به سوی من بازمی گردد و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است، و از [حقیقت] آنچه انجام می دادید شما را با خبر خواهم کرد. «ای پسرک من، اگر [عملِ تو] هموزن دانه خَردلی و در تخته سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد، خدا آن را می آورد، که خدا بس دقیق و آگاه است. ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش. این [حاکی] از عزم [و اراده تو در] امور است. و از مردم [به نِخوت] رُخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسندِ لافزن را دوست نمی دارد. و در راه رفتنِ خود میانه رو باش، و صدایت را آهسته ساز، که بدترین آوازها بانگ خران است. آیا ندانسته اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است، مسخّر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم در باره خدا بی [آنکه] دانش و رهنمود و کتابی روشن [داشته باشند] به مجادله برمی خیزند. و چون به آنان گفته شود: «آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید»، می گویند: « [نه!] بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم» آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند؟ و هر کس خود را - در حالی که نیکوکار باشد - تسلیم خدا کند، قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ درزده، و فرجام کارها به سوی خداست. و هر کس کفر ورزد، نباید کفر او تو را غمگین گرداند. بازگشتشان به سوی ماست، و به [حقیقتِ] آنچه کرده اند آگاهشان خواهیم کرد. در حقیقت، خدا به راز دلها داناست. [ما] آنان را اندکی برخوردار می سازیم، سپس ایشان را در عذابی پر فشار درمانده می کنیم. و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ مسلّماً خواهند گفت: «خدا.» بگو: «ستایش از آنِ خداست» ولی بیشترشان نمی دانند. آنچه در آسمانها و زمین است از آنِ خداست، در حقیقت، خدا همان بی نیاز ستوده [صفات] است. و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خداست که شکست ناپذیر حکیم است. آفرینش و برانگیختن شما [در نزد ما] جز مانند [آفرینش] یک تن نیست، که خدا شنوای بیناست. آیا ندیده ای که خدا شب را

در روز درمی آورد، و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا وقت معلومی روانند و [نیز] خدا به آنچه می کنید آگاه است؟ این [ها همه] دلیل آن است که خدا خود حق است و غیر از او هر چه را که می خوانند باطل است، و خدا همان بلندمرتبه بزرگ است. آیا ندیده ای که کشتیها به نعمت خدا در دریا روان می گردند تا برخی از نشانه های [قدرت] خود را به شما بنمایاند؟ قطعاً در این [قدرت نمایی،] برای هر شکیبای سپاسگزاری، نشانه هاست. و چون موجی کوه آسا آنان را فرا گیرد، خدا را بخوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند، و [لی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند برخی از آنان میانه رو هستند، و نشانه های ما را جز هر خائن ناسپاسگزاری انکار نمی کند. }

- «الم *تَنْزِیلُ الْکِتابِ لا رَیْبَ فِیهِ مِنْ رَبِّ الْعالَمِینَ *أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أَتاهُمْ مِنْ نَذِیرٍ مِنْ قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ یَهْتَدُونَ *اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ ما لَکُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا شَفِیعٍ أَ فَلا تَتَذَکَّرُونَ *یُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّماءِ إِلَی الْأَرْضِ ثُمَّ یَعْرُجُ إِلَیْهِ فِی یَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ أَلْفَ سَنَهٍ مِمَّا تَعُدُّونَ *ذلِکَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ الْعَزِیزُ الرَّحِیمُ *الَّذِی أَحْسَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسانِ مِنْ طِینٍ *ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَهٍ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ *ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِیهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَهَ قَلِیلاً ما تَشْکُرُونَ *وَ قالُوا أَ إِذا ضَلَلْنا فِی الْأَرْضِ أَ إِنَّا لَفِی خَلْقٍ جَدِیدٍ بَلْ هُمْ بِلِقاءِ رَبِّهِمْ کافِرُونَ *قُلْ یَتَوَفَّاکُمْ مَلَکُ الْمَوْتِ الَّذِی وُکِّلَ بِکُمْ ثُمَّ إِلی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ *وَ لَوْ تَری إِذِ الْمُجْرِمُونَ ناکِسُوا رُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنا أَبْصَرْنا وَ سَمِعْنا فَارْجِعْنا نَعْمَلْ صالِحاً إِنَّا مُوقِنُونَ *وَ لَوْ شِئْنا لَآتَیْنا کُلَّ نَفْسٍ هُداها وَ لکِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّی لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ *فَذُوقُوا بِما نَسِیتُمْ لِقاءَ یَوْمِکُمْ هذا إِنَّا نَسِیناکُمْ وَ ذُوقُوا عَذابَ الْخُلْدِ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *إِنَّما یُؤْمِنُ بِآیاتِنَا الَّذِینَ إِذا ذُکِّرُوا بِها خَرُّوا سُجَّداً وَ سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ *تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ *فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّهِ أَعْیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ *أَ فَمَنْ کانَ مُؤْمِناً کَمَنْ کانَ فاسِقاً لا یَسْتَوُونَ *أَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوی نُزُلاً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ *وَ أَمَّا الَّذِینَ فَسَقُوا فَمَأْواهُمُ

النَّارُ كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعيدُوا فيها وَ قيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذابَ النَّارِ الَّذی كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ *وَ لَنُذيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذابِ الْأَدْنی دُونَ الْعَذابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ *وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآياتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْها إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمينَ مُنْتَقِمُونَ *وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَی الْكِتابَ فَلا تَكُنْ في مِرْيَةٍ مِنْ لِقائِهِ وَ جَعَلْناهُ هُدیً لِبَنی إِسْرائيلَ *وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمَّا صَبَرُوا وَ كانُوا بِآياتِنا يُوقِنُونَ *إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فيما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ *أَ وَ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فی مَساكِنِهِمْ إِنَّ فی ذلِكَ لَآياتٍ أَ فَلا يَسْمَعُونَ.» (1)

{الف، لام، میم. نازل شدن این کتاب- که هیچ [جای] شک در آن نیست- از طرف پروردگار جهانهاست. آیا می گویند: «آن را بربافته است»؟ [نه چنین است] بلکه آن حقّ و از جانب پروردگار توست، تا مردمی را که پیش از تو بیم دهنده ای برای آنان نیامده است هشدار دهی، امید که راه یابند. خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش هنگام آفرید، آن گاه بر عرش [قدرت] استیلا یافت، برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست آیا باز هم پند نمی گیرید؟ کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین، اداره می کند آن گاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش - آن چنان که شما [آدمیان] برمی شمارید - هزار سال است، به سوی او بالا می رود. اوست دانایِ نهان و آشکار، که شکوهمندِ مهربان است. همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده، و آفرینش انسان را از گِل آغاز کرد سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرّر فرمود آن گاه او را درست اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد چه اندک سپاس می گزارید.و گفتند: «آیا وقتی در [دلِ] زمین گم شدیم، آیا [باز] ما در خلقت جدیدی خواهیم بود؟» [نه،] بلکه آنها به لقای پروردگارشان [و حضور او] کافرند. بگو: «فرشته مرگی که بر شما گمارده شده، جانتان را می ستاند، آن گاه به سوی پروردگارتان بازگردانیده می شوید.» و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان را به زیر افکنده اند می دیدی [که می گویند:] «پروردگارا، دیدیم و شنیدیم ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم، چرا

1- . سجده / 1 - 26

که ما یقین داریم.» و اگر می خواستیم، حتماً به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می دادیم، لیکن سخن من محقّق گردیده که: «هر آینه جهنّم را از همه جنّیان و آدمیان خواهم آکند.» پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید ما [نیز] فراموشتان کردیم، و به [سزای] آنچه انجام می دادید عذاب جاودان را بچشید. تنها کسانی به آیات ما می گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده کنان به روی درمی افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می گویند و آنان بزرگی نمی فروشند. پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می خوانند، و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. هیچ کس نمی داند چه چیز از آنچه روشنی بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می دادند برای آنان پنهان شده است. آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند. اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به [پاداشِ] آنچه انجام می دادند در باغهایی که در آن جایگزین می شوند، پذیرایی می گردند. و اما کسانی که نافرمانی کرده اند، پس جایگاهشان آتش است. هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند، در آن بازگردانیده می شوند و به آنان گفته می شود: «عذابِ آن آتشی را که دروغش می پنداشتید بچشید.» و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می چشانیم، امید که آنها [به خدا] بازگردند. و کیست بیدادگرتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود [و] آن گاه از آن روی بگرداند؟ قطعاً ما از مجرمان انتقام کشنده ایم. و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم. پس در لقای او [با خدا] تردید مکن، و آن [کتاب] را برای فرزندان اسرائیل [مایه] هدایت قرار دادیم. و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند. در حقیقت، پروردگار تو، خود روز قیامت در آنچه با یکدیگر در باره آن اختلاف می نمودند، میانشان داوری خواهد کرد. آیا برای آنان روشن نگردیده که چه بسیار نسلها را پیش از آنها نابود گردانیدیم [که اینان] در سراهایشان راه می روند؟ قطعاً در این [امر] عبرتهاست، مگر نمی شنوند؟ }

ص: 190

- «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذیراً *وَ داعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنیراً *وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنینَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلاً کَبیراً *وَ لا تُطِعِ الْکافِرینَ وَ الْمُنافِقینَ وَ دَعْ أَذاهُمْ وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ وَ کَفی بِاللَّهِ وَکیلاً.» (1)

{ای پیامبر، ما تو را [به سِمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم، و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک. و مؤمنان را مژده دِه که برای آنان از جانب خدا بخشایشی فراوان خواهد بود. و کافران و منافقان را فرمان مبَر، و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می کند. }

- «وَ الَّذینَ سَعَوْا فی آیاتِنا مُعاجِزینَ أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلیمٌ *وَ یَرَی الَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذی أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ هُوَ الْحَقَّ وَ یَهْدی إِلی صِراطِ الْعَزیزِ الْحَمیدِ *وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا هَلْ نَدُلُّکُمْ عَلی رَجُلٍ یُنَبِّئُکُمْ إِذا مُزِّقْتُمْ کُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّکُمْ لَفی خَلْقٍ جَدیدٍ *أَفْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ فِی الْعَذابِ وَ الضَّلالِ الْبَعیدِ *أَ فَلَمْ یَرَوْا إِلی ما بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَیْهِمْ کِسَفاً مِنَ السَّماءِ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَةً لِکُلِّ عَبْدٍ مُنیبٍ *وَ لَقَدْ آتَیْنا داوُدَ مِنَّا فَضْلاً یا جِبالُ أَوِّبی مَعَهُ وَ الطَّیْرَ وَ أَلَنَّا لَهُ الْحَدیدَ *أَنِ اعْمَلْ سابِغاتٍ وَ قَدِّرْ فِی السَّرْدِ وَ اعْمَلُوا صالِحاً إِنِّی بِما تَعْمَلُونَ بَصیرٌ *وَ لِسُلَیْمانَ الرِّیحَ غُدُوُّها شَهْرٌ وَ رَواحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنا لَهُ عَیْنَ الْقِطْرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَنْ یَعْمَلُ بَیْنَ یَدَیْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَنْ یَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنا نُذِقْهُ مِنْ عَذابِ السَّعیرِ *یَعْمَلُونَ لَهُ ما یَشاءُ مِنْ مَحاریبَ وَ تَماثیلَ وَ جِفانٍ کَالْجَوابِ وَ قُدُورٍ راسِیاتٍ اعْمَلُوا آلَ داوُدَ شُکْراً وَ قَلیلٌ مِنْ عِبادِیَ الشَّکُورُ *فَلَمَّا قَضَیْنا عَلَیْهِ الْمَوْتَ ما دَلَّهُمْ عَلی مَوْتِهِ إِلاَّ دَابَّهُ الْأَرْضِ تَأْکُلُ مِنْسَأَتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَیَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ الْغَیْبَ ما لَبِثُوا فِی الْعَذابِ الْمُهینِ *لَقَدْ کانَ لِسَبَإٍ فی مَسْکَنِهِمْ آیَهٌ جَنَّتانِ عَنْ یَمینٍ وَ شِمالٍ کُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّکُمْ وَ اشْکُرُوا لَهُ بَلْدَهٌ طَیِّبَهٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ *فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنا عَلَیْهِمْ سَیْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْناهُمْ بِجَنَّتَیْهِمْ جَنَّتَیْنِ ذَواتَیْ أُکُلٍ خَمْطٍ وَ أَثْلٍ وَ شَیْ ءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلیلٍ *ذلِکَ جَزَیْناهُمْ بِما کَفَرُوا وَ هَلْ نُجازی إِلاَّ الْکَفُورَ *وَ جَعَلْنا بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقُرَی الَّتی بارَکْنا

1- . احزاب / 45 - 48

فيها قُرىً ظاهِرَةً وَ قَدَّرْنا فيهَا السَّيْرَ سيرُوا فيها لَيالِيَ وَ أَيَّاماً آمِنينَ *فَقالُوا رَبَّنا باعِدْ بَيْنَ أَسْفارِنا وَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْناهُمْ أَحاديثَ وَ مَزَّقْناهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فی ذلِکَ لَآياتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ *وَ لَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْليسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلاَّ فَريقاً مِنَ الْمُؤْمِنينَ *وَ ما كانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطانٍ إِلاَّ لِنَعْلَمَ مَنْ يُؤْمِنُ بِالْآخِرَهِ مِمَّنْ هُوَ مِنْها فی شَکٍّ وَ رَبُّکَ عَلی كُلِّ شَیْ‏ءٍ حَفيظٌ *قُلِ ادْعُوا الَّذينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ لا يَمْلِكُونَ مِثْقالَ ذَرَّهٍ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الْأَرْضِ وَ ما لَهُمْ فيهِما مِنْ شِرْکٍ وَ ما لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهيرٍ *وَ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَهُ عِنْدَهُ إِلاَّ لِمَنْ أَذِنَ لَهُ حَتَّی إِذا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قالُوا ما ذا قالَ رَبُّكُمْ قالُوا الْحَقَّ وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْكَبيرُ *قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَ إِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلی هُدیً أَوْ فی ضَلالٍ مُبينٍ *قُلْ لا تُسْئَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنا وَ لا نُسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ *قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنا رَبُّنا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنا بِالْحَقِّ وَ هُوَ الْفَتَّاحُ الْعَليمُ *قُلْ أَرُونِیَ الَّذينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكاءَ كَلاَّ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزيزُ الْحَكيمُ *وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلاَّ كَافَّهً لِلنَّاسِ بَشيراً وَ نَذيراً وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ *وَ يَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *قُلْ لَكُمْ ميعادُ يَوْمٍ لا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ ساعَهً وَ لا تَسْتَقْدِمُونَ *وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهذَا الْقُرْآنِ وَ لا بِالَّذی بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَوْ تَری إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْ لا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنينَ *قالَ الَّذينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذينَ اسْتُضْعِفُوا أَ نَحْنُ صَدَدْناكُمْ عَنِ الْهُدی بَعْدَ إِذْ جاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمينَ *وَ قالَ الَّذينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ إِذْ تَأْمُرُونَنا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَ نَجْعَلَ لَهُ أَنْداداً وَ أَسَرُّوا النَّدامَهَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ وَ جَعَلْنَا الْأَغْلالَ فی أَعْناقِ الَّذينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلاَّ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *وَ ما أَرْسَلْنا فی قَرْيَهٍ مِنْ نَذيرٍ إِلاَّ قالَ مُتْرَفُوها إِنَّا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ كافِرُونَ *وَ قالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوالاً وَ أَوْلاداً وَ ما نَحْنُ بِمُعَذَّبينَ *قُلْ إِنَّ رَبِّی يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لا يَعْلَمُونَ *وَ ما أَمْوالُكُمْ وَ لا أَوْلادُكُمْ بِالَّتی تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنا زُلْفی إِلاَّ مَنْ آمَنَ وَ عَمِلَ صالِحاً فَأُولئِکَ لَهُمْ جَزاءُ الضِّعْفِ بِما عَمِلُوا وَ هُمْ فِی الْغُرُفاتِ آمِنُونَ *وَ الَّذينَ يَسْعَوْنَ فی آياتِنا مُعاجِزينَ أُولئِکَ فِی الْعَذابِ مُحْضَرُونَ *قُلْ إِنَّ رَبِّی يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ وَ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْ‏ءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَيْرُ الرَّازِقينَ *وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَميعاً ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلائِكَهِ أَ هؤُلاءِ إِيَّاكُمْ كانُوا يَعْبُدُونَ *قالُوا سُبْحانَکَ

أَنْتَ وَلِيُّنا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ *فَالْيَوْمَ لا يَمْلِکُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا وَ نَقُولُ لِلَّذينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذابَ النَّارِ الَّتی كُنْتُمْ بِها تُكَذِّبُونَ *وَ إِذا تُتْلی عَلَيْهِمْ آياتُنا بَيِّناتٍ قالُوا ما هذا إِلاَّ رَجُلٌ يُريدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كانَ يَعْبُدُ آباؤُكُمْ وَ قالُوا ما هذا إِلاَّ إِفْکٌ مُفْتَریً وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جاءَهُمْ إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبينٌ *وَ ما آتَيْناهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَها وَ ما أَرْسَلْنا إِلَيْهِمْ قَبْلَکَ مِنْ نَذيرٍ *وَ كَذَّبَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ ما بَلَغُوا مِعْشارَ ما آتَيْناهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلی فَكَيْفَ كانَ نَكيرِ *قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنی وَ فُرادی ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا ما بِصاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَیْ عَذابٍ شَديدٍ *قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِیَ إِلاَّ عَلَی اللَّهِ وَ هُوَ عَلی كُلِّ شَیْ ءٍ شَهيدٌ *قُلْ إِنَّ رَبِّی يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ *قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ ما يُبْدِئُ الْباطِلُ وَ ما يُعيدُ *قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّما أَضِلُّ عَلی نَفْسی وَ إِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِما يُوحی إِلَیَّ رَبِّی إِنَّهُ سَميعٌ قَريبٌ.» (1)

{و کسانی که در [ابطال] آیات ما کوشش می ورزند که ما را درمانده کنند، برایشان عذابی از بلایی دردناک باشد. و کسانی که از دانش بهره یافته اند، می دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است و به راه آن عزیزِ ستوده [صفات] راهبری می کند. و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که شما را خبر می دهد که چون کاملا متلاشی شدید، [باز] قطعاً در آفرینشی جدید خواهید بود؟ آیا [این مرد] بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست؟ « [نه !] بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهیِ دور و درازند. آیا به آنچه- از آسمان و زمین- در دسترسشان و پشت سرشان است ننگریسته اند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم، یا پاره سنگهایی از آسمان بر سرشان می افکنیم. قطعاً در این [تهدید] برای هر بنده توبه کاری عبرت است. و به راستی داوود را از جانب خویش مزیّتی عطا کردیم. [و گفتیم:] ای کوه ها، با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]. و آهن را برای او نرم گردانیدیم. [که] زره های فراخ بساز و حلقه ها را درست اندازه گیری کن. و کار شایسته کنید، زیرا من به آنچه انجام می دهید بینایم. و باد را برای سلیمان [رام کردیم:] که رفتن آن

1- . سباء / 5 - 50

بامداد، یک ماه، و آمدنش شبانگاه، یک ماه [راه] بود، و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم، و برخی از جنّ به فرمان پروردگارشان پیش او کار می کردند، و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی تافت، از عذاب سوزان به او می چشانیدیم.

[آن متخصّصان] برای او هر چه می خواست: از نمازخانه ها و مجسّمه ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه ها و دیگهای چسبیده به زمین می ساختند. ای خاندان داوود، شکرگزار باشید. و از بندگان من اندکی سپاسگزارند. پس چون مرگ را بر او مقرر داشتیم، جز جنبنده ای خاکی [موریانه] که عصای او را [به تدریج] می خورد، [آدمیان را] از مرگ او آگاه نگردانید پس چون [سلیمان] فرو افتاد برای جنّیان روشن گردید که اگر غیب می دانستند، در آن عذاب خفّت آور [باقی] نمی ماندند. قطعاً برای [مردم] سبا در محلّ سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند، و بر آن سیل [سدّ] عَرِم را روانه کردیم، و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه های تلخ و شوره گز و نوعی از کُنارِ تُنُک داشت تبدیل کردیم. این [عقوبت] را به [سزای] آنکه کفران کردند به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاس را به مجازات می رسانیم؟ و میان آنان و میان آبادانیهایی که در آنها برکت نهاده بودیم شهرهای متّصل به هم قرار داده بودیم، و در میان آنها مسافت را، به اندازه، مقرر داشته بودیم. در این [راه] ها، شبان و روزان آسوده خاطر بگردید. تا گفتند: «پروردگارا، میان [منزلهای] سفرهایمان فاصله انداز.» و بر خویشتن ستم کردند. پس آنها را [برای آیندگان، موضوع] حکایتها گردانیدیم، و سخت تار و مارشان کردیم قطعاً در این [ماجرا] برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرتهاست. و قطعاً شیطان گمان خود را در مورد آنها راست یافت. و جز گروهی از مؤمنان، [بقیه] از او پیروی کردند. و [شیطان] را بر آنان تسلّطی نبود، جز آنکه کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی که در باره آن در تردید است باز شناسیم. و پروردگار تو بر هر چیزی نگاهبان است. بگو: «کسانی را که جز خدا [معبود خود] پنداشته اید بخوانید هموزن ذرّه ای نه در آسمانها و نه در زمین مالک نیستند، و در آن دو شرکتی ندارند، و برای وی از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست.» و شفاعتگری در پیشگاه او

سود نمی بخشد، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد. تا چون هراس از دلهایشان برطرف شود، می گویند: «پروردگارتان چه فرمود؟» می گویند: «حقیقت و هموست بلندمرتبه و بزرگ.» بگو: «کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟» بگو: «خدا و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.» بگو: « [شما] از آنچه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد، و [ما نیز] از آنچه شما انجام می دهید بازخواست نخواهیم شد.» بگو: «پروردگارمان ما و شما را جمع خواهد کرد سپس میان ما به حقّ داوری می کند، و اوست داور دانا.» بگو: «کسانی را که [به عنوان] شریک به او ملحق گردانیده اید، به من نشان دهید.» چنین نیست، بلکه اوست خدای عزیز حکیم. و ما تو را جز [به سِمَتِ] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم لیکن بیشتر مردم نمی دانند. و می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده چه وقت است؟» بگو: «میعاد شما روزی است که نه ساعتی از آن پس توانید رفت، و نه پیشی توانید جُست.» و کسانی که کافر شدند گفتند: «نه به این قرآن و نه به آن [توراتی] که پیش از آن است هرگز ایمان نخواهیم آورد.» و ای کاش بیدادگران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده اند می دیدی [که چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر جدل و] گفتگو می کنند کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، می گویند: «اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم.» کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، به کسانی که زیردست بودند، می گویند: «مگر ما بودیم که شما را از هدایت- پس از آنکه به سوی شما آمد- بازداشتیم؟ [نه،] بلکه خودتان گناهکار بودید.» و کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، می گویند: « [نه،] بلکه نیرنگ شب و روز [شما بود] آن گاه که ما را وادار می کردید که به خدا کافر شویم و برای او همتایانی قرار دهیم.» و هنگامی که عذاب را ببینند پشیمانی خود را آشکار کنند. و در گردنهای کسانی که کافر شده اند غُلها می نهیم آیا جز به سزای آنچه انجام می دادند می رسند؟ و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده اید کافریم.» و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد.» بگو: «پروردگار من است که روزی را برای

هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می گرداند لیکن بیشتر مردم نمی دانند.» و اموال و فرزندانتان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند. پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند پاداش است و آنها در غرفه ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود. و کسانی که در [ابطال] آیات ما می کوشند که [ما را به خیال خود] درمانده کنند آنانند که در عذاب احضار می شوند. بگو: «در حقیقت، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می گرداند. و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می دهد. و او بهترین روزی دهندگان است.» و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می کند، آن گاه به فرشتگان می فرماید: «آیا اینها بودند که شما را می پرستیدند؟» می گویند: «منزّهی تو، سرپرست ما تویی نه آنها! بلکه جنّیان را می پرستیدند بیشترشان به آنها اعتقاد داشتند.» اکنون برای یکدیگر سود و زیانی ندارید، و به کسانی که ستم کرده اند می گوییم: «بچشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می شمردید.» و چون آیات تابناک ما بر آنان خوانده می شود می گویند: «این جز مردی نیست که می خواهد شما را از آنچه پدرانتان می پرستیدند باز دارد.» و [نیز] می گویند: «این جز دروغی بربافته نیست.» و کسانی که به حقّ- چون به سویشان آمد- کافر شدند می گویند: «این جز افسونی آشکار نیست.» و ما کتابهایی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند، و پیش از تو هشداردهنده ای به سویشان نفرستاده بودیم. و کسانی که پیش از اینان بودند، [نیز] تکذیب کردند، در حالی که اینان به ده یک آنچه بدیشان داده بودیم نرسیده اند. [آری،] فرستادگانِ مرا دروغ شمردند پس چگونه بود کیفر من؟ بگو: «من فقط به شما یک اندرز می دهم که: دو دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید، سپس بیندیشید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد. او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشداردهنده ای [بیش] نیست. بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست، و او بر هر چیزی گواه است.» بگو: «بی گمان، پروردگارم حقیقت را القا می کند [اوست] دانای نهانها.» بگو: «حق آمد و [دیگر] باطل از سر نمی گیرد و برنمی گردد.» بگو: «اگر گمراه شوم، فقط به زیان خود گمراه شده ام، و اگر هدایت

یابم [این از برکتِ] چیزی است که پروردگارم به سویم وحی می کند، که اوست شنوای نزدیک.» }

- «أَ فَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَناً فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدی مَنْ يَشاءُ فَلا تَذْهَبْ نَفْسُکَ عَلَيْهِمْ حَسَراتٍ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ بِما يَصْنَعُونَ *وَ اللَّهُ الَّذی أَرْسَلَ الرِّياحَ فَتُثيرُ سَحاباً فَسُقْناهُ إِلی بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها كَذلِکَ النُّشُورُ *مَنْ كانَ يُريدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَميعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَ الَّذينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئاتِ لَهُمْ عَذابٌ شَديدٌ وَ مَكْرُ أُولئِکَ هُوَ يَبُورُ *وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْواجاً وَ ما تَحْمِلُ مِنْ أُنْثی وَ لا تَضَعُ إِلاَّ بِعِلْمِهِ وَ ما يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَ لا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلاَّ فی كِتابٍ إِنَّ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ يَسيرٌ *وَ ما يَسْتَوِي الْبَحْرانِ هذا عَذْبٌ فُراتٌ سائِغٌ شَرابُهُ وَ هذا مِلْحٌ أُجاجٌ وَ مِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْماً طَرِيًّا وَ تَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَها وَ تَرَی الْفُلْکَ فيهِ مَواخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ *يُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهارِ وَ يُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْری لِأَجَلٍ مُسَمًّی ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْکُ وَ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ ما يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْميرٍ *إِنْ تَدْعُوهُمْ لا يَسْمَعُوا دُعاءَكُمْ وَ لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجابُوا لَكُمْ وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَ لا يُنَبِّئُکَ مِثْلُ خَبيرٍ *يا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَی اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَميدُ *إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَديدٍ *وَ ما ذلِکَ عَلَی اللَّهِ بِعَزيزٍ *وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْری وَ إِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلی حِمْلِها لا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْ ءٌ وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبی إِنَّما تُنْذِرُ الَّذينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ مَنْ تَزَكَّی فَإِنَّما يَتَزَكَّی لِنَفْسِهِ وَ إِلَی اللَّهِ الْمَصيرُ *وَ ما يَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصيرُ *وَ لاَ الظُّلُماتُ وَ لاَ النُّورُ *وَ لاَ الظِّلُّ وَ لاَ الْحَرُورُ *وَ ما يَسْتَوِی الْأَحْياءُ وَ لاَ الْأَمْواتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشاءُ وَ ما أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِی الْقُبُورِ *إِنْ أَنْتَ إِلاَّ نَذيرٌ *إِنَّا أَرْسَلْناکَ بِالْحَقِّ بَشيراً وَ نَذيراً وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلاَّ خَلا فيها نَذيرٌ *وَ إِنْ يُكَذِّبُوکَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ وَ بِالزُّبُرِ وَ بِالْكِتابِ الْمُنيرِ *ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كانَ نَكيرِ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ ثَمَراتٍ مُخْتَلِفاً أَلْوانُها وَ مِنَ الْجِبالِ جُدَدٌ بيضٌ وَ حُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُها وَ غَرابيبُ سُودٌ *وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوانُهُ كَذلِکَ إِنَّما يَخْشَی اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ إِنَّ اللَّهَ عَزيزٌ غَفُورٌ *إِنَّ الَّذينَ

يَتْلُونَ كِتابَ اللَّهِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِيَةً يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ *لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ *وَ الَّذى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبادِهِ لَخَبيرٌ بَصيرٌ *ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا فَمِنْهُمْ ظالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ مِنْهُمْ سابِقٌ بِالْخَيْراتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبيرُ *جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَها يُحَلَّوْنَ فيها مِنْ أَساوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤاً وَ لِباسُهُمْ فيها حَريرٌ *وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذى أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ *الَّذى أَحَلَّنا دارَ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَ لا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ *وَ الَّذينَ كَفَرُوا لَهُمْ نارُ جَهَنَّمَ لا يُقْضى عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَ لا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذابِها كَذلِكَ نَجْزى كُلَّ كَفُورٍ *وَ هُمْ يَصْطَرِخُونَ فيها رَبَّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صالِحاً غَيْرَ الَّذى كُنَّا نَعْمَلُ أَ وَ لَمْ نُعَمِّرْكُمْ ما يَتَذَكَّرُ فيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَ جاءَكُمُ النَّذيرُ فَذُوقُوا فَما لِلظَّالِمينَ مِنْ نَصيرٍ *إِنَّ اللَّهَ عالِمُ غَيْبِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ *هُوَ الَّذى جَعَلَكُمْ خَلائِفَ فِى الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ لا يَزيدُ الْكافِرينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلاَّ مَقْتاً وَ لا يَزيدُ الْكافِرينَ كُفْرُهُمْ إِلاَّ خَساراً *قُلْ أَ رَأَيْتُمْ شُرَكاءَكُمُ الَّذينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونى ما ذا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِى السَّماواتِ أَمْ آتَيْناهُمْ كِتاباً فَهُمْ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً إِلاَّ غُرُوراً *إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَليماً غَفُوراً *وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لَئِنْ جاءَهُمْ نَذيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدى مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جاءَهُمْ نَذيرٌ ما زادَهُمْ إِلاَّ نُفُوراً *اسْتِكْباراً فِى الْأَرْضِ وَ مَكْرَ السَّيِّئِ وَ لا يَحيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلاَّ بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلاَّ سُنَّتَ الْأَوَّلينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْديلاً وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْويلاً.» (1)

{آيا آن كس كه زشتىِ كردارش براى او آراسته شده و آن را زيبا مى بيند [مانند مؤمن نيكوكار است]؟ خداست كه هر كه را بخواهد بى راه مى گذارد و هر كه را بخواهد هدايت مى كند. پس مبادا به سبب حسرتها [ى گوناگون] بر آنان، جانت [از كف] برود قطعاً خدا به آنچه مى كنند داناست. و خدا همان كسى است كه بادها را روانه مى كند پس [بادها] ابرى را برمى انگيزند، و [ما] آن را به سوى سرزمينى مرده

1- . فاطر / 8 - 43

راندیم، و آن زمین را بدان [وسیله]، پس از مرگش زندگی بخشیدیم رستاخیز [نیز] چنین است. هر کس سربلندی می خواهد، سربلندی یکسره از آنِ خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می رود، و کار شایسته به آن رفعت می بخشد. و کسانی که با حیله و مکر کارهای بد می کنند، عذابی سخت خواهند داشت، و نیرنگشان خود تباه می گردد. و خدا [ست که] شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، آن گاه شما را جفت جفت گردانید، و هیچ مادینه ای بار نمی گیرد و بار نمی نهد مگر به علمِ او. و هیچ سالخورده ای عمر دراز نمی یابد و از عمرش کاسته نمی شود، مگر آنکه در کتابی [مندرج] است. در حقیقت، این [کار] بر خدا آسان است. و دو دریا یکسان نیستند: این یک، شیرینِ تشنگی زدا [و] نوشیدنش گواراست و آن یک، شورِ تلخ مزه است و از هر یک گوشتی تازه می خورید و زیوری که آن را بر خود می پوشید بیرون می آورید و کشتی را در آن، موج شکاف می بینی تا از فضلِ او [روزیِ خود را] جستجو کنید، و امید که سپاس بگزارید. شب را به روز درمی آورد و روز را به شب درمی آورد، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا هنگامی معیّن روانند این است خدا پروردگار شما فرمانروایی از آنِ اوست. و کسانی را که بجز او می خوانید، مالک پوست هسته خرمایی [هم] نیستند. اگر آنها را بخوانید، دعای شما را نمی شنوند، و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتتان نمی کنند، و روز قیامت شرکِ شما را انکار می کنند و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه، تو را خبردار نمی کند. ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی نیازِ ستوده است. و اگر بخواهد شما را می بَرد و خلقی نو [بر سر کار] می آورد. و این [امر] برای خدا دشوار نیست. و هیچ بار بَردارنده ای بار [گناه] دیگری را برنمی دارد، و اگر گرانباری [دیگری را به یاری] به سوی بارش فرا خواند چیزی از آن برداشته نمی شود، هر چند خویشاوند باشد. [تو] تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می ترسند و نماز برپا می دارند، هشدار می دهی و هر کس پاکیزگی جوید تنها برای خود پاکیزگی می جوید، و فرجام [کارها] به سویِ خداست. و نابینا و بینا یکسان نیستند، و نه تیرگیها و روشنایی، و نه سایه و گرمای آفتاب. و زندگان و مردگان یکسان نیستند. خداست که هر که را بخواهد شنوا می گرداند و تو کسانی را که در گورهایند نمی توانی شنوا سازی. تو جز

هشداردهنده ای [بیش] نیستی. ما تو را بحق، [به سِمَتِ] بشارتگر و هشدار دهنده گسیل داشتیم، و هیچ امّتی نبوده مگر اینکه در آن هشدار دهنده ای گذشته است. و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً کسانی که پیش از آنها بودند [نیز] به تکذیب پرداختند. پیامبرانشان دلایل آشکار و نوشته ها و کتاب روشن برای آنان آوردند. آن گاه کسانی را که کافر شده بودند فرو گرفتم پس چگونه بود کیفر من؟ آیا ندیده ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد و به [وسیله] آن میوه هایی که رنگهای آنها گوناگون است بیرون آوردیم؟ و از برخی کوه ها، راهها [و رگه ها] ی سپید و گلگون به رنگهای مختلف و سیاه پر رنگ [آفریدیم].و از مردمان و جانوران و دامها که رنگهایشان همان گونه مختلف است [پدید آوردیم]. از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می ترسند. آری، خدا ارجمندِ آمرزنده است. در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم، نهان و آشکارا انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد. تا پاداششان را تمام بدیشان عطا کند و از فزون بخششِ خود در حقّ آنان بیفزاید که او آمرزنده حق شناس است. و آنچه از کتاب به سوی تو وحی کرده ایم، خود حق [و] تصدیق کننده [کتابهای] پیش از آن است. قطعاً خدا نسبت به بندگانش آگاهِ بیناست. سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند و این خود توفیق بزرگ است. [در] بهشتهای همیشگی [که] به آنها درخواهندآمد. در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه شان پَرنیان خواهد بود. و می گویند: «سپاس خدایی را که اندوه را از ما بزدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق شناس است همان [خدایی] که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد. در اینجا رنجی به ما نمی رسد و در اینجا درماندگی به ما دست نمی دهد.» و [لی] کسانی که کافر شده اند، آتش جهنّم برای آنان خواهد بود. حکم به مرگ بر ایشان [جاری] نمی شود تا بمیرند، و نه عذابِ آن از ایشان کاسته شود. [آری،] هر ناسپاسی را چنین کیفر می دهیم. و آنان در آنجا فریاد برمی آورند: «پروردگارا، ما را بیرون بیاور، تا غیر از آنچه می کردیم، کار

شایسته کنیم.» مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد، عبرت می گرفت و [آیا] برای شما هشداردهنده نیامد؟ پس بچشید که برای ستمگران یاوری نیست. خدا [ست که] دانای نهان آسمانها و زمین است، و اوست که به راز دلها داناست. اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید. پس هر کس کفر ورزد کفرش به زیان اوست، و کافران را کفرشان جز دشمنی نزد پروردگارشان نمی افزاید، و کافران را کفرشان غیر از زیان نمی افزاید. بگو: «به من خبر دهید از شریکان خودتان که به جای خدا می خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده اند؟ یا آنان در [کار] آسمانها همکاری داشته اند؟ یا به ایشان کتابی داده ایم که دلیلی بر [حقّانیت] خود از آن دارند؟» [نه،] بلکه ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعده نمی دهند. همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد اوست بردبار آمرزنده. و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هرآینه هشداردهنده ای برای آنان بیاید، قطعاً از هر یک از امّتها [ی دیگر] راه یافته تر شوند، و [لی] چون هشداردهنده ای برای ایشان آمد، جز بر نفرتشان نیفزود. [انگیزه] این کارشان فقط گردنکشی در [رویِ] زمین و نیرنگ زشت بود و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنّت [و سرنوشتِ شوم] پیشینیان را انتظار می برند؟ و هرگز برای سنّت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز برای سنّت خدا دگرگونی نخواهی یافت. }

- «یس *وَ الْقُرْآنِ الْحَکیمِ *إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلینَ *عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ *تَنْزیلَ الْعَزیزِ الرَّحیمِ *لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أُنْذِرَ آباؤُهُمْ فَهُمْ غافِلُونَ *لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلی أَکْثَرِهِمْ فَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ *إِنَّا جَعَلْنا فی أَعْناقِهِمْ أَغْلالاً فَهِیَ إِلَی الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ *وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ *وَ سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُونَ *إِنَّما تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّکْرَ وَ خَشِیَ الرَّحْمنَ بِالْغَیْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَهٍ وَ أَجْرٍ کَریمٍ *إِنَّا نَحْنُ نُحْیِ الْمَوْتی وَ نَکْتُبُ ما قَدَّمُوا وَ آثارَهُمْ وَ کُلَّ شَیْ ءٍ أَحْصَیْناهُ فی إِمامٍ مُبینٍ *وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلاً أَصْحابَ الْقَرْیَهِ إِذْ جاءَهَا الْمُرْسَلُونَ *إِذْ أَرْسَلْنا إِلَیْهِمُ اثْنَیْنِ فَکَذَّبُوهُما فَعَزَّزْنا بِثالِثٍ فَقالُوا إِنَّا إِلَیْکُمْ مُرْسَلُونَ

*قالُوا ما أَنْتُمْ إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُنا وَ ما أَنْزَلَ الرَّحْمنُ مِنْ شَيْ ءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ تَكْذِبُونَ *قالُوا رَبُّنا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ *وَ ما عَلَيْنا إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبينُ *قالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَ لَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذابٌ أَليمٌ *قالُوا طائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَ إِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ *وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدينَةِ رَجُلٌ يَسْعى قالَ يا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلينَ *اتَّبِعُوا مَنْ لا يَسْئَلُكُمْ أَجْراً وَ هُمْ مُهْتَدُونَ *وَ ما لِيَ لا أَعْبُدُ الَّذی فَطَرَنی وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ *أَ أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمنُ بِضُرٍّ لا تُغْنِ عَنِّی شَفاعَتُهُمْ شَيْئاً وَ لا يُنْقِذُونِ *إِنِّی إِذاً لَفی ضَلالٍ مُبينٍ *إِنِّی آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ *قيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قالَ يا لَيْتَ قَوْمی يَعْلَمُونَ *بِما غَفَرَ لی رَبِّی وَ جَعَلَنی مِنَ الْمُكْرَمينَ *وَ ما أَنْزَلْنا عَلى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّماءِ وَ ما كُنَّا مُنْزِلينَ *إِنْ كانَتْ إِلاَّ صَيْحَةً واحِدَةً فَإِذا هُمْ خامِدُونَ *يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبادِ ما يَأْتيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *أَ لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لا يَرْجِعُونَ *وَ إِنْ كُلٌّ لَمَّا جَميعٌ لَدَيْنا مُحْضَرُونَ *وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْناها وَ أَخْرَجْنا مِنْها حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ *وَ جَعَلْنا فيها جَنَّاتٍ مِنْ نَخيلٍ وَ أَعْنابٍ وَ فَجَّرْنا فيها مِنَ الْعُيُونِ *لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَ ما عَمِلَتْهُ أَيْديهِمْ أَ فَلا يَشْكُرُونَ *سُبْحانَ الَّذی خَلَقَ الْأَزْواجَ كُلَّها مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لا يَعْلَمُونَ *وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهارَ فَإِذا هُمْ مُظْلِمُونَ *وَ الشَّمْسُ تَجْری لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ *وَ الْقَمَرَ قَدَّرْناهُ مَنازِلَ حَتَّى عادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَديمِ *لاَ الشَّمْسُ يَنْبَغی لَها أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لاَ اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ وَ كُلٌّ فی فَلَكٍ يَسْبَحُونَ *وَ آيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنا ذُرِّيَّتَهُمْ فِی الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ *وَ خَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ ما يَرْكَبُونَ *وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَريخَ لَهُمْ وَ لا هُمْ يُنْقَذُونَ *إِلاَّ رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتاعاً إِلى حينٍ *وَ إِذا قيلَ لَهُمُ اتَّقُوا ما بَيْنَ أَيْديكُمْ وَ ما خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ *وَ ما تَأْتيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آياتِ رَبِّهِمْ إِلاَّ كانُوا عَنْها مُعْرِضينَ *وَ إِذا قيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلَّذينَ آمَنُوا أَ نُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلاَّ فی ضَلالٍ مُبينٍ *وَ يَقُولُونَ مَتى هذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *ما يَنْظُرُونَ إِلاَّ صَيْحَةً واحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَ هُمْ يَخِصِّمُونَ *فَلا يَسْتَطيعُونَ تَوْصِيَةً وَ لا إِلى أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ *وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ فَإِذا هُمْ مِنَ الْأَجْداثِ إِلى رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ *قالُوا يا وَيْلَنا مَنْ بَعَثَنا مِنْ مَرْقَدِنا هذا ما وَعَدَ الرَّحْمنُ وَ صَدَقَ الْمُرْسَلُونَ *إِنْ كانَتْ إِلاَّ صَيْحَةً واحِدَةً فَإِذا هُمْ

جَميعٌ لَدَيْنا مُحْضَرُونَ *فَالْيَوْمَ لا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَ لا تُجْزَوْنَ إِلاَّ ما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *إِنَّ أَصْحابَ الْجَنَّهِ الْيَوْمَ فى شُغُلٍ فاكِهُونَ *هُمْ وَ أَزْواجُهُمْ فى ظِلالٍ عَلَى الْأَرائِكِ مُتَّكِؤُنَ *لَهُمْ فيها فاكِهَهٌ وَ لَهُمْ ما يَدَّعُونَ *سَلامٌ قَوْلاً مِنْ رَبٍّ رَحيمٍ *وَ امْتازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ *أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يا بَنى آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ *وَ أَنِ اعْبُدُونى هذا صِراطٌ مُسْتَقيمٌ *وَ لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلاًّ كَثيراً أَ فَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ *هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتى كُنْتُمْ تُوعَدُونَ *اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ *الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلى أَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا أَيْديهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ *وَ لَوْ نَشاءُ لَطَمَسْنا عَلى أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّراطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ *وَ لَوْ نَشاءُ لَمَسَخْناهُمْ عَلى مَكانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطاعُوا مُضِيًّا وَ لا يَرْجِعُونَ *وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِى الْخَلْقِ أَ فَلا يَعْقِلُونَ *وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما يَنْبَغى لَهُ إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبينٌ *لِيُنْذِرَ مَنْ كانَ حَيًّا وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكافِرينَ *أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدينا أَنْعاماً فَهُمْ لَها مالِكُونَ *وَ ذَلَّلْناها لَهُمْ فَمِنْها رَكُوبُهُمْ وَ مِنْها يَأْكُلُونَ *وَ لَهُمْ فيها مَنافِعُ وَ مَشارِبُ أَ فَلا يَشْكُرُونَ *وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَهً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ *لا يَسْتَطيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ *فَلا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ.» (1)

{يس [ياسين] سوگند به قرآن حكمت آموز، كه قطعاً تو از [جمله] پيامبرانى، بر راهى راست. [و كتابت] از جانب آن عزيزِ مهربان نازل شده است، تا قومى را كه پدرانشان بيم داده نشدند و در غفلت ماندند، بيم دهى. آرى، گفته [خدا] در باره بيشترشان محقّق گرديده است، در نتيجه آنها نخواهند گرويد. ما در گردنهاى آنان، تا چانه هايشان، غُلهايى نهاده ايم، به طورى كه سرهايشان را بالا نگاه داشته و ديده فرو هشته اند. و [ما] فراروى آنها سدّى و پشت سرشان سدّى نهاده و پرده اى بر [چشمان] آنان فرو گسترده ايم، در نتيجه نمى توانند ببينند. و آنان را چه بيم دهى [و] چه بيم ندهى، به حالشان تفاوت نمى كند: نخواهند گرويد. بيم دادن تو، تنها كسى را [سودمند] است كه كتاب حقّ را پيروى كند و از [خداىِ] رحمان در نهان بترسد. [چنين كسى را] به آمرزش و پاداشى پر ارزش مژده ده. آرى! ماييم كه مردگان را زنده مى سازيم و آنچه را از پيش فرستاده اند، با آثار [و اعمال] شان درج مى كنيم، و

1- . يس / 1 - 76

هر چیزی را در کارنامه ای روشن برشمرده ایم. [داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مَثَل زن: آن گاه که دو تن سوی آنان فرستادیم، و [لی] آن دو را دروغزن پنداشتند، تا با [فرستاده] سوّمین [آنان را] تأیید کردیم، پس [رسولان] گفتند: «ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم.» [ناباوران آن دیار] گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید، و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده، و شما جز دروغ نمی پردازید.» گفتند: «پروردگار ما می داند که ما واقعاً به سوی شما به پیامبری فرستاده شده ایم.» و بر ما [وظیفه ای] جز رسانیدن آشکار [پیام] نیست. پاسخ دادند: «ما [حضور] شما را به شگون بد گرفته ایم. اگر دست برندارید، سنگسارتان می کنیم و قطعاً عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید.» [رسولان] گفتند: «شومیِ شما با خود شماست. آیا اگر شما را پند دهند [باز کفر می ورزید؟ نه!] بلکه شما قومی اسرافکارید.» و [در این میان] مردی از دورترین جایِ شهر دوان دوان آمد، [و] گفت: «ای مردم، از این فرستادگان پیروی کنید. از کسانی که پاداشی از شما نمی خواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند، پیروی کنید. آخر چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است و [همه] شما به سوی او بازگشت می یابید؟ آیا به جای او خدایانی را بپرستم که اگر [خدای] رحمان بخواهد به من گزندی برساند، نه شفاعتشان به حالم سود می دهد و نه می توانند مرا برهانند؟ در آن صورت، من قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود. من به پروردگارتان ایمان آوردم. [اقرار] مرا بشنوید.»

[سرانجام به جرم ایمان کشته شد، و بدو] گفته شد: «به بهشت درآی.» گفت: «ای کاش، قوم من می دانستند، که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد.» پس از [شهادت] وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [پیش از این هم] فروفرستنده نبودیم. تنها یک فریاد بود و بس. و بناگاه [همه] آنها سرد بر جای فسردند. دریغا بر این بندگان! هیچ فرستاده ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می کردند. مگر ندیده اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان بازنمی گردند؟ و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد. و زمین مرده، برهانی است برای ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می خورند. و در آن [زمین] باغهایی از

درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه ها در آن روان کردیم. تا از میوه آن و [از] کارکردِ دستهایِ خودشان بخورند، آیا باز [هم] سپاس نمی گزارند؟ پاک [خدایی] که از آنچه زمین می رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی دانند، همه را نر و ماده گردانیده است. و نشانه ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می روند. و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیرِ آن عزیز دانا این است. و برای ماه منزلهایی معین کرده ایم، تا چون شاخکِ خشکِ خوشه خرما برگردد. نه خورشید را سِزَد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی جوید، و هر کدام در سپهری شناورند. و نشانه ای [دیگر] برای آنان اینکه: ما نیاکانشان را در کشتیِ انباشته، سوار کردیم. و مانند آن برای ایشان مرکوبها [ی دیگری] خلق کردیم. و اگر بخواهیم غرقشان می کنیم و هیچ فریادرسی نمی یابند و رویِ نجات نمی بینند. مگر رحمتی از جانب ما [شامل آنها گردد] و تا چندی [آنها را] برخوردار سازیم. و چون به ایشان گفته شود: «از آنچه در پیش رو و پشت سر دارید بترسید، امید که مورد رحمت قرار گیرید» [نمی شنوند]. و هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگارشان بر آنان نیامد، جز اینکه از آن رویگردان شدند. و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید»، کسانی که کافر شده اند، به آنان که ایمان آورده اند، می گویند: «آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا می خواست [خودش] وی را می خورانید؟ شما جز در گمراهیِ آشکاری [بیش] نیستید.» و می گویند: «اگر راست می گویید، پس این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟» جز یک فریاد [مرگبار] را انتظار نخواهند کشید که هنگامی که سرگرم جدالند غافلگیرشان کند. آن گاه نه توانایی وصیّتی دارند و نه می توانند به سوی کسان خود برگردند. و در صور دمیده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سویِ پروردگار خویش می آیند. می گویند: «ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده خدای رحمان، و پیامبران راست می گفتند.» [باز هم] یک فریاد است و بس و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند. امروز بر کسی هیچ ستم نمی رود، جز در برابر آنچه کرده اید پاداشی نخواهید یافت. در این روز، اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند. آنها با همسرانشان در زیر سایه ها بر

تختها تکیه می زنند. در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد. از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می شود. و ای گناهکاران، امروز [از بی گناهان] جدا شوید. ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ و اینکه مرا بپرستید این است راه راست! و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد آیا تعقّل نمی کردید؟ این است جهنّمی که به شما وعده داده می شد! به [جُرم] آنکه کفر می ورزیدید، اکنون در آن درآیید. امروز بر دهانهای آنان مُهر می نهیم، و دستهایشان با ما سخن می گویند، و پاهایشان بدانچه فراهم می ساختند گواهی می دهند. و اگر بخواهیم، هرآینه فروغ از دیدگانشان می گیریم تا در راه [کج] بر هم پیشی جویند ولی [راه راست را] از کجا می توانند ببینند؟ و اگر بخواهیم، هرآینه ایشان را در جای خود مسخ می کنیم [به گونه ای] که نه بتوانند بروند و نه برگردند. و هر که را عمر دراز دهیم، او را در خلقت دچار افْت می کنیم آیا نمی اندیشند؟ و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست. تا هر که را [دلی] زنده است بیم دهد، و گفتار [خدا] در باره کافران محقّق گردد. آیا ندیده اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده ایم تا آنان مالک آنها باشند؟ و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم. از برخی شان سواری می گیرند و از بعضی می خورند. و از آنها سودها و نوشیدنیها دارند. پس چرا شکرگزار نیستید؟ و غیر از خدا [یِ یگانه] خدایانی به پرستش گرفتند، تا مگر یاری شوند. [ولی بتان] نمی توانند آنان را یاری کنند و آنانند که برای [بتان] چون سپاهی احضار شده اند. پس، گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می کنند، می دانیم. }

-فَاسْتَفْتِهِمْ أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ خَلَقْنا إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طينٍ لازِبٍ *بَلْ عَجِبْتَ وَ يَسْخَرُونَ *وَ إِذا ذُكِّرُوا لا يَذْكُرُونَ *وَ إِذا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ *وَ قالُوا إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبينٌ .» (1)

{پس، [از کافران] بپرس: آیا ایشان از نظر آفرینش سخت ترند یا کسانی که [در آسمانها] خلق کردیم؟ ما آنان را از گِلی چسبنده پدید آوردیم. بلکه عجب

-1 . صافات / 11 - 15

می داری و [آنها] ریشخند می کنند. و چون پند داده شوند عبرت نمی گیرند. و چون آیتی ببینند به ریشخند می پردازند. و می گویند: «این جز سحری آشکار نیست.» }

- «فَاسْتَفْتِهِمْ أَ لِرَبِّکَ الْبَناتُ وَ لَهُمُ الْبَنُونَ *أَمْ خَلَقْنَا الْمَلائِکَهَ إِناثاً وَ هُمْ شاهِدُونَ *أَلا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْکِهِمْ لَیَقُولُونَ *وَلَدَ اللَّهُ وَ إِنَّهُمْ لَکاذِبُونَ *أَصْطَفَی الْبَناتِ عَلَی الْبَنینَ *ما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ *أَ فَلا تَذَکَّرُونَ *أَمْ لَکُمْ سُلْطانٌ مُبینٌ *فَأْتُوا بِکِتابِکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *وَ جَعَلُوا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَباً وَ لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ *سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ *إِلاَّ عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصینَ *فَإِنَّکُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ *ما أَنْتُمْ عَلَیْهِ بِفاتِنینَ *إِلاَّ مَنْ هُوَ صالِ الْجَحیمِ *وَ ما مِنَّا إِلاَّ لَهُ مَقامٌ مَعْلُومٌ *وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ *وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ *وَ إِنْ کانُوا لَیَقُولُونَ *لَوْ أَنَّ عِنْدَنا ذِکْراً مِنَ الْأَوَّلینَ *لَکُنَّا عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصینَ *فَکَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ *وَ لَقَدْ سَبَقَتْ کَلِمَتُنا لِعِبادِنَا الْمُرْسَلینَ *إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ *وَ إِنَّ جُنْدَنا لَهُمُ الْغالِبُونَ *فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّی حینٍ *وَ أَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ یُبْصِرُونَ *أَ فَبِعَذابِنا یَسْتَعْجِلُونَ *فَإِذا نَزَلَ بِساحَتِهِمْ فَساءَ صَباحُ الْمُنْذَرینَ *وَ تَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّی حینٍ *وَ أَبْصِرْ فَسَوْفَ یُبْصِرُونَ.» (1)

{پس، از مشرکان جویا شو: آیا پروردگارت را دختران و آنان را پسران است؟! یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند؟ هش دار که اینان از دروغ پردازی خود قطعاً خواهند گفت: «خدا فرزند آورده.» در حالی که آنها قطعاً دروغگویانند. آیا [خدا] دختران را بر پسران برگزیده است؟ شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟ آیا سَرِ پندگرفتن ندارید؟! یا دلیلی آشکار [در دست] دارید؟ پس اگر راست می گویید کتابتان را بیاورید. و میان خدا و جنّ ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنّیان نیک دانسته اند که [برای حساب پس دادن،] خودشان احضار خواهند شد. خدا منزّه است از آنچه در وصف می آورند. به استثنای بندگان پاکدل خدا. در حقیقت، شما و آنچه [که شما آن را] می پرستید، بر ضدّ او گمراه گر نیستید، مگر کسی را که به دوزخ رفتنی است. و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه ای معیّن است. و در حقیقت، ماییم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته ایم. و ماییم که خود تسبیح گویانیم. و [مشرکان] به تأکید می گفتند:

«اگر پند

1- . صافات / 149 - 179

[نامه ا] ی از پیشینیان نزد ما بود، قطعاً از بندگان خالص خدا می شدیم.» ولی [وقتی قرآن آمد] به آن کافر شدند، و زودا که بدانند. و قطعاً فرمان ما درباره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است: که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند. پس تا مدّتی [معیّن] از آنان روی برتاب. و آنان را بنگر که خواهند دید. آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند؟ پس هشدارداده شدگان را آن گاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است. و از ایشان تا مدّتی [معیّن] روی برتاب. و بنگر که خواهند دید. }

- «ص وَ الْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ *بَلِ الَّذینَ کَفَرُوا فی عِزَّهٍ وَ شِقاقٍ *کَمْ أَهْلَکْنا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنادَوْا وَ لاتَ حینَ مَناصٍ *وَ عَجِبُوا أَنْ جاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قالَ الْکافِرُونَ هذا ساحِرٌ کَذَّابٌ *أَ جَعَلَ الْآلِهَهَ إِلهاً واحِداً إِنَّ هذا لَشَیْ ءٌ عُجابٌ *وَ انْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَ اصْبِرُوا عَلی آلِهَتِکُمْ إِنَّ هذا لَشَیْ ءٌ یُرادُ *ما سَمِعْنا بِهذا فِی الْمِلَّهِ الْآخِرَهِ إِنْ هذا إِلاَّ اخْتِلاقٌ *أَ أُنْزِلَ عَلَیْهِ الذِّکْرُ مِنْ بَیْنِنا بَلْ هُمْ فی شَکٍّ مِنْ ذِکْری بَلْ لَمَّا یَذُوقُوا عَذابِ *أَمْ عِنْدَهُمْ خَزائِنُ رَحْمَهِ رَبِّکَ الْعَزیزِ الْوَهَّابِ *أَمْ لَهُمْ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما فَلْیَرْتَقُوا فِی الْأَسْبابِ *جُنْدٌ ما هُنالِکَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزابِ.» (1)

{صاد. سوگند به قرآن پراندرز. آری، آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه اند. چه بسیار نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [ما را] به فریاد خواندند، و [لی] دیگر مجال گریز نبود. و از اینکه هشداردهنده ای از خودشان برایشان آمده درشگفتند، و کافران می گویند: «این، ساحری شیّاد است.آیا خدایان [متعدّد] را خدای واحدی قرار داده؟ این واقعاً چیز عجیبی است.» و بزرگانشان روان شدند [و گفتند:] «بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدف [ما] ست. [از طرفی] این [مطلب] را در آیین اخیر [عیسوی هم] نشنیده ایم این [ادّعا] جز دروغ بافی نیست. آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است؟» [نه!] بلکه آنان در باره قرآنِ من دودلند. [نه،] بلکه هنوز عذاب [مرا] نچشیده اند. آیا گنجینه های رحمت پروردگار ارجمندِ بسیار بخشنده تو نزد ایشان است؟ آیا

1- . ص / 1 - 11

فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آنِ ایشان است؟ [اگر چنین است] پس [با چنگ زدن] در آن اسباب به بالا روند. این سپاهکِ دسته های دشمن در آنجا [بَدْر] درهم شکستنی اند. }

- «وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما باطِلاً ذلِکَ ظَنُّ الَّذينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ *أَمْ نَجْعَلُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ كَالْمُفْسِدينَ فِی الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقينَ كَالْفُجَّارِ *كِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْکَ مُبارَکٌ لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبابِ.» (1)

{و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده [و حق پوشی کرده] اند، پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده اند. یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، چون مفسدان در زمین می گردانیم، یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می دهیم؟ [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند. }

- «قُلْ إِنَّما أَنَا مُنْذِرٌ وَ ما مِنْ إِلهٍ إِلاَّ اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهَّارُ *رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُمَا الْعَزيزُ الْغَفَّارُ *قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظيمٌ *أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ *ما كانَ لِیَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلی إِذْ يَخْتَصِمُونَ *إِنْ يُوحی إِلَیَّ إِلاَّ أَنَّما أَنَا نَذيرٌ مُبينٌ *إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِكَةِ إِنِّی خالِقٌ بَشَراً مِنْ طينٍ *فَإِذا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فيهِ مِنْ رُوحی فَقَعُوا لَهُ ساجِدينَ *فَسَجَدَ الْمَلائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ *إِلاَّ إِبْليسَ اسْتَكْبَرَ وَ كانَ مِنَ الْكافِرينَ *قالَ يا إِبْليسُ ما مَنَعَکَ أَنْ تَسْجُدَ لِما خَلَقْتُ بِيَدَیَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعالينَ *قالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنی مِنْ نارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طينٍ *قالَ فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّکَ رَجيمٌ *وَ إِنَّ عَلَيْکَ لَعْنَتی إِلی يَوْمِ الدِّينِ *قالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنی إِلی يَوْمِ يُبْعَثُونَ *قالَ فَإِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرينَ *إِلی يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ *قالَ فَبِعِزَّتِکَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعينَ *إِلاَّ عِبادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصينَ *قالَ فَالْحَقُّ وَ الْحَقَّ أَقُولُ *لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْکَ وَ مِمَّنْ تَبِعَکَ مِنْهُمْ

1- . ص / 27 - 29

أَجْمَعينَ *قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفينَ *إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِلْعالَمينَ *وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حينٍ.» (1)

{بگو: «من فقط هشداردهنده ای هستم، و جز خدای یگانه قهّار معبودی دیگر نیست. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، همان شکست ناپذیر آمرزنده. بگو: «این خبری بزرگ است، [که] شما از آن روی برمی تابید. مرا در باره ملإِ اعلی هیچ دانشی نبود آن گاه که مجادله می کردند. به من هیچ [چیز] وحی نمی شود، جز اینکه من هشداردهنده ای آشکارم. آن گاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گِل خواهم آفرید. پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده کنان برای او [به خاک] بیفتید.» پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند. مگر ابلیس [که] تکبّر نمود و از کافران شد. فرمود: «ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبّر نمودی یا از [جمله] برتری جویانی؟» گفت: «من از او بهترم مرا از آتش آفریده ای و او را از گِل آفریده ای.» فرمود: «پس، از آن [مقام] بیرون شو، که تو رانده ای. و تا روز جزا لعنت من بر تو باد.» گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته می شوند مهلت ده.» فرمود: «در حقیقت، تو از مهلت یافتگانی، تا روز معیّنِ معلوم.» [شیطان] گفت: «پس به عزّت تو سوگند که همگی را جدّا از راه به در می برم، مگر آن بندگان پاکدل تو را.» فرمود: «حقّ [از من] است و حق را می گویم: هرآینه جهنّم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند، از همگی شان، خواهم انباشت.» بگو: «مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم [و به خدا نسبت دهم]. این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست.» }

- «تَنْزيلُ الْكِتابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزيزِ الْحَكيمِ *إِنَّا أَنْزَلْنا إِلَيْکَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ *أَلا لِلَّهِ الدِّينُ الْخالِصُ وَ الَّذينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِيُقَرِّبُونا إِلَى اللَّهِ زُلْفى إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ في ما هُمْ فيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدی مَنْ هُوَ كاذِبٌ كَفَّارٌ *لَوْ أَرادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَداً لاَصْطَفى مِمَّا يَخْلُقُ ما يَشاءُ سُبْحانَهُ هُوَ

1- . ص / 65 - 88

اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهَّارُ *خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهارِ وَ
يُكَوِّرُ النَّهارَ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرى لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلا
هُوَ الْعَزيزُ الْغَفَّارُ *خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها وَ أَنْزَلَ لَكُمْ
مِنَ الْأَنْعامِ ثَمانِيَةَ أَزْواجٍ يَخْلُقُكُمْ فى بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ خَلْقاً مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فى
ظُلُماتٍ ثَلاثٍ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ *إِنْ
تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لا يَرْضى لِعِبادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ
وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى ثُمَّ إِلى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ
عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ *وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ
نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ ما كانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْداداً لِيُضِلَّ عَنْ سَبيلِهِ
قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَليلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحابِ النَّارِ *أَمَّنْ هُوَ قانِتٌ آناءَ اللَّيْلِ ساجِداً
وَ قائِماً يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِى الَّذينَ يَعْلَمُونَ وَ
الَّذينَ لا يَعْلَمُونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ *قُلْ يا عِبادِ الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ
لِلَّذينَ أَحْسَنُوا فى هذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ واسِعَةٌ إِنَّما يُوَفَّى الصَّابِرُونَ
أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسابٍ *قُلْ إِنِّى أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ *وَ أُمِرْتُ
لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمينَ *قُلْ إِنِّى أَخافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّى عَذابَ يَوْمٍ عَظيمٍ
*قُلِ اللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصاً لَهُ دينى *فَاعْبُدُوا ما شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخاسِرينَ
الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْليهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَلا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبينُ
*لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَ مِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبادَهُ يا
عِبادِ فَاتَّقُونِ *وَ الَّذينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوها وَ أَنابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ
الْبُشْرى فَبَشِّرْ عِبادِ *الَّذينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِكَ الَّذينَ
هَداهُمُ اللَّهُ وَ أُولئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ *أَ فَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذابِ أَ فَأَنْتَ
تُنْقِذُ مَنْ فِى النَّارِ *لكِنِ الَّذينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِها غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ
تَجْرى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ وَعْدَ اللَّهِ لا يُخْلِفُ اللَّهُ الْميعادَ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ
مِنَ السَّماءِ ماءً فَسَلَكَهُ يَنابيعَ فِى الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعاً مُخْتَلِفاً أَلْوانُهُ ثُمَّ
يَهيجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطاماً إِنَّ فى ذلِكَ لَذِكْرى لِأُولِى الْأَلْبابِ *أَ
فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ
مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولئِكَ فى ضَلالٍ مُبينٍ *اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَديثِ كِتاباً مُتَشابِهاً
مَثانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلى
ذِكْرِ اللَّهِ ذلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدى بِهِ مَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَما

لَهُ مِنْ هادٍ *أَ فَمَنْ يَتَّقی بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذابِ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ قيلَ لِلظَّالِمينَ ذُوقُوا ما كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ *كَذَّبَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتاهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَيْثُ لا يَشْعُرُونَ *فَأَذاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْیَ فِی الْحَياهِ الدُّنْيا وَ لَعَذابُ الْآخِرَهِ أَكْبَرُ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ *وَ لَقَدْ ضَرَبْنا لِلنَّاسِ فی هذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ *قُرْآناً عَرَبِيًّا غَيْرَ ذی عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ *ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلاً فيهِ شُرَكاءُ مُتَشاكِسُونَ وَ رَجُلاً سَلَماً لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيانِ مَثَلاً الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ *إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُونَ *ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ *فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَی اللَّهِ وَ كَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جاءَهُ أَ لَيْسَ فی جَهَنَّمَ مَثْویً لِلْكافِرينَ *وَ الَّذی جاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ *لَهُمْ ما يَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذلِكَ جَزاءُ الْمُحْسِنينَ *لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذی عَمِلُوا وَ يَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذی كانُوا يَعْمَلُونَ *أَ لَيْسَ اللَّهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَكَ بِالَّذينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ *وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَ لَيْسَ اللَّهُ بِعَزيزٍ ذِی انْتِقامٍ *وَ لَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَ فَرَأَيْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرادَنِیَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كاشِفاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرادَنی بِرَحْمَهٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ *قُلْ يا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلی مَكانَتِكُمْ إِنِّی عامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ *مَنْ يَأْتيهِ عَذابٌ يُخْزيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذابٌ مُقيمٌ *إِنَّا أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدی فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكيلٍ *اللَّهُ يَتَوَفَّی الْأَنْفُسَ حينَ مَوْتِها وَ الَّتی لَمْ تَمُتْ فی مَنامِها فَيُمْسِكُ الَّتی قَضی عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَ يُرْسِلُ الْأُخْری إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی إِنَّ فی ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ *أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعاءَ قُلْ أَ وَ لَوْ كانُوا لا يَمْلِكُونَ شَيْئاً وَ لا يَعْقِلُونَ *قُلْ لِلَّهِ الشَّفاعَهُ جَميعاً لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ *وَ إِذا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ وَ إِذا ذُكِرَ الَّذينَ مِنْ دُونِهِ إِذا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ *قُلِ اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فی ما كانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ *وَ لَوْ أَنَّ لِلَّذينَ ظَلَمُوا ما فِی الْأَرْضِ جَميعاً وَ مِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذابِ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ بَدا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ ما لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ *وَ بَدا لَهُمْ سَيِّئاتُ ما كَسَبُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *فَإِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعانا ثُمَّ إِذا خَوَّلْناهُ نِعْمَهً مِنَّا قالَ إِنَّما أُوتيتُهُ عَلی عِلْمٍ بَلْ هِیَ فِتْنَهٌ وَ

لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ *قَدْ قالَهَا الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَما أَغْنى عَنْهُمْ ما كانُوا يَكْسِبُونَ *فَأَصابَهُمْ سَيِّئاتُ ما كَسَبُوا وَ الَّذينَ ظَلَمُوا مِنْ هؤُلاءِ سَيُصيبُهُمْ سَيِّئاتُ ما كَسَبُوا وَ ما هُمْ بِمُعْجِزينَ *أَ وَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّ في ذلِكَ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ *قُلْ يا عِبادِيَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ *وَ أَنيبُوا إِلى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذابُ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ *وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذابُ بَغْتَهً وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ *أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يا حَسْرَتى عَلى ما فَرَّطْتُ في جَنْبِ اللَّهِ وَ إِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرينَ *أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَداني لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقينَ *أَوْ تَقُولَ حينَ تَرَى الْعَذابَ لَوْ أَنَّ لي كَرَّهً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنينَ *بَلى قَدْ جاءَتْكَ آياتي فَكَذَّبْتَ بِها وَ اسْتَكْبَرْتَ وَ كُنْتَ مِنَ الْكافِرينَ *وَ يَوْمَ الْقِيامَهِ تَرَى الَّذينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّهٌ أَ لَيْسَ في جَهَنَّمَ مَثْوىً لِلْمُتَكَبِّرينَ *وَ يُنَجِّي اللَّهُ الَّذينَ اتَّقَوْا بِمَفازَتِهِمْ لا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ *اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ وَكيلٌ *لَهُ مَقاليدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الَّذينَ كَفَرُوا بِآياتِ اللَّهِ أُولئِكَ هُمُ الْخاسِرُونَ *قُلْ أَ فَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجاهِلُونَ *وَ لَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ *بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرينَ. »(1)

{نازل شدن [این کتاب] از جانب خدایِ شکست ناپذیرِ سنجیده کار است. ما [این] کتاب را به حقّ به سوی تو فرود آوردیم، پس خدا را - در حالی که اعتقاد [خود] را برای او خالص کننده ای - عبادت کن. آگاه باشید: آیینِ پاک از آنِ خداست، و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند [به این بهانه که:] ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی پرستیم، البتّه خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ پردازِ ناسپاس است هدایت نمی کند. اگر خدا می خواست برای خود فرزندی بگیرد، قطعاً از [میان] آنچه خلق می کند، آنچه را می خواست برمی گزید. منزّه است او، اوست خدای یگانه قهار. آسمانها و زمین را به حقّ آفرید.

1- . زمر / 1 - 66

شب را به روز درمی پیچد، و روز را به شب درمی پیچد و آفتاب و ماه را تسخیر کرد. هر کدام تا مدّتی معیّن روانند. آگاه باش که او همان شکست ناپذیر آمرزنده است. شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد، و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد. شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکیهای سه گانه [: مشیمه و رحم و شکم] خلق کرد. این است خدا، پروردگار شما، فرمانروایی [و حکومت مطلق] از آنِ اوست. خدایی جز او نیست، پس چگونه [و کجا از حقّ] برگردانیده می شوید؟ اگر کفر ورزید، خدا از شما سخت بی نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی دارد، و اگر سپاس دارید آن را برای شما می پسندد، و هیچ بردارنده ای بارِ [گناهِ] دیگری را برنمی دارد، آن گاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان است، و شما را به آنچه می کردید خبر خواهد داد، که او به راز دلها داناست. و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را - در حالی که به سوی او بازگشت کننده است - می خواند سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند، آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می کرد، فراموش می نماید و برای خدا همتایانی قرار می دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند. بگو: «به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی.» [آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می کند [و] از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟» تنها خردمندانند که پندپذیرند. بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده اید، از پروردگارتان پروا بدارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده اند، نیکی خواهد بود، و زمین خدا فراخ است. بی تردید، شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.» بگو: «من مأمورم که خدا را - در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده ام - بپرستم. و مأمورم که نخستینِ مسلمانان باشم.» بگو: «من اگر به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روزی هولناک می ترسم.» بگو: «خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او بی آلایش می گردانم. پس هر چه را غیر از او می خواهید، بپرستید « [ولی به آنان] بگو:» زیانکاران در حقیقت کسانی اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده اند آری، این

همان خسران آشکار است.» آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان [نیز] طَبَق هایی [آتشین است]، این [کیفری] است که خدا بندگانش را به آن بیم می دهد. ای بندگان من، از من بترسید. و [لی] آنان که خود را از طاغوت به دور می دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته اند آنان را مژده باد، پس بشارت ده به آن بندگان من که: به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. پس آیا کسی که فرمان عذاب بر او واجب آمده [کجا روی رهایی دارد]؟ آیا تو کسی را که در آتش است می رهانی؟ لیکن کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، برای ایشان غرفه هایی است که بالای آنها غرفه هایی [دیگر] بنا شده است نهرها از زیر آن روان است. وعده خداست خدا خلاف وعده نمی کند. مگر ندیده ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد پس آن را به چشمه هایی که در [طبقات زیرینِ] زمین است راه داد، آن گاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگهای آن گوناگون است بیرون می آورد، سپس خشک می گردد، آن گاه آن را زرد می بینی، سپس خاشاکش می گرداند. قطعاً در این [دگرگونیها] برای صاحبان خرد عبرتی است. پس آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می باشد [همانند فرد تاریکدل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی کنند اینانند که در گمراهی آشکارند. خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمّن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارشان می هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد. این است هدایت خدا، هر که را بخواهد، به آن راه نماید، و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست. پس آیا آن کس که [به جای دستها] با چهره خود، گزند عذاب را روز قیامت دفع می کند [مانند کسی است که از عذاب ایمن است]؟ و به ستمگران گفته می شود: «آنچه را که دستاوردتان بوده است بچشید.» کسانی [هم] که پیش از آنان بودند به تکذیب پرداختند، و از آنجا که حدس نمی زدند عذاب برایشان آمد. پس خدا در زندگی دنیا رسوایی را به آنان چشانید، و اگر می دانستند، قطعاً عذاب آخرت بزرگتر است. و در این قرآن از هر گونه مَثَلی برای مردم آوردیم،

باشد که آنان پندگیرند. قرآنی عربی، بی هیچ کژی باشد که آنان راه تقوا پویند. خدا مَثَلی زده است: مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیّت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است. آیا این دو در مَثَل یکسانند؟ سپاس خدای را. [نه،] بلکه بیشترشان نمی دانند. قطعاً تو خواهی مُرد، و آنان [نیز] خواهند مُرد سپس شما روز قیامت پیش پروردگارتان مجادله خواهید کرد. پس کیست ستمگرتر از آن کس که بر خدا دروغ بست، و [سخن] راست را چون به سوی او آمد، دروغ پنداشت؟ آیا جایِ کافران در جهنّم نیست؟ و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود آنانند که خود پرهیزگارانند. برای آنان، هر چه بخواهند پیش پروردگارشان خواهد بود. این است پاداش نیکوکاران. تا خدا، بدترین عملی را که کرده اند، از ایشان بزداید، و آنان را به بهترین کاری که می کرده اند، پاداش دهد. آیا خدا کفایت کننده بنده اش نیست؟ و [کافران] تو را از آنها که غیر اویند می ترسانند و هر که را خدا گمراه گرداند برایش راهبری نیست. و هر که را خدا هدایت کند گمراه کننده ای ندارد. مگر خدا نیست که نیرومندِ کیفرخواه است؟ و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده؟» قطعاً خواهند گفت: «خدا.» بگو: « [هان] چه تصور می کنید، اگر خدا بخواهد صدمه ای به من برساند آیا آنچه را به جای خدا می خوانید، می توانند صدمه او را برطرف کنند یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آنها می توانند رحمتش را بازدارند؟» بگو: «خدا مرا بس است. اهل توکّل تنها بر او توکّل می کنند.» بگو: «ای قوم من، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید، من [نیز] عمل می کنم، پس به زودی خواهید دانست: [که] چه کس را عذابی که رسوایش کند خواهد آمد و عذابی پایدار بر او نازل می شود.» ما این کتاب را برای [رهبریِ] مردم به حق بر تو فروفرستادیم. پس هر کس هدایت شود، به سود خود اوست، و هر کس بیراهه رود، تنها به زیان خودش گمراه می شود، و تو بر آنها وکیل نیستی. خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی بازمی ستاند، و [نیز] روحی را که در [موقع] خوابش نمرده است [قبض می کند] پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می دارد، و آن دیگر [نَفْسها] را تا هنگامی معیّن [به سوی زندگیِ دنیا] بازپس می فرستد. قطعاً در این

[امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی [از قدرت خدا] ست. آیا غیر از خدا شفاعتگرانی برای خود گرفته اند؟ بگو: «آیا هر چند اختیار چیزی را نداشته باشند و نیندیشند؟» بگو: «شفاعت، یکسره از آن خداست. فرمانروایی آسمانها و زمین خاصّ اوست سپس به سوی او باز گردانیده می شوید.» و چون خدا به تنهایی یاد شود، دلهای کسانی که به آخرت ایمان ندارند، منزجر می گردد، و چون کسانی غیر از او یاد شوند، بناگاه آنان شادمانی می کنند. بگو: «بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، [ای] دانای نهان و آشکار، تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه اختلاف می کردند، داوری می کنی.» و اگر آنچه در زمین است، یکسره برای کسانی که ظلم کرده اند باشد و نظیرش [نیز] با آن باشد، قطعاً [همه] آن را برای رهایی خودشان از سختی عذابِ روز قیامت خواهند داد، و آنچه تصوّر [ش را] نمی کردند، از جانب خدا برایشان آشکار می گردد. و [نتیجه] گناهانی که مرتکب شده اند، برایشان ظاهر می شود، و آنچه را که بدان ریشخند می کردند، آنها را فرامی گیرد. و چون انسان را آسیبی رسد، ما را فرامی خواند سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می گوید: «تنها آن را به دانش خود یافته ام». نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی دانند. قطعاً کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این [سخن] را گفتند و آنچه به دست آورده بودند، کاری برایشان نکرد. تا [آنکه] کیفر آنچه مرتکب شده بودند، بدیشان رسید و کسانی از این [گروه] که ستم کرده اند، به زودی نتایج سوء آنچه مرتکب شده اند، بدیشان خواهد رسید و آنان درمانده کننده [ما] نیستند. آیا ندانسته اند که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد، گشاده یا تنگ می گرداند؟ قطعاً در این [اندازه گیری] برای مردمی که ایمان دارند نشانه هایی [از حکمت] است. بگو: «ای بندگان من - که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است. و پیش از آنکه شما را عذاب دررسد، و دیگر یاری نشوید، به سوی پروردگارتان بازگردید، و تسلیم او شوید. و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زنید شما را عذاب دررسد، نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید.» تا آنکه [مبادا] کسی بگوید:

«دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم بی تردید من از ریشخندکنندگان بودم.» یا بگوید: «اگر خدایم هدایت می کرد، مسلّماً از پرهیزگاران بودم.» یا چون عذاب را ببیند، بگوید: «کاش مرا برگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم.» [به او گویند:] آری، نشانه های من بر تو آمد و آنها را تکذیب کردی و تکبّر ورزیدی و از [جمله] کافران شدی.و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته اند روسیاه می بینی، آیا جای سرکشان در جهنم نیست؟ و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده اند، به [پاسِ] کارهایی که مایه رستگاری شان بوده، نجات می دهد. عذاب به آنان نمی رسد و غمگین نخواهند گردید. خدا آفریدگار هر چیزی است، و اوست که بر هر چیز نگهبان است. کلیدهای آسمان و زمین از آنِ اوست، و کسانی که نشانه های خدا را انکار کردند، آنانند که زیانکارانند. بگو: «ای نادانان، آیا مرا وادار می کنید که جز خدا را بپرستم؟» و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند وحی شده است: «اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلّماً از زیانکاران خواهی شد.» بلکه خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش. }

- «ما یُجادِلُ فی آیاتِ اللَّهِ إِلاَّ الَّذینَ کَفَرُوا فَلا یَغْرُرْکَ تَقَلُّبُهُمْ فِی الْبِلادِ *کَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ الْأَحْزابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ هَمَّتْ کُلُّ أُمَّهٍ بِرَسُولِهِمْ لِیَأْخُذُوهُ وَ جادَلُوا بِالْباطِلِ لِیُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَکَیْفَ کانَ عِقابِ *وَ کَذلِکَ حَقَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ عَلَی الَّذینَ کَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحابُ النَّارِ *الَّذینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذینَ آمَنُوا رَبَّنا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً فَاغْفِرْ لِلَّذینَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبیلَکَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحیمِ *رَبَّنا وَ أَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتی وَعَدْتَهُمْ وَ مَنْ صَلَحَ مِنْ آبائِهِمْ وَ أَزْواجِهِمْ وَ ذُرِّیَّاتِهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *وَ قِهِمُ السَّیِّئاتِ وَ مَنْ تَقِ السَّیِّئاتِ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ *إِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا یُنادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَکْبَرُ مِنْ مَقْتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَی الْإیمانِ فَتَکْفُرُونَ *قالُوا رَبَّنا أَمَتَّنَا اثْنَتَیْنِ وَ أَحْیَیْتَنَا اثْنَتَیْنِ فَاعْتَرَفْنا بِذُنُوبِنا فَهَلْ إِلی خُرُوجٍ مِنْ سَبیلٍ *ذلِکُمْ بِأَنَّهُ إِذا دُعِیَ اللَّهُ وَحْدَهُ کَفَرْتُمْ وَ إِنْ یُشْرَکْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُکْمُ لِلَّهِ الْعَلِیِّ الْکَبیرِ *هُوَ الَّذی یُریکُمْ آیاتِهِ وَ یُنَزِّلُ لَکُمْ مِنَ السَّماءِ رِزْقاً وَ ما یَتَذَکَّرُ إِلاَّ مَنْ یُنیبُ *فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ *رَفیعُ الدَّرَجاتِ ذُو

الْعَرْشِ يُلْقِی الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ لِیُنْذِرَ یَوْمَ التَّلاقِ *یَوْمَ هُمْ بارِزُونَ لا یَخْفی عَلَی اللَّهِ مِنْهُمْ شَیْ ءٌ لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ *الْیَوْمَ تُجْزی کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ لا ظُلْمَ الْیَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسابِ *وَ أَنْذِرْهُمْ یَوْمَ الْآزِفَهِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَی الْحَناجِرِ کاظِمِینَ ما لِلظَّالِمِینَ مِنْ حَمِیمٍ وَ لا شَفِیعٍ یُطاعُ *یَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ *وَ اللَّهُ یَقْضی بِالْحَقِّ وَ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا یَقْضُونَ بِشَیْ ءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ *أَ وَ لَمْ یَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الَّذِینَ کانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ کانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّهً وَ آثاراً فِی الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَ ما کانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ واقٍ *ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کانَتْ تَأْتِیهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَکَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِیٌّ شَدِیدُ الْعِقابِ.» (1)

{جز آنهایی که کفر ورزیدند [کسی] در آیات خدا ستیزه نمی کند، پس رفت و آمدشان در شهرها تو را دستخوش فریب نگرداند. پیش از اینان قوم نوح، و بعد از آنان دسته های مخالف [دیگر] به تکذیب پرداختند، و هر امّتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند، و به [وسیله] باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند. پس آنان را فرو گرفتم آیا چگونه بود کیفر من؟ و بدین سان فرمان پروردگارت درباره کسانی که کفر ورزیده بودند، به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود. کسانی که عرش [خدا] را حمل می کنند، و آنها که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده اند طلب آمرزش می کنند: «پروردگارا، رحمت و دانش تو بر هر چیز احاطه دارد کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار.» «پروردگارا، آنان را در باغهای جاوید که وعده شان داده ای، با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده اند، داخل کن، زیرا تو خود ارجمند و حکیمی. و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی، البتّه رحمتش کرده ای و این همان کامیابی بزرگ است.» کسانی که کافر بوده اند مورد ندا قرار می گیرند که: «قطعاً دشمنی خدا از دشمنی شما نسبت به همدیگر سخت تر است، آن گاه که به سوی ایمان فراخوانده می شدید و انکار

1- . غافر / 4 - 22

می ورزیدید.» می گویند: «پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی. به گناهانمان اعتراف کردیم پس آیا راه بیرون شدنی [از آتش] هست؟» این [کیفر] از آن روی برای شماست که چون خدا به تنهایی خوانده می شد، کفر می ورزیدید و چون به او شرک آورده می شد، [آن را] باور می کردید. پس [امروز] فرمان از آنِ خدای والای بزرگ است. اوست آن کس که نشانه های خود را به شما می نمایاند و برای شما از آسمان روزی می فرستد، و جز آن کس که توبه کار است [کسی] پند نمی گیرد. پس خدا را پاکدلانه فراخوانید، هر چند ناباوران را ناخوش افتد. بالابرنده درجات، خداوند عرش، به هر کس از بندگانش که خواهد آن روح [فرشته] را، به فرمان خویش می فرستد، تا [مردم را] از روز ملاقات [با خدا] بترساند. آن روز که آنان ظاهر گردند، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی ماند. امروز فرمانروایی از آنِ کیست؟ از آنِ خداوند یکتای قهّار است. امروز هر کسی به [موجب] آنچه انجام داده است کیفر می یابد. امروز ستمی نیست آری، خدا زود شمار است. و آنها را از آن روزِ قریب [الوقوع] بترسان، آن گاه که جانها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرومی خورند. برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد.

[خدا] نگاههای دزدانه و آنچه را که دلها نهان می دارند، می داند. و خداست که به حقّ داوری می کند، و کسانی را که در برابر او می خوانند [عاجزند و] به چیزی داوری نمی کنند در حقیقت، خداست که خود شنوای بیناست. آیا در زمین نگردیده اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها [زیسته] اند چگونه بوده است؟ آنها از ایشان نیرومندتر [بوده] و آثار [پایدارتری] در روی زمین [از خود باقی گذاشتند]، با این همه، خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا حمایتگری نداشتند. این [کیفر] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان می آوردند ولی [آنها] انکار می کردند. پس خدا [گریبان] آنها را گرفت، زیرا او نیرومند سخت کیفر است. }

- «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِکَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْکارِ *إِنَّ الَّذینَ یُجادِلُونَ فی آیاتِ اللَّهِ بِغَیْرِ سُلْطانٍ أَتاهُمْ إِنْ فی صُدُورِهِمْ إِلاَّ کِبْرٌ ما هُمْ بِبالِغیهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ *لَخَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَکْبَرُ مِنْ

خَلْقِ النَّاسِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ *وَ ما یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصیرُ وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ لاَ الْمُسی ءُ قَلیلاً ما تَتَذَکَّرُونَ *إِنَّ السَّاعَهَ لَآتِیَهٌ لا رَیْبَ فیها وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یُؤْمِنُونَ *وَ قالَ رَبُّکُمُ ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرینَ *اللَّهُ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ لِتَسْکُنُوا فیهِ وَ النَّهارَ مُبْصِراً إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَشْکُرُونَ *ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ خالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَأَنَّی تُؤْفَکُونَ *کَذلِکَ یُؤْفَکُ الَّذینَ کانُوا بِآیاتِ اللَّهِ یَجْحَدُونَ *اللَّهُ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ قَراراً وَ السَّماءَ بِناءً وَ صَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَ رَزَقَکُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ فَتَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمینَ *هُوَ الْحَیُّ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمینَ *قُلْ إِنِّی نُهیتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جاءَنِی الْبَیِّناتُ مِنْ رَبِّی وَ أُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمینَ *هُوَ الَّذی خَلَقَکُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَهٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَهٍ ثُمَّ یُخْرِجُکُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّکُمْ ثُمَّ لِتَکُونُوا شُیُوخاً وَ مِنْکُمْ مَنْ یُتَوَفَّی مِنْ قَبْلُ وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلاً مُسَمًّی وَ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ *هُوَ الَّذی یُحْیی وَ یُمیتُ فَإِذا قَضی أَمْراً فَإِنَّما یَقُولُ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ *أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ یُجادِلُونَ فی آیاتِ اللَّهِ أَنَّی یُصْرَفُونَ *الَّذینَ کَذَّبُوا بِالْکِتابِ وَ بِما أَرْسَلْنا بِهِ رُسُلَنا فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ *إِذِ الْأَغْلالُ فی أَعْناقِهِمْ وَ السَّلاسِلُ یُسْحَبُونَ *فِی الْحَمیمِ ثُمَّ فِی النَّارِ یُسْجَرُونَ *ثُمَّ قیلَ لَهُمْ أَیْنَ ما کُنْتُمْ تُشْرِکُونَ *مِنْ دُونِ اللَّهِ قالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَکُنْ نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَیْئاً کَذلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ الْکافِرینَ *ذلِکُمْ بِما کُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَ بِما کُنْتُمْ تَمْرَحُونَ *ادْخُلُوا أَبْوابَ جَهَنَّمَ خالِدینَ فیها فَبِئْسَ مَثْوَی الْمُتَکَبِّرینَ *فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِیَنَّکَ بَعْضَ الَّذی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّیَنَّکَ فَإِلَیْنا یُرْجَعُونَ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِکَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنا عَلَیْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَیْکَ وَ ما کانَ لِرَسُولٍ أَنْ یَأْتِیَ بِآیَهٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذا جاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِیَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ.» (1)

{پس صبر کن که وعده خدا حقّ است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش. در حقیقت، آنان که درباره نشانه های خدا - بی آنکه حجّتی برایشان آمده باشد - به مجادله برمی خیزند در

1- . غافر / 55 - 78

دلهایشان جز بزرگنمایی نیست [و] آنان به آن [بزرگی که آرزویش را دارند] نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، زیرا او خود شنوای بیناست. قطعاً آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر [و شکوهمندتر] از آفرینش مردم است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. و نابینا و بینا یکسان نیستند، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [نیز] با [مردمِ] بدکار [یکسان] نیستند چه اندک پند می پذیرید. در حقیقت، رستاخیز قطعاً آمدنی است در آن تردیدی نیست، ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند. و پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند.» خدا [همان] کسی است که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام گیرید، و روز را روشنی بخش [قرار داد]. آری، خدا بر مردم بسیار صاحب تفضّل است، ولی بیشتر مردم سپاس نمی دارند. این است خدا، پروردگار شما [که] آفریننده هر چیزی است: خدایی جز او نیست. پس چگونه [از او] بازگردانیده می شوید؟ کسانی که نشانه های خدا را انکار می کردند، این گونه [از خدا] رویگردان می شوند. خدا [همان] کسی است که زمین را برای شما قرارگاه ساخت و آسمان را بنایی [گردانید] و شما را صورتگری کرد و صورتهای شما را نیکو نمود و از چیزهای پاکیزه به شما روزی داد. این است خدا پروردگار شما! بلندمرتبه و بزرگ است خدا، پروردگار جهانیان. اوست [همان] زنده ای که خدایی جز او نیست. پس او را در حالی که دین [خود] را برای وی بی آلایش گردانیده اید بخوانید. سپاس [ها همه] ویژه خدا پروردگار جهانیان است. بگو: «من نهی شده ام از اینکه جز خدا کسانی را که [شما] می خوانید پرستش کنم [آن هم] هنگامی که از جانب پروردگارم مرا دلایل روشن رسیده باشد، و مأمورم که فرمانبر پروردگار جهانیان باشم.» او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، آن گاه از علقه ای، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی آورد، تا به کمال قوّت خود برسید و تا سالمند شوید، و از میان شما کسی است که مرگِ پیش رس می یابد، و تا [بالاخره] به مدّتی که مقرّر است برسید، و امید که در اندیشه فرورویید. او همان کسی است که زنده می کند و می میراند، و چون به کاری حکم کند، همین قدر به آن می گوید: «باش.» بی درنگ موجود می شود. آیا کسانی را که در [ابطال] آیات خدا

مجادله می کنند ندیده ای [که] تا کجا [از حقیقت] انحراف حاصل کرده اند؟ کسانی که کتاب [خدا] و آنچه را که فرستادگان خود را بدان گسیل داشته ایم تکذیب کرده اند، به زودی خواهند دانست هنگامی که غُلها در گردنهایشان [افتاده] و [با] زنجیرها کشانیده می شوند، در میان جوشاب. [و] آن گاه در آتش برافروخته می شوند. آن گاه به آنان گفته می شود: «آنچه را در برابر خدا [با او] شریک می ساختید کجایند؟» می گویند: «گمشان کردیم، بلکه پیشتر [هم] ما چیزی را نمی خواندیم.» این گونه خدا کافران را بی راه می گذارد. این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می کردید و بدان سبب است که [سخت به خود] می نازیدید. از درهای دوزخ درآیید، در آن جاودان [بمانید]. چه بد است جای سرکشان. پس صبر کن که وعده خدا راست است. پس - چه پاره ای از آنچه را که به آنان وعده داده ایم، به تو بنمایانیم، چه تو را از دنیا ببریم - [در هر صورت آنان] به سوی ما بازگردانیده می شوند. و مسلّماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم. برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده ایم، و هیچ فرستاده ای را نرسد که بی اجازه خدا نشانه ای بیاورد. پس چون فرمان خدا برسد به حقّ داوری می شود، و آنجاست که باطل کاران زیان می کنند. }

- «حم *تَنْزیلٌ مِنَ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ *کِتابٌ فُصِّلَتْ آیاتُهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ *بَشیراً وَ نَذیراً فَأَعْرَضَ أَکْثَرُهُمْ فَهُمْ لا یَسْمَعُونَ *وَ قالُوا قُلُوبُنا فی أَکِنَّهٍ مِمَّا تَدْعُونا إِلَیْهِ وَ فی آذانِنا وَقْرٌ وَ مِنْ بَیْنِنا وَ بَیْنِکَ حِجابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنا عامِلُونَ *قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَاسْتَقیمُوا إِلَیْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکینَ *الَّذینَ لا یُؤْتُونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ کافِرُونَ *إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ *قُلْ أَ إِنَّکُمْ لَتَکْفُرُونَ بِالَّذی خَلَقَ الْأَرْضَ فی یَوْمَیْنِ وَ تَجْعَلُونَ لَهُ أَنْداداً ذلِکَ رَبُّ الْعالَمینَ *وَ جَعَلَ فیها رَواسِیَ مِنْ فَوْقِها وَ بارَکَ فیها وَ قَدَّرَ فیها أَقْواتَها فی أَرْبَعَهِ أَیَّامٍ سَواءً لِلسَّائِلینَ *ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ وَ هِیَ دُخانٌ فَقالَ لَها وَ لِلْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعینَ *فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ فی یَوْمَیْنِ وَ أَوْحی فی کُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِمَصابیحَ وَ حِفْظاً ذلِکَ تَقْدیرُ الْعَزیزِ الْعَلیمِ *فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُکُمْ صاعِقَهً مِثْلَ صاعِقَهِ عادٍ وَ ثَمُودَ *إِذْ جاءَتْهُمُ

الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ اللَّهَ قالُوا لَوْ شاءَ رَبُّنا لَأَنْزَلَ مَلائِكَةً فَإِنَّا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ كافِرُونَ *فَأَمَّا عادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ قالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذی خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ كانُوا بِآياتِنا يَجْحَدُونَ *فَأَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ رِيحاً صَرْصَراً فی أَيَّامٍ نَحِساتٍ لِنُذيقَهُمْ عَذابَ الْخِزْیِ فِی الْحَياهِ الدُّنْيا وَ لَعَذابُ الْآخِرَهِ أَخْزی وَ هُمْ لا يُنْصَرُونَ *وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمی عَلَی الْهُدی فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَهُ الْعَذابِ الْهُونِ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ *وَ نَجَّيْنَا الَّذينَ آمَنُوا وَ كانُوا يَتَّقُونَ *وَ يَوْمَ يُحْشَرُ أَعْداءُ اللَّهِ إِلَی النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ *حَتَّی إِذا ما جاؤُها شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُونَ *وَ قالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنا قالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذی أَنْطَقَ كُلَّ شَیْ ءٍ وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ *وَ ما كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَ لا أَبْصارُكُمْ وَ لا جُلُودُكُمْ وَ لكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لا يَعْلَمُ كَثيراً مِمَّا تَعْمَلُونَ *وَ ذلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذی ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْداكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخاسِرينَ *فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْویً لَهُمْ وَ إِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَما هُمْ مِنَ الْمُعْتَبينَ *وَ قَيَّضْنا لَهُمْ قُرَناءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ ما بَيْنَ أَيْديهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فی أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كانُوا خاسِرينَ *وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لا تَسْمَعُوا لِهذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ *فَلَنُذيقَنَّ الَّذينَ كَفَرُوا عَذاباً شَديداً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذی كانُوا يَعْمَلُونَ *ذلِكَ جَزاءُ أَعْداءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فيها دارُ الْخُلْدِ جَزاءً بِما كانُوا بِآياتِنا يَجْحَدُونَ *وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا رَبَّنا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلاَّنا مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ نَجْعَلْهُما تَحْتَ أَقْدامِنا لِيَكُونا مِنَ الْأَسْفَلينَ *إِنَّ الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَهُ أَلاَّ تَخافُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّهِ الَّتی كُنْتُمْ تُوعَدُونَ *نَحْنُ أَوْلِياؤُكُمْ فِی الْحَياهِ الدُّنْيا وَ فِی الْآخِرَهِ وَ لَكُمْ فيها ما تَشْتَهی أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فيها ما تَدَّعُونَ *نُزُلاً مِنْ غَفُورٍ رَحيمٍ *وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَی اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً وَ قالَ إِنَّنی مِنَ الْمُسْلِمينَ *وَ لا تَسْتَوِی الْحَسَنَهُ وَ لاَ السَّيِّئَهُ ادْفَعْ بِالَّتی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذی بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَداوَهٌ كَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَميمٌ *وَ ما يُلَقَّاها إِلاَّ الَّذينَ صَبَرُوا وَ ما يُلَقَّاها إِلاَّ ذُو حَظٍّ عَظيمٍ *وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ *وَ مِنْ آياتِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهارُ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ لا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَ لا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذی خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ *فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ

وَ النَّهارِ وَ هُمْ لا يَسْأَمُونَ *وَ مِنْ آياتِهِ أَنَّکَ تَرَى الْأَرْضَ خاشِعَةً فَإِذا أَنْزَلْنا عَلَيْهَا الْماءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَتْ إِنَّ الَّذى أَحْياها لَمُحْيِ الْمَوْتى إِنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ *إِنَّ الَّذينَ يُلْحِدُونَ فى آياتِنا لا يَخْفَوْنَ عَلَيْنا أَ فَمَنْ يُلْقى فِى النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتي آمِناً يَوْمَ الْقِيامَهِ اعْمَلُوا ما شِئْتُمْ إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصيرٌ *إِنَّ الَّذينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جاءَهُمْ وَ إِنَّهُ لَكِتابٌ عَزيزٌ *لا يَأْتيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزيلٌ مِنْ حَكيمٍ حَميدٍ *ما يُقالُ لَکَ إِلاَّ ما قَدْ قيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِکَ إِنَّ رَبَّکَ لَذُو مَغْفِرَهٍ وَ ذُو عِقابٍ أَليمٍ *وَ لَوْ جَعَلْناهُ قُرْآناً أَعْجَمِيًّا لَقالُوا لَوْ لا فُصِّلَتْ آياتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذينَ آمَنُوا هُدىً وَ شِفاءٌ وَ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ فى آذانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولئِکَ يُنادَوْنَ مِنْ مَكانٍ بَعيدٍ *وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ فَاخْتُلِفَ فيهِ وَ لَوْ لا كَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفى شَکٍّ مِنْهُ مُريبٍ *مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها وَ ما رَبُّکَ بِظَلاَّمٍ لِلْعَبيدِ *إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَهِ وَ ما تَخْرُجُ مِنْ ثَمَراتٍ مِنْ أَكْمامِها وَ ما تَحْمِلُ مِنْ أُنْثى وَ لا تَضَعُ إِلاَّ بِعِلْمِهِ وَ يَوْمَ يُناديهِمْ أَيْنَ شُرَكائى قالُوا آذَنَّاکَ ما مِنَّا مِنْ شَهيدٍ *وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَ ظَنُّوا ما لَهُمْ مِنْ مَحيصٍ *لا يَسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَيْرِ وَ إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُسٌ قَنُوطٌ *وَ لَئِنْ أَذَقْناهُ رَحْمَهً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هذا لى وَ ما أَظُنُّ السَّاعَهَ قائِمَهً وَ لَئِنْ رُجِعْتُ إِلى رَبِّى إِنَّ لى عِنْدَهُ لَلْحُسْنى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذينَ كَفَرُوا بِما عَمِلُوا وَ لَنُذيقَنَّهُمْ مِنْ عَذابٍ غَليظٍ *وَ إِذا أَنْعَمْنا عَلَى الْإِنْسانِ أَعْرَضَ وَ نَأى بِجانِبِهِ وَ إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعاءٍ عَريضٍ *قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فى شِقاقٍ بَعيدٍ.» (1)

{حاء، میم. وحی [نامه] ای است از جانب [خدای] رحمتگر مهربان. کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می دانند. بشارتگر و هشداردهنده است. و [لی] بیشتر آنان رویگردان شدند، در نتیجه [چیزی را] نمی شنوند. و گفتند: «دلهای ما از آنچه ما را به سوی آن می خوانی سخت محجوب و مهجور است. و در گوشهای ما سنگینی و میان ما و تو پرده ای است پس تو کار خود را بکن ما [هم] کار خود را می کنیم.» بگو: «من، بشری چون شمایم، جز اینکه به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس مستقیماً به

1- . فصلت / 1 - 52

سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید. و وای بر مشرکان.» همان کسانی که زکات نمی دهند و آنان که به آخرت ناباورند. کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند آنان را پاداشی بی پایان است. بگو: «آیا این شمایید که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می ورزید و برای او همتایانی قرار می دهید؟ این است پروردگار جهانیان.» و در [زمین]، از فراز آن [لنگرآسا] کوه ها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد، و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه گیری کرد [که] برای خواهندگان، درست [و متناسب با نیازهایشان] است. سپس آهنگِ [آفرینشِ] آسمان کرد، و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: «خواه یا ناخواه بیایید.» آن دو گفتند: «فرمان پذیر آمدیم.» پس آنها را [به صورت] هفت آسمان، در دو هنگام مقرّر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود، و آسمانِ [این] دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم این است اندازه گیریِ آن نیرومند دانا. پس اگر روی برتافتند بگو: «شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود بر حذر داشتم.» چون فرستادگان [ما] از پیش رو و از پشت سرشان بر آنان آمدند [و گفتند:] «زنهار، جز خدا را مپرستید»، گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست، قطعاً فرشتگانی فرومی فرستاد، پس ما به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم.» و امّا عادیان، به ناحقّ، در زمین سر برافراشتند و گفتند: «از ما نیرومندتر کیست؟» آیا ندانسته اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است؟ و در نتیجه آیات ما را انکار می کردند. پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده تر است و آنان یاری نخواهند شد. و امّا ثمودیان: پس آنان را راهبری کردیم و [لی] کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به [کیفر] آنچه مرتکب می شدند صاعقه عذابِ خفّت آور آنان را فروگرفت. و کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می داشتند رهانیدیم. و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گردآورده و بازداشت [و دسته دسته تقسیم] می شوند. تا چون بدان رسند، گوششان و دیدگانشان و پوستشان به آنچه می کرده اند، بر ضدّشان گواهی دهند. و به پوست [بدنِ] خود می گویند: «چرا بر ضدّ ما شهادت دادید؟»

می گويند: «همان خدايی كه هر چيزی را به زبان درآورده ما را گويا گردانيده است، و او نخستين بار شما را آفريد و به سوی او برگردانيده می شويد.» و [شما] از اينكه مبادا گوش و ديدگان و پوستتان بر ضدّ شما گواهی دهند [گناهانتان را] پوشيده نمی داشتيد ليكن گمان داشتيد كه خدا بسياری از آنچه را كه می كنيد نمی داند. و همين بود گمانتان كه درباره پروردگارتان برديد شما را هلاک كرد و از زيانكاران شديد. پس اگر شكيبايی نمايند جايشان در آتش است و اگر از در پوزش درآيند مورد اجابت قرار نمی گيرند. و برای آنان دمسازانی گذاشتيم، و آنچه در دسترس ايشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زيبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در ميان امّتهايی از جنّ و انس كه پيش از آنان روزگار به سر برده بودند، بر ايشان واجب آمد، چرا كه آنها زيانكاران بودند. و كسانی كه كافر شدند گفتند: «به اين قرآن گوش مدهيد و سخن لغو در آن اندازيد، شايد شما پيروز شويد.» و قطعاً كسانی را كه كافر شده اند عذابی سخت می چشانيم و حتماً آنها را به بدتر از آنچه می كرده اند جزا می دهيم. آری، سزای دشمنان خدا همان آتش است كه در آن، منزل هميشگی دارند. [اين] جزا به كيفر آن است كه نشانه های ما را انكار می كردند. و كسانی كه كفر ورزيدند گفتند: «پروردگارا، آن دو [گمراه گری] از جنّ و انس كه ما را گمراه كردند به ما نشان ده تا آنها را زير قدمهايمان بگذاريم تا زبون شوند.» در حقيقت، كسانی كه گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ايستادگی كردند، فرشتگان بر آنان فرود می آيند [و می گويند:] «هان، بيم مداريد و غمين مباشيد، و به بهشتی كه وعده يافته بوديد شاد باشيد. در زندگی دنيا و در آخرت دوستانتان ماييم، و هر چه دلهايتان بخواهد در [بهشت] برای شماست، و هر چه خواستار باشيد در آنجا خواهيد داشت روزیِ آماده ای از سوی آمرزنده مهربان است.» و كيست خوشگفتارتر از آن كس كه به سوی خدا دعوت نمايد و كار نيک كند و گويد: «من [در برابر خدا] از تسليم شدگانم»؟ و نيكی با بدی يكسان نيست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع كن آن گاه كسی كه ميان تو و ميان او دشمنی است، گويی دوستی يک دل می گردد. و اين [خصلت] را جز كسانی كه شكيبا بوده اند نمی يابند، و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ، نخواهد يافت. و اگر دمدمه ای از شيطان تو را از جای درآورد، پس به خدا

پناه ببر که او خود شنوای داناست. و از نشانه های [حضورِ] او شب و روز و خورشید و ماه است نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه، و آن خدایی را سجده کنید که آنها را خلق کرده است اگر تنها او را می پرستید. پس اگر کبر ورزیدند، کسانی که در پیشگاه پروردگارِ تواند شبانه روز او را نیایش می کنند و خسته نمی شوند. و از [دیگر] نشانه های او این است که تو زمین را فسرده می بینی و چون باران بر آن فروریزیم به جنبش درآید و بردَمَد. آری، همان کسی که آن را زندگی بخشید قطعاً زنده کننده مردگان است. در حقیقت، او بر هر چیزی تواناست. کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کژ می روند بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی که در آتش افکنده می شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده خاطر می آید؟ هر چه می خواهید بکنید که او به آنچه انجام می دهید بیناست. کسانی که به این قرآن - چون بدیشان رسید - کفر ورزیدند [به کیفر خود می رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است. از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات]. به تو جز آنچه به پیامبران پیش از تو گفته شده است گفته نمی شود. به راستی که پروردگار تو دارای آمرزش و دارنده کیفری پردرد است. و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم، قطعاً می گفتند: «چرا آیه های آن روشن بیان نشده؟ کتابی غیر عربی و [مخاطبِ آن] عرب زبان؟» بگو: «این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده اند رهنمود و درمانی است، و کسانی که ایمان نمی آورند در گوشهایشان سنگینی است و قرآن بر ایشان نامفهوم است، و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می دهند! و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم، پس در آن اختلاف واقع شد، و اگر از جانب پروردگارت فرمانِ [مهلت] سبقت نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود و در حقیقت آنان درباره آن به شکّی سخت دچارند. هر که کار شایسته کند، به سود خود اوست و هر که بدی کند، به زیان خود اوست، و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست. دانستن هنگام رستاخیز فقط منحصر به اوست، و میوه ها از غلافهایشان بیرون نمی آیند و هیچ مادینه ای بار نمی گیرد و بار نمی گذارد مگر آنکه او به آن علم دارد. و روزی که [خدا] آنان را ندا می دهد: «شریکان من کجایند؟» می گویند: «با بانگ رسا به تو

می گوییم که هیچ گواهی از میان ما نیست.» و آنچه از پیش می خواندند، از [نظر] آنان ناپدید می شود و می دانند که آنان را روی گریز نیست. انسان از دعای خیر خسته نمی شود، و چون آسیبی به او رسد مأیوس [و] نومید می گردد. و اگر از جانب خود رحمتی - پس از زیانی که به او رسیده است - بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: «من سزاوار آنم و گمان ندارم که رستاخیز برپا شود، و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانیده شوم، قطعاً نزد او برایم خوبی خواهد بود. «پس بدون شکّ، کسانی را که کفران کرده اند، به آنچه انجام داده اند آگاه خواهیم کرد، و مسلماً از عذابی سخت به آنان خواهیم چشانید. و چون انسان را نعمت بخشیم، روی برتابد و خود را کنار کشد، و چون آسیبی بدو رسد دست به دعای فراوان بردارد. بگو: «به من خبر دهید، اگر [قرآن] از نزد خدا [آمده] باشد و آن را انکار کرده باشید، چه کسی گمراه تر از آن کس خواهد بود که به مخالفتی دور و دراز [دچار] آمده باشد؟» }

- «حم *عسق *كَذلِکَ یُوحی إِلَیْکَ وَ إِلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِکَ اللَّهُ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ *تَکادُ السَّماواتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَ الْمَلائِکَةُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِی الْأَرْضِ أَلا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ *وَ الَّذینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ اللَّهُ حَفیظٌ عَلَیْهِمْ وَ ما أَنْتَ عَلَیْهِمْ بِوَکیلٍ *وَ کَذلِکَ أَوْحَیْنا إِلَیْکَ قُرْآناً عَرَبِیًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُری وَ مَنْ حَوْلَها وَ تُنْذِرَ یَوْمَ الْجَمْعِ لا رَیْبَ فیهِ فَریقٌ فِی الْجَنَّهِ وَ فَریقٌ فِی السَّعیرِ *وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً واحِدَةً وَ لکِنْ یُدْخِلُ مَنْ یَشاءُ فی رَحْمَتِهِ وَ الظَّالِمُونَ ما لَهُمْ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصیرٍ *أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِیُّ وَ هُوَ یُحْیِ الْمَوْتی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ *وَ مَا اخْتَلَفْتُمْ فیهِ مِنْ شَیْ ءٍ فَحُکْمُهُ إِلَی اللَّهِ ذلِکُمُ اللَّهُ رَبِّی عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنیبُ *فاطِرُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً وَ مِنَ الْأَنْعامِ أَزْواجاً یَذْرَؤُکُمْ فیهِ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمیعُ الْبَصیرُ *لَهُ مَقالیدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ إِنَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ *شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصَّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهیمَ وَ مُوسی وَ عیسی أَنْ أَقیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فیهِ کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ اللَّهُ یَجْتَبی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدی إِلَیْهِ مَنْ یُنیبُ *وَ ما تَفَرَّقُوا إِلاَّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ وَ لَوْ لا کَلِمَةٌ سَبَقَتْ

مِنْ رَبِّکَ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّ الَّذینَ أُورِثُوا الْکِتابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفی شَکٍّ مِنْهُ مُریبٍ *فَلِذلِکَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ کَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ کِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَیْنَکُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّکُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَکُمْ أَعْمالُکُمْ لا حُجَّهَ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمُ اللَّهُ یَجْمَعُ بَیْنَنا وَ إِلَیْهِ الْمَصیرُ *وَ الَّذینَ یُحَاجُّونَ فِی اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجیبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ داحِضَهٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ عَلَیْهِمْ غَضَبٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ شَدیدٌ *اللَّهُ الَّذی أَنْزَلَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ وَ الْمیزانَ وَ ما یُدْریکَ لَعَلَّ السَّاعَهَ قَریبٌ *یَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِها وَ الَّذینَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْها وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذینَ یُمارُونَ فِی السَّاعَهِ لَفی ضَلالٍ بَعیدٍ *اللَّهُ لَطیفٌ بِعِبادِهِ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ وَ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزیزُ *مَنْ کانَ یُریدُ حَرْثَ الْآخِرَهِ نَزِدْ لَهُ فی حَرْثِهِ وَ مَنْ کانَ یُریدُ حَرْثَ الدُّنْیا نُؤْتِهِ مِنْها وَ ما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ نَصیبٍ *أَمْ لَهُمْ شُرَکاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّینِ ما لَمْ یَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَ لَوْ لا کَلِمَهُ الْفَصْلِ لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ وَ إِنَّ الظَّالِمینَ لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ *تَرَی الظَّالِمینَ مُشْفِقینَ مِمَّا کَسَبُوا وَ هُوَ واقِعٌ بِهِمْ وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فی رَوْضاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ ما یَشاؤُنَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْکَبیرُ *ذلِکَ الَّذی یُبَشِّرُ اللَّهُ عِبادَهُ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی وَ مَنْ یَقْتَرِفْ حَسَنَهً نَزِدْ لَهُ فیها حُسْناً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَکُورٌ *أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ إِنَّهُ عَلیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ *وَ هُوَ الَّذی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ وَ یَعْفُوا عَنِ السَّیِّئاتِ وَ یَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ *وَ یَسْتَجیبُ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ یَزیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ الْکافِرُونَ لَهُمْ عَذابٌ شَدیدٌ *وَ لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبادِهِ لَبَغَوْا فِی الْأَرْضِ وَ لکِنْ یُنَزِّلُ بِقَدَرٍ ما یَشاءُ إِنَّهُ بِعِبادِهِ خَبیرٌ بَصیرٌ *وَ هُوَ الَّذی یُنَزِّلُ الْغَیْثَ مِنْ بَعْدِ ما قَنَطُوا وَ یَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَ هُوَ الْوَلِیُّ الْحَمیدُ *وَ مِنْ آیاتِهِ خَلْقُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَثَّ فیهِما مِنْ دابَّهٍ وَ هُوَ عَلی جَمْعِهِمْ إِذا یَشاءُ قَدیرٌ *وَ ما أَصابَکُمْ مِنْ مُصیبَهٍ فَبِما کَسَبَتْ أَیْدیکُمْ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثیرٍ *وَ ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزینَ فِی الْأَرْضِ وَ ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصیرٍ *وَ مِنْ آیاتِهِ الْجَوارِ فِی الْبَحْرِ کَالْأَعْلامِ *إِنْ یَشَأْ یُسْکِنِ الرِّیحَ فَیَظْلَلْنَ رَواکِدَ عَلی ظَهْرِهِ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ *أَوْ یُوبِقْهُنَّ بِما کَسَبُوا وَ یَعْفُ عَنْ کَثیرٍ *وَ یَعْلَمَ الَّذینَ یُجادِلُونَ فی آیاتِنا ما لَهُمْ مِنْ مَحیصٍ *فَما أُوتیتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَمَتاعُ الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ ما

عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقى لِلَّذينَ آمَنُوا وَ عَلى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ *وَ الَّذينَ يَجْتَنِبُونَ كَبائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَواحِشَ وَ إِذا ما غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ *وَ الَّذينَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ *وَ الَّذينَ إِذا أَصابَهُمُ الْبَغْىُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ *وَ جَزاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُها فَمَنْ عَفا وَ أَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لا يُحِبُّ الظَّالِمينَ *وَ لَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولئِکَ ما عَلَيْهِمْ مِنْ سَبيلٍ *إِنَّمَا السَّبيلُ عَلَى الَّذينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِى الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ *وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذلِکَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ *وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ وَلِیٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَ تَرَى الظَّالِمينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلى مَرَدٍّ مِنْ سَبيلٍ *وَ تَراهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْها خاشِعينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِیٍّ وَ قالَ الَّذينَ آمَنُوا إِنَّ الْخاسِرينَ الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْليهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَلا إِنَّ الظَّالِمينَ فى عَذابٍ مُقيمٍ *وَ ما كانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِياءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ سَبيلٍ *اسْتَجيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِىَ يَوْمٌ لا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ ما لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَ ما لَكُمْ مِنْ نَكيرٍ *فَإِنْ أَعْرَضُوا فَما أَرْسَلْناکَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً إِنْ عَلَيْکَ إِلاَّ الْبَلاغُ وَ إِنَّا إِذا أَذَقْنَا الْإِنْسانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِها وَ إِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِما قَدَّمَتْ أَيْديهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسانَ كَفُورٌ *لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ ما يَشاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ إِناثاً وَ يَهَبُ لِمَنْ يَشاءُ الذُّكُورَ *أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْراناً وَ إِناثاً وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشاءُ عَقيماً إِنَّهُ عَليمٌ قَديرٌ *وَ ما كانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلاَّ وَحْياً أَوْ مِنْ وَراءِ حِجابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولاً فَيُوحِىَ بِإِذْنِهِ ما يَشاءُ إِنَّهُ عَلِیٌّ حَكيمٌ *وَ كَذلِکَ أَوْحَيْنا إِلَيْکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما كُنْتَ تَدْرى مَا الْكِتابُ وَ لاَ الْإيمانُ وَ لكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدى بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا وَ إِنَّکَ لَتَهْدى إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ *صِراطِ اللَّهِ الَّذى لَهُ ما فِى السَّماواتِ وَ ما فِى الْأَرْضِ أَلا إِلَى اللَّهِ تَصيرُ الْأُمُورُ.» (1)

{حاء، ميم، عين، سين، قاف. اين گونه، خداى نيرومند حكيم به سوى تو و به سوى كسانى كه پيش از تو بودند، وحى مى كند. آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است از آنِ اوست و او بلندمرتبه بزرگ است. چيزى نمانده كه آسمانها از فرازشان بشكافند و [حال آنكه] فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبيح مى گويند و براى كسانى كه در زمين هستند آمرزش مى طلبند. آگاه باش، در حقيقت خداست كه

1- . شورى / 1 - 53

آمرزنده مهربان است. و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند، خدا بر ایشان نگهبان است و تو بر آنان گمارده نیستی. و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردمِ] مکّه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی، و از روزِ گردآمدن [خلق]- که تردیدی در آن نیست - بیم دهی گروهی در بهشتند و گروهی در آتش. و اگر خدا می خواست، قطعاً آنان را امّتی یگانه می گردانید، لیکن هر که را بخواهد، به رحمت خویش درمی آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یاوری. آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته اند؟ خداست که دوست راستین است، و اوست که مردگان را زنده می کند، و هموست که بر هر چیزی تواناست. و درباره هر چیزی اختلاف پیدا کردید، داوریش به خدا [ارجاع می گردد]. چنین خدایی پروردگار من است. بر او توکل کردم و به سوی او بازمی گردم. پدیدآورنده آسمانها و زمین است. از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد، و از دامها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. بدین وسیله شما را بسیار می گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا. کلیدهای آسمانها و زمین از آنِ اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می گرداند. اوست که بر هر چیزی داناست. از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی مکنید.» بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی، گران می آید. خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمی گزیند، و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می نماید. و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد، راه تفرقه پیمودند [آن هم] به صرف حسد [و برتری جویی] میان همدیگر. و اگر سخنی [دایر بر تأخیر عذاب] از جانب پروردگارت تا زمانی معیّن، پیشی نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود. و کسانی که بعد از آنان کتاب [تورات] را میراث یافتند واقعاً درباره او در تردیدی سخت [دچار] اند. بنا بر این به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم خدا پروردگار ما و پروردگار شماست اعمال ما از آنِ ما و اعمال شما از آنِ شماست

میان ما و شما خصومتی نیست خدا میان ما را جمع می کند، و فرجام به سوی اوست. و کسانی که درباره خدا پس از اجابت [دعوت] او به مجادله می پردازند، حجّتشان پیش پروردگارشان باطل است، و خشمی [از خدا] برایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود. خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد، و تو چه می دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد. کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می خواهند، و کسانی که ایمان آورده اند، از آن هراسناکند و می دانند که آن حقّ است. بدان که آنان که در مورد قیامت تردید می ورزند، قطعاً در گمراهی دور و درازی اند. خدا نسبت به بندگانش مهربان است: هر که را بخواهد روزی می دهد و اوست نیرومند غالب. کسی که کِشت آخرت بخواهد، برای وی در کِشته اش می افزاییم، و کسی که کِشت این دنیا را بخواهد به او از آن می دهیم و [لی] در آخرت او را نصیبی نیست. آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه خدا بدان اجازه نداده، برایشان بنیادِ آیینی نهاده اند؟ و اگر فرمان قاطع [درباره تأخیر عذاب در کار] نبود مسلّماً میانشان داوری می شد و برای ستمکاران شکنجه ای پردرد است. [در قیامت] ستمگران را از آنچه انجام داده اند، هراسناک می بینی و [جزای عملشان] به آنان خواهد رسید، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند در باغهای بهشتند. آنچه را بخواهند نزد پروردگارشان خواهند داشت این است همان فضل عظیم. این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است.

آیا می گویند: «بر خدا دروغی بسته است؟» پس اگر خدا بخواهد بر دلت مُهر می نَهد و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند. اوست که به راز دلها داناست. و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می پذیرد و از گناهان درمی گذرد و آنچه می کنید می داند. و [درخواستِ] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند اجابت می کند و از فضل خویش به آنان زیاده می دهد،

و [لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود. و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلّماً در زمین سر به عصیان برمی دارند، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه ای [که مصلحت است] فرومی فرستد. به راستی که او به [حال] بندگانش آگاهِ بیناست. و اوست کسی که باران را - پس از آنکه [مردم] نومید شدند - فرود می آورد، و رحمت خویش را می گسترد و هموست سرپرست ستوده. و از نشانه های [قدرتِ] اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع] جنبنده در میان آن دو پراکنده است، و او هر گاه بخواهد بر گردآوردنِ آنان تواناست. و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری درمی گذرد. و شما در زمین درمانده کننده [خدا] نیستید، و جز خدا شما را سرپرست و یاوری نیست. و از نشانه های او سفینه های کوه آسا در دریاست. اگر بخواهد باد را ساکن می گرداند و [سفینه ها] بر پشت [آب] متوقّف می مانند. قطعاً در این [امر] برای هر شکیبای شکرگزاری نشانه هاست. یا به [سزایِ] آنچه [کشتی نشینان] مرتکب شده اند هلاکشان کند، و [لی] از بسیاری درمی گذرد. و [تا] آنان که در آیات ما مجادله می کنند، بدانند که ایشان را [رویِ] گریزی نیست. و آنچه به شما داده شده، برخورداری [و کالای] زندگی دنیاست، و آنچه پیش خداست برای کسانی که گرویده اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر است. و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکاریها خود را به دور می دارند و چون به خشم درمی آیند درمی گذرند. و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد، یاری می جویند [و به انتقام برمی خیزند]. و جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر که درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست. به راستی او ستمگران را دوست نمی دارد. و هر که پس از ستم [دیدنِ] خود، یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] بر ایشان نیست. راه [نکوهش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می کنند، و در [روی] زمین به ناحق سر برمی دارند. آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. و هر که صبر کند و درگذرد، مسلّماً این [خویشتن داری، حاکی] از اراده قوی [در] کارهاست. و هر که را خدا بی راه گذارد، پس از او یار [و

یاور] ی نخواهد داشت، و ستمگران را می بینی که چون عذاب را بنگرند می گویند: «آیا راهی برای برگشتن [به دنیا] هست؟» آنان را می بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می شوند، از [شدّتِ] زبونی، فروتن شده اند: زیرچشمی می نگرند. و کسانی که گرویده اند می گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانی اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده اند.» آری، ستمکاران در عذابی پایدارند. و جز خدا برای آنان دوستانی [دیگر] نیست که آنها را یاری کنند، و هر که را خدا بی راه گذارد هیچ راهی برای او نخواهد بود. پیش از آنکه روزی فرارسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. آن روز نه برای شما پناهی و نه برایتان [مجال] انکاری هست. پس اگر روی برتابند، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم. بر عهده تو جز رسانیدن [پیام] نیست، و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم، بدان شاد و سرمست گردد، و چون به [سزای] دستاورد پیشین آنها، به آنان بدی رسد، انسان ناسپاسی می کند. فرمانروایی [مطلقِ] آسمانها و زمین از آنِ خداست هر چه بخواهد می آفریند به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می دهد. یا آنها را پسر [ان] و دختر [انی] توأم با یکدیگر می گرداند، و هر که را بخواهد عقیم می سازد. اوست دانای توانا. و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده کار. و همین گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است؟] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم، و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی. راهِ همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست. هش دار که [همه] کارها به خدا بازمی گردد. }

- «وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّونَ *وَ قالُوا أَ آلِهَتُنا خَیْرٌ أَمْ هُوَ ما ضَرَبُوهُ لَکَ إِلاَّ جَدَلاً بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ *إِنْ هُوَ إِلاَّ عَبْدٌ أَنْعَمْنا عَلَیْهِ وَ جَعَلْناهُ مَثَلاً لِبَنی إِسْرائیلَ *وَ لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْنا مِنْکُمْ مَلائِکَةً فِی الْأَرْضِ یَخْلُفُونَ *وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلا تَمْتَرُنَّ بِها وَ اتَّبِعُونِ هذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ *وَ لا یَصُدَّنَّکُمُ الشَّیْطانُ إِنَّهُ

لَکُمْ عَدُوٌّ مُبینٌ *وَ لَمَّا جاءَ عیسی بِالْبَیِّناتِ قالَ قَدْ جِئْتُکُمْ بِالْحِکْمَهِ وَ لِأُبَیِّنَ لَکُمْ بَعْضَ الَّذی تَخْتَلِفُونَ فیهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطیعُونِ *إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ *فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذینَ ظَلَمُوا مِنْ عَذابِ یَوْمٍ أَلیمٍ *هَلْ یَنْظُرُونَ إِلاَّ السَّاعَهَ أَنْ تَأْتِیَهُمْ بَغْتَهً وَ هُمْ لا یَشْعُرُونَ *الْأَخِلاَّءُ یَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلاَّ الْمُتَّقینَ *یا عِبادِ لا خَوْفٌ عَلَیْکُمُ الْیَوْمَ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ *الَّذینَ آمَنُوا بِآیاتِنا وَ کانُوا مُسْلِمینَ *ادْخُلُوا الْجَنَّهَ أَنْتُمْ وَ أَزْواجُکُمْ تُحْبَرُونَ *یُطافُ عَلَیْهِمْ بِصِحافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ أَکْوابٍ وَ فیها ما تَشْتَهیهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلَذُّ الْأَعْیُنُ وَ أَنْتُمْ فیها خالِدُونَ *وَ تِلْکَ الْجَنَّهُ الَّتی أُورِثْتُمُوها بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *لَکُمْ فیها فاکِهَهٌ کَثیرَهٌ مِنْها تَأْکُلُونَ *إِنَّ الْمُجْرِمینَ فی عَذابِ جَهَنَّمَ خالِدُونَ *لا یُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَ هُمْ فیهِ مُبْلِسُونَ *وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لکِنْ کانُوا هُمُ الظَّالِمینَ *وَ نادَوْا یا مالِکُ لِیَقْضِ عَلَیْنا رَبُّکَ قالَ إِنَّکُمْ ماکِثُونَ *لَقَدْ جِئْناکُمْ بِالْحَقِّ وَ لکِنَّ أَکْثَرَکُمْ لِلْحَقِّ کارِهُونَ *أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ.» (1)

{و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، بناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله درانداختند [و اعراض کردند]، و گفتند: «آیا معبودان ما بهترند یا او؟» آن [مثال] را جز از راه جدل برای تو نزدند، بلکه آنان مردمی جدل پیشه اند.

[عیسی] جز بنده ای که بر وی منّت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده ایم نیست. و اگر بخواهیم قطعاً به جای شما فرشتگانی که در [روی] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم. و همانا آن، نشانه ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زنهار در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید این است راه راست! و مبادا شیطان شما را از راه به در بَرد، زیرا او برای شما دشمنی آشکار است. و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می کردید برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم ببرید.» در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید این است راه راست. تا [آنکه] از میانشان، احزاب دست به اختلاف زدند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک! آیا جز [این] انتظار

1- . زخرف / 57 - 79

می برند که رستاخیز - در حالی که حدس نمی زنند - ناگهان بر آنان دررسد؟ در آن روز، یاران - جز پرهیزگاران - بعضی شان دشمن بعضی دیگرند. ای بندگان من، امروز بر شما بیمی نیست و غمگین نخواهید شد. همان کسانی که به آیات ما ایمان آورده و تسلیم بودند. شما با همسرانتان شادمانه داخل بهشت شوید. سینیهایی از طلا و جام هایی در برابر آنان می گردانند، و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید [هست] و شما در آن جاودانید. و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه می کردید میراث یافتید. در آنجا برای شما میوه هایی فراوان خواهد بود که از آنها می خورید. بی گمان، مجرمان در عذاب جهنّم ماندگارند. [عذاب] از آنان تخفیف نمی یابد و آنها در آنجا نومیدند. و ما بر ایشان ستم نکردیم، بلکه خود ستمکار بودند. و فریاد کشند: «ای مالک، [بگو:] پروردگارت جان ما را بستاند.» پاسخ دهد: «شما ماندگارید.» قطعاً حقیقت را برایتان آوردیم، لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید. یا در کاری ابرام ورزیده اند؟ ما [نیز] ابرام می ورزیم. }

- «حم *وَ الْکِتابِ الْمُبینِ *إِنَّا أَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنْذِرینَ *فیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکیمٍ *أَمْراً مِنْ عِنْدِنا إِنَّا کُنَّا مُرْسِلینَ *رَحْمَهً مِنْ رَبِّکَ إِنَّهُ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ *رَبِّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما إِنْ کُنْتُمْ مُوقِنینَ *لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ یُحْیی وَ یُمیتُ رَبُّکُمْ وَ رَبُّ آبائِکُمُ الْأَوَّلینَ *بَلْ هُمْ فی شَکٍّ یَلْعَبُونَ *فَارْتَقِبْ یَوْمَ تَأْتِی السَّماءُ بِدُخانٍ مُبینٍ *یَغْشَی النَّاسَ هذا عَذابٌ أَلیمٌ *رَبَّنَا اکْشِفْ عَنَّا الْعَذابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ *أَنَّی لَهُمُ الذِّکْری وَ قَدْ جاءَهُمْ رَسُولٌ مُبینٌ *ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ *إِنَّا کاشِفُوا الْعَذابِ قَلیلاً إِنَّکُمْ عائِدُونَ *یَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَهَ الْکُبْری إِنَّا مُنْتَقِمُونَ *وَ لَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَ جاءَهُمْ رَسُولٌ کَریمٌ *أَنْ أَدُّوا إِلَیَّ عِبادَ اللَّهِ إِنِّی لَکُمْ رَسُولٌ أَمینٌ *وَ أَنْ لا تَعْلُوا عَلَی اللَّهِ إِنِّی آتیکُمْ بِسُلْطانٍ مُبینٍ *وَ إِنِّی عُذْتُ بِرَبِّی وَ رَبِّکُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ *وَ إِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لی فَاعْتَزِلُونِ *فَدَعا رَبَّهُ أَنَّ هؤُلاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ *فَأَسْرِ بِعِبادی لَیْلاً إِنَّکُمْ مُتَّبَعُونَ *وَ اتْرُکِ الْبَحْرَ رَهْواً إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ *کَمْ تَرَکُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُیُونٍ *وَ زُرُوعٍ وَ مَقامٍ کَریمٍ *وَ نَعْمَهٍ کانُوا فیها فاکِهینَ *کَذلِکَ وَ أَوْرَثْناها قَوْماً آخَرینَ *فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما کانُوا مُنْظَرینَ *وَ لَقَدْ نَجَّیْنا بَنی إِسْرائیلَ مِنَ الْعَذابِ الْمُهینِ *مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ کانَ عالِیاً مِنَ

الْمُسْرِفینَ *وَ لَقَدِ اخْتَرْناهُمْ عَلی عِلْمٍ عَلَی الْعالَمِینَ *وَ آتَیْناهُمْ مِنَ الْآیاتِ ما فیهِ بَلَؤُا مُبینٌ *إِنَّ هؤُلاءِ لَیَقُولُونَ *إِنْ هِیَ إِلاَّ مَوْتَتُنَا الْأُولی وَ ما نَحْنُ بِمُنْشَرینَ *فَأْتُوا بِآبائِنا إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *أَ هُمْ خَیْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ وَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَکْناهُمْ إِنَّهُمْ کانُوا مُجْرِمینَ *وَ ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما لاعِبینَ *ما خَلَقْناهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ *إِنَّ یَوْمَ الْفَصْلِ میقاتُهُمْ أَجْمَعینَ *یَوْمَ لا یُغْنی مَوْلًی عَنْ مَوْلًی شَیْئاً وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ *إِلاَّ مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ الرَّحیمُ *إِنَّ شَجَرَةَ الزَّقُّومِ *طَعامُ الْأَثیمِ *کَالْمُهْلِ یَغْلی فِی الْبُطُونِ *کَغَلْیِ الْحَمیمِ *خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلی سَواءِ الْجَحیمِ *ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذابِ الْحَمیمِ *ذُقْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْکَریمُ *إِنَّ هذا ما کُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ *إِنَّ الْمُتَّقینَ فی مَقامٍ أَمینٍ *فی جَنَّاتٍ وَ عُیُونٍ *یَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ مُتَقابِلینَ *کَذلِکَ وَ زَوَّجْناهُمْ بِحُورٍ عینٍ *یَدْعُونَ فیها بِکُلِّ فاکِهَةٍ آمِنینَ *لا یَذُوقُونَ فیهَا الْمَوْتَ إِلاَّ الْمَوْتَةَ الْأُولی وَ وَقاهُمْ عَذابَ الْجَحیمِ *فَضْلاً مِنْ رَبِّکَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ *فَإِنَّما یَسَّرْناهُ بِلِسانِکَ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ *فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ.» (1)

{حاء، میم. سوگند به کتاب روشنگر، [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم. در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می یابد. [این] کاری است [که] از جانب ما [صورت می گیرد]. ما فرستنده [پیامبران] بودیم. [و این] رحمتی از پروردگار توست، که او شنوای داناست. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر یقین دارید. خدایی جز او نیست او زندگی می بخشد و می میراند پروردگار شما و پروردگار پدران شماست. ولی نه، آنها به شک و شبهه خویش سرگرمند. پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی آورد، که مردم را فرومی گیرد این است عذاب پردرد. [می گویند:] «پروردگارا، این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم.» آنان را کجا [جای] پند [گرفتن] باشد، و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است. پس، از او روی برتافتند و گفتند: «تعلیم یافته ای دیوانه است.» ما این عذاب را اندکی از شما برمی داریم [ولی شما] در حقیقت باز از سر می گیرید. روزی که دست به حمله

1- . دخان / 1 - 59

می زنیم، همان حمله بزرگ [آن گاه] ما انتقام کشنده ایم. و به یقین، پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم، و پیامبری بزرگوار برایشان آمد، که [به آنان گفت:] «بندگان خدا را به من بسپارید، زیرا که من شما را فرستاده ای امینم. و بر خدا برتری مجویید که من برای شما حجّتی آشکار آورده ام. و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می برم از اینکه مرا سنگباران کنید. و اگر به من ایمان نمی آورید، پس، از من کناره گیرید.» پس پروردگار خود را خواند که: «اینها مردمی گناهکارند.»

[فرمود:] «بندگانم را شبانه ببر، زیرا شما مورد تعقیب واقع خواهید شد. و دریا را هنگامی که آرام است پشت سر بگذار، که آنان سپاهی غرق شدنی اند.» [وه!] چه باغها و چشمه سارانی [که آنها بعد از خود] بر جای نهادند، و کشتزارها و جایگاه های نیکو، و نعمتی که از آن برخوردار بودند. [آری،] این چنین [بود] و آنها را به مردمی دیگر میراث دادیم. و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند. و به راستی، فرزندان اسرائیل را از عذاب خفّت آور رهانیدیم: از [دستِ] فرعون که متکبّری از افراطکاران بود. و قطعاً آنان را دانسته بر مردم جهان ترجیح دادیم. و از نشانه ها [ی الهی] آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود، بدیشان دادیم. هر آینه این [کافران] می گویند: «جز مرگ نخستین، دیگر [واقعه ای] نیست و ما زنده شدنی نیستیم. اگر راست می گویید، پس پدران ما را [باز] آورید. آیا ایشان بهترند یا قوم «تُبَّع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟ آنها را هلاک کردیم، زیرا که گنهکار بودند. و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده ایم آنها را جز به حقّ نیافریده ایم، لیکن بیشترشان نمی دانند. در حقیقت، روز «جداسازی» موعد همه آنهاست. همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی تواند حمایتی کند، و آنان یاری نمی شوند، مگر کسی را که خدا رحمت کرده است، زیرا که اوست همان ارجمند مهربان. آری! درخت زقّوم، خوراک گناه پیشه است. چون مسِ گداخته در شکمها می گدازد همانند جوشش آب جوشان. او را بگیرید و به میان دوزخش بکشانید، آن گاه از عذابِ آب جوشان بر سرش فروریزید. بچش که تو همان ارجمند بزرگواری! این است همان چیزی که درباره آن تردید می کردید. به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده [اند]، در بوستانها و کنار چشمه سارها. پرنیانِ نازک

و دیبای ستبر می پوشند [و] برابر هم نشسته اند. [آری،] چنین [خواهد بود] و آنها را با حوریانِ درشت چشم همسر می گردانیم. در آنجا هر میوه ای را [که بخواهند] آسوده خاطر می طلبند. در آنجا جز مرگِ نخستین، مرگ نخواهند چشید و [خدا] آنها را از عذاب دوزخ نگاه می دارد. [این] بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ. در حقیقت، [قرآن] را بر زبان تو آسان گردانیدیم، امید که پند پذیرند. پس مراقب باش، زیرا که آنان هم مراقبند.}

- «حم *تَنْزیلُ الْکِتابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزیزِ الْحَکیمِ *إِنَّ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لَآیاتٍ لِلْمُؤْمِنینَ *وَ فی خَلْقِکُمْ وَ ما یَبُثُّ مِنْ دابَّهٍ آیاتٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ *وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ ما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ تَصْریفِ الرِّیاحِ آیاتٌ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ *تِلْکَ آیاتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَیْکَ بِالْحَقِّ فَبِأَیِّ حَدیثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آیاتِهِ یُؤْمِنُونَ *وَیْلٌ لِکُلِّ أَفَّاکٍ أَثیمٍ *یَسْمَعُ آیاتِ اللَّهِ تُتْلی عَلَیْهِ ثُمَّ یُصِرُّ مُسْتَکْبِراً کَأَنْ لَمْ یَسْمَعْها فَبَشِّرْهُ بِعَذابٍ أَلیمٍ *وَ إِذا عَلِمَ مِنْ آیاتِنا شَیْئاً اتَّخَذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهینٌ *مِنْ وَرائِهِمْ جَهَنَّمُ وَ لا یُغْنی عَنْهُمْ ما کَسَبُوا شَیْئاً وَ لا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِیاءَ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظیمٌ *هذا هُدیً وَ الَّذینَ کَفَرُوا بِآیاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلیمٌ *اللَّهُ الَّذی سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ فیهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ *وَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعاً مِنْهُ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ *قُلْ لِلَّذینَ آمَنُوا یَغْفِرُوا لِلَّذینَ لا یَرْجُونَ أَیَّامَ اللَّهِ لِیَجْزِیَ قَوْماً بِما کانُوا یَکْسِبُونَ *مَنْ عَمِلَ صالِحاً فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَیْها ثُمَّ إِلی رَبِّکُمْ تُرْجَعُونَ *وَ لَقَدْ آتَیْنا بَنی إِسْرائیلَ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّهَ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلَی الْعالَمینَ *وَ آتَیْناهُمْ بَیِّناتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلاَّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ إِنَّ رَبَّکَ یَقْضی بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ *ثُمَّ جَعَلْناکَ عَلی شَریعَهٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْها وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ *إِنَّهُمْ لَنْ یُغْنُوا عَنْکَ مِنَ اللَّهِ شَیْئاً وَ إِنَّ الظَّالِمینَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیاءُ بَعْضٍ وَ اللَّهُ وَلِیُّ الْمُتَّقینَ *هذا بَصائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدیً وَ رَحْمَهٌ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ *أَمْ حَسِبَ الَّذینَ اجْتَرَحُوا السَّیِّئاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ کَالَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَواءً مَحْیاهُمْ وَ مَماتُهُمْ ساءَ ما یَحْکُمُونَ *وَ خَلَقَ اللَّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِتُجْزی کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ وَ هُمْ لا یُظْلَمُونَ *أَ فَرَأَیْتَ

مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ *وَ قالُوا ما هِيَ إِلاَّ حَياتُنَا الدُّنْيا نَمُوتُ وَ نَحْيا وَ ما يُهْلِكُنا إِلاَّ الدَّهْرُ وَ ما لَهُمْ بِذلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلاَّ يَظُنُّونَ.» (1)

{حاء، میم. فرو فرستادن این کتاب، از جانب خدای ارجمند سنجیده کار است.به راستی در آسمانها و زمین، برای مؤمنان نشانه هایی است.و در آفرینش خودتان و آنچه از [انواع] جنبنده [ها] پراکنده می گرداند، برای مردمی که یقین دارند نشانه هایی است.و [نیز در] پیاپی آمدن شب و روز، و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به [وسیله] آن، زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است و [همچنین در] گردش بادها [به هر سو،] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است. این [ها] ست آیات خدا که به راستی آن را بر تو می خوانیم. پس، بعد از خدا و نشانه های او به کدام سخن خواهند گروید؟وای بر هر دروغزن گناه پیشه! [که] آیات خدا را که بر او خوانده می شود، می شنود و باز به حال تکبّر - چنان که گویی آن را نشنیده است - سماجت می ورزد. پس او را از عذابی پردرد خبر ده.و چون از نشانه های ما چیزی بداند، آن را به ریشخند می گیرد. آنان عذابی خفّت آور خواهند داشت. پیشاپیش آنها دوزخ است، و نه آنچه را اندوخته و نه آن دوستانی را که غیر از خدا اختیار کرده اند، به کارشان می آید، و عذابی بزرگ خواهند داشت. این رهنمودی است و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار کردند، برایشان عذابی دردناک از پلیدی است. خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید، تا کشتیها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید، و باشد که سپاس دارید. و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه هایی است. به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزیِ] خدا امید ندارند درگذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند. هر که کاری شایسته کند، به سود خود اوست، و هر که بدی کند به زیانش باشد. سپس به سوی پروردگارتان برگردانیده می شوید. و به یقین، فرزندان اسرائیل را کتاب

1- . جاثیه / 1 - 24

[تورات] و حکم و پیامبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنان را بر مردم روزگار برتری دادیم. و دلایل روشنی در امر [دین] به آنان عطا کردیم، و جز بعد از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد، [آن هم] از روی رشک و رقابت میان خودشان، دستخوش اختلاف نشدند. قطعاً پروردگارت روز قیامت میانشان درباره آنچه در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. سپس تو را در طریقه آیینی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم. پس آن را پیروی کن، و هوسهای کسانی را که نمی دانند پیروی مکن. آنان هرگز در برابر خدا از تو حمایت نمی کنند [و به هیچ وجه به کار تو نمی آیند] و ستمگران بعضی شان دوستان بعضی [دیگر] ند، و خدا یار پرهیزگاران است. این [کتاب] برای مردم، بینش بخش و برای قومی که یقین دارند، رهنمود و رحمتی است. آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده اند پنداشته اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند. و خدا آسمانها و زمین را به حقّ آفریده است، و تا هر کسی به [موجب] آنچه به دست آورده پاداش یابد، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟ و گفتند: «غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست می میریم و زنده می شویم، و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند.» و [لی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی سپرند.}

- «حم *تَنْزیلُ الْکِتابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزیزِ الْحَکیمِ *ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّی وَ الَّذینَ کَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ *قُلْ أَ رَأَیْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونی ما ذا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْکٌ فِی السَّماواتِ ائْتُونی بِکِتابٍ مِنْ قَبْلِ هذا أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ یَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لا یَسْتَجیبُ لَهُ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ وَ هُمْ عَنْ دُعائِهِمْ غافِلُونَ *وَ إِذا حُشِرَ النَّاسُ کانُوا لَهُمْ أَعْداءً وَ کانُوا بِعِبادَتِهِمْ کافِرینَ *وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جاءَهُمْ هذا سِحْرٌ مُبینٌ *أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ إِنِ افْتَرَیْتُهُ فَلا

تَمْلِكُونَ لی مِنَ اللَّهِ شَيْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِما تُفيضُونَ فيهِ كَفى بِهِ شَهيداً بَيْنی وَ بَيْنَكُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ *قُلْ ما كُنْتُ بِدْعاً مِنَ الرُّسُلِ وَ ما أَدْري ما يُفْعَلُ بی وَ لا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما يُوحى إِلَيَّ وَ ما أَنَا إِلاَّ نَذيرٌ مُبينٌ *قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ كانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شاهِدٌ مِنْ بَنی إِسْرائيلَ عَلى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَ اسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمينَ *وَ قالَ الَّذينَ كَفَرُوا لِلَّذينَ آمَنُوا لَوْ كانَ خَيْراً ما سَبَقُونا إِلَيْهِ وَ إِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هذا إِفْكٌ قَديمٌ *وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتابُ مُوسى إِماماً وَ رَحْمَةً وَ هذا كِتابٌ مُصَدِّقٌ لِساناً عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذينَ ظَلَمُوا وَ بُشْرى لِلْمُحْسِنينَ *إِنَّ الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ *أُولئِكَ أَصْحابُ الْجَنَّةِ خالِدينَ فيها جَزاءً بِما كانُوا يَعْمَلُونَ *وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيْهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهاً وَ وَضَعَتْهُ كُرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّى إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعينَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلى والِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لی فی ذُرِّيَّتی إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّی مِنَ الْمُسْلِمينَ *أُولئِكَ الَّذينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ ما عَمِلُوا وَ نَتَجاوَزُ عَنْ سَيِّئاتِهِمْ فی أَصْحابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذی كانُوا يُوعَدُونَ *وَ الَّذی قالَ لِوالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُما أَ تَعِدانِنی أَنْ أُخْرَجَ وَ قَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلی وَ هُما يَسْتَغيثانِ اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ ما هذا إِلاَّ أَساطيرُ الْأَوَّلينَ *أُولئِكَ الَّذينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فی أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنَّهُمْ كانُوا خاسِرينَ *وَ لِكُلٍّ دَرَجاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَ لِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمالَهُمْ وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ *وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّباتِكُمْ فی حَياتِكُمُ الدُّنْيا وَ اسْتَمْتَعْتُمْ بِها فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذابَ الْهُونِ بِما كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِی الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِما كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ *وَ اذْكُرْ أَخا عادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقافِ وَ قَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ أَلاَّ تَعْبُدُوا إِلاَّ اللَّهَ إِنِّی أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ عَظيمٍ *قالُوا أَ جِئْتَنا لِتَأْفِكَنا عَنْ آلِهَتِنا فَأْتِنا بِما تَعِدُنا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقينَ *قالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ أُبَلِّغُكُمْ ما أُرْسِلْتُ بِهِ وَ لكِنِّی أَراكُمْ قَوْماً تَجْهَلُونَ *فَلَمَّا رَأَوْهُ عارِضاً مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قالُوا هذا عارِضٌ مُمْطِرُنا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ريحٌ فيها عَذابٌ أَليمٌ *تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْ ءٍ بِأَمْرِ رَبِّها فَأَصْبَحُوا لا يُرى إِلاَّ مَساكِنُهُمْ كَذلِكَ نَجْزِی الْقَوْمَ الْمُجْرِمينَ *وَ لَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فيما إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فيهِ وَ جَعَلْنا لَهُمْ سَمْعاً وَ أَبْصاراً وَ أَفْئِدَةً فَما أَغْنى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَ لا أَبْصارُهُمْ

وَ لا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْ ءٍ إِذْ كانُوا يَجْحَدُونَ بِآياتِ اللَّهِ وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ *وَ لَقَدْ أَهْلَكْنا ما حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرى وَ صَرَّفْنَا الْآياتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ *فَلَوْ لا نَصَرَهُمُ الَّذينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْباناً آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَ ذلِكَ إِفْكُهُمْ وَ ما كانُوا يَفْتَرُونَ *وَ إِذْ صَرَفْنا إِلَيْكَ نَفَراً مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلى قَوْمِهِمْ مُنْذِرينَ *قالُوا يا قَوْمَنا إِنَّا سَمِعْنا كِتاباً أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسى مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدی إِلَى الْحَقِّ وَ إِلى طَريقٍ مُسْتَقيمٍ *يا قَوْمَنا أَجيبُوا داعِيَ اللَّهِ وَ آمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَ يُجِرْكُمْ مِنْ عَذابٍ أَليمٍ *وَ مَنْ لا يُجِبْ داعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءُ أُولئِكَ فی ضَلالٍ مُبينٍ *أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقادِرٍ عَلى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتى بَلى إِنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ *وَ يَوْمَ يُعْرَضُ الَّذينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَ لَيْسَ هذا بِالْحَقِّ قالُوا بَلى وَ رَبِّنا قالَ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ *فَاصْبِرْ كَما صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ ما يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ ساعَةً مِنْ نَهارٍ بَلاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الْفاسِقُونَ.» (1)

{حاء، ميم. فرو فرستادن اين كتاب، از جانب خدای ارجمند حكيم است. [ما] آسمانها و زمين و آنچه را كه ميان آن دو است جز به حقّ و [تا] زمانی معيّن نيافريديم، و كسانی كه كافر شده اند، از آنچه هشدار داده شده اند رويگردانند. بگو: «به من خبر دهيد، آنچه را به جای خدا فرامی خوانيد به من نشان دهيد كه چه چيزی از زمين [را] آفريده يا [مگر] آنان را در [كار] آسمانها مشاركتی است؟ اگر راست می گوييد، كتابی پيش از اين [قرآن] يا بازمانده ای از دانش نزد من آوريد.» و كيست گمراه تر از آن كس كه به جای خدا كسی را می خواند كه تا روز قيامت او را پاسخ نمی دهد، و آنها از دعايشان بی خبرند؟ و چون مردم محشور گردند، دشمنان آنان باشند و به عبادتشان انكار ورزند. و چون آيات روشن ما بر ايشان خوانده شود، آنان كه چون حقيقت به سويشان آمد منكر آن شدند، گفتند: «اين سحری آشكار است.» يا می گويند: «اين [كتاب] را بربافته است.» بگو: «اگر آن را بربافته باشم در برابر خدا اختيار چيزی برای من نداريد. او آگاه تر است به آنچه [با طعنه]

1- . احقاف / 1 - 35

در آن فرومی روید. گواه بودن او میان من و شما بس است، و اوست آمرزنده مهربان.» بگو: «من از [میان] پیامبران، نو درآمدی نبودم و نمی دانم با من و با شما چه معامله ای خواهد شد. جز آنچه را که به من وحی می شود، پیروی نمی کنم و من جز هشداردهنده ای آشکار [بیش] نیستم.» بگو: «به من خبر دهید، اگر این [قرآن] از نزد خدا باشد و شما بدان کافر شده باشید و شاهدی از فرزندان اسرائیل به مشابهت آن [با تورات] گواهی داده و ایمان آورده باشد، و شما تکبّر نموده باشید [آیا باز هم شما ستمکار نیستید؟] البتّه خدا قوم ستمگر را هدایت نمی کند.» و کسانی که کافر شدند، به آنان که گرویده اند گفتند: «اگر [این دین] خوب بود، بر ما بدان پیشی نمی گرفتند.» و چون بدان هدایت نیافته اند، به زودی خواهند گفت: «این دروغی کهنه است.» و [حال آنکه] پیش از آن، کتاب موسی، راهبر و [مایه] رحمتی بود و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق کننده [آن] است، تا کسانی را که ستم کرده اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده ای باشد. محقّقاً کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد. ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می دادند جاودانه در آن می مانند. و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمّل رنج به او باردار شد و با تحمّل رنج او را به دنیا آورد. و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آن گاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می گوید: «پروردگارا، بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته گردان در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم.» اینانند کسانی که بهترینِ آنچه را انجام داده اند از ایشان خواهیم پذیرفت و از بدیهایشان درخواهیم گذشت در [زمره] بهشتیانند [همان] وعده راستی که بدانان وعده داده می شده است. و آن کس که به پدر و مادر خود گوید: «اف بر شما، آیا به من وعده می دهید که زنده خواهم شد و حال آنکه پیش از من نسلها سپری [و نابود] شدند.» و آن دو به [درگاه] خدا زاری می کنند: «وای بر تو، ایمان بیاور. وعده [و تهدیدِ] خدا حقّ است.» و [لی پسر] پاسخ می دهد: «اینها جز

افسانه های گذشتگان نیست.» آنان کسانی اند که گفتار [خدا] علیه ایشان - همراه با امّتهایی از جنّیان و آدمیان که پیش از آنان روزگار به سر بردند - به حقیقت پیوست، بی گمان آنان زیانکار بودند. و برای هر یک در [نتیجه] آنچه انجام داده اند درجاتی است، و تا [خدا پاداش] اعمالشان را تمام بدهد و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت.و آن روز که آنهایی را که کفر ورزیده اند، بر آتش عرضه می دارند [به آنان می گویند:] «نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان [خودخواهانه] صَرف کردید و از آنها برخوردار شدید پس امروز به [سزای] آنکه در زمین بناحق سرکشی می نمودید و به سبب آنکه نافرمانی می کردید، به عذاب خفّت [آور] کیفر می یابید.» و برادر عادیان را به یاد آور، آن گاه که قوم خویش را در ریگستان بیم داد - در حالی که پیش از او و پس از او [نیز] قطعاً هشداردهندگانی گذشته بودند - که: «جز خدا را مپرستید واقعاً من بر شما از عذاب روزی هولناک می ترسم.» گفتند: «آیا آمده ای که ما را از خدایانمان برگردانی؟ پس اگر راست می گویی، آنچه به ما وعده می دهی [بر سرمان] بیاور.» گفت: «آگاهی فقط نزد خداست، و آنچه را بدان فرستاده شده ام به شما می رسانم، ولی من شما را گروهی می بینم که در جهل اصرار می ورزید.» پس چون آن [عذاب] را [به صورت] ابری روی آورنده به سوی وادیهای خود دیدند، گفتند: «این ابری است که بارش دهنده ماست.» [هود گفت: «نه،] بلکه همان چیزی است که به شتاب خواستارش بودید: بادی است که در آن عذابی پردرد [نهفته] است. همه چیز را به دستور پروردگارش بنیان کن می کند.» پس چنان شدند که جز سراهایشان دیده نمی شد. این چنین گروه بدکاران را سزا می دهیم. و به راستی در چیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آنها [چنان] امکاناتی نداده ایم، و برای آنان گوش و دیده ها و دلهایی [نیرومندتر از شما] قرار داده بودیم، و [لی] چون به نشانه های خدا انکار ورزیدند [نه] گوششان و نه دیدگانشان و نه دلهایشان، به هیچ وجه به دردشان نخورد، و آنچه ریشخندش می کردند به سرشان آمد. و بی گمان، همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه گون بیان داشته ایم، امید که آنان بازگردند. پس چرا آن کسانی را که غیر از خدا، به منزله معبودانی، برای تقرّب [به خدا] اختیار کرده بودند، آنان را یاری نکردند بلکه از دستشان دادند؟ و

این بود دروغ آنان و آنچه برمی بافتند. و چون تنی چند از جنّ را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند. پس چون بر آن حاضر شدند [به یکدیگر] گفتند: «گوش فرادهید.» و چون به انجام رسید، هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند. گفتند: «ای قوم ما، ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده [و] تصدیق کننده [کتابهای] پیش از خود است، و به سوی حقّ و به سوی راهی راست راهبری می کند. ای قوم ما، دعوت کننده خدا را پاسخ [مثبت] دهید و به او ایمان آورید تا [خدا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و از عذابی پردرد پناهتان دهد. و کسی که دعوت کننده خدا را اجابت نکند، در زمین درمانده کننده [خدا] نیست و در برابر او دوستانی ندارد. آنان در گمراهی آشکاری اند. مگر ندانسته اند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفریدن آنها درمانده نگردید می تواند مردگان را [نیز] زنده کند؟ آری، اوست که بر همه چیز تواناست. و روزی که کافران بر آتش عرضه می شوند [از آنان می پرسند:] «آیا این راست نیست؟» می گویند: «سوگند به پروردگارمان که آری.» می فرماید: «پس به [سزای] آنکه انکار می کردید عذاب را بچشید.»پس همان گونه که پیامبرانِ نستوه، صبر کردند، صبر کن، و برای آنان شتابزدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده می شوند بنگرند، گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند [این] ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ }

- «إِنَّ اللَّهَ یُدْخِلُ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ وَ الَّذینَ کَفَرُوا یَتَمَتَّعُونَ وَ یَأْکُلُونَ کَما تَأْکُلُ الْأَنْعامُ وَ النَّارُ مَثْویً لَهُمْ *وَ کَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ هِیَ أَشَدُّ قُوَّهً مِنْ قَرْیَتِکَ الَّتی أَخْرَجَتْکَ أَهْلَکْناهُمْ فَلا ناصِرَ لَهُمْ *أَ فَمَنْ کانَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ کَمَنْ زُیِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ *مَثَلُ الْجَنَّهِ الَّتی وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فیها أَنْهارٌ مِنْ ماءٍ غَیْرِ آسِنٍ وَ أَنْهارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ یَتَغَیَّرْ طَعْمُهُ وَ أَنْهارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّهٍ لِلشَّارِبینَ وَ أَنْهارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّی وَ لَهُمْ فیها مِنْ کُلِّ الثَّمَراتِ وَ مَغْفِرَهٌ مِنْ رَبِّهِمْ کَمَنْ هُوَ خالِدٌ فِی النَّارِ وَ سُقُوا ماءً حَمیماً فَقَطَّعَ أَمْعاءَهُمْ *وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ

حَتَّى إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً أُولئِکَ الَّذینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ.» (1)

{خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغهایی که از زیرِ [درختانِ] آنها نهرها روان است درمی آورد، و [حال آنکه] کسانی که کافر شده اند، [در ظاهر] بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند، می خورند، و [لی] جایگاه آنها آتش است. و بسا شهرها که نیرومندتر از آن شهری بود که تو را [از خود] بیرون راند، که ما هلاکشان کردیم و برای آنها یار [و یاوری] نبود. آیا کسی که بر حجّتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده اند؟ مَثَلِ بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذّتی است و جویبارهایی از انگبینِ ناب. و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آمرزش پروردگار آنهاست. [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود [تا] روده هایشان را از هم فروپاشد؟ و از میان [منافقان] کسانی اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می روند، به دانش یافتگان می گویند: «هم اکنون چه گفت؟» اینان همانانند که خدا بر دلهایشان مُهر نهاده است و از هوسهای خود پیروی کرده اند.}

- «إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذیراً *لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّرُوهُ وَ تُوَقِّرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ بُکْرَةً وَ أَصیلاً *إِنَّ الَّذینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ اللَّهَ یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدیهِمْ فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفى بِما عاهَدَ عَلَیْهُ اللَّهَ فَسَیُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً.» (2)

1- . محمد / 12 - 16
2- . فتح / 8 - 10

{[ای پیامبر،] ما تو را [به سِمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده ای فرستادیم. تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید. در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می کنند دست خدا بالای دستهای آنان است. پس هر که پیمان شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می شکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می بخشد.}

- «قُلْ أَ تُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدينِكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عَليمٌ *يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لا تَمُنُّوا عَلَیَّ إِسْلامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَداكُمْ لِلْإيمانِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بَصيرٌ بِما تَعْمَلُونَ.» (1)

{بگو: «آیا خدا را از دین [داریِ] خود خبر می دهید؟ و حال آنکه خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند، و خدا به همه چیز داناست. از اینکه اسلام آورده اند بر تو منّت می نهند بگو: «بر من از اسلام آوردنتان منّت مگذارید، بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان، بر شما منّت می گذارد، اگر راستگو باشید. خداست که نهفته آسمانها و زمین را می داند و خدا [ست که] به آنچه می کنید بیناست.»}

- «ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجيدِ *بَلْ عَجِبُوا أَنْ جاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقالَ الْكافِرُونَ هذا شَیْ ءٌ عَجيبٌ *أَ إِذا مِتْنا وَ كُنَّا تُراباً ذلِكَ رَجْعٌ بَعيدٌ *قَدْ عَلِمْنا ما تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَ عِنْدَنا كِتابٌ حَفيظٌ *بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جاءَهُمْ فَهُمْ فی أَمْرٍ مَريجٍ *أَ فَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَی السَّماءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْناها وَ زَيَّنَّاها وَ ما لَها مِنْ فُرُوجٍ *وَ الْأَرْضَ مَدَدْناها وَ أَلْقَيْنا فيها رَواسِیَ وَ أَنْبَتْنا فيها مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهيجٍ *تَبْصِرَةً وَ ذِكْری لِكُلِّ عَبْدٍ مُنيبٍ *وَ نَزَّلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً مُبارَكاً فَأَنْبَتْنا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصيدِ *وَ النَّخْلَ باسِقاتٍ لَها طَلْعٌ نَضيدٌ *رِزْقاً لِلْعِبادِ وَ أَحْيَيْنا بِهِ بَلْدَةً مَيْتاً كَذلِكَ الْخُرُوجُ *كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ *وَ عادٌ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِخْوانُ لُوطٍ *وَ أَصْحابُ الْأَيْكَهِ وَ قَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعيدِ *أَ فَعَيِينا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فی لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَديدٍ

1- . حجرات / 16 - 18

*وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ وَ نَعْلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَريدِ *إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيانِ عَنِ الْيَمينِ وَ عَنِ الشِّمالِ قَعيدٌ *ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلاَّ لَدَيْهِ رَقيبٌ عَتيدٌ *وَ جاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذلِكَ ما كُنْتَ مِنْهُ تَحيدُ *وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ ذلِكَ يَوْمُ الْوَعيدِ *وَ جاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَها سائِقٌ وَ شَهيدٌ *لَقَدْ كُنْتَ فی غَفْلَةٍ مِنْ هذا فَكَشَفْنا عَنْكَ غِطاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَديدٌ *وَ قالَ قَرينُهُ هذا ما لَدَيَّ عَتيدٌ *أَلْقِيا فی جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنيدٍ *مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُريبٍ *الَّذی جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَأَلْقِياهُ فِی الْعَذابِ الشَّديدِ *قالَ قَرينُهُ رَبَّنا ما أَطْغَيْتُهُ وَ لكِنْ كانَ فی ضَلالٍ بَعيدٍ *قالَ لا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعيدِ *ما يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَ ما أَنَا بِظَلاَّمٍ لِلْعَبيدِ *يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزيدٍ *وَ أُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقينَ غَيْرَ بَعيدٍ *هذا ما تُوعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفيظٍ *مَنْ خَشِيَ الرَّحْمنَ بِالْغَيْبِ وَ جاءَ بِقَلْبٍ مُنيبٍ *ادْخُلُوها بِسَلامٍ ذلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ *لَهُمْ ما يَشاؤُنَ فيها وَ لَدَيْنا مَزيدٌ *وَ كَمْ أَهْلَكْنا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشاً فَنَقَّبُوا فِی الْبِلادِ هَلْ مِنْ مَحيصٍ *إِنَّ فی ذلِكَ لَذِكْرى لِمَنْ كانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهيدٌ *وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما فی سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ ما مَسَّنا مِنْ لُغُوبٍ *فَاصْبِرْ عَلى ما يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ *وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبارَ السُّجُودِ *وَ اسْتَمِعْ يَوْمَ يُنادِ الْمُنادِ مِنْ مَكانٍ قَريبٍ *يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ *إِنَّا نَحْنُ نُحْيی وَ نُميتُ وَ إِلَيْنَا الْمَصيرُ *يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِراعاً ذلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنا يَسيرٌ *نَحْنُ أَعْلَمُ بِما يَقُولُونَ وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخافُ وَعيدِ.» (1)

{قاف، سوگند به قرآن باشكوه، [كه آنان نگرويدند،] بلكه از اينكه هشداردهنده ای از خودشان برايشان آمد، در شگفت شدند و كافران گفتند: «اين [محمّد و حكايت معاد] چيزی عجيب است.» «آيا چون مُرديم و خاک شديم [زنده می شويم]؟ اين بازگشتی بعيد است.» قطعاً دانسته ايم كه زمين [چه مقدار] از اجسادشان فرو می كاهد. و پيش ما كتاب ضبط كننده ای است. [نه،] بلكه حقيقت را، وقتی برايشان آمد، دروغ خواندند، و آنها در كاری سردرگم [مانده] اند. مگر به

1- . ق / 1 - 45

آسمان بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست. و زمین را گستردیم و در آن لنگر [آسا کوه] ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جُفت دل انگیز رویانیدیم. [تا] برای هر بنده توبه کاری بینش افزا و پندآموز باشد. و از آسمان، آبی پر برکت فرود آوردیم، پس بدان [وسیله] باغها و دانه های دروکردنی رویانیدیم. و درختان تناور خرما که خوشه [های] روی هم چیده دارند. [اینها همه] برای روزیِ بندگان [من] است، و با آن [آب] سرزمین مرده ای را زنده گردانیدیم رستاخیز [نیز] چنین است. پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رسّ و ثمود، و عاد و فرعون و برادران لوط، و بیشه نشینان و قوم تُبّع به تکذیب پرداختند همگی فرستادگان [ما] را به دروغ گرفتند و [در نتیجه] تهدید [من] واجب آمد. مگر از آفرینش نخستین [خود] به تنگ آمدیم؟ [نه!] بلکه آنها از خلق جدید در شبهه اند. و ما انسان را آفریده ایم و می دانیم که نفس او چه وسوسه ای به او می کند، و ما از شاهرگ [او] به او نزدیکتریم. آن گاه که دو [فرشته] دریافت کننده از راست و از چپ، مراقب نشسته اند. [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ درنمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند]. و سکرات مرگ، حقیقت را [به پیش] آورد این همان است که از آن می گریختی! و در صور دمیده شود، این است روز تهدید [من]. و هر کسی می آید [در حالی که] با او سوق دهنده و گواهی دهنده ای است. [به او می گویند:] «واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی. و [لی] ما پرده ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده ات امروز تیز است.» و [فرشته] همنشین او می گوید: «این است آنچه پیش من آماده است [و ثبت کرده ام].» [به آن دو فرشته خطاب می شود:] «هر کافر سرسختی را در جهنّم فروافکنید،

[هر] بازدارنده از خیری، [هر] متجاوز شکّاکی، که با خداوند، خدایی دیگر قرار داد. [ای دو فرشته،] او را در عذاب شدید فروافکنید. [شیطانِ] همدمش می گوید: «پروردگار ما، من او را به عصیان وانداشتم، لیکن [خودش] در گمراهی دور و درازی بود.» [خدا] می فرماید: «در پیشگاه من با همدیگر مستیزید [که] از پیش به شما هشدار داده بودم. پیش من حکم دگرگون نمی شود، و من [نسبت] به بندگانم بیدادگر نیستم.» آن روز که [ما] به دوزخ می گوییم: «آیا پر شدی؟» و می گوید: «آیا باز هم

هست؟» و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گردانند، بی آنکه دور باشد. [و به آنان گویند:] این همان است که وعده یافته اید [و] برای هر توبه کار نگهبانِ [حدود خدا] خواهد بود: آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه کار [باز] آید. به سلامت [و شادکامی] در آن درآیید [که] این روزِ جاودانگی است. هر چه بخواهند در آنجا دارند، و پیش ما فزونتر [هم] هست. و چه بسا نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [بس] نیرومندتر از اینان بودند و شهرها را درنوردیدند [امّا سرانجام] مگر گریزگاهی بود؟ قطعاً در این [عقوبتها] برای هر صاحبدل و حق نیوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است. و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم. و بر آنچه می گویند صبر کن، و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب، به ستایش پروردگارت تسبیح گوی. و پاره ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی. و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی دهد، به گوش باش.روزی که فریاد [رستاخیز] را به حقّ می شنوند، آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است. ماییم که خود، زندگی می بخشیم و به مرگ می رسانیم و برگشت به سوی ماست. روزی که زمین به سرعت از [اجسادِ] آنان جدا و شکافته می شود این حشری است که بر ما آسان خواهد بود. ما به آنچه می گویند داناتریم، و تو به زور وادارنده آنان نیستی پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می ترسد پند ده. }

- «فَفِرُّوا إِلَی اللَّهِ إِنِّی لَکُمْ مِنْهُ نَذیرٌ مُبینٌ *وَ لا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ إِنِّی لَکُمْ مِنْهُ نَذیرٌ مُبینٌ *کَذلِکَ ما أَتَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلاَّ قالُوا ساحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ *أَ تَواصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طاغُونَ *فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَما أَنْتَ بِمَلُومٍ *وَ ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْری تَنْفَعُ الْمُؤْمِنینَ.» (1)

{پس به سوی خدا بگریزید، که من شما را از طرف او بیم دهنده ای آشکارم. و با خدا معبودی دیگر قرار مدهید که من از جانب او هشداردهنده ای آشکارم. بدین سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند: «ساحر یا دیوانه ای است.» آیا همدیگر را به این [سخن] سفارش کرده بودند؟ [نه !] بلکه آنان

1- . ذاریات / 50 - 55

مردمی سرکش بودند. پس، از آنان روی بگردان، که تو درخور نکوهش نیستی. و پند ده، که مؤمنان را پند سود بخشد.}

- «فَذَكِّرْ فَما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِکاهِنٍ وَ لا مَجْنُونٍ *أَمْ يَقُولُونَ شاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ *قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّی مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصينَ *أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلامُهُمْ بِهذا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طاغُونَ *أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لا يُؤْمِنُونَ *فَلْيَأْتُوا بِحَديثٍ مِثْلِهِ إِنْ كانُوا صادِقينَ *أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَیْ ءٍ أَمْ هُمُ الْخالِقُونَ *أَمْ خَلَقُوا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بَلْ لا يُوقِنُونَ *أَمْ عِنْدَهُمْ خَزائِنُ رَبِّکَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ *أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطانٍ مُبينٍ *أَمْ لَهُ الْبَناتُ وَ لَكُمُ الْبَنُونَ *أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْراً فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ *أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ *أَمْ يُريدُونَ كَيْداً فَالَّذينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكيدُونَ *أَمْ لَهُمْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ *وَ إِنْ يَرَوْا كِسْفاً مِنَ السَّماءِ ساقِطاً يَقُولُوا سَحابٌ مَرْكُومٌ *فَذَرْهُمْ حَتَّی يُلاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذی فيهِ يُصْعَقُونَ *يَوْمَ لا يُغْنی عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً وَ لا هُمْ يُنْصَرُونَ *وَ إِنَّ لِلَّذينَ ظَلَمُوا عَذاباً دُونَ ذلِکَ وَ لكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ *وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّکَ فَإِنَّکَ بِأَعْيُنِنا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حينَ تَقُومُ *وَ مِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبارَ النُّجُومِ.» (1)

{پس اندرز ده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه. یا می گویند: «شاعری است که انتظار مرگش را می بریم [و چشم به راهِ بَدِ زمانه بر اوییم].» بگو: «منتظر باشید که من [نیز] با شما از منتظرانم.» آیا پندارهایشان آنان را به این [موضعگیری] وا می دارد یا [نه،] آنها مردمی سرکشند؟ یا می گویند: «آن را بربافته.» [نه،] بلکه باور ندارند. پس اگر راست می گویند، سخنی مثل آن بیاورند. آیا از هیچ خلق شده اند؟ یا آنکه خودشان خالق [خود] هستند؟ آیا آسمانها و زمین را [آنان] خلق کرده اند؟ [نه،] بلکه یقین ندارند. آیا ذخایر پروردگار تو پیش آنهاست؟ یا ایشان تسلّط [تامّ] دارند؟ آیا نردبانی دارند که بر آن [بر شوند و] بشنوند؟ پس باید شنونده آنان برهانی آشکار بیاورد. آیا خدا را دختران است و شما را پسران؟ آیا از آنها مزدی مطالبه می کنی و آنان از [تعهّد ادای] تاوان گرانبارند؟ آیا [علمِ] غیب پیش آنهاست و آنها می نویسند؟ یا می خواهند نیرنگی بزنند؟ و [لی] آنان که کافر شده اند،

1- . طور / 29 - 49

خود دچار نیرنگ شده اند. آیا ایشان را جز خدا معبودی است؟ منزّه است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند. و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند می گویند: - «ابری متراکم است.» پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می افتند برسند. روزی که نیرنگشان به هیچ وجه به کارشان نیاید و حمایت نیابند. و در حقیقت، غیر از این [مجازات]، عذابی [دیگر] برای کسانی که ظلم کرده اند خواهد بود، ولی بیشترشان نمی دانند [که آن عذاب چیست]. و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی و هنگامی که [از خواب] بر می خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی. و [نیز] پاره ای از شب، و در فروشدن ستارگان تسبیح گویِ او باش.}

- «وَ النَّجْمِ إِذا هَوى *ما ضَلَّ صاحِبُكُمْ وَ ما غَوى *وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى *إِنْ هُوَ إِلاَّ وَحْىٌ يُوحى *عَلَّمَهُ شَديدُ الْقُوى *ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوى *وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلى *ثُمَّ دَنا فَتَدَلَّى *فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنى *فَأَوْحى إِلى عَبْدِهِ ما أَوْحى *ما كَذَبَ الْفُؤادُ ما رَأى *أَ فَتُمارُونَهُ عَلى ما يَرى *وَ لَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرى *عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهى *عِنْدَها جَنَّةُ الْمَأْوى *إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ ما يَغْشى *ما زاغَ الْبَصَرُ وَ ما طَغى *لَقَدْ رَأى مِنْ آياتِ رَبِّهِ الْكُبْرى *أَ فَرَأَيْتُمُ اللاَّتَ وَ الْعُزَّى *وَ مَناةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرى *أَ لَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنْثى *تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضيزى *إِنْ هِىَ إِلاَّ أَسْماءٌ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما أَنْزَلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ ما تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدى *أَمْ لِلْإِنْسانِ ما تَمَنَّى *فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَ الْأُولى *وَ كَمْ مِنْ مَلَكٍ فِى السَّماواتِ لا تُغْنى شَفاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلاَّ مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَرْضى *إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثى *وَ ما لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنَّ الظَّنَّ لا يُغْنى مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً *فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنا وَ لَمْ يُرِدْ إِلاَّ الْحَياةَ الدُّنْيا *ذلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدى *وَ لِلَّهِ ما فِى السَّماواتِ وَ ما فِى الْأَرْضِ لِيَجْزِىَ الَّذينَ أَساؤُا بِما عَمِلُوا وَ يَجْزِىَ الَّذينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى *الَّذينَ يَجْتَنِبُونَ كَبائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَواحِشَ إِلاَّ اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ واسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ إِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فى بُطُونِ أُمَّهاتِكُمْ فَلا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقى *أَ فَرَأَيْتَ الَّذى

تَوَلَّی *وَ أَعْطی قَلیلاً وَ أَكْدی *أَ عِنْدَهُ عِلْمُ الْغَیْبِ فَهُوَ یَری *أَمْ لَمْ یُنَبَّأْ بِما فی صُحُفِ مُوسی *وَ إِبْراهیمَ الَّذِی وَفَّی *أَلاَّ تَزِرُ وازِرَهٌ وِزْرَ أُخْری *وَ أَنْ لَیْسَ لِلْإِنْسانِ إِلاَّ ما سَعی *وَ أَنَّ سَعْیَهُ سَوْفَ یُری *ثُمَّ یُجْزاهُ الْجَزاءَ الْأَوْفی.»(1)

{سوگند به اختر [قرآن] چون فرود می آید، [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده و از سر هوس سخن نمی گوید. این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست. آن را [فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت، [سروش] نیرومندی که [مسلّط] درایستاد. در حالی که او در افق اعلی بود سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد، تا [فاصله اش] به قدرِ [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شدآن گاه به بنده اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود. آنچه را دل دید انکار [ش] نکرد. آیا در آنچه دیده است با او جدال می کنید؟ و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است، نزدیک سدره المنتهی در همان جا که جنّه المأوی است. آن گاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود، پوشیده بود. دیده [اش] منحرف نگشت و [از حدّ] درنگذشت. به راستی که [برخی] از آیات بزرگِ پروردگار خود را بدید. به من خبر دهید از لات و عزّی، و منات آن سوّمینِ دیگر، آیا [به خیالتان] برای شما پسر است و برای او دختر؟ در این صورت، این تقسیمِ نادرستی است. [این بتان] جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده اید [و] خدا بر [حقّانیت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی کنند، با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است. مگر انسان آنچه را آرزو کند دارد؟ آن سرا و این سرا از آن خداست. و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد. در حقیقت، کسانی که آخرت را باور ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنّث نام می نهند. و ایشان را به این [کار] معرفتی نیست. جز گمانِ [خود] را پیروی نمی کنند، و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی رساند. پس، از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو، خود به [حال] کسی که از راه او منحرف

1- . نجم / 1 - 41

شده داناتر، و او به کسی که راه یافته [نیز] آگاه تر است. و هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آنِ خداست، تا کسانی را که بد کرده اند، به [سزای] آنچه انجام داده اند کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده اند، به نیکی پاداش دهد. آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاریها - جز لغزشهای کوچک - خودداری می ورزند، پروردگارت [نسبت به آنها] فراخ آمرزش است. وی از آن دم که شما را از زمین پدید آورد و از همان گاه که در شکمهای مادرانتان [در زهدان] نهفته بودید به [حال] شما داناتر است، پس خودتان را پاک مشمارید. او به [حال] کسی که پرهیزگاری نموده داناتر است. پس آیا آن کسی را که [از جهاد] روی برتافت دیدی؟ و اندکی بخشید و [از باقی] امتناع ورزید. آیا علم غیب پیش اوست و او می بیند؟ یا بدانچه در صحیفه های موسی [آمده] خبر نیافته است؟ و [نیز در نوشته های] همان ابراهیمی که وفا کرد: که هیچ بردارنده ای بار گناه دیگری را بر نمی دارد. و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد.سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند. }

- «اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انْشَقَّ الْقَمَرُ *وَ إِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ *وَ كَذَّبُوا وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ وَ كُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ *وَ لَقَدْ جاءَهُمْ مِنَ الْأَنْباءِ ما فيهِ مُزْدَجَرٌ *حِكْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِ النُّذُرُ *فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلى شَيْ ءٍ نُكُرٍ *خُشَّعاً أَبْصارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْداثِ كَأَنَّهُمْ جَرادٌ مُنْتَشِرٌ *مُهْطِعينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكافِرُونَ هذا يَوْمٌ عَسِرٌ *كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنا وَ قالُوا مَجْنُونٌ وَ ازْدُجِرَ *فَدَعا رَبَّهُ أَنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ *فَفَتَحْنا أَبْوابَ السَّماءِ بِماءٍ مُنْهَمِرٍ *وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُوناً فَالْتَقَى الْماءُ عَلى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ *وَ حَمَلْناهُ عَلى ذاتِ أَلْواحٍ وَ دُسُرٍ *تَجْری بِأَعْيُنِنا جَزاءً لِمَنْ كانَ كُفِرَ *وَ لَقَدْ تَرَكْناها آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ *فَكَيْفَ كانَ عَذابی وَ نُذُرِ *وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ *كَذَّبَتْ عادٌ فَكَيْفَ كانَ عَذابی وَ نُذُرِ *إِنَّا أَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ ريحاً صَرْصَراً فی يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ *تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ *فَكَيْفَ كانَ عَذابی وَ نُذُرِ *وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ *كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ *فَقالُوا أَ بَشَراً مِنَّا واحِداً نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذاً لَفی ضَلالٍ وَ سُعُرٍ *أَ أُلْقِیَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ *سَيَعْلَمُونَ غَداً مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ *إِنَّا مُرْسِلُوا

النَّاقَهِ فِتْنَهً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَ اصْطَبِرْ *وَ نَبِّئْهُمْ أَنَّ الْماءَ قِسْمَهٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ *فَنادَوْا صاحِبَهُمْ فَتَعاطی فَعَقَرَ *فَكَيْفَ كانَ عَذابی وَ نُذُرِ *إِنَّا أَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ صَيْحَهً واحِدَهً فَكانُوا كَهَشيمِ الْمُحْتَظِرِ *وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ *كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ *إِنَّا أَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ حاصِباً إِلاَّ آلَ لُوطٍ نَجَّيْناهُمْ بِسَحَرٍ *نِعْمَهً مِنْ عِنْدِنا كَذلِكَ نَجْزی مَنْ شَكَرَ *وَ لَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنا فَتَمارَوْا بِالنُّذُرِ *وَ لَقَدْ راوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذابی وَ نُذُرِ *وَ لَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَهً عَذابٌ مُسْتَقِرٌّ *فَذُوقُوا عَذابی وَ نُذُرِ *وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ *وَ لَقَدْ جاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ *كَذَّبُوا بِآياتِنا كُلِّها فَأَخَذْناهُمْ أَخْذَ عَزيزٍ مُقْتَدِرٍ *أَ كُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أُولئِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَراءَهٌ فِی الزُّبُرِ *أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَميعٌ مُنْتَصِرٌ *سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ *بَلِ السَّاعَهُ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَهُ أَدْهی وَ أَمَرُّ *إِنَّ الْمُجْرِمينَ فی ضَلالٍ وَ سُعُرٍ *يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِی النَّارِ عَلی وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ *إِنَّا كُلَّ شَیْ ءٍ خَلَقْناهُ بِقَدَرٍ *وَ ما أَمْرُنا إِلاَّ واحِدَهٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ *وَ لَقَدْ أَهْلَكْنا أَشْياعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ *وَ كُلُّ شَیْ ءٍ فَعَلُوهُ فِی الزُّبُرِ *وَ كُلُّ صَغيرٍ وَ كَبيرٍ مُسْتَطَرٌ.» (1)

{نزديک شد قيامت و از هم شكافت ماه. و هر گاه نشانه ای ببينند روی بگردانند و گويند: «سحری دايم است.» و به تكذيب دست زدند و هوسهای خويش را دنبال كردند، و [لی] هر كاری را [آخر] قراری است.و قطعاً از اخبار، آنچه در آن مايه انزجار [از كفر] است به ايشان رسيد. حكمت بالغه [حقّ اين بود]، ولی هشدارها سود نكرد.پس، از آنان روی برتاب. روزی كه داعیِ [حق] به سوی امری دهشتناک دعوت می كند، در حالی كه ديدگان خود را فروهشته اند، چون ملخهای پراكنده از گورها [ی خود] برمی آيند. به سرعت سوی آن دعوتگر می شتابند. كافران می گويند: «امروز [چه] روز دشواری است.» پيش از آنان، قوم نوح [نيز] به تكذيب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند: «ديوانه ای است.» و [بسی] آزار كشيد. تا پروردگارش را خواند كه: «من مغلوب شدم به داد من برس!» پس درهای آسمان را به آبی ريزان گشوديم. و از زمين چشمه ها جوشانيديم تا آب [زمين و آسمان] برای امری كه مقدّر شده بود به هم پيوستند. و او را بر [كشتیِ] تخته دار و ميخ آجين سوار

1- . قمر / 1 - 53

کردیم. [کشتی] زیر نظر ما روان بود. [این] پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود. و به راستی آن [سفینه] را بر جای نهادیم [تا] عبرتی [باشد] پس آیا پندگیرنده ای هست؟ پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده ایم پس آیا پندگیرنده ای هست؟ عادیان به تکذیب پرداختند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ ما بر [سرِ] آنان در روز شومی، به طور مداوم، تندبادی توفنده فرستادیم، [که] مردم را از جا می کند گویی تنه های نخلی بودند که ریشه کن شده بودند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده ایم پس آیا پندگیرنده ای هست؟ قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند. و گفتند: «آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود.» «آیا از میان ما [وحی] بر او القا شده است؟ [نه،] بلکه او دروغگویی گستاخ است.» به زودی فردا بدانند دروغگوی گستاخ کیست. ما برای آزمایش آنان [آن] ماده شتر را فرستادیم و [به صالح گفتیم:] «مراقب آنان باش و شکیبایی کن. و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده است: هر کدام را آب به نوبت خواهد بود.» پس رفیقشان را صدا کردند و [او] شمشیر کشید و [شتر را] پی کرد. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ ما بر [سر] شان یک فریاد [مرگبار] فرستادیم و چون گیاهِ خشکیده [کومه ها] ریزریز شدند. و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده ای هست؟ قوم لوط هشداردهندگان را تکذیب کردند. ما بر [سر] آنان سنگبارانی [انفجاری] فروفرستادیم [و] فقط خانواده لوط بودند که سحرگاهشان رهانیدیم. [و این] رحمتی از جانب ما بود هر که سپاس دارد، بدین سان [او را] پاداش می دهیم. و [لوط] آنها را از عذاب ما سخت بیم داده بود، و [لی] در تهدیدها [ی ما] به جدال برخاستند. و از مهمان [های] او کام دل خواستند، پس فروغ دیدگانشان را ستردیم و [گفتیم:] « [مزه] عذاب و هشدارهای مرا بچشید.» و به راستی که سپیده دم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد. پس عذاب و هشدارهای مرا بچشید. و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم پس آیا پندگیرنده ای هست؟ و در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند. [امّا آنها] همه معجزات ما را

تکذیب کردند، تا چون زبردستی زورمند [گریبان] آنان را گرفتیم. آیا کافرانِ شما، از اینان [که برشمردیم] برترند، یا شما را در نوشته ها [ی آسمانی] خط امانی است؟ یا می گویند: «ما همگی انتقام گیرنده [و یار و یاور همدیگر] یم!» زودا که این جمع درهم شکسته شود و پشت کنند. بلکه موعدشان قیامت است و قیامت [بسی] سخت تر و تلخ تر است. قطعاً بزهکاران در گمراهی و جنونند. روزی که در آتش به رو کشیده می شوند [و به آنان گفته می شود:] «لهیب آتش را بچشید [و احساس کنید].» ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم. و فرمان ما جز یک بار نیست [آن هم] چون چشم به هم زدنی. و هم مسلکانِ شما را سخت به هلاکت رساندیم پس آیا پندگیرنده ای هست؟ و هر چه کرده اند در کتابها [ی اعمالشان درج] است. و هر خرد و بزرگی [در آن] نوشته شده. }

- «الرَّحْمنُ *عَلَّمَ الْقُرْآنَ *خَلَقَ الْإِنْسانَ *عَلَّمَهُ الْبَيانَ *الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ بِحُسْبانٍ *وَ النَّجْمُ وَ الشَّجَرُ يَسْجُدانِ *وَ السَّماءَ رَفَعَها وَ وَضَعَ الْميزانَ *أَلاَّ تَطْغَوْا فِي الْميزانِ *وَ أَقيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لا تُخْسِرُوا الْميزانَ *وَ الْأَرْضَ وَضَعَها لِلْأَنامِ *فيها فاكِهَةٌ وَ النَّخْلُ ذاتُ الْأَكْمامِ *وَ الْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَ الرَّيْحانُ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ صَلْصالٍ كَالْفَخَّارِ *وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مارِجٍ مِنْ نارٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ *بَيْنَهُما بَرْزَخٌ لا يَبْغِيانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَ الْمَرْجانُ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *وَ لَهُ الْجَوارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلامِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *كُلُّ مَنْ عَلَيْها فانٍ *وَ يَبْقى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فی شَأْنٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلاَّ بِسُلْطانٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّماءُ فَكانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فَيَوْمَئِذٍ لا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَ لا جَانٌّ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسيماهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّواصی وَ

الْأَقْدامِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *هذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ *يَطُوفُونَ بَيْنَها وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *وَ لِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *ذَواتا أَفْنانٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فِيهِما عَيْنانِ تَجْرِيانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فِيهِما مِنْ كُلِّ فاكِهَةٍ زَوْجانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *مُتَّكِئِينَ عَلى فُرُشٍ بَطائِنُها مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ جَنَى الْجَنَّتَيْنِ دانٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فِيهِنَّ قاصِراتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لا جَانٌّ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *كَأَنَّهُنَّ الْياقُوتُ وَ الْمَرْجانُ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلاَّ الْإِحْسانُ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *وَ مِنْ دُونِهِما جَنَّتانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *مُدْهامَّتانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فِيهِما عَيْنانِ نَضَّاخَتانِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فِيهِما فاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُمَّانٌ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *فِيهِنَّ خَيْراتٌ حِسانٌ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *حُورٌ مَقْصُوراتٌ فِي الْخِيامِ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لا جَانٌّ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *مُتَّكِئِينَ عَلى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَ عَبْقَرِيٍّ حِسانٍ *فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ *تَبارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ.» (1)

{[خدای] رحمان، قرآن را یاد داد. انسان را آفرید، به او بیان آموخت. خورشید و ماه بر حسابی [روان] اند. و بوته و درخت چهره سایانند. و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت، تا مبادا از اندازه درگذرید. و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید.و زمین را برای مردم نهاد. در آن، میوه [ها] و نخلها با خوشه های غلاف دار، و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ انسان را از گل خشکیده ای سفال مانند، آفرید. و جنّ را از تشعشعی از آتش خلق کرد. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ دو دریا را [به گونه ای] روان کرد [که] با هم برخورد کنند. میان آن دو، حدّ فاصلی است که به هم تجاوز نمی کنند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید. پس کدام یک از

1- . الرحمن / 1 - 78

نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ و او راست در دریا سفینه های بادبان دارِ بلند همچون کوه ها. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ هر چه بر [زمین] است فانی شونده است. و ذاتِ باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می کند. هر زمان، او در کاری است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ ای جنّ و انس، زودا که به شما بپردازیم. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ ای گروه جنّیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلّطی رخنه نمی کنید. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ بر سَرِ شما شراره هایی از [نوع] تفته آهن و مس فروفرستاده خواهد شد، و [از کسی] یاری نتوانید طلبید. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ پس آن گاه که آسمان از هم شکافد و چون چرم گلگون گردد. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آن روز، هیچ انس و جنّی از گناهش پرسیده نشود. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ تبهکاران از سیمایشان شناخته می شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ این است همان جهنّمی که تبهکاران آن را دروغ می خواندند. میان [آتش] و میان آب جوشان سرگردان باشند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ که دارای شاخسارانند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آن دو [باغ] دو چشمه روان است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آن دو [باغ] از هر میوه ای دو گونه است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ بر بسترهایی که آستر آنها از ابریشم درشت بافت است، تکیه زنند و چیدن میوه [از] آن دو باغ [به آسانی] در دسترس است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آن [باغها، دلبرانی] فروهشته نگاهند که دست هیچ انس و جنّی پیش از ایشان به آنها نرسیده است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ گویی که آنها یاقوت و

مرجانند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ مگر پاداش احسان جز احسان است؟ پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ و غیر از آن دو [باغ]، دو باغ [دیگر نیز] هست. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ که از [شدّت] سبزی سیه گون می نماید. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آن دو [باغ] دو چشمه همواره جوشان است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آن دو، میوه و خرما و انار است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ در آنجا [زنانی] نکوخوی و نکورویند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ حورانی پرده نشین در [دل] خیمه ها. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ دست هیچ انس و جنّی پیش از ایشان به آنها نرسیده است. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده اند. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگوارت!}

- «أَ فَرَأَيْتُمْ ما تُمْنُونَ *أَ أَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخالِقُونَ *نَحْنُ قَدَّرْنا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَ ما نَحْنُ بِمَسْبُوقينَ *عَلى أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثالَكُمْ وَ نُنْشِئَكُمْ فى ما لا تَعْلَمُونَ *وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولى فَلَوْ لا تَذَكَّرُونَ *أَ فَرَأَيْتُمْ ما تَحْرُثُونَ *أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ *لَوْ نَشاءُ لَجَعَلْناهُ حُطاماً فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ *إِنَّا لَمُغْرَمُونَ *بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ *أَفَرَأَيْتُمُ الْماءَ الَّذى تَشْرَبُونَ *أَ أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ *لَوْ نَشاءُ جَعَلْناهُ أُجاجاً فَلَوْ لا تَشْكُرُونَ *أَ فَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتى تُورُونَ *أَ أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَها أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِؤُنَ *نَحْنُ جَعَلْناها تَذْكِرَةً وَ مَتاعاً لِلْمُقْوينَ *فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظيمِ *فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ *وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظيمٌ *إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَريمٌ *في كِتابٍ مَكْنُونٍ *لا يَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ *تَنْزيلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمينَ *أَ فَبِهذَا الْحَديثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ *وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ *فَلَوْ لا إِذا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ *وَ أَنْتُمْ حينَئِذٍ تَنْظُرُونَ *وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَ لكِنْ لا تُبْصِرُونَ *فَلَوْ لا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدينينَ *تَرْجِعُونَها إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *فَأَمَّا إِنْ كانَ مِنَ الْمُقَرَّبينَ *فَرَوْحٌ وَ رَيْحانٌ وَ جَنَّةُ نَعيمٍ *وَ أَمَّا إِنْ كانَ مِنْ أَصْحابِ الْيَمينِ *فَسَلامٌ لَكَ مِنْ أَصْحابِ الْيَمينِ *وَ أَمَّا إِنَّ كانَ

مِنَ الْمُكَذِّبينَ الضّالِّينَ *فَنُزُلٌ مِنْ حَميمٍ *وَ تَصْلِيَةُ جَحيمٍ *إِنَّ هذا لَهُوَ حَقُّ الْيَقينِ *فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظيمِ.» (1)

{آیا آنچه را [که به صورت نطفه] فرو می ریزید دیده اید؟ آیا شما آن را خلق می کنید یا ما آفریننده ایم؟ ماییم که میان شما مرگ را مقدّر کرده ایم و بر ما سبقت نتوانید جست [و می توانیم] امثال شما را به جای شما قرار دهیم و شما را [به صورت] آنچه نمی دانید پدیدار گردانیم. و قطعاً پدیدار شدنِ نخستین خود را شناختید پس چرا سَرِ عبرت گرفتن ندارید؟ آیا آنچه را کِشت می کنید، ملاحظه کرده اید؟ آیا شما آن را [بی یاری ما] زراعت می کنید، یا ماییم که زراعت می کنیم؟ اگر بخواهیم قطعاً خاشاکش می گردانیم، پس در افسوس [و تعجّب] می افتید. [و می گویید:] «واقعاً ما زیان زده ایم، بلکه ما محروم شدگانیم.» آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟ آیا شما آن را از [دلِ] ابرِ سپید فرود آورده اید، یا ما فرودآورنده ایم؟ اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس نمی دارید؟ آیا آن آتشی را که برمی افروزید ملاحظه کرده اید؟ آیا شما [چوبِ] درختِ آن را پدیدار کرده اید، یا ما پدیدآورنده ایم؟ ما آن را [مایه] عبرت و [وسیله] استفاده برای بیابانگردان قرار داده ایم. پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. نه [چنین است که می پندارید]، سوگند به جایگاه های [ویژه و فواصل معیّن] ستارگان. اگر بدانید، آن سوگندی سخت بزرگ است! که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته، که جز پاک شدگان بر آن دست نزنند، وحیی است از جانب پروردگار جهانیان. آیا شما این سخن را سَبُک [و سُست] می گیرید؟ و تنها نصیب خود را در تکذیب [آن] قرار می دهید؟ پس چرا آن گاه که [جان شما] به گلو می رسد، و در آن هنگام خود نظاره گرید - و ما به آن [محتضر] از شما نزدیکتریم ولی نمی بینید - پس چرا، اگر شما بی جزا می مانید [و حساب و کتابی در کار نیست]، اگر راست می گویید، [روح] را برنمی گردانید؟ و امّا اگر [او] از مقرّبان باشد، [در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود]. و امّا اگر از یاران راست باشد، از یاران راست بر تو سلام باد. و امّا اگر از دروغزنان گمراه است، پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد، و

1- . واقعه / 58 / 96

[فرجامش] درافتادن به جهنّم است. این است همان حقیقت راست [و] یقین. پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی. }

- «وَ ما لَکُمْ لا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولُ یَدْعُوکُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّکُمْ وَ قَدْ أَخَذَ میثاقَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ *هُوَ الَّذی یُنَزِّلُ عَلی عَبْدِهِ آیاتٍ بَیِّناتٍ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ إِنَّ اللَّهَ بِکُمْ لَرَؤُفٌ رَحیمٌ *وَ ما لَکُمْ أَلاَّ تُنْفِقُوا فی سَبیلِ اللَّهِ وَ لِلَّهِ میراثُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا یَسْتَوی مِنْکُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قاتَلَ أُولئِکَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذینَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَ قاتَلُوا وَ کُلاًّ وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنی وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ *مَنْ ذَا الَّذی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ کَریمٌ *یَوْمَ تَرَی الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ بِأَیْمانِهِمْ بُشْراکُمُ الْیَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ *یَوْمَ یَقُولُ الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ لِلَّذینَ آمَنُوا انْظُرُونا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِکُمْ قیلَ ارْجِعُوا وَراءَکُمْ فَالْتَمِسُوا نُوراً فَضُرِبَ بَیْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بابٌ باطِنُهُ فیهِ الرَّحْمَةُ وَ ظاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذابُ *یُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ قالُوا بَلی وَ لکِنَّکُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَکُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْکُمُ الْأَمانِیُّ حَتَّی جاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّکُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ *فَالْیَوْمَ لا یُؤْخَذُ مِنْکُمْ فِدْیَةٌ وَ لا مِنَ الَّذینَ کَفَرُوا مَأْواکُمُ النَّارُ هِیَ مَوْلاکُمْ وَ بِئْسَ الْمَصیرُ *أَ لَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللَّهِ وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لا یَکُونُوا کَالَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَیْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ *اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها قَدْ بَیَّنَّا لَکُمُ الْآیاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ *إِنَّ الْمُصَّدِّقینَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ أَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضاعَفُ لَهُمْ وَ لَهُمْ أَجْرٌ کَریمٌ *وَ الَّذینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ وَ الَّذینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَحیمِ *اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَیاةُ الدُّنْیا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زینَةٌ وَ تَفاخُرٌ بَیْنَکُمْ وَ تَکاثُرٌ فِی الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ کَمَثَلِ غَیْثٍ أَعْجَبَ الْکُفَّارَ نَباتُهُ ثُمَّ یَهیجُ فَتَراهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ یَکُونُ حُطاماً وَ فِی الْآخِرَةِ عَذابٌ شَدیدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوانٌ وَ مَا الْحَیاةُ الدُّنْیا إِلاَّ مَتاعُ الْغُرُورِ *سابِقُوا إِلی مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُها کَعَرْضِ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذینَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ *ما أَصابَ مِنْ مُصیبَةٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فی أَنْفُسِکُمْ إِلاَّ فی کِتابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَها إِنَّ ذلِکَ عَلَی

اللَّهِ یَسیرٌ *لِکَیْلا تَأْسَوْا عَلی ما فاتَکُمْ وَ لا تَفْرَحُوا بِما آتاکُمْ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ *الَّذینَ یَبْخَلُونَ وَ یَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ یَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ *لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدیدَ فیهِ بَأْسٌ شَدیدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِیَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ یَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَیْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِیٌّ عَزیزٌ *وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً وَ إِبْراهیمَ وَ جَعَلْنا فی ذُرِّیَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَ الْکِتابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ *ثُمَّ قَفَّیْنا عَلی آثارِهِمْ بِرُسُلِنا وَ قَفَّیْنا بِعیسَی ابْنِ مَرْیَمَ وَ آتَیْناهُ الْإِنْجیلَ وَ جَعَلْنا فی قُلُوبِ الَّذینَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ رَهْبانِیَّةً ابْتَدَعُوها ما کَتَبْناها عَلَیْهِمْ إِلاَّ ابْتِغاءَ رِضْوانِ اللَّهِ فَما رَعَوْها حَقَّ رِعایَتِها فَآتَیْنَا الَّذینَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَ کَثیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ *لِئَلاَّ یَعْلَمَ أَهْلُ الْکِتابِ أَلاَّ یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ أَنَّ الْفَضْلَ بِیَدِ اللَّهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ.» (1)

{و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید و [حال آنکه] پیامبر [خدا] شما را دعوت می کند تا به پروردگارتان ایمان آورید، و اگر مؤمن باشید، بی شکّ [خدا] از شما پیمان گرفته است. او همان کسی است که بر بنده خود آیات روشنی فرو می فرستد، تا شما را از تاریکیها به سوی نور بیرون کشاند. و در حقیقت، خدا [نسبت] به شما سخت رؤوف و مهربان است.و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید و [حال آنکه] میراث آسمانها و زمین به خدا تعلّق دارد؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکّه] انفاق و جهاد کرده اند، [با دیگران] یکسان نیستند. آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته اند. و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؟ آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است. [به آنان گویند:] «امروز شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آنها جاودانید. این است همان کامیابی بزرگ. آن

1- . حدید / 8 - 29

روز، مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم.» گفته می شود: «بازپس برگردید و نوری درخواست کنید.» آن گاه میان آنها دیواری زده می شود که آن را دروازه ای است: باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد. [دو رویان،] آنان را ندا درمی دهند: «آیا ما با شما نبودیم؟» می گویند: «چرا، ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غرّه کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطانِ] مغرورکننده، شما را درباره خدا بفریفت. پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده اند عوضی پذیرفته نمی شود: جایگاهتان آتش است آن سزاوار شماست و چه بد سرانجامی است.» آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دلهایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دلهایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید. در حقیقت، مردان و زنان صدقه دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده اند، ایشان را [پاداش] دوچندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت. و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده اند، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده اند آنان همدمان آتشند.بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشیِ شما به یکدیگر و فزون جویی در اموال و فرزندان است. [مَثَل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی، آن گاه خاشاک شود. و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند، بر یکدیگر سبقت جویید. این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می دهد، و خداوند را فزون بخشی

بزرگ است. هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسْهای شما [به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است. تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد: همانان که بخل می ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی دارند. و هر که روی گرداند قطعاً خدا بی نیاز ستوده است.به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است. و در حقیقت، نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو، نبوّت و کتاب را قرار دادیم: از آنها [برخی] راه یاب [شد] ند، و [لی] بسیاری از آنان بدکار بودند. آن گاه به دنبال آنان پیامبران خود را، پی در پی، آوردیم، و عیسی پسر مریم را در پی [آنان] آوردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دلهای کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم و [اما] ترک دنیایی که از پیش خود درآوردند ما آن را بر ایشان مقرّر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند، با این حال آن را چنان که حقّ رعایت آن بود منظور نداشتند. پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدانها دادیم و [لی] بسیاری از آنان دستخوش انحرافند. ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزنده مهربان است. تا اهل کتاب بدانند که به هیچ وجه فزون بخشی خدا در [حیطه] قدرت آنان نیست و فضل [و عنایت، تنها] در دست خداست: به هر کس بخواهد آن را عطا می کند، و خدا دارای کَرَم بسیار است. }

- «إِنَّ الَّذینَ یُحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ کُبِتُوا کَما کُبِتَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ قَدْ أَنْزَلْنا آیاتٍ بَیِّناتٍ وَ لِلْکافِرینَ عَذابٌ مُهینٌ*یَوْمَ یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمیعاً فَیُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا أَحْصاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهیدٌ *أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ ما یَکُونُ مِنْ نَجْوی ثَلاثَهٍ إِلاَّ هُوَ رابِعُهُمْ وَ لا خَمْسَهٍ إِلاَّ هُوَ سادِسُهُمْ وَ لا

أَدْنى مِنْ ذلِكَ وَ لا أَكْثَرَ إِلاَّ هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ ما كانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيامَهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَليمٌ *أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوى ثُمَّ يَعُودُونَ لِما نُهُوا عَنْهُ وَ يَتَناجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ مَعْصِيَهِ الرَّسُولِ وَ إِذا جاؤُکَ حَيَّوْکَ بِما لَمْ يُحَيِّکَ بِهِ اللَّهُ وَ يَقُولُونَ في أَنْفُسِهِمْ لَوْ لا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِما نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَها فَبِئْسَ الْمَصيرُ *يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا تَناجَيْتُمْ فَلا تَتَناجَوْا بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ مَعْصِيَهِ الرَّسُولِ وَ تَناجَوْا بِالْبِرِّ وَ التَّقْوى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذی إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ *إِنَّمَا النَّجْوى مِنَ الشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ الَّذينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضارِّهِمْ شَيْئاً إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ *يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا قيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَ إِذا قيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبيرٌ *يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا إِذا ناجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقَةً ذلِکَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ أَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيمٌ *أَ أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْواكُمْ صَدَقاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ تابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ أَطيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ اللَّهُ خَبيرٌ بِما تَعْمَلُونَ *أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ما هُمْ مِنْكُمْ وَ لا مِنْهُمْ وَ يَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ *أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذاباً شَديداً إِنَّهُمْ ساءَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ *اتَّخَذُوا أَيْمانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ *لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوالُهُمْ وَ لا أَوْلادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ *يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَميعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَما يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلى شَيْ ءٍ أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْكاذِبُونَ *اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطانُ فَأَنْساهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولئِکَ حِزْبُ الشَّيْطانِ أَلا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطانِ هُمُ الْخاسِرُونَ *إِنَّ الَّذينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولئِکَ فِی الْأَذَلِّينَ *كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلی إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزيزٌ.» (1)

{بی گمان، کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می کنند ذلیل خواهند شد، همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند ذلیل شدند، و به راستی آیات روشن [خود] را فرستاده ایم، و کافران را عذابی خفّت آور خواهد بود. روزی که خداوند همه آنان را بر می انگیزد و به آنچه کرده اند آگاهشان می گرداند. خدا [کارهایشان را] برشمرده است و حال آنکه آنها آن را فراموش کرده اند، و خدا بر هر چیزی گواه

ص: 268

1- . مجادله / 5 - 21

است. آیا ندانسته ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند؟ هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست، و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست، و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست. آن گاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده اند آگاه خواهد گردانید، زیرا خدا به هر چیزی داناست.آیا کسانی را که از نجوا منع شده بودند، ندیدی که باز بدانچه از آن منع گردیده اند، برمی گردند و با همدیگر به [منظور] گناه و تعدّی و سرپیچی از پیامبر، محرمانه گفتگو می کنند و چون به نزد تو آیند، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] سلام نگفته سلام می دهند و در دلهای خود می گویند: «چرا به آنچه می گوییم خدا ما را عذاب نمی کند؟» جهنّم برای آنان کافی است در آن درمی آیند، و چه بد سرانجامی است. ای کسانی که ایمان آورده اید، چون با یکدیگر محرمانه گفتگو می کنید، به [قصد] گناه و تعدّی و نافرمانی پیامبر با همدیگر محرمانه گفتگو نکنید، و به نیکوکاری و پرهیزگاری نجوا کنید، و از خدایی که نزد او محشور خواهید گشت پروا دارید. چنان نجوایی صرفاً از [القائات] شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند دلتنگ گرداند، و [لی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی رساند، و مؤمنان باید بر خدا اعتماد کنند. ای کسانی که ایمان آورده اید، چون به شما گفته شود: «در مجالس جای باز کنید»، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند، و چون گفته شود: «برخیزید»، پس برخیزید. تا خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. ای کسانی که ایمان آورده اید، هر گاه با پیامبر [خدا] گفتگوی محرمانه می کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه ای تقدیم بدارید. این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه تر است و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. آیا ترسیدید که پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه هایی تقدیم دارید؟ و چون نکردید و خدا [هم] بر شما بخشود، پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. آیا ندیده ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خدایند به دوستی گرفته اند؟ آنها نه از شمایند و نه از ایشان، و به دروغ سوگند یاد می کنند و خودشان

[هم] می دانند. خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. راستی که چه بد می کردند. سوگندهای خود را [چون] سپری قرار داده بودند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند و [در نتیجه] برای آنان عذابی خفّت آور است. در برابر خداوند نه از اموالشان و نه از اولادشان هرگز کاری ساخته نیست. آنها دوزخی اند [و] در آن جاودانه [می مانند]. روزی که خدا همه آنان را برمی انگیزد، همان گونه که برای شما سوگند یاد می کردند برای او [نیز] سوگند یاد می کنند و چنان پندارند که حقّ به جانب آنهاست. آگاه باش که آنان همان دروغگویانند. شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند. در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی خیزند، آنان در [زمره] زبونان خواهند بود.خدا مقرّر کرده است که: «حتماً من و فرستادگانم چیره خواهیم گردید.» آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است. }

- «قَدْ کانَتْ لَکُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فی إِبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ إِذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآؤُا مِنْکُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ کَفَرْنا بِکُمْ وَ بَدا بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمُ الْعَداوَةُ وَ الْبَغْضاءُ أَبَداً حَتَّی تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلاَّ قَوْلَ إِبْراهیمَ لِأَبیهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَکَ وَ ما أَمْلِکُ لَکَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَیْ ءٍ رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ إِلَیْکَ أَنَبْنا وَ إِلَیْکَ الْمَصیرُ *رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذینَ کَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنا رَبَّنا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *لَقَدْ کانَ لَکُمْ فیهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ کانَ یَرْجُوا اللَّهَ وَ الْیَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ یَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمیدُ *عَسَی اللَّهُ أَنْ یَجْعَلَ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ الَّذینَ عادَیْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَ اللَّهُ قَدیرٌ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ *لا یَنْهاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذینَ لَمْ یُقاتِلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ لَمْ یُخْرِجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَیْهِمْ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْمُقْسِطینَ *إِنَّما یَنْهاکُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذینَ قاتَلُوکُمْ فِی الدِّینِ وَ أَخْرَجُوکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ وَ ظاهَرُوا عَلی إِخْراجِکُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا جاءَکُمُ الْمُؤْمِناتُ مُهاجِراتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإیمانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ فَلا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَی الْکُفَّارِ لا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَ لا هُمْ یَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ آتُوهُمْ ما أَنْفَقُوا وَ لا جُناحَ عَلَیْکُمْ أَنْ تَنْکِحُوهُنَّ إِذا آتَیْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَ لا تُمْسِکُوا بِعِصَمِ الْکَوافِرِ وَ سْئَلُوا ما أَنْفَقْتُمْ وَ لْیَسْئَلُوا ما أَنْفَقُوا ذلِکُمْ حُکْمُ اللَّهِ یَحْکُمُ بَیْنَکُمْ وَ اللَّهُ عَلیمٌ حَکیمٌ *وَ إِنْ فاتَکُمْ شَیْ ءٌ مِنْ أَزْواجِکُمْ إِلَی الْکُفَّارِ فَعاقَبْتُمْ فَآتُوا

الَّذینَ ذَهَبَتْ أَزْواجُهُمْ مِثْلَ ما أَنْفَقُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذی أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ *یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِذا جاءَکَ الْمُؤْمِناتُ یُبایِعْنَکَ عَلی أَنْ لا یُشْرِکْنَ بِاللَّهِ شَیْئاً وَ لا یَسْرِقْنَ وَ لا یَزْنینَ وَ لا یَقْتُلْنَ أَوْلادَهُنَّ وَ لا یَأْتینَ بِبُهْتانٍ یَفْتَرینَهُ بَیْنَ أَیْدیهِنَّ وَ أَرْجُلِهِنَّ وَ لا یَعْصینَکَ فی مَعْرُوفٍ فَبایِعْهُنَّ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوا مِنَ الْآخِرَهِ کَما یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ.» (1)

{قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آن گاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.» جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا] پدر [ی] خود [گفت:] «حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست، با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم.» «ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو بازگشتیم و فرجام به سوی توست. پروردگارا، ما را وسیله آزمایش [و آماج آزار] برای کسانی که کفر ورزیده اند مگردان، و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده کاری.» قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می بندد. و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی نیاز ستوده [صفات] است. امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است. [امّا] خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می دارد. فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند.ای کسانی که ایمان آورده اید، چون زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند آنان را بیازمایید. خدا به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را باایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید: نه آن زنان بر ایشان

1- . ممتحنه / 4 - 13

حلالند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال. و هر چه خرج [این زنان] کرده اند به [شوهران] آنها بدهید، و بر شما گناهی نیست که- در صورتی که مهرشان را به آنان بدهید- با ایشان ازدواج کنید، و به پیوندهای قبلی کافران متمسّک نشوید [و پایبند نباشید] و آنچه را شما [برای زنان مرتد و فراریِ خود که به کفّار پناهنده شده اند] خرج کرده اید، [از کافران] مطالبه کنید، و آنها هم باید آنچه را خرج کرده اند [از شما] مطالبه کنند. این حکمِ خداست [که] میان شما داوری می کند، و خدا دانای حکیم است. و در صورتی که [زنی] از همسران شما به سوی کفّار رفت [و کفّار مِهر مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمت یافتید پس به کسانی که همسرانشان رفته اند، معادل آنچه خرج کرده اند بدهید، و از آن خدایی که به او ایمان دارید بترسید. ای پیامبر، چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه های حرامزاده ای را که پس انداخته اند با بُهتان [و حیله] به شوهر نبندند، و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است.ای کسانی که ایمان آورده اید، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی مگیرید. آنها واقعاً از آخرت سلب امید کرده اند، همان گونه که کافرانِ اهل گور قطع امید نموده اند. }

- «وَ إِذْ قالَ عیسَی ابْنُ مَرْیَمَ یا بَنی إِسْرائیلَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیَّ مِنَ التَّوْراهِ وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأْتی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جاءَهُمْ بِالْبَیِّناتِ قالُوا هذا سِحْرٌ مُبینٌ *وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَری عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ هُوَ یُدْعی إِلَی الْإِسْلامِ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمینَ *یُریدُونَ لِیُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ *هُوَ الَّذی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ.» (1)

{و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او «احمد» است بشارتگرم.» پس وقتی برای

1- . صف / 6 - 9

آنان دلایل روشن آورد، گفتند: «این سحری آشکار است.» و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی اسلام فراخوانده می شود، بر خدا دروغ می بندد؟ و خدا مردم ستمگر را راه نمی نماید. می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گر چه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید. اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. }

- «هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ *وَ آخَرینَ مِنْهُمْ لَمَّا یَلْحَقُوا بِهِمْ وَ هُوَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ *ذلِکَ فَضْلُ اللَّهِ یُؤْتیهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظیمِ *مَثَلُ الَّذینَ حُمِّلُوا التَّوْراهَ ثُمَّ لَمْ یَحْمِلُوها کَمَثَلِ الْحِمارِ یَحْمِلُ أَسْفاراً بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمینَ *قُلْ یا أَیُّهَا الَّذینَ هادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّکُمْ أَوْلِیاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *وَ لا یَتَمَنَّوْنَهُ أَبَداً بِما قَدَّمَتْ أَیْدیهِمْ وَ اللَّهُ عَلیمٌ بِالظَّالِمینَ *قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذی تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلاقیکُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلی عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.» (1)

{اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و [نیز بر جماعتهایی] دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته اند. و اوست ارجمند سنجیده کار. این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بسیار است. مَثَل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلّف گردیدند] آن گاه آن را به کار نبستند، همچون مَثَلِ خری است که کتابهایی را بر پشت می کشد. [وه] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی نماید. بگو: «ای کسانی که یهودی شده اید، اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس اگر راست می گویید درخواست مرگ کنید.» و [لی] هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده اند، آرزو نخواهند کرد، و خدا به [حال] ستمگران

1- . جمعه / 2 - 8

داناست. بگو: «آن مرگی که از آن می گریزید، قطعاً به سر وقت شما می آید آن گاه به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانیده خواهید شد، و به آنچه [در روی زمین] می کردید، آگاهتان خواهد کرد.» }

- «إِذا جاءَکَ الْمُنافِقُونَ قالُوا نَشْهَدُ إِنَّکَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَ اللَّهُ یَعْلَمُ إِنَّکَ لَرَسُولُهُ وَ اللَّهُ یَشْهَدُ إِنَّ الْمُنافِقینَ لَکاذِبُونَ *اتَّخَذُوا أَیْمانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبیلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ ساءَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ *ذلِکَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ کَفَرُوا فَطُبِعَ عَلی قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لا یَفْقَهُونَ *وَ إِذا رَأَیْتَهُمْ تُعْجِبُکَ أَجْسامُهُمْ وَ إِنْ یَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ کَأَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ یَحْسَبُونَ کُلَّ صَیْحَةٍ عَلَیْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّی یُؤْفَکُونَ *وَ إِذا قیلَ لَهُمْ تَعالَوْا یَسْتَغْفِرْ لَکُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَ رَأَیْتَهُمْ یَصُدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَکْبِرُونَ *سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ یَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقینَ *هُمُ الَّذینَ یَقُولُونَ لا تُنْفِقُوا عَلی مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّی یَنْفَضُّوا وَ لِلَّهِ خَزائِنُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنَّ الْمُنافِقینَ لا یَفْقَهُونَ *یَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنا إِلَی الْمَدینَهِ لَیُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَ لِلَّهِ الْعِزَّهُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنینَ وَ لکِنَّ الْمُنافِقینَ لا یَعْلَمُونَ *یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تُلْهِکُمْ أَمْوالُکُمْ وَ لا أَوْلادُکُمْ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ *وَ أَنْفِقُوا مِنْ ما رَزَقْناکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ فَیَقُولَ رَبِّ لَوْ لا أَخَّرْتَنی إِلی أَجَلٍ قَریبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَکُنْ مِنَ الصَّالِحینَ *وَ لَنْ یُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْساً إِذا جاءَ أَجَلُها وَ اللَّهُ خَبیرٌ بِما تَعْمَلُونَ.» (1)

{چون منافقان نزد تو آیند گویند: «گواهی می دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی.» و خدا [هم] می داند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خدا گواهی می دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند. سوگندهای خود را [چون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه خدا بازداشته اند. راستی که آنان چه بد می کنند. این بدان سبب است که آنان ایمان آورده، سپس به انکار پرداخته اند و در نتیجه بر دلهایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی فهمند. و چون آنان را ببینی، هیکلهایشان تو را به تعجّب وامی دارد، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می دهی گویی آنان شمعک هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش

1- . منافقون / 1 - 11

می پندارند. خودشان دشمنند از آنان بپرهیز خدا بکشدشان تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته اند. و چون بدیشان گفته شود: «بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد»، سرهای خود را بر می گردانند، و آنان را می بینی که تکبّرکنان روی برمی تابند.برای آنان یکسان است: چه بر ایشان آمرزش بخواهی یا بر ایشان آمرزش نخواهی، خدا هرگز بر ایشان نخواهد بخشود. خدا فاسقان را راهنمایی نمی کند.آنان کسانی اند که می گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند، و حال آنکه گنجینه های آسمانها و زمین از آنِ خداست ولی منافقان درنمی یابند. می گویند: «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آنکه عزّتمندتر است آن زبون تر را از آنجا بیرون خواهد کرد.» و [لی] عزّت از آنِ خدا و از آنِ پیامبر او و از آنِ مؤمنان است لیکن این دورویان نمی دانند. ای کسانی که ایمان آورده اید، [زنهار] اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نگرداند، و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند. و از آنچه روزیِ شما گردانیده ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدّتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟» و [لی] هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی افکند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. }

- «أَ لَمْ یَأْتِکُمْ نَبَأُ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذاقُوا وَبالَ أَمْرِهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ *ذلِکَ بِأَنَّهُ کانَتْ تَأْتیهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَقالُوا أَ بَشَرٌ یَهْدُونَنا فَکَفَرُوا وَ تَوَلَّوْا وَ اسْتَغْنَی اللَّهُ وَ اللَّهُ غَنِیٌّ حَمیدٌ *زَعَمَ الَّذینَ کَفَرُوا أَنْ لَنْ یُبْعَثُوا قُلْ بَلی وَ رَبِّی لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِما عَمِلْتُمْ وَ ذلِکَ عَلَی اللَّهِ یَسیرٌ *فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذی أَنْزَلْنا وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیرٌ *یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لِیَوْمِ الْجَمْعِ ذلِکَ یَوْمُ التَّغابُنِ وَ مَنْ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ یَعْمَلْ صالِحاً یُکَفِّرْ عَنْهُ سَیِّئاتِهِ وَ یُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها أَبَداً ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظیمُ *وَ الَّذینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ خالِدینَ فیها وَ بِئْسَ الْمَصیرُ *ما أَصابَ مِنْ مُصیبَهٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ یَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ *وَ أَطیعُوا اللَّهَ وَ أَطیعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّیْتُمْ فَإِنَّما عَلی رَسُولِنَا الْبَلاغُ الْمُبینُ.» (1)

1- . تغابن / 5 - 12

{آیا خبر کسانی که پیش از این کفر ورزیدند، و فرجام بَدِ کارشان را چشیدند و عذاب پردردی خواهند داشت، به شما نرسیده است؟ این [بدفرجامی] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار بر ایشان می آوردند و [لی] آنان [می] گفتند: «آیا بشری ما را هدایت می کند؟» پس کافر شدند و روی گردانیدند و خدا بی نیازی نمود، و خدا بی نیاز ستوده است.کسانی که کفر ورزیدند، پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: «آری، سوگند به پروردگارم، حتماً برانگیخته خواهید شد، سپس شما را به [حقیقت] آنچه کرده اید قطعاً واقف خواهند ساخت، و این بر خدا آسان است.» پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فروفرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. روزی که شما را برای روز گردآوری، گرد می آورد، آن [روز]، روز حسرت [خوردن] است، و هر کس به خدا ایمان آورده، و کار شایسته ای کرده باشد، بدیهایش را از او بسترد، و او را در بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد. در آنجا بمانند. این است همان کامیابی بزرگ.و کسانی که کفر ورزیده، و آیات ما را تکذیب کرده اند، آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگار خواهند بود، و چه بد سرانجامی است. هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد، و کسی که به خدا بگرود، دلش را به راه آورَد، و خدا [ست که] به هر چیزی داناست. و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام رسانیِ آشکار است.}

- «وَ الَّذینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ خالِدینَ فیها وَ بِئْسَ الْمَصیرُ *ما أَصابَ مِنْ مُصیبَةٍ إِلاَّ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ یَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلیمٌ.» (1)

{خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید. راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است: پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون بَرد، و هر کس به خدا بگرود و کار شایسته کند او را در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها

1- . طلاق / 10 - 11

روان است، درمی آورد، جاودانه در آن می مانند. قطعاً خدا روزی را برای او خوش کرده است. }

- «هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا فی مَناکِبِها وَ کُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَیْهِ النُّشُورُ *أَ أَمِنْتُمْ مَنْ فِی السَّماءِ أَنْ یَخْسِفَ بِکُمُ الْأَرْضَ فَإِذا هِیَ تَمُورُ *أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِی السَّماءِ أَنْ یُرْسِلَ عَلَیْکُمْ حاصِباً فَسَتَعْلَمُونَ کَیْفَ نَذیرِ *وَ لَقَدْ کَذَّبَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَکَیْفَ کانَ نَکیرِ *أَ وَ لَمْ یَرَوْا إِلَی الطَّیْرِ فَوْقَهُمْ صافَّاتٍ وَ یَقْبِضْنَ ما یُمْسِکُهُنَّ إِلاَّ الرَّحْمنُ إِنَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ بَصیرٌ *أَمَّنْ هذَا الَّذی هُوَ جُنْدٌ لَکُمْ یَنْصُرُکُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمنِ إِنِ الْکافِرُونَ إِلاَّ فی غُرُورٍ *أَمَّنْ هذَا الَّذی یَرْزُقُکُمْ إِنْ أَمْسَکَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فی عُتُوٍّ وَ نُفُورٍ *أَ فَمَنْ یَمْشی مُکِبًّا عَلی وَجْهِهِ أَهْدی أَمَّنْ یَمْشی سَوِیًّا عَلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ *قُلْ هُوَ الَّذی أَنْشَأَکُمْ وَ جَعَلَ لَکُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ الْأَفْئِدَهَ قَلیلاً ما تَشْکُرُونَ *قُلْ هُوَ الَّذی ذَرَأَکُمْ فِی الْأَرْضِ وَ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ *وَ یَقُولُونَ مَتی هذَا الْوَعْدُ إِنْ کُنْتُمْ صادِقینَ *قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَ إِنَّما أَنَا نَذیرٌ مُبینٌ *فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَهً سیئَتْ وُجُوهُ الَّذینَ کَفَرُوا وَ قیلَ هذَا الَّذی کُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ *قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَهْلَکَنِیَ اللَّهُ وَ مَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنا فَمَنْ یُجیرُ الْکافِرینَ مِنْ عَذابٍ أَلیمٍ *قُلْ هُوَ الرَّحْمنُ آمَنَّا بِهِ وَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْنا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فی ضَلالٍ مُبینٍ *قُلْ أَ رَأَیْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأْتیکُمْ بِماءٍ مَعینٍ.» (1)

{اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سویِ اوست. آیا از آن کس که در آسمان است ایمن شده اید که شما را در زمین فروبرد، پس بناگاه [زمین] به تپیدن افتد؟ یا از آن کس که در آسمان است ایمن شده اید که بر [سر] شما تندبادی از سنگریزه فروفرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است! و پیش از آنان [نیز] کسانی به تکذیب پرداختند پس عذاب من چگونه بود؟ آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته اند [که گاه] بال می گسترند و [گاه] بال می زنند؟ جز خدای رحمان [کسی] آنها را نگاه نمی دارد، او به هر چیزی بیناست. یا آن کسی که خود برای شما [چون] سپاهی است که یاریتان می کند، جز خدای رحمان کیست؟

-1 . ملک / 15 - 30

کافران جز گرفتار فریب نیستند. یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] بازدارد؟ [نه]! بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند. پس آیا آن کس که نگونسار راه می پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می رود؟ بگو: «اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاس گزارید.» بگو: «اوست که شما را در زمین پراکنده کرده، و به نزد او [ست که] گرد آورده خواهید شد.» و می گویند: «اگر راست می گویید، این وعده کی خواهد بود؟» بگو: «علم [آن] فقط پیش خداست و من صرفاً هشدار دهنده ای آشکارم.» و آن گاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره های کسانی که کافر شده اند در هم رود، و گفته شود: «این است همان چیزی که آن را فرا می خواندید!» بگو: «به من خبر دهید، اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذابی پردرد پناه خواهد داد؟» بگو: «اوست خدای بخشایشگر، به او ایمان آوردیم، و بر او توکّل کردیم. و به زودی خواهید دانست چه کسی است که خود در گمراهی آشکاری است.»بگو: «به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟» }

- «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ *ما أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ *وَ إِنَّ لَکَ لَأَجْراً غَيْرَ مَمْنُونٍ *وَ إِنَّکَ لَعَلى خُلُقٍ عَظيمٍ *فَسَتُبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ *بِأَيِّکُمُ الْمَفْتُونُ *إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ *فَلا تُطِعِ الْمُکَذِّبينَ *وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ *وَ لا تُطِعْ کُلَّ حَلاَّفٍ مَهينٍ *هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَميمٍ *مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثيمٍ *عُتُلٍّ بَعْدَ ذلِکَ زَنيمٍ *أَنْ کانَ ذا مالٍ وَ بَنينَ *إِذا تُتْلى عَلَيْهِ آياتُنا قالَ أَساطيرُ الْأَوَّلينَ *سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ *إِنَّا بَلَوْناهُمْ کَما بَلَوْنا أَصْحابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّها مُصْبِحينَ *وَ لا يَسْتَثْنُونَ *فَطافَ عَلَيْها طائِفٌ مِنْ رَبِّکَ وَ هُمْ نائِمُونَ *فَأَصْبَحَتْ کَالصَّريمِ *فَتَنادَوْا مُصْبِحينَ *أَنِ اغْدُوا عَلى حَرْثِکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صارِمينَ *فَانْطَلَقُوا وَ هُمْ يَتَخافَتُونَ *أَنْ لا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْکُمْ مِسْکينٌ *وَ غَدَوْا عَلى حَرْدٍ قادِرينَ *فَلَمَّا رَأَوْها قالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ *بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ *قالَ أَوْسَطُهُمْ أَ لَمْ أَقُلْ لَکُمْ لَوْ لا تُسَبِّحُونَ *قالُوا سُبْحانَ رَبِّنا إِنَّا کُنَّا ظالِمينَ *فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلى بَعْضٍ

يَتَلاوَمُونَ *قالُوا يا وَيْلَنا إِنَّا كُنَّا طاغينَ *عَسى رَبُّنا أَنْ يُبْدِلَنا خَيْراً مِنْها إِنَّا إِلى رَبِّنا راغِبُونَ *كَذلِکَ الْعَذابُ وَ لَعَذابُ الْآخِرَهِ أَكْبَرُ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ *إِنَّ لِلْمُتَّقينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعيمِ *أَ فَنَجْعَلُ الْمُسْلِمينَ كَالْمُجْرِمينَ *ما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ *أَمْ لَكُمْ كِتابٌ فيهِ تَدْرُسُونَ *إِنَّ لَكُمْ فيهِ لَما تَخَيَّرُونَ *أَمْ لَكُمْ أَيْمانٌ عَلَيْنا بالِغَهٌ إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ إِنَّ لَكُمْ لَما تَحْكُمُونَ *سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذلِکَ زَعيمٌ *أَمْ لَهُمْ شُرَكاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكائِهِمْ إِنْ كانُوا صادِقينَ *يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ ساقٍ وَ يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلا يَسْتَطيعُونَ *خاشِعَهً أَبْصارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّهٌ وَ قَدْ كانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سالِمُونَ *فَذَرْنى وَ مَنْ يُكَذِّبُ بِهذَا الْحَديثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لا يَعْلَمُونَ *وَ أُمْلي لَهُمْ إِنَّ كَيْدى مَتينٌ *أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْراً فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ *أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ *فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّکَ وَ لا تَكُنْ كَصاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نادى وَ هُوَ مَكْظُومٌ *لَوْ لا أَنْ تَدارَكَهُ نِعْمَهٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَراءِ وَ هُوَ مَذْمُومٌ *فَاجْتَباهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحينَ *وَ إِنْ يَكادُ الَّذينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَ يَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ *وَ ما هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِلْعالَمينَ.» (1)

{نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، [که] تو، به لطف پروردگارت، دیوانه نیستی. و بی گمان، تو را پاداشی بی منّت خواهد بود. و راستی که تو را خویی والاست !به زودی خواهی دید و خواهند دید، [که] کدام یک از شما دستخوش جنونید.پروردگارت خود بهتر می داند چه کسی از راه او منحرف شده، و [هم] او به راه یافتگان داناتر است. پس، از دروغزنان فرمان مبر. دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند.و از هر قَسَم خورنده فرومایه ای فرمان مبر: [که] عیبجوست و برای خبرچینی گام برمی دارد، مانع خیر، متجاوز، گناه پیشه، گستاخ، [و] گذشته از آن زنازاده است، به صرف اینکه مالدار و پسر دار است، چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: «افسانه های پیشینیان است.» زودا که بر بینی اش داغ نهیم [و رسوایش کنیم]. ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم، آن گاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند. و [لی] «ان شاء اللّه» نگفتند. پس در حالی که آنان غنوده بودند، بلایی از جانب

1- . قلم / 1 - 52

پروردگارت بر آن [باغ] به گردش درآمد. و [باغ،] آفت زده [و زمین بایر] گردید. پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند، که: «اگر میوه می چینید، بامدادان به سوی کشت خویش روید.» پس به راه افتادند و آهسته به هم می گفتند «که: امروز نباید در باغ بینوایی بر شما درآید.» و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع [بینوایان] توانا می دیدند، رفتند. و چون [باغ] را دیدند، گفتند: «قطعاً ما راه گم کرده ایم.

[نه!] بلکه ما محرومیم.» خردمندترینشان گفت: «آیا به شما نگفتم: چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟» گفتند: «پروردگارا، تو را به پاکی می ستاییم، ما واقعاً ستمگر بودیم.» پس بعضی شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند. گفتند: «ای وای بر ما که سرکش بوده ایم! امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد، زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم. عذاب [دنیا] چنین است، و عذاب آخرت، اگر می دانستند قطعاً بزرگتر خواهد بود. برای پرهیزگاران، نزد پروردگارشان باغستانهای پرناز و نعمت است.پس آیا فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد؟ شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟ یا شما را کتابی هست که در آن فرا می گیرید، که هر چه را برمی گزینید، برای شما در آن خواهد بود؟ یا اینکه شما تا روز قیامت [از ما] سوگندهایی رسا گرفته اید که هر چه دلتان خواست حکم کنید؟ از آنان بپرس: کدامشان ضامن این [ادّعا] یند؟ یا شریکانی دارند؟ پس اگر راست می گویند شریکانشان را بیاورند. روزی که کار، زار [و رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خود توانایی نیابند. دیدگانشان به زیر افتاده، خواری آنان را فرو می گیرد، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می شدند و تندرست بودند. پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می کند واگذار. به تدریج آنان را به گونه ای که در نیابند [گریبان] خواهیم گرفت، و مهلتشان می دهم، زیرا تدبیر من [سخت] استوار است.آیا از آنان مزدی درخواست می کنی، و آنان خود را زیر بار تاوان، گرانبار می یابند؟ یا [علم] غیب پیش آنهاست و آنها می نویسند؟ پس در [امتثال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز، و مانند همدم ماهی [یونس] مباش آن گاه که اندوه زده ندا درداد. اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک [حالِ] او نمی کرد، قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می شد. پس پروردگارش وی را برگزید

و از شایستگانش گردانید. و آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: «او واقعاً دیوانه ای است.» و حال آنکه [قرآن] جز تذکاری برای جهانیان نیست.}

- «فَلا أُقْسِمُ بِما تُبْصِرُونَ *وَ ما لا تُبْصِرُونَ *إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ کَرِیمٍ *وَ ما هُوَ بِقَوْلِ شاعِرٍ قَلِیلاً ما تُؤْمِنُونَ *وَ لا بِقَوْلِ کاهِنٍ قَلِیلاً ما تَذَکَّرُونَ *تَنْزِیلٌ مِنْ رَبِّ الْعالَمِینَ *وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا بَعْضَ الْأَقاوِیلِ *لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمِینِ *ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِینَ *فَما مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حاجِزِینَ *وَ إِنَّهُ لَتَذْکِرَةٌ لِلْمُتَّقِینَ *وَ إِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْکُمْ مُکَذِّبِینَ *وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکافِرِینَ *وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْیَقِینِ *فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ.» (1)

{پس نه [چنان است که می پندارید]، سوگند یاد می کنم به آنچه می بینید، و آنچه نمی بینید، که [قرآن] قطعاً گفتار فرستاده ای بزرگوار است. و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید. و نه گفتار کاهنی [که] کمتر [از آن] پند می گیرید. [پیام] فرودآمده ای است از جانب پروردگار جهانیان. و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره می کردیم، و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی شد. و در حقیقت، [قرآن] تذکاری برای پرهیزگاران است. و ما به راستی می دانیم که از [میان] شما تکذیب کنندگانی هستند. و آن واقعاً بر کافران حسرتی است. و این [قرآن]، بی شبهه، حقیقتی یقینی است. پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی.}

- «الَّذِینَ هُمْ عَلی صَلاتِهِمْ دائِمُونَ.» (2)

{همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند.}

- «وَ قالُوا لا تَذَرُنَّ آلِهَتَکُمْ وَ لا تَذَرُنَّ وَدًّا وَ لا سُواعاً وَ لا یَغُوثَ وَ یَعُوقَ وَ نَسْراً.»

{و گفتند: زنهار، خدایان خود را رها مکنید، و نه «وَدّ» را واگذارید و نه «سُواع» و نه «یَغُوث» و نه «یَعُوق» و نه «نَسْر» را.} (3)

1- . حاقه / 38 - 52
2- . معارج / 23
3- . نوح / 23

- «قُلْ إِنَّما أَدْعُوا رَبِّی وَ لا أُشْرِکُ بِهِ أَحَداً *قُلْ إِنِّی لا أَمْلِکُ لَکُمْ ضَرًّا وَ لا رَشَداً *قُلْ إِنِّی لَنْ یُجیرَنی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً *إِلاَّ بَلاغاً مِنَ اللَّهِ وَ رِسالاتِهِ وَ مَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدینَ فیها أَبَداً *حَتَّی إِذا رَأَوْا ما یُوعَدُونَ فَسَیَعْلَمُونَ مَنْ أَضْعَفُ ناصِراً وَ أَقَلُّ عَدَداً *قُلْ إِنْ أَدْری أَ قَریبٌ ما تُوعَدُونَ أَمْ یَجْعَلُ لَهُ رَبِّی أَمَداً *عالِمُ الْغَیْبِ فَلا یُظْهِرُ عَلی غَیْبِهِ أَحَداً *إِلاَّ مَنِ ارْتَضی مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ یَسْلُکُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَداً *لِیَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسالاتِ رَبِّهِمْ وَ أَحاطَ بِما لَدَیْهِمْ وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً.» (1)

{بگو: «من تنها پروردگار خود را می خوانم و کسی را با او شریک نمی گردانم.» بگو: «من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم.» بگو: «هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی یابم. [وظیفه من] تنها ابلاغی از خدا و [رساندن] پیامهای اوست.» و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند. [باش] تا آنچه را وعده داده می شوند ببینند، آن گاه دریابند که یاورِ چه کسی ضعیف تر و کدام یک شماره اش کمتر است. بگو: «نمی دانم آنچه را که وعده داده شده اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟» دانای نهان است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی کند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت، تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده اند و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است. }

- «وَ اذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ وَ تَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتیلاً *رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَکیلاً *وَ اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمیلاً *وَ ذَرْنی وَ الْمُکَذِّبینَ أُولِی النَّعْمَهِ وَ مَهِّلْهُمْ قَلیلاً *إِنَّ لَدَیْنا أَنْکالاً وَ جَحیماً *وَ طَعاماً ذا غُصَّهٍ وَ عَذاباً أَلیماً *یَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ الْجِبالُ وَ کانَتِ الْجِبالُ کَثیباً مَهیلاً *إِنَّا أَرْسَلْنا إِلَیْکُمْ رَسُولاً شاهِداً عَلَیْکُمْ کَما أَرْسَلْنا إِلی فِرْعَوْنَ رَسُولاً *فَعَصی فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْناهُ أَخْذاً

1- . جن / 20 - 28

وَبیلاً *فَکَیْفَ تَتَّقُونَ إِنْ کَفَرْتُمْ یَوْماً یَجْعَلُ الْوِلْدانَ شیباً *السَّماءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ کانَ وَعْدُهُ مَفْعُولاً *إِنَّ هذِهِ تَذْکِرَةٌ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلی رَبِّهِ سَبیلاً.» (1)

{و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز. [اوست] پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کارساز خویش اختیار کن. و بر آنچه می گویند شکیبا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر. و مرا با تکذیب کنندگانِ توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده. در حقیقت پیش ما زنجیرها و دوزخ، و غذایی گلوگیر و عذابی پردرد است. روزی که زمین و کوه ها به لرزه درآیند و کوه ها به سان ریگ روان گردند. بی گمان، ما به سوی شما فرستاده ای که گواه بر شماست روانه کردیم، همان گونه که فرستاده ای به سوی فرعون فرستادیم. [ولی] فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید، پس ما او را به سختی فرو گرفتیم. پس اگر کفر بورزید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می گرداند، پرهیز توانید کرد؟ آسمان از [بیم] آن [روز] در هم شکافد وعده او انجام یافتنی است. قطعاً این [آیات] اندرزی است، تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد.}

- «یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ *قُمْ فَأَنْذِرْ *وَ رَبَّکَ فَکَبِّرْ *وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ *وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ *وَ لا تَمْنُنْ تَسْتَکْثِرُ *وَ لِرَبِّکَ فَاصْبِرْ *فَإِذا نُقِرَ فِی النَّاقُورِ *فَذلِکَ یَوْمَئِذٍ یَوْمٌ عَسیرٌ *عَلَی الْکافِرینَ غَیْرُ یَسیرٍ *ذَرْنی وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحیداً *وَ جَعَلْتُ لَهُ مالاً مَمْدُوداً *وَ بَنینَ شُهُوداً *وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهیداً *ثُمَّ یَطْمَعُ أَنْ أَزیدَ *کَلاَّ إِنَّهُ کانَ لِآیاتِنا عَنیداً *سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً *إِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ *فَقُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ *ثُمَّ قُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ *ثُمَّ نَظَرَ *ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ *ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَکْبَرَ *فَقالَ إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ یُؤْثَرُ *إِنْ هذا إِلاَّ قَوْلُ الْبَشَرِ *سَأُصْلیهِ سَقَرَ *وَ ما أَدْراکَ ما سَقَرُ *لا تُبْقی وَ لا تَذَرُ *لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ *عَلَیْها تِسْعَةَ عَشَرَ *وَ ما جَعَلْنا أَصْحابَ النَّارِ إِلاَّ مَلائِکَةً وَ ما جَعَلْنا عِدَّتَهُمْ إِلاَّ فِتْنَةً لِلَّذینَ کَفَرُوا لِیَسْتَیْقِنَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ یَزْدادَ الَّذینَ آمَنُوا إیماناً وَ لا یَرْتابَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ لِیَقُولَ الَّذینَ فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْکافِرُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً کَذلِکَ یُضِلُّ اللَّهُ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدی مَنْ یَشاءُ وَ ما یَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّکَ إِلاَّ هُوَ وَ ما هِیَ إِلاَّ ذِکْری لِلْبَشَرِ *کَلاَّ وَ الْقَمَرِ *وَ اللَّیْلِ إِذْ أَدْبَرَ *وَ الصُّبْحِ إِذا أَسْفَرَ *إِنَّها

1- . مزمل / 8 - 19

لَإِحْدَى الْکُبَرِ *نَذیراً لِلْبَشَرِ *لِمَنْ شاءَ مِنْکُمْ أَنْ یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ *کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ رَهینَهٌ *إِلاَّ أَصْحابَ الْیَمینِ *فی جَنَّاتٍ یَتَساءَلُونَ *عَنِ الْمُجْرِمینَ *ما سَلَکَکُمْ فی سَقَرَ *قالُوا لَمْ نَکُ مِنَ الْمُصَلِّینَ *وَ لَمْ نَکُ نُطْعِمُ الْمِسْکینَ *وَ کُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخائِضینَ *وَ کُنَّا نُکَذِّبُ بِیَوْمِ الدِّینِ *حَتَّی أَتانَا الْیَقینُ *فَما تَنْفَعُهُمْ شَفاعَهُ الشَّافِعینَ *فَما لَهُمْ عَنِ التَّذْکِرَهِ مُعْرِضینَ *کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَهٌ *فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَهٍ *بَلْ یُریدُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ یُؤْتی صُحُفاً مُنَشَّرَهً *کَلاَّ بَلْ لا یَخافُونَ الْآخِرَهَ *کَلاَّ إِنَّهُ تَذْکِرَهٌ *فَمَنْ شاءَ ذَکَرَهُ *وَ ما یَذْکُرُونَ إِلاَّ أَنْ یَشاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ.» (1)

{ای کشیده ردایِ شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویشتن را پاک کن. و از پلیدی دور شو. و منّت مگذار و فزونی مَطَلب. و برای پروردگارت شکیبایی کن. پس چون در صور دمیده شود، آن روز [چه] روز ناگواری است! بر کافران آسان نیست. مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم واگذار. و دارایی بسیار به او بخشیدم، و پسرانی آماده [به خدمت، دادم]، و برایش [عیش خوش] آماده کردم. باز [هم] طمع دارد که بیفزایم. ولی نه، زیرا او دشمن آیات ما بود. به زودی او را به بالا رفتن از گردنه [عذاب] وادار می کنم. آری، [آن دشمن حقّ] اندیشید و سنجید. کُشته بادا، چگونه [او] سنجید؟ [آری،] کشته بادا، چگونه [او] سنجید. آن گاه نظر انداخت. سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید. آن گاه پشت گردانید و تکبّر ورزید، و گفت: «این [قرآن] جز سحری که [به برخی] آموخته اند نیست. این غیر از سخن بشر نیست.» زودا که او را به سَقَر در آورم. و تو چه دانی که آن سَقَر چیست؟ نه باقی می گذارد و نه رها می کند. پوستها را سیاه می گرداند. [و] بر آن [دوزخ]، نوزده [نگهبان] است. و ما موکّلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم، و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم، تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند، و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد، و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شکّ نیفتند، و تا کسانی که در دلهایشان بیماری است و کافران بگویند: «خدا از این وصف کردن، چه چیزی را اراده کرده است؟» این گونه، خدا هر که را بخواهد بیراه می گذارد و هر که

1- . مدثر / 1 - 56

را بخواهد هدایت می کند، و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند، و این [آیات] جز تذکاری برای بشر نیست. نه چنین است [که می پندارند!] سوگند به ماه، و سوگند به شامگاه چون پشت کند، و سوگند به بامداد چون آشکار شود، که آیات [قرآن] از پدیده های بزرگ است. بشر را هشداردهنده است. هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا بازایستد. هر کسی در گروِ دستاورد خویش است، بجز یاران دست راست: در میان باغها. از یکدیگر می پرسند، درباره مجرمان: «چه چیز شما را در آتش [سَقَر] درآورد؟» گویند: «از نمازگزاران نبودیم، و بینوایان را غذا نمی دادیم، با هرزه درایان هرزه درایی می کردیم، و روز جزا را دروغ می شمردیم، تا مرگ ما در رسید.» و شفاعت شفاعتگران آنها را سود نبخشد! پس چرا از این تذکار رو گردانند؟ به خرانِ رمنده ای مانند: که از پیش شیری گریزان شده است. بلکه هر مردی از ایشان خواهد که نامه هایی سرگشاده دریافت کند. امّا نه چنان است! که از آخرت نمی ترسند. نه چنان است! در حقیقت این (سخن) اندرزی است، تا هر که خواهد، از آن پند گیرد. و [لی] تا خدا نخواهد [از آن] پند نگیرند. اوست سزاوار ترس و سزاوار آمرزش. }

- «لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ *إِنَّ عَلَیْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ *فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ *ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا بَیانَهُ *کَلاّ بَلْ تُحِبُّونَ الْعاجِلَهَ *وَ تَذَرُونَ الْآخِرَهَ.» (1)

{زبانت را [در هنگام وحی] زود بحرکت درنیاور تا در خواندن [قرآن] شتابزدگی بخرج دهی. در حقیقت گردآوردن و خواندن آن بر [عهده] ماست. پس چون آن را برخواندیم [همان گونه] خواندن آن را دنبال کن. سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست! ولی نه! [شما دنیای] زودگذر را دوست دارید، و آخرت را وامی گذارید. }

- «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنا عَلَیْکَ الْقُرْآنَ تَنْزِیلاً *فَاصْبِرْ لِحُکْمِ رَبِّکَ وَ لا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِماً أَوْ کَفُوراً *وَ اذْکُرِ اسْمَ رَبِّکَ بُکْرَهً وَ أَصیلاً *وَ مِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَیْلاً طَویلاً *إِنَّ هؤُلَاءِ یُحِبُّونَ الْعاجِلَهَ وَ یَذَرُونَ وَراءَهُمْ یَوْماً ثَقیلاً *نَحْنُ خَلَقْناهُمْ وَ شَدَدْنا

1- قیامت / 16 - 21

أَسْرَهُمْ وَ إِذا شِئْنا بَدَّلْنا أَمْثالَهُمْ تَبْديلاً *إِنَّ هذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلى رَبِّهِ سَبيلاً.»(1)

{در حقيقت، ما قرآن را بر تو به تدريج فرو فرستاديم. پس در برابر فرمان پروردگارت شكيبايى كن، و از آنان گناهكار يا ناسپاسگزار را فرمان مَبَر. و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان ياد كن. و بخشى از شب را در برابر او سجده كن و شب [هاى] دراز، او را به پاكى بستاى. اينان دنياى زودگذر را دوست دارند، و روزى گرانبار را [به غفلت] پشت سر مى افكنند. ماييم كه آنان را آفريده و پيوند مفاصل آنها را استوار كرده ايم، و چون بخواهيم، [آنان را] به نظايرشان تبديل مى كنيم. اين [آيات،] پندنامه اى است. تا هر كه خواهد، راهى به سوى پروردگار خود پيش گيرد. }

- «أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ ماءٍ مَهينٍ *فَجَعَلْناهُ في قَرارٍ مَكينٍ *إِلى قَدَرٍ مَعْلُومٍ *فَقَدَرْنا فَنِعْمَ الْقادِرُونَ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً *أَحْياءً وَ أَمْواتاً *وَ جَعَلْنا فيها رَواسِيَ شامِخاتٍ وَ أَسْقَيْناكُمْ ماءً فُراتاً *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *انْطَلِقُوا إِلى ما كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ *انْطَلِقُوا إِلى ظِلٍّ ذِي ثَلاثِ شُعَبٍ *لا ظَليلٍ وَ لا يُغْني مِنَ اللَّهَبِ *إِنَّها تَرْمي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ *كَأَنَّهُ جِمالَتٌ صُفْرٌ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *هذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ *وَ لا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *هذا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْناكُمْ وَ الْأَوَّلينَ *فَإِنْ كانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكيدُونِ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *إِنَّ الْمُتَّقينَ في ظِلالٍ وَ عُيُونٍ *وَ فَواكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ *كُلُوا وَ اشْرَبُوا هَنيئاً بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ *إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنينَ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *كُلُوا وَ تَمَتَّعُوا قَليلاً إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *وَ إِذا قيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لا يَرْكَعُونَ *وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ *فَبِأَيِّ حَديثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ.» (2)

{مگر شما را از آبى بى مقدار نيافريديم؟ پس آن را در جايگاهى استوار نهاديم، تا مدّتى معيّن. و توانا آمديم، و چه نيک تواناييم. آن روز واى بر تكذيب كنندگان. مگر زمين را محلّ اجتماع نگردانيديم؟ چه براى مردگان چه

1- . دهر (انسان) / 23 - 29
2- . مرسلات / 20 - 50

زندگان. و کوه های بلند در آن نهادیم و به شما آبی گوارا نوشانیدیم. آن روز وای بر تکذیب کنندگان. بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب می کردید. بروید به سوی [آن] دود سه شاخه، نه سایه دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت می کند. [دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می افکند، گویی شترانی زرد رنگند. آن روز وای بر تکذیب کنندگان. این، روزی است که دَم نمی زنند. و رخصت نمی یابند تا پوزش خواهند. آن روز وای بر تکذیب کنندگان. این [همان] روز داوری است. شما و [جمله] پیشینیان را گرد می آوریم. پس اگر حیلتی دارید، در برابر من بسگالید. آن روز وای بر تکذیب کنندگان. اهل تقوا در زیر سایه ها و بر کنار چشمه سارانند با هر میوه ای که خوش داشته باشند. به [پاداش] آنچه می کردید، بخورید و بیاشامید گواراتان باد. ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. آن روز وای بر تکذیب کنندگان. [ای کافران،] بخورید و اندکی برخوردار شوید که شما گناهکارید. [ولی] آن روز وای بر تکذیب کنندگان. و چون به آنان گفته شود: «رکوع کنید»، به رکوع نمی روند. آن روز وای بر تکذیب کنندگان. پس به کدامین سخن پس از [قرآن] ایمان می آورند؟ }

- «أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهاداً *وَ الْجِبالَ أَوْتاداً *وَ خَلَقْناكُمْ أَزْواجاً *وَ جَعَلْنا نَوْمَكُمْ سُباتاً *وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِباساً *وَ جَعَلْنَا النَّهارَ مَعاشاً *وَ بَنَيْنا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شِداداً *وَ جَعَلْنا سِراجاً وَهَّاجاً *وَ أَنْزَلْنا مِنَ الْمُعْصِراتِ ماءً ثَجَّاجاً *لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَباتاً *وَ جَنَّاتٍ أَلْفافاً *إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كانَ مِيقاتاً *يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً *وَ فُتِحَتِ السَّماءُ فَكانَتْ أَبْواباً *وَ سُيِّرَتِ الْجِبالُ فَكانَتْ سَراباً *إِنَّ جَهَنَّمَ كانَتْ مِرْصاداً *لِلطَّاغِينَ مَآباً *لابِثِينَ فِيها أَحْقاباً *لا يَذُوقُونَ فِيها بَرْداً وَ لا شَراباً *إِلاَّ حَمِيماً وَ غَسَّاقاً *جَزاءً وِفاقاً *إِنَّهُمْ كانُوا لا يَرْجُونَ حِساباً *وَ كَذَّبُوا بِآياتِنا كِذَّاباً *وَ كُلَّ شَيْ ءٍ أَحْصَيْناهُ كِتاباً *فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلاَّ عَذاباً *إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفازاً *حَدائِقَ وَ أَعْناباً *وَ كَواعِبَ أَتْراباً *وَ كَأْساً دِهاقاً *لا يَسْمَعُونَ فِيها لَغْواً وَ لا كِذَّاباً *جَزاءً مِنْ رَبِّكَ عَطاءً حِساباً *رَبِّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُمَا الرَّحْمنِ لا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطاباً *يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلائِكَةُ صَفًّا لا يَتَكَلَّمُونَ إِلاَّ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ قالَ

صَواباً *ذلِکَ الْیَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شاءَ اتَّخَذَ إِلی رَبِّهِ مَآباً *إِنَّا أَنْذَرْناکُمْ عَذاباً قَریباً یَوْمَ یَنْظُرُ الْمَرْءُ ما قَدَّمَتْ یَداهُ وَ یَقُولُ الْکافِرُ یا لَیْتَنی کُنْتُ تُراباً. »(1)

{آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم؟ و کوه ها را [چون] میخهایی [نگذاشتیم]؟ و شما را جفت آفریدیم. و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم. و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم. و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم. و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم. و چراغی فروزان گذاردیم. و از ابرهای متراکم، آبی ریزان فرود آوردیم، تا بدان دانه و گیاه برویانیم، و باغهای درهم پیچیده و انبوه. قطعاً وعدگاه [ما با شما] روز داوری است: روزی که در «صور» دمیده شود، و گروه گروه بیایید و آسمان، گشوده و درهایی [پدید] شود و کوه ها را روان کنند، و [چون] سرابی گردند. [آری،] جهنّم [از دیرباز] کمینگاهی بوده، [که] برای سرکشان، بازگشتگاهی است. روزگاری دراز در آن درنگ کنند. در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی، جز آب جوشان و چرکابه ای. کیفری مناسب [با جُرم آنها]. آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند و آیات ما را سخت تکذیب می کردند. و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده ایم. پس بچشید که جز عذاب، هرگز [چیزی] بر شما نمی افزاییم. مسلّماً پرهیزگاران را رستگاری است: باغچه ها و تاکستانها، و دخترانی همسال با سینه های برجسته، و پیاله های لبالب. در آنجا نه بیهوده ای شنوند، و نه [یکدیگر را] تکذیب [کنند]. [این است] پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب. پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، بخشایشگری که کس را یارای خطاب با او نیست. روزی که «روح» و فرشتگان به صف می ایستند، و [مردم] سخن نگویند، مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد، و سخن راست گوید. آن [روز]، روز حقّ است پس هر که خواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید. ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم: روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد و کافر گوید: «کاش من خاک بودم.» }

1- . نباء / 6 - 40

- «رَفَعَ سَمْکَها فَسَوَّاها *وَ أَغْطَشَ لَيْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها *وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها *أَخْرَجَ مِنْها ماءَها وَ مَرْعاها *وَ الْجِبالَ أَرْساها *مَتاعاً لَکُمْ وَ لِأَنْعامِکُمْ *فَإِذا جاءَتِ الطَّامَّهُ الْکُبْری *يَوْمَ يَتَذَکَّرُ الْإِنْسانُ ما سَعی *وَ بُرِّزَتِ الْجَحيمُ لِمَنْ يَری *فَأَمَّا مَنْ طَغی *وَ آثَرَ الْحَياهَ الدُّنْيا *فَإِنَّ الْجَحيمَ هِیَ الْمَأْوی *وَ أَمَّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوی *فَإِنَّ الْجَنَّهَ هِیَ الْمَأْوی *يَسْئَلُونَکَ عَنِ السَّاعَهِ أَيَّانَ مُرْساها *فيمَ أَنْتَ مِنْ ذِکْراها *إِلی رَبِّکَ مُنْتَهاها *إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشاها *کَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَها لَمْ يَلْبَثُوا إِلاَّ عَشِيَّهً أَوْ ضُحاها.» (1)

{سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معين] درست کرد، و شَبَش را تيره و روزش را آشکار گردانيد، و پس از آن، زمين را با غلتانيدن گسترد، آبش و چراگاهش را از آن بيرون آورد، و کوه ها را لنگر آن گردانيد، [تا وسيله] استفاده براى شما و دامهايتان باشد. پس آن گاه که آن هنگامه بزرگ دررَسَد، [آن] روز است که انسان آنچه را که در پى آن کوشيده است به ياد آوَرَد و جهنّم براى هر که بيند آشکار گردد. اما هر که طغيان کرد، و زندگى پستِ دنيا را برگزيد، پس جايگاه او همان آتش است. و امّا کسى که از ايستادن در برابر پروردگارش هراسيد، و نفس [خود] را از هوس باز داشت، پس جايگاه او همان بهشت است. در باره رستاخيز از تو مى پُرسند که فرارسيدنش چه وقت است؟ تو را چه به گفتگو در آن. علم آن با پروردگار تو است. تو فقط کسى را که از آن مى ترسد هشدار مى دهى. روزى که آن را مى بينند، گويى که آنان جز شبى يا روزى درنگ نکرده اند.}

- «عَبَسَ وَ تَوَلَّی *أَنْ جاءَهُ الْأَعْمی *وَ ما يُدْريکَ لَعَلَّهُ يَزَّکَّی *أَوْ يَذَّکَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّکْری *أَمَّا مَنِ اسْتَغْنی *فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّی *وَ ما عَلَيْکَ أَلاَّ يَزَّکَّی *وَ أَمَّا مَنْ جاءَکَ يَسْعی *وَ هُوَ يَخْشی *فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّی *کَلاَّ إِنَّها تَذْکِرَهٌ *فَمَنْ شاءَ ذَکَرَهُ *فی صُحُفٍ مُکَرَّمَهٍ *مَرْفُوعَهٍ مُطَهَّرَهٍ *بِأَيْدی سَفَرَهٍ *کِرامٍ بَرَرَهٍ *قُتِلَ الْإِنْسانُ ما أَکْفَرَهُ *مِنْ أَیِّ شَیْ ءٍ خَلَقَهُ *مِنْ نُطْفَهٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ *ثُمَّ السَّبيلَ يَسَّرَهُ *ثُمَّ أَماتَهُ فَأَقْبَرَهُ *ثُمَّ إِذا شاءَ أَنْشَرَهُ *کَلاَّ لَمَّا يَقْضِ ما أَمَرَهُ *فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسانُ إِلی طَعامِهِ *أَنَّا صَبَبْنَا الْماءَ صَبًّا *ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا *فَأَنْبَتْنا فيها حَبًّا *وَ عِنَباً وَ قَضْباً *وَ زَيْتُوناً

1- . نازعات / 28 - 46

وَ نَخْلاً *وَ حَدائِقَ غُلْباً *وَ فاكِهَةً وَ أَبًّا *مَتاعاً لَكُمْ وَ لِأَنْعامِكُمْ *فَإِذا جاءَتِ الصَّاخَّةُ *يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخيهِ *وَ أُمِّهِ وَ أَبيهِ *وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنيهِ *لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنيهِ *وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ *ضاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ *وَ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْها غَبَرَةٌ *تَرْهَقُها قَتَرَةٌ *أُولئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ.» (1)

{چهره درهم کشید و روی گردانید، که آن مرد نابینا پیش او آمد و تو چه دانی، شاید او به پاکی گراید، یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد. امّا آن کس که خود را بی نیاز می پندارد، تو بدو می پردازی با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو [مسئولیّتی] نیست. و امّا آن کس که شتابان پیش تو آمد، در حالی که [از خدا] می ترسید، تو از او به دیگران می پردازی. زنهار [چنین مکن] این [آیات] پندی است. تا هر که خواهد، از آن پند گیرد. در صحیفه هایی ارجمند، والا و پاک شده، به دست فرشتگانی، ارجمند و نیکوکار. کشته باد انسان، چه ناسپاس است! او را از چه چیز آفریده است؟ از نطفه ای خلقش کرد و اندازه مقرّرش بخشید.سپس راه را بر او آسان گردانید. آن گاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد. سپس چون بخواهد او را برانگیزد. ولی نه! هنوز آنچه را به او دستور داده، به جای نیاورده است. پس انسان باید به خوراک خود بنگرد، که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم آن گاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم پس در آن، دانه رویانیدیم. و انگور و سبزی، و زیتون و درخت خرما، و باغهای انبوه، و میوه و چراگاه، [تا وسیله] استفاده شما و دامهایتان باشد. پس چون فریاد گوش خراش دررسد روزی که آدمی از برادرش، و از مادرش و پدرش. و از همسرش و پسرانش می گریزد، در آن روز، هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می دارد. در آن روز، چهره هایی درخشانند، خندان [و] شادانند. و در آن روز، چهره هایی است که بر آنها غبار نشسته، [و] آنها را تاریکی پوشانده است آنان همان کافران بدکارند. }

- «فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ *الْجَوارِ الْكُنَّسِ *وَ اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ *وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ *إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَريمٍ *ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكينٍ *مُطاعٍ ثَمَّ أَمينٍ *وَ ما صاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ *وَ لَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبينِ *وَ ما هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنينٍ *وَ ما

1- عبس / 1 - 42

هُوَ بِقَوْلِ شَيْطانٍ رَجيمٍ *فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ *إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِكْرٌ لِلْعالَمينَ *لِمَنْ شاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقيمَ *وَ ما تَشاؤُنَ إِلاَّ أَنْ يَشاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ. »(1)

{نه، نه! سوگند به اختران گردان، [کز دیده] نهان شوند و از نو آیند، سوگند به شب چو پشت گرداند، سوگند به صبح چون دمیدن گیرد، که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است. نیرومند [که] پیش خداوند عرش، بلندپایگاه است. در آنجا [هم] مُطاع [و هم] امین است. و رفیق شما مجنون نیست و قطعاً آن [فرشته وحی] را در افق رخشان دیده. و او در امر غیب بخیل نیست. و [قرآن] نیست سخن دیوِ رجیم. پس به کجا می روید؟ این [سخن] بجز پندی برای عالمیان نیست برای هر یک از شما که خواهد به راه راست رَوَد. و تا خدا، پروردگار جهانیان، نخواهد، [شما نیز] نخواهید خواست. }

- «یا أَیُّهَا الْإِنْسانُ ما غَرَّکَ بِرَبِّکَ الْکَریمِ *الَّذی خَلَقَکَ فَسَوَّاکَ فَعَدَلَکَ *فی أَیِّ صُورَهٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ.» (2)

{ای انسان، چه چیز تو را در باره پروردگارت بزرگوارت مغرور ساخته؟ همان کس که تو را آفرید، و [اندام] تو را درست کرد، و [آن گاه] تو را سامان بخشید. و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد. }

- «فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ *وَ اللَّیْلِ وَ ما وَسَقَ *وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ *لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ *فَما لَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ *وَ إِذا قُرِئَ عَلَیْهِمُ الْقُرْآنُ لا یَسْجُدُونَ *بَلِ الَّذینَ کَفَرُوا یُکَذِّبُونَ *وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما یُوعُونَ *فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ *إِلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ.» (3)

{نه، نه، سوگند به شَفَق، سوگند به شب و آنچه [شب] فروپوشاند، سوگند به ماه چون [بَدْرِ] تمام شود، که قطعاً از حالی به حالی برخواهید نشست. پس چرا آنان باور نمی دارند؟ و چون بر آنان قرآن تلاوت می شود چهره بر خاک نمی سایند؟ [نه!] بلکه آنان که کفر ورزیده اند، تکذیب می کنند. و خدا به آنچه در سینه دارند داناتر

1- . تکویر / 15 - 29
2- . انفطار / 6 - 8

3- . انشقاق / 16 - 25

است. پس آنان را از عذابی دردناک خبر ده، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، که آنان را پاداشی بی منّت خواهد بود. }

- «بَلِ الَّذینَ کَفَرُوا فی تَکْذیبٍ *وَ اللَّهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحیطٌ *بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجیدٌ *فی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ.» (1)

{[نه،] بلکه آنان که کافر شده اند در تکذیب اند با آنکه خدا از هر سو برایشان محیط است. آری، آن قرآنی ارجمند است، که در لوحی محفوظ است. }

- «وَ السَّماءِ ذاتِ الرَّجْعِ *وَ الْأَرْضِ ذاتِ الصَّدْعِ *إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ *وَ ما هُوَ بِالْهَزْلِ *إِنَّهُمْ یَکیدُونَ کَیْداً *وَ أَکیدُ کَیْداً *فَمَهِّلِ الْکافِرینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً. (2)

{سوگند به آسمانِ بارش انگیز، سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت]، [که] در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است و آن شوخی نیست. آنان دست به نیرنگ می زنند. و [من نیز] دست به نیرنگ می زنم. پس کافران را مهلت ده، و کمی آنان را به حال خود واگذار. }

- «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی *الَّذی خَلَقَ فَسَوَّی *وَ الَّذی قَدَّرَ فَهَدی *وَ الَّذی أَخْرَجَ الْمَرْعی *فَجَعَلَهُ غُثاءً أَحْوی *سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی *إِلاَّ ما شاءَ اللَّهُ إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما یَخْفی *وَ نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْری *فَذَکِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّکْری *سَیَذَّکَّرُ مَنْ یَخْشی *وَ یَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَی *الَّذی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْری *ثُمَّ لا یَمُوتُ فیها وَ لا یَحْیی *قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَکَّی *وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّی *بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَیاةَ الدُّنْیا *وَ الْآخِرَةُ خَیْرٌ وَ أَبْقی *إِنَّ هذا لَفِی الصُّحُفِ الْأُولی *صُحُفِ إِبْراهیمَ وَ مُوسی.» ÷(3)

{نام پروردگار والایِ خود را به پاکی بستای: همان که آفرید و هماهنگی بخشید. و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود. و آنکه چمنزار را برآورد و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید. ما بزودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی جز آنچه خدا خواهد، که او آشکار و آنچه را که نهان است می داند. و برای تو آسانترین [راه] را فراهم می گردانیم. پس

1- . بروج / 19 - 22
2- . طارق / 11 - 17
3- . اعلی / 1 - 19

پند ده، اگر پند سود بخشد. آن کس که ترسد، بزودی عبرت گیرد. و نگون بخت، خود را از آن دور می دارد همان کس که در آتشی بزرگ درآید آن گاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد. رستگار آن کس که خود را پاک گردانید و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است. قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست، صحیفه های ابراهیم و موسی. }

- «أَ فَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ *وَ إِلَی السَّماءِ کَیْفَ رُفِعَتْ *وَ إِلَی الْجِبالِ کَیْفَ نُصِبَتْ *وَ إِلَی الْأَرْضِ کَیْفَ سُطِحَتْ *فَذَکِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَکِّرٌ *لَسْتَ عَلَیْهِمْ بِمُصَیْطِرٍ *إِلاَّ مَنْ تَوَلَّی وَ کَفَرَ *فَیُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذابَ الْأَکْبَرَ *إِنَّ إِلَیْنا إِیابَهُمْ *ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا حِسابَهُمْ.» (1)

{آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ پس تذکّر ده که تو تنها تذکّردهنده ای. بر آنان تسلّطی نداری مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد، که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند. در حقیقت، بازگشت آنان به سوی ماست آن گاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست. }

- «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ *وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ *وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ *لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فی کَبَدٍ *أَ یَحْسَبُ أَنْ لَنْ یَقْدِرَ عَلَیْهِ أَحَدٌ *یَقُولُ أَهْلَکْتُ مالاً لُبَداً *أَ یَحْسَبُ أَنْ لَمْ یَرَهُ أَحَدٌ *أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَیْنَیْنِ *وَ لِساناً وَ شَفَتَیْنِ *وَ هَدَیْناهُ النَّجْدَیْنِ *فَلاَ اقْتَحَمَ الْعَقَبَهَ *وَ ما أَدْراکَ مَا الْعَقَبَهُ *فَکُّ رَقَبَهٍ *أَوْ إِطْعامٌ فی یَوْمٍ ذی مَسْغَبَهٍ *یَتیماً ذا مَقْرَبَهٍ *أَوْ مِسْکیناً ذا مَتْرَبَهٍ *ثُمَّ کانَ مِنَ الَّذینَ آمَنُوا وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَواصَوْا بِالْمَرْحَمَهِ *أُولئِکَ أَصْحابُ الْمَیْمَنَهِ *وَ الَّذینَ کَفَرُوا بِآیاتِنا هُمْ أَصْحابُ الْمَشْأَمَهِ *عَلَیْهِمْ نارٌ مُؤْصَدَهٌ.» (2)

1- . غاشیه / 17 - 26
2- . بلد / 1 - 20

{سوگند به این شهر، و حال آنکه تو در این شهر جای داری سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد براستی که انسان را در رنج آفریده ایم. آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت؟ گوید: «مال فراوانی تباه کردم.» آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟ آیا دو چشمش نداده ایم؟ و زبانی و دو لب. و هر دو راه [خیر و شرّ] را بدو نمودیم. و [لی] نخواست از گردنه [عاقبت نگری] بالا رَوَد! و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ بنده ای را آزادکردن، یا در روز گرسنگی، طعام دادن: به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک نشین. علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده اند ایناانند خجستگان. و کسانی که به انکارِ نشانه های ما پرداخته اند، آنانند ناخجستگان شوم. بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد.}

- «أَ لَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ *وَ وَضَعْنا عَنْکَ وِزْرَکَ *الَّذی أَنْقَضَ ظَهْرَکَ *وَ رَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ *فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً *إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ یُسْراً *فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ *وَ إِلی رَبِّکَ فَارْغَبْ.» (1)

{آیا برای تو سینه ات را نگشاده ایم؟ و بار گرانت را از [دوش] تو برنداشتیم؟ [باری] که [گویی] پشت تو را شکست. و نامت را برای تو بُلند گردانیدیم. پس [بدان که] با دشواری، آسانی است. آری، با دشواری، آسانی است. پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور.}

- «وَ التِّینِ وَ الزَّیْتُونِ *وَ طُورِ سینِینَ *وَ هذَا الْبَلَدِ الْأَمِینِ *لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فی أَحْسَنِ تَقْوِیمٍ *ثُمَّ رَدَدْناهُ أَسْفَلَ سافِلِینَ *إِلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ *فَما یُکَذِّبُکَ بَعْدُ بِالدِّینِ *أَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَحْکَمِ الْحاکِمینَ.» (2)

{سوگند به [کوه] تین و زیتون، و طور سینا، و این شهر امن [و امان]، [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، که پاداشی

1- . انشراح / 1 - 8

2- . تين / 1 - 8

بی منّت خواهند داشت. پس چه چیز، تو را بعد [از این] به تکذیب جزا وامی دارد؟ آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟ }

- «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَقَ *خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ *اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ *الَّذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ *عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ *کَلاَّ إِنَّ الْإِنْسانَ لَیَطْغی *أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی *إِنَّ إِلی رَبِّکَ الرُّجْعی *أَ رَأَیْتَ الَّذی یَنْهی *عَبْداً إِذا صَلَّی *أَ رَأَیْتَ إِنْ کانَ عَلَی الْهُدی *أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوی *أَ رَأَیْتَ إِنْ کَذَّبَ وَ تَوَلَّی *أَ لَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ یَری *کَلاَّ لَئِنْ لَمْ یَنْتَهِ لَنَسْفَعاً بِالنَّاصِیَهِ *ناصِیَهٍ کاذِبَهٍ خاطِئَهٍ *فَلْیَدْعُ نادِیَهُ *سَنَدْعُ الزَّبانِیَهَ *کَلاَّ لا تُطِعْهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ.» (1)

{بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از عَلَق آفرید. بخوان، و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است. همان کس که به وسیله قلم آموخت. آنچه را که انسان نمی دانست [بتدریج به او] آموخت. حقّاً که انسان سرکشی می کند،همین که خود را بی نیاز پندارد. در حقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست. آیا دیدی آن کس را که باز می داشت،بنده ای را آن گاه که نماز می گزارد؟ چه پنداری اگر او بر هدایت باشد، یا به پرهیزگاری وادارد [برای او بهتر نیست]؟ [و باز] آیا چه پنداری [که] اگر او به تکذیب پردازد و روی برگرداند [چه کیفری در پیش دارد]؟ مگر ندانسته که خدا می بیند؟ زنهار، اگر باز نایستد، موی پیشانی [او] را سخت بگیریم [همان] موی پیشانی دروغزن گناه پیشه را. [بگو] تا گروه خود را بخواند. بزودی آتشبانان را فرا خوانیم. زنهار! فرمانش مَبَر، و سجده کن، و خود را [به خدا] نزدیک گردان. }

- «لَمْ یَکُنِ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ *رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ یَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَهً *فیها کُتُبٌ قَیِّمَهٌ *وَ ما تَفَرَّقَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ إِلاَّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ *وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصینَ لَهُ الدِّینَ حُنَفاءَ وَ یُقیمُوا الصَّلاهَ وَ یُؤْتُوا الزَّکاهَ وَ ذلِکَ دینُ الْقَیِّمَهِ *إِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکینَ فی نارِ جَهَنَّمَ خالِدینَ فیها أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ *إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا

1- . علق / 1 - 19

الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ *جَزاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها أَبَداً رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِکَ لِمَنْ خَشِیَ رَبَّهُ.» (1)

{کافران اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید: فرستاده ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه هایی پاک را تلاوت کند، که در آنها نوشته های استوار است. و اهل کتاب دستخوشِ پراکندگی نشدند، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد. و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند، و در حالی که به توحید گراییده اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند، و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است. کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می مانند اینانند که بدترین آفریدگانند. در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند. پاداشِ آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است، جاودانه در آن همی مانند خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد.}

- «أَ رَأَیْتَ الَّذی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ *فَذلِکَ الَّذی یَدُعُّ الْیَتیمَ *وَ لا یَحُضُّ عَلی طَعامِ الْمِسْکینِ *فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ *الَّذینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ *الَّذینَ هُمْ یُراؤُنَ *وَ یَمْنَعُونَ الْماعُونَ. »(2)

{آیا کسی را که [روزِ] جزا را دروغ می خواند، دیدی؟ این همان کس است که یتیم را بسختی می راند، و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند. پس وای بر نمازگزارانی که از نمازشان غافلند، آنان که ریا می کنند، و از [دادن] زکات [و وسایل و ما یحتاج خانه] خودداری می ورزند.}

- «إِنَّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ *فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَ انْحَرْ *إِنَّ شانِئَکَ هُوَ الْأَبْتَرُ.» (3)

1- . بینه / 1 - 8
2- . ماعون / 1 - 7
3- . کوثر / 1 - 3

{ما تو را [چشمه] کوثر دادیم، پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. دشمنت خود بی تبار خواهد بود. }

- «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ *لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ *وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ *وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ *وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ *لَکُمْ دینُکُمْ وَ لِیَ دینِ.» (1)

{بگو: «ای کافران، آنچه می پرستید، نمی پرستم. و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. و نه آنچه پرستیدید من می پرستم. و نه آنچه می پرستم شما می پرستید.دین شما برای خودتان، و دینِ من برای خودم.» }

- «إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ *وَ رَأَیْتَ النَّاسَ یَدْخُلُونَ فی دینِ اللَّهِ أَفْواجاً *فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ وَ اسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ کانَ تَوَّاباً.» (2)

{چون یاریِ خدا و پیروزی فرا رَسَد، و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند، پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه پذیر است. }

تفسیر:

طبرسی در باره آیه «إِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا سَواءٌ عَلَیْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا یُؤْمِنُون»(3)، {کسانی که کافر شده اند برای آنها مساویست چه بترسانی آنها را چه نترسانی ایمان نخواهند آورد} می نویسد: گفته شده این آیه در باره ابوجهل و پنج نفر بستگانش که در جنگ بدر کشته شدند نازل شده است.

بعضی گفته اند: در مورد گروه معینی از دانشمندان یهود نازل شده که از روی عناد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان نیاوردند و پیامبری آن جناب را از روی حسد پنهان می کردند.

ص: 297

1- . کافرون / 1 - 6
2- . نصر / 1 - 3
3- . بقره / 6

و گفته اند: در باره مشرکین عرب نازل گردید. بعضی نیز معتقدند که در باره تمام کفار است که خداوند اطلاع می دهد آنها ایمان نمی آورند. (1)

و در تفسیر آیه « وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِینَ»(2) {و برخی از مردم می گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند.} می نویسد: در باره منافقین که آنها عبد الله بن ابی بن سلول و جد بن قیس و معتب بن قشر و یارانش که بیشترشان یهودی بودند نازل شده است.(3)

و در مورد آیه «وَ إِذا لَقُوا الَّذِینَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا إِلی شَیاطِینِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَکُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ»(4) ، {و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می گویند: «ایمان آوردیم»، و چون با شیطانهای خود خلوت کنند، می گویند: «در حقیقت ما با شماییم، ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم.» } می نویسد:

از حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده که آیه در مورد کاهنان یهود نازل شده است.

و در تفسیر آیه « إِنَّ اللّهَ لا یَسْتَحْیِی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا فَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا فَیَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللّهُ بِهذا مَثَلاً یُضِلُّ بِهِ کَثِیراً وَ یَهْدِی بِهِ کَثِیراً وَ ما یُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقِینَ»(5)، {خدای را از اینکه به پشه ای - یا فروتر [یا فراتر] از آن - مَثَل زند، شرم نیاید. پس کسانی که ایمان آورده اند می دانند که آن [مَثَل] از جانب پروردگارشان بجاست؛ ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند: «خدا از این مَثَل چه قصد داشته است؟» [خدا] بسیاری را با آن گمراه، و بسیاری را با آن راهنمایی می کند؛ و[لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی کند.}

1- . مجمع البیان 1: 128
2- . بقره / 8
3- . مجمع البیان 1: 132
4- . بقره / 14
5- . بقره / 26

از امام صادق علیه السّلام روایت شده که خداوند از آن جهت به پشه مثل می زند چون پشه با کوچکی و جثه ضعیفی که دارد، خداوند در او آنچه در فیل وجود دارد با جثه قویش آفریده، به اضافه دو عضو دیگر که در فیل وجود ندارد. تا مؤمنین را متوجه آفرینش دقیق و مصنوعات عجیب خود بنماید.(1)

در مورد آیه «یا بَنی إِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَ إِیَّایَ فَارْهَبُونِ»(2) ، { ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بترسید. } می نویسد: خطاب به یهود و نصاری است. بعضی گفته اند خطاب به یهودیان مدینه و اطراف آن است. (3)

در مورد آیه «وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ وَ لا تَکُونُوا أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتی ثَمَناً قَلیلاً وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ»(4) {و بدانچه نازل کرده ام - که مؤید همان چیزی است که با شماست - ایمان آرید؛ و نخستین منکر آن نباشید، و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید، و تنها از من پروا کنید. }

می نویسد: از حضرت امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: حی بن اخطب و کعب بن اشرف و چند نفر دیگر از یهود که از طریق یهودیان زندگی خود را می گذراندند و هر ساله حقوقی از آنها دریافت می نمودند، نمی خواستند با اعتراف به نبوّت حضرت محمد صلی الله علیه و آله حقوق سالیانه خود را از بین ببرند به همین جهت آیاتی که در تورات راجع به مشخصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده تغییر دادند. مقصود از آیه همین پولی است که آنان سالیانه دریافت می کردند.(5)

در تفسیر آیه «أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ»(6) { آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید، با اینکه

1- . مجمع البیان 1: 165
2- . بقره / 40
3- . مجمع البیان 1: 207

4- . بقره / 41
5- . مجمع البيان 1: 210
6- . بقره / 44

شما کتاب [خدا] را می خوانید؟ آیا [هیچ] نمی اندیشید؟ } می نویسد: این آیه خطاب به علمای یهود است.

آنها به خویشاوندان مسلمان خود می گفتند بر دین خود پایدار باشید ولی خودشان ایمان نمی آوردند لذا خداوند می فرماید مردم را به نیکی دعوت می کنید و خود را فراموش می نمایید. (1)

در باره آیه « أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»(2)، { آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می کردند، و خودشان هم می دانستند. } می نویسد: گفته شده آنها دانشمندان یهود هستند که تورات را تحریف می کردند. از روی هوای نفس و هماهنگی و کمک با کسانی که در این باره به آنها پولی به عنوان رشوه می دادند، حلال را حرام و حرام را حلال می کردند.

در مورد آیه «وَ إِذا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قالُوا آمَنَّا وَ إِذا خَلا بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ قالُوا أَ تُحَدِّثُونَهُمْ بِما فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ»(3) {و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می گویند: «ما ایمان آورده ایم.» و وقتی با همدیگر خلوت می کنند، می گویند: «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است، برای آنان حکایت می کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمی کنید؟» } می نویسد: از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده که گروهی از یهودیان، دشمن سرسخت و مخالف جدی اسلام نبودند که با یکدیگر تبانی داشته باشند. این گروه وقتی به مسلمانان برخورد می کردند مشخصات حضرت محمد صلی الله علیه و آله را که در تورات می یافتند برای آنها بازگو می کردند. علماء و رهبران ایشان آنان را از این عمل نهی می کردند و به آنها می گفتند، آیا شما مشخصات حضرت محمد را از روی تورات برای مسلمانان

1- . مجمع البیان 1: 215
2- . بقره / 75
3- . بقره / 76

نقل می کنید، که آنها با شما نزد پرودگارتان محاجّه کنند، این آیه به همین جهت نازل شد.(1)

و در باره آیه «فَوَيْلٌ لِلَّذينَ يَكْتُبُونَ الْكِتابَ بِأَيْديهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَليلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْديهِمْ وَ وَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (2)، {پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با دستهای خود می نویسند، سپس می گویند: «این از جانب خداست»، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دستهایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می آورند.} می نویسد: منظور از نوشتن با دست این بود که آنها مشخصات حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با دست خود تغییر می دادند تا بدین وسیله مستضعفین یهود را مشکوک نمایند. همین مطلب از حضرت امام باقر علیه السّلام و گروهی از مفسران نقل شده است.

گفته اند: مشخصات قیافه پیامبر صلی الله علیه و آله در تورات سبزه و معتدل بود، آنها تغییر دادند و گندمگون و بلند قامت کردند. و در روایت عکرمه از ابن عباس نقل شده که گفت: دانشمندان یهود مشخصات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در تورات چنین مشاهده کردند: مژگان سیاه و چشمان درشت و قامت معتدل و چهره زیبا دارد. از روی حسادت و ستمگری آن را تغییر دادند.

گروهی از قریش به آنها مراجعه کرده و پرسیدند، آیا در تورات پیامبری از قبیله ما تذکر داده شده است؟ می گفتند آری اما مشخصات او چنین است، بلند قامت دارای چشمان آبی و با موهایی صاف و کم است.

این مطلب را واحدی به اسناد خود در کتاب وسیط نقل می کند. (3)

در باره تفسیر آیه «وَ لَمَّا جاءَهُمْ كِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ كانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى

1- . مجمع البیان 1: 285 - 286
2- . بقره / 79

3- . مجمع البيان 1: 292

الْکافِرینَ»(1) {و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند؛ ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد.} می نویسد:

ابن عباس گوید: یهودیان پیوسته بر اوس و خزرج (ساکنان مدینه) با پیامبری که بعد از این مبعوث خواهد شد، اظهار برتری می کردند که همان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود. همین که خداوند او را از میان عرب برانگیخت و از بنی اسرائیل نبود کفر ورزیدند و آنچه قبلا در باره اش می گفتند را انکار کردند.

معاذ بن جبل و بشر بن براء بن معرور به آنها گفتند ای گروه یهود: از خدا بترسید و اسلام آورید. شما خود را قبلا به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر ما پیروز می دانستید در حالی که ما مشرک بودیم و همیشه مشخصات و خصوصیات آن حضرت را به ما گوشزد می کردید که در آینده مبعوث می شود.

سلام بن مسلم برادر بنی النضیر در جواب او گفت: آنچه محمد آورده ما اطلاعی از آن نداریم و این آن پیامبری نیست که به شما می گفتیم. خداوند در همین مورد آیه فوق را نازل نمود. (2)

و در باره آیه «قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْریلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلی قَلْبِکَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنین»(3) ، {بگو: «کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او، به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.»} می نویسد: ابن عباس گفت: سبب نزول این آیه آن بود که ابن صوریا و گروهی از یهودیان فدک پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه از آن جناب مسائلی می پرسیدند. می گفتند: ای محمد چگونه می خوابی؟ کیفیت خواب پیامبری که در آخر الزمان مبعوث می شود به ما اطلاع داده شده است.

1- . بقره / 89
2- . مجمع البيان 1: 310
3- . بقره / 97

آن حضرت در جواب می فرمود: چشمانم خواب ولی دلم بیدار است، در پاسخ می گفتند صحیح است. می پرسیدند بگو ببینیم فرزند از مرد به وجود می آید یا از زن؟ آن حضرت جواب می داد. استخوان و اعصاب و رگها از مرد است و گوشت و خون و ناخن و موی از زن. می گفتند: درست گفتی.

باز می پرسیدند: پس چرا فرزند به دایی هایش شباهت پیدا می کند و گاه هیچ شباهتی به عموهای خود ندارد. یا به دایی هایش شباهت می رساند در حالی که هیچ شباهتی به عموهایش ندارد، آن حضرت در جواب می فرمود: هر کدام نطفه و آب منی او افزون شود، شباهت به آن طرف بیشتر می شود. گفتند: صحیح فرمودی.

پرسیدند: بگو ببینیم خدایت چیست؟ خداوند در جواب آنها این آیه را نازل کرد «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ *اللَّهُ الصَّمَدُ *لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ *وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ»(1) { بگو: «او خدایی است یکتا، خدای صمد. نه کس را زاده، نه زاییده از کَس، و او را هیچ همتایی نباشد.» } در این موقع ابن صوریا گفت، یک مطلب دیگر باقی مانده، اگر جواب بدهی به تو ایمان می آورم و پیروت خواهم بود. کدام فرشته برایت وحی می آورد؟ آن حضرت در جواب او فرمود: جبرئیل.

ابن صوریا گفت: جبرئیل دشمن ما است او پیوسته جنگ و گرفتاری و کشتار به ارمغان می آورد، اما میکائیل مژده و نعمت فراوان می آورد. اگر میکائیل مأمور وحی بر تو بود ایمان می آوردیم. خداوند در جواب یهودیان و رد بر آنها این آیه را فرستاد.(2)

در مورد آیه «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكافِرينَ عَذابٌ أَليمٌ»(3) {ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرنا»، و [این توصیه را] بشنوید؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است. } می نویسد: مسلمانان به پیامبر اکرم می گفتند، «یا رسول الله راعنا» یعنی یا رسول الله به حرف ما گوش بده. ولی یهودیان این لفظ را تحریف نموده می گفتند «راعِنا» و

1- . توحید / 1 - 5

2- . مجمع البیان 1: 325

3- . بقره / 104

این کلمه را از ماده رعونت می گرفتند و منظورشان عیبجویی و نسبت نقص بود. وقتی از جانب خدا مورد عتاب قرار گرفتند گفتند، ما که چیزی جز آنچه خود مسلمانان می گویند نمی گوییم. خداوند از این تحریف نهی نموده و این آیه را نازل نمود.

یکی از مفسرین به نام قتاده در تفسیر «لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا» می گوید: «راعِنا» کلمه ای بود که یهودیان به عنوان مسخره و استهزا به پیامبر می گفتند. یکی دیگر از مفسرین به نام عطا نیز گفته: این کلمه را انصار در جاهلیت می گفتند ولی در اسلام از گفتن این کلمه نهی شد.

سدی گفته : راعنا عیناً کلام شخص یهودی به نام رفاعه بن زید بود که آن را از ماده رعونت می گرفتند و مسلمانان از گفتن چنین کلمه ای نهی شدند.

امام باقر علیه السّلام فرمود: این کلمه در لهجه عبرانی ناسزا است که منظور یهودیان همین ناسزا بود. بعضی نیز گفته اند معنی این کلمه در نزد آنها این بود که گوش کن که نخواهی شنید و معنی «انْظُرْنا» یعنی بگذار بفهمیم، یا به ما بفهمان و یا به ما توجه کن.(1)

طبرسی در تفسیر آیه «أَمْ تُریدُونَ أَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَکُمْ کَما سُئِلَ مُوسی مِنْ قَبْلُ »(2) {آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ } می نویسد: در باره سبب نزول این آیه اختلاف شده است.

ابن عباس می گوید: رافع بن حرمله و وهب بن زید به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند، برای ما کتابی از آسمان بیاور تا آن را بخوانیم و رودها و نهرها جاری نما تا پیرو تو شویم و تصدیقت کنیم. خداوند این آیه را نازل کرد.

حسن یکی از مفسرین قرآن می گوید: منظور مشرکین عرب هستند که چنین درخواستی را نمودند و خداوند متعال در قرآن می فرماید: «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً *أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّةٌ مِنْ نَخیلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجیراً *أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ کَما زَعَمْتَ عَلَیْنا کِسَفاً أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِکَهِ

1- . مجمع البيان 1: 343
2- . بقره / 108

قَبيلاً»(1) {و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی، یا چنانکه ادعا می کنی، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری}. و آنان گفتند: «لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلائِكَةُ أَوْ نَرى رَبَّنا»(2) ، {چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگارمان را نمی بینیم؟ }

سدی یکی دیگر از مفسرین می گوید: اعراب درخواست می کردند که پیامبر اکرم خداوند را آشکارا به آنها نشان بدهد.

مجاهد می گوید: قریش می گفتند کوه صفا را برای ما به صورت طلا درآور آن حضرت فرمود: آری در آن صورت مانند مائده ای خواهد شد که عیسی برای پیروان خود نازل کرد. آنها برگشتند (و دنباله تقاضای خود را نگرفتند).

جبایی یکی دیگر از مفسران می گوید: روایت شده که گروهی از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضا کردند درختی را برای آنها تعیین کند که به آن درخت نذر و نیاز ببندند، چنانچه مشرکین درختهای متعددی برای این کار داشتند و آن درخت ها را می پرستیدند و خرما و خوراکیهای دیگر بر آن می آویختند؛ همان طوری که قوم موسی علیه السّلام از او درخواست می کردند، همان طوری که بت پرستان خدایان فراوانی دارند شما هم برای ما یک خدا قرار بده. «اجْعَلْ لَنا إِلهاً»(3)

در باره آیه «وَدَّ كَثيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إيمانِكُمْ كُفَّاراً حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَديرٌ»(4) {بسیاری از اهل کتاب - پس از اینکه حق برایشان آشکار شد - از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را

1- . إسراء / 90 - 92
2- . فرقان / 21
3- . مجمع البیان 1: 351

4- . بقره / 109

بیاورد، که خدا بر هر کاری تواناست. } می نویسد: این آیه در باره حی بن اخطب و برادرش ابو یاسر فرزند اخطب نازل شد که وقتی پیامبر به مدینه آمد خدمت آن جناب رسیدند و از نزدیک ایشان را مورد مطالعه قرار دادند. پس از خارج شدن از خدمت پیامبر، یک نفر به حی بن اخطب گفت: آیا به عقیده تو او پیامبر است؟ جواب داد، همان پیامبر است. گفتند: تو خود با او چگونه هستی؟ گفت تا بمیرم دشمن او هستم.

ابن عباس گوید: این همان کسی است که با پیامبر پیمان شکنی نموده و در جنگ احزاب آتش جنگ را پیوسته می افروخت.

زهری گفته: این آیه در باره کعب بن اشرف نازل شد.

و از حسن نقل شده که آیه در ارتباط با گروهی از یهودیان است. (1)

و در باره آیه «وَ قالَتِ الْیَهُودُ لَیْسَتِ النَّصاری عَلی شَیْ ءٍ وَ قالَتِ النَّصاری لَیْسَتِ الْیَهُودُ عَلی شَیْ ءٍ وَ هُمْ یَتْلُونَ الْکِتابَ کَذلِکَ قالَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ»(2) ، { و یهودیان گفتند: «ترسایان بر حق نیستند.» و ترسایان گفتند: «یهودیان بر حق نیستند» با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند. افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند. پس خداوند، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می کردند، میان آنان داوری خواهد کرد. }می نویسد: ابن عباس گفت: وقتی نصاری نجران بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدند (که پیشنهاد مباهله شد) احبار و دانشمندان یهود نیز آمدند و در حضور پیامبر، این دو گروه با هم به نزاع پرداختند.

رافع بن حرمله به مسیحیان گفت: شما هیچ کارهای نیستید و نبوت عیسی را انکار کرد و به کافر انجیل شد. یک نفر از نجرانیها گفت، یهودیان نیز کاره ای نیستند منکر نبوت موسی و تورات شد. خداوند این آیه را به همین جهت نازل نمود و منظور از «الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ» در آیه مشرکان عرب است که به حضرت محمد صلی

1- . مجمع البیان 1: 353
2- . بقره / 113

الله علیه و آله و یارانش گفتند، این ها کاره ای نیستند و یا گفتند، تمام پیامبران و امت هایشان بی ارزشند و موقعیتی ندارند. (1)

در مورد آیه «وَ قالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلٌّ لَهُ قانِتُونَ» ، (2) {و گفتند: «خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است.» او منزّه است. بلکه هر چه در آسمانها و زمین است، از آنِ اوست، [و] همه فرمانپذیر اویند. } می نویسد: در باره مسیحیان نازل شده که معتقدند عیسی پسر خدا است یا در باره آنها و مشرکان عرب که ایشان نیز می گفتند ملائکه دختران خدایند.

خداوند می فرماید (سبحانه) خداوند منزه است از داشتن فرزند و زشتیها و صفاتی که شایسته خدا نیست. «بَلْ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» او مالک تمام آسمان و زمین است. ولی فرزند ملک پدر نیست زیرا وقتی تمام آسمان و زمین ملک خدا باشد، پس فرزندانش ملک او نمی شوند زیرا فرزند بودن با ملک شدن جمع نمی شود و یا این که بگوییم آنچه در آسمانها و زمین است فعل خداوند است و فعل از جنس فاعل نیست و فرزند جز از جنس پدر خود نخواهد بود (پس عیسی که فعل خدا است، نمی تواند از جنس خدا یعنی فرزند او باشد). (3)

در مورد آیه «وَ قالَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ لَوْ لا یُکَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِینا آیَهٌ کَذلِکَ قالَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَیَّنَّا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یُوقِنُون» (4) {افراد نادان گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟ یا برای ما معجزه ای نمی آید؟» کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می گفتند. دلها [و افکار]شان به هم می ماند. ما نشانه ها[ی خود] را برای گروهی که یقین دارند، نیک روشن گردانیده ایم. }می نویسد: مجاهد گفته است، منظور در این آیه مسیحیان هستند ولی ابن عباس می گوید، آیه مربوط به یهودیان است. حسن و قتاده معتقدند که آیه در باره مشرکین عرب است و همین نظریه به واقع نزدیک تر است؛ و منظور از «أَوْ تَأْتِینا

1- . مجمع البیان 1: 358 - 359
2- . بقره / 116
3- . مجمع البیان 1: 365
4- . بقره / 118

آیَهٌ» یعنی مطابق میل ما معجزه ای ظاهر کند «قَدْ بَیَّنَّا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ» { ما نشانه ها[ی خود] را برای گروهی که یقین دارند، نیک روشن گردانیده ایم. }منظور این است که آیات و معجزات بسیار آشکار و بارزی آوردیم که گواه صدق پیامبر ما بود که برای هر کس ستیزه جو و معاند نباشد، آن معجزات کافی بود. اگر خداوند در مورد درخواست معجزه مخصوص که آنها می خواستند مصلحتی می دید برای آنها نیز همان معجزه را آشکار می نمود. (1)

و در باره این آیه «وَ قالُوا کُونُوا هُوداً أَوْ نَصاری تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّهَ إِبْراهیمَ حَنیفاً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکینَ»(2) { و [اهل کتاب] گفتند: «یهودی یا مسیحی باشید، تا هدایت یابید»؛ بگو: «نه، بلکه [بر] آیین ابراهیم حق گرا [هستم]؛ و وی از مشرکان نبود.» }می نویسد: ابن عباس گفت: عبد الله بن صوریا و کعب بن اشرف و مالک بن صیف و گروهی از یهودیان و مسیحیان نجران با مسلمانان به بحث و مناظره پرداختند و هر کدام مدعی بودند که اهل حق آنها هستند. یهودیان می گفتند: پیامبر ما حضرت موسی بهترین پیامبران است و تورات کتاب ما بهترین کتاب آسمانی است.

مسیحیان می گفتند: پیامبر ما بهترین پیامبر و کتاب ما انجیل بهترین کتاب خدا است و هر دو دسته مسلمانان را دعوت به پذیرفتن کیش خود می نمودند.

گفته شده: ابن صوریا به پیامبر اکرم می گفت، هدایت فقط در پذیرفتن معتقدات ما است، تو ای محمد، از ما پیروی کن تا هدایت یابی. نصاری نیز همین پیشنهاد را می کردند. این آیه در همین مورد نازل شد . (3)

در باره آیه «وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ آباؤُهُمْ لا یَعْقِلُونَ شَیْئاً وَ لا یَهْتَدُونَ»(4) {و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید»؛ می گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران

ص: 308

1- . مجمع البیان 1: 370 - 371

2- . بقره / 135

3- . مجمع البیان 1: 402 - 403

4- . بقره / 170

خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم.» آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟ }.

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می نویسد: ابن عباس گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یهودیان را به اسلام دعوت نمود، آنها گفتند: «بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَیْنا عَلَیْهِ آباءَنا» ما روش اجداد خود را رها نخواهیم کرد و آنان از ما آگاه تر بودند، پس این آیه نازل شد.

و در روایت ضحاک از ابن عباس نقل می کند که گفت: این آیه در باره کفار قریش نازل شده است. (1)

در تفسیر آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُعْجِبُکَ قَوْلُهُ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یُشْهِدُ اللَّهَ عَلی ما فی قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصامِ»، (2) {و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجّب وامی دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد، و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است. }

طبرسی می نویسد: حسن گفت، این آیه در باره منافقین نازل شده است و سدی یکی دیگر از مفسران می گوید آیه در باره اخنس بن شریق نازل شده که پیوسته نسبت به پیامبر اکرم اظهار علاقه و محبت و دلبستگی به او و علاقه به مسلمان شدن می کرد. اما فقط به این کار تظاهر می کرد و در دل تصمیم خلاف آن را داشت.

در تفسیر آیه «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ» (3)، { و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباهکاری را دوست ندارد. } می نویسد: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که منظور از «حرث» کشتراز، در این آیه دین است و منظور از نسل، مردم هستند. (4)

1- . مجمع البیان 1: 461
2- . بقره / 204
3- . بقره / 205

4- . مجمع البيان 1: 534

در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ أُوتُوا نَصیباً مِنَ الْکِتابِ یُدْعَوْنَ إِلی کِتابِ اللَّهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ ثُمَّ یَتَوَلَّی فَریقٌ مِنْهُمْ وَ هُمْ مُعْرِضُون»(1)، {آیا داستان کسانی را که بهره ای از کتاب [تورات] یافته اند ندانسته ای که [چون] به سوی کتاب خدا فراخوانده می شوند تا میانشان حکم کند، آنگه گروهی از آنان به حال اعراض، روی برمی تابند؟ }می نویسد: یعنی کتاب خدا در باره نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله یا در باره ابراهیم و اینکه دین او اسلام بوده قضاوت کند. و بعضی گفته اند منظور این است که کتاب خدا را در مورد سنگسار نمودن حاکم قرار دهید، زیرا از ابن عباس نقل شده که مرد و زنی از اهالی خیبر زنا کردند و از شخصیت های برجسته خیبریان بودند. در کتاب خود آنها مسأله رجم و سنگسار وجود داشت ولی به واسطه شخصیت آن دو، نمی خواستند آنها را رجم نمایند.

امیدوار بودند که در اسلام چنین کاری را اجازه داده باشند، به همین جهت برای حکم و داوری خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتند. حضرت رسول نیز آنها را محکوم به سنگسار نمودند. نعمان بن اوفی و نجر بن عمرو گفتند، در این حکم ستم روا داشتی، آنها نباید سنگسار شوند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: داور بین من و شما تورات باشد. قبول کردند، پرسید کدام یک از شماها به تورات آشناتر است؟ گفتند، مردی کج چشم به نام ابن صوریا که ساکن فدک است، از پی او شخصی را فرستادند و ابن صوریا به مدینه آمد، جبرئیل قبلا مشخصات ابن صوریا را برای پیامبر نقل کرده بودند. پیامبر اکرم به او فرمود: تو ابن صوریا هستی؟ جواب داد آری. فرمود: تو داناترین یهودی؟ گفت چنین می گویند.

پیامبر اکرم یک قسمت از تورات را که شامل رجم و سنگسار بود خواست و به او فرمود بخوان. شروع کرد به خواندن تا به آیه رجم رسید. دست خود را بر روی آن نهاد و آیه بعد از آن را خواند. ابن سلام گفت یا رسول الله، این مرد رد شد، و از جای خود به سوی ابن صوریا حرکت کرد و دستش را از روی آیه رجم برداشت و خود آیه را برای پیامبر و یهودیان قرائت کرد: که اگر مرد زن دار و زن

1- . آل عمران / 23

شوهردار عمل منافی عفت انجام دهند و این مطلب به وسیله گواهان ثابت شود باید رجم شوند. اگر زن آبستن باشد باید منتظر شد تا فرزند خود را زایمان کند. پیامبر اکرم دستور داد آن دو یهودی را سنگسار کردند. یهودیان به همین جهت خشمگین شدند و خداوند این آیه را نازل نمود. (1)

در باره آیه «إِنَ مَثَلَ عیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ قالَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ»(2)، {در واقع، مَثَلِ عیسی نزد خدا همچون مَثَلِ [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت: «باش»؛ پس وجود یافت.} می نویسد: ابن عباس و قتاده و حسن گفته اند، این آیه در باره گروه نجران به نام عاقب و سید و همراهانشان نازل شده که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند، آیا ممکن است فرزند بدون مباشرت پدری به وجود بیاید؟ این آیه نازل شد که مثل عیسی مانند آدم است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه را برای آنها خواند. (3)

و در باره آیه «قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلاَّ نَعْبُدَ إِلاَّ اللَّهَ وَ لا نُشْرِکَ بِهِ شَیْئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»(4)، {بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگویید: «شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].»}

می نویسد: آیه در باره مسیحیان نجران نازل شد. بعضی گفته اند در باره یهودیان مدینه نازل شده است و اصحاب ما همین را نقل کرده اند. بعضی نیز گفته اند در باره هر دو دسته از اهل کتاب نازل شده است. (یهود و نصاری)

1- . مجمع البیان 1: 722 - 723
2- . آل عمران / 59
3- . مجمع البیان 1: 762
4- . آل عمران / 64

و مراد از « وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» این است که عیسی را به عنوان خدا نگیرید یا احبار و دانشمندان یهود را به عنوان رب نپذیرید که مانند خدا از آنها اطاعت کنید.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: آنان احبار و دانشمندان را پرستش نمی کردند، ولی آنها احکام خدا را تغییر می دادند، حلال را حرام و حرام را حلال می نمودند، مردم هم می پذیرفتند، نه اینکه آنها را به عنوان خدا بپرستند. (1)

در باره آیه «یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فی إِبْراهیمَ وَ ما أُنْزِلَتِ التَّوْراهُ وَ الْإِنْجیلُ إِلاَّ مِنْ بَعْدِهِ أَ فَلا تَعْقِلُون»(2) ، { ای اهل کتاب، چرا درباره ابراهیم محاجه می کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی کنید؟ } می نویسد: ابن عباس و دیگران گفته اند که احبار یهود و مسیحیان نجران در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجتماع نمودند و در مورد ابراهیم با یکدیگر به بحث و نزاع پرداختند. یهودیان گفتند ابراهیم یهودی بود و مسیحیان می گفتند ابراهیم مسیحی بود. این آیه نازل شد که می فرماید، ابراهیم نه یهودی است و نه مسیحی بلکه او مسلمان و پیرو حق بود. (3)

و در باره آیه «وَ قالَتْ طائِفَهٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ آمِنُوا بِالَّذی أُنْزِلَ عَلَی الَّذینَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهارِ وَ اکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»(4) ، {و جماعتی از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد، ایمان بیاورید، و در پایان [روز] انکار کنید؛ شاید آنان [از اسلام] برگردند.» }می نویسد: حسن گفت، یازده نفر از احبار یهود خیبر و دهات «عرنیه» با هم تبانی کردند و قرار گذاشتند که اول صبح به زبان اظهار اسلام کنند و قلباً معتقد نشوند و شامگاه کافر شوند و بگویند، ما در کتاب آسمانی دین خودمان دقت کردیم و متوجه شدیم که محمد صلی الله علیه و آله آن پیامبر موعود نیست، فهمیدیم او دروغ می گوید و دین او باطل است. آنها مدعی

1- . مجمع البیان 1: 766 - 767
2- . آل عمران / 65
3- . مجمع البیان 1: 768
4- . آل عمران / 72

بودند که اگر چنین کنند، اصحاب پیامبر مشکوک میشوند، زیرا خواهند گفت اینها اهل کتابند و اطلاعاتشان از ما بیشتر است، در نتیجه دست از اعتقاد خود خواهند کشید و به دین آنها بر می گردند.

مجاهد و مقاتل و کلبی گفته اند: این جریان مربوط به تغییر قبله از بیت المقدس به طرف کعبه است. این تحویل و تغییر قبله بر یهودیان گران آمد. کعب بن اشرف به یاران خود گفت، در ابتدای روز به محمد ایمان بیاورید و به طرف قبله آنها نماز بخوانید ولی شامگاه برگردید، شاید بتوانید آنها را در اعتقادشان مشکوک نمائید. (1)

و در مورد آیه «وَ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينارٍ لا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلاَّ ما دُمْتَ عَلَيْهِ قائِماً ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَيْسَ عَلَيْنا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبيلٌ وَ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ»(2)، {و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن را به تو برگرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری، آن را به تو نمی پردازد، مگر آنکه دایماً بر [سرِ] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می بندند با اینکه خودشان [هم] می دانند.} می نویسد: ابن عباس گفت، منظور از آیه فوق بعضی از اهل کتاب هستند که اگر آنها را بر یک پوست گاو پر از طلا امین قرار دهی به تو بر می گرداند؛ منظور عبد الله بن سلام است که مردی نزد او هزار و دویست اوقیه طلا به امانت گذاشت، عبد الله به صاحبش برگرداند. و منظور از کسی که اگر یک دینار به او بسپاری به تو بر نمی گرداند مگر اینکه بالای سرش بایستی و از او بخواهی، فنحاص بن عازوراء است، جریان چنین بود که مردی از قریش به او دیناری امانت سپرد اما او خیانت کرد.

1- . مجمع البیان 1: 773 - 774
2- . آل عمران / 75

در بعضی از تفاسیر است که منظور از کسانی که در این امت امانت را رد می کنند مسیحیان هستند و آنها که برنمی گردانند یهودیانند. (1)

در باره آیه «إِنَّ الَّذینَ یَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَیْمانِهِمْ ثَمَناً قَلیلاً أُولئِکَ لا خَلاقَ لَهُمْ فِی الْآخِرَهِ وَ لا یُکَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَ لا یَنْظُرُ إِلَیْهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ لا یُزَکِّیهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلیمٌ »(2)، { کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می فروشند، آنان را در آخرت بهره ای نیست؛ و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی گوید، و به ایشان نمی نگرد، و پاکشان نمی گرداند، و عذابی دردناک خواهند داشت. }می نویسد: عکرمه گفت: این آیه در باره گروهی از احبار یهود نازل شده است: ابو رافع و کنانه بن ابی الحقیق وحی بن اخطب و کعب بن اشرف، که بشارت های تورات را در مورد بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله کتمان نمودند و به دست خود آیات را تغییر دادند و قسم خوردند که همین طور نازل شده، تا مبادا ریاست از دستشان برود و مزایای پیروی مردم را از دست بدهند.

بعضی گفته اند، این آیه در باره اشعث بن قیس و اختلافی که با شخصی در مورد زمین داشت نازل شد. او تصمیم گرفت در حضور پیامبر صلی الله علیه و آله قسم بخورد. وقتی این آیه نازل شد، از این کار خودداری کرد و به حق اعتراف نمود و زمین را به مدعی آن برگرداند. (3)

و در باره آیه «وَ إِنَّ مِنْهُمْ لَفَریقاً یَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْکِتابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْکِتابِ وَ ما هُوَ مِنَ الْکِتابِ وَ یَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ یَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُون»(4)، { و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده ای] می پیچانند، تا آن [برباقته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید، با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست؛ و می گویند: «آن از جانب خداست»، در صورتی که از جانب خدا نیست؛ و بر خدا دروغ می بندند، با اینکه

1- . مجمع البیان 1: 777
2- . آل عمران / 77
3- . مجمع البیان 1: 778
4- . آل عمران / 78

خودشان [هم] می دانند.}می نویسد: گفته اند این آیه در باره گروهی از احبار یهودی نازل شد که با دست خود در کتاب خدا تغییراتی در ارتباط با اوصاف و مشخصات حضرت محمد صلی الله علیه و آله دادند و آن تغییرات را به خدا نسبت دادند.

ابن عباس گفته، در باره یهودیان و مسیحیان نازل شد که تورات و انجیل را تحریف نمودند و جای آیات را تغییر دادند و به آیات آن اضافه نمودند و مطالبی که از دین ابراهیم در آن بود را حذف نمودند. (1)

و در باره آیه «ما كانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِباداً لی مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِما كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتابَ وَ بِما كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ»(2) { هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد؛ سپس او به مردم بگوید: «به جای خدا، بندگان من باشید.» بلکه [باید بگوید:] «به سبب آنکه کتاب [آسمانی] تعلیم می دادید و از آن رو که درس می خواندید، علمای دین باشید.» } گفته اند: ابو رافع قرظّی و رئیس قافله نجران به حضرت محمد صلی الله علیه و آله گفتند، تو تصمیم داری (بگویی) که ما تو را بپرستیم و خدا قرارت دهیم؟ فرمود: به خدا پناه می برم که غیر خدا را بپرستم و یا دستور پرستش غیر خدا بدهم، نه برای چنین کاری مبعوث شده ام و نه مرا چنین دستوری داده اند. این آیه در باره همین جریان نازل شد.

این نظریه ابن عباس و عطا بوده است. بعضی نیز گفته اند در باره مسیحیان نجران نازل شده و نیز گفته اند، مردی به پیامبر اکرم گفت یا رسول الله، ما به شما مانند دیگران سلام میدهیم، اجازه نمیدهی تو را سجده کنیم؟ فرمود: جز خدا را نمیتوان سجده نمود ولی مأمور به احترام به پیامبرتان هستید.(3)

در باره آیه «كَيْفَ يَهْدِی اللَّهُ قَوْماً كَفَرُوا بَعْدَ إِيمانِهِمْ وَ شَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ اللَّهُ لا يَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمينَ»(4)، {چگونه خداوند، قومی را که بعد

1- . مجمع البیان 1: 780

2- . آل عمران / 79

3- . مجمع البيان 1: 782
4- . آل عمران / 86

از ایمانشان کافر شدند، هدایت می کند؟ با آنکه شهادت دادند که این رسول، بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد، و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی کند. }

می نویسد: این آیه در باره مردی از انصار به نام حارث بن سوید بن صامت نازل شد که محذر بن زیاد بلوی را به ناحق کشت و فرار نمود و از دین اسلام برگشت و مرتد شد و داخل مکه گردید ولی بعد پشیمان گردید. او توسط بستگان خود خواست که از پیامبر بپرسند، آیا توبه اش پذیرفته می شود؟ بستگان او سؤال کردند، این آیه نازل شد تا این قسمت آیه «إِلَّا الَّذِينَ تابُوا» مگر کسانی که توبه نمایند.

یکی از بستگانش آیه را به او رساند و گفت، من می دانم تو در ادّعای خود که توبه کرده ای راست می گویی، پیامبر اکرم از تو راستگوتر است و خدا از هر دوی شما راستگوتر است. آن مرد به مدینه برگشت و توبه نمود و مسلمان واقعی گردید. همین مطلب از حضرت صادق علیه السلام روایت شده.

بعضی گفته اند، در باره اهل کتاب که قبل از بعثت پیامبر ایمان آورده بودند ولی پس از بعثت از روی حسد و طغیان و ستم کفر ورزیدند نازل شده است .(1)

در باره آیه «كُلُّ الطَّعامِ كانَ حِلاًّ لِبَنِي إِسْرائِيلَ إِلاَّ ما حَرَّمَ إِسْرائِيلُ عَلى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْراةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْراةِ فَاتْلُوها إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ»(2) ، {همه خوراکیها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود. بگو: «اگر [جز این است و] راست می گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.» } می نویسد: یهودیان از اینکه پیامبر اکرم گوشت شتر را حلال دانسته، ناراحت شدند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب آنها فرمود: تمام این گوشتها برای ابراهیم خلیل حلال بوده است؛ اما آنها مدعی شدند، هر چه را ما حرام بدانیم، در زمان نوح و ابراهیم حرام بوده تا به ما رسیده است. این آیه در جواب آنها نازل شد.(3)

1- . مجمع البیان 1: 789

2- . آل عمران / 93

3- . مجمع البيان 1: 794

و در باره آیه « قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَها عِوَجاً وَ أَنْتُمْ شُهَداءُ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُون»(1) ، { بگو: «ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می دارید؛ و آن [راه] را کج می شمارید، با آنکه خود [به راستیِ آن] گواهید؟» و خدا از آنچه می کنید غافل نیست. }می نویسد: گفته اند، یهودیان پیوسته بین اوس و خزرج اختلاف می انداختند. آنها را به یاد جنگهایی که در جاهلیت بین این دو قبیله اتفاق افتاده بود می انداختند تا آنها از دین برگردند. و این کار فقط توسط یهودیان انجام می شد.

بعضی گفته اند، یهود و نصاری هر دو این کار را می کردند و معنی آیه این است که چرا با تکذیب پیامبر و با انکار صفات آن حضرت در کتابهایتان، مانع پیشرفت ایمان مردم می شوید و از راه خدا جلوگیری می کنید.(2)

در باره آیه «لَنْ یَضُرُّوکُمْ إِلاَّ أَذیً وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُون»(3)، {جز آزاری [اندک] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید؛ و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند. } می نویسد: مقاتل گفت، سران یهود از قبیل کعب بن اشرف و ابو رافع و ابو یاسر و کنانه و ابن صوریا یهودیانی که مسلمان شده بودند، مانند عبدالله بن سلام و یارانش را سرزنش میکردند. این آیه در مورد همین جریان نازل شد که هرگز آنها - جز آزار کردن ! - نمی توانند به شما آسیبی برسانند. (4)

در باره آیه «لَیْسُوا سَواءً مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ أُمَّهٌ قائِمَهٌ یَتْلُونَ آیاتِ اللَّهِ آناءَ اللَّیْلِ وَ هُمْ یَسْجُدُون»(5)، {[ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درستکردارند که آیات الهی را در دل شب می خوانند و سر به سجده می نهند. }می نویسد: وقتی عبد الله بن سلام و عده ای دیگر از یهودیان مسلمان شدند،

1- . آل عمران / 99
2- . مجمع البیان 1: 801
3- . آل عمران / 111
4- . مجمع البیان 1: 813
5- . آل عمران / 113

دانشمندان یهود گفتند: جز افراد شرور و نابکار ما به پیامبر اسلام ایمان نیاوردند. این آیه در همین مورد نازل شد.

عطاء گفته است، در باره چهل نفر از اهالی نجران و سی و دو نفر از اهالی حبشه و هشت نفر رومی که در زمان عیسی بودند و نبوت حضرت محمد را تصدیق نموده اند نازل شده است. (1)

در باره آیه «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذینَ قالُوا إِنَ اللَّهَ فَقیرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِیاءُ سَنَکْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا عَذابَ الْحَریق»(2) ، {مسلماً خداوند، سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند، و بناحق کشتنِ آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان را.» } می نویسد: وقتی آیه «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَ اللَّهُ یَقْبِضُ وَ یَبْصُطُ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُون» (3)، { کیست آن کس که به [بندگانِ] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می آورد؛ و به سوی او بازگردانده می شوید. } نازل شد، یهودیان گفتند خداوند فقیر است و از ما تقاضای قرض می کند، چون ما ثروتمندیم. این سخن را حی بن اخطب گفت. این روایت از حسن و مجاهد نقل شده است.

بعضی گفته اند، پیامبر اکرم توسط ابا بکر نامه ای برای یهود بنی قینقاع فرستاد و آنها را دعوت به نماز و پرداخت زکات کرد و اینکه به خداوند قرض بدهند. ابا بکر وارد خانه ای که آنها مشغول درس و بحث بودند گردید و دید گروهی گرد یک نفر به نام فنحاص بن عازوراء جمع شده اند؛ آنها را دعوت به اسلام و پرداخت زکات کرد.

1- . مجمع البیان 1: 815
2- . آل عمران / 181
3- . بقره / 245

فنحاص گفت، اگر این حرفی که تو میگویی واقعیت داشته باشد، پس خدا فقیر است و ما ثروتمندیم. ابا بکر از شنیدن این سخن ناراحت شد و خشم گرفت و بر چهره اش سیلی زد! این آیه در همین مورد نازل شد.(1)

در باره آیه «الَّذینَ قالُوا إِنَ اللَّهَ عَهِدَ إِلَیْنا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّی یَأْتِیَنا بِقُرْبانٍ تَأْکُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جاءَکُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلی بِالْبَیِّناتِ وَ بِالَّذی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقین»(2)، { همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانیی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را کشتید؟» }می نویسد: این آیه در باره گروهی از یهودیان که از جمله آنها کعب بن اشرف و مالک بن صیف و وهب بن یهودا و فنحاص بن عازوراء بودند نازل شد. آنها گفتند یا محمد، خداوند در تورات با ما قرار بسته که ایمان به پیامبری نیاوریم مگر اینکه یک قربانی بیاورد که او را آتش بسوزاند؛ اگر واقعا تو پیامبری، همین معجزه را بیاور تا تصدیقت کنیم. سپس این آیه نازل شد. روایت از کلبی است.

بعضی گفته اند، خداوند در تورات به بنی اسرائیل دستور داده که تا قبل از این که عیسی مسیح و محمد صلی الله علیه و آله بیایند، اگر کسی مدعی نبوت شد از او نپذیرند مگر اینکه قربانیای بیاورد که آتش آن را بخورد. وقتی آنها مبعوث شدند، به ایشان بدون آن قربانی ایمان بیاورید «فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» این قسمت آیه ادعای آنها را تکذیب می کند، زیرا می فرماید: پس چرا همان پیامبران را کشتید اگر راست می گوئید؟ و این شاهد دشمنی و عناد آنها است و دلیلی است بر اینکه اگر پیامبر اکرم همان طوری که می خواستند، قربانی مقبول نیز می آورد، باز ایمان نمی آوردند چنانچه پدرانشان ایمان نیاوردند. اما چرا خداوند بهانه آنها را مرتفع ننمود؟ زیرا می دانست فرستادن چنین قربانی به زیان آنها است. معجزات نیز تابع

1- . مجمع البیان 1: 898
2- . آل عمران / 183

مصالح است و چنین پیشنهادی تکلیف تعیین نمودن برای خدا است. تنها دلیلی که لازم است، این است که به آن وسیله، شک و تردید ایشان را برطرف نماید.(1)

در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ أُوتُوا نَصیباً مِنَ الْکِتابِ یَشْتَرُونَ الضَّلالَهَ وَ یُریدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبیلَ»(2)، {آیا به کسانی که بهره ای از کتاب یافته اند ننگریستی؟ گمراهی را می خرند و می خواهند شما [نیز] گمراه شوید. }می نویسد: ابن عباس گفته این آیه در باره رفاعه بن زید بن سائب و مالک بن دخشم نازل شد که هر وقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن می گفت، آنها دهن کجی می کردند و بر او عیب می گرفتند(3).

در مورد آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ یُزَکُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ یُزَکِّی مَنْ یَشاءُ وَ لا یُظْلَمُونَ فَتیلاً»(4)، { آیا به کسانی که خویشتن را پاک می شمارند ننگریسته ای؟ [چنین نیست،] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می گرداند، و به قدر نخِ روی هسته خرمایی ستم نمی بینند. } گفته اند این آیه در باره گروهی از یهودیان نازل شده که بچه های خود را خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آوردند و می گفتند، آیا این بچه ها هیچ گناهی دارند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: نه، بعد می گفتند: قسم به خدا ما نیز مانند آنهاییم، هر چه در روز انجام دهیم شب از ما فرو می ریزد و هر چه در شب انجام دهیم روز خداوند محو می نماید؛ پس در تکذیب آنها این آیه نازل شد. گفته اند در باره یهودیان و مسیحیانی نازل شده که می گفتند ما فرزندان خدا و دوستان اوئیم و مدعی بودند که داخل بهشت نخواهد شد مگر کسی که یهودی یا مسیحی باشد. همین روایت از حضرت باقر علیه السّلام نیز نقل شده است.(5)

1- . مجمع البیان 1: 900 - 901
2- . نساء / 44
3- . مجمع البیان 2: 83
4- . نساء / 49
5- . مجمع البیان 2: 91

در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ أُوتُوا نَصیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ یَقُولُونَ لِلَّذینَ کَفَرُوا هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذینَ آمَنُوا سَبیلا»(1) ، {آیا کسانی را که از کتابِ [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای؟ که به «جِبت» و «طاغوت» ایمان دارند، و در باره کسانی که کفر ورزیده اند می گویند: «اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند.» }می نویسد: گفته اند ابو برزه در جاهلیت کاهن بود، بعضی از مسلمانان پیش او می رفتند (و به سخنان او گوش می دادند). این آیه از در این باره نازل شد.

و نیز گفته اند: کعب بن اشرف پس از جنگ احد به همراه هفتاد نفر از یهودیان به مکه رفتند تا با قریش علیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم پیمان شوند و پیمانی که با پیامبر داشتند را بشکنند. کعب بر وارد ابو سفیان شد و او به کعب احترام زیادی کرد، بقیه یهودیان نیز در خانه های قریش منزل گرفتند. اهالی مکه به آنها گفتند، شما اهل کتاب هستید، محمد نیز دارای کتاب است، ما اطمینان نداریم که این عمل شما حیله و تزویری نباشد. اگر واقعا راست می گویید بیایید برویم و برای این بت های ما سجده کنید و به آنها ایمان آورید تا ما باور کنیم، آن یهودیان نیز همین کار را کردند.

این قسمت آیه اشاره به همان است که می فرماید «یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ» به بت و طاغوت ستمگر ایمان آوردند.

سپس کعب پیشنهاد کرد که سی نفر از شما و سی نفر از ما برویم سینه های خود را به خانه کعبه بچسبانیم و با خدای کعبه قرارداد ببندیم که علیه محمد به پیکار برخیزیم.

این کار را نیز کردند. پس از انجام این پیمان، ابو سفیان به کعب گفت، تو مردی کتاب خوان هستی و ما مردمانی بی سوادیم که چیزی نمی دانیم، حالا تو بگو کدام یک از ما بر حق هستیم، ما یا محمد؟

کعب گفت اعتقادات خود را برایم توضیح دهید. ابو سفیان در جواب گفت، ما برای حاجیان شترهای تناور می کشیم و برای آنها آب تهیه می کنیم و از ایشان

-1 . نساء / 51

پذیرائی می نمائیم و بند از پای اسیر می گشائیم و صله رحم می کنیم و خانه خدایمان را نیز آباد می کنیم و در اطراف آن به طواف می پردازیم. ما اهل حرم و مکه هستیم ولی محمد دست از دین اجداد خود برداشت و قطع رحم کرد و از مکه خارج شد. دین ما سابقه دار است ولی دین محمد جدید و تازه است. کعب در جواب ابو سفیان گفت، به خدا قسم شما به هدایت از محمد نزدیک ترید. به همین خاطر این آیه نازل شد. (1)

در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُریدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ وَ یُریدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلالاً بَعیداً»(2)، {آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده اند [با این همه] می خواهند داوریِ میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند، و[لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهیِ دوری دراندازد.} می نویسد: بین مردی یهودی و یکی از منافقین اختلافی بود. مرد یهودی پیشنهاد کرد برای داوری پیش محمد برویم، زیرا می دانست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله رشوه نمی گیرد و در داوری ستم روا نمی دارد؛ اما مرد منافق گفت نه، پیش کعب بن اشرف برویم چون می دانست کعب رشوه می گیرد. پس منظور از طاغوت در آیه، کعب بن اشرف است.

بعضی گفته اند یکی از کاهنان جهینه بود که شخص منافقی مایل بود پیش او به داوری برود.

بعضی نیز در تفسیر آیه گفته اند، منظور همان رسمی بود که اعراب داشتند و برای رفع اختلاف، به وسیله تیرهای مخصوص در نزد بت ها فال می زدند.

امام باقر و حضرت صادق علیه السّلام می فرمایند: منظور از آیه هر کسی است که به داوری پیش او بروند او و بر خلاف واقع حکم کند. (3)

1- . مجمع البیان 2: 92
2- . نساء / 60
3- . مجمع البیان 2: 102

در باره آیه «أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فیهِ اخْتِلافاً کَثیرا»(1) ،{آیا در [معانی] قرآن نمی اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می یافتند.}می نویسد: یعنی اگر قرآن از جانب خدا نبود، در آن از جهت حق و باطل تناقض پیدا می شد و یا در اخباری (که از ما) پنهان است اختلاف بود و یا از جهت بلاغت، نارسایی و تناقض زیادی در آن وجود داشت؛ زیرا سخن بشر زمانی که طولانی و دارای تمام مفاهیمی که در قرآن است باشد، قطعا همراه با تناقض های زیادی خواهد بود و اختلاف الفاظ در آن زیاد دیده می شود؛ تمام این احتمالات از قرآن دور است. (2)

در باره آیه «إِنْ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلاَّ إِناثاً وَ إِنْ یَدْعُونَ إِلاَّ شَیْطاناً مَریداً»،(3) {[مشرکان]، به جای او، جز بتهای مادینه را [به دعا] نمی خوانند، و جز شیطانِ سرکش را نمی خوانند.}در مورد این آیه اقوال متعددی است: یکی اینکه: «إِلَّا إِناثاً» (یعنی) عربها اوثان را اناث می نامند: لات و عزی و منات الثالثه الاخری و اساف و نائله. این مطلب از ابو مالک و سدی و مجاهد و ابن زید نقل شده است و ابو حمزه ثمالی نیز در تفسیر خود همین مطلب را نقل کرده است. او می گوید، در هر یک از این بت ها شیطانی زن وجود داشت که گه گاه برای خدمتکاران بت ظاهر می شدند و با آنها صحبت می کردند و این از کارهای ابلیس است که او همان شیطانی است که خداوند در قرآن او را ذکر کرده و لعنتش نموده. گفته اند: «لات» اسم تخته سنگی است و «عزی» اسم درختی است که این دو اسم را تغییر داده و نام دو بت کرده اند.

بعضی گفته اند «عزی» مؤنث اعز و «لات» مؤنث لفظ «الله» است. حسن گفته است. هر یک از قبائل دارای بتی بود که آنها را به نامهای مخصوص زنان می نامیدند (پس معنی آیه این است که جز بت ها را به مدد خود نمی خوانند).

قول دوم این است که «الا مواتا» بوده. این قول از ابن عباس و حسن و قتاده نقل شده و معنی آیه چنین می شود که آنها (چیزی را) در مقابل خدا نمی پرستند،

1- . نساء / 82

2- . مجمع البيان 2: 125
3- . نساء / 117

مگر جمادات مرده‌ای را که شعور و عقل ندارند و سخن نمی گویند و موجب نفع و ضرری نمی شوند. و این مطلب شاهد کمال جهل و گمراهی آنها است. و آنها را اناث نامیده، چون مشرکین عرب معتقد بودند، هر چه پست و خوار باشد مؤنث است و نیز به جهت آنکه اناث از هر جنس، پستترین و خوارترین افراد آن است.

زجاج گفته، چون ضمیری که به موات نسبت میدهند ضمیر تانیث است و میگویی «الاحجار تعجبنی» که فعل مؤنث نسبت به سنگ ها داده شده است.

قول سوم این است که معنی «الا اناثا» الا ملائکه است، زیرا آنها عقیده داشتند که ملائکه دختران خدایند و آنها را می پرستیدند و معنی «إِنْ یَدْعُونَ إِلَّا شَیْطاناً مَرِیداً» یعنی نمی پرستند مگر شیطان کافری را که سخت در طغیان و عصیان و سرکشی فرو رفته است.

در مورد آیه به این صورت سؤال می شود که چگونه در اول کلام عبادت غیر اناث را نفی می کند و در آخر سخن، اثبات عبادت شیطان را می کند؟ پس در آخر آیه اثبات چیزی شده که در اول آیه آن را نفی نموده است! حسن از این اشکال چنین پاسخ داده که آنها در حقیقت جز شیطان را نمی پرستیدند، زیرا بت ها مرده هستند و کسی دعوت به عبادت آنها نمی کند. دعوت کننده به عبادت بت، شیطان است ولی عبادت را به او نسبت داده اند.

ابن عباس گفته، در هر یک از بت های عرب شیطانی وجود داشت که مشرکین را دعوت به عبادت آن بت می کرد، به همین جهت نسبت عبادت به بت و شیطان، هر دو صحیح است. بعضی گفته اند، در آیه اثبات چیزی که نفی شده باشد وجود ندارد و منظور این است: «ما یعبدون الا الاوثان و الا الشیطان» جز بت ها و شیطان را نمی پرستند.

در مورد آیه «لَعَنَهُ اللَّهُ وَ قالَ لَأَتَّخِذَنَ مِنْ عِبادِکَ نَصیباً مَفْرُوضاً»(1) ، { خدا لعنتش کند، [وقتی که] گفت: «بی گمان، از میان بندگانت نصیبی معیّن [برای خود] برخواهم گرفت. } می نویسد: از پیامبر اکرم نقل شده که در مورد این آیه فرموده است: نود و نه درصد فرزندان آدم اهل جهنم و یک درصد آنها بهشتی هستند. در

1- . نساء / 118

روایت دیگری است که از هر هزار نفر، یکی مال خداست و بقیه سهم شیطان و اهل آتشند. این هر دو روایت را ابو حمزه ثمالی در تفسیر خود نقل نموده است.

«وَ لَأُمَنِّيَنَّهُمْ» یعنی به آنها وعده طول عمر در دنیا می دهم، به همین جهت دنیا را بر آخرت مقدم می دارند. گفته اند، شیطان به آنها می گوید، در آینده حشر و نشر و بهشت و جهنمی وجود ندارد، هر چه می خواهید بکنید. آنها را به هواهای باطل که موجب گناه می شود وعده می دهم و شهوترانی ها و زرق و برق دنیا را در نظرشان می آرایم «وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ» یعنی وادارشان می کنم که گوشهای چهارپایان را شکاف دهند. بعضی گفته اند، یعنی گوش ها را از بیخ ببرند. همین نیز از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده. مشرکان عرب نسبت به چهارپایان همین کار را می کردند و گفته اند، این کار را نسبت به بحیره و سائبه انجام میدادند.

«وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ» یعنی دستور می دهم که دین خدا را تغییر دهند. از ابن عباس و دیگران نقل شده که از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده: بعضی گفته اند منظور اخته نمودن چهارپایان است و آنها اخته کردن را دوست نداشتند. بعضی نیز علامت گذاری روی حیوان را گفته و گفته اند منظور ماه و خورشید و سنگ است که مردم به جای بهره بردن از آنها (چهار پایان)، به عبادت اینها مشغول شده اند. (1)

در باره آیه «لَيْسَ بِأَمانِيِّكُمْ وَ لا أَمانِيِّ أَهْلِ الْكِتابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءاً يُجْزَ بِهِ وَ لا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ لا نَصيرا»(2)، {[پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست؛ هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی یابد.}گفته اند، مسلمانان با اهل کتاب به مفاخره پرداختند. اهل کتاب می گفتند پیامبر ما قبل از پیامبر شما و کتاب ما نیز قبل از کتاب شما بوده و به خدا از شما نزدیکتریم. مسلمانان گفتند پیامبر ما خاتم پیامبران و کتاب ما حاکم بر کتابهای آسمانی است و دین ما اسلام است. این آیه نازل شد که می فرماید: نه

1- . مجمع البیان 2: 172 - 174
2- . نساء / 123

آرزوی شما و نه آرزوی اهل کتاب. هر کس کار بد کند کیفر می شود و هرگز جز خدا ناصر و یاوری نخواهد یافت. (1)

در باره آیه « یَسْئَلُکَ أَهْلُ الْکِتابِ أَنْ تُنَزِّلَ عَلَیْهِمْ کِتاباً مِنَ السَّماءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسی أَکْبَرَ مِنْ ذلِکَ فَقالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَهً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَهُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّناتُ فَعَفَوْنا عَنْ ذلِکَ وَ آتَیْنا مُوسی سُلْطاناً مُبیناً»(2) ، {اهل کتاب از تو می خواهند که کتابی از آسمان [یکباره] بر آنان فرود آوری. البتّه از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند: «خدا را آشکارا به ما بنمای.» پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت. سپس، بعد از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، گوساله را [به پرستش] گرفتند، و ما از آن هم درگذشتیم و به موسی برهانی روشن عطا کردیم. }می نویسد: کعب بن اشرف و گروهی از یهود گفتند یا محمد! اگر تو پیامبری، برای ما از آسمان کتابی بیاور چنانچه برای موسی آمد - و تورات یک مرتبه نازل شد - . و گفته اند، درخواست کردند خداوند برای اشخاص معینی نامه ای بفرستد و به آنها دستور دهد که به پیامبر ایمان بیاورند. روایتی نیز هست که گفتند، نوشته مخصوصی برای آنها از آسمان بیاید.

حسن گفته است، این درخواست را از روی لجبازی و زورگویی کردند و نه برای آشکار شدن واقعیت و معجزه خواستن. اگر از روی توضیح و راهنمایی درخواست می کردند، خداوند برای آنها می فرستاد. (3)

در باره آیه «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذینَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ طَیِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ کَثیراً»(4)، {پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زَد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم } یعنی وقتی(یهودیان) آنچه نباید کردند، چیزهای خوبی را بر یهودیان حرام کردیم که قبلا برای آنها حلال بود. مصلحت به تحریم این اشیاء قرار

1- . مجمع البیان 2: 175

2- . نساء / 153

3- . مجمع البیان 2: 205

4- . نساء / 160

گرفت و آنها چیزهایی است که در این آیه بیان شده «وَ عَلَى الَّذِينَ هادُوا حَرَّمْنا كُلَّ ذِی ظُفُرٍ»(1)، { و بر یهودیان، هر [حیوان] چنگال داری را حرام کردیم }. (2)

در باره آیه «یا أَهْلَ الْكِتابِ لا تَغْلُوا فی دِينِكُمْ وَ لا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلاَّ الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقاها إِلى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ انْتَهُوا خَيْراً لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ كَفى بِاللَّهِ وَكيلاً»(3) ،{ای اهل کتاب، در دین خود غلوّ مکنید، و در باره خدا جز [سخنِ] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آنِ اوست، و خداوند بس کارساز است. } می نویسد: گفته اند این آیه خطاب به یهودیان و مسیحیان است زیرا مسیحیان در باره عیسی زیاده روی کردند، بعضی گفتند او خدا است و بعضی معتقد شدند سومین خدای سه گانه (پدر پسر روح القدس) است. یهودیان نیز در باره موسی غلو و زیاده روی کردند تا آنجا که گفتند بدون مباشرت پدر متولد شد. پس زیاده روی در هر دو دسته وجود دارد.

بعضی گفته اند مخصوص نصاری است، زیرا «وَ لا تَقُولُوا ثَلاثَةٌ» معتقد به سه خدا نشوید، در باره مسیحیان است؛ یعنی نگویید خدایان ما سه تا است.

گفته شده این حرف صحیح نیست، چون نصاری معتقد به سه خدا نیستند. آنها می گویند خدا یکی است ولی معتقد به سه اقنوم هستند (پدر پسر و روح القدس) و معنی آن این نیست که خدا سه تا است. اعتقاد آنها شبیه این حرف ما است که می گوییم این یک چراغ است و سپس می گوییم سه تا است: روغن و فتیله و شعله.

1- . انعام / 146
2- . مجمع البیان 2: 213

3- . نساء / 171

یا می گوییم خورشید یکی است، با اینکه خورشید مرکب از جسم و روشنایی و پرتو است.

این توجیه غلط و بسیار بعیدی است، چون وقتی ما می گوبیم یک چراغ، منظور ما این نیست که چراغ یک شی ء واحد است زیرا چراغ مجموعه ای از چند چیز است و همین طور است خورشید. این مثال در آنجاست که می گویی، یک ده تایی و یک انسان و یک خانه، با اینکه اینها مجموعهای از چند چیز هستند. اگر بگویند خدا یک شی ء واحد و خدای یکتای واقعی است، پس سه تا بودن با آن متناقض است. اگر می گویند خدا مجموعه ایست مثل همانها که توضیح دادیم، در این صورت موحد نیستند و جزء مشبهه به شمار می آیند و دیگر شق سومی ندارد، پایان.(1)

رازی در تفسیر خود می نویسد: معنی این است که نگویید خدا یک ذات است و سه اقنوم.

باید توجه داشت که مذهب نصاری واقعاً مجهول و نامعلوم است. آنچه از مجموعه اعتقادات آنها به دست می آید این است که معتقد به یک ذات هستند که دارای سه صفت است، گر چه آنها اینها را صفت نامیده اند و در واقع صفت نیستند و بلکه چند ذات هستند؛ زیرا آنها تجویز میکنند که (خدا) در عیسی و مریم حلول کند. اگر اینها ذات قائم به نفس نباشند، نمی توانند در غیر حلول کنند و از یکی به دیگری منتقل شوند. گر چه آنها را صفات مینامند ولی در واقع سه ذات قائم به نفس است که این عین کفر است.

سپس می نویسد: در مورد تعیین مبتداء که «ثلاثه» خبر آن باشد، به سه قول اختلاف دارند.

قول اول همان است که ما ذکر کردیم: نگویید خدایان ما سه تا است (که مبتدا اقانیم می شود).

دوم، زجاج گفته: لا تقولوا آلهتنا ثلاثه، نگویید خدایان ما سه تا است. و این توجیه برای آن است که قرآن خود شاهد است که نصاری میگویند الله و مسیح و

1- . مجمع البيان 2: 222 - 224

مریم سه خدایند و این آیه شاهد آن است «أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِی وَ أُمِّی إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ»(1).

سوم، فراء گفته است: لا تقولوا هم ثلاثه، یعنی مبتدا ضمیر هم است مانند این آیه «سَیَقُولُونَ ثَلاثَهٌ»(2) و توضیح مطلب چنین است که اسم بردن عیسی و مریم با خدا به این صورت، چنین به ذهن می آورد که آنها قائل به دو خدایند. بالاخره ما مذهبی در دنیا از نظر عقل و دانش، رکیک تر و بعیدتر از مذهب نصاری نداریم. (3)

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان می نویسد: «فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَهَ وَ الْبَغْضاءَ» بین آنها عداوت و دشمنی انداختیم یعنی بین یهود و نصاری. بعضی گفته اند یعنی بین دسته های مختلف نصاری این دشمنی را انداختیم زیرا اعتقادات مختلفی در دین دارند. توضیح اینکه نسطوریه می گویند، عیسی ابن الله است و یعقوبیها معتقدند خدا همان مسیح است و الملکانیه که همان رومیها هستند می گویند، خدا سومین سه خدا است: الله، عیسی، مریم.(4)

در باره آیه «وَ قالَتِ الْیَهُودُ وَ النَّصاری نَحْنُ أَبْناءُ اللَّهِ وَ أَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ یُعَذِّبُکُمْ بِذُنُوبِکُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ خَلَقَ یَغْفِرُ لِمَنْ یَشاءُ وَ یُعَذِّبُ مَنْ یَشاءُ وَ لِلَّهِ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ إِلَیْهِ الْمَصِیرُ »(5) ، {و یهودان و ترسایان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می کند؟ بلکه شما [هم] بشرید، از جمله کسانی که آفریده است. هر که را بخواهد می آمرزد، و هر که را بخواهد عذاب می کند، و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می باشد از آن خداست، و بازگشت [همه] به سوی اوست.» }می نویسد: گفته اند یهودیان مدعی هستند ما در مقام قرب به خدا، مانند فرزند هستیم نسبت به پدر؛ و مسیحیان همین طور می گویند عیسی مسیح فرزند خدا است و خویشتن را هم فرزندان و دوستان خدا می دانند، چون سخن عیسی را در انجیل که گفت: « پیش

1- . مائده / 116
2- . الکهف / 22
3- . تفسیر کبیر 3: 346

4- . مجمع البيان 2: 268 - 269
5- . مائده / 8

پدر خودم و شما میروم » به همین صورت تفسیر کرده اند. بعضی گفته اند، گروهی از یهودیان مانند کعب ابن اشرف و کعب ابن اسید و زید بن التابوه و دیگران، هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را از کیفر و عذاب خداوند بر حذر می داشت، به آن جناب عرض کردند ما را نترسان، ما فرزندان و دوستان خدا هستیم، اگر هم بر ما خشم بگیرد مانند خشمی است که پدر به فرزندش می گیرد. منظورشان این بود که به زودی از ما راضی خواهد شد. این قول از ابن عباس نقل شده است.

گفته شده، وقتی گروهی مدعی شدند عیسی مسیح فرزند خدا است، همین مقام را برای همه جاری دانستند؛ چنانچه عربها می گویند: قبیله هذیل شاعرانند. و منظورشان این است که در میان این قبیله شاعرانی وجود دارد. (1)

در باره آیه «وَ قالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْديهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ يَداهُ مَبْسُوطَتانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشاءُ وَ لَيَزيدَنَّ كَثيراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْياناً وَ كُفْراً وَ أَلْقَيْنا بَيْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدين» (2) ، {و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی دارد. } می نویسد: یعنی دستهای خدا بسته است و از دادن روزی امتناع دارد و نسبت بخل به خدا داده اند. ابن عباس و دیگران گفته اند: خداوند به یهودیان گسترش مالی عنایت کرد بطوری که ثروتمندترین مردم شدند و سرسبزترین مکان را در اختیار گرفتند. وقتی در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله تمرد جسته و عصیان ورزیدند، خداوند آن قدرت مالی را از ایشان گرفت؛ در

1- . مجمع البیان 2: 272 - 273
2- . مائده / 64

این هنگام فنحاص بن عازوراء گفت «يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» اما او نگفت إلى عنقه، بسته است به گردنش.

صاحب نظران در این مورد معتقدند که چون فقط فنحاص بن عازوراء این حرف را زد ولی دیگران او را از گفتن چنین سخنی باز نداشتند و از سخن او خوشحال بودند، خداوند نسبت این سخن را به همه یهودیان داده و دیگران را نیز شریک گفتار او کرده است.

بعضی گفته اند، منظور این است که دست خدا از عذاب ما بسته است و ما را جز به همان مقدار که قسم خوردنش مصداق پیدا نماید، بیشتر عذاب نمی کند؛ فقط به اندازه ای که آباء و اجدادمان را در مقابل گوساله پرستی عذاب نمود ما را عذاب می کند.

و نیز گفته اند، این جمله استفهام است و سؤال می کند: آیا دست خداوند نسبت به ما بسته شده که روزی را بر ما سخت گرفته است.

ابو القاسم بلخی می گوید، ممکن است یهودیان سخنی را گفته باشند و معتقد به عقیده ای شده اند که: خداوند گاهی بخل می ورزد و گاهی بخشش می کند. این سخن از آنها بر سبیل تعجب و شگفت از گفتارشان و تکذیب آنها نقل شده است و ممکن است این حرف را از روی مسخره گفته باشند. چون پیامبر اکرم از نظر مالی در مضیقه بود (آنها از روی استهزاء می گفتند، خدا حالا دستهایش بسته شده).

از گروهی که به موسی گفتند: «اجعل لنا إلها کما لهم آلهه» یک خدا برای ما قرار بده، آنها چقدر خدا دارند؛ و گوساله را به خدایی پذیرفتند، نباید تعجب کرد که بگویند خداوند گاهی بخل می ورزد و گاهی جود و بخشش می نماید.

حسن بن علی مغربی گفت: بعضی از یهودیان مصری برایم نقل کردند که گروهی از یهودیان این سخن را گفته اند.(1)

می گویم: رازی می گوید، شاید این سخن آنها یک اعتقاد فلسفی است که خداوند واجب الوجود است و حدوث حوادث از او به یک صورت و یک طریق امکان ندارد و نمی تواند حوادث و اتفاقات بر غیر صورتی که اتفاق می افتد را تغییر و

1- . مجمع البيان 2: 339

تبدیل نماید. همین قدرت نداشتن بر تغییر و تبدیل را «بغل ید» و دست بسته بودن تعبیر کرده اند.(1)

مرحوم طبرسی در مورد «غلّت ایدیهم» که خداوند می فرماید دستهای خود آنها بسته باد، می نویسد: راجع به معنی آن با اختلاف سخن گفته اند. بعضی گفته اند جمله خبر می دهد که در جهنم دستهای آنها بسته است. نظر دوم این است که جمله نفرین است مثل اینکه می گویی خدا دستهای او را بشکنند.

سوم اینکه خداوند آنها را بخیل کرده و نمی توانند از بخل دست بکشند و بخیل ترین مردم جهانند، طوری که هیچ یهودی را نمی بینی جز اینکه بخیل و پست است.(2)

«كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ»(3)، {هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت.}یعنی هر زمان آتش جنگی برای محمد صلی الله علیه و آله افروختند، خداوند آتش را خاموش کرد. در این آیه یک شاهد و معجزه ای است، زیرا خداوند خبری می دهد و خبر او مطابق واقع و جریانهای بعدی اتفاق می افتد. یهودیان قدرتمندترین مردم حجاز و با شخصیت ترین اشخاص این ناحیه بودند به طوری که قریش نیز از آنها کمک میگرفتند و اوس و خزرج در کینه های دیرینه خود از آنها مدد و کمک می جستند. اما خداوند شخصیتهای آنها را نابود کرد و قدرت ایشان را از بین برد و ایشان را زبون و خوار کرد، و پیامبر اکرم دستور داد یهودیان بنی النضیر و بنی قینقاع تبعید شوند و بنی قریظه را کشت و اهالی خیبر را تار و مار کرد و بر فدک پیروز گردید. اهالی وادی القری نیز سر به اطاعت آوردند و آن قدرت و نیروی ایشان تبدیل به ضعف و زبونی گردید.(4)

در باره آیه «لَقَدْ كَفَرَ الَّذينَ قالُوا إِنَ اللَّهَ هُوَ الْمَسيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قالَ الْمَسيحُ يا بَنى إِسْرائيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّى وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ

1- . تفسیر رازی 12: 43 - 44

2- . مجمع البیان 2: 339 - 440

3- . مائده / 64
4- . مجمع البيان 2: 340

مَأْواهُ النَّارُ وَ ما لِلظَّالِمينَ مِنْ أَنْصارٍ»(1)، { کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، قطعاً کافر شده اند، و حال آنکه مسیح می گفت: «ای فرزندان اسرائیل، پروردگار من و پروردگار خودتان را بپرستید؛ که هر کس به خدا شرک آوَرَد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست.» }می نویسد: این مذهب یعقوبیها از نصاری است، زیرا آنها معتقدند که خداوند با عیسی اتحاد ذاتی پیدا کرده و یک چیز شده و ناسوت لاهوت گردیده است.(2)

رازی در تفسیر سخن مسیحیان که گفته اند: خدا سومین فرد خدایان است می نویسد: دو راه در این سخن هست.

اول، آنچه مفسران در این مورد گفته اند: خدا و مریم و عیسی سه خدایند.

دوم، این است که متکلمین از نصاری نقل کرده اند که آنها می گویند: جوهر یکتا است ولی اقانیم سه تا است: اب، ابن، روح القدس و هر سه یک خدایند، چنانچه خورشید یک اسم است که عبارت از مجموعه قرص خورشید و پرتو و حرارت است. منظورشان از اب، ذات خداست و از ابن، کلمه و از روح، حیات و اثبات ذات و کلمه و حیات کرده اند و گفته اند، کلمه الله که همان کلمه خدا است با عیسی متحد شده، چنانچه شراب با آب ممزوج می شود و آب با شیر می آمیزد و مدعی هستند پدر اله است پسر نیز اله و روح هم اله است و همه اینها یک خدا است.

باید توجه داشت که این ادعا بسیار باطل و بیهوده است و عقل گواه بطلان آن است. هرگز سه تا یکی نخواهد شد و یکی سه تا نمی شود. در دنیا از ادعای مسیحیان، مذهبی خرافی تر یافت نمی شود.(3)

طبرسی رحمه الله علیه در باره آیه «تَری کَثیراً مِنْهُمْ یَتَوَلَّوْنَ الَّذینَ کَفَرُوا لَبِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَ فِی الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ»(4)، {بسیاری از

1- . مائده / 72
2- . مجمع البیان 2: 352
3- . تفسیر رازی 12: 64

4- . مائده / 80

آنان را می بینی که با کسانی که کفر ورزیده اند دوستی می کنند. راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند ، [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت، و پیوسته در عذاب می مانند.} یعنی بسیاری از یهودیان را میبینی که علاقمند به کفار هستند (منظور کفار مکه است). آیه در باره کعب بن اشرف و یاران اوست که مشرکین را علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحریک می کردند و قبلاً توضیح داده شد. حضرت امام باقر علیه السّلام فرمود: یعنی پادشاهان ستمگر را دوست می دارند و نظرات و خواسته های آنان را زیبا جلوه می دهند تا از قدرت مالی و دنیای آنها بهره مند شوند.(1)

در باره آیه «ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحيرَةٍ وَ لا سائِبَةٍ وَ لا وَصيلَةٍ وَ لا حامٍ وَ لكِنَّ الَّذينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْقِلُون»(2)، {خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل:] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می بندند و بیشترشان تعقّل نمی کنند.} می نویسد: آنچه را اهل جاهلیت حرام نموده اند، (به نام بحیره و سائبه و وصیله و حام) خداوند چنین چیزی را قرار نداده است.

بحیره: شتری است که پنج شکم بزاید و آخرین نوزاد او نر باشد که گوش او را شکاف می دهند و از سوار شدن و کشتن او خودداری می نمایند و مانع آب و علف او نمی شوند. اگر شخص عاجز و ناتوانی هم او را مشاهده کند سوارش نمی شود.

ابن عباس گفته است: بحیره این است که وقتی شتری به زایمان پنجم رسید، اگر شکم پنجم او نر بود، آن شتر را می کشتند و زن و مرد از گوشتش نمی خوردند. اگر ماده بود، آن شتر بحیره است و گوش او را شکاف می دهند. دیگر کرک از او نمی گیرند و موقع کشتن نام خدا را بر او نمی برند، و بار بر او قرار نمی دهند و بر زنان شیر او حرام است و (زنان) از او بهره برداری نمی کنند، بهره برداری و شیر او

1- . مجمع البیان 2: 358
2- . مائده / 103

مخصوص مردها است تا بمیرد. وقتی مرد، زن و مرد در خوردن گوشت او شریک هستند.

و گفته اند، بحیره بچه سائبه است، شتری است که برای آمدن از سفر یا شفا از بیماری و چیزهای دیگر آن را نذر کنند. می گوید، شترم سائبه است، آن وقت همان احکام بحیره نسبت به او هم جاری است از نظر بهره نبردن از او و جلوگیری نکردن از آب و علف. زجاج و علقمه این نظر را داده اند.

ابن عباس و ابن مسعود گفته اند، سائبه شتری است که برای بت ها نذر کنند. شخص از مال خود هر مقدار بخواهد نذر می کند و آن را تحویل خدمتکاران بت خانه می دهد. آنها شیر شتر را به غریبان و بیچارگان می دهند.

بعضی گفته اند، سائبه شتری است که ده شکم پشت سر هم ماده بزاید که هیچ کدام نر نباشد. دیگر سوار آن نمی شوند و کرکش را نمی کنند و از شیرش نمی خورند مگر برای میهمان. هر چه بعد از این شکم بزاید، گوش آن را می شکافند و سپس بچه و مادرش را رها می کنند.

(وصیله) زجاج می گوید: وصیله یک نوع گوسفند است. اگر بچه میش ماده بود، متعلق به خود آنها می شد و اگر نر می زائید آن را به خدایان خود می دادند. اگر نر و ماده می زائید، می گفتند بچه ماده به برادر خود رسید و دیگر بره نر را برای خدایان خود نمی کشتند.

ابن مسعود و مقاتل می گویند، وقتی گوسفند هفت شکم می زائید، اگر شکم هفتم بره نر بود آن را برای خدایان خود می کشتند و گوشت او متعلق به مردان بود نه زنان. اما اگر بره ماده بود، آن را نگه می داشتند و از گوسفندهای خوب به شمار می رفت. اما اگر در شکم هفتم، بره نر و ماده می زائید، می گفتند بره ماده به برادر خود رسید و دیگر به ما حرام است و هر دو بر آنها حرام می شد و تمام بهره و منفعت آن متعلق به مردها بود نه زنان.

بعضی گفته اند، وصیله به گوسفندی میگفتند که ده بچه ماده در پنج شکم می زائید که هیچ بره نری در میان آنها نبود، پس از آن هر چه می زائید متعلق به

مردان بود. این مطلب از محمد بن اسحاق نقل شده. «و لا حام»، حام شتر نر بود. عرب هر گاه از نطفه شتر نری ده شکم بهره گیری می کرد می گفت، دیگر پشت او ممنوع شد. آن شتر را بار نمی کرد و از آب و چرا باز نمی داشت. بعضی گفته اند حام شتر نر بود. عرب هر گاه از نطفه شتر نری ده شکم بهره گیری می کرد، می گفت دیگر پشت او ممنوع شد. آن شتر را بار نمی کرد و از آب و چرا باز نمی داشت. از ابن عباس و ابن مسعود و دیگران نقل شده.

بعضی گفته اند حام شتر نری است که بچه بچه خود را باردار کند. می گفتند پشت او ممنوع شد و سوارش نمی شدند.

باید توجه داشت که خداوند عزیز هیچ کدام از این چند نوع را حرام نکرده. مفسران از ابن عباس نقل کرده اند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عمرو بن لحی بن قمعه بن خندف فرمانروای مکه بود و او اولین کسی بود که دین اسماعیل را تغییر داد. بت ها و بت پرستی را رایج نمود و بحیره و سائبه و وصیله و حامی را به وجود آورد. پیامبر اکرم فرمود: او را در آتش جهنم مشاهده کردم که از شراره هایش جهنمیان در عذاب بودند، روایتی نیز هست که چوبهای آتش او را در جهنم می کشیدند. (1)

در باره آیه «وَ لَوْ نَزَّلْنا عَلَيْکَ کِتاباً فی قِرْطاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدیهِمْ لَقالَ الَّذینَ کَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ مُبین»(2)، { و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می کردیم و آنان، آن را با دستهای خود لمس می کردند قطعاً کافران می گفتند: «این [چیزی] جز سحر آشکار نیست.» }می نویسد: آیه در باره نضر بن حارث و عبد الله بن امیه و نوفل بن خویلد نازل شده که گفتند: ما به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه کتابی از جانب خداوند بیاوری و چهار فرشته نیز به همراه آن کتاب باشند و گواهی دهند که این کتاب از جانب خدا است و تو پیامبر اویی «وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَکاً لَقُضِيَ الْأَمْرُ» یعنی وقتی ایمان نیاورند، مقتضای حکمت این است که آنها را خداوند مهلت ندهد و مستاصل نماید «وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَکاً» یعنی اگر آن پیامبر را فرشته قرار دهیم و یا آن

1- . مجمع البیان 2: 389 - 390
2- . انعام / 7

فرشته که گواه بر پیامبری اوست، «لَجَعَلْناهُ رَجُلًا» او را به صورت مردی خواهیم فرستاد زیرا آنها قدرت دیدن فرشته را به صورتی که هست ندارند. چون چشم انسان نمی تواند فرشته و ملک را ببیند مگر بعد از اینکه تکثف پیدا کند و مجسم به صورت اجسام مرئی شود «وَ لَلَبَسْنا عَلَيْهِمْ ما يَلْبِسُونَ».

زجاج گفته است: آنها با ضعف و ناتوانی که داشتند، در مورد خود پیامبر مشکوک بودند و می گفتند این هم یک انسان است مثل شما. خداوند می فرماید: اگر آن فرشته را به صورت یک مرد و انسانی بفرستیم همان طور دچار شک و اشتباه می شوند و این آیه احتجاج بر کفار است به این صورت که آنچه شما درخواست می کنید موجب توضیح مطلب و آشکار شدن جریان نخواهد شد.

بعضی گفته اند منظور این است که اگر فرشته بفرستیم او را نمی شناسند مگر با اندیشه و تفکر، آنها هم که اهل تفکر نیستند، در نتیجه همان شک و تردید برایشان باقی می ماند به همین جهت اشتباه را خداوند نسبت به خود داده، چون با فرستادن ملائکه این اشتباه به وجود می آید. (1)

در باره آیه «قُلْ أَيُّ شَيْ ءٍ أَكْبَرُ شَهادَةً قُلِ اللَّهُ شَهيدٌ بَيْنی وَ بَيْنَكُمْ وَ أُوحِيَ إِلَيَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَ إِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْری قُلْ لا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنَّنی بَری ءٌ مِمَّا تُشْرِكُون»(2)، { بگو: «گواهی چه کسی از همه برتر است؟» بگو: «خدا میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعاً شما گواهی می دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟» بگو: «من گواهی نمی دهم.» بگو: «او تنها معبودی یگانه است، و بی تردید، من از آنچه شریک [او] قرار می دهید بیزارم.» }می نویسد: کلبی می گوید اهل مکه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده گفتند: خدا غیر از تو پیامبری نیافت؟ ما که خیال نمی کنیم. یک

1- . مجمع البیان 2: 428 - 429

2- . انعام / 19

نفر را به ما نشان بده که نزد ما گواهی به رسالت تو بنماید. این آیه در همین مورد نازل شد.(1)

در باره این آیه می نویسد: در تفسیر عیاشی ذکر شده که حضرت باقر و صادق علیهما السلام فرمودند: منظور از (من بلغ) این است که می فرماید این قرآن به من وحی شده تا شما را به وسیله آن و کسانی که به آن مقام می رسند انذار دهم.

منظور این است، کسی می تواند از آل محمد صلی الله علیه و آله امام بشود که او نیز مانند پیامبر اکرم، به وسیله قرآن شما را می ترساند.

در باره آیه «الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْرِفُونَهُ كَما يَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمُ الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا يُؤْمِنُونَ»(2)، { كسانى كه كتاب [آسمانى] به آنان داده ايم، همان گونه كه پسران خود را مى شناسد، او [=پيامبر] را مى شناسد. كسانى كه به خود زيان زده اند، ايمان نمى آورند. } می نویسد: ابو حمزه ثمالی گفت، وقتی پیامبر وارد مدینه شد، عمر به عبد الله بن سلام گفت: خداوند بر پیامبر آیه ای نازل کرده که میگوید، اهل کتاب این پیامبر را چنان می شناسند که بچه های خود را می شناسند، این شناسایی چگونه است؟

عبد الله بن سلام در جواب او گفت، ما پیامبر را با مشخصاتی که خداوند به او بخشیده، مثل یک نفر که بچه اش را بین بچه ها تشخیص می دهد، میشناسیم و تشخیص می دهیم

سوگند به خدا که من هم اکنون پیامبر را بهتر از فرزند خود می شناسم و حتی شناختم به او بیشتر است. عمر گفت برایم توضیح بده، چگونه چنین شناختی داری؟

عبد الله بن سلام گفت، او را با مشخصاتی که خداوند در کتاب ما برایش تعیین کرده می شناسم که این همان پیامبر است، اما در مورد فرزندم کاملا نمی دانم مادرش چه کرده ! عمر گفت، واقعاً خدا به تو توفیق داده و به واقعیت رسیده ای.(3)

1- . مجمع البيان 2: 436
2- . انعام / 20
3- . مجمع البيان 2: 437

و در باره آیه «وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ یَرَوْا کُلَّ آیَهٍ لا یُؤْمِنُوا بِها حَتَّی إِذا جاؤُکَ یُجادِلُونَکَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا إِنْ هذا إِلاَّ أَساطیرُ الْأَوَّلین»(1) {و برخی از آنان به تو گوش فرا می دهند، و[لی] ما بر دلهایشان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند، و در گوشهایشان سنگینی [قرار داده ایم]. و اگر هر معجزه ای را ببینند به آن ایمان نمی آورند. تا آنجا که وقتی نزد تو می آیند و با تو جدال می کنند، کسانی که کفر ورزیدند، می گویند: «این [کتاب] چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست.» }گفته اند، گروهی از مشرکان مکه از قبیل نضر بن حارث و ابو سفیان بن حرب و ولید بن مغیره و عتبه بن ربیعه و برادرش شیبه و دیگران در خدمت پیامبر نشسته بودند و آن جناب مشغول تلاوت قرآن بود.

بعضی به نضر گفتند، محمد چه می گوید؟ گفت این داستانها و قصه گذشتگان است همان طوری که من از گذشته برای شما نقل می کنم. «أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ» یعنی وقایعی که آنها را در کتابها نوشته اند. بعضی گفتهاند معنی آن سخنان بیهوده و اباطیل است مانند داستان رستم و اسفندیار و قصه های دیگری که فایده ای ندارد.(2)

در باره آیه «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَیَحْزُنُکَ الَّذی یَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لا یُکَذِّبُونَکَ وَ لکِنَّ الظَّالِمینَ بِآیاتِ اللَّهِ یَجْحَدُونَ»(3) ، {به یقین، می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند.} حرفهایی مثل اینکه می گویند ساحر است یا دیوانه و نظائر این نسبت ها «فَإِنَّهُمْ لا یُکَذِّبُونَکَ» این آیه را نافع و کسائی و اعشی نقل کرده اند که به تخفیف خواند و همین قرائت حضرت علی علیه السّلام است و از حضرت صادق علیه السّلام نیز روایت شده، ولی بقیه به تشدید کاف و فتحه خوانده اند. در توجیه معنی آن چند وجه است.

اول: یعنی آنها در دل تو را پیامبر می دانند و تکذیب نمی کنند. اما به زبان از روی عناد و لجبازی منکر می شوند. این نظر اکثر مفسرین است. این نظر را روایتی

1- . اسراء / 46

2- . مجمع البيان 2: 442 - 444
3- . انعام / 33

که سلام بن مسکین از یزید مدنی نقل کرده، تائید می کند: روزی پیامبر اکرم در بین راه با ابو جهل برخورد کرد. ابو جهل با او مصافحه نمود. به ابو جهل اعتراض کردند که چرا تو محمد را در آغوش گرفتی؟ گفت خدا گواه است که من او را در ادعایش صادق می دانم، ولی کی ما تابع عبد مناف شده ایم؟ خداوند این آیه را به همین جهت نازل نمود.

یکی از مفسرین به نام سدی می گوید: اخنس بن شریق با ابو جهل برخورد کرد و به او گفت، یا ابا الحکم ! از وضع محمد صلی الله علیه و آله برایم پرده بگشا. آیا او در ادعای نبوت خود صادق است یا کاذب؟ اکنون کسی جز من و تو نیست که سخنان تو را بشنود. ابو جهل گفت، نه هرگز، خدا را گواه می گیرم که او صادق است و هرگز دروغ نگفته، ولی وقتی فرزندان قصی پرچم و پرده داری و سقایت حاج و رهبری دار الندوه و پیامبری را به خود اختصاص دهند، دیگر برای سایر قریش چه خواهد ماند؟

دوم: اینکه نمی توانند با دلیل تو را تکذیب نمایند و قدرت ابطال دلائل تو را ندارند. دلیل بر این معنی روایتی است که از حضرت علی علیه السّلام نقل شده که به همین صورت قرائت می کرد و می فرمود: یعنی آنها نمی توانند دلیلی بیاورند که بر دلائل تو چیره شود.

سوم: منظور این است که با تو با ادعای دروغ برخورد نخواهد کرد (یعنی نمیگویند دروغ میگویی) چنانچه عربها می گویند «قاتلناکم فما اجبناکم» یعنی با شما نبرد کردیم ولی از شما نترسیدیم. در این صورت لازم نیست حتما با تخفیف خوانده شود زیرا باب افعال و تفعیل هر دو به این معنی می آید و باب افعال بیشتر در این مورد است.

چهارم: منظور این است که به در ادعای نبوت تو نسبت دروغ نمی دهند زیرا تو بین آنها امین و راستگو بودی. بلکه مطالب تو را تکذیب می نمایند و نسبت دروغ به آیات خدا می دهند. و روایت شده که ابو جهل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت، ما تو را متهم نمی کنیم و هرگز نسبت دروغ به تو نمی دهیم ولی ما آنچه را آورده ای قبول نداریم و تکذیب می کنیم.

ص: 340

پنجم: یعنی تو را تکذیب نمی کنند، مرا تکذیب می کنند ولی تکذیب تو، برگشت به من دارد و تو تنها تکذیب نمی شوی؛ زیرا تو پیکی و رسول، هر که تو را نپذیرد مرا نپذیرفته است.(1)

در باره آیه «وَ إِنْ کانَ کَبُرَ عَلَیْکَ إِعْراضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِیَ نَفَقاً فِی الْأَرْضِ أَوْ سُلَّماً فِی السَّماءِ فَتَأْتِیَهُمْ بِآیَهٍ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَی الْهُدی فَلا تَکُونَنَّ مِنَ الْجاهِلِین» (2)، {و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است، اگر می توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن]، و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر هدایت گِرد می آورد، پس زنهار از نادانان مباش.} می نویسد: یعنی اگر می توانی جایگاهی درون زمین و یا نردبانی برای بالا رفتن به آسمان ترتیب دهی و دلائلی بیاوری که آنها مجبور به ایمان شوند این کار را بکن. بعضی گفته اند، یعنی (اگر میتوانی) دلیلی بهتر از آنچه ما آورده ایم برای آنها بیاوری، این کار را بکن.

«إِنَّما یَسْتَجیبُ الَّذینَ یَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتی یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ»(3) ، {تنها کسانی [دعوت تو را] اجابت می کنند که گوش شنوا دارند، و [امّا] مردگان را خداوند [در قیامت] بر خواهد انگیخت؛ سپس به سوی او بازگردانیده می شوند.} یعنی به ندای تو کسانی پاسخ می دهند که گوش می دهند و می اندیشند، زیرا کسی که اندیشه نکند و تدبر ننماید، مثل کسی است که گوش نداده «وَ الْمَوْتی یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ» می فرماید: کسانی که گوش نمی دهند و اندیشه و تفکر نمی کنند مانند مرده ها هستند. آنها اجابت نخواهند کرد مگر در قیامت که برانگیخته شوند.

«وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلی أَنْ یُنَزِّلَ آیَهً وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ»(4)، {و گفتند: «چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «بی تردید، خدا قادر است که پدیده ای شگرف فرو فرستد، لیکن

1- . مجمع البیان 2: 454 - 456
2- . انعام / 35
3- . انعام / 36
4- . انعام / 37

بیشتر آنان نمی دانند.» } منظور این است که دلائلی مانند پیامبران پیشین می خواستند از قبیل عصای موسی و شتر ثمود «وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ» ولی بیشتر آنها نمی دانند که چنین آیاتی، وقتی(پس از آن) ایمان نیاورند، موجب بدبختی آنها می شود و نمی دانند که این آیات و نشانه ها به مصلحت آنها است. (1)

در باره آیه «قُلْ أَ رَأَیْتَکُمْ إِنْ أَتاکُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ یُهْلَکُ إِلاَّ الْقَوْمُ الظَّالِمُون»(2) ، {بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به شما برسد، آیا جز گروه ستمگران [کسی] هلاک خواهد شد؟» } یعنی هلاک شده فقط کسانی هستند که کافر به خدایند و در زمین فتنه و فساد بر پا می کنند زیرا اگر مؤمنی از دنیا رود یا بچه ای بمیرد، آزمایشی است که خداوند در مقابل آن چندین برابر پاداش می دهد که این گرفتاری در مقابل آن پاداش، چیزی نخواهد بود.(3)

در باره آیه «قُلْ لا أَقُولُ لَکُمْ عِنْدی خَزائِنُ اللَّهِ وَ لا أَعْلَمُ الْغَیْبَ وَ لا أَقُولُ لَکُمْ إِنِّی مَلَکٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما یُوحی إِلَیَّ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصیرُ أَ فَلا تَتَفَکَّرُون»(4) ، {بگو: «به شما نمی گویم گنجینه های خدا نزد من است؛ و غیب نیز نمی دانم؛ و به شما نمی گویم که من فرشته ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می شود پیروی نمی کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکّر نمی کنید.» } می نویسد: یعنی آیا کسانی که عارف به خدا و دین اویند، با کسانی که جاهل و بی اطلاعند مساوی هستند. کور را مثل برای نادانان و بینا را مثل برای عارف و دانا قرار داده است و در تفسیر اهل بیت آمده است، آیا کسی که می داند، با کسی که نمی داند مساوی است.

در باره آیه «وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذینَ یَخافُونَ أَنْ یُحْشَرُوا إِلی رَبِّهِمْ لَیْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِیٌّ وَ لا شَفیعٌ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ »(5)، { و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیعی

1- . مجمع البیان 2: 458 - 459
2- . انعام / 47
3- . مجمع البیان 2: 469

4- . انعام / 50
5- . انعام / 51

نیست، باشد که پروا کنند.} می نویسد: یعنی مؤمنین از هول و هراس قیامت بیمناکند. بعضی گفته اند «یخافون» به معنای «یعلمون» است، یعنی می دانند که محشور می شوند.

امام صادق علیه السّلام فرمود: با قران انذار بده کسی را که امیدوار است به پیشگاه پروردگار خود می رود به واسطه علاقه و عشقی که به پاداش او دارد. همانا قرآن شفاعت کننده ای است که شفاعتش پذیرفته می شود.(1)

در باره آیه « قُلْ إِنِّی عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّی وَ کَذَّبْتُمْ بِهِ ما عِنْدی ما تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُکْمُ إِلاَّ لِلَّهِ یَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَیْرُ الْفاصِلینَ»(2)، { بگو: «من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری [همراه] دارم، و[لی] شما آن را دروغ پنداشتید، [و] آنچه را به شتاب خواستار آنید در اختیار من نیست. فرمان جز به دست خدا نیست، که حق را بیان می کند، و او بهترین داوران است.» } می نویسد: یعنی در مورد عذابی که درخواست می نمایید و می گویید، یا محمد! بگو خدا آن عذابی را که وعده داده بفرستد. بعضی گفته اند منظور دلائلی است که آنها پیشنهاد می کردند پیامبر (برایشان) بیاورد. خداوند اعلام می کند که آن دلائل در نزد خدا هست. (3)

و در باره « قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً وَ یُذیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْآیاتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ»(4) ، { بگو: «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند.» بنگر، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم، باشد که آنان بفهمند.} منظور از عذاب بالا یعنی صدای آسمانی و فرستادن سنگ و طوفان و باد شدید «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ» و مقصود از عذاب زیر پا، فرو رفتن به زمین است.

1- . مجمع البیان 2: 470 - 471
2- . انعام / 57
3- . مجمع البیان 2: 479
4- . انعام / 65

گفته اند «مِنْ فَوْقِكُمْ» يعنى از طرف بزرگانتان و «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» يعنى از طرف اشخاص پست و رذل شما. و نيز گفته اند «مِنْ فَوْقِكُمْ» يعنى پادشاهان ستمگر «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» يعنى بندگان و بردگان بد و بى فايده. همين نظر از حضرت صادق عليه السّلام روايت شده است.

«أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعاً» يعنى شما را به دسته هاى مختلف با عقايد متفاوت تقسيم مى كند كه يک عقيده نداشته باشيد.

بعضى گفته اند، يعنى آنها را به خود وامى گذارد و از عنايت و لطف خويش به واسطه گناهانى كه قبلا انجام داده اند، بى بهره مى كند. بعضى نيز گفته اند، يعنى بين آنها اختلاف مى اندازند و به واسطه دشمنى و كينه اى كه بين آنها مى اندازد، به جان هم مى افتند. همين روايت از امام صادق عليه السّلام هم نقل شده است.

«وَ يُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» يعنى شما را گرفتار جنگ با يكديگر مى كند. و بعضى گفته اند منظور همسايه بد است. از حضرت صادق عليه السّلام همين روايت رسيده است.

در تفسير كلبى مى نويسد: وقتى اين آيه بر پيامبر اكرم نازل شد، آن حضرت از جاى خود حركت نموده و وضويى شاداب گرفت، سپس به نماز ايستاد و نماز نيكويى خواند و بعد از نماز از خداوند درخواست كرد كه امتش را گرفتار عذاب بالا و پائين ننمايد و گرفتار اختلاف و جنگ نكند.

پس جبرئيل نازل شد و گفت: يا محمد، خداوند درخواست تو را شنيد و آنها را از دو چيز امان داد ولى دو چيز ديگر را اجرا خواهد كرد. به آنها امان داد از اينكه عذابى از بالا يا از پائين بر آنها نازل كند، اما دو چيز را امان نداد. پيامبر اكرم فرمود: جبرئيل، ديگر از امتم چه باقى مى ماند، در صورتى كه گرفتار جنگ با يكديگر شوند و يكديگر را بكشند. باز از جاى حركت كرد و شروع به دعا نمود؛ در آن هنگام اين آيه نازل شد: « الم * أَ حَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَ هُمْ لا يُفْتَنُونَ »(1)، { الف، لام، ميم. آيا مردم پنداشتند كه تا گفتند ايمان آورديم، رها مى شوند و مورد آزمايش قرار نمى گيرند؟ } پيامبر اكرم فرمود: نه ! بايد حتما آزمايشى بعد از پيامبر

1- . عنکبوت / 1 - 2

باشد تا راستگو از دروغگو تشخیص داده شود. چون وحی منقطع شده است و شمشیر مانده و اختلاف و ناهماهنگی تا روز قیامت هست.(1)

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: وقتی این آیه نازل شد: «وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذينَ يَخُوضُونَ فى آياتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فى حَديثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمينَ»(2) ، { و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می روند از ایشان روی برتاب، تا در سخنی غیر از آن درآیند؛ و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجّه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین.} مسلمانان گفتند: اگر مشرکان پیوسته قرآن را به مسخره بگیرند و بنا باشد ما حرکتی نکنیم و آنها را به خود واگذاریم، چگونه با آنها برخورد نمائیم، دیگر باید وارد مسجد الحرام نشویم و خانه خدا را طواف نکنیم. خداوند این آیه را فرستاد: «وَ ما عَلَى الَّذينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَىْ ءٍ وَ لكِنْ ذِكْرى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُون»(3)، {و چیزی از حساب آنان [=ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا[یِ خدا] دارند، نیست. لیکن، تذکّر دادن [لازم] است، باشد که [از استهزا] پرهیز کنند.} یعنی به واسطه ارشاد و راهنمایی که به قدر توان و قدرت خویش می کنند.(4)

و در باره آیه «قُلْ أَ نَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُنا وَ لا يَضُرُّنا وَ نُرَدُّ عَلى أَعْقابِنا بَعْدَ إِذْ هَدانَا اللَّهُ كَالَّذِى اسْتَهْوَتْهُ الشَّياطينُ فِى الْأَرْضِ حَيْرانَ لَهُ أَصْحابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدى وَ أُمِرْنا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعالَمينَ»(5) ، { بگو: «آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می رساند و نه زیانی؛ و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده، از عقیده خود بازگردیم؟ مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده اند، و حیران [بر جای مانده] است؟ برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می خوانند که:» به سوی ما بیا. «بگو:» هدایت خداست که هدایتِ [واقعی] است، و دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان

1- . مجمع البیان 2: 486 - 487
2- . انعام / 68
3- . انعام / 69
4- . مجمع البیان 2: 489
5- . انعام / 71

باشیم.} می نویسد: این لفظ از هوی به معنی پرت کردن از بلندی گرفته شده و کسانی را که از راه راست منحرف شده اند، به همین وضعیت تشبیه می کنند.

بعضی گفته اند، یعنی آنها را به بیابانهای قفر می اندازند و گفته اند، به معنی این است که شیاطین آنها را دعوت به پیروی هوای نفس می کنند.

و نیز گفته اند، به هلاکت وامیدارند. و گفته اند، یعنی او را از بین می برند «لَهُ أَصْحابٌ یَدْعُونَهُ إِلَی الْهُدَی»، {برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می خوانند}. به او می گویند پیش ما بیا ولی او نمی پذیرد و نزد ایشان نمی رود، چون به واسطه تسلط شیاطین، حیران و سرگردان شده است. (1)

در باره آیه «وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلی بَشَرٍ مِنْ شَیْ ءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْکِتابَ الَّذی جاءَ بِهِ مُوسی نُوراً وَ هُدیً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطیسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ کَثیراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُکُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ»(2) ، { و آنگاه که [یهودیان] گفتند: «خدا چیزی بر بشری نازل نکرده»، بزرگی خدا را چنانکه باید نشناختند. بگو: «چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده؟ [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است، [و] آن را به صورت طومارها درمی آورید. [آنچه را] از آن [می خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می کنید، در صورتی که چیزی که نه شما می دانستید و نه پدرانتان، [به وسیله آن] به شما آموخته شد.» بگو: «خدا [همه را فرستاده]»؛ آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند.} می نویسد: مردی از یهودیان به نام مالک بن صیف برای مناظره خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید. پیامبر اکرم به او فرمود: تو را سوگند می دهم به آن کسی که تورات را بر موسی نازل کرد، بگو ببینم آیا خداوند در تورات نازل نکرده که از عالم یهودی چاق متنفر است؟ خود او مردی فربه و چاق بود. خشمگین شده گفت، خداوند بر هیچ کس چیزی نازل نکرده. دوستانش از روی اعتراض گفتند، وای بر تو! آیا بر حضرت موسی هم چیزی نازل

1- . مجمع البیان 2: 493

2- . انعام / 91

نکرده است؟ این آیه در همین مورد نازل شد. این تفسیر از سعید بن جبیر نقل شده است.

در روایت دیگری است که آیه در باره کفاری نازل شده که منکر قدرت خدا بر خود بودند. هر کس معتقد باشد که خداوند بر هر چیز توانا است، او را به قدرتی که دارد ستوده. مجاهد (یکی از مفسرین) گفته است در باره مشرکان قریش است. سدی مفسر دیگری است که می گوید: آن مرد فنحاص بن عازوراء بود که این حرف را گفت، ابن عباس می گوید، یهودیان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله گفتند: آیا خداوند بر تو کتاب نازل کرده است؟ فرمود: آری. گفتند: به خدا قسم هرگز خداوند از آسمان کتابی نفرستاده. این آیه به همین جهت نازل شده است.

«تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ»: یعنی آن را کتاب و صفحات پراکنده قرار می دهید یا دارای کاغذ! منظور این است که پیامبر را در آن کتاب قرار می دهید «تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثِيراً» یعنی بعضی از آیات کتاب را آشکار می کنید و بسیاری را پنهان می نمائید؟ منظور صفات پیامبر است و اشاره به آن جناب است.

«وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُكُمْ» گفته اند این آیه خطاب به مسلمانان است. بعضی گفته اند خطاب به یهود است، یعنی تورات را آموختید ولی ضایع نمودید. یا منظور این است که قرآن را فرا گرفتید ولی «قُلِ اللَّهُ»: بگو خدا این آیات را نازل کرده را یاد نگرفتید. آنها را واگذار تا در همان باطلی که فرو رفته اند بمانند. این امر تهدیدی است از جانب خدا. (1)

و در باره آیه «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ الْجِنَ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَناتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يَصِفُون»(2) ، {و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، با اینکه خدا آنها را خلق کرده است. و برای او، بی هیچ دانشی، پسران و دخترانی تراشیدند. او پاک و برتر است از آنچه وصف می کنند. } می نویسد: منظور از جن در این آیه ملائکه است به جهت پنهان بودن آنها از چشم. گفته اند: قریش معتقد بودند که خداوند جن را به ازدواج (یکدیگر) در آورد، ملائکه از آنها به وجود آمد. در این

1- . مجمع البيان 2: 514 - 515
2- . انعام / 100

صورت منظور همان جن معروف است. بعضی گفته اند منظور از جن شیطان است زیرا آنها در بت پرستی پیرو شیطان شدند. «وَ خَلَقَهُمْ» ضمیر هم به همه آنها بر می گردد و یا به جن تنها بر می گردد. معنی آیه چنین می شود: خداوند خالق جن است، چگونه جن شریک او می شود. می تواند معنی آیه چنین باشد: خداوند جن و انس را آفریده است.

گفته اند، منظور از آیه مجوس است زیرا آنها می گفتند «یزدان» و «اهرمن» که اهریمن به عقیده آنها همان شیطان است. آنان خلقت موجودات موذی و شرور و اشیاء زیان آور را به اهرمن نسبت می دهند و ثنویها نیز که معتقد به دو مبدأ نور و ظلمت شبیه آنها هستند.

«وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَ بَناتٍ» از خود حرفی درآوردند و مردم را به اشتباه انداختند و به دروغ و بدون هیچ دلیلی به خدا نسبت دادند که دارای پسر و دختر است. مشرکان می گفتند ملائکه دختران خدایند و مسیحیان می گفتند مسیح پسر خدا است و یهودیان معتقد بودند عزیر پسر خدا است.

در باره آیه «وَ كَذلِكَ نُصَرِّفُ الْآياتِ وَ لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَ لِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»(1)، { و این گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم، تا مبادا بگویند تو درس خوانده ای، و تا اینکه آن را برای گروهی که می دانند روشن سازیم. } می نویسد: یعنی این مطالب را از یهود یاد گرفته ای و منظور این است که سبب سخن آنها که گفتند از یهودیان یاد گرفته ای، خواندن آیات بود. (2)

در باره آیه «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لَئِنْ جاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِها قُلْ إِنَّمَا الْآياتُ عِنْدَ اللَّهِ وَ ما يُشْعِرُكُمْ أَنَّها إِذا جاءَتْ لا يُؤْمِنُون»(3) ، {و با سخت ترین سوگندهایشان، به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه ای برای آنان بیاید، حتماً بدان می گروند. بگو: «معجزات، تنها در اختیار خداست.» و شما چه می دانید که اگر [معجزه هم] بیاید باز ایمان نمی آورند. } می نویسد: قریش گفتند: یا محمد، تو به ما

1- . انعام / 105
2- . مجمع البیان 2: 535
3- . انعام / 109

اطلاع داده ای که موسی دارای عصایی بود که آن را به سنگ زد و دوازده چشمه باز شد و به ما می گویی عیسی مرده را زنده می کرد و خودت اطلاع می دهی که ثمود دارای ناقه و شتری بودند، تو نیز نشانه ای مانند آنها بیاور تا تصدیقت کنیم. پیامبر اکرم فرمود: مایلی چه چیزی برایتان بیاوریم. گفتند کوه صفا را برای ما به صورت طلا درآور و بعضی از مرده های ما را زنده کن تا از آنها پرسشهایی کنیم که آیا ادعای تو صحیح است یا باطل. و ملائکه را به ما نشان بده تا گواهی برای تو بدهند. یا خدا را برای ما بیاور و فرشتگان را دسته دسته پیشاپیش او بیاور.

پیامبر اکرم فرمود: اگر بعضی از خواسته های شما را برآورم مرا تصدیق می کنید؟ گفتند: آری به خدا قسم اگر بیاوری، همه ما پیرو تو خواهیم شد. مسلمانان نیز تقاضا کردند پیامبر اکرم این تقاضاها را برآورد تا آنها مسلمان شوند. پیامبر اکرم از جای حرکت کرده، شروع به دعا کرد که خداوند صفا را طلا نماید. جبرئیل بر او نازل شده گفت، اگر بخواهی، صفا طلا خواهد شد ولی اگر تصدیق نکردند آنها را عذاب خواهم کرد. و اگر آنها را رها کنی، هر کدام توبه نمایند توبه آنها را می پذیرم. پیامبر گفت نه، باشد تا توبه نمایند. خداوند این آیه را در همین رابطه فرستاد. این روایت از کلبی و محمد بن کعب نقل شده است.

«جَهْدَ أَیْمانِهِمْ» یعنی تمام کوشش و جدیت خود را به کار می برند و اظهار وفاء به آن می کنند «إِنَّمَا الْآیاتُ عِنْدَ اللّٰهِ» یعنی خدا مالک آیات است و در اختیار اوست، اگر صلاح بداند، برای شما آن آیه و دلیل را می فرستد «وَ نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ أَبْصارَهُمْ» دل و چشم آنها را تغییر می دهم. منظور از این تغییر، یا در جهنم است به واسطه عقاب آنها، یا این در دنیا است به اینکه آنها حیران و سرگردان می شوند «وَ حَشَرْنا» یعنی جمع کردیم «عَلَیْهِمْ کُلَّ شَیْ ءٍ» یعنی هر آیه را. بعضی گفته اند، هر چه درخواست کردند، آشکارا به آنها نشان دادیم «إِلّٰا أَنْ یَشاءَ اللّٰهُ» یعنی اینکه مجبور نماید آنها را به ایمان. همین مطلب از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است.(1)

-1 . مجمع البیان 2: 540 - 542

در مورد آیه «أَ فَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغى حَكَماً وَ هُوَ الَّذى أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتابَ مُفَصَّلاً وَ الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلا تَكُونَنَ مِنَ الْمُمْتَرينَ»(1)، {پس، آیا داوری جز خدا جویم؟ با اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است. و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده ایم می دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است. پس تو از تردیدکنندگان مباش.} یعنی از شکّ کنندگان مباش. این مطلب خطاب به پیامبر است ولی منظور از آن امت هستند. بعضی گفتهاند خطاب مربوط به غیر پیامبر است، یعنی ای انسان و ای شنونده! چنین نباش.(2) «وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» یعنی آنها جز تکذیب کاری ندارند یا معنی این است که حرفهای آنها همه از روی تخمین و حدس است نه اطلاع و یقین.

ابن عباس می گوید: پیامبر و مؤمنین را دعوت به خوردن گوشت مرده می کردند و می گفتند، شما آنچه خودتان می کشید می خورید ولی آنچه را خدا می کشد نمی خورید؛ این بود گمراه کردن آنها. (3)

و در باره «وَ لا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَ إِنَ الشَّياطينَ لَيُوحُونَ إِلى أَوْلِيائِهِمْ لِيُجادِلُوكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ»(4) {و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید، چرا که آن قطعاً نافرمانی است. و در حقیقت، شیطانها به دوستان خود وسوسه می کنند تا با شما ستیزه نمایند. و اگر اطاعتشان کنید، قطعاً شما هم مشرکید.}یعنی دانشمندان کفار و رؤسای آنها مردم را به خط کفر رهبری می کردند. «لِيُجادِلُوكُمْ» با شما در خوردن گوشت مرده مجادله می کردند، چنانچه قبلا ذکر شد.

عکرمه می گوید، بعضی از مجوس فارس برای دوستان قریشی خود نوشتند که محمد و یاران او مدّعی هستند که ما پیرو فرمان خدا هستیم. آنها هر آنچه که

1- . انعام / 114
2- . مجمع البیان 2: 564
3- . مجمع البیان 2: 549
4- . انعام /121

خود می کشند را می خورند ولی آنچه را خدا کشته حرام می دانند. قریش از این حرف خوششان آمد؛ این است وحی و الهامی که شیطان ها به دوستان خود می کنند.

ابن عباس گفته، منظور ابلیس و سپاه اوست که به دوستان انسانی خود با وسوسه کردن در دلهاشان وحی می کنند.(1)

در باره آیه «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعامِ نَصیباً فَقالُوا هذا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هذا لِشُرَکائِنا فَما کانَ لِشُرَکائِهِمْ فَلا یَصِلُ إِلَی اللَّهِ وَ ما کانَ لِلَّهِ فَهُوَ یَصِلُ إِلی شُرَکائِهِمْ ساءَ ما یَحْکُمُون»(2)، {و [مشرکان،] برای خدا از آنچه از کِشت و دامها که آفریده است سهمی گذاشتند، و به پندار خودشان گفتند: «این ویژه خداست و این ویژه بتان ما.» پس آنچه خاص بتانشان بود به خدا نمی رسید، و[لی] آنچه خاص خدا بود به بتانشان می رسید. چه بد داوری می کنند. } منظور از شرکاء بت ها است. بت ها از آن جهت شریک آنهایند که از اموال خود برای آنها سهمی قرار داده اند.

«فَما کانَ لِشُرَکائِهِمْ فَلا یَصِلُ إِلَی اللَّهِ» در مورد این آیه اقوال زیادی است: اول: آنها برای خدا زراعت می کردند و برای بت ها نیز زراعت می کردند. وقتی زراعتی که به نام خدا کرده بودند محصول خوبی می داد ولی زراعت بت ها محصول خوب نمی داد، مقداری از زراعت خدا را در راه بت ها صرف می کردند. می گفتند خداوند بی نیاز است ولی بت ها نیازمندند؛ اما اگر محصول مخصوص خدا کم می شد و زراعت بت ها زیاد بود، برای خدا چیزی نمی دادند و می گفتند خدا بی نیاز است. چهارپایان را نیز بین خدا و بت ها تقسیم می کردند. آنچه مربوط به خدا بود به میهمانان می دادند، اما سهم بت ها را در راه بت خرج می کردند.

دوم: وقتی سهم بت ها با سهم خدا مخلوط می شد، آن را بر می گرداندند، ولی وقتی آنچه متعلق به خدا بود با سهم بت ها مخلوط می شد، بر نمی گرداندند و می گفتند خداوند بی نیازتر است. وقتی آبی که در زمین خدا بود به زمین بتها رخنه پیدا می کرد، آب را نمی بستند ولی وقتی آب زمین بت ها به زمین خدا جاری می شد

1- . مجمع البیان 2: 553 - 554

2- . انعام / 136

آن را می بستند و می گفتند، خدا بی نیازتر است. این تفسیر به نقل از ابن عباس و قتاده است و همین نظر از ائمه علیهم السلام نیز نقل شده است.

سوم: هر چه از سهم بت ها می مرد، از سهم خدا به جای آن می گذاشتند ولی اگر از سهم خدا می مرد، از سهم بت ها به جای آن نمی گذاشتند. (1)

در مورد آیه «وَ كَذلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلادِهِمْ شُرَكاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ ما يَفْتَرُون»(2)، { و این گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند، تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند؛ و اگر خدا می خواست چنین نمی کردند. پس ایشان را با آنچه به دروغ می سازند رها کن. }می نویسد: یعنی شیاطینی که به نظر آنها کشتن دخترها و زنده به گور کردن آنها را از ترس فقر و ننگ خوب جلوه داده بودند.

گفته اند، اینکه کشتن دختر بین اعراب رایج گردید، به آن علت بود که نعمان بن منذر به قبیله ای حمله کرد و زنان آنها را اسیر کردند. در میان آن زنان دختر قیس بن عاصم نیز بود؛ بعداً بین دو قبیله صلح شد و همه زنان تقاضای برگشت به قبیله خود را نمودند مگر دختر قیس که او گفت من پیش همین قبیله می مانم. قیس سوگند یاد کرد، هر دختری که برایش متولد شود، او را زنده به گور کند. سپس این کار بین آنها رسم شد.(3)

درباره آیه «وَ قالُوا هذِهِ أَنْعامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا يَطْعَمُها إِلاَّ مَنْ نَشاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ أَنْعامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُها وَ أَنْعامٌ لا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِراءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِما كانُوا يَفْتَرُونَ »(4) ، {و به زعم خودشان گفتند: «اینها دامها و کشتزار[های] ممنوع است، که جز کسی که ما بخواهیم نباید از آن بخورد، و دامهایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است.» و دامهایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن[ها]

1- . مجمع البیان 2: 570 - 571
2- . انعام / 137
3- . مجمع البیان 2: 572 - 573

4- . انعام / 138

نمی بردند به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می بستند جزا می دهد.} می نویسد: یعنی حرام است! منظور چهارپایان و زراعتهایی است که مخصوص خدا و بت ها است و می گفتند، جز به کسانی که بخواهیم، نمی دهیم تا بخورند. خداوند در این آیه اعلام می کند، این تحریم، ادعایی است از طرف آنها و دلیلی ندارد. آنها این خوردنیها را حلال نمی دانستند مگر برای مردانی که در خدمت بت ها بودند، نه زنان آنها «وَ أَنْعامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُها» یعنی چهارپایانی که سوار شدن بر آنها حرام است که عبارتند از سائبه، بحیره و حام «وَ أَنْعامٌ لا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا». گفته اند، اعراب با آن چهارپایان حج انجام نمی دادند. و گفته اند، آن دسته از چهارپایانی است که به نام بت های خود می کشتند و نام خدا را بر آنها نمی بردند. «افْتِراءً عَلَيْهِ» به خدا تهمت می زدند چون مدعی بودند خداوند به آنها چنین دستوری را داده «وَ قالُوا ما فِی بُطُونِ هذِهِ الْأَنْعامِ» می گفتند، هر چه از این چهارپایان سود و منفعتی به دست آید، اختصاص به مردان دارد و زنان از آن محرومند. منظور شیر بحیره و سائبه است. این تفسیر به نقل از ابن عباس و دیگران است.

بعضی گفته اند، منظور جن های بحیره و سائبه است، آنچه زنده از آنها متولد می شود اختصاص به مردان دارد و به زنان نمی رسد، اما هر چه مرده به دنیا آمد بین زن و مرد مشترک خواهد بود. گفته شده منظور از آن، هر دوی آنها است «وَ مُحَرَّمٌ عَلی أَزْواجِنا» یعنی زنان ما. (1)

در باره آیه « قُلْ هَلُمَّ شُهَداءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هذا فَإِنْ شَهِدُوا فَلا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا وَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ هُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ »(2)، { بگو: «گواهان خود را که گواهی می دهند به اینکه خدا اینها را حرام کرده، بیاورید.» پس اگر هم شهادت دادند، تو با آنان شهادت مده، و هوسهای کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند و [معبودان دروغین را] با پروردگارشان همتا قرار می دهند، پیروی مکن.} می نویسد: معنی آیه

1- . مجمع البیان 2: 574 - 575
2- . انعام / 150

این است که اگر آنها شاهدی نیافتند که برای آنها بر تحریم آن حیوانات شهادت دهد و خودشان شهادت دادند، تو با آنها شهادت مده. (1)

در مورد آیه «أَنْ تَقُولُوا إِنَّما أُنْزِلَ الْکِتابُ عَلی طائِفَتَیْنِ مِنْ قَبْلِنا وَ إِنْ کُنَّا عَنْ دِراسَتِهِمْ لَغافِلِینَ»، (2) {تا نگویید: «کتاب [آسمانی] تنها بر دو طایفه پیش از ما نازل شده، و ما از آموختن آنان بی خبر بودیم.» }می نویسد: منظور از دو طایفه یهود و نصاری است «وَ إِنْ کُنَّا عَنْ دِراسَتِهِمْ لَغافِلِینَ». یعنی ما از خواندن کتاب آنها غافل بودیم. (3)

در مورد آیه «إِنَّ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فی شَیْ ءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَی اللَّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَفْعَلُونَ»، (4) { کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ گونه مسؤول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست. آنگاه به آنچه انجام می دادند آگاهشان خواهد کرد. } حمزه و کسائی «فارقوا» قرائت کرده اند و همین قرائت از علی علیه السّلام نقل شده.

در مورد معنی آیه به اختلاف سخن گفته اند: 1. منظور کفار و گروههای مختلف مشرکین است. این آیه را آیه سیف و شمشیر نسخ نموده. 2. منظور یهود و نصاری است، چون آنها یکدیگر را تکفیر می نمایند. 3. منظور شبهه اندازان و گمراهان و بدعت گذاران این امت اند. این روایت را ابو هریره و عایشه نقل کرده اند و همین مطلب از حضرت باقر علیه السّلام روایت شده: دین خدا را به صورت دینهای مختلف درآوردند، چون یکدیگر را نسبت به کفر می دادند و به شعبه های مختلف تقسیم شدند. «لَسْتَ مِنْهُمْ فِی شَیْ ءٍ» خطاب به پیامبر است و به او اعلام می شود که هیچ ارتباطی به آنها ندارد و بسیار از اجتماع آنها و عقاید فاسدشان فاصله دارد. گفته اند، یعنی نباید با آنها آمیزشی داشته باشی. بعضی هم گفته اند، نباید با آنها به هیچ وجه جنگ کنی، ولی آیه قتال آن را نسخ کرد. (5)

1- . مجمع البیان 2: 588
2- . انعام / 156
3- . مجمع البیان 2: 597
4- . انعام / 159
5- . مجمع البیان 2: 600 - 601

در تفسیر آیه «کِتابٌ أُنْزِلَ إِلَیْکَ فَلا یَکُنْ فی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِکْری لِلْمُؤْمِنینَ» (1) ، { کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است - پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد - تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد. } می نویسد: در باره این آیه چند قول است:

1. معنی حرج و تنگی است: مبادا از افکار مختلف، از ترس اینکه مبادا قیام لازم را برای تبلیغ رسالت نکرده باشی دلتنگ شوی، تو مامور به انذار و ترسانیدن مردم هستی.

2. معنی حرج: شک است؛ یعنی مبادا در دل شک و تردیدی در اینکه قیام کردن به تبلیغ برایت لازم است راه دهی.

3. معنی آیه این است که از تکذیب مردم و اینکه با تو برخورد ناروا دارند دلتنگ نشوی. و روایت شده است که وقتی خداوند قرآن را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کرد، آن جناب عرض کرد، پروردگارا می ترسم مردم مرا تکذیب نمایند و چنان مرا مورد ضرب قرار دهند که سرم را تکه تکه نمایند. خداوند به وسیله این آیه بیم و هراس را از دل پیامبر خارج کرد. (2)

در باره آیه«وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً قالُوا وَجَدْنا عَلَیْها آباءَنا وَ اللَّهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللَّهَ لا یَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ» (3) ، {و چون کار زشتی کنند، می گویند: «پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است.» بگو: «قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی دهد، آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟» }می نویسد: این آیه اشاره به مشرکین دارد که در طواف خانه خدا مراعات حیا را نمی کردند و زن و مرد لخت به طواف مشغول می شدند. آنها مدعی بودند که ما چنان طواف می کنیم که مادرزاد بودیم و با لباسهایی که به وسیله آنها مرتکب گناه شده ایم طواف نخواهیم کرد. آنها معتقد به این اعمال بودند. این گروه

1- . اعراف / 2
2- . مجمع البیان 2: 610 - 611

3- . اعراف / 28

«حُمس» نامیده می شدند.(1) فراء گفته است: یک تکه پوست را به جلو و عقب خود می بستند و آن را «حوف» می نامیدند، و اگر از پشم درست می شد «رهط» نام داشت. زن بر روی فرج خود یک تسمه می بست و در طواف می گفت: امروز مقداری یا همه آن آشکار می شود، آنچه آشکار شد حلال نمی کنم؛ منظورش فرج بود که کاملا پوشیده نمی شد(2).

در باره آیه «قالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَ غَضَبٌ أَ تُجادِلُونَنى فى أَسْماءٍ سَمَّيْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُكُمْ ما نَزَّلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ فَانْتَظِرُوا إِنِّى مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرينَ»(3) ، {گفت: «راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است. آیا درباره نامهایی که خود و پدرانتان [برای بتها] نامگذاری کرده اید، و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو نفرستاده، با من مجادله می کنید؟ پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم.» } می نویسد: منظور این است که در باره بت هایی که به دست شما و پدرانتان ساخته شده و به آنها نام الهه داده اید، با اینکه هیچ معنی خدایی در آنها وجود ندارد. بعضی گفته اند، منظور از نامگذاری بت ها این است که می گفتند، بعضی از اینها باران می فرستند و بعضی رزق و روزی می دهند، و برخی شفای مریض و دیگری همراه آنها در سفر است. خداوند هرگز در این موارد چیزی نفرستاده است. انتظار عذاب خدا را داشته باشید که حتما مشمول آن می شوید(4)

در تفسیر «قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّى رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَميعاً الَّذى لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ يُحْيى وَ يُميتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ النَّبِىِّ الْأُمِّىِّ الَّذى يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ كَلِماتِهِ وَ اتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُون»(5) ، { بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آنِ اوست.

1- . «حمس» طائفه ای از قریش اند که به جهت شدّت دینداری به این نام نامیده شده بودند یا به جهت این که این ها به کعبه پناه می بردند و کعبه را حمساء می گفتند.
2- . مجمع البیان 2: 633
3- . اعراف / 71
4- . مجمع البیان 2: 674 - 675
5- . اعراف / 158

هیچ معبودی جز او نیست؛ که زنده می کند و می میراند. پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس نخوانده ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید.» } می نویسد: منظور کتابهای انبیای گذشته و قرآن و وحی است.(1)

و در باره «أَ وَ لَمْ یَتَفَکَّرُوا ما بِصاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّهٍ إِنْ هُوَ إِلاَّ نَذیرٌ مُبینٌ »(2) ، { آیا نیندیشیده اند که همنشین آنان هیچ جنونی ندارد؟ او جز هشداردهنده ای آشکار نیست. }می نویسد: یعنی آیا این کافرانی که محمد صلی الله علیه و آله را تکذیب می نمایند اندیشه نمی کنند تا بفهمند او دیوانه و مجنون نیست زیرا در افعال و گفتارش دلیلی بر جنون وجود ندارد؟ ! سپس ابتدا می نماید و می فرماید: «ما بِصاحِبِهِمْ مِنْ جِنَّهٍ» یعنی او دیوانه نیست. جریان چنین بود.

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فراز کوه صفا رفت و قریش را دسته دسته دعوت نمود و آنها را از عذاب خدا ترسانید. مشرکان گفتند، دوست شما دیوانه شده است. پیامبر آن شب را تا به صبح به دعوت مردم مشغول بود. این آیه در این باره نازل شد. (3)

در مورد آیه «أَ لَهُمْ أَرْجُلٌ یَمْشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَیْدٍ یَبْطِشُونَ بِها أَمْ لَهُمْ أَعْیُنٌ یُبْصِرُونَ بِها أَمْ لَهُمْ آذانٌ یَسْمَعُونَ بِها قُلِ ادْعُوا شُرَکاءَکُمْ ثُمَّ کیدُونِ فَلا تُنْظِرُونِ»(4)، { آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دستهایی دارند که با آن کاری انجام دهند، یا چشمهایی دارند که با آن بنگرند، یا گوشهایی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: «شریکان خود را بخوانید؛ سپس در باره من حیله به کار برید و مرا مَهَلت مدهید.» }معنی آیه این است که معبود و خدای من مرا یاری می کند و حیله و تزویر نابکاران را از من دفع می کند، اما معبود شما قدرت یاری کردن شما را ندارد. اگر شما قدرت آزار مرا دارید، همه با بت هایتان جمع شوید و چاره ای در باره ام

1- . مجمع البیان 2: 751
2- . اعراف / 184
3- . مجمع البیان 2: 775 - 776
4- . اعراف / 195

بیاندیشید و از کید و آزار من هرگز فرو گذار نشوید. خدایم مرا از آزار شما نگه می دارد «وَ إِنْ تَدْعُوهُمْ» یعنی اگر بت ها را دعوت به حق کنید نمی شنوند؛ ممکن است منظور مشرکان باشند که اگر دعوت کنند، آنها گوش نمی دهند.

«خُذِ الْعَفْوَ» یعنی ما زاد از اموال آنها را بگیر. یا به معنی گذشت اخلاقی است و پذیرفتن مقدار ممکن از آنها. بعضی گفته منظور بخشیدن کسی است که پوزش میخواهد و انتقام نگرفتن از او. «وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ» یعنی به کار نیک دستور بده «وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلِینَ» یعنی از نادانان پس از اتمام شدن حجت بر آنها اعراض کن، مبادا با آنها ستیزه جویی کنی.

نباید توهم شود که این آیه به وسیله آیه قتال که دستور جنگ می دهد منسوخ شده زیرا آن آیهای عمومی است که کافر از آن به خاطر وجوب کشتن او با دلیل، استثناء شده است.

ابن زید گفت، وقتی این آیه نازل شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت، خدایا خشم را چه کنم؟ این آیه نازل شد: «وَ إِمَّا یَنْزَغَنَّکَ مِنَ الشَّیْطانِ نَزْغٌ» اگر شیطان در دلت وسوسه ای کرد و یا پیش آمدی شیطانی برایت شد، به خدا پناه ببر. (1)

در باره آیه «وَ إِذا لَمْ تَأْتِهِمْ بِآیَهٍ قالُوا لَوْ لا اجْتَبَیْتَها قُلْ إِنَّما أَتَّبِعُ ما یُوحی إِلَیَّ مِنْ رَبِّی هذا بَصائِرُ مِنْ رَبِّکُمْ وَ هُدیً وَ رَحْمَهٌ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُون» (2)، {و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری، می گویند: «چرا آن را خود برنگزیدی؟ « بگو: «من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم. این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می آورند، هدایت و رحمتی است.} می نویسد: یعنی وقتی آیهای برای آنها می آوری تکذیب می کنند و وقتی دیر وحی می شود و مدتی قطع می گردد، تکلیف تعیین می کنند و می گویند، چرا از خودت یک آیه نمی آوری؟! آنچه میگویی از آسمان نیست. گفته اند، منظور این است که وقتی

1- . مجمع البیان 2: 786 - 788
2- . اعراف / 203

آیه ای را که آنها خواسته اند نیاوری، می گویند چرا از خودت آن آیه را در نیاوردی و بعد از خدا بخواهی آن آیه را برایت ارسال نماید. (1)

در باره آیه «وَ لا تَکُونُوا کَالَّذینَ قالُوا سَمِعْنا وَ هُمْ لا یَسْمَعُون»(2)، { و مانند کسانی مباشید که گفتند: «شنیدیم» در حالی که نمی شنیدند.} می نویسد: شنیدن اینجا به معنی قبول و پذیرفتن است و اینها منافقان هستند. بعضی گفته اند، منظور اهل کتاب از یهودیان و بنی قریظه و بنی النضیر هستند.

گفته شده، مشرکان قریشند؛ زیرا آنها گفتند: «سَمِعْنا لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هذا» شنیدیم، اگر بخواهیم ما هم مانند این آیات را می سازیم. «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُکْمُ الَّذِینَ لا یَعْقِلُونَ» یعنی این مشرکان که از آنچه می شنوند بهره نمی برند و زبان به حق نمی گشایند و اعتقاد ندارند، از بدترین جنبندگان روی زمین هستند. کر و لالهایی که همچون چهارپایان عقل را به کار نمی برند. امام باقر علیه السّلام فرمود: این آیه در باره بنی عبد الدار نازل شد که از این قبیله جز مصعب بن عمیر و یک نفر دیگر هم پیمان آنها به نام سویبط، کسی دیگر ایمان نیاورد. (3)

در باره آیه «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا قالُوا قَدْ سَمِعْنا لَوْ نَشاءُ لَقُلْنا مِثْلَ هذا إِنْ هذا إِلاَّ أَساطِیرُ الْأَوَّلین»(4)، { و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می گفتیم، این جز افسانه های پیشینیان نیست.» }می نویسد: این سخن را گفتند، «اگر بخواهیم، مانند قرآن را می آوریم» با اینکه ناتوانی آنها از آوردن قرآن کاملا مشهود و آشکار بود ولی از روی عناد و دشمنی این حرف را می زدند.

بعضی گفته اند، این حرف را پیش از عاجز شدن گفته اند و گوینده آن نضر بن حارث بن کلده بود که در روز جنگ بدر اسیر شد و پیامبر او را کشت و همچنین عقبه بن ابی معیط که او را نیز در جنگ بدر کشت. «وَ إِذْ قالُوا اللَّهُمَ» گفتند: خدایا

1- . مجمع البیان 2: 790

2- . انفال / 21

3- . مجمع البيان 2: 817 - 818
4- . انفال / 31

اگر این آیات واقعیت دارد، از آسمان بر سر ما سنگ ببار. گوینده این حرف نضر بن حارث بود و گفته اند ابو جهل این حرف را زده است.(1)

در باره آیه «وَ ما کانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَیْتِ إِلاَّ مُکاءً وَ تَصْدِیَةً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ»(2) ، {و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید!}می نویسد: «مکاء» به معنای سوت زدن و «تصدیه» به معنای دست زدن است. ابن عباس گفته است، قریش در اطراف خانه کعبه برهنه و عریان طواف می کردند در حالی که سوت و کف میزدند. «صلوه» در آیه به معنی دعا است، یعنی به جای دعا سوت و کف می زدند.

بعضی گفته اند، منظور این است که آنها نماز و عبادتی نداشتند، کاری که می کردند نوعی رقص و بازی بود. و روایت شده که هر وقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد الحرام مشغول نماز می شد، دو نفر از بنی عبد الدار در طرف راست آن جناب میایستادند و شروع به سوت زدن می کردند و دو نفر طرف چپ دست می زدند تا نمازش را به هم بزنند. خداوند همه آنها را در جنگ بدر کشت و خداوند برای آنان و بقیه بنی عبد الدار می فرماید: «فَذُوقُوا الْعَذابَ» بچشید عذاب را و منظور عذاب شمشیر است در جنگ بدر. بعضی گفته اند، عذاب آخرت است. (3)

و در باره آیه «قُلْ لِلَّذینَ کَفَرُوا إِنْ یَنْتَهُوا یُغْفَرْ لَهُمْ ما قَدْ سَلَفَ وَ إِنْ یَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلین»(4)، {به کسانی که کفر ورزیده اند، بگو: «اگر بازایستند، آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می شود؛ و اگر بازگردند، به یقین، سنّت [خدا در مورد] پیشینیان گذشت.» } یعنی سنت یاری کردن مؤمنین و نابود نمودن دشمنان آنها (که در گذشته همین کار را خدا بارها کرده است.) (5)

1- . مجمع البیان 2: 828
2- . انفال / 35
3- . مجمع البیان 2: 831
4- . انفال / 38
5- . مجمع البیان 2: 834

در باره آیه «وَ قالَتِ الْیَهُودُ عُزَیْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَ قالَتِ النَّصاری الْمَسیحُ ابْنُ اللَّهِ ذلِکَ قَوْلُهُمْ بِأَفْواهِهِمْ یُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّی یُؤْفَکُونَ»(1) ، {و یهود گفتند: «عُزَیر، پسر خداست.» و نصاری گفتند: «مسیح، پسر خداست.» این سخنی است [باطل] که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند شباهت دارد. خدا آنان را بکشد؛ چگونه [از حق] بازگردانده می شوند؟ } می نویسد: ابن عباس گفته است، گوینده این سخن گروهی از یهودیان مثل سلام بن مشکم و نعمان بن اوفی و شاس بن قیس و مالک بن صیف بودند که خدمت پیامبر اکرم آمدند و این حرف را زدند.

بعضی گفته اند، این ادعای گروهی از یهودیان پیشین بود که در آن زمان وجود نداشتند. عزیر تورات را از حفظ می خواند و جبرئیل به او آموخته بود. گفتند او پسر خداست. ولی خداوند این نسبت را به همه آنها داده، گرچه حالا چنین اعتقادی نداشته باشند. (چنانچه می گویند، خوارج معتقدند که فرزندان مشرکین نیز عذاب خواهند شد با اینکه چنین اعتقادی را فقط ازارقه از خوارج دارند.) و دلیل بر اینکه چنین اعتقادی را داشته اند، همان است که در موقع نزول آیه آنها با کمال جدیتی که در تکذیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند اعتراض نکردند. «یُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی شبیه سخن بت پرستان در عبادتشان یا در پرستش ملائکه که می گویند فرشته ها دختران خدایند، سخن می گفتند.

«اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» از حضرت باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده که فرموده اند: به خدا قسم، مردم برای احبار و رهبان خود نماز و روزه نگرفتند ولی آنها برای مردم حلالهایی را حرام و حرامهایی را حلال نمودند، مردم نیز از آنها پیروی کردند؛ در نتیجه آنها را ناخودآگاه پرستش نمودند.

ثعلبی به اسناد خود از عدی بن حاتم نقل کرده که گفت: خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدم و صلیبی از طلا برگردن آویخته بودم. فرمود: عدی، این بت را از گردن خود به دور انداز. من صلیب را از گردن خود خارج نمودم و رها کردم و برگشتم خدمت آن جناب، دیدم این آیه را می خواند «...که احبار و رهبان

1- . توبه / 30

خود را به جای خدا می پرستند» عرض کردم: ما آنها را نمی پرستیم، فرمود: مگر آنها برای شما چیزهایی را که خدا حلال نموده و شما نیز آن چیزها را حرام می شمارید حرام نمی کنند، و چیزهایی را که خداوند حرام کرده و شما هم حلال می شمارید حلال می نمایند؟ گفتم صحیح است. فرمود: همین پرستش آنها است. (1)

در باره آیه «إِنَّمَا النَّسی ءُ زِیادَهٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عاماً وَ یُحَرِّمُونَهُ عاماً لِیُواطِؤُا عِدَّهَ ما حَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا ما حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمالِهِمْ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِین»(2) ، { جز این نیست که جابجا کردنِ [ماههای حرام]، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند؛ آن را یکسال حلال می شمارند، و یکسال [دیگر]، آن را حرام می دانند، تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند، و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند. زشتیِ اعمالشان برایشان آراسته شده است، و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. } منظور تاخیر ماههای حرام است، بر خلاف ترتیبی که خداوند برای آنها معین نموده.

عربها چهار ماه را حرام می دانستند و آنها این حرمت را از ملت ابراهیم و اسماعیل به یادگار داشتند؛ با اینکه پیوسته به جنگ و غارت اشتغال داشتند، گاهی بر آنها دشوار و ناگوار بود که سه ماه متوالی دست از جنگ و غارت بردارند. گاهی حرمت ماه محرم را تاخیر می انداختند و صفر را حرام می نمودند و در محرم جنگ و غارت را حلال می شمردند و مدتی به این وضع می گذراندند. باز دو مرتبه تحریم را به خود ماه محرم بر می گرداندند و این کار را نمی کردند مگر در ماه ذیحجه.

ابن عباس گفته است: معنی «زِیادَهٌ فِی الْکُفْرِ»

این است که اعراب آنچه را خداوند حرام کرده بود حلال می شمردند و آنچه حلال نموده بود حرام. فراء می گوید، کسی که این کار را می کرد، مردی از قبیله بنی کنانه به نام نعیم بن تغلبه بود. او رئیس موسم و مراسم حج بود. در میان مردم می گفت، من شخصی هستم که مورد عیب و خرده گیری قرار نمی گیرم و هرگز خواسته مرا رد نمی کنند و دستورم را

1- . مجمع البيان 3: 36 - 37
2- . توبه / 37

رها نمی کنند. مردم می گفتند راست می گویی همین طور است، اینک حرمت ماه محرم را از ما بردار و آن حرمت را یک ماه به تاخیر انداز و به جای محرم صفر را حرام و محرم را حلال کن. او نیز این کار را می کرد. پس از آمدن اسلام، کسی که این کار را می کرد، جناده بن عوف بن امیه کنانی بود.

ابن عباس می گوید، اولین کسی که «نسی ء» را معمول کرد، عمرو بن لحی بن قمعه بن خندف بود.

ابو مسلم گفته است، مردی از بنی کنانه بود که قلمس نام داشت.

مجاهد گفته است که مشرکان در هر ماه دو سال حج به جا می آوردند. دو سال در ذیحجه، بعد دو سال در محرم، و پس از آن دو سال در صفر، به همین ترتیب تا ذی قعده، مطابق حجی شد که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از حجه الوداع انجام داد. سپس پیامبر اکرم در سال بعد در ذیحجه مراسم حج را به جای آورد که این همان حجه الوداع و آخرین حج پیامبر بود. ایشان در سخنرانی خود این مطلب را فرمود: مردم، زمان دور زد، به همان صورتی که خداوند در ابتدا آسمان و زمین را آفریده بود. هر سال 12 ماه است و از دوازده ماه، چهار ماه آن حرام است که سه ماه متوالی و پشت سر هم است: ذی قعده و ذیحجه و محرم، و ماه چهارم رجب است که بین جمادی الآخر و شعبان قرار دارد.

منظور پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که ماههای حرام به همان صورت اول برگشت و حج نیز به همان ذیحجه برگشت و نسی ء از میان رفت.

«لِیُواطِؤُا عِدَّةَ ما حَرَّمَ اللَّهُ» یعنی آنها هر ماه را که حلال می کردند، یک ماه از ماههای حلال را به جای آن حرام می نمودند و هر ماه را که حرام می کردند، به جای آن یک ماه از ماههای حرام را حلال می شمردند تا از نظر تعداد ماهها، موافق با دستور خدا باشد. (1)

در باره این آیه «أَ وَ لا یَرَوْنَ أَنَّهُمْ یُفْتَنُونَ فی کُلِّ عامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَیْنِ ثُمَّ لا یَتُوبُونَ وَ لا هُمْ یَذَّکَّرُونَ»(2) ، {آیا نمی بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزموده

1- . مجمع البيان 3: 45 - 46
2- . توبه / 126

می شوند، باز هم توبه نمی کنند و عبرت نمی گیرند؟ } یعنی امتحان می شدند «فِی کُلِّ عامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَیْنِ» در هر سال یک مرتبه یا دو مرتبه به وسیله امراض و بیماریها یا به وسیله جهاد و پیکار با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و آنچه مشاهده می کردند که خداوند پیامبرش را یاری می کند و دشمنان پیامبر چگونه کشته و اسیر می شوند.

بعضی گفته اند، به وسیله قحطی و گرسنگی آزمایش می شدند و برخی را عقیده آن است که منظور از آزمایش، همان پرده برداری از دل آنها و آشکار کردن نیت های فاسدی است که داشتند.

«وَ إِذا ما أُنْزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ هَلْ یَراکُمْ مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَفْقَهُونَ»(1) ، {و چون سوره ای نازل شود، بعضی از آنان به بعضی دیگر نگاه می کنند [و می گویند:] «آیا کسی شما را می بیند؟» سپس [مخفیانه از حضور پیامبر] بازمی گردند. خدا دلهایشان را [از حقّ] برگرداند، زیرا آنان گروهی هستند که نمی فهمند. }یعنی هر وقت سوره ای از قرآن نازل می شد و آنها در خدمت پیامبر اکرم بودند، از شنیدن آیات خوششان نمی آمد «نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ» به یکدیگر با ایماء و اشاره نگاه می کردند، چون منافق بودند و می ترسیدند که کسی متوجه آنها شود؛ مثل اینکه به یکدیگر می گفتند، آیا کسی متوجه شما شد؟! سپس از جای حرکت کرده و می رفتند. این عمل را به این خاطر انجام می دادند که ترس داشتند آیه ای در رسوایی و فضاحت آنها نازل شود. آنها این سخنان را به زبان نمی آوردند و فقط با اشاره و نگاه به هم می فهماندند.

بعضی گفته اند، منافقین یکدیگر را از روی طعنه و دشمنی با قرآن نگاه می کردند و سپس می گفتند، آیا کسی از مسلمانان متوجه رفتار ما شد؟ وقتی می فهمیدند که کسی متوجه آنها نیست، در این کار اصرار می ورزیدند اما اگر متوجه می شدند که یک نفر آنها را دیده، خودداری می کردند «ثُمَّ انْصَرَفُوا» و بعد می رفتند. یا منظور این است که از ایمان کناره می گرفتند: «صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» خداوند دلهای آنها را از رحمت و ثواب خود دور کند، این نفرینی است بر آنها. (2)

1- . توبه / 127

2- . مجمع البيان 3: 129 - 130

در باره آیه «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذینَ لا یَرْجُونَ لِقاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ ما یَکُونُ لی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسی إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما یُوحی إِلَیَّ إِنِّی أَخافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذابَ یَوْمٍ عَظیمٍ»(1)، {و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنانکه به دیدار ما امید ندارند می گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را عوض کن.» بگو: «مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم.» }می نویسد: کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند، یعنی ایمان به زندگی آینده و قیامت ندارند، میگویند، «ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا» یعنی جز این قرآن که تلاوت می کنی، کتاب دیگری برای ما بیاور «أَوْ بَدِّلْهُ» یعنی (آن را) تغییر بده و به صورت دیگری درآور. فرق بین این دو صورت این است که کتاب دیگری بیاورد. ممکن است این کتاب قرآن هم باشد یا کتاب دیگری، ولی تغییر و تبدیل به صورتی است که دیگر آن قرآن نخواهد بود.

بعضی گفته اند «بَدِّلْهُ» منظور این است که احکام و حلال و حرام آن را تغییر بده، منظورشان این بود که محدودیت ها برطرف شود و هر چه مایلند انجام دهند.

«قُلْ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما تَلَوْتُهُ عَلَیْکُمْ وَ لا أَدْراکُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فیکُمْ عُمُراً مِنْ قَبْلِهِ أَ فَلا تَعْقِلُون»(2) ، {بگو: «اگر خدا می خواست، آن را بر شما نمی خواندم، و [خدا] شما را بدان آگاه نمی گردانید. قطعاً پیش از [آوردن] آن، روزگاری در میان شما به سر برده ام. آیا فکر نمی کنید؟» } می نویسد: خداوند به شما اعلام نکرده که این قرآن را من بر او نازل نکرده ام. من مدتها پیش از نزول قرآن در میان شما زندگی می کردم و هرگز مدعی نبوت نشده بودم و نه قرآنی برای شما می خواندم، تا خداوند مرا به این مقام مفتخر نمود.

«وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ» خداوند از قول کفار می گوید که آنها مدعی هستند ما این بت ها را می پرستیم تا برای ما نزد خدا شفاعت کنند و خداوند به ما اجازه پرستش آنها را داده و به زودی در عالم آخرت آنها را شفیع ما قرار

1- . یونس / 15

2- . يونس / 16

می دهد و چنین می پنداشتند که در بزرگداشت خداوند عبادت بت ها بهتر است از عبادت و پرستش خدا؛ در نتیجه بین گفتار ناپسند و کردار ناپسند و اعتقاد ناپسند جمع کرده بودند.

بعضی گفته اند، منظورشان این بود که بت ها شفیعان ما در امور دنیوی و اصلاح معاش هستند. این نظریه از حسن نقل شده و استدلال کرده که چون آنها به دلیل آیه «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمانِهِمْ لا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ»(1) به صراحت مدعی هستند که بعث و نشری وجود ندارد، بت ها را شفیع آخرت خود قرار نخواهند داد.

در تفسیر آیه «وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَضُرُّهُمْ وَ لا يَنْفَعُهُمْ وَ يَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِما لا يَعْلَمُ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الْأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا يُشْرِكُونَ »(2)، { و به جای خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه به آنان سود می دهد. و می گویند: «اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی داند، آگاه می گردانید؟» او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. }می نویسد: یعنی آیا به خدا چیزی را که اطلاعی از آن ندارد اطلاع می دهید؟ منظور خوبی بت پرستی است از این جهت که آنها شفیع مردم باشند زیرا اگر چنین چیزی صحیح بود، خداوند از آن اطلاع داشت، وقتی نفی علم از خدا می شود که وجود ندارد (یعنی پرستش بت و شفاعت آنها کار صحیح و عملی پسندیده نیست.)(3)

در باره این آیه «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ »(4) { بگو: «کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می بخشد؟ یا کیست که حاکم بر گوشها و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می آورد و مرده را از زنده خارج می سازد؟ و کیست که کارها را تدبیر

1- . نحل / 28
2- . یونس / 18
3- . مجمع البیان 3: 147 - 149
4- . یونس / 31

می کند؟» خواهند گفت: «خدا»، پس بگو: «آیا پروا نمی کنید؟» }می نویسد: از این آیه استفاده می شود که آنها به خدا و آفریننده جهان اقرار داشته اند گرچه مشرک بودند؛ زیرا عموم مردمان با عقل خود به صانع و آفریننده اقرار میکنند مگر گروه اندکی از فلاسفه ملحد. اما معترفین به صانع دو دسته هستند: یک دسته موحد که ایمان دارند خدا یکتا است و جز او شایسته پرستش نیست و دسته دوم مشرک هستند.

مشرکین نیز دو دسته اند: یک دسته معتقد به شریک مخالف و ضد برای خدا هستند مانند ثنویها و مجوس، و بین آنها نیز اختلاف است؛ گروهی می گویند شریک خدا قدیم و ازلی است مانند مانویها و گروهی معتقد، به شریکی آفریده شده هستند مانند مجوس. دسته دیگر برای او شریک در ملک و حکم قائل نیستند و فقط شریک در عبادت قائلند که آن شریک، واسطه بین خدا و آنهاست؛ این گروه به نام اصحاب متوسطات نامیده شده اند. اینها نیز چند فرقه هستند: بعضی وسائط بین خود و خدا را اجرام سماوی مانند خورشید و ماه قرار داده اند، و برخی اجسام سفلی مانند بت ها. خدا از اعتقاد انحرافی این منحرفین منزه است.(1)

در باره آیه « قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكائِكُمْ مَنْ يَهْدى إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدى لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ يَهْدى إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلاَّ أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»(2) { بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حقّ رهبری کند؟» بگو: «خداست که به سوی حقّ رهبری می کند» پس، آیا کسی که به سوی حقّ رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟ }می نویسد: بت ها نه هدایت شده اند و نه احدی را هدایت می کنند، زیرا آنها مرده و جماد هستند و از سنگ و چوبند، ولی سخن در این مقام قرار گرفته که اگر (کسی) آنها را هدایت کند، هدایت می شوند؛ چون وقتی مردم از آنها به نام خدا یاد می کنند، تعبیر از چیزی با عقل و فهم میکنند و نسبتی که به آنها می دهند، همان نسبتی است که به عقلاء

1- . مجمع البیان 3: 162 - 163
2- . یونس / 35

می دهند، گرچه واقعا این طور نباشد. با دقت در این آیه، مطلب ثابت می شود «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبادٌ أَمْثالُكُمْ»(1)، {در حقیقت، کسانی را که به جای خدا می خوانید، بندگانی امثال شما هستند. }و یا این آیه «فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ أَ لَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِها» و همچون آیه «إِنْ تَدْعُوهُمْ لا يَسْمَعُوا دُعاءَكُمْ وَ لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجابُوا لَكُمْ»(2) {اگر آنها را بخوانید، دعای شما را نمی شنوند، و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتتان نمی کنند. } نسبتهایی که به آنها داده شده، نسبت کسی است که دارای علم و فهم است.

بعضی گفته اند، منظور ملائکه و جن هستند و برخی را عقیده این است که منظور فرمانروایان گمراه آنها هستند که دعوت به کفر می نمایند.

گفته اند، منظور از آیه «لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى» {یا کسی که راه نمی یابد مگر آنکه هدایت شود؟ }یعنی حرکتی ندارند مگر محرکی آنها را حرکت دهد.

« بَلْ كَذَّبُوا بِما لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَ لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الظَّالِمِينَ»(3) ، {بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند. پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است. }می نویسد: یعنی تکذیب کردند چیزی را که از تمام جهات به آن اطلاع ندارند، زیرا در قرآن مطالبی است که می توان با دلیل از آن اطلاع پیدا کرد و احتیاج به تفکر دارد؛ یا با مراجعه به پیامبر در کشف منظور آیه مانند متشابهات (آن را فهمید). ولی کفار چون معنی ظاهر آیه را درک نکردند، آن را تکذیب نمودند.

بعضی می گویند، منظور این است که اطلاعی از نظم و ترتیب قرآن ندارند؛ همان طور که مردم کلمات و معنی اشعار را می فهمند ولی خودشان نمی توانند مانند آن شعرها را بگویند چون به نظم و ترتیب کلمات وارد نیستند.

1- . اعراف / 194

2- . فاطر / 14
3- . يونس / 39

حسن گفته است، یعنی قرآن را تکذیب کردند با اینکه اطلاعی از بطلان آن نداشتند.

بعضی گفته اند، یعنی مطالب قرآن را مانند بهشت و جهنم و قیامت و حشر و نشر و ثواب و عقاب تکذیب کردند.(1)

در باره آیه «قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُهُ بَياتاً أَوْ نَهاراً ما ذا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُون»(2) { بگو: «به من خبر دهید، اگر عذاب او شب یا روز به شما دررسد، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می خواهند؟» }می نویسد: جمله استفهامی است و در مقام ترسانیدن و وحشت است؛ چنانچه انسان به کسی که معتقد است آینده وخیمی دارد، می گوید، می دانی چه جنایتی به خود روا می داری. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: منظور عذابی است که در آخر الزمان بر تبهکاران مسلمانها نازل می شود.

«أَ ثُمَ إِذا ما وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَ قَدْ كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ»(3) ، { سپس، آیا هنگامی که [عذاب بر شما] واقع شد، اکنون به آن ایمان آوردید، در حالی که به [آمدن] آن شتاب می نمودید؟ }می نویسد: این جمله نیز استفهام انکاری است و معنی چنین است: آیا وقتی عذاب مقدر بر شما نازل شد، آن وقت به خدا یا قرآن و یا عذابی که انکار میکردید، ایمان می آورید؟ سپس به آنها گفته می شود، حالا ایمان آوردید، با اینکه قبلاً آنها را مسخره می کردید؟.(4)

در باره آیه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ فَبِذلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ »(5) ، { بگو: «به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند.» و این از هر چه گرد می آورند بهتر است.} می نویسد: فضل خدا اسلام است و رحمت او قرآن. بعضی عکس این را گفته اند. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: فضل خدا پیامبر اکرم

1- . مجمع البیان 3: 165
2- . یونس / 50
3- . یونس / 51
4- . مجمع البیان 3: 174
5- . یونس / 58

و رحمت او علی بن ابی طالب علیه السّلام است. این مطلب را کلبی از ابو صالح از ابن عباس نقل کرده است.(1)

در باره آیه «قُلْ أَ رَأَیْتُمْ ما أَنْزَلَ اللَّهُ لَکُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَراماً وَ حَلالاً قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَکُمْ أَمْ عَلَی اللَّهِ تَفْتَرُونَ» ،(2) {بگو: «به من خبر دهید، آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده اید» بگو: «آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می بندید؟» }می نویسد: منظور چیزهایی است که حرام نموده اند، مانند بحیره و سائبه و وصیله و حام و دیگر چیزها. (3)

و در باره آیه «وَ لا یَحْزُنْکَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمیعاً هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ »، (4) {سخن آنان تو را غمگین نکند، زیرا عزّت، همه از آن خداست. او شنوای داناست.} یعنی سخن نابجای آنها مانند اینکه می گویند ساحر یا دیوانه است، تو را اندوهگین نکند.

درباره آیه «أَلا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ مَنْ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَتَّبِعُ الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَکاءَ إِنْ یَتَّبِعُونَ إِلاَّ الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاَّ یَخْرُصُونَ»(5) ، { آگاه باش، که هر که [و هر چه] در آسمانها، و هر که [و هر چه] در زمین است از آن خداست. و کسانی که غیر از خدا شریکانی را می خوانند، [از آنها] پیروی نمی کنند. اینان جز از گمان پیروی نمی کنند و جز گمان نمی برند.} می نویسد: لفظ (ما) در این آیه دو احتمال دارد، یکی اینکه به معنی چه چیز و مای استفهامیه باشد به جهت زشت شمردن کار آنها. وجه دوم اینکه (ما) نافیه باشد، یعنی در حقیقت از شریکان پیروی نمی کنند.

1- . مجمع البیان 3: 178
2- . یونس / 59
3- . مجمع البیان 3: 179
4- . یونس / 65
5- . یونس / 66

وجه سومی نیز محتمل است که ما به واسطه عطف به (من) به معنی الذی و موصول باشد و محلا منصوب باشد و در واقع معنی چنین می شود: کسی که پیروی بت ها را می کند، و بت هایی که در مقابل خدا تراشیده اند، هر دو شریکند.(1)

و در باره آیه «قُلْ یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنِ اهْتَدی فَإِنَّما یَهْتَدی لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما یَضِلُّ عَلَیْها وَ ما أَنَا عَلَیْکُمْ بِوَکیلٍ»(2) ، {بگو: «ای مردم، حقّ از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می یابد، و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می شود، و من بر شما نگهبان نیستم.» } می نویسد: یعنی در صورتی که خود مواظبت نکنید، من عهده دار نجات شما از هلاکت نیستم، و منظور این است که مأموریت من فقط تبلیغ است نه اینکه شما را هدایت کرده و از آتش برهانم؛ مانند کسانی که مأمور حفاظت یک چیز می شوند که زیان و ضرری به آن نرسد. (3)

در باره آیه «وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَیْهِ یُمَتِّعْکُمْ مَتاعاً حَسَناً إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی وَ یُؤْتِ کُلَّ ذی فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّی أَخافُ عَلَیْکُمْ عَذابَ یَوْمٍ کَبیرٍ»(4)، {و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه] شما را با بهره مندی نیکویی تا زمانی معیّن بهره مند سازد، و به هر شایسته نعمتی از کَرَم خود عطا کند، و اگر روی گردان شوید، من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. } می نویسد: منظور این است که تا هنگام مرگی که برایتان مقدر شده، در دنیا شما را با نعمتهای فراوان از قبیل آسایش زندگی و امن و امان وسعت می دهد «یُؤْتِ کُلَّ ذِی فَضْلٍ فَضْلَهُ» ، {و به هر شایسته نعمتی از کَرَم خود عطا کند} یعنی به هر کس که به وسیله مال یا کلامی و یا عملی نسبت به دیگری کمک کرده، پاداش نیکی او را می دهد و یا اینکه هر خیرخواهی، به مقدار خیرخواهی خود پاداش می برد.

1- . مجمع البیان 3: 182 - 183

2- . یونس / 108

3- . مجمع البیان 3: 211

4- . هود / 3

«أَلا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلا حينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيابَهُمْ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ »(1) ، { آگاه باشید که آنان دل می گردانند [و می کوشند] تا [راز خود را] از او نهفته دارند. آگاه باشید آنگاه که آنان جامه هایشان را بر سر می کشند، [خدا] آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می دارند، می داند، زیرا او به اسرار سینه ها داناست. }گفته، این آیه در باره اخنس بن شریق نازل شده که مردی شیرین زبان بود. روبرو با پیامبر برخورد بسیار خوبی نشان می داد ولی در دل، دشمنی خود را پنهان می کرد، این قول از ابن عباس نقل شده است.

عیاشی به اسناد خود از حضرت باقر علیه السّلام نقل می کند که جابر بن عبد الله گفت: وقتی مشرکین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روبرو می شدند، سرهای خود را درون جامه خود پنهان می کردند تا پیامبر آنها را نبیند. خداوند این آیه را نازل کرد که مشرکان و کفار آنچه از کفر که در دل دارند، پنهان می کنند. این مطلب از حسن نقل شده.

بعضی گفته اند، دل های خود را پنهان می کردند تا قرآن را نشنوند. گفته شده که عداوت پیامبر را در دل پنهان می کردند.

بعضی گفته اند، منظور آیه این است که وقتی گرد هم جمع می شدند و جلسه ای علیه پیامبر تشکیل می دادند، به هم نزدیک می شدند و آهسته و درگوشی صحبت می کردند تا از نظر خدا پنهان باشد - بنا بر نظریه اخیر - و اما بنا بر نظرات دیگر، این کار می کردند تا پیامبر متوجه نشود.

«أَلا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيابَهُمْ»، { آگاه باشید آنگاه که آنان جامه هایشان را بر سر می کشند }یعنی هنگامی که خود را در جامه خویش می پیچیدند و توطئه علیه پیامبر و مؤمنین را با هم در میان می گذاشتند و پنهان می کردند. گفته شده، منظور از پوشش در لباس این است که از تاریکی شب استفاده می کردند. (2)

1- . هود / 5
2- . مجمع البیان 3: 214 - 216

و در باره آیه «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّهٍ مَعْدُودَهٍ لَیَقُولُنَّ ما یَحْبِسُهُ أَلا یَوْمَ یَأْتیهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفاً عَنْهُمْ وَ حاقَ بِهِمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُن»(1) { و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، حتماً خواهند گفت: «چه چیز آن را باز می دارد؟» آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست، و آنچه را که مسخره می کردند آنان را فرو خواهد گرفت. }می نویسد: یعنی تا زمان معین. بعضی گفته اند، یعنی تا گروهی از پی آنها بیایند و اصرار بر کفر ورزند و هیچ کس در میان آنها ایمان نیاورد، چنانچه در باره قوم نوح انجام دادیم.

از حضرت باقر و حضرت صادق علیه السّلام در باره این آیه نقل شده که می فرمایند: اگر عذاب را از آنها تأخیر بیندازیم تا امت معدوده یعنی تا اصحاب حضرت مهدی عجل الله فرجه در آخر الزمان که سیصد و سیزده نفرند، به تعداد سلحشوران جنگ بدر، در یک ساعت گرد یکدیگر جمع می شوند، چنانچه ابرها در پاییز به هم می پیوندند. (2)

در باره آیه «فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحی إِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَنْ یَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ مَلَکٌ إِنَّما أَنْتَ نَذیرٌ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ وَکیلٌ »(3) ، { و مبادا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می شود ترک گویی و سینه ات بدان تنگ گردد که می گویند: «چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته ای با او نیامده است؟» تو فقط هشداردهنده ای، و خدا بر هر چیزی نگهبان است. }می نویسد: ابن عباس گفت، سرکردگان قریش در مکه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده گفتند: یا محمد، اگر تو پیامبری، کوههای مکه را برای ما به صورت طلا درآور یا ملائکه را برای گواهی بر نبوت خویش بیاور. این آیه در همین رابطه نازل شد.

عیاشی به اسناد خود از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: من از خدا خواستم که تو را برادر من قرار دهد، خواسته ام پذیرفته شد. باز تقاضا کردم که تو را وصی و

1- . هود / 8
2- . مجمع البیان 3: 218
3- . هود / 12

جانشین من قرار دهد، این کار را نیز کرد. بعضی از حاضران که شنیدند گفتند، یک من خرما در یک انبان خشک در نظر ما بهتر است از آنچه محمد از پروردگار خود تقاضا کرده. چرا درخواست نکرد که فرشته ای او را هنگام برخورد با دشمن کمک کند یا گنجی که به وسیله آن رفع تنگدستی از خود بنماید. این آیه راجع به همان نازل شد. «شاید تو بعضی از آنچه به تو وحی شده را رها کنی» و آن سب و ناسزا به خدایان آنهاست و بِه خاطر هراسی که از ایشان داری، به خودشان نگو. «وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ» یعنی شاید تو از حرفهایی که آنها می گویند و آزار و اذیتی که به تو می کنند دلتنگ می شوی.

بعضی گفته اند، منظور تقاضاهای کفار است «أَنْ یَقُولُوا» یعنی از ترس اینکه بگویند چرا گنجی با او نیامده یا فرشته ای گواهی رسالتش را نمی دهد.

ضمنا باید توجه داشت که «لعلک» به معنی شک و تردید نیست بلکه منظور، نهی از ترک تبلیغ و رسالت و تحریص به انجام وظیفه پیامبری است؛ مثل اینکه ما به کسی که می دانیم مطیع و فرمانبردار است، از جهت ترغیب و تحریص می گوییم، شاید تو بعضی دستورات مرا به واسطه حرف فلانی رها کنی. این سخن را از آن جهت می گوییم که به او گوشزد کنیم که فلان کس ممکن است از تو بخواهد مأموریتت را انجام ندهی و ترک انجام وظیفه نمایی.

«أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَیاتٍ وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ »(1) ، { یا می گویند: «این [قرآن] را به دروغ ساخته است.» بگو: «اگر راست می گویید، ده سوره برساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می توانید فرا خوانید.» }می نویسد: یعنی اگر این آیات به دروغ نسبت به خدا داده شده، چنانچه شما می پندارید، شما ده سوره با همین نظم و فصاحت بسازید - قرآن که به زبان شما نازل شده و من خود نیز بین شما بزرگ شده ام - . در صورتی که آوردن مانند آن عاجزید، پس اعتراف کنید که قرآن از جانب خدا است. این پیشنهادی صریح در تحدی و به مبارزه طلبیدن است و همین آیه شاهدی جهت اعجاز قرآن و فصاحت و بلاغت و نظم مخصوص آن است. زیرا اگر اعجاز قرآن از

1- . هود / 13

جهت دیگری بود، در معارضه با آن به افتراء و ساختگی آن قناعت نمی کرد. چون بلاغت سه درجه دارد و عالیترین درجه بلاغت، اعجاز است و پست ترین نوع و حد متوسط آن، امری ممکن و انجام شدنی است. این به مبارزه خواستن و تحدی در نوع اعلای آن است. اگر وجه اعجاز قرآن این بود که خداوند اجباراً نگذارد مانند قرآن را بیاورند، این جلوگیری قهری با رکیک ترین کلمات و جملات ممکن بود (لازم نبود فصیح و بلیغ باشد).

اما آنچه در این آیه مورد تحدی و مبارزه قرار گرفته این نیست که مانند همان آیات را از نظر جنس مطلب و سخن بیاورند، زیرا آوردن مانندی که مطابق همان باشد، یعنی بازگو نمودن همان آیات، و این تحدی و مبارزه نیست. این موضوع به همان تحدی و مبارزه و نبردی اشاره دارد که بین خود اعراب معمول بوده است (به این صورت) که فصحاء و بلغاء عرب در سخن سرایی و شعر با یکدیگر به مبارزه بر می خاستند؛ از قبیل مبارزات و مناقضات امرء القیس و علقمه و عمرو بن کلثوم و حارث بن حلزه و جریر و فرزدق و دیگران.

«وَ ادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ» { و غیر از خدا هر که را می توانید فرا خوانید. } یعنی هر که را می خواهید، به جز خدا، دعوت کنید تا در این کار با شما همکاری نماید؛ اگر واقعا فکر میکنید من به دروغ بر خدا بسته ام. این نوع مبارزه طلبیدن و دعوت به مخاصمه، نهایی ترین درجه تحدی و مبارزه است و همین آیه شاهد بارزی بر اعجاز قرآن است.

وقتی ثابت شد که پیامبر اکرم به وسیله این آیات آنها را به معارضه و مبارزه خواسته و تهدید به کشته شدن و اسارت نیز نموده است - با اینکه (قبلاً) اعتقادات آنها را به خرافات نسبت داده بود و بر خدایانشان خرده گرفته بود - و در ضمن به اثبات رسید که اعراب جاهلی سرسخت ترین دشمنان پیامبر بودند و تمام سعی و کوشش خود را در معارضه و نابودی او به کار گرفتند تا آنجا که خونها ریخته شد و ثروتها بر باد رفت، وقتی به آنها پیشنهاد شد که شما هم مانند همین قرآن را بسازید و استدلال او را بدین وسیله باطل نمایید، با این که این عمل ساده تر از مایه گذاشتن جان و مال است، آنها از چنین مبارزه و معارضه ای دست کشیدند و روی به جنگ و

کشتار آوردند و سخت ترین راه را در پیش گرفتند. این خود آشکارترین دلیل است بر اینکه نمی توانستند با قرآن معارضه کنند، چون اگر امکان معارضه وجود داشت، همین کار ساده تر را انجام می دادند، زیرا هیچ عاقلی کار سهل و آسان را رها نمی کند که خود را دچار دشوارترین کارها نماید، با اینکه منظور و هدف او به وسیله هر دو نوع انجام می شود. هرگز چنین نیست! زیرا آنها اگر به نهائی ترین آرزوی خود که کشتن پیامبر هم بود می رسیدند، باز هم به هدف اصلی خویش که ابطال دعوت و اعلان پیامبر نبودن او باشد نمی رسیدند، چه بسا اشخاص محق و حقیقت گویی که به قتل رسیدهاند!.

اگر اشکال شود که چرا به مبارزه خواستن گاهی توسط ده سوره پیشنهاد شده و گاهی به یک سوره و گاهی به مقداری مانند آن، جواب این است که پیروزی در مبارزه، به همان مقداری لازم است که اعجاز ثابت شود و ناتوانی آنها آشکار گردد؛ ممکن است یک بار با مقدار کمتری پیشنهاد مبارزه نموده و گاهی به مقدار بیشتر.

«فَإِلَّمْ یَسْتَجیبُوا لَکُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّما أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ » (1)، {پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست ، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می نهید؟ }(اگر پیشنهاد شما را نپذیرفتند) گفته، این قسمت آیه خطاب به مسلمانان است و بعضی گفته اند خطاب به کفار است که معنی چنین می شود: اگر برای کمک شما نیامدند. بعضی هم می گویند خطاب به خود پیامبر است ولی از نظر احترام به لفظ جمع آورده شده است. (2)

در باره آیه «تِلْکَ مِنْ أَنْباءِ الْغَیْبِ نُوحیها إِلَیْکَ ما کُنْتَ تَعْلَمُها أَنْتَ وَ لا قَوْمُکَ مِنْ قَبْلِ هذا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعاقِبَةَ لِلْمُتَّقین»(3) ، {این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می کنیم. پیش از این نه تو آن را می دانستی و نه قوم تو. پس شکیبا

1- . هود / 14
2- . مجمع البیان 3: 221 - 223
3- . هود / 49

باش که فرجام [نیک] از آنِ تقواپیشگان است. }می نویسد: این اخبار و جریانهای امم گذشته را تو و اعراب قبیله ات اطلاع نداشتید قبل از اینکه به تو وحی شود چون آنها اهل مطالعه و اطلاع نبودند. (1)

و در مورد آیه «وَ کُلاًّ نَقُصُّ عَلَیْکَ مِنْ أَنْباءِ الرُّسُلِ ما نُثَبِّتُ بِهِ فُؤادَکَ وَ جاءَکَ فی هذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَهٌ وَ ذِکْری لِلْمُؤْمِنینَ »(2) ، {و هر یک از سرگذشتهای پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می گردانیم، و در اینها حقیقت برای تو آمده، و برای مؤمنان اندرز و تذکّری است. }می نویسد: یعنی دل تو را قوی و استوار کنیم و دلخوش باشی و استقامت بیشتری به تو ببخشیم تا تحمل و توان بیشتری در راه تبلیغ و آزار آنها داشته باشی.(3)

در مورد آیه «وَ ما یُؤْمِنُ أَکْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلاَّ وَ هُمْ مُشْرِکُون»(4) ، {و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می گیرند. }می نویسد: در مورد این آیه چند اظهار نظر شده است:

1. منظور از مشرک همان مشرکین قریش بودند که اعتقاد داشتند خدا خالق و زنده کننده و فانی کننده موجودات است اما باز هم بت پرست بودند و آنها را به عنوان خدا و الهه می پذیرفتند. این نظر ابن عباس و جبائی است.

2. ضحاک گفته، منظور مشرکان عرب است که وقتی از آنها می پرسیدند چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و باران نازل می کند؟ پاسخ می دادند: خدا. ولی باز طریق شرک را پیمودند زیرا در تلبیه خود چنین می گفتند: لبیک لا شریک لک الا شریک هو لک تملکه و ما ملک. یعنی آری خدایا، شریکی نداری مگر آن شریکی که هستی او و هر چه دارد، مال تو است.

3. منظور اهل کتاب هستند که به خدا و روز قیامت و تورات و انجیل ایمان دارند ولی با انکار قرآن و نبوت پیامبر خاتم، مشرک می شوند. این نظریه از حسن

1- . مجمع البیان 3: 255

2- . هود / 120

3- . مجمع البيان 3: 312
4- . يوسف / 106

نقل شده. این نظر و نظریه قبل از آن را دارم بن قبیصه از حضرت رضا علیه السّلام و آن جناب از جد خود حضرت صادق نقل کرده اند.

4. مراد منافقین هستند که اظهار ایمان می کنند ولی در پنهان مشرکند، ای نظریه را بلخی گفته است.

5. منظور فرقه مشبهه هستند که ایمان اجمالی دارند ولی در توضیح و تفصیل مشرک هستند. این مطلب از ابن عباس نقل شده است.

6. منظور از شریک قرار دادن برای خدا، شریک در اطاعت است نه شریک در عبادت. آنها در معصیتهایی که انجام می دهند که موجب آتش جهنم می شود، آنها اطاعت شیطان کردند، پس در اطاعت مشرک شده اند با اینکه مشرک در عبادت نیستند. این نظر از حضرت باقر علیه السلام نقل شده است.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده که این سخن شخصی است که می گوید: اگر فلان کس نبود من از بین رفته بودم، یا اگر فلانی نبود خانواده من نابود شده بودند. سخنی شرک آمیز است و برای خدا شریک در ملک و رزق و دفاع از ناراحتیها قرار داده است. عرض کردند، اگر بگوید اگر خداوند بر من منّت ننهاده بود به واسطه فلان کس هلاک شده بودم چطور است؟ فرمود: اشکالی ندارد.

و در روایت محمد بن مسلم و حمران از امام صادق و باقر علیهما السلام نقل شده که این شریک نعمت قرار دادن است. محمد بن فضیل از حضرت رضا علیه السّلام نقل کرده که فرموده است: «انه شرک لا یبلغ به الکفر». این یک نوع شرک است که به حد کفر نمی رسد.

درباره آیه «أَ فَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غاشِيَةٌ مِنْ عَذابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لا يَشْعُرُونَ » (1) ، {آیا ایمنند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان دررسد، یا قیامت - در حالی که بی خبرند - بناگاه آنان را فرا رسد؟ } می نویسد: یعنی مطمئن و آسوده هستند از اینکه عقوبت کیفری آنها را از جانب خدا فرا گیرد که ایشان را محاصره نماید و بر آنها احاطه پیدا کند. (2)

1- . يوسف / 107
2- . مجمع البيان 3: 410

در باره آیه «وَ یَسْتَعْجِلُونَکَ بِالسَّیِّئَهِ قَبْلَ الْحَسَنَهِ وَ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلاتُ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَذُو مَغْفِرَهٍ لِلنَّاسِ عَلی ظُلْمِهِمْ وَ إِنَّ رَبَّکَ لَشَدیدُ الْعِقاب»(1) ، {و پیش از رحمت، شتابزده از تو عذاب می طلبند و حال آنکه پیش از آنان [بر کافران] عقوبتها رفته است، و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم - با وجود ستمشان - بخشایشگر است، و به یقین پروردگار تو سخت کیفر است.}می نویسد: یعنی شتاب دارند به عذاب قبل از رحمت؛ و منظور از مَثُلات عقوبتها است. این مطلب از ابن عباس و دیگران نقل شده است.

در مورد آیه «وَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِنْ رَبِّه إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِ قَوْمٍ هادٍ »(2) ، {و آنان که کافر شده اند می گویند: «چرا نشانه ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر،] تو فقط هشداردهنده ای، و برای هر قومی رهبری است.}می نویسد: در مورد این آیه چند قول نقل شده:

1. تو ترساننده و هادی هر گروهی هستی اما انزال آیات در اختیار تو نیست. در این صورت از نظر ادبی (انت) مبتدا است و (منذر) خبر آن است و «هاد» عطف بر منذر است.

2. منذر و ترساننده حضرت محمد صلی الله علیه و آله است و هادی خدا است.

3. معنی آیه این است که هر قوم و ملتی پیامبری دارند که آنها را هدایت می کند و راهنمای ایشان است.

4. منظور از هادی، هر دعوت کننده به حق است. ابن عباس نقل کرده که وقتی این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من منذرم و علی هادی است. یا علی، پس از من پویندگان هدایت به وسیله تو هدایت می یابند. مانند همین روایت را ابو القاسم حسکانی به اسناد خود از ابی برده اسلمی نقل کرده است.(3)

ص: 379

1- . رعد / 6
2- . رعد / 7

3- . مجمع البيان 3: 427 وشواهد التنزيل للحسكانى: 301 - 302

و در باره آیه «لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَ الَّذینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا یَسْتَجیبُونَ لَهُمْ بِشَیْ ءٍ إِلاَّ کَباسِطِ کَفَّیْهِ إِلَی الْماءِ لِیَبْلُغَ فاهُ وَ ما هُوَ بِبالِغِهِ وَ ما دُعاءُ الْکافِرینَ إِلاَّ فی ضَلال»،(1) {دعوت حق برای اوست. و کسانی که [مشرکان] جز او می خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید، و دعای کافران جز بر هدر نباشد.} می نویسد: این مثلی است که خداوند برای کسانی زده که غیر خدا را می پرستند و به امید سود و منفعتی او را می خوانند. مَثَل چنین اشخاصی مانند کسی است که دست از دور دراز کرده تا آب بردارد و تشنگی خود را فرو نشاند و به خاطر دوری از آب، به آن دست نمی یابد. همچنین آنچه مشرکان از بت ها می پرستند، سودی برایشان ندارد و دعایشان مستجاب نمی شود. این تفسیر از ابن عباس نقل شده است.

گفته شده: معنی «کَباسِطِ کَفَّیْهِ إِلَی الْماءِ» { کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید }یعنی مانند کسی که با زبان آب بخواهد و با دست اشاره به آب کند اما آب پیش او نمی آید. این مطلب از مجاهد نقل شده است.

گفته اند: مانند کسی که دست به سوی آب می گشاید ولی قبل از رسیدن آب به دهانش می میرد.

بعضی نیز گفته اند این مَثَل عرب است در مورد کسی که برای رسیدن به چیزی تلاش میکند که به آن نمی رسد. می گویند مانند کسی است که می خواهد آب را با چنگ و مشت بگیرد، هو کالقابض علی الماء.

«وَ ما دُعاءُ الْکافِرِینَ إِلَّا فِی ضَلالٍ» {و دعای کافران جز بر هدر نباشد.} یعنی نیایش آنها بتها را به جای خدا، جز انحراف از حق و حقیقت نیست. بعضی گفته اند: منظور، از راه اجابت و سود منحرف شده اند.

در مورد آیه «وَ لِلَّهِ یَسْجُدُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال»(2) ، {و هر که در آسمانها و زمین است - خواه و ناخواه - با

1- . رعد / 14

-2 . رعد / 15

سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می کنند. }می نویسد: یعنی ملائکه و تمام مکلفان، یا به خواست خود و یا به اجبار «طَوْعاً وَ كَرْهاً» {خواه و ناخواه} برای خدا سجده می کنند ولی مؤمن از روی بندگی و علاقه سجده می کند و کافر به زور شمشیر. یا منظور این است که در پیشگاه پروردگار خضوع و کوچکی می کنند ولی کافر با اکراه خضوع می نماید، چون به واسطه گرفتاریها و بیماریهایی که به او روی می آورد چاره ای ندارد (جز اینکه دعا کند).

«وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» {با سایه هایشان، بامدادان و شامگاهان} گفته اند، منظور از «ظل» شخص است زیرا وقتی که سجده نماید سایه او هم سجده می کند. حسن گفته است، یعنی سایه کافر سجده می کند ولی خود او سجده نمی کند و در نزد محققان، منظور این است که پیکرش به سجده می افتد ولی قلب او سجده نمی کند؛ زیرا او از جهت عبادت و پرستش سجده نمی کند بلکه از ترس به سجده می افتد.

گفته شده، منظور از ظلال همان معنی ظاهری آن است، یعنی سایه ها هم سجده می کنند به این صورت که متمایل به این طرف و آن طرف می شوند و بلند و کوتاه می گردند.

در مورد آیه مبارکه «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَ فَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ لا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمى وَ الْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُماتُ وَ النُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ»(1)، { بگو: «پروردگار آسمانها و زمین کیست؟» بگو: «خدا!» بگو: «پس آیا جز او سرپرستانی گرفته اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند؟ یا برای خدا شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریده اند و در نتیجه، [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟» بگو: «خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار» }می نویسد: یعنی آیا مؤمن با کافر مساوی است؟ «أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُماتُ وَ النُّورُ» یعنی آیا کفر و ایمان مساوی هستند یا گمراهی و هدایت

1- . رعد / 16

یا علم و جهل؟ «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکاءَ خَلَقُوا کَخَلْقِهِ» {یا برای خدا شریکانی پنداشته اند که مانند آفرینش او آفریده اند} یعنی آیا این کفار هر یک در عبادت خدا کسانی را شریک قرار داده اند که چیزهایی را آفریده، همان طوری که خدا اجسام و الوان و طعمها و بویها و قدرت و زندگی و سایر چیزها را آفریده است.

«فَتَشابَهَ الْخَلْقُ عَلَیْهِمْ» {و در نتیجه، [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟} که همین خلقتی که شرکاء خدا داشته اند موجب اشتباه آنها شده و خیال کرده اند که بت ها هم شایسته پرستش هستند، چون آنها نیز مانند خدا آفرینش دارند. وقتی که آنها قدرت آفریدن نداشته باشند، دیگر وجهی برای اشتباه باقی نمی ماند و جز خدا هیچ کس شایسته پرستش نیست. (1)

در باره آیه «أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسالَتْ أَوْدِیَهٌ بِقَدَرِها فَاحْتَمَلَ السَّیْلُ زَبَداً رابِیاً وَ مِمَّا یُوقِدُونَ عَلَیْهِ فِی النَّارِ ابْتِغاءَ حِلْیَهٍ أَوْ مَتاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهُ کَذلِکَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْباطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفاءً وَ أَمَّا ما یَنْفَعُ النَّاسَ فَیَمْکُثُ فِی الْأَرْضِ کَذلِکَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثال»(2) ،{[همو که] از آسمان، آبی فرو فرستاد. پس رودخانه هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند، و سیل، کفی بلند روی خود برداشت، و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی، در آتش می گدازند هم نظیر آن کفی برمی آید. خداوند، حق و باطل را چنین مَثَل می زند. اما کف، بیرون افتاده از میان می رود، ولی آنچه به مردم سود می رساند در زمین [باقی] می ماند. خداوند مَثَلها را چنین می زند.} می نویسد: یعنی خداوند از آسمان آب را می فرستد و هر نهری به مقدار وسعت و گنجایشی که دارد، از آن آب بهره می گیرد. «فَاحْتَمَلَ السَّیْلُ زَبَداً رابِیاً» {و سیل، کفی بلند روی خود برداشت}. خداوند در این آیه آب صاف و پاک را به اسلام نافع و سودمند برای مردم تشبیه نموده و خط باطل را به کفی که روی آب می ایستد و نابودشونده است.

ص: 382

1- . مجمع البیان 3: 436 - 438
2- . رعد / 17

بعضی گفته اند، منظور قرآن است که از آسمان نازل شده و هر دلی به اندازه یقین و شکی که دارد از آن بهره می برد. آب مَثَل برای یقین است و کف مَثَل برای شک. این قول را ابن عباس گفته است. سپس خداوند مثل دیگری را می زند:

«وَ مِمَّا یُوقِدُونَ عَلَیْهِ فِی النَّارِ» {و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی، در آتش می گدازند} (که منظور طلا و نقره و مس و سایر سنگهای معدنی است که گداخته می شود) «ابْتِغاءَ حِلْیَهٍ» که از آن زینت آلات می سازند مانند طلا و نقره «أَوْ مَتاعٍ» یا لوازم زندگی درست می کنند مانند معادن دیگر که از آنها ظروف و وسائل تهیه می شود؛ این نوع از گداختنی ها هم مانند آب دارای کف هستند زیرا آنها را که از معادن استخراج کرده و برای جدا کردن ناخالصیها می گدازند و در آتش حرارت می دهند. وقتی گداخته می شود، ناخالصی های آنها نیز به صورت کف در می آید.

«کَذلِکَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْباطِلَ» {خداوند، حق و باطل را چنین مَثَل می زند.} «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفاءً» {اما کف، بیرون افتاده از میان می رود} «وَ أَمَّا ما یَنْفَعُ النَّاسَ» {ولی آنچه به مردم سود می رساند} مانند آب صاف و طلا و نقره و سایر فلزات مفید «فَیَمْکُثُ فِی الْأَرْضِ» {در زمین [باقی] می ماند.}و مردم از آن بهره مند می شوند. مَثَل مؤمن همانند آب صاف است که تمام نباتات از آن استفاده می کنند و موجب زندگی همه چیز است و شبیه سود طلا و نقره و سایر فلزات است که مردم از آن بهره مند می شوند. و مَثَل کافر و کفر او مانند همان کف است که نابودشدنی است و تار و مار می شود و مانند ناخالصی های سنگهای معدنی است، همچون چرک و کثافت بر طلا و نقره، که سودی ندارد.

«کَذلِکَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ» {خداوند مَثَلها را چنین می زند.}در امور دینی.

قتاده گفته است: خداوند در ضمن یک مثل در این آیه، سه مَثَل آورده است. نزول قرآن را به آبی که از آسمان فرو می فرستد تشبیه نموده و دلهای مردم را به نهرها و رودها. هر که اندیشه را به کار برد و کنجکاو باشد، بهره کافی و زیاد می برد مانند یک رود بزرگ که گنجایش آب فراوان دارد؛ اما کسی که به همان مقدار که

فقط اعتراف به یکتایی خدا داشته باشد قانع باشد، بهره اش از آن دیگری کمتر است مانند نهر کوچک. این یک مثال است.

بعد خداوند وساوس و شبهات شیطان را تشبیه به کف نموده که روی آب می ایستد و این کف ها از خود آب نیست بلکه از کثافات زمین است. همین طور این شکوک و وساوس از طینت و ذات خود شخص است نه این که لازمه حق و واقعیت باشد. بعد می فرماید: همان طوری که کف از بین می رود و آب صاف باقی می ماند، وسوسه های شیطان نیز نابود می شود و حق باقی می ماند. این مثل دوم است.

اما مثل سوم «وَ مِمَّا یُوقِدُونَ عَلَیْهِ» {آنچه در آتش می گدازند} از فلزات. پس کفر همین خباثت و ناخالصی ها است که بهره ای ندارند و بی فایده هستند و ایمان همان طلا و نقره خالص و آب صاف است که مردم از آن بهره مند می شوند.(1)

در باره آیه «وَ لَوْ أَنَ قُرْآناً سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتی بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِیعاً أَ فَلَمْ یَیْأَسِ الَّذینَ آمَنُوا أَنْ لَوْ یَشاءُ اللَّهُ لَهَدَی النَّاسَ جَمیعاً وَ لا یَزالُ الَّذینَ کَفَرُوا تُصیبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَریباً مِنْ دارِهِمْ حَتَّی یَأْتِیَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لا یُخْلِفُ الْمیعاد»(2) ، {و اگر قرآنی بود که کوهها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن درمی آمدند [باز هم در آنان اثر نمی کرد.] نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست قطعاً تمام مردم را به راه می آورد؟ و کسانی که کافر شده اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده اند مصیبت کوبنده ای به آنان می رسد یا نزدیک خانه هایشان فرود می آید، تا وعده خدا فرا رسد. آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی کند. } می نویسد: جواب (لو) محذوف است یعنی لکان هذا القرآن. اگر کتابی کوهها را به رفتار و مردگان را به گفتار در آورد و زمین را در هم نوردد، این قرآن کریم است. گفته شده، چون ایمان آورده اند.

«أَ فَلَمْ یَیْأَسِ الَّذِینَ آمَنُوا» {آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند} اگر خدا بخواهد همه مردم را هدایت می کند. ابن عباس گفته است و بعضی از دیگران

1- . مجمع البيان 3: 441
2- . رعد / 31

نیز می گویند، معنی آیه این است که آیا مؤمنین هنوز اطلاعی کسب نکرده اند که از علم دیگری مایوس و ناامید باشند (یعنی اطلاعی صحیح و غیر قابل تردید).

و نیز گفته شده که معنی آیه این است، آیا مؤمنین از ایمان کسانی که خداوند اطلاع داده که ایمان نخواهند آورد مایوس نشده اند؟

«قارِعَةٌ» یعنی مصیبت و گرفتاری که آنها را فرا گیرد مانند جنگ و قحطی و خشکسالی و کشتن و اسارت «أَوْ تَحُلُّ قَرِیباً مِنْ دارِهِمْ» {یا نزدیک خانه هایشان فرود می آید}یعنی این مصیبت و ناراحتی نزدیک خانه آنها فرود آید که موجب ترس و هراس آنها شود. بعضی گفته اند، (تاء) در «تَحُلُّ» تای خطاب است؛ یعنی تو ای محمد، به سرزمین آنها یعنی مکه وارد شوی «حَتَّی یَأْتِیَ وَعْدُ اللَّهِ» تا وعده خدا به فتح مکه برسد. گفته شده، اجازه جنگ با آنها صادر شود. بعضی نیز گفته اند، تا قیامت فرا رسد.(1)

«فَأَمْلَیْتُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا» { پس به کسانی که کافر شده بودند مهلت دادم} یعنی به آنها مهلت دادیم و مدت آنها را طولانی کردیم تا توبه کنند یا حجت بر آنها تمام شود «فَکَیْفَ کانَ عِقابِ» چگونه خواهد بود آن عذاب؟ این سخن، خود عظمت عقاب را بیشتر می کند «أَ فَمَنْ هُوَ قائِمٌ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ» {آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است [مانند کسی است که از همه جا بی خبر است]؟ }یعنی کسی که مدبر تمام جهان است و متوجه تمام اعمال مردم است، طوری که از نظر او عملی مخفی نیست، مانند کسی چون بت ها است که این قدرت را ندارد؟ این آیه بر اینکه منظور همان بت ها است، دلالت می کند: «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ» {و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: «نامشان را ببرید» } و اگر شریک خدایند، کارهایی که انجام می دهند را به آنها نسبت دهند؛ چنانچه به خدا نسبت رازق و خالق و محیی و ممیت می دهند.

گفته شده ،یعنی آنها را با همان صفاتی که دارند بنامید و بعد دقت کنید ببینید، با این صفاتی که دارند شایسته عبادت و خدایی هستند؟

1- . مجمع البیان 3: 451 - 452

گفته اند، یعنی آنها (حتی) نامی که موجب عبادتشان شود ندارند، و این سخن برای حقارت و بی ارزشی بت ها است.

و گفته اند، یعنی نام ببرید، چه را آفریده اند؟ یا بگویید چه نفع و چه ضرری رسانده اند؟.

در مورد آیه «أَ فَمَنْ هُوَ قائِمٌ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَکاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِما لا یَعْلَمُ فِی الْأَرْضِ أَمْ بِظاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ بَلْ زُیِّنَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مَکْرُهُمْ وَ صُدُّوا عَنِ السَّبیلِ وَ مَنْ یُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ» (1) ، {آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است [مانند کسی است که از همه جا بی خبر است]؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: «نامشان را ببرید» آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی داند خبر می دهید، یا سخنی سطحی [و میان تهی] می گویید؟ [چنین نیست] بلکه برای کسانی که کافر شده اند نیرنگشان آراسته شده و از راه [حق] بازداشته شده اند و هر که را خدا بی راه گذارد، رهبری نخواهد داشت. }می نویسد: یعنی به خدا اطلاع دهید از شریکی که او از آن مطلع نیست، یعنی وجود ندارد تا اطلاعی از آن داشته باشد «أَمْ بِظاهِرٍ مِنَ الْقَوْلِ» {یا سخنی سطحی [و میان تهی] می گویید؟ } یا سخنی سرسری و حرفی غیر واقعی می گویید. معنی این است که فقط حرف است و نه واقعیت. گفته اند، یا شما به ظاهر کتابی که خدا فرستاده آنها را خدا نامیده اید. بدین وسیله خداوند توضیح می دهد که دلیل عقلی و نقلی وجود ندارد که اینها استحقاق پرستش داشته باشند.

«بَلْ زُیِّنَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مَکْرُهُمْ» {بلکه برای کسانی که کافر شده اند نیرنگشان آراسته شده } یعنی این حرف را رها کن. شیطان کفر را در نظر آنها آراسته، زیرا مکر و حیله ای که نسبت به پیامبر روا می دارند، نشانه کفر آنهاست. بعضی گفته اند، یعنی رهبران و ستمگران این دروغ گویی و ستمگری را برای آنها آراسته اند.(2)

1- . رعد / 33
2- . مجمع البیان 3: 453 - 454

در باره آیه «وَ الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَفْرَحُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ مِنَ الْأَحْزابِ مَنْ یُنْکِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّما أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَ لا أُشْرِکَ بِهِ إِلَیْهِ أَدْعُوا وَ إِلَیْهِ مَآبِ»،(1) {و کسانی که به آنان کتاب [آسمانی] داده ایم، از آنچه به سوی تو نازل شده شاد می شوند. و برخی از دسته ها کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می کنند. بگو: «جز این نیست که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نورزم. به سوی او می خوانم و بازگشتم به سوی اوست.» } می نویسد: منظور اصحاب پیامبر است که قرآن به آنها عنایت شده است و شادند. یا مقصود مؤمنین اهل کتاب هستند.(2)

در باره آیه «وَ إِنْ ما نُرِیَنَّکَ بَعْضَ الَّذی نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّیَنَّکَ فَإِنَّما عَلَیْکَ الْبَلاغُ وَ عَلَیْنَا الْحِسابُ»(3) ، {و اگر پاره ای از آنچه را که به آنان وعده می دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم، جز این نیست که بر تو رساندن [پیام] است و بر ما حساب [آنان].} می نویسد: یعنی یک نشانه از یاری و پیروزی مؤمنین بر آن کفار همین است که تو قدرت جنگ و اسارت و غنیمت اموال آنها را پیدا می کنی. «أَوْ نَتَوَفَّیَنَّکَ» یعنی یا قبل از نشان دادن این مطلب تو را به سوی خود می خوانیم و با این آیه، خداوند توضیح می دهد که بعضی از این پیروزیها در زمان حیات پیامبر و بعضی از آنها بعد از فوت پیامبر است؛ یعنی منتظر نباش که تمام اینها در زمان حیات تو اتفاق افتد «فإنما علیک» تو باید تبلیغ کنی و ما به حساب آنها خواهیم رسید و کیفرشان خواهیم نمود. (4)

در باره آیه «وَ یَقُولُ الَّذینَ کَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً قُلْ کَفی بِاللَّهِ شَهیداً بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکِتابِ»(5) ، { و کسانی که کافر شدند می گویند: «تو فرستاده نیستی.» بگو: «کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد.» } می نویسد: بعضی گفته اند، منظور خدا است که علم کتاب دارد. و گفته شده، مقصود مؤمنین اهل کتاب است. و از حضرت باقر و صادق با سندهای متعددی

1- . رعد / 36
2- . مجمع البیان 3: 455
3- . رعد / 40
4- . مجمع البیان 3: 459
5- . رعد / 43

رسیده که منظور علی بن ابی طالب و ائمه هدی علیهم السلام هستند که دارای علم کتابند.(1)

در باره آیه «مَثَلُ الَّذینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمالُهُمْ کَرَمادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّیحُ فی یَوْمٍ عاصِفٍ لا یَقْدِرُونَ مِمَّا کَسَبُوا عَلی شَیْ ءٍ ذلِکَ هُوَ الضَّلالُ الْبَعیدُ»(2) ، { مَثَلِ کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، کردارهایشان به خاکستری می ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد: از آنچه به دست آورده اند هیچ [بهره ای] نمی توانند بُرد. این است همان گمراهیِ دور و دراز. } می نویسد: یعنی اعمال آنها همچون توده های خاکستری است که طوفانی بر آن بوزد و آنها را به صورت ذرّات پراکنده نماید «فِی یَوْمٍ عاصِفٍ» یعنی در یک روز تندبادی. همان طوری که هیچ کس قدرت ندارد این خاکسترها را جمع آوری کند و از آنها بهره ای ببرد، همین طور این کافران نیز سودی از اعمال خود نمی برند.(3)

در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً کَلِمَهً طَیِّبَهً کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ»(4) ، {آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؟ }می نویسد: منظور از کلمه طیبه توحید است.

بعضی گفته اند: هر سخنی را که خداوند امر کرده باشد «کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» یعنی چون درخت خوش نژاد و تنومندی است که در اعماق زمین ریشه دوانده و شاخ و بال و میوه آن آسمان را فرا گرفته و منظور بلندی و ارزش آن است. گفته اند این درخت خرما است و بعضی گفته اند، درختی در بهشت است.

ابن عقده از حضرت ابو جعفر علیه السلام نقل کرده که فرمود: درخت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و تنه آن علی علیه السّلام و شاخه های درخت فاطمه

1- . مجمع البیان 3: 462

2- . ابراهیم / 18

3- . مجمع البیان 3: 474 - 475

4- . ابراهیم / 24

زهرا علیها السلام و میوه آن اولاد فاطمه علیها السلام هستند و برگ درخت شیعیان مایند. فرمود: یکی از شیعیان ما که فوت می کند برگی از آن درخت فرو می ریزد و هر گاه فرزندی از شیعیان ما به دنیا آید، به جای آن برگ ریخته، برگی بر می آید.

«تُؤْتِی أُکُلَها» یعنی از آن درخت خوردنیها به بار می آید «کُلَّ حِینٍ» یعنی در هر شش ماه. این نظر ابن عباس است. حضرت باقر علیه السّلام فرمود: یعنی در هر سال. بعضی گفته در هر صبح و شام. و برخی نیز می گویند در تمام اوقات.

گفته اند، خداوند ایمان را به جهت ثبات و پایداری ایمان در دل مؤمن به درخت خرما تشبیه نموده است، همانند استواری درخت خرما به وسیله ریشه اش. و بالا رفتن عمل مؤمن را به سوی آسمان به شاخه های برآمده درخت خرما تشبیه کرده است. و بهره و منافعی که مؤمنین از اعمال خود می برند به میوه درخت خرما تشبیه نموده که در تمام سال از آن به صورت خرمای تازه (رطب) و خرمای معمولی استفاده می شود.

گفته اند، معنی این آیه «تُؤْتی أُکُلَها کُلَ حینٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ»(1) ، {میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد. و خدا مَثَلها را برای مردم می زند، شاید که آنان پند گیرند.}منظور رفتار وی و دستور العملهایی است که ائمه علیهم السلام در مورد حلال و حرام به شیعیان خود می دهند.

«وَ مَثَلُ کَلِمَهٍ خَبیثَهٍ کَشَجَرَهٍ خَبیثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ»(2)، {و مَثَلِ سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد.} منظور کلمه شرک و کفر است. بعضی گفته اند، هر سخنی که در راه معصیت خدا باشد مانند درخت ناپاک و آلوده است. و می گویند آن درخت حنظل است. بعضی نیز می گویند، هر درختی که چنین مشخصاتی را داشته باشد، در روی زمین پایدار نباشد. بعضی می گویند منظور پیچک است.

ابو الجارود از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرده است که فرمود: این آیه مَثَل برای بنی امیه است «اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ» یعنی به زمین چسبیده و پیکر آن از

1- . ابراهيم / 25
2- . ابراهيم / 26

زمین جداست «ما لَها مِنْ قَرارٍ» یعنی این درخت قرار و ثباتی ندارد، باد آن را از جای می کند و با خود می برد.

همان طوری که چنین درختی ثبات و قراری ندارد و کسی از آن بهره نمی برد، کلمه خبیثه نیز بهره ای برای صاحب آن ندارد. (1)

در باره آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ کُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ »(2) { آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟ } می نویسد: یعنی به وسیله محمد صلی الله علیه و آله نعمت خدا را شناختند. منظور این است که محمد را شناختند ولی منکر او شدند و به جای سپاسگزاری، کفران نعمت کردند.

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: ما آن نعمت خدا هستیم که به مردم ارزانی داشته و به وسیله ما رستگاران رستگار شده اند. ممکن است منظور همه نعمتهای خدا باشد که بسیاری از مردم آنها را تغییر دادند و به جای سپاسگزاری کفران نمودند. در منظور آیه اختلاف شده است؛ حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام و ابن عباس و ابن جبیر و دیگران گفته اند: منظور کفار قریش هستند که پیامبر را تکذیب کردند و به دشمنی و جنگ با او پرداختند.

مردی از امیر المؤمنین علیه السّلام از تفسیر این آیه سؤال کرد، در جواب فرمود: آن دو نابکار، قریش بنو امیه و بنی مغیره هستند؛ اما بنی امیه مدتها بهره مند شدند ولی بنو مغیره را شما در جنگ بدر از پای درآوردید.

بعضی گفته اند، منظور جبله بن الایهم و پیروان او از عرب هستند که مسیحی شده و به روم رفتند.

«وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ» یعنی طرفداران خود را به نابودی کشاندند. (3)

در باره آیه «رُبَما یَوَدُّ الَّذینَ کَفَرُوا لَوْ کانُوا مُسْلِمین»(4) ، {چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند. } می نویسد: یعنی در عالم آخرت وقتی

1- . مجمع البيان 3: 480 - 481
2- . ابراهيم / 28
3- . مجمع البيان 3: 483
4- . حجر / 2

مسلمانان رهسپار بهشت شوند و کافران به سوی جهنم، کافران بسیار دوست می دارند که کاش از مسلمانان بودند.

در باره آیه «ما نُنَزِّلُ الْمَلائِكَةَ إِلاَّ بِالْحَقِ وَ ما كانُوا إِذاً مُنْظَرينَ»(1) ، { فرشتگان را جز به حق فرو نمی فرستیم، و در آن هنگام، دیگر مهلت نیابند. }می نویسد: یعنی ما ملائکه را نازل نمی کنیم مگر به مرگ یا با عذابی که موجب استیصال آنها شود، «وَ ما كانُوا إِذاً مُنْظَرِينَ» یعنی وقتی ملائکه نازل شوند دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد.

در مورد آیه مبارکه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ »(2) ، { بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. } می نویسد: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ یعنی قرآن را «وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ» یعنی ما حفظ می کنیم آن را از زیاده و نقصان و تغییر و تحریف. (3)بعضی گفته اند، یعنی حفظ می کنیم قرآن را از حیله و تزویر مشرکین که نتوانند آن را نابود کنند و نمی گذاریم کهنه شود یا به فراموشی سپرده شود. گفته شده است: مقصود این است که ما نگهبان محمد هستیم.

در مورد آیه «وَ لَوْ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ باباً مِنَ السَّماءِ فَظَلُّوا فيهِ يَعْرُجُون»(4) ، {و اگر دری از آسمان بر آنان می گشودیم که همواره از آن بالا می رفتند} می نویسد: یعنی اگر برای مشرکان دربی از آسمان بگشاییم که ملائکه پیوسته از این درب فرود آیند و بالا روند. بعضی گفته اند: خود این مشرکان از این درب به آسمان بالا روند و ملکوت آسمان را مشاهده کنند.

«لَقالُوا إِنَّما سُكِّرَتْ أَبْصارُنا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُون»(5) { قطعاً می گفتند: «در حقیقت، ما چشم بندی شده ایم، بلکه ما مردمی هستیم که افسون شده ایم.» } «لَقالُوا إِنَّما سُكِّرَتْ أَبْصارُنا» می گویند چشمهای ما را پوشانده اند. گفته اند، متحیر شده و

1- . حجر / 8
2- . حجر / 9
3- . مجمع البیان 3: 505
4- . حجر / 14
5- . حجر / 15

نمی توانند نگاه کنند «بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ» ما را محمد سحر کرده، نمی توانیم واقعیت را درک کنیم. (1)

در باره آیه «لا تَمُدَّنَ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِلْمُؤْمِنینَ» (2)، {و به آنچه ما دسته هایی از آنان [=کافران] را بدان برخوردار ساخته ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر. }می نویسد: یعنی به این کفار که آنها را از انواع مختلف چهارپایان و اولاد و سایر زرق و برقهای دنیوی بهره مند کرده ایم چشم نداشته باش. بنا بر این معنی، «أَزْواجاً» در آیه بنا به حال بودن، منصوب است و منظور اشیاء و امثال است. بعضی آیه را چنین تفسیر نموده اند: در چشم تو جلوه نکند و خیره نشوی به آنچه ما به گروهی از مشرکین داده ایم و اندوهناک نباش بر آنها اگر ایمان نیاورند و عذاب بر آنها نازل شود «وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِلْمُؤْمِنِینَ» { و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر. } یعنی نسبت به مؤمنین متواضع باش. (3)

«کَما أَنْزَلْنا عَلَی الْمُقْتَسِمین» (4) ، { همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم کنندگان نازل کردیم } یعنی قرآن را بر تو نازل کردیم، چنانچه بر یهود و نصاری نازل کردیم؛ آنها که قرآن را تکه تکه نمودند، یعنی بعضی از آن را قبول کردند و برخی را نپذیرفتند. و بعضی نیز گفته اند آنها را مقتسم نامیده اند چون کتابهای آسمانی را تقسیم نمودند؛ به برخی از آنها ایمان آوردند و نسبت به بعضی دیگر کافر شدند.

ابن عباس گفته است: معنی آیه این است: من شما را از عذابی می ترسانم که بر مقتسمینی که در راه مکه بودند و مانع از ایمان آوردن مردم به پیامبر می شدند نازل کردیم. مقاتل می گوید، آنها شانزده نفر بودند که ولید بن مغیره آنها را مامور کرده بود بر سر راه حجاج و زائرین بیت الله بایستند و به آنها بگویند مبادا فریب این مردی که در میان ما مدعی نبوت شده را بخورید. خداوند بر آنها عذابی نازل کرد

1- . مجمع البیان 3: 508 - 509
2- . حجر / 88
3- . مجمع البیان 3: 531
4- . حجر / 90

که به بدترین صورت مردند. سپس آنها را به صفاتی که داشتند معرفی می کند: کسانی که قرآن را تکه تکه نمودند و گفتند سحر است، داستانهای گذشته است. و گفتند: قرآن به دروغ و افتراء به خدا نسبت داده شده است.(1)

«فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكينَ»(2) ، {پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب،} فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ یعنی اظهار کن و آشکارا بدون ترس به ماموریت خویش بپرداز «وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» یعنی تا وقتی که دستور جنگ با مشرکان را به تو بدهم، با مشرکان دشمنی نکن و توجهی به ایشان مکن و از آنها تا هنگام مرگ مترس «حَتَّی یَأْتِیَکَ الْیَقِینُ» {تا اینکه مرگ تو فرا رسد.}.(3)

در باره آیه «أَمْواتٌ غَیْرُ أَحْیاءٍ وَ ما یَشْعُرُونَ أَیَّانَ یُبْعَثُونَ»(4)، {مردگانند نه زندگان، و نمی دانند کی برانگیخته خواهند شد.} می نویسد: یعنی بت ها و کفار مردگانند «لا جَرَمَ» یعنی واقعاً و این کلمه به منزله قسم است. (5)

در باره آیه «أَوْ یَأْخُذَهُمْ فی تَقَلُّبِهِمْ فَما هُمْ بِمُعْجِزین»(6)، {یا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد، و کاری از دستشان برنیاید؟} یعنی در رفت و آمدهایی که در سفر و تجارت می کنند، دچار عذاب شوند. بعضی گفته اند، منظور این است که در تمام شب و روز و حتی از این پهلو به آن پهلوشدنشان در رختخواب، دچار عذاب می شوند «فَما هُمْ بِمُعْجِزِینَ» یعنی چنان نیست که از دست ما بگریزند و قدرتی بتواند جلوی عذابی را که خداوند برای آنها مقرر کرده، بگیرد.

در باره آیه «أَوْ یَأْخُذَهُمْ عَلی تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّکُمْ لَرَؤُفٌ رَحیمٌ»(7)، {یا آنان را در حالی که وحشت زده اند فرو گیرد؟ همانا پروردگار شما رؤوف و مهربان است.}

1- . مجمع البیان 3: 529 - 531
2- . حجر / 94
3- . مجمع البیان 3: 533 - 534
4- . نحل / 21
5- . مجمع البیان 3: 546 - 547

6- . نحل / 46
7- . نحل / 47

می نویسد: بیشتر مفسرین گفته اند، یعنی آنها را به وسیله نقص و کمبود یا به کشته شدن و یا به مرگ می گیریم؛ یعنی از دور و بر آنها کم می کنیم و یکی یکی آنها را می گیریم تا تمام آنها را هلاک نماییم.

گفته اند: یعنی در حال ترس ایشان از عذاب «یَتَفَیَّؤُا ظِلالُهُ» می فرماید: آیا آنچه خداوند آفریده را نمی بینند که سایه هایشان در حال سجده به چپ و راست می روند. و معنی سجده کردن سایه همان تمایل آن به چپ و راست است چنانچه قبلا گذشت. بعضی نیز گفته اند، منظور از سایه، خود شخص است نه سایه او و این نوع تعبیر در سخنان عرب نمونه زیاد دارد.

«وَ هُمْ داخِرُونَ» یعنی آنها کوچک و خوارند. خداوند در این آیه توجه می دهد که تمام اشیاء نسبت به او کوچک و خاضعند، به طوری که به خالق و مدبر خود نیازمندند. اشیاء نیز در این مورد، مانند همان بندگان در حال سجده هستند «وَ لَهُ الدِّینُ واصِباً» {و آیین پایدار [نیز] از آنِ اوست. }یعنی اطاعت از او پیوسته و برای همیشه لازم است. بعضی گفته اند یعنی به طور خالص.

«نَصِیباً مِمَّا رَزَقْناهُمْ» مقداری از روزی خود را به چیزهایی که نمی دانند اختصاص می دهند؛ منظور همان چیزهایی است که در سوره انعام گذشت که از زراعت ها و چهارپایان مقداری را اختصاص به خدایان خود می دهند «وَ لَهُمْ ما یَشْتَهُونَ» یعنی آنچه را دوست می دارند برای خود قرار می دهند (منظور پسرها است) «و دخترها را برای خداوند میدانند».

«وَ هُوَ کَظِیمٌ» یعنی از شنیدن تولد دختر غرق در خشم و اندوه می شود «أَ یُمْسِکُهُ عَلی هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُ فِی التُّرابِ» { از قبیله [خود] روی می پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ } این عمل از عادات زشت اعراب به شمار می رفت. هنگام زایمان گودالی کوچک می کند و اگر دختر متولد می شد او را درون همان گودال می انداخت و بر رویش خاک می ریخت تا زنده زنده بمیرد. این عمل را از ترس فقر و تنگدستی انجام می دادند.

«وَ یَجْعَلُونَ لِلَّهِ ما یَکْرَهُونَ» برای خدا دختران را که خودشان ناپسند می شمارند نسبت می دهند «أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنی» منظور این است که برای خودشان

خوبها را که پسرانند بر می گزینند. بعضی گفته اند، منظور این است که در آخرت پاداش نیکو را به خود اختصاص می دهند «وَ أَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ» یعنی آنها را به سرعت به طرف آتش جهنم می برند. (1)

در باره آیه « وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلى بَعْضٍ فِی الرِّزْقِ فَمَا الَّذينَ فُضِّلُوا بِرَادِّی رِزْقِهِمْ عَلى ما مَلَكَتْ أَيْمانُهُمْ فَهُمْ فيهِ سَواءٌ أَ فَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ »(2)، {و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است. و[لی] کسانی که فزونی یافته اند، روزیِ خود را به بندگان خود نمی دهند تا در آن با هم مساوی باشند. آیا باز نعمت خدا را انکار می کنند؟ }می نویسد: این آیه دو نوع تفسیر شده.

اول: عربها غلام و کنیز خود را در اموال و خانواده خود شریک نمی کردند تا با آنها مساوی باشند و این عمل را نقص می پنداشتند و نمی پسندیدند، با اینکه آنها بندگان مرا شریک در ملک و قدرت من می دانستند و عبادت و تقرب به آنها را لازم می شمردند، همان طوری که مرا نیز عبادت می کردند.

دوم: یعنی این مردمان آزاد که خداوند آنها را در روزی و مال دنیا برتری بخشیده، خرج بندگان خود را نمی دهند و روزی دهنده آنها نیستند بلکه خداوند به مالک و مملوک، هر دو روزی می بخشد؛ زیرا آنچه مالک به مملوک خود می دهد، از روزیای است که خداوند به او بخشیده، پس مالک و مملوک هر دو مساوی هستند.(3)

در باره « ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً عَبْداً مَمْلُوكاً لا يَقْدِرُ عَلى شَیْ ءٍ وَ مَنْ رَزَقْناهُ مِنَّا رِزْقاً حَسَناً فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَ جَهْراً هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ»،(4) {خدا مَثَلی می زند: بنده ای است زرخرید که هیچ کاری از او برنمی آید. آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزیِ نیکو داده ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می کند یکسان است؟ سپاس خدای راست. [نه،] بلکه بیشترشان نمی دانند. }می

1- . مجمع البیان 3: 561 – 569
2- . نحل / 71
3- . مجمع البیان 3: 575 - 576

4- . نحل / 75

نویسد: «وَ مَنْ رَزَقْناهُ مِنَّا رِزْقاً حَسَناً» یعنی شخص آزادی را که به او روزی بخشیدیم و نعمت و مال ارزانی داشتیم و او در پنهان و آشکارا انفاق می کند و از کسی باک ندارد «هَلْ یَسْتَوُونَ» یعنی دو نفر که از نظر خلقت با هم مساوی هستند، وقتی یکی قدرت داشته باشد و بتواند انفاق کند، با آن دیگری که قدرت انفاق ندارد مساوی نیستند، پس چگونه بین سنگ و بت هایی را که شعور ندارند و قدرت حرکت برایشان نیست، با خداوند عزیزی که قادر بر هر چیزی است و رازق تمام موجودات است مساوی میدانید؟.

بعضی گفته اند، این مثل در باره کافر و مؤمن است زیرا کافر هیچ خیر و بهره ای ندارد ولی مؤمن کسب خیر و پاداش می کند.

«وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً رَجُلَیْنِ أَحَدُهُما أَبْکَمُ لا یَقْدِرُ عَلی شَیْ ءٍ وَ هُوَ کَلٌّ عَلی مَوْلاهُ أَیْنَما یُوَجِّهْهُ لا یَأْتِ بِخَیْرٍ هَلْ یَسْتَوِی هُوَ وَ مَنْ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقیم»(1) ، {و خداً مثلی [دیگر] می زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او برنمی آید و او سربار خداوندگارش می باشد. هر جا که او را می فرستد خیری به همراه نمی آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟ }

در مورد این آیه نیز دو وجه نقل شده است: اول اینکه، آیه مَثَلی است برای دو نفر که یکی امید خیر از او هست و دیگری هیچ امیدی به او نیست؛ با اینکه اصل خیر از جانب خدا است، چگونه چنین کسی را که همه خیرها از جانب اوست و آن کس که هیچ امیدی از او در عبادت و ستایش نیست برابر میدانند؟.

دوم، ابن عباس می گوید: این آیه مثلی برای کافر و مؤمن است. لال کافر است، و آن کس که زبان گویا دارد و امر به عدالت می کند مؤمن است. این مطلب را عطاء گفته است. لال ابی بن خلف است و بنده ای که امر به عدالت می کند، حمزه و عثمان بن مظعون است.

1- . نحل / 76

بعضی گفته اند: لال هاشم بن عمرو بن حارث قریشی است که دشمن پیامبر صلی الله علیه و آله بود و مردی بخیل و بی فایده بود. (1)

و در باره آیه «وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذا عاهَدْتُمْ وَ لا تَنْقُضُوا الْأَيْمانَ بَعْدَ تَوْكِيدِها وَ قَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلاً إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ»(2) {و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده اید، زیرا خدا آنچه را انجام می دهید می داند.} می نویسد: این آیه در باره کسانی نازل شده است که با پیامبر اکرم به اسلام بیعت کردند. خداوند به مسلمانان می فرماید، مبادا کثرت مشرکین و تعداد زیاد آنها و قلت مسلمانان موجب شود که شما نقض پیمان کنید. خداوند نگهبان شما است و در پیمانی که بسته اید پایدار باشید.

بعضی گفته اند، این آیه در مورد گروهی نازل شد که با گروه دیگر هم قسم شده بودند. گروه دیگری پیش آنها آمده گفتند، ما از آنها که هم پیمان شما شده اند قوی تر و با شخصیت تریم، پیمان خود را با آنها بشکنید و با ما هم پیمان شوید.

«وَ لا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكاثاً تَتَّخِذُونَ أَيْمانَكُمْ دَخَلاً بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّما يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ ما كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ»(3)، {و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می گسست مباشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزونترند. جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می کردید، قطعاً برای شما توضیح خواهد داد.}یعنی مانند آن زن نباشید که نخ های خود را بعد از اینکه به هم پیوسته و رشته بود در هم پاشید. آن زنی احمق از قریش بود که تا نیمه روز با کنیزان خود نخ می رشت، بعد به آنها می گفت رشته های خود را

1- . مجمع البيان 3: 578
2- . نحل / 91
3- . نحل / 92

در هم بپاشید و همین کار را عادت خود قرار داده بود. او «ریطه» نام داشت و دختر عمرو بن کعب بود و به او خرماء مکه می گفتند.

«تَتَّخِذُونَ أَيْمانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ» ایمان خود را وسیله خیانت و دغلبازی قرار دهید «أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبى مِنْ أُمَّةٍ» به دلیل اینکه گروهی بر دیگران اکثریت دارند و یا از گروه دیگر برترند «فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِها» یعنی بعد از اینکه هدایت یافته اید، موجب انحراف شما می شود.(1)

در باره آیه «وَ إِذا بَدَّلْنا آيَةً مَكانَ آيَةٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما يُنَزِّلُ قالُوا إِنَّما أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يَعْلَمُونَ »(2) ،{و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم - و خدا به آنچه به تدریج نازل می کند داناتر است - می گویند: «جز این نیست که تو دروغ بافی.» [نه،] بلکه بیشتر آنان نمی دانند.}می نویسد: یعنی وقتی آیه ای را نسخ کنیم و آیه دیگر را جایگزین آن نماییم «قالُوا إِنَّما أَنْتَ مُفْتَرٍ». ابن عباس گفته است: مخالفین اسلام می گفتند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله یاران خود را به مسخره گرفته، امروز آنها را به کاری دستور می دهد، فردا باز به کار دیگری و به دروغ این کار را می کند و از خود می تراشد.

«وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّما يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ»(3)، {و نیک می دانیم که آنان می گویند: «جز این نیست که بشری به او می آموزد}.

ابن عباس می گوید: قریش مدعی بود که غلامی رومی و مسیحی به نام «بلعام» به پیامبر آموزش می دهد. ضحاک گفته است: منظور از آن شخص، سلمان فارسی است. می گفتند: پیامبر داستانها را از سلمان یاد می گرفت. مجاهد و قتاده گفته اند: منظور از آن شخص، غلامی رومی بود که به نام «یعیش» یا «عائش» که به بنی حضرم تعلق داشت و کتابی داشت. او مسلمان شد و اسلامی نیکو داشت.

عبد الله بن مسلم گفت: در جاهلیت دو غلام مسیحی از اهالی عین التمر به نام «یسار» و «جبیر» بودند که به شغل شمشیر سازی اشتغال داشتند و کتابی را به زبان

1- . مجمع البیان 3: 589 - 590

2- . نحل / 101
3- . نحل / 103

خود می خواندند. گاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار آنها رد می شد و خواندن ایشان را گوش می داد. گفتند پیامبر از این دو غلام یاد گرفته است. خداوند با این آیه دروغ آنها را فاش نمود و تکذیبشان کرده و این آیه را نازل کرد: «لِسانُ الَّذِی یُلْحِدُونَ إِلَیْهِ أَعْجَمِیٌ» یعنی زبانی که شما نسبت می دهید از آن آموخته است غیر عربی است و زبانی غیر فصیح می باشد «وَ هذا لِسانٌ عَرَبِیٌّ مُبِینٌ» یعنی جای هیچ شک و شبهه ای نیست! وقتی عرب از آوردن مثل قرآن عاجز و ناتوان باشند با اینکه به زبان آنها است، چگونه می توانند غیر عرب زبانان چنین بدو بیاموزند. (1)

در باره آیه «لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوماً مَخْذُولاً»(2)، { معبود دیگری با خدا قرار مده تا نکوهیده و وامانده بنشینی. } می نویسد: خطاب در این آیه به پیامبر است ولی منظور دیگران هستند تا در منع و زجر تاکید بیشتری داشته باشد « با خدا خدایان دیگری قرار نده». «مَدْحُوراً» یعنی از رحمت خدا فاصله خواهی گرفت. (3)

در باره آیه «قُلْ لَوْ کانَ مَعَهُ آلِهَهٌ کَما یَقُولُونَ إِذاً لاَبْتَغَوْا إِلی ذِی الْعَرْشِ سَبِیلا»(4)، {بگو: «اگر - چنانکه می گویند - با او خدایانی [دیگر] بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی [خداوند،] صاحب عرش، برمی آمدند.» }می نویسد: یعنی راهی را می جویند که آنها را به مالک عرش خدای بزرگ نزدیک کند چون از عظمت و جلالش اطلاع دارند.

اما بیشتر مفسران گفته اند، معنی آیه این است که راهی را می جویند که با خداوند مالک عرش به معارضه و مبارزه پردازند، زیرا دو شریک در خدایی از نظر ذات برابرند ولی یکی در طلب پیروزی بر دیگری است تا قدرت در اختیار او قرار گیرد؛ با این توجیه می توان آیه را دلیل بر عدم امکان بودن خدای دیگر دانست. (5)

1- . مجمع البیان 3: 595
2- . اسراء / 22
3- . مجمع البیان 3: 627
4- . اسراء / 42
5- . مجمع البیان 3: 643 - 644

در باره آیه «وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً»(1) ، {و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.} می نویسد: کلبی گفته است، منظور ابوسفیان و نضر بن حارث و ابو جهل و ام جمیل زن ابی لهب است که در موقع قرآن خواندن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، خداوند او را از دیدگان آنها پنهان می داشت. آنان از کنار پیامبر رد می شدند ولی او را نمی دیدند «حِجاباً مَسْتُوراً» یعنی پرده ای که بپوشانید. بعضی گفته اند، از چشمها مستور و پوشیده باشد که فقط از راه قدرت خدا امکان دارد.

طبرسی درباره آیه «وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً»(2)، {و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند.} می نویسد: یعنی وقتی خدا را به یگانگی بستایی و شرک را باطل نمایی «وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً» با تنفر تمام از تو فرار می کنند و فاصله می گیرند. منظور از آیه کفار قریش هستند. بعضی گفته اند منظور شیاطینند. و گفته شده، وقتی «بسم الله الرحمن الرحیم» را می شنوند فرار می کنند و برخی می گویند از شنیدن «لا اله الا الله» فرار می کنند.

«نَحْنُ أَعْلَمُ بِما یَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ یَسْتَمِعُونَ إِلَیْکَ وَ إِذْ هُمْ نَجْوی إِذْ یَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاَّ رَجُلاً مَسْحُورا»(3)، {هنگامی که به سوی تو گوش فرا می دارند ما بهتر می دانیم به چه [منظور] گوش می دهند، و [نیز] آنگاه که به نجوا می پردازند؛ وقتی که ستمگران گویند: «جز مردی افسون شده را پیروی نمی کنید.» }یعنی حال مشرکان و غرض آنها از گوش دادن به قرائت قرآن تو بر ما مخفی نیست «وَ إِذْ هُمْ نَجْوی» معنی آیه این است که ما می دانیم، آنها وقتی به قرآن خواندن تو گوش می دهند، بعد از اینکه از جای خود حرکت می کنند و می روند، با یکدیگر به نجوی

1- . اسراء / 45
2- . اسراء / 46
3- . اسراء / 47

و آهسته چه می گویند؟ برخی می گویند ساحر است و بعضی کاهن و گروهی مدعی می شوند شاعر است. گفته اند، منظور ابو جهل و زمعه بن اسود و عمرو بن هشام و خویطب بن عبد القری است که گرد هم جمع شده در باره پیامبر به مشورت پرداختند.

ابو جهل گفت دیوانه است. زمعه مدعی شد که شاعر است. خویطب گفت کاهن است. سپس پیش ولید بن مغیره آمده و نظرات خود را به او عرضه داشتند. او گفت ساحر است «إِذْ یَقُولُ الظّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلّا رَجُلاً مَسْحُوراً» ستمگران گفتند پیروی نمی کنید مگر مردی را که سحر در او اثر گذاشته. در ترجمه مسحور گفته اند، یعنی سحر او را به این حالت درآورده و بعضی گفته اند، مسحور کسی است که جن زده و گرفتار یک بیماری روانی باشد.

بعضی گفته اند، صاحب نظری که خدا او را به صورت بشر آفریده و نیز گفته اند، مسحور یعنی ساحر است مانند مستور به معنی ساتر. (1)

و در باره آیه «قُلِ ادْعُوا الَّذِینَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلا یَمْلِکُونَ کَشْفَ الضُّرِّ عَنْکُمْ وَ لا تَحْوِیلاً »(2) ،{ بگو: «کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید، بخوانید. [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند.} می نویسد: بگو خدایانی را که خیال می کنید شریک خدایند بخوانید و منظور ملائکه و مسیح و عزیر است. بعضی می گویند، منظور جن است زیرا گروهی از اعراب جن پرست بودند. ابن مسعود گفته است، جنیان ایمان آوردند ولی کفار به عبادت و پرستش جنیان ادامه می دادند.(3)

در باره آیه «وَ إِذْ قُلْنا لَکَ إِنَ رَبَّکَ أَحاطَ بِالنّاسِ وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْیَا الَّتی أَرَیْناکَ إِلاّ فِتْنَةً لِلنّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ وَ نُخَوِّفُهُمْ فَما یَزِیدُهُمْ إِلاّ طُغْیاناً کَبِیراً»(4)، {و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: «به راستی پروردگارت بر مردم

1- . مجمع البیان 3: 645 - 646

2- . اسراء / 56

3- . مجمع البیان 3: 651

4- . اسراء / 60

احاطه دارد.» و آن رؤیایی را که به تو نمایاندیم، و [نیز] آن درخت لعنت شده در قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم؛ و ما آنان را بیم می دهیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی افزاید.} می نویسد: یعنی خدا از حال مردم که گناه می کنند یا اطاعت اطلاع دارد «وَ ما جَعَلْنَا الرُّؤْیَا الَّتِی أَرَیْناکَ» در باره تفسیر آیه به اختلاف سخن گفته شده است.

بعضی گفته اند، منظور دیدن چشم است نه خواب دیدن و آن عجایبی است که با چشم در معراج مشاهده نمود.

نظر دوم این است که منظور رؤیا در خواب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موقعی که در مدینه بود، در خواب دید داخل مکه خواهد شد. به جانب مکه رهسپار شد ولی در حدیبیه مشرکان مانع ایشان از ورود به مکه شدند، و بعضی از مسلمانان در باره پیامبر

دچار شک شدند.

نظر سوم این است که منظور همان خوابی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دید که میمونهایی بر فراز منبر بالا می روند و پائین می آیند و خیلی ناراحت و غمگین شد. همین نظر از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام نقل شده است. بنا بر این تاویل شجره ملعونه بنی امیه هستند که خداوند به پیامبرش اطلاع می دهد آنها منصب و مقام او را خواهند گرفت و اولادش را می کشند.

بعضی گفته اند، منظور از شجره ملعونه، شجره زقوم است (که درختی در جهنم است) و این درخت را «فتنه» نامیده اند چون مشرکین مسخره می کردند و می گفتند، آتش درخت را می سوزاند، چگونه درون آتش درخت می روید !؟ ولی مؤمنین این مطلب را تصدیق کردند.(1)

در باره آیات «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً *أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّهٌ مِنْ نَخیلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجیراً *أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ کَما زَعَمْتَ عَلَیْنا کِسَفاً أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِکَهِ قَبیلاً *أَوْ یَکُونَ لَکَ بَیْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقی فِی السَّماءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِیِّکَ حَتَّی تُنَزِّلَ عَلَیْنا کِتاباً نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحانَ رَبِّی هَلْ کُنْتُ إِلاَّ بَشَراً رَسُولاً *وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ یُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدی إِلاَّ أَنْ قالُوا أَ بَعَثَ

1- . مجمع البيان 3: 654 - 655

اللَّهُ بَشَراً رَسُولاً * قُلْ لَوْ كانَ فِی الْأَرْضِ مَلائِکَهٌ یَمْشُونَ مُطْمَئِنِّینَ لَنَزَّلْنا عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَکاً رَسُولاً»(1) ، {و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی،یا چنانکه ادعا می کنی، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری،یا برای تو خانه ای از طلا[کاری] باشد، یا به آسمان بالا روی، و به بالا رفتن تو [هم] اطمینان نخواهیم داشت، تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم.»بگو: «پاک است پروردگار من، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم؟»و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت، آنگاه که هدایت برایشان آمد، جز اینکه گفتند: «آیا خدا بشری را به سِمَتِ رسول مبعوث کرده است؟»بگو: «اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می رفتند، البته بر آنان [نیز] فرشته ای را به عنوان پیامبر از آسمان نازل می کردیم.» } می نویسد: ابن عباس گفت، گروهی از قریش از قبیل عتبه و شیبه و پسران ربیعه و ابو سفیان و اسود بن مطلب و زمعه بن اسود و ولید بن مغیره، ابو جهل بن هشام، عبد الله بن امیه، امیه بن خلف و عاص بن وائل و نبیه و منبه دو فرزند حجاج و نضر بن حارث و ابو البختری پسر هشام در کنار کعبه اجتماع نموده، گفتند خوب است شخصی را از پی محمد بفرستیم تا او اینجا بیاید و ما با او رو در رو حرفهای خود را بزنیم. به آن جناب پیغام دادند که سران فامیلت در کنار کعبه اجتماع نمودهاند، خوب است آنجا بیایی، با تو کار دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خیال اینکه متمایل به اسلام شده اند بلافاصله آمد - چون علاقه شدیدی به مسلمان شدن آنها داشت - و در آن جمع نشست. گفتند یا محمد، ما از پی تو فرستاده ایم تا با تو استدلال کنیم و به صحبت پردازیم. ما کسی مانند تو را ندیدهایم که به فامیل خود زیان رسانده باشد! خدایان ما را دشنام می دهی و بر آئین و دین ما خرده می گیری و به ما سفاهت و نادانی نسبت می دهی و بین جمع ما جدایی انداخته ای؛ اگر واقعا این کارها را برای رسیدن به مال دنیا انجام می دهی ما حاضریم هر چه بخواهی در اختیارت بگذاریم، اگر طالب

1- . اسراء / 90- 95

ریاستی ما تو را رئیس و سرور خود می کنیم، اگر گرفتار بیماری شده ای ما برایت طبیب خواهیم آورد و معالجه ات می کنیم. فرمود: هیچ کدام از اینها نیست. خداوند مرا برانگیخته و پیامبرم نموده و به من کتاب داده است؛ اگر مرا به نبوت بپذیرید، در دنیا و آخرت بهره مند خواهید شد. اگر نپذیرفتید صبر می کنم تا خداوند بین من و شما حاکم شود.

گفتند، پس در این صورت، تو که میبینی ما چقدر از نظر موقعیت جغرافیایی در مضیقه هستیم، از خدایت بخواه این کوهها را از ما دور نماید و برای ما رودهایی مانند رودهای شام و عراق به وجود آورد و مردگان ما را زنده کند، مخصوصا قصی را که مردی راستگو است تا از او بپرسیم تو در ادعایت راست می گویی یا دروغ؟ پیامبر اکرم فرمود: برای انجام چنین درخواست هایی مبعوث نشده ام. گفتند، حالا که چنین کاری را نمی کنی از خدایت بخواه فرشته ای را بفرستد تا نبوت تو را گواهی نماید و برای ما باغستانها و گنجها و قصرهایی از طلا به وجود آورد. فرمود: برای چنین کارهایی نیز مبعوث نشده ام. من مامورم شما را راهنمایی کنم، اگر قبول کردید بهتر و اگر نپذیرفتید منتظر فرمان خدا می شوم. گفتند، پس آسمان را بر سر ما خراب کن. همان طور که مدعی هستی، اگر خدایت بخواهد می تواند چنین کند. فرمود: این کار در اختیار خداست اگر بخواهد انجام می دهد.

یکی از آنها گفت، ما به خدا ایمان نخواهیم آورد مگر اینکه خداوند با ملائکه در جلوی ما حاضر شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جای حرکت کرد، عبد الله بن امیه مخزومی پسر عمه اش نیز از جای حرکت نمود - او پسر عاتکه دختر عبد المطلب بود - عبد الله گفت یا محمد، آنچه خویشاوندانت پیشنهاد کردند نپذیرفتی. در مورد خودت نیز هر چه خواستند قبول نکردی. گفتند ما را دچار عذاب کن باز هم نکردی. به خدا قسم من به تو ایمان نمی آورم مگر اینکه به وسیله نردبانی به آسمان بالا روی، به طوری که تو را مشاهده کنم و بعد به همراه خود چند فرشته را بیاوری که گواه رسالتت باشند و با خود نامه ای در مورد نبوت تو بیاورند.

ص: 404

ابو جهل گفت، او جز ناسزا گفتن به خدایان ما و نسبتهای ناروا به اجدادمان کار دیگری نمی کند. من با خدا پیمان می بندم که هر وقت به سجده رفت، سنگی بزرگ را بلند کرده و بر سر او زنم.

پیامبر اکرم از آنها جدا شد و از برخوردی که آنها داشتند محزون گردید. خداوند این آیات را در همین مورد نازل فرمود.

«حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً» یعنی در سرزمین مکه برای ما چشمه ساری به وجود آوری که میان مکه جاری شود «أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ کَما زَعَمْتَ عَلَیْنا کِسَفاً» یا تکه های بر هم انباشته آسمان بر سر ما فرود آید و منظور از (کما زعمت) این است که: همان طور که مدعی هستی، آسمان شکاف خواهد خورد یا چنانچه ادعا می کنی پیامبرم و دارای معجزه هستم «أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِکَهِ قَبِیلًا» قبیل یعنی ضامن و کفیل گفته تو باشند. و گفته اند قبیل جمع قبیله است یعنی گروه گروه ملائکه بیایند.

بعضی گفته اند، قبیل یعنی در مقابل ما. این معنی شاهدی بر این است که مشرکان عرب علاوه بر کفر و شرک، مشبهه نیز بودند «أَوْ یَکُونَ لَکَ بَیْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ» یعنی یا خانه ای از طلا داشته باشی. بعضی گفته اند زخرف یعنی نقشها «أَوْ تَرْقی فِی السَّماءِ» یعنی به آسمان بالا روی «وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِیِّکَ حَتَّی تُنَزِّلَ عَلَیْنا کِتاباً نَقْرَؤُهُ» یعنی اگر این کار را هم بکنی ما پیامبری تو را نمی پذیریم مگر اینکه برای هر کدام از ما نامه ای از آسمان بیاوری که گواهی بر نبوت تو داده باشد و ما خود آن نامه را بخوانیم.

«قُلْ سُبْحانَ رَبِّی» بگو منزه است خدا از هر کار ناپسند. در این آیات جواب آنها چنین داده شده که معجزات را به انتخاب خودتان قرار داده اید با اینکه مربوط به خداست؛ او از تدبیر جهان مطلع است و می داند چه کار به مصلحت است. راهی برای شما متصور نیست که از من بخواهید. بعضی گفته اند او بزرگتر است از اینکه بندگانش برایش تکلیف تعیین کنند چون بندگان باید مطیع او باشند.

گفته اند: وقتی اعراب گفتند یا به آسمان بالا روی و خدا و ملائکه را بیاوری، از گفته آنها معلوم می شد که معتقد به جسم بودن خدایند، به همین جهت خداوند

می فرماید: «قُلْ سُبْحانَ رَبِّی» بگو خدا منزه است از اینکه دارای صفت اجسام باشد تا مشاهده شود و پایین بیاید.

بعضی نیز می گویند، خدا منزه است از اینکه معجزات را به درخواست اشخاصی بیاورد و تابع آنها باشد.

«هَلْ کُنْتُ إِلَّا بَشَراً رَسُولاً» یعنی این کارها از یک انسان ساخته نیست. من نمی توانم چنین کارهایی را انجام دهم «قُلْ لَوْ کانَ فِی الْأَرْضِ مَلائِکَهٌ یَمْشُونَ مُطْمَئِنِّینَ» بگو اگر در زمین ملائکه ای ساکن بودند و وطن گرفته بودند «لَنَزَّلْنا عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَکاً رَسُولاً» ما برای آنها فرشته ای را از آسمان به عنوان پیامبر می فرستادیم.

بعضی گفته اند، منظور از «مُطْمَئِنِّینَ» یعنی دل به دنیا و لذتهای آن بسته بودند و پیرو دینی نبودند. برخی چنین معنی کرده اند: اگر ساکنان زمین فرشته بودند ما پیامبری را از جنس فرشته برای آنها می فرستادیم تا بهتر بفهمند.

در مورد آیه چنین نیز توجیه کرده اند: اعراب می گفتند ما در جهان آسوده و راحت بودیم، محمد آمد و ما را به تشویش و اضطراب انداخت. خداوند می فرماید: اگر مانند فرشته هم آسوده و راحت بودید باز حکمت مقتضی بود که برایتان پیامبر بفرستد. پس انسان اگر آسوده و راحت باشد مانع از ارسال پیامبران نخواهد شد چرا که آنها از ملائکه نیاز بیشتری به پیامبر دارند.(1)

در باره آیه « قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِکُونَ خَزائِنَ رَحْمَهِ رَبِّی إِذاً لَأَمْسَکْتُمْ خَشْیَهَ الْإِنْفاقِ وَ کانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً »(2)، {بگو: «اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می ورزیدید، و انسان همواره بخیل است.»} می نویسد: «خَشْیَهَ الْإِنْفاقِ» یعنی از ترس فقر و گرفتاری «وَ کانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً» یعنی انسان بخیل است (3) «وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ» یعنی ما برایت کتابی نازل کردیم که آن را به صورت آیات و سوره هایی متفرق و جدا جدا نازل نموده ایم. یا منظور

1- . مجمع البیان 3: 679 - 680

2- . اسراء / 100
3- . مجمع البيان 3: 683

اینست که به وسیله آن حق را از باطل جدا کرده ایم. یا اینکه قسمتی از قرآن اخبار است و بعضی امر و برخی نهی و مقداری تهدید و برخی مژده. یا اینکه آن را به صورت متفرق نازل کردیم نه یک مرتبه، زیرا از ابتدا تا انتهای نزول قرآن بیست و چند سال طول کشید.

و درباره آیه «وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَی النّاسِ عَلی مُکْثٍ وَ نَزَّلْناهُ تَنْزِیلاً»(1)، {و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم.}می نویسد: یعنی تا به تدریج و با تأنی بر مردم بخوانی که بیشتر در دل آنها جایگیر شود.

گفته اند، یعنی جدا جدا و کم کم بر آنها بخوانی «وَ نَزَّلْناهُ تَنْزِیلاً» یعنی به تدریج به مناسبت احتیاجات و اتفاقات آن را نازل کردیم «قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لا تُؤْمِنُوا» بگو ایمان بیاورید یا نیاورید، این ایمان شما برای خودتان سودمند است و موجب نفع دیگری نخواهد شد؛ این آیه تهدیدی است برای آنها. «إِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ» یعنی کسانی که قبل از قرآن به آنها علم تورات داده شده مانند عبد الله بن سلام و دیگران. و بعضی گفته اند منظور دانشمندان اهل کتاب و دیگران هستند و بعضی نیز می گویند، منظور امّت حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

« إِذا یُتْلی عَلَیْهِمْ یَخِرُّونَ لِلْأَذْقانِ سُجَّداً »(2) { بگو: «[چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده کنان به روی درمی افتند.» } وقتی قرآن بر آنها خوانده می شود با چهره های خود بر زمین می افتند و سجده می کنند. اما اینکه چانه (ذقن) را اختصاص به ذکر داده، برای این است که وقتی انسان به سجده بیافتد، چانه او از همه جای بدن زودتر به زمین میرسد. (3)

در باره آیه «قَیِّماً» می نویسد: یعنی قرآن معتدل و مستقیم است و تناقضی در آن وجود ندارد. یا به معنی این است که اساس و پایگاهی است برای کتابهای

1- . اسراء / 106

2- . اسراء / 107
3- . مجمع البيان 3: 687 - 688

آسمانی گذشته که آنها را تصدیق می نماید و حفظ می کند و آلودگیها را از آن برطرف می نماید و قرآن ناسخ شرایع این کتابها است.

بعضی گفته اند، یعنی قرآن پایگاه امور دین است که لازم است در امور دین به آن مراجعه شود. بعضی «قیّما» را به معنی دائماً گرفته اند، یعنی نسخ نخواهد شد. «فَلَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ عَلی آثارِهِمْ» یعنی تو خود را می کشی، بر آنچه قوم تو گفتند که ما ایمان به تو نمی آوریم مگر اینکه برای ما چشمه ساری به وجود بیاوری، چون نسبت به پروردگارت سرپیچی کردند «إِنْ لَمْ یُؤْمِنُوا بِهذَا الْحَدِیثِ أَسَفاً» اگر ایمان به قرآن نیاورند، تو محزون و متأثر می شوی که (چرا) اعراض می کنند و دستورات تو را نمی پذیرند؟ بعضی گفته اند «علی آثارهم» یعنی بعد از مرگ آنها. (1)

در باره آیه « وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ یُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدی وَ یَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلاَّ أَنْ تَأْتِیَهُمْ سُنَّهُ الْأَوَّلِینَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذابُ قُبُلا»(2) ، {و چیزی مانع مردم نشد از اینکه وقتی هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند، و از پروردگارشان آمرزش بخواهند، جز اینکه [مستحق شوند] تا سنت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود، یا عذاب رویارویشان بیاید. } می نویسد: «إِلاَّ أَنْ تَأْتِیَهُمْ سُنَّهُ الْأَوَّلِینَ» یعنی جز اینکه می خواهند طبق گذشته دچار عذابی شوند که مستاصل و بیچاره گردند «أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذابُ قُبُلًا» یا عذابی بر آنها نازل شود که به چشم بینند. تاویل آیه چنین است که آنها از ایمان خودداری می کنند مگر دچار چنین عذابهایی شوند و به اجبار ایمان آورند. (3)

درباره آیه «أَ فَحَسِبَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَنْ یَتَّخِذُوا عِبادی مِنْ دُونی أَوْلِیاءَ إِنَّا أَعْتَدْنا جَهَنَّمَ لِلْکافِرِینَ نُزُلا»(4) ، {آیا کسانی که کفر ورزیده اند، پنداشته اند که [می توانند] به جای من، بندگانم را سرپرست بگیرند؟ ما جهنم را آماده کرده ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد. } مینویسد: یعنی کسانی که منکر یکتایی خدایند و بندگان مرا به عنوان

1- . مجمع البیان 3: 693 - 694
2- . کهف / 55
3- . مجمع البیان 3: 737
4- . کهف / 102

خدا پذیرفته اند (منظور عیسی مسیح و ملائکه هستند) گمان کرده اند من بر آنها خشم نمی گیرم و کیفرشان نمی کنم (1) «فَمَنْ کانَ یَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ» یعنی هر که آرزوی ثواب خدا را دارد.(2)

در باره آیه «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزابُ مِنْ بَیْنِهِمْ فَوَیْلٌ لِلَّذینَ کَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ یَوْمٍ عَظیمٍ»(3) ، {اما دسته ها[ی گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند، از مشاهده روزی دهشتناک.} می نویسد: یعنی گروههای مختلف از اهل کتاب در باره عیسی علیه السّلام اختلاف نمودند چنانچه قبلا ذکر شد.

در باره آیه «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لِلَّذینَ آمَنُوا أَیُّ الْفَریقَیْنِ خَیْرٌ مَقاماً وَ أَحْسَنُ نَدِیًّا»(4)، {و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده اند به آنان که ایمان آورده اند می گویند: «کدام یک از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است؟» } می نویسد: یعنی کافران به مؤمنان می گویند، کدام دسته از ما و شما دارای بهترین موقعیت و مقام و مجلس هستیم «أَحْسَنُ نَدِیًّا» به معنی «هُمْ أَحْسَنُ أَثاثاً وَ رِءْیاً» است.

ابن عباس می گوید، اثاث لوازم زندگی و زینت دنیا است (و الرئی) منظر و قیافه است. گفته اند آیه در مورد نضر بن حارث و دوستان اوست که مویهای خود را شانه می زدند و بهترین لباسهای خود را می پوشیدند و با ظاهر آراسته و قیافه ساخته و پرداخته خود بر اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله افتخار می نمودند «فَلْیَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمنُ مَدًّا» «فَلْیَمْدُدْ» فعل امری است که معنی آن خبری است، یعنی خداوند جزای او را چنین داده که در همان حال رهایش می کند. (5)

1- . مجمع البیان 3: 767
2- . مجمع البیان 3: 770
3- . مریم / 37
4- . مریم / 73
5- . مجمع البیان 3: 813

در باره آیه «أَ فَرَأَیْتَ الَّذی کَفَرَ بِآیاتِنا وَ قالَ لَأُوتَیَنَّ مالاً وَ وَلَداً»،(1) {آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت: «قطعاً به من مال و فرزند [بسیار] داده خواهد شد»؟} می نویسد: «أَ فَرَأَیْتَ» کلمه تعجب است و منظور از آیه عاص بن وائل است و بعضی می گویند: مقصود ولید بن مغیره است و بعضی نیز می گویند: عمومی است «وَ قالَ لَأُوتَیَنَّ مالاً وَ وَلَداً» که آنها از روی استهزاء می گفتند در بهشت به ما ثروت و فرزندانی خواهند داد. یا منظور این است که می گفتند اگر ما بر دین آباء و اجداد خود پایدار باشیم، به ما در دنیا ثروت و فرزند خواهد داد «وَ نَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذابِ مَدًّا» یعنی پیوسته او را در عذاب خواهم داشت «وَ نَرِثُهُ ما یَقُولُ» یعنی آنچه از مال و فرزند مدعی بود، در اختیار ما خواهد گذاشت. (2)

در باره آیه «لَقَدْ جِئْتُمْ شَیْئاً إِدًّا»(3)، {واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید. }می نویسد: مراد از «إِدًّا» امر عظیم است یعنی کار زشت بزرگی را انجام دادید. «تَکادُ السَّماواتُ یَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ» نزدیک بود آسمان از دروغی که شنید و حرف بزرگی که زدند شکافته شود «وَ تَخِرُّ الْجِبالُ هَدًّا» و کوهها فرو می ریزد و از هم بپاشد «هَدًّا» را بعضی به معنی هدم و ویرانی گرفته اند «وَ ما یَنْبَغِی لِلرَّحْمنِ أَنْ یَتَّخِذَ وَلَداً» شایسته نیست برای خدا که فرزند بگیرد و فرزند داشتن از صفات او نیست، چون کسی که فرزند دارد حادث و محتاج است.(4) «قَوْماً لُدًّا» یعنی گروهی که سخت به دشمنی پرداخته اند.(5)

در باره آیه «وَ کَذلِکَ أَنْزَلْناهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا وَ صَرَّفْنا فیهِ مِنَ الْوَعیدِ لَعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ أَوْ یُحْدِثُ لَهُمْ ذِکْراً »(6) ، {و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد. }می نویسد: یعنی قرآن برای آنها تجدید موعظه و

1- . مریم / 77
2- . مجمع البیان 3: 816 - 817
3- . مریم / 89
4- . مجمع البیان 3: 821
5- . مجمع البیان 3: 823
6- . طه / 113

پند نماید. گفته اند، منظور این است که قرآن به آنها به خاطر ایمان آوردنشان شخصیت داد. (1)

« فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ وَ لا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضى إِلَيْکَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنى عِلْماً »(2) ، {پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در [خواندن] قرآن، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.» } در باره این آیه چند وجه نقل شده است:

1. یعنی در تلاوت قرآن، پیش از اینکه جبرئیل ابلاغ وحی را تمام کند، عجله نکن، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جبرئیل تلاوت می کرد و از ترس فراموشی عجله داشت. و یعنی در باره آنچه به تو وحی می شود درست دقت کن تا جبرئیل از قرائت آن فارغ گردد و با او مخوان.

2. یعنی تا وقتی منظور آن را نفهمیدی، بر اصحاب خود آیات قرآن را مخوان و به آنها املاء نکن که بنویسند.

3. یعنی تقاضای وحی قرآن را پیش از وحی شدن آن نکن، زیرا خداوند آیات را در موقعی که مصلحت باشد و نیازی به وجود آید می فرستد. (3)

در باره آیه «وَ قالُوا لَوْ لا يَأْتِينا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَ وَ لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةُ ما فِی الصُّحُفِ الْأُولى»(4)، {و گفتند: «چرا از جانب پروردگارش معجزه ای برای ما نمی آورد؟» آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه های پیشین است برای آنان نیامده است؟ } یعنی آیا در قرآن اخبار امتهای گذشته که در کتابهای آسمانی پیش آمده است، توضیح داده نشده است؟ آن مردمی که ما آنها را هلاک کردیم، چون تقاضای معجزه می کردند و پس از آمدن معجزه نسبت به آن کفر ورزیدند «قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ» یعنی تمام ما در انتظار بمانیم، ما منتظر وعده خدا در باره شما هستیم و شما هم انتظار بلا و گرفتاری را برای ما دارید. (5)

1- . مجمع البیان 4: 51
2- . طه / 114
3- . مجمع البیان 4: 52

4- . طه / 133
5- . مجمع البيان 4: 60

در باره آیه «بَلْ قالُوا أَضْغاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَراهُ بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْيَأْتِنا بِآيَةٍ كَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ »(1)، {بلكه گفتند: «خوابهای شوريده است، [نه] بلكه آن را بربافته، بلكه او شاعری است. پس همان گونه كه برای پيشينيان هم عرضه شد، بايد برای ما نشانه ای بياورد.» }می نويسد: يعنی گفتند قرآن مجيد خواب و خيالهايی به هم بافته است.

«ما آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها أَ فَهُمْ يُؤْمِنُونَ»(2)، {قبل از آنان [نيز مردم] هيچ شهری - كه آن را نابود كرديم - [به آيات ما] ايمان نياوردند. } «أَ فَهُمْ يُؤْمِنُونَ» {پس آيا اينان [به معجزه] ايمان می آورند؟ }.

«فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ»(3) ،{اگر نمی دانيد از پژوهندگان كتابهای آسمانی بپرسيد. } علی عليه السّلام فرمود: ما اهل ذكر و اطلاع هستيم. بعضی گفته اند اهل ذكر يعنی يهوديان و مسيحيان و برخی نيز می گويند، كسانی كه از امم گذشته اطلاع دارند.

بعضی گفته اند مراد اهل قرآن است «فِيهِ ذِكْرُكُمْ» اگر به اين قرآن چنگ بزنيد شرف و شخصيت شما است، يا ذكر آنچه مورد احتياج شما از امر دينتان و دنيايتان است.(4)

بيضاوی در باره آيه «وَ ما خَلَقْنَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما لاعِبِين»(5)، {و آسمان و زمين و آنچه را كه ميان آن دو است به بازيچه نيافريديم. } می نويسد: همانا آسمان و زمين را با بدايع و عجايب فراوان آفريديم تا موجب بينش توجه كنندگان شود و خردمندان متوجه گردند «لَوْ أَرَدْنا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْواً» اگر می خواستيم بازيچه بسازيم «لَاتَّخَذْناهُ مِنْ لَدُنَّا» به قدرت خويش به وجود می آورديم يا از مجردات چيزهايی كه شايسته درگاه ما بود تهيه می كرديم نه اجسام و اجرام، چنانچه شما خود سقفهای بلند و فرش آراسته و زينتهای مرتب به كار می بريد، بعضی گفتهاند، «لهو» به زبان يمنی ها فرزند است. و نيز گفته اند، مراد از لهو همسر و زوجه است و

1- . انبياء / 5
2- . انبياء / 6
3- . انبياء / 7
4- . مجمع البيان 4: 63 - 65

5- . انبیاء / 16

این رد بر مسیحیان است «بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْباطِلِ» ما با واقعیتها باطل را از میان برمی داریم که لهو نیز یکی از آنها است «فَيَدْمَغُهُ» آن را نابود می کند.

«وَ مَنْ عِنْدَهُ» یعنی ملائکه ای که در نزد خدا هستند، مانند مقربین دربار سلاطین از عبادت امتناعی ندارند «وَ لا يَسْتَحْسِرُونَ» یعنی خسته نمی شوند. «أَ فَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخالِدُونَ» این آیه موقعی نازل شد که کفار گفتند، انتظار مرگ او را می کشیم «حَتَّى طالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ» وقتی عمرشان طولانی شد خیال کردند پیوسته خواهند بود و گمان می کردند به خاطر وضعی که دارند، طول عمر پیدا میکنند (این آیه نازل شد که می فرماید، آیا اگر تو مردی، آنها جاوید خواهند ماند؟).(1)

مرحوم طبرسی صاحب مجمع البیان در باره آیه «بَلْ مَتَّعْنا هؤُلاءِ وَ آباءَهُمْ حَتَّى طالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَ فَلا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُها مِنْ أَطْرافِها أَ فَهُمُ الْغالِبُونَ »(2) ، {[نه] بلکه اینها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید. آیا نمی بینند که ما می آییم و زمین را از جوانب آن فرو می کاهیم؟ آیا باز هم آنان پیروزند؟ }می نویسد: یعنی امر ما به زمین می رسد و از اطراف آن کم می کند. این کم شدن به معنی تخریب زمین و مرگ اهل زمین است. بعضی گفته اند به مرگ دانشمندان. این مطلب از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: نقصان زمین از بین رفتن دانشمندان است. گفته اند «نَنْقُصُها مِنْ أَطْرافِها» به وسیله ظهور پیامبر است که بر دشمنان خود پیروز می شود و سرزمین ها و قریه ها و قصبات آنها را متصرف می شود.(3)

و در باره آیه «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ»(4) ، {و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.} می نویسد: منظور از زبور کتب انبیاء است و ذکر لوح محفوظ است.

ص: 413

1- . تفسیر بیضاوی: 108 - 115
2- . انبیاء / 44
3- . مجمع البیان 3: 461
4- . انبیاء / 105

بعضی گفته اند، زبور کتب آسمانی بعد از تورات است و ذکر، تورات است. و گفته اند زبور همان زبور داود است و مراد از ذکر تورات است.

«أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُونَ» یعنی سرزمین بهشت به بندگان مطیع خدا به ارث می رسد. گفته اند منظور همان سرزمین معروفی است که امت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله فتوحات به دست می آورند.

حضرت باقر علیه السّلام می فرماید: آنها اصحاب حضرت مهدی عجل الله فرجه در آخر الزمان هستند.

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُکُمْ عَلی سَواءٍ وَ إِنْ أَدْری أَ قَریبٌ أَمْ بَعیدٌ ما تُوعَدُونَ»(1)، { پس اگر روی برتافتند بگو: «به [همه] شما به طور یکسان اعلام کردم، و نمی دانم آنچه وعده داده شده اید آیا نزدیک است یا دور.» }«وَ إِنْ أَدْری لَعَلَّهُ فِتْنَهٌ لَکُمْ وَ مَتاعٌ إِلی حینٍ»(2) ، {و نمی دانم، شاید آن برای شما آزمایشی و تا چندگاهی [وسیله] برخورداری باشد. }

«فَقُلْ آذَنْتُکُمْ عَلی سَواءٍ» یعنی به شما جنگ را اعلان می کنم و اطلاع می دهم به طوری که ما و شما در آن اطلاع مساوی هستیم. یا منظور این است که ما و شما در اجازه جنگ برابریم و نمیگویم که حق با کدام دسته است و با که نیست. «وَ إِنْ أَدْرِی أَ قَرِیبٌ أَمْ بَعِیدٌ ما تُوعَدُونَ» نمی دانم قیامت (یا اجازه جنگ) دور یا نزدیک است «وَ إِنْ أَدْرِی لَعَلَّهُ فِتْنَهٌ» یعنی نمی دانم، شاید آنچه را به شما اطلاع دادم آزمایش و امتحانی برای شما باشد. و یا شاید دنیا آزمایشگاه شما است. یا شاید تاخیر عذاب یک گرفتاری و آزمایش برای شما باشد تا از کارهایی که کردید برگردید «وَ مَتاعٌ إِلی حِینٍ» یعنی از آن تا هنگام مرگتان بهره مند شوید (3).

در باره آیه شریفه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّبِعُ کُلَّ شَیْطانٍ مَرِیدٍ»،(4) {و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می کنند و از هر

1- . انبیاء / 109
2- . انبیاء / 111
3- . مجمع البیان 4: 105 - 108

4- . حج / 3

شیطان سرکشی پیروی می نمایند.} می نویسد: گفته شده منظور نضر بن حارث است و منظور از شیطان، شیطان انسانی است زیرا او از ملتهای غیر عرب و یهودیان چیزهایی می آموخت تا مسلمانان را مورد سرزنش و طعنه قرار دهد. (1)

در مورد آیه «ثانِیَ عِطْفِهِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ لَهُ فِی الدُّنْیا خِزْیٌ وَ نُذیقُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ عَذابَ الْحَریقِ» (2)، {[آن هم] از سرِ نخوت، تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. در این دنیا برای او رسوایی است، و در روز رستاخیز او را عذاب آتش سوزان می چشانیم.} یعنی در نفس خود متکبر است. وقتی کسی تکبر و خودخواهی بورزد عربها می گویند «ثنی فلان عطفه» و همچنین عربها می گویند: «عطفا الرجل» یعنی دو طرف شخص.

بعضی گفته، یعنی گردنش را از روی تکبر و خودخواهی کج می کند.

«وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَعْبُدُ اللَّهَ عَلی حَرْفٍ» گروهی از مردم خدا را با ضعف و سستی عبادت می کنند مانند ضعف و ناتوانی کسی که کنار پرتگاه کوهی ایستاده. برخی گفته اند، یعنی با شک عبادت می کند. و نیز گفته اند: خدا را به زبان عبادت می کنند نه با قلب.

گفته اند، این آیه در باره گروهی نازل شد که به مدینه خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می آمدند. بعضی از آنها اگر تندرست و سالم بود و اسبش می زائید و زنش پسر برای او می آورد و چهارپایانش افزون می گردید، خوشحال بود و آرامش خاطر داشت «وَ إِنْ أَصابَتْهُ فِتْنَهٌ» اما اگر با قحط سالی و یا کمبود مال دچار آزمایشی می گردید «انْقَلَبَ عَلی وَجْهِهِ» از دین خود بر می گشت و کافر می شد. (3)

بیضاوی در باره آیه «مَنْ کانَ یَظُنُّ أَنْ لَنْ یَنْصُرَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فَلْیَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَی السَّماءِ ثُمَّ لْیَقْطَعْ فَلْیَنْظُرْ هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ ما یَغیظُ» (4)، {هر که می پندارد که

1- . مجمع البیان 4: 113

2- . حج / 9

3- . مجمع البیان 4: 119 - 120

-4 . حج / 15

خدا [پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا طنابی به سوی سقف کشد [و خود را حلق آویز کند] سپس [آن را] بِبُرَد. آنگاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد؟ }می نویسد: منظور این است که خداوند پیامبرش را در دنیا و آخرت یاری می کند، کسی که احتمال دیگری بدهد و یا انتظار خلاف آن را داشته باشد، از کینه و دشمنی اوست. گفته اند منظور از نصر و یاری دادن، روزی و رزق است و ضمیر «يَنْصُرَهُ» به من برمی گردد.

«فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّماءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ» یعنی سعی و کوشش نماید که خشم و کینه خود را از میان بردارد، همان طور که هر شخص خشمگینی انجام می دهد، تا آنجا که ریسمانی به سقف خانه خود بیاویزد و خود را به دار بیاویزد.

گفته اند منظور این است که ریسمانی به آسمان بر افرازد و بالا رود تا بر فراز آسمان برسد و آنگاه کوشش کند و نگذارد خدا پیامبرش را یاری کند و یا روزی به او برساند «فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ ما يَغِيظُ».

(چنین کسی) با خود بیندیشد، آیا حیله و نیرنگش موجب از بین رفتن خشم او می شود؟ یا منظور این است که باعث از بین رفتن خشمی که از یاری کردن خدا برایش به وجود می آید می شود.

و گفته اند این آیه در باره گروهی از مسلمانان است که بر مشرکین شدیدا خشمگین بودند و یاری و کمک خداوند را دیر میدانستند و گمان می کردند که خداوند فوراً آنها را یاری نمی کند.(1)

«يَكادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آياتِنا» یعنی وقتی آیات قرآن را بر کافران می خوانند، نزدیک است از ناراحتی بر کسی که آیات را می خواند حمله کنند.

«ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ» خداوند مثال می زند: بتهایی را که می پرستید قدرت به وجود آوردن یک مگس را ندارند. اگر مگس از آنها چیزی برباید نمی توانند از او پس بگیرند. و سپس می فرماید: «ضَعُفَ الطَّالِبُ وَ الْمَطْلُوبُ» یعنی هم بت پرست و هم بت هر دو ضعیف هستند. یا مگسی که از بت چیزی می رباید و بتی که از او چیزی را که ربوده می خواهد. یا از منظور بت و مگس مثل این است که بت

1- . تفسير بيضاوى 3: 136 – 137

در جستجوی مگس است تا از او آنچه ربوده بگیرد، اگر درست دقت کنی خواهی دید که بت از او بسیار ناتوان تر است.

«ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» یعنی به واقع خدا را نشناخته اند.(1)

«فَذَرْهُمْ فِی غَمْرَتِهِمْ» یعنی آنها را فرو گذار در جهالت خویش. جهل و نادانی آنها را به آبی تشبیه نموده که قامت را فرا می گیرد زیرا آنها در گرداب جهل فرو رفته اند یا به بازی مشغولند «حَتَّی حِینٍ» یعنی تا زمانی که کشته شوند یا بمیرند.

«أَ یَحْسَبُونَ أَنَّما نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مالٍ وَ بَنِینَ» خیال می کنند کمک های مالی و خانوادگی (کثرت فرزند) که به آنها می کنیم «نُسارِعُ لَهُمْ فِی الْخَیْراتِ» به نفع آنها است و ما در خیر و نیکی آنها گام برداشته ایم «بَلْ لا یَشْعُرُونَ» نمی دانند که این یک تمکن و قدرتی است تا هر چه مایلند انجام دهند «وَ لَدَیْنا کِتابٌ» ما نوشته ای از اعمال آنها داریم، منظور لوح یا نامه عمل است، «بَلْ قُلُوبُهُمْ فِی غَمْرَةٍ» دلهای آنها از وضع این چنین مردم یا از توجه به نامه اعمال غافل است «وَ لَهُمْ أَعْمالٌ مِنْ دُونِ ذلِکَ» آنها دارای اعمالی بدتر از این هستند که عادت خویش قرار داده اند.

«حَتَّی إِذا أَخَذْنا مُتْرَفِیهِمْ» تا بالاخره اشخاص سرمایه داری را که ستمگرند عذاب خواهیم کرد. منظور کشته شدن در جنگ بدر است، یا مبتلا به گرسنگی شدن پس از نفرین پیامبر صلی الله علیه و آله که گفت: «اللهم اشدد وطأتک علی مضر و اجعلها علیهم سنین کسنی یوسف»

خدایا بر قبیله مضر سخت بگیر و آنها را گرفتار سالهای قحط مشابه زمان یوسف بگردان. چنان دچار قحط سالی شدند که سگ و مردار و استخوانهای سوخته را می خوردند «إِذا هُمْ یَجْأَرُونَ» شروع به ناله و فریاد کردند «لا تَجْأَرُوا الْیَوْمَ فَکُنْتُمْ عَلی أَعْقابِکُمْ تَنْکِصُونَ» بی فایده ناله و فریاد نزنید، بازگشت به قهقرا نموده اید «مُسْتَکْبِرِینَ بِهِ» به واسطه پرده داری و عهده داری کارهای خانه خدا به خود می بالید «سامِراً تَهْجُرُونَ» در باره قرآن یاوه سرایی می کنید و نسبتهای بی ربط می دهید؛ یعنی از آن اعراض کرده و در مورد آن حرفهای ناشایست می زنید. ممکن است از (هجر) بضم ها به معنی فحش و ناسزا گرفته شده باشد.

1- . تفسیر بیضاوی 3: 154 - 155

«أَ فَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ» یعنی در باره قرآن نمی اندیشید تا بفهمید که آن حقیقتی است «أَمْ جاءَهُمْ ما لَمْ يَأْتِ آباءَهُمُ الْأَوَّلِينَ» یا اینها دارای پیامبران و کتابهای مخصوصی هستند که برای پدرانشان نیامده. و یا منظور این است، به آنها اطمینانی داده شد که ترس از عذاب ندارند، چنانچه گذشتگان ایشان می ترسیدند.

«وَ لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْواءَهُمْ» اگر آنچه می گویند صحیح باشد و جهان را چند خدا باشد «لَفَسَدَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَ» تعدد خدایان موجب تباهی آسمانها و زمین و مردم می شود. چنانچه در آیه دیگر می فرماید «لَوْ كانَ فِيهِما آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتا».

بعضی گفته اند، یعنی اگر واقعیت تغییر کند و مطابق نظر آنها شود، آنچه موجب پایداری جهان است نابود می شود. یا اگر آنچه محمد صلی الله علیه و آله آورده برگردد و مشرک شود، خداوند قیامت را بر پا خواهد داشت و عالم را از خشم تباه می کند. یا اگر خداوند تابع هوای نفس آنها شود و آنچه از شرک و باطل مایلند بفرستد، از خدایی خارج خواهد شد و قادر به نگهداری آسمان و زمین نیست.

«أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجاً» یعنی: یا از آنها تقاضای کمک مالی می کنی «فَخَراجُ رَبِّكَ خَيْرٌ» رزق و توشه پروردگارت در دنیا و ثوابش در آخرت بهتر است، چون دوام و گسترش دارد.

«وَ لَوْ رَحِمْناهُمْ وَ كَشَفْنا ما بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ» اگر به آنها رحم کنیم و قحط سالی را برداریم.

روایت شده است که اعراب گرفتار قحط شدیدی شدند، به طوری که گوشت میمونهای بزرگ یا غذای تهیه شده از خون و پشم (علهز) را می خوردند

ابو سفیان خدمت پیامبر آمده گفت، تو را به ارتباط خویشاوندی سوگند می دهم، مگر مدعی نیستی که رحمت برای جهانیانی، پدران را با شمشیر کشتی اینک فرزندان را گرفتار گرسنگی کرده ای. این آیه نازل شد: «وَ لَقَدْ أَخَذْناهُمْ بِالْعَذابِ» آنها را دچار عذاب کشته شدن کردیم باز دست نکشیدند تا بالاخره دری دیگر از عذاب شدید بر آنها گشودیم؛ همان گرسنگی که از کشته شدن و اسارت

بدتر است «إِذا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ» دیگر متحیر و سرگردان شدند و پیش تو آمده تقاضای لطف و محبت کردند «قُلْ مَنْ بِیَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَیْ ءٍ» بگو، ملکوت هر چیزی در اختیار چه کسی است؟ یعنی قدرت نهایی بر انجام هر کار. یا منظور از «مَلَكُوتُ كُلِّ شَیْ ءٍ» خزینه و انبار هر چیز است «وَ هُوَ يُجِيرُ» او به فریاد هر کس که بخواهد می رسد «وَ لا يُجارُ عَلَيْهِ» ولی کسی نمی تواند مانع او بشود و هر کس را او بخواهد گرفتار کند، کسی نمی تواند به فریادش برسد.

«إِذاً لَذَهَبَ كُلُّ إِلهٍ بِما خَلَقَ» یعنی اگر در آسمانها خدایان دیگری با خدای جهان آفرین وجود داشت، هر کدام آنچه آفریده بودند جدا می کردند و در اختیار خویش می گرفتند و بین آنها جنگ و جدال واقع می شد چنانچه بین فرمانروایان و پادشاهان جهان اتفاق می افتد، در آن صورت ملکوت اشیاء در اختیار خدا نبود. چون چنین نیست و جنگ و جدالی در جهان به وجود نیامده، پس خدا یکتا است و از روی اجماع و استقراء لازم باطل شد، در نتیجه ثابت می شود که مدار جهان در دست قدرت خدای یکتا است.(1)

مرحوم طبرسی در تفسیر آیه «وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ وَ ما أُولئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ»(2)، { و می گویند: «به خدا و پیامبر [او] گرویدیم و اطاعت کردیم.» آنگاه دسته ای از ایشان پس از این [اقرار] روی برمی گردانند، و آنان مؤمن نیستند. }می نویسد: گفته اند این آیه در باره مردی از منافقین نازل شد که بین او و مردی یهودی اختلافی بود. یهودی او را دعوت کرد که برای قضاوت خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بروند، ولی منافق می گفت پیش کعب بن اشرف برویم.

بلخی می نویسد که اختلاف بین علی علیه السّلام و عثمان بود، در مورد زمینی که او از علی علیه السّلام خریده بود و زمین پر سنگ بود، عثمان می خواست آن را با ادعای عیب برگرداند، اما علی علیه السّلام باز پس نمی گرفت و گفت، بین من و تو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاکم باشد. حکم بن ابی العاص به عثمان

1- . تفسیر بیضاوی 3: 171 - 178
2- . نور / 47

گفت، اگر حاکم بین شما پسر عموی علی باشد به نفع او حکم خواهد کرد. این آیات در همین باره نازل شده است. همین روایت از حضرت باقر علیه السّلام نقل شده و قریب به این مضمون است: «وَ إِنْ یَکُنْ لَهُمُ الْحَقُّ» یعنی اگر بدانند به نفع آنها حکم می شود «یَأْتُوا إِلَیْهِ» در حالی که معترفند و مطیع، سریعاً پیش پیامبر صلی الله علیه و آله می روند «أَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» یعنی آیا در دل آنها راجع به نبوت تو تردید است و منافقند؟ «أَمِ ارْتابُوا» فی عدلک، یعنی از تو چیزی دیده اند که آنها را در باره تو مشکوک نموده است.(1)

و در باره آیه «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَیَخْرُجُنَّ قُلْ لا تُقْسِمُوا طاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِما تَعْمَلُون»،(2) {و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، بی شک [برای جهاد] بیرون خواهند آمد. بگو: «سوگند مخورید. اطاعتی پسندیده [بهتر است] که خدا به آنچه می کنید داناست.» } می نویسد: وقتی خداوند آشکار نمود که آنها از قضاوت پیامبر ناراضی هستند، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند، به خدا سوگند اگر به ما امر کنی از خانه و زندگیمان دست برداریم و از اینجا برویم، خواهیم رفت. این آیات نازل شد که معنی آنها این است:

«قُلْ لا تُقْسِمُوا» بگو قسم نخورید و سخن را چنین پایان داد که اطاعت درست از پیامبر بدون غل و غش، بهتر از قسم خوردن است. بعضی گفته اند، معنی این است که: باید اطاعت کنید «فَإِنَّما عَلَیْهِ ما حُمِّلَ» آنچه (به آن) مکلف و مامور شده است، نتیجه اش برای خود اوست. (3)

در باره آیه «وَ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا إِنْ هَذا إِلاَّ إِفْکٌ افْتَراهُ وَ أَعانَهُ عَلَیْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جاؤُ ظُلْماً وَ زُوراً»، {و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «این [کتاب] جز دروغی که آن را بربافته [چیزی] نیست، و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده اند.» و قطعاً [با چنین نسبتی] ظلم و بهتانی به پیش آوردند. }می نویسد: گفتند، محمد را بر

1- . مجمع البیان 4: 236

2- . نور / 53

3- . مجمع البیان 4: 238

(آوردن)این قرآن، «عداس» غلام حویطب بن عبد العزی و یسار غلام علاء بن حضرمی و «حبر» غلام عامر کمک کردند، آنها جزو اهل کتاب بودند. گفته شده که گروهی از یهودیان به او کمک کردند «فَقَدْ جاؤُ ظُلْماً وَ زُوراً» یعنی دروغ بستند و مشرک شدند. و به همین مقدار در جواب آنها اکتفا نموده چون قبلا آنها را به مبارزه دعوت نموده بود ولی از مبارزه عاجز شده بودند و نتوانستند شبیه قرآن بیاورند. «وَ قالُوا أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ» گفتند اینها داستانها و قصه های پیشینیان است و آنچه را آنها در کتابهایشان نوشته اند، او نسخه برداری نموده است.(1)

بعضی گفته اند، از آنها خواسته که برایش بنویسند. صبح و شام برایش خوانده اند تا حفظ کرده و نسخه برداری نموده است.

بیضاوی در باره آیه «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِی یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ کانَ غَفُوراً رَحِیماً »(2)، { بگو: «آن را کسی نازل ساخته است که رازِ نهانها را در آسمانها و زمین می داند، و هموست که همواره آمرزنده مهربان است.» } می نویسد: قرآن با فصاحت خود همه آنها را عاجز نمود و شامل اخبار غیبی نسبت به آینده و اسراری بود که جز خدا که عالم بر اسرار است کسی اطلاع نداشت، پس چگونه آن را داستان می دانند؟ «وَ قالُوا ما لِهذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعامَ» (میگفتند) این چگونه پیامبری است که مثل ما می خورد و در بازارها برای احتیاجات زندگی راه می رود؟ این تصور آنها به واسطه جهل و بینش مادیگرایی آنها بود زیرا پیامبران از دیگران با مشخصات جسمی ممتاز نمی گردند بلکه شخصیت پیامبران در خصائص روحی آنها است.(3)

در باره آیه «وَ ما أَرْسَلْنا قَبْلَکَ مِنَ الْمُرْسَلینَ إِلاَّ إِنَّهُمْ لَیَأْکُلُونَ الطَّعامَ وَ یَمْشُونَ فِی الْأَسْواقِ وَ جَعَلْنا بَعْضَکُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَ تَصْبِرُونَ وَ کانَ رَبُّکَ بَصیراً»(4) ، { و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می خوردند و در بازارها راه

-1 . مجمع البیان 4: 253
-2 . فرقان / 6
-3 . تفسیر بیضاوی 3: 217
-4 . فرقان / 20

می رفتند، و برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست.} می نویسد: یعنی بعضی را موجب آزمایش بعض دیگر قرار دادیم، مانند فقراء که موجب آزمایش اغنیاء هستند و پیامبران که مردم را با آنها آزمایش می کند «أَ تَصْبِرُونَ» یعنی بعضی را سبب آزمایش بعض دیگر قرار دادیم تا ببینیم صبر می کنید و پایدار هستید؟. (1)

در باره آیه «وَ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَیْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً واحِدَةً کَذلِکَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤادَکَ وَ رَتَّلْناهُ تَرْتیلاً»(2) ، { و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم.} می نویسد: یعنی ما این چنین قرآن را قسمت به قسمت نازل کردیم تا با جدا نمودن آیات از یکدیگر، در حفظ و درک قرآن، موجب تقویت قلب تو شویم؛ زیرا پیامبر ما با موسی و داود و عیسی فرق داشت. پیامبر ما مکتب نرفته بود ولی آنها خط می نوشتند. اگر یک باره قرآن را نازل می کرد، حفظ کردن آن دشوار بود و ضمنا نزول تدریجی قرآن موجب بصیرت و دقت بیشتری در معنی آن می شد و هم اینکه در هر مرتبه که مقداری نازل می شد، با اینکه دعوت به مبارزه و آوردن شبیه خود نموده بود و آنها از آوردن شبیه تمام قسمتهای تدریجی آن عاجز بودند، بیشتر موجب تقویت دل پیامبر بود. پس نزول تدریجی آیات قرآن توسط جبرئیل، سبب دیگری برای تقویت او بود. او هم ناسخ و هم منسوخ را می دانست و انضمام قرائن حالیه به معانی الفاظ، بیشتر موجب بلاغت قرآن می شد «وَ رَتَّلْناهُ تَرْتِیلًا» یعنی قرآن را برای تو تدریجا در طول بیست سال یا بیست و سه سال فرستادیم «وَ لا یَأْتُونَکَ بِمَثَلٍ» یعنی هر سؤال عجیبی که آنها از تو می کردند، جوابی عالی برای آن به تو نازل کردیم و توضیحی نیکوتر از سؤال آنها می دادیم. یا منظور از آیه این است که هر چه آنها اعتراض

1- . تفسیر بیضاوی 3: 221
2- . فرقان / 32

می کردند که چرا این پیامبر چنین و چنان نیست، ما آن وضعی را که شایسته نبوت تو بود به تو عنایت می کردیم تا بهتر معلوم شود علت بعثت تو چیست؟(1)

و بیضاوی در باره آیه «وَ يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا يَنْفَعُهُمْ وَ لا يَضُرُّهُمْ وَ كانَ الْكافِرُ عَلى رَبِّهِ ظَهِيرا»(2)، {و غیر از خدا چیزی را می پرستند که نه سودشان می دهد و نه زیانشان می رساند؛ و کافر همواره در برابر پروردگار خود همپشت [شیطان] است.} می نویسد: یعنی کافر با عداوت و کفر خود پشتیبان شیطان است «إِلَّا مَنْ شاءَ» یعنی اجر رسالت این است که هر کسی (که بخواهد) راه خدا را در پیش بگیرد. و منظور از رسالت نیز هدایت امت در راه خداست. پس این قسم از اجر و مزد را استثناء نموده است تا ثابت کند هیچ گونه طمعی در مزد رسالت ندارد و فقط دلش بر امت می سوزد چرا که سود امت را در ثواب آخرت میداند و رهایی از عذاب آخرت را اجر رسالت می شمارد و این را اجر کامل و مورد توجه پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می کند.

بعضی گفته اند آیه استثناء منقطع است، یعنی هر کسی مایل است راه خدا را در پیش بگیرد بیاید. (3)

بیضاوی در باره آیه «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِين»(4) ، { اگر بخواهیم، معجزه ای از آسمان بر آنان فرود می آوریم، تا در برابر آن، گردنهایشان خاضع گردد.} می نویسد: یعنی آنچنان نشانه ای از آسمان برای آنها می فرستادیم که مجبور به ایمان شوند. یا بلایی که آنها را به ایمان وادارد «فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ» گردنها از کوچکی و خضوع به زیر می افتد. گفته اند چون گردنها متصف به صفات انسان (یعنی خضوع) شده، به همین جهت جایگزین صاحبان عقل شده اند (و گر نه گردن که خضوع ندارد).

1- . تفسیر بیضاوی 3: 225 - 226
2- . فرقان / 55
3- . تفسیر بیضاوی 3: 233 - 234
4- . شعراء / 4

بعضى نيز گفته اند، مراد گردنكشان و سران جماعت و قبائلند. «مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» يعنى از هر صنف و نوع پر منفعت.(1)

در باره آيه «وَ إِنَّهُ لَفى زُبُرِ الْأَوَّلين»(2) ،{ و [وصفِ] آن در كتابهاى پيشينيان آمده است.} مى نويسد: يعنى ياد او و ذكرش و يا معنى آن در كتب پيشينيان است «أَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً» يعنى آيا آنها را نشانه و دليلى بر حجت قرآن يا نبوت حضرت محمد صلى الله عليه و آله نيست «أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَماءُ بَنِى إِسْرائِيلَ» تا پيامبر را با صفاتى كه در كتابهايشان ذكر شده بشناسند «وَ لَوْ نَزَّلْناهُ عَلى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ» كه اين نزول قرآن بر غير عرب زبان، بيشتر موجب اعجاز بود. و يا منظور اين است كه اگر قرآن را به زبان غير عربى نازل مى كرديم «فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ ما كانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ» بيشتر دشمنى مى ورزيدند و سركشى ميكردند، زيرا نميفهميدند و از پيروى عجم تنفر داشتند «كَذلِكَ سَلَكْناهُ» يعنى قرآن را چنين داخل كرديم.

«وَ ما تَنَزَّلَتْ بِهِ» يعنى هرگز شياطين قرآن را بر او نازل نكرده اند چنانچه شما مدعى هستيد «وَ ما يَنْبَغِى لَهُمْ» آنها نمى توانند چنين كارى بكنند و قدرت ندارند، آنها نمى توانند استماع وحى بكنند چون به وسيله تير شهاب رانده مى شوند.(3) «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» منظور اين است كه هر چه به پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نزديكتر باشند، انذار آنها اهميت بيشترى دارد. روايت شده است، وقتى اين آيه نازل شد. پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله بر فراز كوه صفا رفت و آنها را يكايك صدا زد تا جمع شدند، آنگاه فرمود: اگر به شما اطلاع دهم كه دامنه اين كوه را سپاهى گران پر كرده، شما گفتار مرا تصديق مى كنيد و سخنم را مى پذيريد؟ گفتند آرى.

فرمود: اينك شما را از عذاب شديدى كه در انتظار شما است مى ترسانم.

«وَ اخْفِضْ جَناحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» يعنى با آنها به نرمى رفتار كن. اين كلمه از پايين آوردن پر پرنده براى فرود آمدن، استعاره آورده شده. «الَّذِى يَراكَ حِينَ تَقُومُ» خدايى كه تو را هنگام قيام براى نافله شب مى بيند «وَ تَقَلُّبَكَ فِى

1- . تفسير بيضاوى 3: 240 - 241
2- . شعراء / 196

3- . مجمع البيان 4: 321

السَّاجِدِينَ» و رفت و آمد کردنت را برای خبرگیری از عبادت کنندگان. چنانچه روایت شده که وقتی وجوب نماز شب از ایشان برداشته شد، آن شب را به گردش در اطراف خانه های اصحاب پرداخت تا ببیند چه می کنند. چون علاقه زیادی به طاعت و بندگی آنها داشت. از درون خانه های آنها صداهایی شبیه کندوی زنبوران شنید که صدای زمزمه مناجات و تلاوت قرآن ایشان بود.

یا منظور، تصرف در بین نمازگزاران است به قیام و رکوع و سجود و قعود هنگام امامت بر آنها.

«تَنَزَّلُ عَلی کُلِّ أَفَّاکٍ أَثِیمٍ» چون در آیات قبل تذکر داده شد که شیاطین هرگز نمی توانند قرآن را نازل کنند، همین مطلب را دوباره به این صورت تأکید می کند که جایز نیست شیاطین بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شوند. به دو دلیل:

1. زیرا آنها بر اشخاص شرور و دروغ پرداز و گناهکار نازل می شوند، چون همبستگی انسان با آنچه غائبند، به واسطه تناسب و علاقه ای است که بین آنها است و حال حضرت محمد صلی الله علیه و آله بر خلاف این بوده.

2. «یُلْقُونَ السَّمْعَ» دروغ پردازان گوش به سخن شیاطین فرا می دادند و طبق تخیلات خویش بر آن اضافه می کردند و اکثر آنها غیر واقعی و دروغ بود. اما حضرت محمد صلی الله علیه و آله هر چه را که از مسائل غیبی اطلاع داده (که بسیار زیاد است) همه مطابق واقع بوده و در آیه، اکثر به کل تفسیر شده است زیرا فرموده: «عَلی کُلِّ أَفَّاکٍ أَثِیمٍ». ظاهراً اکثریت به اعتبار گفتار آنها است. یعنی کم اتفاق می افتد که سخن آنها را از جنی بپذیرند و قبول کنند. بعضی گفته، ضمیر در (یلقون) به شیاطین بر می گردد، یعنی شیاطین، قبل از اینکه رجم شوند و آنها را بزنند، در ملاء اعلی گوش میایستند و یک چیزهایی به گوش آنها می خورد و آنها را به پیروان خود القا می کنند، یا شنیده های خود را به دوستان خویش تحویل می دهند. (1)

1- . تفسیر بیضاوی 3: 265 - 268

و درباره آیه «أَمَّنْ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَکُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا بِهِ حَدائِقَ ذاتَ بَهْجَهٍ ما کانَ لَکُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَها أَ إِلهٌ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ یَعْدِلُون»، (1) {[آیا آنچه شریک می پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد، پس به وسیله آن، باغهای بهجت انگیز رویانیدیم. کار شما نبود که درختانش را برویانید. آیا معبودی با خداست؟ [نه،] بلکه آنان قومی منحرفند.}می نویسد: یعنی از واقعیتی به نام توحید کناره گیری می کنند.(2)

و درباره آیه «وَ لَوْ لا أَنْ تُصیبَهُمْ مُصیبَهٌ بِما قَدَّمَتْ أَیْدیهِمْ فَیَقُولُوا رَبَّنا لَوْ لا أَرْسَلْتَ إِلَیْنا رَسُولاً فَنَتَّبِعَ آیاتِکَ وَ نَکُونَ مِنَ الْمُؤْمِنین»(3)، { و اگر نبود که وقتی به [سزای] پیش فرستِ دستهایشان مصیبتی به ایشان برسد، بگویند: «پروردگارا، چرا فرستاده ای به سوی ما نفرستادی تا از احکام تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم» [قطعاً در کیفر آنان شتاب می کردیم]. } می نویسد: لولای اولی امتناعی است و لولای دومی تخضیضی و معنی آیه چنین است: اگر گفتار آن ها در موقعی که به واسطه کفر و معصیت خود دچار مصیبتی می شوند نبود که می گفتند، خدایا چرا برای ما پیامبری فرستادی تا آیات تو را بر ما بخواند و ما از او پیروی کنیم و جزء گرویدگان به او شویم، ای پیامبر ! ما تو را نمی فرستادیم.

«هُوَ أَهْدی مِنْهُما» یعنی کتابی بهتر از آنچه به موسی و بر من نازل شده بیاورید، اگر راست می گویید. «وَ لَقَدْ وَصَّلْنا لَهُمُ الْقَوْلَ» یعنی به تدریج آیات قرآن را به هم پیوسته فرستادیم تا تذکر و راهنمایی قطع نشود. یا منظور این است که در نظم شبیه یکدیگر است تا دعوت به خدا با دلیل ثابت شود و پند و اندزر با وعید و نصایح با عبرت ها همراه باشد.(4)

در باره آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذا أُوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَهَ النَّاسِ کَعَذابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ لَیَقُولُنَّ إِنَّا کُنَّا مَعَکُمْ أَ وَ لَیْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ

1- . نمل / 60
2- . تفسیر بیضاوی 3: 286
3- . قصص / 47
4- . تفسیر بیضاوی 3: 307 - 308

بِما فی صُدُورِ الْعالَمینَ»(1) {و از میان مردم کسانی اند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند؛ و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دلهای جهانیان است داناتر نیست}می نویسد: یعنی اذیت و آزاری که برای جلوگیری از ایمان می بینند را مانند عذاب خدا در مورد جلوگیری از کفر می دانند «وَ لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ» وقتی یاری خدا از قبیل فتح یا غنیمتی نصیب تو شود «لَیَقُولُنَّ إِنَّا کُنَّا مَعَکُمْ» می گویند ما هم با شما بودیم، باید شریک شما در غنیمت باشیم. منظور منافقین است یا گروهی که ایمانی ضعیف دارند و با آزار مشرکین از دین بر می گردند.

«وَ لَیَحْمِلُنَّ أَثْقالَهُمْ» یعنی وزر و وبال خود (به سبب) آنچه انجام داده اند، به اضافه وزر و وبال دیگران که سبب گمراهی آنها شده اند، بر ایشان تحمیل می شود بدون اینکه از وزر و وبال پیروانشان چیزی کاسته شود. (2)

و در باره آیه «مَثَلُ الَّذینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِیاءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُیُوتِ لَبَیْتُ الْعَنْکَبُوتِ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ»(3)، { داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه ای برای خویش ساخته، و در حقیقت - اگر می دانستند - سست ترین خانه ها همان خانه عنکبوت است. } می نویسد: مثل کسانی که جز خدا به دیگران اعتماد نموده اند «کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَیْتاً"مانند خانه عنکبوت است در سستی و بی اعتمادی بلکه تکیه گاه آنها سست تر است زیرا خانه عنکبوت بالاخره برای او مورد استفاده است و یک واقعیت است. یا منظور این است که مثال آنها نسبت به شخص موحد و خداشناس مانند کسی است که خانه ای از سنگ و گچ و محکم ساخته است. ممکن است منظور از خانه عنکبوت دین آنها باشد و اعتقاد آنها را به

1- . عنکبوت / 10
2- . تفسیر بیضاوی 3: 321 - 322
3- . عنکبوت / 41

این نام نامیده تا نشان دهد که واقعاً چه سست و بی بنیاد است، و معنی این است که سست ترین چیزی که بر آن اعتماد نموده اند، دین چنین اشخاصی است. (1)

در باره آیه «وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ إِلاَّ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ إِلاَّ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَ قُولُوا آمَنَّا بِالَّذی أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ وَ إِلهُنا وَ إِلهُکُمْ واحِدٌ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونِ» (2) ، {و با اهل کتاب، جز به [شیوه ای] که بهتر است، مجادله مکنید - مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده اند - و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اوییم.» } می نویسد: یعنی با اهل کتاب مجادله نکنید، مگر به طریقی نیکو مانند اینکه خشونت را به نرمی پاسخ دهید و خشم را با فرو بردن آن کنترل کنید. گفته اند این آیه با آیه برخورد شمشیر منسوخ شده است، چون مجادله ای شدیدتر و قاطع تر از آن نیست. جواب این است که برخورد با شمشیر آخرین راه چاره است.

بعضی گفته اند، منظور مشرکانی هستند که دارای عهدنامه و قرارداد می باشند.

«إِلَّا الَّذِینَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ» مگر کسانی که در دشمنی افراط می کنند و یا برای خدا فرزند قائلند، یا می گویند دست خدا بسته است، یا پیمان شکنی می کنند و جزیه نمی دهند.

«فَالَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یُؤْمِنُونَ بِهِ» کسانی که به آنها کتاب داده ایم، به آن ایمان می آورند و منظور عبد الله بن سلام و کسانی مثل او بودند یا کسانی از اهل کتاب که قبل از زمان پیامبر می زیستند. «وَ مِنْ هؤُلاءِ» یعنی از اعراب یا اهل مکه یا کسانی که در زمان پیامبر از اهل کتاب بوده اند.

طبرسی رحمه الله علیه در مجمع البیان می نویسد: «فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» منظور پیامبر و مؤمنین است که حافظ قرآن و نگهبان آن هستند. بعضی

1- . تفسیر بیضاوی 3: 329

2- . عنكبوت / 46

گفته اند منظور ائمه از آل محمدند صلی الله علیه و آله. از حضرت باقر و صادق علیهما السلام نقل شده است.(1)

«وَ یُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ» یعنی اطرافیان آنها یکدیگر را می کشند ولی آنها در حرم در امانند. «أَ فَبِالْباطِلِ یُؤْمِنُونَ» یعنی بت پرستی را که ناپایدار و نابود است تصدیق می کنند. (2)

بیضاوی در باره آیه «أَ وَ لَمْ یَسیرُوا فِی الْأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثارُوا الْأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَکْثَرَ مِمَّا عَمَرُوها وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَما کانَ اللَّهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ»(3)، {آیا در زمین نگردیده اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند، و زمین را زیرورو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند. بنابراین خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند، لیکن خودشان بر خود ستم می کردند.}می نویسد: «أَثارُوا الْأَرْضَ» یعنی زمین را برای استخراج آب و معادن و کاشتن بذر و زراعت زیر و رو می کنند.(4)

در باره آیه «ضَرَبَ لَکُمْ مَثَلاً مِنْ أَنْفُسِکُمْ هَلْ لَکُمْ مِنْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ مِنْ شُرَکاءَ فی ما رَزَقْناکُمْ فَأَنْتُمْ فیهِ سَواءٌ تَخافُونَهُمْ کَخیفَتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ»(5) ، { [خداوند] برای شما از خودتان مَثَلی زده است: آیا در آنچه به شما روزی داده ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از آنها بیم داشته باشید؟ این گونه، آیات خود را برای مردمی که می اندیشند، به تفصیل بیان می کنیم.}برای شما مثالی در باره بت پرستی زد «مِنْ أَنْفُسِکُمْ»، مثالی که نزدیکترین شباهت را به امور شما دارد «هَلْ لَکُمْ مِنْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ مِنْ شُرَکاءَ فِی ما رَزَقْناکُمْ» آیا بردگان و زر خریداران شما

1- . مجمع البیان 4: 450 - 451
2- . مجمع البیان 4: 458
3- . روم / 90
4- . تفسیر بیضاوی 3: 339

5- . روم / 28

نیز در اموال و سایر مسائل مادی با شما شریکند و می توانند مانند خودتان در اموال شما تصرف نمایند، با آنکه آنها هم بشری مانند شمایند و آن اموال امانتی است در اختیار شما و می ترسید آنها مستقلاً در اموال شما تصرف نمایند، مانند ترسی که از اشخاص حر و آزاد دارید که در اموالتان مصرف کنند. «کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ» این چنین آیات را برای گروهی که عقل خود را به کار می برند توضیح می دهیم تا در این امثال اندیشه کنند.

«لِیَکْفُرُوا بِما آتَیْناهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُون»(1) ، {بگذار تا به آنچه بدانها عطا کرده ایم کفران ورزند. [بگو:] برخوردار شوید، زودا که خواهید دانست. } لام در آیه برای عاقبت است. بعضی گفته اند لام امر است که برای تهدید آمده است (یعنی باید کفر ورزند) مانند آیه «فَتَمَتَّعُوا» جز اینکه در این مورد، برای مبالغه، التفات از غیبت به خطاب نموده. «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ» به زودی خواهید دانست عاقبت این بهره وری شما به کجا منتهی می شود «أَنْزَلْنا عَلَیْهِمْ سُلْطاناً» یعنی آیا بر آنها دلیل نازل کردیم؟ گفته اند، یعنی ملکی که با او دلیل باشد «فَهُوَ یَتَکَلَّمُ» پس آن ملک سخن حق را بگوید مانند این سخن «کِتابُنا یَنْطِقُ عَلَیْکُمْ بِالْحَقِ»(2) ، { کتابِ ما که علیه شما به حق سخن می گوید. } کتاب ما واقعیتها را بر شما آشکار می کند «بِما کانُوا بِهِ یُشْرِکُونَ» و به شرک و انحراف آنها گواهی می دهد یا آنها را به امری که به جهت آن راه شرک به خدا را در پیش گرفته اند مطلع می کند.(3)

در باره آیه «وَ لَئِنْ أَرْسَلْنا ریحاً فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ یَکْفُرُون»(4)، { و اگر بادی [آفت زا] بفرستیم و [کِشت خود را] زردشده ببینند، قطعاً پس از آن کفران می کنند. } می نویسد: «فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا»یعنی آن اثر یا کشتزار خود را زرد ببینند زیرا سابقه قبلی آیات همین است. بعضی گفته اند ابر را زرد می بینند زیرا وقتی ابر زرد باشد باران نمی بارد. «فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتی» تو نمی توانی به گوش مردگان فرو

1- . روم / 34
2- . الجاثیه / 29
3- . تفسیر بیضاوی 3: 344 - 346
4- . روم / 51

کنی، کفار نیز مثل آنهایند زیرا دل از حق بر تافته اند «فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتی وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرِینَ»(1)، {و در حقیقت، تو مردگان را شنوا نمی گردانی، و این دعوت را به کران - آنگاه که به ادبار پشت می گردانند - نمی توانی بشنوانی. } اینکه قید نموده وقتی پشت به تو کرده اند، برای آن است که اگر شخص کر رو به طرف انسان داشته باشد، با حرکت لب و زبان می توان به او چیزی فهماند «وَ ما أَنْتَ بِهادِی الْعُمْیِ عَنْ ضَلالَتِهِمْ» چنین اشخاص را کور نامیده، چون نتیجه استفاده از چشم را نمی برند و یا به جهت کوردلی آنها «وَ لا یَسْتَخِفَّنَّکَ» یعنی تو را ناراحت و مضطرب نکنند «الَّذِینَ لا یُوقِنُونَ» کسانی که بواسطه تکذیبشان، یقین ندارند.(2)

مرحوم طبرسی می نویسد: آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْتَری لَهْوَ الْحَدیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهینٌ»(3) {و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی[هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود. } در باره نضر بن حارث نازل شده. او تاجری بود که به ایران سفر می کرد و داستانهای ایرانی را از آنها فرا می گرفت و بعد از برگشت از مسافرت برای قریش نقل می کرد و به آنها می گفت، محمد صلی الله علیه و آله داستان عاد و ثمود نقل می کند، من داستان رستم و اسفندیار و داستانهای پادشاهان را. آنان از داستانهای او خوششان می آمد و گوش دادن به قرآن را رها می کردند.

کلبی می نویسد: گفته اند این آیه در باره مردی نازل شد که کنیزی را خرید که شبانه روز برای او غنا می خواند. از ابن عباس و بیشتر مفسرین نقل شده که منظور از «لهو الحدیث» غنا است و همین نظر ابن عباس و ابن مسعود است و از حضرت باقر و صادق علیهما السلام و حضرت رضا علیهم السلام نقل شده که فرموده اند: یک نوع از «لهو الحدیث» غنا است.

1- . روم / 52
2- . تفسیر بیضاوی 3: 350 - 353
3- . لقمان / 6

از حضرت صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: «لهو الحدیث» طعنه زدن و مسخره کردن حق است، کارهایی که ابو جهل و یارانش می کردند. او می گفت: ای قریش! مایلید به شما از زقوم بچشانم، همان زقومی که رفیقتان شما را از آن می ترساند؟ سپس می فرستاد مقداری کره و خرما می آوردند و می گفت این همان زقوم است که شما را از آن می ترساند.

حضرت صادق فرمود: غنا نوعی لهو الحدیث است، بنا بر این هر چه ما را از راه خدا باز دارد و به خود مشغول کند لهو الحدیث است «وَ یَتَّخِذَها هُزُواً» یعنی آیات قرآن یا راه خدا را مسخره می کنند «کَأَنَّ فِی أُذُنَیْهِ وَقْراً»،(1) {گویی در گوشهایش سنگینی است}که مانع از شنیدن آیات می شود.

در باره آیه «خَلَقَ السَّماواتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها وَ أَلْقی فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ أَنْ تَمیدَ بِکُمْ وَ بَثَّ فیها مِنْ کُلِّ دابَّةٍ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَنْبَتْنا فیها مِنْ کُلِّ زَوْجٍ کَریمٍ»(2)، {آسمانها را بی هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنباند، و در آن از هر گونه جنبنده ای پراکنده گردانید، و از آسمان آبی فروفرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم.} می نویسد: اگر برای آسمانها ستونی بود، دیده می شد، زیرا باید ستونهای بسیار بزرگی باشد که بتواند آسمانها را نگه دارد. اگر چنین بود نیز احتیاج به ستونهای دیگری بود که آنها را نگه دارد. همین طور مسلسل وار ادامه می یافت و تسلسل هم باطل است. پس آسمان ستونی ندارد.

بعضی گفته اند، منظور این است که ستون قابل دیدنی ندارد و معنی آیه همین است. «وَ أَلْقی فِی الْأَرْضِ رَواسِیَ» {و در زمین کوههایی استوار افکند} «أَنْ تَمِیدَ بِکُمْ» { تا شما را نجنباند}. (3)

و در باره آیه «وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما وَجَدْنا عَلَیْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ کانَ الشَّیْطانُ یَدْعُوهُمْ إِلی عَذابِ السَّعِیرِ»(4)، { و چون به آنان گفته شود:

1- . لقمان / 7
2- . لقمان / 10

3- . مجمع البيان 4: 490 - 491
4- . لقمان / 21

«آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید»، می گویند: «[نه!] بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم»؛ آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند؟} جواب لو محذوف است، به این صورت که اگر شیطان آنها را دعوت به عذاب جهنم می کرد، آنها پیروی شیطان را می کردند «وَ مَنْ یُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَی اللَّهِ» {و هر کس خود را تسلیم خدا کند} یعنی هر کس دین خود را برای خدا خالص کند و در کارها منظورش تقرب به خدا باشد «وَ هُوَ مُحْسِنٌ» و کارهای خود را مطابق شرع و دین انجام دهد «فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقی» یعنی چنگ به دست آویزی ناگسستنی زده «وَ إِلَی اللَّهِ عاقِبَهُ الْأُمُورِ» یعنی بازگشت کارها به سوی خدا است به صورتی که برای هیچ کس اجازه تصرف در امر و نهی نمی باشد.(1)

در باره آیه «وَ إِذا غَشِیَهُمْ مَوْجٌ کَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَی الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلاَّ کُلُّ خَتَّارٍ کَفُورٍ»(2)، {و چون موجی کوه آسا آنان را فرا گیرد، خدا را بخوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند، و[لی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند برخی از آنان میانه رو هستند، و نشانه های ما را جز هر خائن ناسپاسگزاری انکار نمی کند.}می نویسد: موج را تشبیه کرده به ابرهایی که بر هم انباشته می شوند. بعضی گفته اند، منظور مانند کوهها است. «فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» یعنی در وفای به عهد خود در زمین ، جانب عدالت را گرفته، چنانچه در دریا با خدا پیمان بسته بود که به یگانگی او را بشناسد. سدی از مصعب بن سعد از پدرش نقل کرد که روز فتح مکه (پیامبر) تمام مردم را امان داد مگر چهار نفر که در باره آنها فرمود: هر کجا ایشان را پیدا کردید بکشید گر چه به پرده کعبه چنگ زده باشند 1. عکرمه بن ابی جهل. 2. عبد الله بن اخطل. 3. قیس بن سبابه. 4.عبد الله بن ابی سرح.

اما عکرمه پسر ابو جهل سوار کشتی شد و در دریا با طوفانی مهیب روبرو گردید. مسافران کشتی گفتند دست از خدایان دروغی بردارید و اخلاص بورزید که

1- . مجمع البیان 4: 502
2- . لقمان / 32

آن خداها و بت ها نمی توانند اینجا موجب نجات شما بشوند. عکرمه گفت، اگر مرا از بلای دریا جز اخلاص چیزی نجات نبخشد، در بیابان نیز غیر آن چیز دیگری نجات نمی بخشد. گفت خدایا، من با تو پیمان می بندم که اگر از این گرفتاری نجاتم بخشی، خدمت حضرت محمد می روم و دست در دست او می گذارم و او را شخصی بخشنده و کریم می دانم. نجات یافت و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و مسلمان شد. معنی ختر: بدترین نوع فریبکاری است. (1)

در باره آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَراهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ لِتُنْذِرَ قَوْماً ما أَتاهُمْ مِنْ نَذيرٍ مِنْ قَبْلِکَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» (2)، {آیا می گویند: «آن را بربافته است»؟ [نه چنین است] بلکه آن حقّ و از جانب پروردگار توست، تا مردمی را که پیش از تو بیم دهنده ای برای آنان نیامده است هشدار دهی، امید که راه یابند.} یعنی قبل از تو پیامبری برای آنها نیامده بود. می نویسد: منظور قریش است زیرا برای آنها قبل از پیامبر ما صلی الله علیه و آله پیامبری نیامده بود گرچه برای سایر قبائل آمده بود، مانند خالد بن سنان عبسی. بعضی گفته اند منظور اهل فترت است که فاصله بین زمان عیسی و حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. قبل از حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای آنها پیامبری نیامده بود.

«فِی سِتَّهِ أَيَّامٍ» یعنی در آن شش روزی که مقدر کرده بود «ثُمَّ اسْتَوى عَلَى الْعَرْشِ» {سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت.}یعنی با قدرت و برتری بر عرش استیلا یافت. (3)

در باره آیه «وَ الَّذينَ سَعَوْا فی آياتِنا مُعاجِزينَ أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مِنْ رِجْزٍ أَليمٌ» (4) ، {و کسانی که در [ابطال] آیات ما کوشش می ورزند که ما را درمانده کنند، برایشان عذابی از بلایی دردناک باشد.}می نویسد: یعنی عذاب بدی.

1- . مجمع البیان 4: 506 - 507
2- . سجده / 3
3- . مجمع البیان 4: 509 - 510
4- . سباء / 5

در مورد آیه «أَ فَلَمْ یَرَوْا إِلی ما بَیْنَ أَیْدیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَیْهِمْ کِسَفاً مِنَ السَّماءِ إِنَّ فی ذلِکَ لَآیَةً لِکُلِّ عَبْدٍ مُنیبٍ»(1)، {آیا به آنچه - از آسمان و زمین - در دسترسشان و پشت سرشان است ننگریسته اند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم، یا پاره سنگهایی از آسمان بر سرشان می افکنیم. قطعاً در این [تهدید] برای هر بنده توبه کاری عبرت است. }

می گویم: این مطلب چنین است که انسان جلویش را میبیند و جنود آسمان و زمین را می بیند و همچنین عقب و راست و چپ را و قدرت خارج شدن از این آسمان و زمین را ندارد «کِسَفاً» یعنی یک قطعه از آسمان که آنها را زیر بگیرد و هلاک نماید.(2)

طبری درباره آیه «وَ ما لَهُ مِنْهُمْ مِنْ ظَهِیرٍ» می نویسد: {و برای وی از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست. } یعنی خداوند را معاون و همکاری برای خلق آسمانها و زمین و هر چه آفریده نیست.

«إِنَّا أَوْ إِیَّاکُمْ لَعَلی هُدیً أَوْ فِی ضَلالٍ مُبِینٍ»(3)، {و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم. } این سخن را از جهت انصاف در استدلال فرموده است نه اینکه واقعا مشکوک باشد؛ چنانچه شما به دوستت می گویی، یکی از ما دو نفر دروغ گفته ایم با اینکه می دانی کدام یک از شما دروغ گفته است. «ثُمَّ یَفْتَحُ بَیْنَنا» یعنی بعداً به حق بین ما حکومت خواهد کرد.(4)

بیضاوی در تفسیر «قُلْ أَرُونِیَ الَّذینَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَکاءَ کَلاَّ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزیزُ الْحَکیمُ»(5) ، {بگو: «کسانی را که [به عنوان] شریک به او ملحق گردانیده اید، به من نشان دهید.» چنین نیست، بلکه اوست خدای عزیز حکیم. }می نویسد: یعنی به من نشان دهید، با چه امتیازی این بت ها را شریک عبادت با خدا قرار داده اید. این سؤال از شبهه آنهاست بعد از اینکه حجت بر ایشان تمام شده بود تا آنها را بیشتر ملزم

1- . سباء / 9
2- . مجمع البیان 4: 591 - 593
3- . سباء / 24

4- . مجمع البيان 4: 609 - 610
5- . سباء / 27

نماید «وَ ما أَرْسَلْناکَ إِلَّا کَافَّةً لِلنَّاسِ» یعنی تو را به رسالت برای تمام مردم فرستاده ایم. از ماده «کف» است که وقتی همه را شامل شد مانع خواهد بود که حتی یک نفر از تحت این حکم خارج نشود. یا منظور این است که ابلاغ تو همه را فراگیر است؛ در این صورت حال است از کاف، که (تا) برای مبالغه به آن اضافه شده است.(1)

«وَ ما آتَیْناهُمْ مِنْ کُتُبٍ یَدْرُسُونَها »(2) ، { و ما کتابهایی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند } که در آن دلیلی بر صحت شریک قرار دادن برای خداوند باشد «وَ ما أَرْسَلْنا إِلَیْهِمْ قَبْلَکَ مِنْ نَذِیرٍ» ما قبل از تو برای آنها پیامبری نفرستادیم که آنها را به قرار دادن شریک برای خدا بخواند و از ترک شریک آنان را انذار دهد! با اینکه قبلا توضیح داده شد که راهی به سوی چنین احتمالی وجود ندارد، پس از کجا این شبهه برای آنها واقع شده است؟

«قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ» {بگو: «من فقط به شما یک اندرز می دهم } به یک خصلت واحد که آن این است: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ» برای خدا از مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله برخیزید؛ یا برای به پا داشتن حق، با اخلاص در راه خدا در حالی که خالی از تظاهر و ریا و تقلید باشد. «مَثْنی وَ فُرادی» جدا، دو تا دو تا یا یکی یکی زیرا ازدحام موجب تشویش خاطر و اظهار نظرهای مختلف می شود «ثُمَّ تَتَفَکَّرُوا» بعد در مورد آنچه پیامبرتان آورده بیاندیشید «ما بِصاحِبِکُمْ مِنْ جِنَّةٍ» آن وقت خواهید فهمید که جنون او را وادار به این عمل نکرده است. ممکن است جمله به ما قبل مربوط نباشد و استیناف باشد به این صورت که آنها را متوجه کند به اینکه، شما که عقل و دانش پیامبر را ملاحظه می کنید، کافی است تا صدق و درستی او را باور کنید. زیرا این درایت او را مانع می شود از اینکه بدون دلیل قابل اعتماد، ادعای چیز بزرگی کند که موجب رسواییش در مقابل مردم خواهد شد و خود را به هلاکت می افکند. چگونه چنین بوده، با اینکه معجزات زیادی نیز به همراه دارد.

1- . تفسیر بیضاوی 3: 407
2- . سباء / 44

بعضی گفته اند (ما) استفهامی است، یعنی بعد فکر می کنند چه چیز در او هست که موجب جنون شده باشد «قُلْ ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» بگو هر چه از شما در مورد مزد نبوت خواسته ام، مال خودتان باشد؛ یعنی من مزدی نخواسته ام. بعضی گفته اند (ما) موصول است و منظور این است که درخواستی از شما نکرده ام مانند این آیه «ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبِيلاً»(1)، و آیه دیگر «لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبى»(2) در پیش گرفتن راه خدا به نفع آنها است و خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله خویشاوند آنها است.

«قُلْ إِنَّ رَبِّی يَقْذِفُ بِالْحَقِ» یعنی خداوند حق و واقعیت را بر کسانی که آنها از میان بندگان خود برگزیده است القاء می کند. یا باطل را کنار می زند و آن را از بین می برد و یا آن را به اطراف جهان پرت می کند که این خود وعده ای است برای پیروزی اسلام «وَ ما يُبْدِئُ الْباطِلُ وَ ما يُعِيدُ» یعنی باطل از میان میرود که منظور شرک است به طوری که اثری از آن باقی نمی ماند. این سخن از هلاک قبیله گرفته شده که وقتی یک دودمان از بین رفت، دیگر نه ابتدایی دارد و نه بازگشتی.

بعضی گفته، باطل ابلیس یا بت است و معنی این است که دیگر دو مرتبه خلقی را نمی آفریند و او را برنمی گرداند. یا منظور این است که باطل هرگز موجب خیر برای اهل آن نخواهد شد و بازگشت به خیر هم نمی کند. برخی گفته اند (ما) استفهامی است که به وسیله فعل بعد از خود منصوب شده. (3)

بیضاوی در باره آیه «أَ فَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَناً»(4) ، { بگو: «کسانی را که [به عنوان] شریک به او ملحق گردانیده اید، به من نشان دهید.» چنین نیست، بلکه اوست خدای عزیز حکیم. } می نویسد: آیا کسی که عمل بد خود را خوب بداند، مانند کسی است که عمل خود را خوب نبیند بلکه چنان باشد که واقعیت را درک کند و اعمال خوب خود را خوب بداند و اعمال زشت را واقعا زشت بداند. این

1- . الفرقان / 57
2- . الشوری / 23
3- . تفسیر بیضاوی 3: 411 - 413

4- . سباء / 7

جواب حذف شده چون در جمله قرینهای به حذف آن وجود دارد «فَإِنَّ اللَّهَ یُضِلُّ مَنْ یَشاءُ وَ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ» تقدیر آیه چنین بوده: آیا کسی که عمل خود را خوب بداند، تو بر کار او اندوهگین می شوی: جواب به خاطر قرینه حذف شده. «فَلا تَذْهَبْ نَفْسُکَ عَلَیْهِمْ حَسَراتٍ» معنی آیه این است که با حسرت و اندوه بر گمراهی آنان که اصرار بر تکذیب تو دارند، خود را هلاک نکن.(1)

«ما یَمْلِکُونَ مِنْ قِطْمِیرٍ» مالک قطمیر نیستند، یعنی مالک پوست روی دانه خرما.

«وَ لَوْ سَمِعُوا» اگر فرض کنیم آنها بشنوند «مَا اسْتَجابُوا لَکُمْ» جواب شما را نمی دهند زیرا قدرت بر این کار ندارند، یا چون از شما به خاطر کاری که می کنید بیزارند. «وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یَکْفُرُونَ بِشِرْکِکُمْ» روز قیامت اقرار می کنند که شما مشرک بوده اید و به باطل می رفتید. یا می گویند «ما کُنْتُمْ إِیَّانا تَعْبُدُونَ» شما ما را نمی پرستید «وَ لا یُنَبِّئُکَ مِثْلُ خَبِیرٍ» هرگز کسی چون خداوند نمی تواند این جریان را به تو اطلاع دهد زیرا او واقعا مطلع است و دیگران چنین اطلاعی ندارند. «وَ ما یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ» یعنی کافر و مؤمن مساوی نیستند. بعضی گفته اند، مثال برای بت و خدا است «وَ لَا الظُّلُماتُ وَ لَا النُّورُ» نه باطل و حق «وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ» و نه ثواب و نه عقاب «وَ ما یَسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ لَا الْأَمْواتُ» مثال دیگری است برای مؤمنین و کافران، روشنتر از مثال اول، به همین جهت فعل (لا یستوی) را تکرار کرده. گفته اند مثالی برای علما و جاهلان است. «إِنَّ اللَّهَ یُسْمِعُ مَنْ یَشاءُ» یعنی خداوند توفیق فهم آیات و استفاده از مواعظ را به او می دهد «وَ ما أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِی الْقُبُورِ» با این آیه بیشتر ثابت می کند که اصرارورزان بر کفر، همچون اموات و مرده هایند و باید از آنها مایوس بود «بِالْبَیِّناتِ» یعنی با معجزاتی که شاهد بر نبوت آنها است «و بالزبر» مانند صحف ابراهیم «وَ بِالْکِتابِ الْمُنِیرِ» چون تورات و انجیل و منظور هر کدام جدا جداست و ممکن است مجموع هر دو منظور باشد و عطف به واسطه مغایرت دو صفتی که دارند، باشد.

ص: 438

1- . تفسیر بیضاوی 3: 418

«أَمْ آتَيْناهُمْ كِتاباً» ينطق يا ما كتابى فرستاده ايم كه در آن نوشته است ما براى خود شريک گرفته ايم «فَهُمْ عَلى بَيِّنَةٍ مِنْهُ» آنها دليلى از اين كتاب بر شركت قرار دادن داشته باشند. ممكن است ضمير (هم) مربوط به مشركين باشد. «وَ لا يَحِيقُ» يعنى احاطه ندارد. «فَهَلْ يَنْظُرُونَ» آيا منتظرند. «إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ» روش خدا را در باره آنها كه كافران و تكذيب كنندگان را عذاب مى كند «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلاً وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلاً» يعنى روش خود را تغيير نمى دهد كه عذاب نكردن را عذاب قرار دهد و نه اين كار را نسبت به ديگران انجام مى دهد كه غير مكذبان را عذاب نمايد. (1)

بيضاوى در باره آيه «وَ إِذا قيلَ لَهُمُ اتَّقُوا ما بَيْنَ أَيْديكُمْ وَ ما خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُون»(2) ، {و چون به ايشان گفته شود: «از آنچه در پيش رو و پشت سر داريد بترسيد، اميد كه مورد رحمت قرار گيريد» [نمى شنوند].}مى نويسد: وقتى به آنها گفته مى شود از آنچه مقابل شما است و آنچه پشت سرتان است بترسيد: از قبيل وقايعى كه گذشته و عذابى كه در آخرت آماده شده، يا بلاهاى آسمانى و يا زمينى؛ مانند اين آيه: «أَ فَلَمْ يَرَوْا إِلى ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ» يا عذاب دنيا و عذاب آخرت و يا عكس آن، يا گناهان آينده و گناهان گذشته. «وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ» انفاق كنيد بر مستمندان «قالَ الَّذِينَ كَفَرُوا» آنها كه كافر به خدا هستند منكرين خدا كه ساكن مكه بودند «لِلَّذِينَ آمَنُوا» به مؤمنين كه اقرار به خدا دارند و كارها را وابسته به مشيت او مى دانند، از روى لجاجت مى گويند: «أَ نُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ» ما به كسى خوراک بدهيم كه اگر خدا بخواهد - بنا به اعتقاد شما- به او غذا مى دهد. گفته اند اين سخن مشركان قريش است كه فقراء مؤمنين از آنها تقاضاى كمک كردند. آنها مى خواهند بگويند، خدا با اينكه مى تواند آنها را سير كند ولى چيزى (به آنها) نمى دهد. پس ما شايسته تريم كه چيزى به ايشان ندهيم؛ اين از كمال نادانى آنها است، زيرا خداوند روزى را با اسباب

1- . تفسير بيضاوى 3: 421، 427 - 428
2- . يس / 45

مختلفی می دهد یکی از آن اسباب، وادار کردن ثروتمندان به کمک نسبت به تهیدستان و توفیق چنین کاری را دادن است.(1)

بیضاوی درباره آیه «وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما یَنْبَغی لَهُ إِنْ هُوَ إِلاَّ ذِکْرٌ وَ قُرْآنٌ مُبینٌ»(2) ، {و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست؛ این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست. } می نویسد: این آیه رد گفتار آنها است که می گفتند، محمد شاعر است. یعنی ما با قرآن به او شعر نیاموختیم زیرا قرآن دارای قافیه و وزن نیست. معنی آیه این است که تخیلات شاعرانه ندارد «وَ ما یَنْبَغِی لَهُ» برای او شعر گفتن صحیح نیست و از او ساخته نیست، چنانچه چهل سال قبل از بعثت او را آزمایش کردید و این دو شعر گونه، اتفاقی بوده، بدون آنکه تصمیم شعرگویی داشته باشد.

انا

النبی لا کذب

انا

ابن عبد المطلب

هل

انت الا اصبع رمیت

و

فی سبیل الله ما لقیت

من پیامبرم. دروغ نیست. من فرزند عبدالمطلبم.

آیا تو جز انگشتی، چیز دیگری انداختی؟ و در راه خدا است آنچه به تو می رسد.

گاهی اوقات اتفاق می افتد که، در ضمن صحبت عادی کلامی شعر گونه و موزون بر زبان انسان جاری می شود. در حالی که خلیل ابن احمد عروضی حتی (رجز) را شعر به حساب نمی آورد. و روایت شده که پیامبر موقع خواندن این دو جمله، باء کذب و عبد المطلب را متحرک خوانده (شعر

معمولا یا باید ساکن باشد یا اشباع شود) و تاء جمله دوم را (رمیت) بدون اشباع تلفظ نموده.

بعضی گفته اند، ضمیر در «عَلَّمْناهُ» به قرآن بر می گردد یعنی صحیح نیست که قرآن شعر باشد «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ» قرآن پند و ارشادی است از جانب خدا «وَ قُرْآنٌ

ص: 440

1- . تفسیر بیضاوی 3: 439 - 440
2- . یس / 69

مُبِينٌ» کتابی آسمانی است که در مساجد خوانده می شود و به خاطر معجزاتی که در لابه لای قرآن وجود دارد، معلوم است که سخن بشر نیست «لِيُنْذِرَ» تا بترساند قرآن یا پیامبرصلی الله علیه و آله «مَنْ كانَ حَيًّا» کسانی را که دارای عقل و فهم هستند - زیرا غافل چون مرده است - یا کسانی را که در علم خدا مؤمن هستند زیرا حیات جاوید با ایمان است و انذار و ترسانیدن به او اختصاص دارد که از ایمان مؤمن بهره می برد «وَ يَحِقَّ الْقَوْلُ» عذاب لازم شد و «عَلَى الْكافِرِينَ» بر کافران، آنها که اصرار به کفر دارند «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً» خدایان دیگری را شریک در عبادت خدا کرده اند «لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ» تا شاید در گرفتاریهایشان به کمک آنها بشتابند و با اینکه کار به عکس است زیرا «لا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ»(1)، {[ولی بتان] نمی توانند آنان را یاری کنند و آنانند که برای [بتان] چون سپاهی احضار شده اند.} نیروی کمک به آنها را ندارند و خودشان مامور حفظ و نگهبانی بت ها هستند، یا خواهند دید که در آتش می سوزند.(2)

بیضاوی در باره آیه «فَاسْتَفْتِهِمْ أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ خَلَقْنا إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِينٍ لازِبٍ»(3) ، { پس، [از کافران] بپرس: آیا ایشان از نظر آفرینش سخت ترند یا کسانی که [در آسمانها] خلق کردیم؟ ما آنان را از گِلی چسبنده پدید آوردیم. }می نویسد: از آنها بپرس، یعنی از مشرکان مکه یا از بنی آدم، «أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ خَلَقْنا» یعنی ملائکه آسمان و زمین و آنچه بین این دو است، از مشرق ها و ستارگان و شهاب ها و ثواقب که آفریده های ما است، مهمتر است؟ یا خلقت آنها «إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِينٍ لازِبٍ» منظور این آیه، اثبات معاد است و رد محال دانستن بازگشت در معاد؛ به این صورت که ما انسان را از خاک و آب آفریدیم و ماده اصلی باقی است و می تواند دو باره به هم آمیخته شود. خودشان می دانند که انسان اولی از همین آفریده شده است (یا به دلیل اعتراف آنها به حدوث جهان و یا به این دلیل که گفتار پیامبر ما را صلی الله علیه و آله در مورد آدم تصدیق می کنند). و بسیاری از

1- . یس / 75
2- . تفسیر بیضاوی 3: 439 - 446
3- . صافات / 11

حیوانات را دیده اند که بدون تولید و تناسل از خاک تولید شده اند. باید به همین شکل، بازگشت در معاد را نیز قبول کنند. یا انکار آنها به این دلیل است که (می پندارند) خدا بر اعاده انسان قدرت ندارد. این نیز باطل است زیرا کسی که قدرت بر آفرینش اشیاء را داشته باشد، در مقابل خلقت این جهان بی کران، می تواند مسأله ساده ای را که بازگشت دوباره انسان است انجام دهد، مخصوصا که از همین خاک آنها را آفریده و قدرتش ذاتی و غیر قابل تغییر است «بَلْ عَجِبْتَ» از قدرت خدا در شگفتی و انکارند. آنها معاد را و این تعجب تو را (از حرف آنها) مسخره می کنند. (1)

بیضاوی درباره آیه «وَ جَعَلُوا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَباً وَ لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» (2) ، {و میان خدا و جنّ ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنّیان نیک دانسته اند که [برای حساب پس دادن،] خودشان احضار خواهند شد. } می نویسد: یعنی بین خدا و ملائکه خویشاوندی است. بعضی گفته اند خداوند با جنیان مصاهرت و خویشاوندی برقرار کرده و ملائکه از آنها به وجود آمدهاند. بعضی نیز گفته اند، که (مشرکان) مدعی بودند که خدا و شیطان دو برادرند «لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ إِنَّهُمْ» ملائکه یا جنیان می دانند که کافران یا انسانها در عذاب خواهند بود «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ» منزه است خدا از نسبت داشتن فرزند و خویشاوند می دهند «إِلَّا عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِینَ» بندگان مخلص را از معذبین و اهل جهنم استثناء نموده «فَإِنَّکُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ».

باز خطاب به مشرکین میگوید «ما أَنْتُمْ عَلَیْهِ بِفاتِنِینَ» (3) ، {بر ضدّ او گمراه گر نیستید، } شما نمی توانید در باره خدا افساد کنید و مردم را گمراه نمایید «إِلَّا مَنْ هُوَ صالِ الْجَحِیمِ» (4) ، {مگر کسی را که به دوزخ رفتنی است. }مگر کسانی که در علم خدا گذشته است که اهل جهنم هستند و انتم «وَ ما تَعْبُدُونَ» شما و خدایانی که می پرستید گرفتار عذاب جهنم خواهید شد.

1- . تفسیر بیضاوی 3: 452 - 453
2- . صافات / 158
3- . صافات / 162
4- . صافات / 163

«وَ ما مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقامٌ مَعْلُومٌ»(1) ، { و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه ای معیّن است. }سخن ملائکه را بازگو می کند که اعتراف به بندگی می نمایند و مقام پرستش را رد می کنند. معنی این است که هر یک از ما دارای جایگاه معینی از عبادت و معرفت و فرمانبرداری در نظام آفرینش هستیم. ممکن است این جمله و ما قبل آن «سُبْحانَ اللَّهِ» از سخنان ملائکه باشد تا به این قسمت آیه «لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ» بپیوندد.

«وَ إِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ»(2) ، {و در حقیقت، ماییم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته ایم. }.

«وَ إِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ»(3)، {و ماییم که خود تسبیح گویانیم. } ما منزه هستیم از آنچه نسبت می دهند «وَ إِنْ كانُوا لَيَقُولُونَ» گر چه مشرکان می گویند «لَوْ أَنَّ عِنْدَنا ذِكْراً مِنَ الْأَوَّلِينَ» اگر نزد ما کتابی از کتب آسمانی بود «لَكُنَّا عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ»به اخلاص خدا را عبادت می کردیم و مانند آنها به مخالفت نمی پرداختیم «فَكَفَرُوا بِهِ» وقتی کتاب آمد کفر ورزیدند، آن هم بهترین کتاب، «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» در آینده نتیجه کفر خود را خواهند فهمید «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ» از آنها کناره بگیر تا موقع معین یعنی روز بدر؛ بعضی گفته اند تا روز فتح مکه «وَ أَبْصِرْهُمْ» آن وقت تماشا کن چه به آنها می رسد «فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ» آنها خواهند دید که ما چگونه تو را تائید می کنیم و نصرت می بخشیم و در آخرت ثواب می دهیم.

«أَ فَبِعَذابِنا يَسْتَعْجِلُونَ» آیا برای عذاب ما عجله دارند؟ گفته اند وقتی «فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ» نازل شد، گفتند چه وقت این کارها انجام می شود؟ بعد این آیه نازل شد «فَإِذا نَزَلَ بِساحَتِهِمْ فَساءَ صَباحُ الْمُنْذَرِينَ»(4) ، {پس هشدارداده شدگان را آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است. }وقتی عذاب به در خانه آنها نازل شود، سحرگاه بدی خواهند داشت.(5)

ص: 443

1- . صافات / 164
2- . صافات / 165
3- . صافات / 166
4- . صافات / 177

5- . تفسیر بیضاوی 3: 473 - 475

بیضاوی در باره آیه «بَلِ الَّذینَ کَفَرُوا فی عِزَّهٍ وَ شِقاقٍ»(1) ، { آری، آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه اند.} می نویسد: یعنی در خودخواهی و استکبار از حق «وَ شِقاقٍ» مخالفت با خدا و پیامبرش «فَنادَوْا» از روی تقاضا و التماس یا توبه و استغفار فریاد می زنند: «وَ لاتَ حِینَ مَناصٍ» ولی هنگام چاره جویی گذشته است. (2)

مرحوم طبرسی می نویسد: مفسران گفته اند سران قریش که بیست و پنج نفر بودند از آن جمله ولید بن مغیره که از همه بالاتر بود و ابو جهل و ابی و امیه دو پسر خلف، و عتبه و شیبه فرزندان ربیعه و نضر بن حارث پیش ابو طالب آمده گفتند: تو بزرگ و با شخصیت ترین افراد ما هستی، ما آمده ایم تا بین ما و پسر برادرت داوری کنی. او افکار و عقاید ما را خرافات میداند و خدایان ما را به ناسزا می گیرد.

ابو طالب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را خواست و عرض کرد: پسر برادر، اینها فامیل تو هستند و تقاضایی دارند. پرسید چه می خواهند؟ عرض کرد، می گویند تو دست از ما و خدایان ما بردار تا ما دست از تو و خدایت برداریم.

به آنها فرمود: شما یک جمله را از من بپذیرید تا بر عرب و عجم حکومت کنید. ابو جهل گفت:

بسیار خوب ما ده برابر از تو می پذیریم فرمود: بگویید: «لا اله الا الله».

از جای حرکت کرده گفتند: «أَ جَعَلَ الْآلِهَهَ إِلهاً واحِداً» می خواهد این همه خدا را در یکی منحصر نماید. این آیات به همین جهت نازل شد.

و روایت شده که اشک از چشمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جاری شد و بعد فرمود: عمو، اگر خورشید را در دست راست و ماه را در دست چپم قرار دهند دست از ماموریت خود بر نمی دارم تا به انجام برسانم یا کشته شوم. حضرت ابو طالب گفت، دنبال کار خود باش، هرگز دست از پشتیبانی تو بر نمی دارم. (3)

1- . ص / 2

2- . تفسیر بیضاوی 4: 5 - 6
3- . مجمع البیان 4: 725 - 726

بیضاوی در مورد آیه «وَ انْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَ اصْبِرُوا عَلی آلِهَتِکُمْ إِنَّ هذا لَشَیْ ءٌ یُرادُ»(1)، {و بزرگانشان روان شدند [و گفتند:] «بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدف [ما]ست.} می نویسد: یعنی اشراف قریش، پس از آنکه پیامبر اکرم آنها را با دلیل ملزم نموده رفتند، گفتند: «أَنِ امْشُوا وَ اصْبِرُوا عَلی آلِهَتِکُمْ» بروید و دست از خدایان خود بر ندارید «إِنَّ هذا لَشَیْ ءٌ یُرادُ» این عملی است که روزگار به سر ما آورده و قابل دفع نیست یا منظور این است که آنچه پیشنهاد و پیش بینی می کند (توحید و ریاست و حکومت بر عرب و عجم) را همه کس آرزو دارند. یا منطق این است که او می خواهد دین شما را از دستتان بگیرد.

«ما سَمِعْنا بِهذا» چنین سخنی را نشنیده ایم «فِی الْمِلَّهِ الْآخِرَهِ» از مردمی که زمان پدرانمان بوده اند یا از مسیحیان که آخرین ملت مذهبی هستند؛ زیرا مسیحیان قائل به سه خدا هستند. یعنی ما از اهل کتاب و کاهنان که مردمان مترقی هستند، یکتاپرستی و توحید را نشنیده ایم.

«إِنْ هذا إِلَّا اخْتِلاقٌ» این دروغی بیش نیست «أَمْ عِنْدَهُمْ خَزائِنُ رَحْمَهِ رَبِّکَ» یعنی آیا گنجینه های رحمت خدا در اختیار آنها است تا هر که را خواستند برای نبوت برگزینند «أَمْ لَهُمْ مُلْکُ السَّماواتِ» آنها در مورد این عالم جسمانی اختیاری ندارند در صورتی که این عالم جزئی کوچک از قدرت خدا است، پس چگونه می توانند اختیار داری کنند.

«فَلْیَرْتَقُوا فِی الْأَسْبابِ» اگر چنین اختیاری دارند، با وسائلی که دارند بر فراز عرش برآیند و اختیار را در دست بگیرند و نظام عالم را اداره کنند و به هر کس می خواهند وحی کنند.

(سبب) وسیله رسیدن است. گفته اند مراد از اسباب، آسمانها است زیرا آسمانها سبب حوادث زمین هستند «جُنْدٌ ما هُنالِکَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزابِ» اینها سپاهی گرد هم آمده از کفار هستند که به زودی شکست می خورند، چگونه می توانند جهان را تدبیر نمایند. یا یعنی، اعتنایی به گفتار آنها نکن. (2)

1- . ص / 2

2- . تفسير بيضاوى 4: 7 - 9

«قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ» بگو، این خبر بزرگی است که به شما گوشزد کردم که بترسید از خدایی که یکتا است. بعضی گفته اند، منظور خبری است که بعد از حضرت آدم می دهد «ما کانَ لِی مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلی إِذْ یَخْتَصِمُونَ» زیرا اطلاعاتی که از ملائکه و جریانهای بین آنها به همان صورتی که در کتابهای قبل از قرآن آمده است می دهد را از کسی نشنیده و از مطالعه به دست نیاورده، و جز وحی به چیز دیگری فکر کرد.(1)

«ما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ» چنانچه سابقه مرا دارید، من هرگز مدعی چیزی که صلاحیت آن را ندارم نیستم (چه رسد) که به دروغ مدعی نبوت و آوردن قرآن شوم. «وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِینٍ» یعنی این مطالب را بعد از مرگ خواهید فهمید یا روز قیامت یا هنگام ظهور اسلام. (2)

و در باره آیه «أَلا لِلَّهِ الدِّینُ الْخالِصُ وَ الَّذینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِیُقَرِّبُونا إِلَی اللَّهِ زُلْفی إِنَّ اللَّهَ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فی ما هُمْ فیهِ یَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدی مَنْ هُوَ کاذِبٌ کَفَّارٌ »(3) { آگاه باشید: آیینِ پاک از آنِ خداست، و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند [به این بهانه که:] ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی پرستیم، البتّه خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ پردازِ ناسپاس است هدایت نمی کند. }می نویسد: ممکن است دوست گیرندگان کفار باشند و دوستان آنها ملائکه و عیسی و بت ها باشد (بنا بر حذف ضمیر راجع و در نظر گرفتن مشرکین بدون قرینه ای که شاهد بر آن در کلام باشد). «وَ الَّذِینَ» مبتداء است خبر آن بنا بر توجیه اول «ما نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِیُقَرِّبُونا إِلَی اللَّهِ زُلْفی»(4)، {ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی پرستیم } است به تقدیر قول. یا خبرش این جمله است «إِنَّ اللَّهَ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ» و بنا به توجیه دوم، خبر آن همین

1- . تفسیر بیضاوی 4: 22 - 23
2- . تفسیر بیضاوی 4: 25
3- . زمر / 3
4- . زمر / 3

جمله «إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ» است، بنا بر اين قولى كه در تقدير گرفته مى شود. حال يا بدل از صله و «زُلْفى» مصدر است و يا حال.

«لَوْ أَرادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَداً لَاصْطَفى مِمَّا يَخْلُقُ ما يَشاءُ سُبْحانَهُ هُوَ اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهَّارُ»(1)، {اگر خدا مى خواست براى خود فرزندى بگيرد، قطعاً از [ميان] آنچه خلق مى كند، آنچه را مى خواست برمى گزيد. منزّه است او، اوست خداى يگانه قهار. } اگر خدا بخواهد فرزندى بگيرد و چنانچه گمان مى كنند «لَاصْطَفى مِمَّا يَخْلُقُ ما يَشاءُ» زيرا هيچ موجودى وجود ندارد مگر اينكه مخلوق اوست. چون محال است دو واجب وجود داشته باشد و بايد غير واجب الوجود به واجب مستند شود و اين واضح است كه مخلوق شباهت به خالق ندارد تا فرزند او شود. سپس اين مطلب را با اين آيه بيان مى فرمايد: «هُوَ اللَّهُ الْواحِدُ الْقَهَّارُ» زيرا الوهيت واقعى تابع وجوبى است كه مستلزم ذاتى بودن آن است و اين منافات با شباهت است، چه رسد به تولد. زيرا هر كدام از دو مماثل و مشابه، مركب از يک حقيقت مشترک هستند و يک يقين مخصوص و قهار بودن مطلق، منافى با قبول زوالى است كه محتاج به فرزند باشد.

«وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ ما كانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ جَعَلَ لِلَّهِ أَنْداداً لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلاً إِنَّكَ مِنْ أَصْحابِ النَّارِ»(2)، {و چون به انسان آسيبى رسد، پروردگارش را - در حالى كه به سوى او بازگشت كننده است - مى خواند؛ سپس چون او را از جانب خود نعمتى عطا كند، آن [مصيبتى] را كه در رفعِ آن پيشتر به درگاه او دعا مى كرد، فراموش مى نمايد و براى خدا همتايانى قرار مى دهد تا [خود و ديگران را] از راه او گمراه گرداند. بگو: «به كفرت اندكى برخوردار شو كه تو از اهل آتشى.» }يعنى گرفتارى را كه از خدا درخواست مى كرد آن را بر طرف نمايد فراموش كرده، يا منظور اين است كه خدايش را كه تضرع به درگاه او مى كرد فراموش كرده.(3)

ص: 447

1- . زمر / 4
2- . زمر / 8
3- . تفسير بيضاوى 4: 26 – 29

«أَ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقاسِيَهِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولئِکَ فی ضَلالٍ مُبین»(1) ، {پس آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می باشد [همانند فرد تاریکدل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی کنند؛ ایناننند که در گمراهی آشکارند.}«أَ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ» خبر این دو جمله محذوف است که این قسمت از آیه شاهد آن است «فَوَيْلٌ لِلْقاسِيَهِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ» یعنی دلهایشان به واسطه اعراض از یاد او، سخت گردیده.(2)

«ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا» خدا برای مشرک و موحد مثال می زند «رَجُلًا فِيهِ شُرَكاءُ مُتَشاكِسُونَ وَ رَجُلًا سَلَماً لِرَجُلٍ» مثل مشرک بنا بر آنچه مقتضای اعتقاد است که هر کدام از خدایانش مدعی عبودیت و بندگی او هستند، مثال برده ای است که چند نفر مالک او باشند و هر کدام او را به جانب خود می کشند و او سرگردان است. و موحد مثل کسی است که فقط متعلق به یک نفر باشد و دیگری بر او راهی نداشته باشد.(3)

مرحوم طبرسی در آیه «أَ لَيْسَ اللَّهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ يُخَوِّفُونَکَ بِالَّذينَ مِنْ دُونِهِ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ»(4) ، { آیا خدا کفایت کننده بنده اش نیست؟ و [کافران] تو را از آنها که غیر اویند می ترسانند و هر که را خدا گمراه گرداند برایش راهبری نیست.} می نویسد: کفار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را از بت های خود می ترسانیدند و به ایشان می گفتند، نمی ترسی که خدایان ما تو را بکشند! گفته اند، وقتی خالد بن ولید به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواست بت عزی را در هم شکند، آنها گفتند مواظب باش که عزی سخت گیر است، ولی خالد با تبر بر بینی او نواخت و او را تکه تکه کرده گفت:

کفرانک یا عزی لاسبحانک سبحان من اهانک

کافرم به تو ای عزّی منزّه نیستی، منزّه کسی است که به تو اهانت کرد

1- . زمر / 22
2- . تفسير بيضاوى 4: 32
3- . تفسير بيضاوى 4: 34

4- . زمر / 36

«أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعاءَ قُلْ أَ وَ لَوْ كانُوا لا يَمْلِكُونَ شَيْئاً وَ لا يَعْقِلُونَ»(1)، {آیا غیر از خدا شفاعتگرانی برای خود گرفته اند؟ بگو: «آیا هر چند اختیار چیزی را نداشته باشند و نیندیشند؟» } جواب این استفهام محذوف است یعنی اگر چنین باشند که آنها مالک شفاعت نباشند و عقل هم نداشته باشند، آیا باز هم ایشان را می پرستید و امید شفاعت از آنها دارید «قُلْ لِلَّهِ الشَّفاعَةُ جَمِیعاً» یعنی احدی بدون اجازه خدا حق شفاعت ندارد «وَ إِذا ذُکِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ» وقتی نام خدا را می برند متنفر می شوند. گفته اند دلهایشان می گیرد.(2)

بیضاوی می نویسد: «وَ اتَّبِعُوا أَحْسَنَ ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَکُمُ الْعَذابُ بَغْتَهً وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُون»(3) ، {و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زنید شما را عذاب دررسد، نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید.» }یعنی تابع قرآن باشید یا اوامرش را اطاعت کنید نه اینکه آنچه را نهی کرده انجام دهید. یا منظور این است که تابع واجبات باشید نه غیر واجب. یا تابع ناسخ باشید نه منسوخ. شاید منظور این است که تابع چیزی باشید که بیشتر موجب نجات و سلامتی شما می شود مانند توبه و انابه و مواظبت طاعت و بندگی.(4)

«إِنَّ الَّذِینَ یُجادِلُونَ فِی آیاتِ اللَّهِ» کسانی که در آیات خدا مجادله می کنند. این حکم عمومی است گرچه آیه در باره مشرکین مکه و یهودیان نازل شده، موقعی که گفتند: تو آن پیامبری که ما انتظارش را داریم نیستی. مسیح بن داود است که بر دریا و خشکیها حاکم است و نهرها با او در جریان است «إِنْ فِی صُدُورِهِمْ إِلَّا کِبْرٌ» جز تکبر نسبت به حق و خود را برتر دانستن از نظر اندیشه و دانش، چیزی در دل ندارند. یا منظور اراده ریاست است. یا اینکه نبوت و سلطنت مال آنها باشد «ما هُمْ بِبالِغِیهِ» آنها نمی توانند از آیات خدا جلوگیری کنند یا به آرزوی خود برسند «لَخَلْقُ

1- . زمر / 43
2- . مجمع البیان 4: 781 - 782
3- . زمر / 55
4- . تفسیر بیضاوی 4: 41

السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ» آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر از آفرینش انسان است. کسی که قادر بر آفریدن جهان بدون ماده و مایه ای که قبلا وجود داشته باشد است، بر برگرداندن انسان وقتی که مایه و ماده ای هم وجود دارد، قادرتر است.(1)

«فَإِذا جاءَ أَمْرُ اللَّهِ» وقتی فرمان خدا به عذاب در دنیا و آخرت آمد «قُضِیَ بِالْحَقِ» به حق قضاوت می کند که واقع بین نجات یابد و یاوه سرا عذاب شود «وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ» آن معاندین که پیوسته طلب معجزه می کنند، با اینکه به اندازه کافی آن را دیده اند. (2)

در باره آیه «وَ قالُوا قُلُوبُنا فی أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونا إِلَيْهِ وَ فی آذانِنا وَقْرٌ وَ مِنْ بَیْنِنا وَ بَیْنِکَ حِجابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنا عامِلُون»(3)، {و گفتند: «دلهای ما از آنچه ما را به سوی آن می خوانی سخت محجوب و مهجور است. و در گوشهای ما سنگینی و میان ما و تو پرده ای است؛ پس تو کار خود را بکن ما [هم] کار خود را می کنیم.»}می نویسد: دلهای ما زیر پرده هایی است. اینها مثالهایی است از کوردلی آنها در مورد پذیرفتن دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و اعتقاد به دین او و کراهتی که از شنیدن گفتارش دارند و مخالفت و دوری که از او می نمایند «فَاعْمَلْ» به دین خود یا ابطال عقیده ما عمل کن «إِنَّنا عامِلُونَ» ما نیز عمل به دین خود یا ابطال دعوت تو می کنیم.(4)

مرحوم طبرسی می نویسد: گفته اند ابا جهل جامه ای را بین خود و پیامبر صلی الله علیه و آله بلند نموده گفت، یا محمد! تو از این طرف برو، ما از آن طرف. تو به دین خود عمل کن و ما به دین خودمان. «فَاسْتَقِیمُوا إِلَيْهِ» یعنی از راه او منحرف نشوید و از او اطاعت کنید. (5)

1- . تفسیر بیضاوی 4: 63
2- . تفسیر بیضاوی 4: 67
3- . فصلت / 5
4- . تفسیر بیضاوی 4: 71
5- . مجمع البیان 5: 4 - 5

در باره آیه «وَ قالَ الَّذینَ کَفَرُوا لا تَسْمَعُوا لِهذَا الْقُرْآنِ وَ الْغَوْا فیهِ لَعَلَّکُمْ تَغْلِبُون»(1) ، { و کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش مدهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید شما پیروز شوید.» }یعنی با قرآن با سخنان بیهوده و لغو و باطل مبارزه کنید «لَعَلَّکُمْ تَغْلِبُونَ» شاید به وسیله این لغو و باطل پیروز شوید و یاران محمد صلی الله علیه و آله سخن او را نشنوند. بعضی گفته اند، معنی «وَ الْغَوْا فِیهِ» یعنی سر و صدا کنید، سوت بزنید و رقاصی کنید.

دیگری گفته است، یعنی صدایتان را با شعر و رجز در مقابل او بلند کنید (ابن عباس و سدی گویند): چون از معارضه با قرآن مایوس شدند، چاره ای اندیشیدند و سفارش به گوش ندادن (سخنان پیامبر) کردند و اینکه کارهای بیهوده انجام دهند تا با قرآن مبارزه کنند.(2)

بیضاوی در باره آیه «وَ ما یُلَقَّاها إِلاَّ الَّذینَ صَبَرُوا وَ ما یُلَقَّاها إِلاَّ ذُو حَظٍّ عَظیم»(3)، {و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده اند نمی یابند، و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ، نخواهد یافت. }می نویسد: چنین صفتی، یعنی پاسخ بدی را به خوبی دادن را کسی نمی تواند انجام دهد «إِلَّا الَّذِینَ صَبَرُوا» مگر شکیبایان که جلوی نفس را از انتقام گرفتن باز می دارند «وَ ما یُلَقَّاها إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِیمٍ» و مگر کسانی که بهره فراوانی از نیکوییها و کمال نفس دارند. بعضی گفته اند «حَظٍّ عَظِیمٍ» بهشت است.(4)

«وَ لَوْ جَعَلْناهُ قُرْآناً أَعْجَمِیًّا» این آیه جواب آنها است که می گفتند چرا قرآن به زبان غیر عرب نازل نشده «لَقالُوا لَوْ لا فُصِّلَتْ آیاتُهُ» چرا به زبانی رسیده که ما نمی فهمیم «ءَ أَعْجَمِیٌّ وَ عَرَبِیٌّ» زبان غیر عربی برای عرب آورده شده. «أُولئِکَ یُنادَوْنَ مِنْ مَکانٍ بَعِیدٍ» مثالی برای نپذیرفتن آنها است، مثل کسی که او را از راه دور صدا بزنند.(5)

1- . فصلت / 26
2- . مجمع البیان 5: 16
3- . فصلت / 35
4- . تفسیر بیضاوی 4: 79
5- . تفسیر بیضاوی 4: 80 - 81

«شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ» یعنی دین نوح را بر پیامبر ما صلی الله علیه و آله تشریع نموده و ادیان دیگری که در فاصله بین این دو قرار داشت، و آن همان اصل مشترک بین ادیان است «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ» ایمان به آنچه لازم است و اطاعت از احکام خدا «وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» در این اصل اختلاف نورزید ولی فروع شرایع، مختلف است «وَ ما تَفَرَّقُوا» فیه، امم گذشته گفته اند، یعنی اهل کتاب «وَ إِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتابَ مِنْ بَعْدِهِمْ» منظور اهل کتابی هستند که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی می کردند یا مشرکینی که بعد از اهل کتاب وارث قرآن شدند «فَلِذلِكَ» یعنی به جهت این تفرقه یا کتاب یا علمی که به تو داده شده است.

«فَلِذلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْواءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكُمْ أَعْمالُكُمْ لا حُجَّةَ بَيْنَنا وَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»(1) ، {بنابراین به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ اعمال ما از آنِ ما و اعمال شما از آنِ شماست؛ میان ما و شما خصومتی نیست؛ خدا میان ما را جمع می کند، و فرجام به سوی اوست. } یعنی استدلال و دعوایی بین ما و شما نیست چرا که حق آشکار شده است و دیگر جای بحث و گفتگو نیست «وَ الَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ» کسانی که در دین خدا به استدلال می پردازند «مِنْ بَعْدِ ما اسْتُجِيبَ لَهُ» بعد از اینکه مردم دین خدا را پذیرفتند، یا بعد از آنکه خدا در روز بدر دعای پیامبرش را مستجاب کرد و او را یاری نمود، یا بعد از اینکه اهل کتاب دعوتش را پذیرفتند،«حُجَّتُهُمْ داحِضَةٌ» دلیل آنها باطل و زائق است.(2)

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلى قَلْبِكَ وَ يَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ»(3) ، {آیا می گویند: «بر خدا

1- . شوری / 15
2- . تفسیر بیضاوی 4: 87 - 88
3- . شوری / 24

دروغی بسته است؟» پس اگر خدا بخواهد بر دلت مُهر می نَهد؛ و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند. اوست که به راز دلها داناست. } آیه، بعید می شمارد که پیامبر بر خدا دروغ ببندد زیرا کسی افترا می زند که بر دلش مهر زده شده باشد و جاهل به پروردگار باشد؛ مثل این که می گوید، اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می زند تا جرات پیدا کنی دروغ بگویی. گفته اند «يَخْتِمْ عَلى قَلْبِکَ» یعنی قرآن را نگه می دارد و به تو وحی نمی کند. یا به تو صبر می دهد تا از آزار آنها دل شکسته نشوی.(1)

«وَ كَذلِکَ أَوْحَيْنا إِلَيْکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما كُنْتَ تَدْرى مَا الْكِتابُ وَ لاَ الْإيمانُ وَ لكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً نَهْدى بِهِ مَنْ نَشاءُ مِنْ عِبادِنا وَ إِنَّکَ لَتَهْدى إِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ»، (2) {وهمین گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است؟] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم، و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی. }یعنی بر تو چنین وحی کردیم و آنچه را وحی نموده، روح نامیده است زیرا دلها را زنده می کند. بعضی گفته اند منظور جبرئیل است و معنی این است که او را با وحی پیش تو فرستادیم «ما كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتابُ وَ لَا الْإِيمانُ» یعنی قبل از وحی، کتاب و ایمان را نمی دانستی. همین آیه دلیل است بر اینکه پیامبر قبل از نبوت متعبد به شریعتی نبوده. گفته، مراد ایمان است به چیزی که جز شنیدن راهی ندارد «وَ لكِنْ جَعَلْناهُ نُوراً» ولی برای او راهی، نور یعنی روح یا کتاب یا ایمان را، قرار دادیم . (3)

در باره آیه «وَ إِنَّهُ فى أُمِ الْكِتابِ لَدَيْنا لَعَلِىٌّ حَكيمٌ »(4) ، { و همانا که آن در کتاب اصلی [=لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پرحکمت است. }می نویسد: ام الکتاب لوح محفوظ است که اصل کتب آسمانی است «لدینا» نزد ما محفوظ از

1- . تفسیر بیضاوی 4: 91
2- . شوری / 52
3- . تفسیر بیضاوی 4: 98
4- . زخرف / 4

تغییر، «لعلی» یعنی در میان کتب آسمانی بسیار بلند مرتبه است زیرا فقط قرآن از میان آنها معجزه است. «حکیم»، صاحب حکمت بالغه است یا منظور این است که محکم است و نسخ پذیر نیست، «أَ فَنَضْرِبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحاً» آیا آن را از شما دور می کنیم که مجازا از این گفتار عرب است (ضرب الغرائب عن الحوض) بیگانه ها را از آب دور کردیم. (فاء) عاطفه است به فعل محذوف، یعنی آیا شما را رها می کنیم و ذکر را از شما دور می کنیم. «صفحا» مصدری است غیر مطابق با لفظ فعل، زیرا دور کردن ذکر، اعراض است. یا مفعول له است یا حال است به معنی صافح و اصل آن از این است که پشت گردن به آن بگردانی و گفته اند، به معنی جانب است که در این صورت ظرف خواهد بود.

«أَنْ کُنْتُمْ» یعنی (لئن کنتم) «فَأَهْلَکْنا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشاً» یعنی از قوم اسرافگر. زیرا خطاب را از آنها به پیامبر بر می گرداند و خبر از آنها می دهد. «وَ مَضی مَثَلُ الْأَوَّلِینَ» و در قرآن داستان عجیب آنها گذشت. در این آیه وعده ای است برای پیامبر صلی الله علیه و آله و تهدیدی است برای آنها، شبیه جریانهایی که برای گذشتگان اتفاق افتاده «وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبادِهِ جُزْءاً» یعنی از بندگانش برای او فرزند قرار داده اند و گفته اند ملائکه فرزند خدایند. این که فرزند را جزء نامیده، چون فرزند پاره تن والد است. و این مطلب دلیلی است بر محال بودن نسبت فرزند به خدای یکتا دادن.«وَ هُوَ کَظِیمٌ» دلش پر از ناراحتی است «أَ وَ مَنْ یُنَشَّؤُا فِی الْحِلْیَهِ» یعنی یا برای خدا قرار داده اند. «وَ جَعَلُوا الْمَلائِکَهَ الَّذینَ هُمْ عِبادُ الرَّحْمنِ إِناثاً أَ شَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُکْتَبُ شَهادَتُهُمْ وَ یُسْئَلُون» (1)، {و فرشتگانی را که خود، بندگان رحمانند، مادینه [و دختران او] پنداشتند. آیا در خلقت آنان حضور داشتند؟ گواهی ایشان به زودی نوشته می شود و [از آن] پرسیده خواهند شد.}این کفر دیگری است که (به خاطر آن) خداوند آنها را سرزنش می کند که بهترین و کاملترین بندگانش یعنی ملائکه را به صورت ناقص ترین و بی ارزش ترین آنها درآورند «أَ شَهِدُوا خَلْقَهُمْ» در

1- . زخرف / 19

موقع آفرینش آنها حضور داشتند که خداوند ملائکه را زن آفریده؛ زیرا ادعای چنین چیزی با مشاهده صحیح است.(1)

«کِتاباً مِنْ قَبْلِهِ» یعنی کتابی قبل از قرآن «قالَ أَ وَ لَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آباءَكُمْ قالُوا إِنَّا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ كافِرُون»(2) ، {گفت «هر چند هدایت کننده تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته اید برای شما بیاورم؟» گفتند: «ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم.» }یعنی اگر من دینی برای شما بیاورم که بهتر از راه پدرانتان باشد، آیا باز پیرو پدران خود هستید. این آیه حکایت از یک جریانی در گذشته می کند که به پیامبر آنها چنین فرمود؛ یا خطاب به پیامبر ما است صلی الله علیه و آله.

دلیل وجه اول این است که ابن عامر و حفص آیه را چنین قرائت کرده اند: «قالُوا إِنَّا بِما أُرْسِلْتُمْ بِهِ كافِرُونَ» یعنی اگر چه بهتر باشد، ما نمی پذیریم. تا پیامبر خود را از تفکر و اندیشه در این مورد مایوس کنند «بَلْ مَتَّعْتُ هؤُلاءِ» ما معاصرین پیامبر خود را از قریش نا امید کردیم «وَ آباءَهُمْ» به عمرهای طولانی و نعمت مغرور شدند و غرق در شهوترانی شدند.(3)

مرحوم طبرسی در آیه «وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ هذَا الْقُرْآنُ عَلى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظيمٍ»(4)، {و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر فرود نیامده است؟» } می نویسد: منظورشان از دو قریه، مکه و طائف است و آن دو مرد، یکی ولید بن مغیره از مکه و عروه بن مسعود ثقفی از طائف است. بعضی گفته اند عتبه بن ربیعه از مکه و ابن عبد یا لیل از طائف. و از ابن عباس نقل شده، ولید بن مغیره از مکه و حبیب بن عمر و ثقفی از طائف، زیرا این دو مرد در بین مردم متشخص و بسیار ثروتمند بودند. آنها چنین گمان می کردند که هر کس دارای ثروت و شخصیت باشد، به نبوت شایسته تر است. خداوند در رد آنها می فرماید: «أَ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ

1- . تفسیر بیضاوی 4: 99 - 102
2- . زخرف / 24
3- . تفسیر بیضاوی 4: 103 - 104
4- . زخرف / 31

رَبِّکَ» آیا آنها نبوت را بین بندگان خدا تقسیم می کنند؟ سپس می فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنا بَیْنَهُمْ مَعِیشَتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا» یعنی ما روزی را در زندگی، طبق مصالحی که می دانیم بین بندگان تقسیم می کنیم. هیچ کس را نمی رسد که در این موارد دخالت کند و همان طوری که بعضی را در ثروت بر بعض دیگر برتری داده ایم، در مورد نبوت نیز به هر کس صلاح می دانیم می دهیم «وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ» یعنی بعضی را فقیر و بعضی را ثروتمند میکنیم و این اختیار را به آنها نداده ایم، با اینکه چیز بی اهمیتی است، چگونه انتخاب پیامبر را با موقعیت و مقام ارجمندی که دارد به آنها واگذار می کنیم.

«لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیًّا»(1)، { بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند} وجه تفاوت ثروت بین بندگان، علاوه بر مصالحی که گفتیم، یکی این است که طبق مصالح و احتیاج هایی که دارند، یکدیگر را به خدمت بگمارند و از کار هم استفاده نمایند و به این وسیله نظام جهان قوام یابد. بعضی گفته اند، تا برخی به وسیله مال خود مالک برخی دیگر شوند و آنها را به بندگی بگیرند «وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ» یعنی ثواب یا بهشت و یا نبوت بهتر است از آنچه آنها از ثروت بر هم انباشته می کنند.(2)

«فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ»(3)، { پس اگر ما تو را [از دنیا] ببریم، قطعاً از آنان انتقام می کشیم.} یعنی یا پس از مرگ از امتت انتقام خواهیم گرفت «أَوْ نُرِیَنَّکَ الَّذِی وَعَدْناهُمْ» یا در زمان حیات تو آنچه به آنها از عذاب وعده داده ایم، دچار خواهیم کرد «فَإِنَّا عَلَیْهِمْ مُقْتَدِرُونَ» یعنی ما قادر بر انتقام هستیم و می توانیم در زمان حیات تو و بعد از وفاتت آنها را کیفر نماییم. حسن و قتاده گفته اند: خداوند پیامبرش را گرامی داشت به اینکه چنین کیفری را در زمان حیاتش به امت نداد و جز آنچه موجب خشنودی او شود انجام نداد، ولی بعد از او نقمت و انتقام شدیدی پیش آمد.

1- . زخرف / 32
2- . مجمع البیان 5: 71 - 76
3- . زخرف / 41

روایت شده که به پیامبر نشان دادند که امتش بعد از او چگونه دچار می شوند. از آن روز پیوسته گرفته بود و دیگر او را خندان ندیدند تا از دنیا رفت.

جابر بن عبد الله انصاری می گوید: در «حجه الوداع» در منی، من نزدیکترین شخص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم. فرمود: مبادا شما را ببینم که پس از من کافر شدید و گردن یکدیگر می زنید. به خدا سوگند اگر چنین کنید، مرا میان سپاهی خواهید دید که شما را در پیکار پاسخ می دهند؛ بعد متوجه پشت سر خود شده، سه مرتبه فرمود: علی علی علی. دیدیم که جبرئیل به او اشاره نمود. پشت سر آن این آیه نازل شد: «فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِکَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ» وقتی تو را بردیم، به وسیله علی از آنها انتقام خواهیم گرفت.

گفته اند که. در جریان بدر، پس از اینکه آن جناب را از مکه بیرون کردند، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشان دادند که چگونه از آنها انتقام خواهند گرفت. «وَ إِنَّهُ لَذِکْرٌ لَکَ وَ لِقَوْمِکَ» این قرآن موجب شخصیت و شرافت برای تو و قومت خواهد بود «وَ سَوْفَ تُسْئَلُونَ» در آینده از سپاس مقام و موقعیتی که به شما داده شده، بازخواست خواهید شد. گفته، از قرآن و وظیفه ای که نسبت به آن داشتید سؤال خواهند کرد.

«وَ سْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رُسُلِنا»(1) ، {و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو}یعنی از مؤمنان اهل کتاب بپرس. تقدیر چنین است. از امتهای پیشین بپرس. بعضی گفته اند معنای آیه این است: از انبیاء سؤال کن که در شب معراج خداوند آنها را برای پیامبر صلی الله علیه و آله جمع کرد و هفتاد نفر بودند از قبیل موسی و عیسی علیهم السلام. ولی از آنها سؤال نکرد چون او از جانب خدا، بیشتر از این انبیاء اطلاع داشت. (2)

در باره این آیه «وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّون»(3) ، { و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، بناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله

1- . زخرف / 45

2- . مجمع البيان 5: 75 - 76
3- . زخرف / 57

درانداختند [و اعراض کردند]}می نویسد: در مورد معنی آیه اختلاف نموده اند به چند صورت:

1. معنی آیه این است. چون طبق عقیده آنها، توجیه کردند که عیسی بن مریم هم در عذاب خواهد بود، و جریان از این قرار بود که وقتی آیه «إِنَّکُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَها وارِدُونَ»(1) ، {در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می پرستید، هیزم دوزخید. شما در آن وارد خواهید شد.} شما و خدایانتان در جهنم خواهید بود. مشرکان گفتند ما راضی هستیم، چون عیسی نیز با خدایان ما خواهد بود و این آیه اشاره به آن است «إِذا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّونَ» قوم تو به فریاد می آیند و با تو به مخاصمه می پردازند. این آیه مخاصمه آنها است: «وَ قالُوا أَ آلِهَتُنا خَیْرٌ أَمْ هُوَ» یعنی خدایان ما از عیسی بهتر نیستند، وقتی عیسی در جهنم باشد - چون او را پرستیده اند - پس خدایان ما هم باشند. ابن عباس و مقاتل این مطلب را نقل کرده اند.

2. معنی آیه را چنین گفته اند: چون خداوند آدم را برای خلقت عیسی مثل زده، در این آیه «إِنَّ مَثَلَ عِیسی عِنْدَ اللَّهِ کَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرابٍ»(2)، { در واقع، مَثَلِ عیسی نزد خدا همچون مَثَلِ [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت: «باش»؛ پس وجود یافت.}گروهی از کفار به این مطلب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتراض نمودند. این آیه از آن جهت نازل شد.

3. قتاده می گوید: چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عیسی و مادرش را ستود که او نیز مانند ادم است در ویژگی خلقتش، مشرکین گفتند که مقصود محمد این است که او را مانند عیسی که نصاری او را می پرستند، بپرستند.

4. نظری است که ائمه گرام از علی علیه السّلام نقل کرده اند که فرمود: روزی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتم، گروهی از قریش اطرافش را گرفته بودند، به من نگاهی کرده فرمود: یا علی، مثل تو در این امت چون عیسی است که گروهی او را دوست داشتند و در دوستی افراط کردند و هلاک شدند و گروهی او را دشمن داشتند و در دشمنی افراط نمودند، آنها نیز هلاک شدند؛ اما گروهی میانه رو

1- . الأنبياء / 98
2- . آل عمران / 59

بودند و نجات یافتند. این سخن بر قریش گران آمد و شروع به خنده کردند و گفتند، او را به انبیاء و رسل تشبیه می کند. بعد این آیه نازل شد: «وَ قالُوا أَ آلِهَتُنا خَيْرٌ أَمْ هُوَ» یعنی مسیح. یا محمد صلی الله علیه و آله، یا علی علیه السلام «لَجَعَلْنا مِنْكُمْ» به جای شما بنی آدم، ملائکه را قرار می دهیم که جانشین شما باشند.(1)

«أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ»(2) ، {یا در کاری ابرام ورزیده اند؟ ما [نیز] ابرام می ورزیم. } آنها در باره حضرت محمد صلی الله علیه و آله تصمیمی می گیرند، ما نیز در باره عذاب و کیفر آنها تصمیم می گیریم «أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُمْ»(3) ، {آیا می پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی شنویم؟ } سر، چیزی است که انسان در دل خود پنهان می کند به دیگری نمی گوید، ولی نجوی چیزی است که پنهانی به دیگری می گوید. (4)

بیضاوی درباره آیه «قُلْ إِنْ كانَ لِلرَّحْمنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعابِدِينَ»(5) ، { بگو: «اگر برای [خدایِ] رحمان فرزندی بود، خود من نخستین پرستندگان بودم.» }می نویسد: پیامبر صلی الله علیه و آله بهتر می دانست چه چیزی را می توان به خدا نسبت داد و چه چیزی را نمی توان. از کسانی که باید به آنها احترام کرد، او شایسته تر به احترام است. یکی از موارد احترام به پدر این است که احترام بچه اش را نگه دارند. از این آیه چنین استفاده نمی شود که صحیح است خدا بچه داشته باشد و بچه اش را عبادت کنند، زیرا امر محال موجب لازمه محالش نمی شود.

بعضی گفته اند، یعنی اگر بنا به ادعای شما، خدا را فرزندی باشد، من اولین عابد و پرستش کننده خدا و اعتراف کننده به یگانگی اویم. یا از مخالفین و معترضین به این عقیده هستم و از ماده (عبد یعبد) به معنی این که بیزار شد و ناراحت گردید است. یا معنی آیه این است که او را فرزند نیست و من اولین موحد مکه هستم «فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ» یعنی به کجا روی می آورید؟ از عبادت خدا به عبادت دیگری؟ !

1- . مجمع البیان 5: 80 - 81

2- . زخرف / 79

3- . زخرف / 80

4- . مجمع البيان 5: 87
5- . زخرف / 81

«وَ قِيلِهِ» يعنى قول پيامبر صلى الله عليه و آله و به واسطه اينكه عطف به «سِرَّهُمْ» گرديد يا عطف به محل «السَّاعَةِ» منصوب شده. يا فعل قيل در تقدير گرفته شده يعنى (قال قيله). عاصم و حمزه لفظ «قِيلِهِ» را مجرور كرده اند به جهت عطف به لفظ الساعه «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ» يعنى از آنها اعراض كن و مايوس از ايمان آنها باش «وَ قُلْ سَلامٌ» آسوده شدم از شما و رها كردم شما را. (1)

در باره آيه «تِلْکَ آياتُ اللَّهِ نَتْلُوها عَلَيْکَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِ حَديثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَ آياتِهِ يُؤْمِنُون» (2) {اين[ها]ست آيات خدا كه به راستى آن را بر تو مى خوانيم. پس، بعد از خدا و نشانه هاى او به كدام سخن خواهند گرويد؟} مى نويسد: يعنى به چه حديثى از آيات خدا؟ و اسم خدا را به خاطر تعظيم بر آيات مقدم داشته؛ چنانچه مى گويى اعجبنى زيد و كرمه. يا منظور بعد حديث الله است كه آن قرآن مى باشد: اما آيات آن، دلائل زيادى است كه در آن وجود دارد يا منظور از دلائل، قرآن است. و عطف به جهت مغايرت داشتن دو وصف است.

«قُلْ لِلَّذينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذينَ لا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْماً بِما كانُوا يَكْسِبُون» ، (3) {به كسانى كه ايمان آورده اند بگو تا از كسانى كه به روزهاى [پيروزىِ] خدا اميد ندارند درگذرند، تا [خدا هر] گروهى را به [سبب] آنچه مرتكب مى شده اند به مجازات رساند. }يعنى بگو به مؤمنين كه ببخشند و چشم پوشى كنند «لِلَّذِينَ لا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ» يعنى بگو به كسانى كه زمان پيش آمدهايى را كه نسبت به دشمنان خدا شده، انتظار ندارند و از اين گفته عرب استفاده شد «ايام العرب» يعنى حوادث و وقايع آنها. آيا اوقاتى را كه خداوند به مؤمنين براى ثواب و پاداش وعده داده، آرزو ندارند. گفته اند اين آيه به وسيله آيه قتال «لِيَجْزِيَ قَوْماً» منسوخ شده.

1- . تفسير بيضاوى 4: 115 - 116

2- . جاثيه / 6

3- . جاثيه / 14

«ثُمَّ جَعَلْناکَ عَلی شَرِیعَهٍ» شریعت یعنی طریقه، «مِنَ الْأَمْرِ» یعنی امر دین، «هذا» یعنی قرآن یا پیروی از آن، «بَصائِرُ لِلنَّاسِ» دلائلی است که بینش آنها را می افزاید و راه صلاح و رستگاری را می آموزند.(1)

«أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهً فَمَنْ یَهْدیهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ»(2) ، {پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟}یعنی پیروی هدایت را رها نموده و پیرو هوای نفس شده، گویا با این پیروی او را می پرستد. بعضی قرائت کرده اند «إِلهَهُ هَواهُ» او از سنگی خوشش می آید و آن را می پرستد، وقتی چیزی بهتر از او پیدا کند، آن را عبادت خواهد کرد. «وَ قالُوا ما هِیَ إِلاَّ حَیاتُنَا الدُّنْیا»(3)، {و گفتند: «غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست} «نَمُوتُ وَ نَحْیا» اموات و مرده بودیم و نطفه و پیش از نطفه و زنده شدیم بعد از آن یا می میریم و با به وجود آمدن فرزندان زنده می شویم. یا منظور این است که بعضی می میرند و بعضی زنده می شوند، یا مرگ و زندگی ما را فرا می گیرد و بعد از آن دیگر زندگی وجود ندارد. شاید منظور آنها تناسخ بوده است و تناسخ مذهب بیشتر بت پرستان است «وَ ما یُهْلِکُنا إِلَّا الدَّهْرُ» گذشت زمان ما را از بین می برد «وَ ما لَهُمْ بِذلِکَ مِنْ عِلْمٍ» یعنی حوادث را به حرکات افلاک و آنچه مربوط به آن است مستقلاً نسبت میدهند. یا اطلاعی از بعث ندارند یا هر دو. «إِنْ هُمْ إِلَّا یَظُنُّونَ» زیرا دلیلی ندارند و این حرف را از روی تقلید و انکار گفته اند چون چنین چیزی را درک نکرده اند. (4)

و در باره آیه «ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّی وَ الَّذینَ کَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ»(5) ، { [ما] آسمانها و زمین و آنچه را که

1- . تفسیر البیضاوی 4: 127 - 129
2- . جاسیه / 23
3- . جاسیه / 24
4- . تفسیر بیضاوی 4: 130 - 131

5- . احقاف / 3

میان آن دو است جز به حقّ و [تا] زمانی معیّن نیافریدیم، و کسانی که کافر شده اند، از آنچه هشدار داده شده اند روی گردانند.} به تقدیر اجلی که همه به آن منتهی می شوند که روز قیامت است؛ یا آخرین مدتی که برای هر کس مقدر شده «أَوْ أَثارَةٍ مِنْ عِلْمٍ» یا باقیمانده علمی که از پیشینیان به شما رسیده، آیا در آن علم چیزی هست که این بت ها را شایسته عبادت بداند یا امر به عبادت آنها کند؟.

«وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ یَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لا یَسْتَجیبُ لَهُ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ وَ هُمْ عَنْ دُعائِهِمْ غافِلُونَ»(1) ، {و کیست گمراه تر از آن کس که به جای خدا کسی را می خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی دهد، و آنها از دعایشان بی خبرند؟ }سرزنش و انکار است که آیا کسی گمراه تر از این مشرکین هست که عبادت خدای سمیع و مجیب و قادر و خبیر را رها کرده اند و روی به عبادت بتی آورده اند که اگر صدایشان را بشنود جواب آنها را نمی دهد، چه برسد که اسرار و راز دلهایشان را بفهمد و مراعات مصالح آنها را بنماید «إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ» تا دنیا باشد. «وَ هُمْ عَنْ دُعائِهِمْ غافِلُونَ» آنها از دعای این مشرکین غافلند، زیرا بت ها یا جمادند و یا بندگانی هستند که به کار و گرفتاریهای خود مشغولند. «قُلْ إِنِ افْتَرَیْتُهُ» بگو اگر فرض شود که من به دروغ این قرآن را آورده ام «فَلاَ تَمْلِکُونَ لِی مِنَ اللَّهِ شَیْئاً» یعنی اگر خداوند مرا دچار عقاب و کیفر نماید، شما قدرت جلوگیری عذاب از مرا ندارید، پس چگونه من جرأت دارم و خود را مستحق کیفر می کنم با اینکه از حرف شما نفعی و دفع ضرری نسبت به من متصور نیست.

«أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ قُلْ إِنِ افْتَرَیْتُهُ فَلا تَمْلِکُونَ لی مِنَ اللَّهِ شَیْئاً هُوَ أَعْلَمُ بِما تُفیضُونَ فیهِ کَفی بِهِ شَهیداً بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحیمُ»،(2) {یا می گویند: «این [کتاب] را بربافته است.» بگو: «اگر آن را بربافته باشم؛ در برابر خدا اختیار چیزی برای من ندارید. او آگاه تر است به آنچه [با طعنه] در آن فرومی روید. گواه بودن او میان من و شما بس است، و اوست آمرزنده مهربان.» } خدا بهتر می داند که شما چه ایرادتراشی هایی در مورد آیاتش می کنید.

1- . احقاف / 5
2- . احقاف / 8

«قُلْ ما کُنْتُ بِدْعاً مِنَ الرُّسُلِ وَ ما أَدْری ما یُفْعَلُ بی وَ لا بِکُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما یُوحی إِلَیَّ وَ ما أَنَا إِلاَّ نَذیرٌ مُبین»(1) ، {بگو: «من از [میان] پیامبران، نو درآمدی نبودم و نمی دانم با من و با شما چه معامله ای خواهد شد. جز آنچه را که به من وحی می شود، پیروی نمی کنم؛ و من جز هشداردهنده ای آشکار [بیش] نیستم.» }بگو، من در میان پیامبران چیز تازه ای نیاورده ام که شما را به آن دعوت کنم یا بر آنچه آنها قادر نبوده اند قدرت داشته باشم و هر چه شما مایلید انجام دهم «وَ شَهِدَ شاهِدٌ مِنْ بَنِی إِسْرائِیلَ»(2) {شاهدی از فرزندان اسرائیل به مشابهت آن [با تورات] گواهی داده } منظور عبد الله بن سلام است.

بعضی گفته اند، منظور موسی است علی نبینا و علیه الصلاه و السلام و گواهی او به آنچه در تورات از صفت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است «علی مثله» مانند قرآن و مطالبی است که در تورات گواه واقعیت قرآن است. یا اینکه قرآن از جانب خدا است.

«إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ»(3)، {البتّه خدا قوم ستمگر را هدایت نمی کند.» } این استیناف گواه است بر این که کفر آنها از ظلم و ستمشان به وجود آمده و دلیل بر یک جواب محذوف است، مثل اینکه پرسیده است: آیا شما ظالم نیستید؟ «وَ قالَ الَّذِینَ کَفَرُوا لِلَّذِینَ آمَنُوا لَوْ کانَ خَیْراً» کافران گفتند، اگر ایمان یا آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده خوب بود، ما سَبَقُونا إِلَیْهِ آنها بر ما سبقت به ایمان نمی گرفتند زیرا همه آنها اشخاص بی ارزشی چون فقیر و غلام و بیچاره هستند؛ این حرف را قریش گفتند. گفته اند، بنو عامر و غطفان و اسد و اشجع، چون جهینه و مزنه و اسلم و غفار ایمان آوردند (این را گفتند). یا وقتی عبد الله بن سلام و یارانش ایمان آوردند یهودیان گفتند. «بلاغ» یعنی مطلبی که پند می دهد. یا این سوره کافی است. یا تبلیغ پیامبر. (4)

1- . احقاف / 9
2- . احقاف / 10
3- . احقاف / 10
4- . تفسیر بیضاوی 4: 134 - 137، 144

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می نویسد: «وَ کَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَهٍ هِیَ أَشَدُّ قُوَّهً مِنْ قَرْیَتِکَ الَّتی أَخْرَجَتْکَ أَهْلَکْناهُمْ فَلا ناصِرَ لَهُمْ»(1) ، {و بسا شهرها که نیرومندتر از آن شهری بود که تو را [از خود] بیرون راند، که ما هلاکشان کردیم و برای آنها یار [و یاوری] نبود. }یعنی اهل آن قریهای که تو را اخراج کردند. معنی این است که مردان آنها قوی تر از اهالی مکه بودند.

«أَ فَمَنْ کانَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ کَمَنْ زُیِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ»(2)، {آیا کسی که بر حجّتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده اند؟ }یعنی دارای یقین در دین است و دلیل واضحی بر اعتقاد خود راجع به توحید و شرایع دارد «کَمَنْ زُیِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ» {چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده } آنها مشرکان هستند. و گفته اند از حضرت باقر روایت شده که منافقانند.

«وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ» {و از میان [منافقان] کسانی اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می دهند، }یعنی منافقان «قالُوا لِلَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ»(3)، {به دانش یافتگان می گویند } یعنی کسانی که خداوند به آنها علم و فهم داده، از مؤمنین.

اصبغ بن نباته از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل می کند که فرمود: وقتی وحی نازل می شد، ما با عده ای در خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم. ایشان وحی را بر ما می خواند و من حفظ می کردم. وقتی بیرون می رفتیم، دیگران می گفتند، «ما ذا قالَ آنِفاً» الآن چه چیزی گفت؟ ! و این سخن را از روی تمسخر می گفتند و یا می خواستند بگویند، ما توجهی به حفظ مطالب او نداریم.

بعضی گفته اند، این حرف را می زدند چون معنایش را نمی فهمیدند و نمی دانستند چه شنیده اند. گفته اند، از روی تحقیر می گفتند یعنی چیز با فایده ای

1- . محمد / 13
2- . محمد / 14

3- . محمد / 16

نگفت. ممکن است از روی ریا و نفاق بوده که سؤال می کردند. یعنی از گفتار او چیزی را از دست نداده ایم مگر همین مطلب را، چه گفت تا آن را حفظ کنیم؟ !. (1)

در باره آیه «لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُعَزِّرُوهُ وَ تُوَقِّرُوهُ وَ تُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصيلاً »(2)، { تا به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید. } یعنی او را با شمشیر و زبان یاری می کنید «إِنَّ الَّذِينَ يُبايِعُونَكَ» منظور بیعت حدیبیه است که بیعت رضوان نام دارد. (3)

در باره آیه «وَ اعْلَمُوا أَنَّ فيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطيعُكُمْ فى كَثيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإيمانَ وَ زَيَّنَهُ فى قُلُوبِكُمْ وَ كَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيانَ أُولئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»(4) ،{ و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از [رأی و میل] شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و آن را در دلهای شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین اند] ره یافتگانند. }می نویسد: یعنی در گناه و هلاکت می افتید «قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا» آنها گروهی از بنی اسد بودند که در سالی سخت و قحط خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده، اظهار اسلام کردند ولی در دل مؤمن نبودند و می خواستند از زکات چیزی بگیرند. خدا پیامبر را صلی الله علیه و آله از نیت آنها مطلع نمود و فرمود: به آنها اطلاع بده تا این، معجزه ای برای او باشد «قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا» بگو شما تصدیق واقعی نکرده اید.

«وَ لكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا»(5) ،{«ایمان نیاورده اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم. }بگو از ترس بردگی و کشته شدن تسلیم شده اید. «لا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمالِكُمْ» یعنی از ثواب اعمال شما چیزی کم نمی شود. می گویند وقتی این دو آیه نازل شد،

1- . مجمع البیان 5: 151 - 154
2- . فتح / 9
3- . مجمع البیان 5: 171
4- . حجرات / 7

5- . حجرات / 14

آنها خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده گفتند، ما در ادعای ایمان صادق هستیم. خداوند این آیه را نازل فرمود: «قُلْ أَ تُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِینِکُمْ» شما می خواهید اعتقاد خود را به خدا بفهمانید، خدا مطلع است و احتیاجی به اخبار شما ندارد. آنها می گفتند ما بدون جنگ به تو ایمان آوردیم اما فلان قبیله پس از جنگ ایمان آوردند. خداوند فرمود: «یَمُنُّونَ عَلَیْکَ أَنْ أَسْلَمُوا» یعنی به اسلام خود بر تو منت می گذارند.(1)

بیضاوی در مورد آیه «وَ کَمْ أَهْلَکْنا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشاً فَنَقَّبُوا فِی الْبِلادِ هَلْ مِنْ مَحیصٍ»(2) ، { و چه بسا نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [بس] نیرومندتر از اینان بودند و شهرها را درنوردیدند [امّا سرانجام] مگر گریزگاهی بود؟ } یعنی چقدر اقوامی را قبل از قوم تو هلاک کردیم «مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشاً» آنها قدرتشان بیشتر بود مانند عاد و ثمود «فَنَقَّبُوا فِی الْبِلادِ» دست تصرف در شهرها دراز کردند یا تمام نیروی خود را از ترس مرگ به کار بردند «هَلْ مِنْ مَحِیصٍ» آیا چاره ای از خدا یا مرگ هست؟. گفته اند ضمیر «نقبوا» مربوط به اهل مکه است یعنی در سفرهای خود میان اقوام و ملل بگردند (ببینند) آیا آنها چاره ای اندیشیده اند تا آنها نیز برای خود همان را پیدا کنند؟ «لِمَنْ کانَ لَهُ قَلْبٌ» کسی که قلب آگاهی دارد که حقایق را درک می کند «أَوْ أَلْقَی السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِیدٌ» و یا گوش داده است تا بشنود «وَ هُوَ شَهِیدٌ» ذهن خود را آماده می کند تا معنی آن را بفهمد. یا او به راستی آن گواه است و از ظاهرش پند می گیرد و از دستوراتش سرپیچی می کند «وَ ما أَنْتَ عَلَیْهِمْ بِجَبَّارٍ» یعنی تو بر آنها مسلط نیستی که آنها را به زور وادار به ایمان نمایی یا هر چه مایلی انجام دهی، تو(فقط) دعوت کننده هستی.(3)

«أَ تَواصَوْا بِهِ» یعنی گویا پیشینیان و حاضرین همه نسبت به این حرف سفارش کرده اند تا اینکه همه گفتند «بَلْ هُمْ قَوْمٌ طاغُونَ» یعنی آنها در یک مطلب که طغیان گری باشد مشترکند «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ» از مجادله با آنها اعراض کن «فَما أَنْتَ

1- . مجمع البیان 5: 199 - 209

2- . ق / 36

3- . تفسیر بیضاوی 4: 182 - 183

بِمَلُومٍ» بعد از اینکه وظیفه خود را در تبلیغ انجام دادی، تو را بر اعراض از آنها سرزنش نمی کنند.(1)

«فَذَکِّرْ فَما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِکاهِنٍ وَ لا مَجْنُونٍ»(2) ، {پس اندرز ده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه.} چنانچه می گویند «أَمْ یَقُولُونَ شاعِرٌ نَتَرَبَّصُ بِهِ رَیْبَ الْمَنُونِ» شاعری است که ما منتظریم دچار گرفتاریهای زمان شود. بعضی گفته اند (منون) مرگ است.

«قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِینَ»(3) ، {بگو: «منتظر باشید که من [نیز] با شما از منتظرانم.» } منتظر هلاک شما هستم، چنانچه شما منتظر مرگ من هستید «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلامُهُمْ» آیا عقل به آنها می گوید که معتقد به چنین تناقضی گردیده اند؟ زیرا کاهن صاحب دقت نظر و هوشیاری است و مجنون و دیوانه عقل ندارد. شاعر نیز دارای سخن موزون و تخیلی است که دیوانه نمی تواند چنان مسجع و با قافیه سخن بگوید «أَمْ هُمْ قَوْمٌ طاغُونَ» یا آنها از حد گذشته، (با تو) دشمنی دارند «أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ» از خودش درآورده است «بَلْ لا یُؤْمِنُونَ» چون ایمان ندارند این نسبتها را می دهند «أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَیْرِ شَیْ ءٍ» یا بی آنکه به وجود آورنده و مدبری وجود داشته باشد به وجود آنده اند. یا از جهت هیچ بودن عبادت و مجازات را قبول ندارند «أَمْ هُمُ الْخالِقُونَ» مؤید معنی اول این است که، آیا خود را به وجود آورده اند؟ و به همین جهت پشت سر آن، آمده است «بَلْ لا یُوقِنُونَ» یعنی وقتی از آنها می پرسی چه کسی شما و آسمانها و زمین را آفریده؟ می گویند خدا. اگر به این حرف خود یقین داشته باشند، از عبادت او روی بر نمی گردانند.

«أَمْ عِنْدَهُمْ خَزائِنُ رَبِّکَ»،(4) { آیا ذخایر پروردگار تو پیش آنهاست؟ } یعنی آیا خزائن رزق پروردگار نزد شما است تا نبوت را به هر کس که بخواهید بدهید؟ یا خزائن علم خدا در اختیار آنها است تا هر که را بخواهند انتخاب نمایند «أَمْ هُمُ

1- . تفسیر بیضاوی 4: 192 - 193
2- . طور / 29
3- . طور / 31
4- . طور / 37

الْمُصَيْطِرُونَ» {يا ایشان تسلّط [تامّ] دارند؟ }بر جهان و هر چه بخواهند می کنند. «أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ» یا وسیله رفتن بر فراز آسمانها را دارند؟ «أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْراً» یا پاداش به رسالت از آنها خواسته ای؟ «فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ» آنها به واسطه تعهدی که کرده اند زیر بار گرانی رفته اند؟ به همین جهت از پیروی تو سرباز زده اند. «وَ إِنْ یَرَوْا کِسْفاً» اگر بینند قطعه ای از آسمان «مِنَ السَّماءِ ساقِطاً یَقُولُوا» فرو ریزد، از طغیانگری و عنادشان می گویند، «سَحابٌ مَرْکُومٌ» ابری بر هم انباشته است. «فَإِنَّکَ بِأَعْیُنِنا» تو زیر نظر ما هستی و ما تو را حفظ می کنیم.(1)

مرحوم طبرسی در باره آیه «أَ فَرَأَیْتُمُ اللاَّتَ وَ الْعُزَّی *وَ مَناةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْری »(2) ، {به من خبر دهید از لات و عزّی، و منات آن سوّمین دیگر} می نویسد: یعنی به ما از این خدایانی که در مقابل خدا آنها را می پرستید و ملائکه را نیز با آنها پرستش می کنید و می گویید دختران خدایند، اطلاع دهید. بعضی گفته اند: دیدید ای جاهلان! که لات و عزی و منات دختران خدایند. گفته اند، آنها اعتقاد داشته اند که ملائکه دختران خدایند و بت ها را به صورت آنها تراشیده بودند و به همین جهت می پرستیدند و برای آنها اسمهایی از نامهای خدا گذاشته بودند. می گفتند لات از الله مشتق است و عزی از عزیز و گفته اند، لات بتی بود که قبیله ثقیف می پرستیدند و عزی نیز همینطور. بعضی گفته اند عزی درخت بزرگی بود در میان غطفان که او را می پرستیدند. پیامبر خالد بن ولید را فرستاد، آن را قطع کرد و این شعر را گفت:

ای «عزی» به تو کفر می ورزم. تو را پاک و منزه نمی دانم من خدای را دیدم که به تو اهانت کرده است.

از مجاهد و قتاده نقل شده که منات بتی بود مربوط به هذیل و بین مکه و مدینه بود. ضحاک و کلبی گفته اند در کعبه بود ولی متعلق به هذیل و خزاعه بود و اهل مکه او را می پرستیدند. گفته اند، لات و منات و عزی هر سه از سنگ بودند که در کعبه قرار داده بود و آنها را می پرستیدند.

1- . تفسیر بیضاوی 4: 199 - 201
2- . نجم / 19 - 20

معنی آیه این است که به من اطلاع دهید، آیا این بت ها سود یا زیان و یا عملی انجام می دهند که قابل پرستش باشند و در مقابل خدا قرار گیرند؟ سپس خدا در حالی اعتقاد قریش را که ملائکه و بت ها را دختران خدا می داند انکار می کند، می فرماید «أَ لَكُمُ الذَّكَرُ وَ لَهُ الْأُنْثى» آیا برای شما نر است و برای او ماده «تِلْكَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِيزى» این یک تقسیم غیر عادلانه است.(1)

در باره آیه «أَ فَرَأَيْتَ الَّذی تَوَلَّى»(2) {پس آیا آن کسی را که [از جهاد] روی برتافت دیدی؟ }این هفت آیه در باره عثمان بن عفان نازل شده. او از اموال خود صدقه می داد و انفاق می کرد. عبد الله بن سعد بن ابی سرح برادر رضاعی او گفت چکار می کنی؟ ممکن است فقیر و مستمند شوی. گفت من گناهی انجام داده ام که با این کار می خواهم رضا و عفو خدا را به دست آورم. برادرش گفت همین شترت را با تمام لوازم و زین و برگش به من بده تا من همه گناهان تو را بر دوش خود بپذیرم.

او هم پذیرفت و شترش را داد و چند نفر را هم شاهد بر این عمل گرفت و دیگر صدقه نداد. این آیه نازل شد «أَ فَرَأَيْتَ الَّذِی تَوَلَّى» یعنی روز احد فرار کرد و جنگ را رها نمود و مختصری بخشید بعد قطع کرد، تا این آیه «سَوْفَ يُرى» به زودی خواهید دید، عثمان باز به کار سابق خود برگشت. ناقل ابن عباس و گروهی از مفسران این را گفتهاند.

گفته اند در باره ولید بن مغیره نازل شده که پیرو دین پیامبر صلی الله علیه و آله شد. مشرکان او را سرزنش کردند و به او گفتند، دین آباء و اجداد خود را رها کرده و آنها را به گمراهی نسبت دادی و معتقدی آنها در آتش جهنم هستند. جواب داد، من از عذاب خدا ترسیدم. کسی که او را سرزنش می کرد ضمانت کرد که اگر مقداری از مالش را بدهد و از دین اسلام برگردد، او عذاب خدا را به جای مغیره تحمل نماید. او پذیرفت اما مقداری از پولی را که ضمانت کرده بود داد ولی از پرداخت بقیه خودداری نمود. این آیه نازل شد «أَ فَرَأَيْتَ الَّذِی تَوَلَّى» به ایمان پشت

1- . مجمع البیان 5: 266 - 268
2- . نجم / 30

کرد «وَ أَعْطی» به دوستش داد «قَلِیلاً وَ أَکْدی» مقداری بخشید و بقیه را بخل ورزید. مجاهد و ابن زید گفته اند.

گفته شده که در باره عاص بن وائل سهمی نازل شده، زیرا او با پیامبر در بعضی از کارها موافقت می کرده است. سدی نقل کرده که گفته اند در باره مردی نازل شد که به خانواده خود گفت، بار و بنه خود مرا ببندید تا پیش این مرد بروم و منظورش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. وسائل خود را برداشت و راه افتاد، در بین راه مردی از کفار او را دید، گفت کجا می روی؟ گفت می خواهم پیش محمد صلی الله علیه و آله بروم شاید بهره مند شوم. آن مرد گفت، بار و بنه ات را به من بده تا گناهانت را به عهده بگیرم. عطاء بن یسار نقل کرده. بعضی نیز گفته اند در باره ابا جهل نازل شده، او می گفت به خدا قسم محمد به ما جز مکارم چیز دیگری نمی آموزد. این گفته اوست «وَ أَعْطی قَلِیلاً وَ أَکْدی» یعنی ایمان به او نیاورد. محمد بن کعب گفته است. (1)

بیضاوی در باره آیه «وَ إِنْ یَرَوْا آیَةً یُعْرِضُوا وَ یَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ»(2) ، {و هرگاه نشانه ای ببینند روی بگردانند و گویند: «سحری دایم است.» } یعنی پشت سر هم. این آیه دلیل است بر اینکه آنها قبل از این هم آیات دیگری را مشاهده کرده اند و این حرف را زده اند. یا معنی «مُسْتَمِرٌّ» یعنی محکم است که از ماده مر است. یا معنی این است که سحری است بد از ماده (استمر) یعنی خیلی تلخ. یا منظور گذشتنی است و دوام ندارد به معنی (مار) «وَ کُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ» منتهی به مقداری از خواری و ذلت می شود. یا نصرت دنیا، و شقاوت یا سعادت در آخرت.(3)

«أَمْ یَقُولُونَ نَحْنُ جَمِیعٌ» یعنی ما متحد هستیم و همگی یک حرف می زنیم «مُنْتَصِرٌ» شکست ناپذیریم، یا به ما کمک می شود و مغلوب نخواهیم شد. یا به یکدیگر کمک می کنیم. «سَیُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ یُوَلُّونَ الدُّبُرَ» یعنی پشت می کنند و لفظ دبر را مفرد آورده چون جنس را تقدیر گرفته. یا معنی این است که هر کدام پشت

1- . مجمع البیان 5: 270 - 271
2- . قمر / 2
3- . تفسیر بیضاوی 4: 212

می کنند، این جریان در جنگ بدر اتفاق افتاد. «وَ لَقَدْ أَهْلَکْنا أَشْیاعَکُمْ» یعنی شبیه شما را در کفر از پیشینیان، از بین برده ایم. (1)

در باره آیه «أَ فَرَأَیْتُمْ ما تُمْنُونَ»(2)، {آیا آنچه را [که به صورت نطفه] فرو می ریزید دیده اید؟}یعنی آیا آنچه در رحم مادران از نطفه قرار دادید را دیدید.

«أَ فَرَأَیْتُمْ ما تَحْرُثُونَ» آنچه تخمش را می کارید. «أَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ» شما آن را می رویانید «لَجَعَلْناهُ حُطاماً» آن را پژمرده و خزان زده قرار دادیم. «فَظَلْتُمْ تَفَکَّهُونَ» شما تعجب کردید. یا از فعالیتی که در این مورد کرده اید. یا در باره آنچه از معاصی انجام داده اید، با هم گفتگو می کنید. در این مورد، «تفکه» استفاده از انواع میوه ها است و اینجا مجازا در مورد گفتگو و صحبت به کار رفته است. «إِنَّا لَمُغْرَمُونَ» ما متعهد غرامت آنچه انفاق نموده ایم هستیم. یا ما به خاطر نابودی رزق مان هلاک می شویم، از (غرام)آمده. «بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ» از روزی خود محروم شدیم «أَ أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ» مزن یعنی ابر و مفرد آن مزنه است. گفته اند (مزن) ابر سفید است و آبش گواراتر است. «لَوْ نَشاءُ جَعَلْناهُ أُجاجاً» اگر بخواهیم آن آب را شور قرار می دهیم؛ یا ممکن است از اجیج که لب را می سوزاند باشد. «فَلَوْ لا تَشْکُرُونَ» چرا سپاس این نعمتها را نمی گذارید.

«أَ فَرَأَیْتُمُ النَّارَ الَّتِی تُورُونَ» آتشی را که می افروزید «أَ أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَها أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِؤُنَ»(3)، {آیا شما [چوبِ] درختِ آن را پدیدار کرده اید، یا ما پدیدآورنده ایم؟} «نَحْنُ جَعَلْناها» ما قرار دادیم آتش افروز را «تَذْکِرَةً» سبب توجه راجع به قیامت یا توجه به تاریکی. یا بیداری. و یا نمونه ای از آتش جهنم. «وَ مَتاعاً لِلْمُقْوِینَ» سبب بهره برداری کسانی که شکم هایشان خالی است؛ از لفظ «اقوت الدار» وقتی خالی از سکنه باشد «فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّکَ الْعَظِیمِ» تسبیح کن به نامش یا به یادش «فَلا أُقْسِمُ» یعنی قسم نمی خورم چون مطلب واضح تر از آن است که قسم بخورم. یا

1- . تفسیر بیضاوی 4: 218

2- . واقعه / 58

3- . واقعه / 72

معنی این است که قسم می خورم و (لا) برای تاکید آمده. یا این طور بوده، فلانا اقسم که (انا) مبتدا بوده و حذف شده و لام ابتداء باقی مانده.

دلیل بر این مطلب قرائتی است که خوانده «فَلا أُقْسِمُ» یا (فلا) در رد سخن مخالف، جمله ایست که برای آن قسم خورده می شود «مثل اینکه می گویند نه نه قسم می خورم».

«بِمَواقِعِ النُّجُومِ» محل سقوط آنها. یا مدار و مسیر آنها. گفته، نجوم قرآن است و مواقع آن مواقع نزول آیات است «وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ» زیرا قسم خوردن به آن، شاهد عظمت قدرت و کمال حکمت و رحمت بی پایان خدا است «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ» کریم یعنی پر فایده «فِی كِتابٍ مَكْنُونٍ» در کتابی محفوظ یعنی لوح محفوظ. «لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» یعنی اطلاع از لوح پیدا نخواهند کرد مگر پاکان از تیرگی های جسمانی و آنها ملائکه هستند. یا منظور این است که قرآن را مس نمی کنند مگر کسانی که پاک از حدث باشند، در این صورت نفی به معنی نهی است (نباید مس کنند). یا در جستجوی آن نیستند مگر پاکان از کفر «أَ فَبِهذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ» یعنی آیا راجع به این مطلب سستی می ورزید، مثل کسی که در کاری سستی می کند. «وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ» یعنی شکر روزی خود را «أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ» شما لطف کننده آن تکذیب می کنید زیرا آنها را یعنی نعمت ها را به حرکت ستاره ها نسبت می دهید (آمدن باران و خشکسالی و یا سود و زیان را به حرکت ستاره نسبت می دادند).[1]

«أَ لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا» یعنی وقت آن نرسیده که دلهایشان از ذکر خدا خاشع شود «وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِ» یعنی قرآن. عطف به ذکر است که عطف یک وصف است به وصف دیگر؛ و ممکن است مراد از ذکر، یاد خدا باشد «فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ» یعنی زمان به اندازه مدت عمرشان به طول انجامید. یا آرزوهایشان. یا بین آنها و پیامبران.[2]

1- . تفسیر بیضاوی 4: 236 - 239
2- . تفسیر بیضاوی 4: 245

مرحوم طبرسی می نویسد: گفته شده آیه «أَ لَمْ یَأْنِ لِلَّذِینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللَّهِ وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لا یَکُونُوا کَالَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَیْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ کَثِیرٌ مِنْهُمْ فاسِقُون»(1)، {آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دلهایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دلهایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟} یک سال پس از هجرت در باره منافقین نازل شده است. جریان چنین بود که روزی از سلمان خواستند که آنچه از عجائب در تورات است برایشان نقل کند. این آیه نازل شد «الر تِلْکَ آیاتُ الْکِتابِ الْمُبِینِ» تا این آیه «لَمِنَ الْغافِلِینَ»(2) به آنها گفت قرآن بهترین قصه ها است و از همه کتابها سودش برای آنها بیشتر است. دیگر با سلمان صحبت نکردند. تا مدتی بعد، باز دوباره آمدند و مانند همان سؤال اول را کردند. این آیه نازل شد «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِیثِ کِتاباً». که دوباره از سؤال از سلمان خودداری کردند.

ابن مسعود گفت، فاصله بین اسلام ما و سرزنشی که به وسیله این آیه شدیم چهار سال بود.

مؤمنین یکدیگر را سرزنش می کردند. گفته اند خداوند دلهای مؤمنین را پس از 13 سال از نزول قرآن سنگین دید و آنها را با این آیه سرزنش کرد. ابن عباس گفته، نقل شده که اصحاب در مکه در قحطی و سختی گرفتار بودند، وقتی مهاجرت کردند، به نعمت و فراوانی رسیدند. تغییر روش دادند و دلهایشان سنگین شد، با اینکه باید با مصاحبت قرآن، افزایش ایمان و یقین و اخلاص پیدا می کردند. از محمد بن کعب نقل شده. (3)

ص: 473

1- . حدید / 16
2- . یوسف / 1 - 3
3- . مجمع البیان 5: 357 - 358

بیضاوی در باره آیه «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ وَ یَغْفِرْ لَکُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحیمٌ»(1)، {ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزنده مهربان است.} یعنی ای کسانی که به پیامبران پیشین ایمان آورده اید، از خدا بپرهیزید و به پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله ایمان بیاورید «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ» شما را دو بهره می دهد «مِنْ رَحْمَتِهِ» از رحمت خود؛ برای ایمان به پیامبر اسلام و پیامبران قبل. بعید نیست که بر دین گذشته خود، به برکت اسلام پاداش بگیرند، گر چه دین آنها منسوخ شده بود.

گفته اند خطاب به نصارای زمان پیامبر است «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» منظور از آن نور، نوری است که در این قسمت بیان می کند «یَسْعی نُورُهُمْ» یا هدایتی که به وسیله آن رهسپار بهشت می شوند «لِئَلَّا یَعْلَمَ» تا بدانند که. (لا) زائد است و دلیل آن این است که (لیعلم، قرائت شده) لکی یعلم و لان یعلم به ادغام نون در یا است.

«لِئَلاَّ یَعْلَم أَهْلُ الْکِتابِ أَلَّا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْ ءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»(2)، {تا اهل کتاب بدانند که به هیچ وجه فزون بخشی خدا در [حیطه] قدرت آنان نیست} یعنی آنها به چیزی از فضل خدا نائل نمی شوند، زیرا آنها ایمان به پیامبرش نیاورده اند و بهره برداری از فضل خدا مشروط به ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله است، چه برسد که پیامبری را به هر کس که می خواهند اختصاص بدهند!. بعضی گفته اند (لا) زائد نیست و معنی این است که تا اهل کتاب معتقد نشوند که پیامبر و مؤمنین قدرت بر چیزی از فضل خدا ندارند و به آن نائل نمی شوند «وَ أَنَّ الْفَضْلَ» عطف به «لِئَلَّا یَعْلَمَ» است.(3)

1- . حدید / 28
2- . حدید / 29
3- . تفسیر بیضاوی 4: 250

و در باره آیه «إِنَ الَّذینَ یُحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ کُبِتُوا کَما کُبِتَ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ قَدْ أَنْزَلْنا آیاتٍ بَیِّناتٍ وَ لِلْکافِرینَ عَذابٌ مُهینٌ »(1) {بی گمان، کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می کنند ذلیل خواهند شد، همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند ذلیل شدند، و به راستی آیات روشن [خود] را فرستاده ایم، و کافران را عذابی خفّت آور خواهد بود. }آنها که با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دشمنی می ورزند «کُبِتُوا» یعنی خوار شده اند یا هلاک شده اند.(2)

«أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ تَوَلَّوْا» یعنی گروهی را که خدا بر آنها خشم گرفته دوست می دارند، منظور یهودیان است «ما هُمْ مِنْکُمْ وَ لا مِنْهُمْ» زیرا آنها موافقند و بین مؤمنین و کفار در رفت و آمدند «وَ یَحْلِفُونَ عَلَی الْکَذِبِ» ادعای اسلام می کنند و قسم می خورند، با اینکه خود می دانند دروغ می گویند. روایت شده که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از خانه های خود بود. فرمود: هم اکنون مردی وارد می شود که دلش دل یک ستمکار است و با دیده شیطان می نگرد. در این موقع عبد الله بن نتیل منافق که چشمهای آبی داشت وارد شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: چرا تو و یارانت مرا ناسزا می گویید؟ قسم خورد چنین نکرده ام. دوستان خود را آورد، آنها نیز قسم خوردند. این آیه نازل شد. «اتَّخَذُوا أَیْمانَهُمْ» قسم های خود را وسیله حفظ جان و مال خویش قرار می دهند «فَصَدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ» چون خود را در پناه اسلام قرار داده بودند و از خویش آسوده بودند، سعی در انحراف مردم از اسلام داشتند «اسْتَحْوَذَ عَلَیْهِمُ الشَّیْطانُ» شیطان بر آنها مسلط شده. (3)

و در باره آیه «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَتَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ قَدْ یَئِسُوا مِنَ الْآخِرَهِ کَما یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ »(4) ، {ای کسانی که ایمان آورده اید، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی مگیرید. آنها واقعاً از آخرت سلب امید کرده اند، همان گونه که کافرانِ اهل گور قطع اُمید نموده اند. } (دوستی نکنید با

1- . مجادله / 5
2- . تفسیر بیضاوی 4: 253
3- . تفسیر بیضاوی 4: 256 - 257
4- . ممتحنه / 13

گروهی که خدا بر آنها خشم گرفته) می نویسد: یعنی تمام کفار یا یهود. چون روایت شده است که این آیه در باره عده ای از فقراء مسلمان نازل شده که با یهودیان ارتباط داشتند تا از آنها چیزی نصیبشان شود. «قَدْ یَئِسُوا مِنَ الْآخِرَهِ» از آخرت مایوس هستند چون به آن کافر می باشند، یا چون می دانند در آخرت بهره ای ندارند؛ به خاطر اینکه با پیامبری که توسط تورات خودشان بشارت داده شده و مؤید به معجزات است، دشمنی ورزیدند.

«کَما یَئِسَ الْکُفَّارُ مِنْ أَصْحابِ الْقُبُورِ» چنانچه کافران از مرده ها مایوسند که محشور شوند یا ثوابی به آنها داده شود یا از آنها بهره ای بگیرند.(1)

مرحوم طبرسی در باره آیه «هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ»(2)، { اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. } می نویسد: یعنی در میان عرب که مردمی بی سواد بودند و پیامبری به سوی آنها فرستاده نشده بود. گفته اند منظور اهل مکه است زیرا به مکه ام القری می گفتند «وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ» به آنها کتاب یعنی قرآن و حکمت و شرایع می آموزد. گفته اند، حکمت شامل کتاب و سنت و هر چه خدا اراده نموده می شود. «قُلْ یا أَیُّهَا الَّذِینَ هادُوا» بگو ای یهودیان «إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّکُمْ أَوْلِیاءُ لِلَّهِ» اگر خیال می کنید شما دوست خدا هستید و خدا یاریتان می کند. «مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» اگر شما فرزندان خدا و دوستان او هستید، آرزوی مرگ کنید زیرا مرگ شما را به او می رساند. روایت شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر آرزوی مرگ می کردند همه شان می مردند.(3)

1- . تفسیر بیضاوی 4: 271 - 272

2- . جمعه / 2

3- . مجمع البیان 5: 428 - 433

بیضاوی در باره آیه «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذاباً شَدیداً فَاتَّقُوا اللَّهَ یا أُولِی الْأَلْبابِ الَّذینَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْراً»(1)، {خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید. راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است} می نویسد: یعنی جبرئیل، به واسطه اینکه زیاد ذکر او می شود، یا برای اینکه ذکر را می آورد که قرآن است. یا چون در سماوات مذکور است، یا صاحب ذکر است یعنی شرافت، یا منظور محمد صلی الله علیه و آله است به خاطر مواظبتی که از قرآن می کند و یا آن را تبلیغ می نماید - از ارسال به انزال تعبیر شده - یا به خاطر اینکه او واسطه انزال وحی است. و از او برای بیان کردن، به رسول بدل آورده، یا منظور قرآن است.

(رسولا) منصوب به فعل مقدر مانند (ارسل یا ذکر) است و رسول مفعول آن است یا بدل از آن، بنا بر اینکه به معنی رسالت باشد. (2)

در باره آیه «هُوَ الَّذی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولاً فَامْشُوا فی مَناکِبِها وَ کُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَیْهِ النُّشُورُ»(3)، { اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سویِ اوست.} یعنی زمین را نرم کرد تا برای شما استفاده از آن آسان باشد «فَامْشُوا فِی مَناکِبِها» راه بروید در اطراف آن یا کوههایش «فَإِذا هِیَ تَمُورُ» ناگهان مضطرب می شود «کَیْفَ نَذِیرِ» ترسانیدن من چگونه است «فَکَیْفَ کانَ نَکِیرِ» چگونه است انکار من بر آنها به انزال عذاب. «صافَّاتٍ» یعنی بالهای خود را در آسمان هنگام پرواز گشاده اند زیرا وقتی بال می گشایند، سینه های خود را صاف نگه می دارند «وَ یَقْبِضْنَ» و گه گاه وقتی بالها را به پهلوی خود می زنند، آنها را به هم می چسبانند تا قدرت بر حرکت پیدا کنند «ما یُمْسِکُهُنَ» آنها را در آسمان نگه نمی دارد (بر خلاف طبع که باید به زمین بیافتند) «إِلَّا الرَّحْمنُ» جز خدای رحمان که رحمتش همه چیز را فرا گرفته. که

1- . طلاق / 10
2- . تفسیر بیضاوی 4: 290 - 291
3- . ملک / 15

آنها را با اندامهایی برای حرکت در آسمان آفریده است. «أَمَّنْ هذَا الَّذِی هُوَ جُنْدٌ لَکُمْ» منظور بت ها است.

«إِنْ أَمْسَکَ رِزْقَهُ» یعنی باران نفرستد و سایر لوازمی که موجب روزی می شود «أَ فَمَنْ یَمْشِی مُکِبًّا عَلی وَجْهِهِ» یعنی کسی که به واسطه ناهمواری راه پیوسته بر زمین می افتد - به همین جهت خلاف آن را نیز ذکر نموده - «أَمَّنْ یَمْشِی سَوِیًّا» یعنی یا کسی که سالم از لغزش و راست راه می رود «عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» راهی که صاف و مرتب است. این مثالی است برای مشرک و موحد که در طریق زندگی و دین حرکت می کنند. گفته اند منظور از مکب کور است و از سویّ، بینا «یَمْشِی مُکِبًّا» کسی است که به صورت در آتش جهنم می افتد «أَمَّنْ یَمْشِی سَوِیًّا» کسی که با پاهای خود به جانب بهشت رهسپار می گردد.

«إِنْ أَصْبَحَ ماؤُکُمْ غَوْراً» {اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود }در زمین فرو رود به طوری که نتوان آن را بیرون کشید «فَمَنْ یَأْتِیکُمْ بِماءٍ مَعِینٍ»، { چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟ }.(1)

(ن) از اسمهای حروف تهجی است. گفته اند اسم ماهی است و مراد جنس ماهی است یا مراد یهموت است که زمین روی آن قرار دارد یا دوات است؛ زیرا از بعضی ماهی ها ماده سیاهی خارج می شود که با آن می نویسند «وَ الْقَلَمِ» که با آن می نویسند و یا با آن خط می کشند، به واسطه فایده زیاد به آن قسم خورده «وَ ما یَسْطُرُونَ» و آنچه می نویسند. «ما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ» جمله جواب قسم است یعنی تو دیوانه نیستی. خدایت نعمت نبوت و کمال درایت را عنایت فرموده «وَ إِنَّ لَکَ لَأَجْراً» به خاطر تحمل ناراحتیها یا تبلیغ «غَیْرَ مَمْنُونٍ» یعنی فنا ناپذیر. یا به وسیله آن اجر از جانب مردم بر تو منت نهاده شده «بِأَیِّکُمُ الْمَفْتُونُ» کدام یک به جنون فریفته شده. و با زائد است یا معنی این است که کدام یک دیوانه هستند.

ممکن است مفتون مصدر باشد مانند معقول و مجلود، یعنی کدام یک از دو گروه مجنون هستند مؤمنین یا کافران و در کدام گروه، کسی که این اسم بر او صادق است یافت می شود «وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَیُدْهِنُونَ» دوست دارند تو با آنها مماشات کنی،

1- . تفسير بيضاوى 4: 300 - 303

از شرک جلوگیری نکنی و موافق با خواسته آنها حرکت کنی؛ آنها نیز از طعن و بدگوئی دست بردارند «لا تُطِعْ کُلَّ حَلَّافٍ مَهِینٍ» پیرو هر زیاد قسم خور پست نشو. «هَمَّازٍ» عیبجو «مَشَّاءٍ بِنَمِیمٍ» پیوسته سخن چینی از این آن می کند. «مَنَّاعٍ لِلْخَیْرِ» مردم را از کار نیک که ایمان آورد یا انفاق کند و عمل صالح انجام دهد باز می دارد. «مُعْتَدٍ أَثِیمٍ» زیاد ستم روا می دارد و فراوان گناه می کند «عُتُلٍّ» ستمکار زیاده خواه «بَعْدَ ذلِکَ زَنِیمٍ» بعد از این همه عیوب، پست فطرت است.

گفته اند منظور ولید بن مغیره است که پس از 18 سال از تولدش، پدرش او را فرزند خود نامید. بعضی گفته اند اخنس بن شریق است که از قبیله ثقیف است ولی جزو قبیله زهره به شمار می رود «أَنْ کانَ ذا مالٍ و بنین» ، «إِذا تُتْلی عَلَیْهِ آیاتُنا قالَ أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ» چون ثروتمند و دارای فرزندان زیاد است، از روی غرور می گوید، آیات ما داستانهای گذشته است. عامل در اذا معنی قال است نه خود او، زیرا ما بعد شرط، در ما قبل عمل نمی کند. ممکن است علت برای «لا تُطِعْ» باشد، یعنی اطاعت نکن زیرا چنین است.

«سَنَسِمُهُ عَلَی الْخُرْطُومِ» بینی او را داغ می گذاریم. ولید بن مغیره در جنگ بدر جراحتی بر بینی برداشت که اثرش باقی ماند. بعضی گفته اند کنایه از این است که او را ذلیل و خوار می کنم یا صورتش را روز قیامت سیاه خواهیم کرد.(1)

«إِنَّ لَکُمْ فِیهِ لَما تَخَیَّرُونَ» یعنی برای شما است آنچه انتخاب کنید و مایل باشید. «أَمْ لَکُمْ أَیْمانٌ عَلَیْنا» یا ما قسم خورده ایم و قرارداد بسته ایم «بالِغَهٌ» قرارداد خیلی محکم «إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ» یعنی به شما قول می دهیم که تا روز قیامت به آن قرارداد عمل کنیم و در آن روز، خدا بین ما و شما قضاوت کند.

«او ببالغه» یعنی قسمی و قراری که به آن برسد «إِنَّ لَکُمْ لَما تَحْکُمُونَ» جمله جواب قسم است «سَلْهُمْ أَیُّهُمْ بِذلِکَ زَعِیمٌ» کدام یک ادعای این حکم را می کند «أَمْ لَهُمْ شُرَکاءُ» یا آنها در این حکم «فَلْیَأْتُوا بِشُرَکائِهِمْ إِنْ کانُوا صادِقِینَ» شرکاء خود را بیاورند، اگر راست می گویند؛ زیرا لاَ اقل تقلید کرده اند «سَنَسْتَدْرِجُهُمْ» به زودی آنها را پس از مهلت دادن و صحت جسم و افزایش نعمت، درجه درجه به عذاب نزدیک

1- . تفسیر بیضاوی 4: 304 - 306

می کنیم «إِنَّ کَیْدِی مَتِینٌ» کسی نمی تواند جلوی نقشه مرا بگیرد. نام انعام خدا کید گذاشته شده زیرا به صورت کید است «وَ إِنْ یَکادُ الَّذِینَ کَفَرُوا لَیُزْلِقُونَکَ بِأَبْصارِهِمْ» یعنی آنها به واسطه شدت عداوت با تو، با گوشه چشم و با کمال خشم نگاه می کنند. می خواهند تو را به زمین بزنند و هدف تیر خود قرار دهند.(1)

در باره آیه «فَلا أُقْسِمُ بِما تُبْصِرُونَ *وَ ما لا تُبْصِرُونَ»(2)، {پس نه [چنان است که می پندارید]، سوگند یاد می کنم به آنچه می بینید، و آنچه نمی بینید.} یعنی آنچه دیده می شود و آنچه غیب و نادیدنی است، و این شامل خدا و تمام مخلوقات می شود «وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا بَعْضَ الْأَقاوِیلِ».

افتراء را تقول نامیده زیرا سخن ناصحیح است «لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمِینِ» جانب راستش را می گیریم «ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِینَ» بعد رگهای دلش را با گردن زدن قطع می کنیم. و این مجسم نمودن هلاک دوست به صورتی است که پادشاهان با دشمنان خویش می کنند. جلاد با دست راست او را می گیرد و با شمشیر گردنش را می زند. بعضی گفته اند (یمین) به معنی نیرو است «فَما مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حاجِزِینَ» هیچ کدام نمی توانند جلوی (قتل) یا مقتول را بگیرند.

«وَ إِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَی الْکافِرِینَ» زمانی که ثواب مؤمنین را ببینند، کافران حسرت می خورند «وَ إِنَّهُ لَحَقُّ الْیَقِینِ» یقینی است که شک بردار نیست.(3)

در باره آیه «عَلی أَنْ نُبَدِّلَ خَیْراً مِنْهُمْ وَ ما نَحْنُ بِمَسْبُوقین»(4)، {که به جای آنان بهتر از ایشان را بیاوریم؛ و بر ما پیشی نتوانند جُست.} یعنی آنها را هلاک کنیم و مردمی بهتر از آنها بیاوریم. یا به جای شما به محمد صلی الله علیه و آله (کسان) بهتری را بدهیم که انصارند.(5)

1- . تفسیر بیضاوی 4: 309 - 311
2- . حاقه / 38 - 39
3- . تفسیر بیضاوی 4: 318 - 319
4- . معارج / 41
5- . تفسیر بیضاوی 4: 325

«وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً» به جز خدا پناهی نمی یابم «إِلّا بَلاغاً مِنَ اللّهِ» استثناء از «لا أَمْلِکُ» است. یا معنی آن این است که نمی رسم رسیدنی، و جملات ما قبل دلیل جواب است و «رِسالاتِهِ» عطف به بلاغا می باشد.(1)

«وَ تَبَتَّلْ إِلَیْهِ تَبْتِیلاً» یعنی با عبادت به جانب خدا برو و نفس خود را از ما سوی الله جدا کن «وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلاً» از آنها دوری بگزین و نزدیکشان مشو و کار آنها را به خدا واگذار «أُولِی النَّعْمَهِ» یعنی ثروتمندان که منظور سران قریشند. (2)

«ذَرْنی وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحیداً»(3) ، {مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم واگذار. } این آیه در باره ولید بن مغیره نازل شده؛ یعنی مرا با آن کس که آفریده ام تنها واگذار، تو را کفایت می کنم «وَحِیداً» یا حال از (یای ذرنی) است و حال (ت) خلقت که یعنی او را تنها آفریده ام و کسی که در آفریدن او با من شریک نبوده است. یا حال از ضمیر موصول محذوف است یعنی او را تنها و بدون مال و فرزند آفریدم. یا منظورش سرزنش اوست چون به همین لقب او را ملقب کرده بودند؛ معنی آن این است که او در شرارت بی نظیر و تنها است یا از پدرش که بی اصل و نسب است «وَ جَعَلْتُ لَهُ مالاً مَمْدُوداً» و به او مال زیادی دادم که پیوسته به آن افزوده می شد. او دارای کشت و زرع و گاو و گوسفند و تجارت بود «وَ بَنِینَ شُهُوداً» فرزندانی در مکه داشت که از دیدار آنها بهره مند می شد و لازم نبود در طلب روزی رنج سفر بکشند. از مال پدر بهره مند بودند و آنها را به کار هم وانمی داشت چون خدمتکاران زیادی داشت و یا در مجالس به حضور فرزندان خود که زیبا بودند افتخار می کرد.

گفته اند ده فرزند داشت. همه آنها یا بیشترشان پسر بودند. سه نفر آنها مسلمان شدند: خالد، عماره، هشام. «وَ مَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِیداً» ریاست و موقعیت را برایش آماده کردم به طوری که او را ریحانه قریش یا وحید لقب داده بودند، یعنی تنها او شایسته ریاست و بزرگواری است «ثُمَّ یَطْمَعُ أَنْ أَزِیدَ» باز هم طمع داشت که اضافه کنم. تعجب از طمع اوست یا به واسطه اینکه بیش از آن نمی شد و یا اینکه

1- . تفسیر بیضاوی 4: 335
2- . تفسیر بیضاوی 4: 339

3- . مدثر / 11

شخص کافر و مخالف شایسته نعمتی بیش از آن نبود؛ به همین جهت می فرماید «کَلَّا إِنَّهُ کانَ لِآیاتِنا عَنِیداً» که او را از طمع باز می دارد و دلیل بر این باز داشتن - بر سبیل استیناف - این که، آیات منعم (خداوند) را منکر است و معاند است. گفته اند پس از آمدن این آیات، پیوسته از ثروتش کاسته می شد تا هلاک گردید.

«سَأُرْهِقُهُ صَعُوداً» به زودی او را وارد گردنهای بسی صعب العبور خواهیم کرد و این مثل است برای گرفتاریهایی که با آن روبرو است. از امام علیه السّلام نقل شده که صعود کوهی از آتش است که بالا رفتن بر آن هفتاد پاییز طول می کشد، سپس سرازیر شدن از آن هم به همین صورت است، تا ابد.

«إِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ» دلیل این تهدید است، یا بیان دشمنی او است. او اندیشید که چه عیبی از قرآن بگیرد و فکر کرد چه می گوید «فَقُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ» تعجب از اندیشه اوست که قرآن را مسخره می کند یا منظور این است که آخرین چیزی که می توانستند به قرآن نسبت دهند همین بود که استفاده از این بیان می شود: قتله الله ما اشجعه.

روایت شده که (روزی) او از کنار پیامبر صلی الله علیه و آله می گذشت. آن جناب مشغول خواندن سوره حم سجده بود. پیش یاران خود آمد و گفت، هم اکنون از محمد سخنی شنیدم که شباهتی به سخنان بشر و جنیان نداشت؛ بسیار دلپذیر و زیبا بود، پر فایده و با برکت و فنا ناپذیر و غیر قابل رد بود. قریش گفتند مغیره از دین برگشته. سپس برادرش ابو جهل گفت، من او را برمی گردانم. پیش مغیره رفت و با اندوه نشست و با سخنانی گفت که او را تحت تاثیر قرار داد.

مغیره از جای حرکت کرده گفت، گمان می کنید محمد دیوانه است؟ آیا شما هیچ آثار دیوانگی را در او دیده اید؟ یا می گویید کاهن است، هیچ دیده اید کهانت کند؟ یا خیال می کنید شاعر است، تا کنون دیده اید شعری بگوید؟ همه گفتند نه. گفت او ساحر است. نمی بینید که سخنانش بین زن و شوهر و فرزند و غلامش جدایی می اندازد. قریش خوشحال شدند و با تعجب از او جدا گردیدند.

«ثُمَّ قُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ» برای مبالغه تکرار شده «ثُمَّ نَظَرَ» سپس در باره قرآن اندیشید «ثُمَّ عَبَسَ» صورتش در هم شد، چون نمی دانست چه بگوید و عیبی در آن

نمی دید. یا به پیامبر صلی الله علیه و آله نگاه کرد و در هم شد «وَ بَسَرَ» ناراحت شد «ثُمَّ أَدْبَرَ» بعد از حق اعراض نمود، یا از پیامبر صلی الله علیه و آله. «وَ اسْتَکْبَرَ» و از پیروی او کبر ورزید «إِنْ هذا إِلَّا سِحْرٌ یُؤْثَرُ» این سحری است که آموخته می شود «وَ ما هِیَ إِلَّا ذِکْری لِلْبَشَرِ» چیزی نیست مگر تذکری برای بشر «کَلَّا» تنفر از کسی است که قرآن را انکار می کند یا انکاری است تا متوجه شوند «إِنَّها لَإِحْدَی الْکُبَرِ» یکی از بلایای بزرگ است.

«لِمَنْ شاءَ مِنْکُمْ أَنْ یَتَقَدَّمَ أَوْ یَتَأَخَّرَ»(1) ،{هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا بازایستد.} تهدیدی است برای کسانی که امکان سبقت در خیر یا تخلف از آن را دارند «کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَهٌ *فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَهٍ»(2) ، {به خرانِ رمنده ای مانند: که از پیش شیری گریزان شده است.} آنها را در فرار از حق به الاغی تشبیه کرده که از ترس شیر فرار کند.

«بَلْ یُرِیدُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ یُؤْتی صُحُفاً مُنَشَّرَهً»(3)، {بلکه هر مردی از ایشان خواهد که نامه هایی سرگشاده دریافت کند.} نامه هایی که باز کند و بخواند. روایت شده که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند، ما به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه برای هر کدام از ما نامه ای جداگانه از جانب خدا بیاوری که نوشته باشد. فلانی، از محمد صلی الله علیه و آله پیروی کن.(4)

«لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ لِتَعْجَلَ بِهِ» یا محمد، زبانت را حرکت مده که قرآن را با عجله بگیری مبادا از دست تو برود «إِنَّ عَلَیْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ» ما قرآن را در سینه تو جمع می کنیم و قرائتش را در زبانت ثابت می نماییم. این علت نهی «لا تُحَرِّکْ» است «فَإِذا قَرَأْناهُ» وقتی به زبان جبرئیل بر تو خواندیم «فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» پیرو قرائت او باش و قرائتش را تکرار کن تا در حافظه ات رسوخ کند «ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا بَیانَهُ» بر ما است بیان آنچه از معانی قرآن که بر تو مشکل باشد. گفته اند، خطاب به انسان است و

1- . مدثر / 37
2- . مدثر / 50 - 51
3- . مدثر / 52
4- . تفسیر بیضاوی 4: 344 - 349

معنی آن این است که نامه اش را به دست او می دهند، به خاطر سرعتی که در خواندن آن دارد، از ترس زبانش می گیرد. به او گفته می شود «لا تُحَرِّکْ بِهِ لِسانَکَ» تعجیل به بر ما است که طبق وعده ای که داده ایم، اعمال تو را جمع کنیم و بخوانیم «فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» وقتی جبرئیل قرآن را بر تو خواند، تو از قرائتش پیروی کن و تکرار کن یا با اقرار و یا تفکر در آیات، سپس بر ماست بیان امر آن.(1)

«وَ شَدَدْنا أَسْرَهُمْ» یعنی ارتباط مفاصل او را با اعصاب محکم کردیم «وَ إِذا شِئْنا بَدَّلْنا أَمْثالَهُمْ تَبْدِیلاً» وقتی بخواهیم، آنها را هلاک می کنیم و به جای آنها گروه دیگری می آوریم که در خلقت و استحکام مفاصل شبیه آنها باشند. یعنی در نشئه دیگر. به همین جهت با «إِذا» آورده. یا منظور این است که دیگران (یعنی) اشخاص مطیع را به جای آنها می آوریم. (اذا) برای تحقق قدرت و قوت انگیزه است.(2)

«أَ لَمْ نَخْلُقْکُمْ مِنْ ماءٍ مَهِینٍ» مگر شما را از نطفه پلید و بی ارزش نیافریدیم «فَجَعَلْناهُ فِی قَرارٍ مَکِینٍ» او را در رحم قرار دادیم «إِلی قَدَرٍ مَعْلُومٍ» به مقدار معینی که خداوند برای ولادت مقدر نموده «فَقَدَرْنا» یعنی ما قدرت داریم آن را برگردانیم «فَنِعْمَ الْقادِرُونَ وَیْلٌ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ».

وای بر کسانی که قدرت ما را بر آن(خلق) یا بر باز گرداندن آن تکذیب نمایند، «أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ کِفاتاً» مگر زمین را جمع کننده قرار ندادیم «أَحْیاءً وَ أَمْواتاً» مرده ها و زنده ها را «وَ جَعَلْنا فِیها رَواسِیَ شامِخاتٍ» در زمین کوههای بلند را ثابت گردانیدیم «وَ أَسْقَیْناکُمْ ماءً فُراتاً» شما را با آفرینش نهرها و چشمه ها از آب گوارا سیراب کردیم. (3)

«فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ» به ستاره های رواجع قسم نمی خورم و آن ستاره ها غیر از خورشید و ماه و بقیه ستارگان هستند، برای همین آنها را موصوف به «الْجَوارِ الْکُنَّسِ» یعنی ستارگان پنهان در نور خورشید کرده «وَ اللَّیْلِ إِذا عَسْعَسَ» قسم به شب، زمانی که با تاریکی خود روی آورد یا برود «وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ» و قسم به

1- . تفسیر بیضاوی 4: 352 - 353

2- . تفسير بيضاوى 4: 362
3- . تفسير بيضاوى 4: 365 - 366

صبح وقتی بردمد «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» قرآن سخن پیکی با شخصیت یعنی جبرئیل است «مَكِينٍ» دارای مقام «مُطاعٍ» ملائکه از او پیروی می کنند و «ثَمَّ أَمِينٍ» و امین بر وحی است. ممکن است «ثَمَّ» متصل به ما قبل یا ما بعد باشد. «لَقَدْ رَآهُ» یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جبرئیل را دید «بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ» مشرق اعلی و «ما هو» محمد صلی الله علیه و آله نیست «عَلَى الْغَيْبِ» بر غیب، آنچه توسط وحی مطلع می شود یا سایر غیوب . بظنین یعنی متهم. نافع و عاصم و حمزه و ابن عامر «بِضَنِينٍ» را با ضاد خوانده اند یعنی بخیل نیست؛ یعنی از تبلیغ و تعلیم خودداری نمی کند. «وَ ما هُوَ بِقَوْلِ شَيْطانٍ رَجِيمٍ» این سخنان شیطانها نیست که استراق سمع کرده باشند و این، گفتار آنها را که می گفتند کهانت و سحر است رد می کند. «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ» به کسانی که با امر پیامبر و قرآن مخالفت می کنند، نسبت گمراهی در راهی را که می پیمایند می دهد؛ مثل این که تو که به کسی که منحرف شده می گویی، کجا می روی؟.(1)

«ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ» یعنی ای انسان، چه چیز تو را بر مخالفت با خدای کریمت جری کرده؟ «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» آن خدایی که تو را متناسب و به اندازه لازم خلق کرده و نیروهای لازم را در اختیارت گذاشته «فِي أَيِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَكَّبَكَ» یعنی تو را به هر صورتی که خواست ترکیب نمود. (ما) زائد است.(2)

«فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ» قرمزی است که در افق مغرب دیده می شود «وَ اللَّيْلِ وَ ما وَسَقَ» و شب و آنچه جمع کرده آن را و پوشانده از چهارپایان و چیزهای دیگر. «وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ» قسم به ماه زمانی که تمام گردد و بدر شود «لَتَرْكَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ» یعنی حالی بعد از حالی دیگر. یا به معنی شدت یا مراتب شدت، و گرفتاری بعد از گرفتاری، که منظور مرگ و بیم و ترسهای قیامت است یا اهوال قیامت و گرفتاریهای قبل از آن، بنا بر اینکه جمع طبقه باشد. «لا يَسْجُدُونَ» یعنی خاضع نمی شوند یا اینکه برای آیه سجده، به سجده نمی افتند.

1- . تفسیر بیضاوی 4: 388 - 390
2- . تفسیر بیضاوی 4: 391 -392

«بِما یُوعُونَ» یعنی آنچه از کفر و دشمنی در دل پنهان می کنند «غَیْرُ مَمْنُونٍ» یعنی قطع نشدنی یا منت نهاده شده به آن نعمت، بر آنها.(1)

در باره آیه «وَ السَّماءِ ذاتِ الرَّجْعِ»(2)، {سوگند به آسمانِ بارش انگیز} می نویسد: یعنی قسم به آسمان که در هر دوره ای به محلی که از آنجا حرکت کرده بر می گردد. بعضی گفته اند (رجع) باران است «وَ الْأَرْضِ ذاتِ الصَّدْعِ» قسم به زمینی که به وسیله نباتات و چشمه ها می شکافد «إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ» قرآن کتابی است که فاصل بین حق و باطل است «أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً» یعنی آنها را کمی مهلت بده ،(3) «لَسْتَ عَلَیْهِمْ بِمُصَیْطِرٍ» بر آنها مسلط نیستی. (4)

مرحوم طبرسی در مورد آیه «یَقُولُ أَهْلَکْتُ مالاً لُبَداً»(5) ، {گوید: «مال فراوانی تباه کردم.» }یعنی مال بسیار زیادی را در عداوت و دشمنی با حضرت محمد صلی الله علیه و آله تلف کردم و به این سخن افتخار می کرد. گفته شده او حارث بن عامر بن نوفل بود که گناهی انجام داده بود و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آن گناه سؤال کرد. ایشان دستور دادند کفاره بدهد، گفت ثروتم در راه کفاره ها و مخارج عمومی از روزی که داخل دین محمد شده ام از دست رفت. «أَ یَحْسَبُ أَنْ لَمْ یَرَهُ أَحَدٌ» خیال می کند کسی او را ندیده که از کجا به دست آورده و در چه راهی صرف نموده. گفته اند او دروغ می گفت و انفاقی نکرده بود.(6)

«إِنَّ الْإِنْسانَ لَیَطْغی أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی» انسان وقتی بیند از پروردگار خود بی نیاز شده، با نیرو و قدرت و فامیلی که دارد طغیان می کند. گفته، این قسمت تا آخر سوره در باره ابو جهل ابن هشام نازل شده «إِنَّ إِلی رَبِّکَ الرُّجْعی» بازگشت هر چیز به سوی خدا است «أَ رَأَیْتَ الَّذِی یَنْهی عَبْداً إِذا صَلَّی» روایت شده که ابا جهل گفت، آیا محمد در مقابل شما صورت بر خاک می گذارد؟ گفتند آری. گفت به آن کس که

1- . تفسیر بیضاوی 4: 398 - 399

2- . طارق / 11

3- . تفسیر بیضاوی 4: 405 - 406

4- . تفسیر بیضاوی 4: 412

5- . بلد / 6

6- . مجمع البيان 5: 748

می توان قسم خورد، سوگند یاد می کنم که اگر او را در سجده ببینم، سر و گردنش را لگدمال می کنم.

یک نفر گفت، هم اکنون آنجا مشغول نماز است. ابو جهل روانه شد تا پای بر روی گردن پیامبر صلی الله علیه و آله بگذارد. هنوز به او نزدیک نشده بود که در حالی که دستهای خود را از ترس بر چهره گرفته بود برگشت. گفتند چه شد؟ گفت بین من و او نهری از آتش بود و ترس عجیبی و پر و بالهای زیادی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آن کس که جانم در کف اوست، اگر به من نزدیک شده بود ملائکه او را تکه تکه کرده بودند. خداوند این آیه را نازل کرد.

«أَ رَأَیْتَ الَّذِی یَنْهی» تا آخر سوره «أَ رَأَیْتَ إِنْ کانَ عَلَی الْهُدی» یعنی حضرت محمد صلی الله علیه و آله «أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوی» یا امر به اخلاص و توحید و ترس از خدا می کرد. اینجا یک جمله حذف شده و تقدیر آن چنین است: کیف یکون حال من ینهاه عن الصلاه، چگونه بود، حال کسی که او را از نماز باز می داشت «أَ رَأَیْتَ إِنْ کَذَّبَ» اگر دروغ بگوید (ابا جهل) «وَ تَوَلَّی» از ایمان روی برگرداند. (1)

بیضاوی در باره آیه «لَمْ یَکُنِ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَه»(2) {کافرانِ اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید} می نویسد: منظور یهود و نصاری هستند که در مورد صفات خدا کافر شدند «وَ الْمُشْرِکِینَ» و بت پرستان «مُنْفَکِّینَ» جدا شده اند از دین و آئینی که داشتند، یا وعده دادند که وقتی پیامبری برای آنها بیاید، از حق پیروی کنند «حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ» منظور از بینه رسول است یا قرآن، زیرا مبین و آشکارکننده حق است «رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ» این جمله بدل از بینه است یا به تقدیر مضاف یا مبتدا است «یَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَهً» می خواند کتابهای پاک را یا اخبار پاک دارند «فِیها کُتُبٌ قَیِّمَهٌ» نوشته هایی مستقیم و بی انحراف در آنها است «ما تَفَرَّقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ» اهل کتاب از آن وضعی که داشتند متفرق نشدند که بعضی ایمان بیاورند یا در دین خود تردید پیدا کنند یا طبق قراری که داشتند، دست از کفر بر ندارند. «إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما

1- . مجمع البیان 5: 782

2- . بينه / 1

جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ وَ ما أُمِرُوا» یعنی در کتابهایشان و به آنچه در کتابها است «إِلَّا لِیَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ» جز خدا را نپرستند و برای او شریک نگیرند. «حُنَفاءَ» از عقائد باطل برکنار باشند «وَ یُقِیمُوا الصَّلاهَ وَ یُؤْتُوا الزَّکاهَ» نماز بخوانند و زکات بپردازند ولی آنها تحریف کردند و عصیان نمودند «وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ» این دین و آئین مردمان پایدار است.(1)

«أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ» آیا دیدی کسی را که روز جزا یا اسلام را تکذیب می کرد؟ «فَذلِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ» اوست که یتیم را به شدت می راند. در باره ابا جهل نازل شده که وصی یتیمی بود، با تن لخت پیش او آمد و تقاضا کرد از مال خودش چیزی بدهد که بدن خویش را بپوشاند، ولی ابوجهل او را راند. یا راجع به ابو سفیان است که شتری را کشت، یتیمی از او درخواست کرد، با عصا بر پیکر او نواخت. یا (درباره) ولید بن مغیره و یا منافقی بخیل، آمده است.(2)

مرحوم طبرسی درباره سوره «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ *لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ *وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ *وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ *وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ *لَکُمْ دِینُکُمْ وَ لِیَ دِینِ»(3) {بگو: «ای کافران، آنچه می پرستید، نمی پرستم. و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. و نه آنچه پرستیدید من می پرستم. و نه آنچه می پرستم شما می پرستید.}می نویسد: سوره جحد در باره گروهی از قریش از قبیل حارث بن قیس سهمی و عاص بن وائل و ولید بن مغیره و اسود بن عبد یغوث و اسود بن المطلب بن اسد نازل شده که می گفتند: در تمام کارهای خود تو را شریک کنیم. تو یک سال خدای ما را بپرست و ما یک سال خدای تو را. اگر آنچه تو آورده ای خوب بود، ما با تو شریک شده ایم و بهره خویش را از آن برده ایم، اگر آنچه ما داریم بهتر بود، تو با ما شریک شده ای و بهره خود را برداشته ای. فرمود: به خدا پناه می برم که دیگری را شریک او قرار دهم.

1- . تفسیر بیضاوی 4: 439 - 440
2- . تفسیر بیضاوی 4: 454
3- . کافرون / 1 - 6

گفتند، بعضی از خدایان ما را ببوس و به او احترام گذار تا پروردگار تو را بپرستیم و تو را تصدیق کنیم. فرمود: باشد ببینم خدایم در این باره چه می فرماید، بعد این سوره نازل شد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به طرف مسجد الحرام رفت و گروهی در آنجا جمع شده بودند. بالای سر آنها ایستاد و این سوره را تا آخر قرائت کرد. دیگر آنها مایوس شدند و شروع به آزار او و اصحابش نمودند، ابن عباس گفته، در همین مورد نازل شد. «أَ فَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّی أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجاهِلُونَ»(1) ای نادانان! مرا امر می کنید که جز خدا را بپرستم. «قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ»، منظورش یک گروه معینی است «لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ» بگو خدایانی را که شما امروز می پرستید نمی پرستم. «وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ» و نه شما بعد از این آنچه من می پرستم خواهید پرستید.

گفته شده، وجه تکرار جملات این است که قرآن به زبان عرب نازل شده و معمول است اعراب برای تفهیم و تاکید، جملات را مکرر می آورند. معنی آیه این است که من بت های شما را نمی پرستم و نه شما خدای مرا می پرستید وقتی برای او شریک می گیرید و بت ها و چیزهای دیگر را شریک او قرار میدهید زیرا عبادت برای خدا باید خالص باشد «وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ» یعنی مانند شما عبادت نخواهم کرد. در این صورت (ما) مصدری است «وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ» یعنی شما هم مرا عبادت نخواهید کرد. در اولی منظور معبود است و در دومی عبادت. «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِیَ دِينِ» مرا پاداش دین خودم و شما را پاداش دین خودتان باشد.

مضاف (جزاء) حذف شده. یا برای شما همان کفر باشد و برای من توحید و اخلاص که این جملات، یک نوع تهدید است مانند این جمله «اعْمَلُوا ما شِئْتُمْ»(2) هر چه مایلید انجام دهید. یا منظور از دین، جزاء باشد.

می گویم: بیشتر آیات قرآن جنبه احتجاج و استدلال دارد. این آیات که ما انتخاب کردیم بیشتر ظهور در احتجاج داشت با اینکه ما آیات زیادی را در بخش

1- . الزمر / 64
2- . فصلت / 40

توحید و عدل و معاد ذکر کردیم و به زودی بعضی از آن آیات با تفسیر مفصلی در بخش احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد آمد.[1]

1- . مجمع البیان 5: 840 - 842

1. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «الم ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ»(1). {الف، لام، میم. این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت تقواپیشگان است} فرمود: قریش و یهود قرآن را تکذیب نموده گفتند: سحر است که از خود ساخته است. خداوند می فرماید «الم ذلِکَ الْکِتابُ» ای محمد، صلی الله علیه و آله، این کتاب را که بر تو نازل کردیم، ترکیبی از تک تک حروف است از قبیل الف، لام، میم و به زبان مادری شما است. این همان حروف اصلی زبان شما است. اگر راست می گویید مانند آن را بیاورید. می توانید برای این کار از دیگر همفکران خود کمک بگیرید، بعد خداوند به وسیله این آیه اعلام می کند که قدرت برآوردن مانند قرآن را ندارند: «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً»(2)، {بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.» }.

خداوند می فرماید: «الم» همان قرآنی که آن را با «الم ذلِکَ الْکِتابُ» افتتاح می کنم، همین کتابی است که موسی و پیامبران بعد از او بشارت آن را داده اند و به بنی اسرائیل گفته اند که من بر تو کتابی عربی و با ارزش نازل خواهم کرد که هرگز باطل با او آمیخته نمی شود - نه قبل و نه بعد - فرستاده خدای حکیم و حمید است

1- . بقره / 1 - 2
2- . الاسراء / 88

«لا رَيْبَ فِيهِ» شکی در آن نیست، چون در نزد آنها شناخته شده است چنانچه پیامبرانشان از آن اطلاع داده اند که بر محمد صلی الله علیه و آله کتابی نازل می شود که او و امتش آن کتاب را می خوانند بر سایر احوال خود.(1)

2. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَ الَّذينَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ »(2) ، {در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند - چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - برایشان یکسان است؛ [آنها] نخواهند گروید. } می فرماید: وقتی مردمان مؤمن را یاد می کند و آنها را می ستاید، از منافقین نیز سخن می گوید (نسخه دیگر، کافرین) که با کفر خود مخالف مؤمنین هستند و می فرماید «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» کسانی که به خدا و به آنچه این مؤمنین می گویند، کافر شدند. و امیه بن خلف گفتند بیا محمد صلی الله علیه و آله دین ما را بپذیر و ما دین تو را بپذیریم و معتقدند دارند از قبیل: توحید و نبوت و وصایت حضرت علی ولی الله و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین برگزیدگان از بندگان خدا شایسته مردمی که قیام به حفظ مصالح خلق نموده «سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ» فرقی نمی کند، چه آنها را بترسانی «أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ» چه نترسانی «لا يُؤْمِنُونَ» ایمان نمی آورند. خداوند از علم خود به پیامبرش اطلاع می دهد، اینها همان کسانی هستند که خداوند می داند ایمان نخواهند آورد.

امام باقر علیه السّلام فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد و آثار صدق و دلائل واقعیت و معجزات نبوتش آشکار گردید، بیشترین کارشکنی ها را یهود می کردند و سخت به مبارزه علیه او برخاستند و تصمیم داشتند نور درخشان او را خاموش کنند و دلائلش را باطل نمایند. از جمله آنان، مالک بن صیف و کعب بن اشرف و حیی بن اخطب و حدی بن اخطب و ابو یاسر بن اخطب و ابو لبابه بن المنذر بودند. مالک بن صیف به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت: تو مدعی پیامبری هستی؟ ! گفت: آری خدای جهان آفرین چنین فرمود. مالک گفت، ما

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 62
2- . بقره / 6

به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه فرشی که در زیر خود گسترده ام به تو ایمان بیاورد.(1)

دنباله خبر در ابواب معجزات پیامبر خواهد آمد.

«خَتَمَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ» امام علیه السّلام فرمود: یعنی وقتی کسانی را که ایمان نیاورده اند دیدی، بر آنها علامتی بگذار، علامتی که تمام ملائکه آنها را بشناسند «وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ». مطلب به این صورت است که وقتی آنها از توجه به آنچه موظف بودند اعراض کردند و در باره آنچه از آنها خواسته شده بود کوتاهی نمودند نسبت به چیزی که باید به آن ایمان آورند غافل و جاهل شدند. مثل کسی که بر روی چشمهایش پرده ای است و جلو خود را نمی بیند. خداوند بزرگتر از آن است که مردم را نسبت به چیزی که خودش مانع از اعتقاد به آن شده است مؤاخذه نماید و هرگز آنها را به چیزی که نمی گذرد که به آن دست یابند و یا جلوی آنها را می گیرد، مامور نمی کند «وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ» در آخرت گرفتار عذابی خواهند شد که برای کفار آماده شده، و در دنیا با عذابهای بیدارکننده برای کسانی که می خواهد آنها را اصلاح نماید تا متوجه بندگی خود نماید، یا عذابی که آنها را مستاصل کرده و به جانب عدل و حکمت خود برگرداند.(2)

3. تفسیر قمی: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِینَ»(3) ، {و برخی از مردم می گویند: «ما به خدا و روز بازپسین ایمان آورده ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند. }

علی بن ابراهیم می نویسد: این آیه در باره گروهی از منافقین نازل شده که خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اظهار اسلام نمودند. وقتی چشمشان به کفار می افتاد می گفتند «إِنَّا مَعَکُمْ» ما با شما هستیم. به مؤمنین می گفتند ما ایمان آورده ایم، به کفار می گفتند «إِنَّا مَعَکُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ» ما هم کیش شما هستیم و آنها را مسخره می کنیم. خداوند تمسخر آنان را به خودشان برمی گرداند: «اللَّهُ

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 91
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 98

3- . بقره / 8

یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ یَمُدُّهُمْ فِی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ» خداوند آنها را مسخره می کند «استهزاء» خدا همان عذاب است.

«وَ یَمُدُّهُمْ فِی طُغْیانِهِمْ» یعنی آنها را در سرکشی که دارند رها می کند «أُولئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الضَّلالَهَ بِالْهُدی» آنها کسانی هستند که گمراهی و حیرانی را بر هدایت ترجیح داده اند «وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ» کسانی را که در مقابل خدا می پرستید به کمک خویش بخوانید.(1)

4. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقین»(2) ، {و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس - اگر راست می گویید - سوره ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - فرا خوانید. } فرمود: خداوند این مثال را برای کافرانی زده که سعی در جلوگیری از گسترش دعوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله داشتند و دشمنان منافقی که جلو سخنان پیامبر راجع به برادر خود علی علیه السّلام را می گرفتند و کسانی که می گفتند، آنچه محمد صلی الله علیه و آله از معجزات و دلائل آورده، به اضافه مطالبی که در باره برادر خود علی علیه السّلام در مکه و مدینه گفته، از جانب خدا نیست و پیوسته سرکشی و طغیان آنها افزایش می یافت.

خداوند در باره کفار مکه و سرکشان مدینه فرمود: «وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا» اگر در باره آنچه ما بر بنده خود نازل کردیم شک دارید و منکرید که او پیامبر ما است و آنچه آورده کلام من است، با آن معجزاتی که من در مکه برای او آشکار نمودم مانند ابری که بر سر او در سفرها سایه می افکند و سنگ و ریگها و کوهها و درختانی که به او سلام می کردند. و همچنین دفاع از او در مورد کسانی که تصمیم کشتنش را داشتند و آنها را کشت و آن دو درختی که از هم فاصله داشتند و به هم نزدیک شدند تا پشت آنها قضای حاجت نمود و دوباره به جای

1- . تفسیر قمی 1: 47

2- . بقره / 23

خود برگشتند و صدا زدن آن حضرت درخت را که بیاید و با کمال خضوع و خواری پیش آمد و دستور داد برگردد، به جای خود برگشت.

گفت: ای مردان قریش و یهودیان و ای گروه مخالفین اسلام که از دین مبین فاصله گرفته اید و ای عرب زبانان فصیح و بلیغ و زبان آوران «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ» یک سوره مانند آنچه محمد صلی الله علیه و آله آورده بیاورید. مردی که نه درس خوانده و نه مکتب رفته و کتابی نیاموخته و نه با دانشمندان رفت و آمد داشته و از کسی فرا نگرفته است. شما او را در سفر و حضور در وطن به خوبی می شناسید.

چهل سال در میان شما زندگی کرد، آنگاه به او کتابی داده شد که جوامع علوم پیشینیان و دیگران در آن کتاب هست «إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ» اگر نسبت به این آیات در شک هستید «فَأْتُوا» بیاورید یک نفر مثل او را تا شبیه قرآن و معجزات او را بیاورد، آنگاه معلوم شود او دروغ می گوید. زیرا هر چه از جانب خدا نباشد، نظیرش در میان مردم پیدا خواهد شد. «وَ إِنْ کُنْتُمْ» و اگر شما یهودیان و مسیحیان «فِی ریب» در شک هستید، نسبت به آنچه محمد صلی الله علیه و آله از شرایع آورده و تعیین برادر خود به عنوان سرور اوصیاء و با آن معجزاتی که به شما نشان داده از قبیل دست بزغاله مسموم که سخن گفت و گرگی که حرف زد و چوبی که وقتی بر منبر بود از فراق او ناله زد، و جلوگیری خداوند از غذای سمی که یهودی آورده بود و بلا را بر مخالفین برگرداند و آنها را به وسیله آن بلا کشت، و غذای کم را زیاد کرد «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ» مانند قرآن از تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و نوشته های چهارده گانه بیاورید. ولی در سایر کتابها یک سوره مانند قرآن نخواهید یافت. چگونه ممکن است کلام محمد صلی الله علیه و آله که می گویید از خودش درآورده، بهتر از سایر کتابهای خدا باشد.

سپس به همه می فرماید: «وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ» بت های خود را دعوت کنید، مشرکان و شیطانهای خویش را نیز بخوانید. ای مسیحیان و یهودیان، همدستان خود را از کفار و مسلمانان منافق که دشمن آل محمد صلی الله علیه و آله هستند و سایر یاران خود را نیز دعوت کنید «إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» اگر راست می گویید

که محمد صلی الله علیه و آله این قرآن را از خود ساخته و زمامداری پسر عمویش علی را بر تمام امت و سیاستمداری او از جانب پروردگار نبوده است.

سپس فرمود: «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا» اگر نتوانستید انجام دهید «وَ لَنْ تَفْعَلُوا» و هرگز نخواهید توانست «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النَّاسُ» بپرهیزید از آتشی که هیزم آن مردم «الْحِجارَةُ» و سنگ است و عذاب برای اهل آتش است «أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ» برای کافرانی که منکر کلام خدا و پیامبرند و دشمن وحی اویند آماده شده. و می فرماید: بدانید که از این کار عاجزید. اگر این قرآن از جانب انسانی بود، باید شما قدرت معارضه می داشتید. وقتی پس از این دعوت ها و اعلان قرآن به مبارزه عاجز شدند، خداوند فرمود: «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً». (1)

5. تفسیر امام علیه السلام: حضرت امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «إِنَ اللَّهَ لا یَسْتَحْیِی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذینَ آمَنُوا فَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذینَ کَفَرُوا فَیَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلاً یُضِلُّ بِهِ کَثیراً وَ یَهْدی بِهِ کَثیراً وَ ما یُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقین»(2) ، {خدای را از اینکه به پشه ای - یا فروتر [یا فراتر] از آن - مَثَل زند، شرم نکند. پس کسانی که ایمان آورده اند می دانند که آن [مَثَل] از جانب پروردگارشان بجاست؛ ولی کسانی که به کفر گراییده اند می گویند: «خدا از این مَثَل چه قصد داشته است؟» [خدا] بسیاری را با آن گمراه، و بسیاری را با آن راهنمایی می کند؛ و[لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی کند. } فرمود: وقتی خداوند فرمود: «یا أَیُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ» مردم، مثلی زده شده و نام مگس را در آیه دیگر برد. «إِنَّ الَّذِینَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ یَخْلُقُوا ذُباباً»(3) ، {کسانی را که جز خدا می خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی آفرینند } و فرمود: «مَثَلُ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 151
2- . بقره / 26
3- . حج / 73

اللَّهِ أَوْلِياءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ» (1) ، {داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند، همچون داستان عنکبوت است }.

در این سوره به کسی که آتش افروخته و به باران از آسمان مثال زد، کفار و ناصبیان گفتند، این چه مثلهایی است ! و منظورشان طعنه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. خداوند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِی» خداوند شرم نکند «أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا» مثلی برای مؤمنان «ما بَعُوضَةً» هر چه باشد، و لو به یک پشه و بالاتر از آن که مگس است، وقتی بداند به صلاح بندگان است، مثل می زند «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا» کسانی که به محمد صلی الله علیه و آله و علی و آل پاکش ایمان دارند و تسلیم پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه و احکام و اخبار و احوال آنها هستند و به معارضه بر نمی خیزند و سعی در موشکافی اسرارشان ندارند و اگر بر اسرار آنها اطلاع یافتند افشا نمی کنند «فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ» آنها می دانند که این مثلها یک واقعیت است که خدا می خواهد توضیح و تفهیم حقیقت کند.

«وَ أَمَّا الَّذِينَ» اما آنها که به محمد صلی الله علیه و آله و به علی کافر هستند و در کارها پیرو او نیستند «فَيَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللَّهُ بِهذا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيراً وَ يَهْدِی بِهِ كَثِيراً» کافران می گویند خدا به وسیله این مثلها گروهی را به کفر می کشاند و گروهی را هدایت می کند. چنین مثلی فایدهای ندارد، چه آنکه اگر گروهی هدایت می یابند گروه دیگر گمراه می شوند.

خداوند در رد گفتار آنها فرمود: «وَ ما يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفاسِقِينَ» به وسیله این مثل ها گمراه نمی کند، مگر تبه کاران را که فکر ندارند و بر خلاف منظور خدا عمل می کنند. (2)

مولف: قول امام علیه السلام که فرمود: «ما هو بَعُوضَةً» ظاهراً آن حضرت «بَعُوضَةٌ» را مرفوع خوانده است چنانچه بعضی در قرائت شاذ چنین قرائت کرده اند. ولی بسیار کم است، پس کلمه «ما» موصول است که صدر صله آن حذف شده یا

1- . العنکبوت / 41
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 205

موصوف است به همین صورت و محل آن به عنوان بدل منصوب است، یا استفهامیه است و مبتدا، قول اظهر در خبر، دو وجه اول است.

6. تفسیر امام علیه السلام: حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «یا بَنِی إِسْرائیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَ إِیَّایَ فَارْهَبُونِ »(1)، {ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بترسید.} فرمود: خداوند می فرماید: «یا بَنِی إِسْرائِیلَ» ای فرزندان یعقوب «اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ» به یاد نعمت من باشید که به شما ارزانی داشتم و محمد صلی الله علیه و آله را فرستادم و در شهر شما جای دادم و شما را به زحمت نینداختم که رنج سفر کشید و به سوی او بروید، و علائم و دلائل او را آشکارا بیان داشتم و اظهار کردم تا نبوت او بر شما مشتبه نشود.

«وَ أَوْفُوا بِعَهْدِی» به پیمانی که پیامبران من از پدران شما گرفتند وفا کنید که به فرزندان خود برسانند که به محمد صلی الله علیه و آله عربی قرشی و هاشمی ایمان آورند که آیات زیادی می آورد و با معجزاتی از قبیل سخن گفتن دست بزغاله مسموم و سخن گرگ و ناله چوب منبر او را تائید کرده ام.

غذای کم برای او زیاد شد و سنگهای سخت برایش نرم شدند و آبهای روان برایش جاری شد. هر پیامبری را با دلیل و معجزه ای تائید کرده ام، او را نیز با مجموع آن دلائل و معجزات یا معجزه ای بهتر از آنها تأیید نموده ام. آن پیامبری که یکی از دلائل او علی بن ابی طالب، محبوب و دوست اوست که عقل او از عقل پیامبر و علمش از علم او و حلمش از حلم اوست. دین را با شمشیر بران خود تائید می کند بعد از آنکه بهانه دشمنان را قطع می نماید، و دارای علم زیاد و فضل کامل است.

«أُوفِ بِعَهْدِکُمْ» به عهد شما وفا می کنم که بهشت برین را برایتان واجب نموده ام تا ابد در آنجا باشید. (آنجا) محل لطف و عنایت من و جایگاه رحمتم است.

1- . بقره / 40

«وَ إِیَّایَ فَارْهَبُونِ» در مخالفت با محمد صلی الله علیه و آله از من بهراسید. وقتی شما راه مخالفت مرا در پیش بگیرید، من می توانم بلایی را که از دشمنان به جانب شما حواله می شود برگردانم ولی آنها نمی توانند جلوی انتقام مرا از شما بگیرند.(1)

«وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ وَ لا تَکُونُوا أَوَّلَ کافِرٍ بِهِ» امام علیه السّلام فرمود خداوند می فرماید «وَ آمِنُوا» یهودیان! ایمان بیاورید «بِما أَنْزَلْتُ» به آنچه نازل کرده ام بر محمد، از نبوت و تعیین برادرش به جانشینی و امامت عترت پاکش. «مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ» مثال آن در کتاب شما است که محمد صلی الله علیه و آله سرور جهانیان گذشته و آینده است که او را به وسیله وصیش سید الوصیین و خلیفه پیامبر خدای جهان آفرین تایید کرده ام «وَ لا تَشْتَرُوا بِآیاتِی» آیات مرا که راجع به محمد صلی الله علیه و آله نازل نموده ام و امامت وصی و جانشینی علی و فرزندان پاک و طاهرش را به بهای بی ارزش دنیا نفروشید که منکر نبوت او و امامت امام شوید، و آن را با دنیای بی ارزش گر چه زیاد باشد ولی فانی و نابودشدنی است مبادله نکنید.

و خداوند فرموده است: «وَ إِیَّایَ فَاتَّقُونِ» در مورد کتمان امر محمد صلی الله علیه و آله و امر وصی او از من بترسید. اگر پرهیزگار باشید، در مورد نبوت او و امامت وصیش اشکال تراشی نمی کنید. حجت خدا بر شما تمام شده و دلائل واضحی در این مورد برای شما فرستاده است، به طوری که بهانه ای باقی نمانده. دیگر جای اشتباه کاری نیست.

یهودیان مدینه نبوت محمد صلی الله علیه و آله را انکار نموده به او خیانت کردند و گفتند، ما می دانیم محمد صلی الله علیه و آله پیامبر است و علی وصی اوست ولی تو آن محمد نیستی و علی نیز همین طور. خداوند لباسهای تنشان را به سخن درآورد و کفشهای پایشان را که به آنها می گفتند، دروغ می گوئید ای دشمنان خدا! آن محمد همین پیامبر و وصی او همین علی است. اگر به ما اجازه دهند شما را می فشاریم و مجروح می کنیم و می کشیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 227

خداوند آنها را مهلت داد چون می دانست از نهاد آنها فرزندانی پاک و مؤمن به وجود خواهد آمد «لو تزیلوا لعذب هؤلاء عذابا الیما» اگر این فرزندان مؤمن از آنها جدا شده بودند، آنان دچار عذاب دردناکی می شدند، کسی در کیفر عجله می کند که ترس از فرار آن به جایی داشته باشد. (1)

7. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ یُؤْمِنُوا لَکُمْ وَ قَدْ کانَ فَرِیقٌ مِنْهُمْ یَسْمَعُونَ کَلامَ اللَّهِ ثُمَّ یُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ یَعْلَمُون»(2) ، {آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می کردند، و خودشان هم می دانستند.} روایت کرده است: این آیه در باره یهودیانی نازل شد که اظهار اسلام کرده بودند در حالی که منافق بودند. وقتی پیامبر را می دیدند می گفتند «إِنَّا مَعَکُمْ» وقتی یهودیان را مشاهده می کردند به آنها می گفتند ما با شما هستیم به مسلمانان صفات پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحابش را که در تورات بود اطلاع می دادند.

سران و دانشمندان آنها گفتند: «أَ تُحَدِّثُونَهُمْ بِما فَتَحَ اللَّهُ عَلَیْکُمْ لِیُحَاجُّوکُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ» به آنها مطالبی را می گوئید که علیه شما پیش پروردگارتان استدلال نمایند؟ آیا عقل ندارید.

خداوند در رد آنها می فرماید: «أَ وَ لا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ» نمی دانند که خدا از پنهان و آشکار آنها اطلاع دارد. «وَ مِنْهُمْ» یعنی بعضی از یهود «أُمِّیُّونَ لا یَعْلَمُونَ الْکِتابَ إِلَّا أَمانِیَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا یَظُنُّونَ» تحریف می کردند تورات و احکام آن را و می گفتند از جانب خدا آمده است. خداوند این آیه را نازل کرد: «فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ یَکْتُبُونَ الْکِتابَ» وای بر آنها که کتاب را می نویسند.

«وَ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّاماً مَعْدُودَةً» بنی اسرائیل گفتند ما عذاب نخواهیم شد مگر همان چند روزی که گوساله پرست بودیم. خداوند (سخن) آنها را با این آیه رد کرد «قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْداً» بگو ای محمد، صلی الله علیه و آله از خدا پیمان گرفته اید؟ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْناً در باره یهودیان نازل شد که به آنها سخن نیکو

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 228
2- . بقره / 75

بگویید. سپس به وسیله آیه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» مشركان را هر جا يافتيد بكشيد ، نسخ گرديد. (1)

8. تفسير امام عليه السلام: امام حسن عسكرى عليه السلام در تفسير آيه: «وَ إِذْ أَخَذْنا ميثاقَكُمْ لا تَسْفِكُونَ دِماءَكُمْ وَ لا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُون»(2)، {و چون از شما پيمان محكم گرفتيم كه: «خون همديگر را مريزيد، و يكديگر را از سرزمين خود بيرون نكنيد»؛ سپس [به اين پيمان] اقرار كرديد، و خود گواهيد.} فرمود: يعنى بنى اسرائيل، به ياد آوريد وقتى را كه از شما پيمان گرفتيم، يعنى از اجدادتان و كسانى كه اين خبر به آنها برسد «لا تَسْفِكُونَ دِماءَكُمْ» كه خون يكديگر را نريزيد «وَ لا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ» و يكديگر را از شهر اخراج نكنيد.

«ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ» بعد به اين پيمان اقرار نموديد و مانند اجدادتان ملتزم شديد «وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ» و گواهى داديد كه از اجدادتان پيمانى گرفته شده «ثُمَّ أَنْتُمْ هؤُلاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ» بعد به جان هم افتاديد «وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقاً مِنْكُمْ مِنْ دِيارِهِمْ» و گروهى گروه ديگر را از شهر و ديار خود، با خشم و اجبار خارج كردند.

«تَظاهَرُونَ عَلَيْهِمْ» در اين آواره كردن و كشتن همديگر به ناحق و از روى ستم و عدوان به يكديگر كمک مى كرديد «وَ إِنْ يَأْتُوكُمْ» اگر همين اشخاصى كه تصميم بيرون كردن و كشتن آنها را داريد «أُسارى» پيش شما بيايند در حالى كه دشمنان شما و آنها ايشان را اسير كرده باشند «تُفادُوهُمْ» با مال خود خونبهاى ايشان را مى دهيد.

«وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْراجُهُمْ» با اينكه بر شما اين خارج كردن از شهر و ديار حرام است. لفظ خراج را در آيه مكرر آورد چون اگر «اخراجكم» را نمى فرمود، خيال مى كردند فديه دادن بر آنها حرام است.

سپس خداوند مى فرمايد: «أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتابِ» ايمان به مقدارى از كتاب كه خونبها دادن است مى آوريد «وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ» ولى نسبت به خارج كردن

1- . تفسیر قمی 1: 60
2- . بقره / 84

که حرام است کافرید. در صورتی که کتاب شما قتل نفس و اخراج را حرام کرده همان طور که خونبها دادن را واجب نموده است. چرا به بعضی ایمان دارید و نسبت به بقیه کافرید. گویا شما مؤمن به بعض و کافر به بعض هستید.

سپس می فرماید: «فَما جَزاءُ مَنْ یَفْعَلُ ذلِکَ مِنْکُمْ إِلَّا خِزْیٌ» کیفر شما یهودیان نیست مگر خواری و ذلت در زندگی که باید جزیه بپردازید «وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یُرَدُّونَ إِلی أَشَدِّ الْعَذابِ» و در قیامت رهسپار شدیدترین عذاب می شوید که به مقدار معصیت، متفاوت است. «أُولئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الْحَیاهَ الدُّنْیا بِالْآخِرَهِ» آنهایند که در مقابل زندگی جاوید آخرت، راضی به زندگی دنیا و زرق و برق آن شدند «فَلا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ» هیچ کس آنها را در دفع عذاب از ایشان یاری نخواهد کرد و عذابشان تخفیف نخواهد یافت. (1)

9. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «وَ لَمَّا جاءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذینَ کَفَرُوا فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الْکافِرِینَ »(2)، {و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند؛ ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد.} فرمود: خداوند یهودیان را سرزنش می کند و می فرماید: «وَ لَمَّا جاءَهُمْ» وقتی این یهودیانی که ذکر شد و هم مسلکان آنها، کتابی از جانب خدا آید (قرآن) که تصدیق کتابشان (تورات) را می کند و در آن نوشته شده، محمد امین صلی الله علیه و آله از نژاد اسماعیل است که او را به بهترین افراد، علی بن ابی طالب ولی الله، مؤید نموده ایم «کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ» همین یهودیان، قبل از بعثت پیامبر سؤال می کردند، چه وقت فتح و پیروزی بر کافرانی که دشمن آنها بودند فرا می رسد.

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 367

2- . بقره / 89

خداوند می فرماید: «فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا» وقتی (پیامبر آمد) این یهودیان آنچه را که از نشانه و صفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله میدانستند، از روی حسد و ستمگری و ظلم بر او انکار نمودند. (1)

مولف: تمام این خبر در احوال پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد آمد.

10. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ یَکْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْیاً أَنْ یُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ وَ لِلْکافِرِینَ عَذابٌ مُهینٌ»(2)، {وه که به چه بد بهایی خود را فروختند که آنچه را خدا نازل کرده بود، از سر رشک و حسد انکار کردند، که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد [آیاتی] فرو می فرستد. پس به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند. و برای کافران عذابی خفت آور است. } فرمود: خداوند یهودیان را سرزنش کرد و بر آنها ایمان نیاوردن به محمد صلی الله علیه و آله را عیبجویی نمود و فرمود «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ» به وسیله هدایایی که به آنها می رسید، آن را خریدند. خداوند به آنها امر کرده بود با طاعت خود، آن را به خدا بفروشند تا از جان خود بهره ببرند و در نعمتهای آخرتی جاودان باشند ولی آنها معامله نکردند. و به بهای عداوت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فروختند تا عزت و ریاست بر جهان برایشان باقی بماند و به خواسته های حرام و بهره های بی ارزش از طرف مردم نادان برسند و آنها را از راه رستگاری باز دارند و به همان گمراهی واگذارند.

سپس خداوند می فرماید: «أَنْ یَکْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْیاً» اگر به آنچه خداوند بر موسی نازل نموده راجع به تصدیق حضرت محمد صلی الله علیه و آله از روی ستم کافر شوند «أَنْ یُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ» فرمود: کفر آنها به واسطه ستم و حسادتشان بود بر آنچه از مقام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که خداوند به او عنایت نموده و آن قرآن است که نبوت پیامبر در آن بیان شده و دلیل نبوت و معجزه آن حضرت است.

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 393
2- . بقره / 90

سپس فرمود: «فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلى غَضَبٍ» یعنی برگشتند در حالی که خشم از خدا پشت سر خشم قبل، آنها را فرا گرفته بود. غضب اول هنگامی بود که عیسی را تکذیب نمودند و خشم دوم هنگامی بود که محمد صلی الله علیه و آله را تکذیب نمودند. گفته است، غضب اول این بود که آنها را میمون کرد و به زبان عیسی ایشان را لعنت نمود و غضب دوم هنگامی بود که شمشیرهای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و یارانش بر پیکر ایشان وارد شد و آنها را به خواری کشانید که یا به خواست خود اسلام پذیرفتند و یا با کمال خواری به پرداخت جزیه محکوم شدند. (1)

11. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: « وَ إِذا قیلَ لَهُمْ آمِنُوا بِما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا نُؤْمِنُ بِما أُنْزِلَ عَلَیْنا وَ یَکْفُرُونَ بِما وَراءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقاً لِما مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِیاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ»(2)، { و چون به آنان گفته شود: «به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید»، می گویند: «ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می آوریم.» و غیر آن را - با آنکه [کاملا] حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است - انکار می کنند. بگو: «اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این، پیامبران خدا را می کشتید؟» } فرمود: وقتی به این یهودیان گفته شود به آنچه خداوند بر محمد صلی الله علیه و آله نازل نموده که عبارتست از قرآنی که حلال و حرام و فرائض و احکام در آن وجود دارد ایمان بیاورید، «قالُوا نُؤْمِنُ بِما أُنْزِلَ عَلَیْنا» ما به آنچه بر خودمان نازل شده یعنی تورات ایمان می آوریم «وَ یَکْفُرُونَ بِما وَراءَهُ» و به جز تورات به دیگر چیزها کافر هستیم. «وَ هُوَ الْحَقُّ» آنچه این یهودیان می گویند که قرآن غیر از آن است، یک واقعیت است زیرا قرآن ناسخ کتابهای پیشین است.

خداوند می فرماید: «قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ» بگو پس چرا پدرانتان پیامبران را می کشتند «إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ» اگر ایمان به تورات داشتند؛ زیرا در تورات کشتن انبیاء حرام شده، همین طور که شما به پیامبر اسلام و آنچه بر او نازل شده ایمان

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 401
2- . بقره / 91

نیاورده اید. خداوند پیمان گرفته که به هر دو ایمان بیاورند. ایمان به یکی از این دو را بدون دیگری نمی پذیرد. (1)

12. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «أَمْ تُرِیدُونَ أَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَکُمْ کَما سُئِلَ مُوسی مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ یَتَبَدَّلِ الْکُفْرَ بِالْإِیمانِ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبیل»(2) ، { آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است. } فرمود: حضرت امام علی النقی فرموده است: یعنی ای کفار قریش و یهودیان تصمیم دارید معجزه ای را درخواست کنید که نمی دانید به صلاح شما است یا به ضررتان «کَما سُئِلَ مُوسی مِنْ قَبْلُ» چنانچه از حضرت موسی درخواست کردید و گفتید ما به تو ایمان نمی آوریم مگر خدا را آشکارا ببینیم و صاعقه شما را فرا گرفت.

«وَ مَنْ یَتَبَدَّلِ الْکُفْرَ بِالْإِیمانِ» یعنی پس از اینکه پیامبر به او گفت، آنچه درخواست داری به صلاح تو نیست و چنین چیزی را نباید از پیامبران خواست و بعد از اظهار معجزه ای که خواسته بود، کفر را با ایمان معاوضه کرد. اگر صحیح باشد.

«وَ مَنْ یَتَبَدَّلِ الْکُفْرَ بِالْإِیمانِ» هر کس کفر را به جای ایمان بگیرد و با دیدن معجزاتی که به وقوع پیوسته ایمان نیاورد. و یا بعد از اینکه فهمید نباید چنین معجزاتی را درخواست کرد و لازم است به همان مقدار که خداوند برایش اقامه دلیل نموده و توضیح داده اکتفا کند، ایمان نیاورد و دشمنی و عناد می ورزد، حجت بر او تمام می گردد.

«فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِیلِ» راه راستی را که او را به سوی بهشت می رساند اشتباه کرده و از راهی که به جهنم می رود رفته است. (3)

13. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «وَدَّ کَثِیرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إِیمانِکُمْ کُفَّاراً حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 403 - 404

2- . بقره / 108
3- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 496

مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْحَقُ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ»(1)، {بسیاری از اهل کتاب -پس از اینکه حق برایشان آشکار شد- از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را بیاورد، که خدا بر هر کاری تواناست.} می فرماید: «وَدَّ کَثِیرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إِیمانِکُمْ کُفَّاراً» بیشتر اهل کتاب مایلند که به وسیله شبهه هایی که بر شما عرضه می کنند، شما را از دین برگردانند.

«حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ» به خاطر حسادتی که با شما دارند که خدا شما را به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله گرامی داشته.

«مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْحَقُ» پس از اینکه معجزات را مشاهده کردند که گواه بر درستی گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و فضل علی علیه السّلام بود.

«فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا» از نادانی آنها چشم پوشی کنید و با دلائلی که خدا داده با آنها به مقابله بپردازید و یاوه سرائیهای آنها را باطل کنید.

«حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» تا خداوند نظر خود را در باره آنها با کشتن آنها در روز فتح مکه و اخراجشان از شهر مکه و جزیره العرب، اجرا کند. و در آنجا دیگر کافری را باقی نخواهد گذاشت.

«إِنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ» چون بر هر چیز قدرت دارد. آنچه را به صلاح شما بوده انتخاب کرده که با آنها مدارا کنید و با جدال احسن و استدلال صحیح با آنها روبرو شوید.(2)

تمام این جریان در احوال حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله خواهد آمد.

14. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «وَ قالَتِ الْیَهُودُ لَیْسَتِ النَّصاری عَلی شَیْ ءٍ وَ قالَتِ النَّصاری لَیْسَتِ الْیَهُودُ عَلی شَیْ ءٍ وَ هُمْ یَتْلُونَ الْکِتابَ کَذلِکَ قالَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ

1- . بقره / 109
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 515

فِیما کانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ»(1)، {و یهودیان گفتند: «ترسایان بر حق نیستند.» و ترسایان گفتند: «یهودیان بر حق نیستند» با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند. افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند. پس خداوند، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می کردند، میان آنان داوری خواهد کرد. }. فرمود: یهودیان گفتند نصاری چیزی ندارند و دین آنها باطل است. مسیحیان گفتند یهودیان چیزی ندارند و دین آنها باطل است و کافرند. «وَ هُمْ یَتْلُونَ الْکِتابَ» با آنکه ایشان انجیل را می خواندند. امام فرمود: هر دو اینها مقلد بودند و بدون دلیل انجیل می خواندند، ولی دقت نداشتند تا به مقتضای دستوراتش عمل کنند و از گمراهی برهند. سپس فرمود: «کَذلِکَ قالَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ» کسانی که عارف به حق نبودند و به آنچه که خدا دستور داده توجه نمی کردند، این چنین گفتند. بعضی برای بعضی دیگر می گفتند و اختلاف داشتند مانند سخن مسیحیان و یهودیان این دسته، آن دسته را تکفیر می کردند.

«فَاللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فِیما کانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ» در دنیا فسق و گمراهی آنها را آشکار می کند و در آخرت به مقدار استحقاق آنها را معذب می نماید.

حضرت امام حسن علیه السّلام فرمود: این آیه به آن جهت نازل شد که گروهی از یهودیان و گروهی از مسیحیان خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند یا محمد، بین ما قضاوت کن. فرمود: داستان خود را بیان کنید.

یهودیان گفتند، ما ایمان به خدای واحد حکیم و اولیاء او آورده ایم اما مسیحیان چیزی ندارند. مسیحیان گفتند ما مؤمن به خدای واحد حکیم هستیم یهودیان دین ندارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر دویتان به خطا رفته اید و نسبت به دین خدا فاسق هستید.

یهودیان گفتند، چطور ما کافریم با اینکه دارای کتاب خداییم و آن را قرائت می کنیم.

مسیحیان نیز گفتند، ما چطور کافریم با اینکه انجیل را تلاوت می کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما هر دو دسته با کتاب خدا مخالفت می کنید و به آن عمل نمی نمایید. اگر شما به کتاب خدا عمل می کردید، بدون دلیل به یکدیگر

1- . بقره / 113

نسبت به کفر نمی دادید، زیرا کتاب خدا مایه شفا از کوری و نجات از گمراهی است. عمل کنندگان را به راه راست هدایت می کند، ولی وقتی عمل نکردید، برای شما وبال و موجب افزایش گناه می شود. وقتی حجت خدا را نپذیرفتید مخالف خدا خواهید بود و مشمول خشم او.

آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی به جانب یهودیان نموده فرمود: بترسید از اینکه در صورت مخالفت با دستور خدا گرفتار بلایی شوید که پیشینیان شما مبتلا شدند، که خداوند در باره آنها می فرماید «فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا قَوْلاً غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ» به آنها دستور داده بود که سخن معینی را بگویند ولی بر خلاف آن را گفتند. خداوند در این آیه می فرماید: فَأَنْزَلْنا «عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِنَ السَّماءِ» بر ستمکاران عذابی از آسمان فرستادیم. منظور طاعون است که به آن دچار شدند و یک صد و بیست هزار نفر آنها مردند. برای مرتبه دوم دچار طاعون شدند، یک صد و بیست هزار نفر دیگر هلاک گردیدند. خلاف (گناه) آنها این بود که وقتی به درب رسیدند و دیدند دربی بلند است، گفتند وقتی به این درب می رسیم، احتیاجی به رکوع کردن نداریم. ما خیال می کردیم درب کوتاهی است که به ناچار باید خم شد ولی این بلند است. تا کی موسی و یوشع ما را مسخره می کنند و برای چیزهای بیهوده به سجده وامی دارند و خود مقعدشان را به جانب درب می گذارند. به جای این که بگویند «حطه»، گفتند همطا سمقانا. و منظورشان گندم قرمز بود. همین حرف را تبدیل نمودند. (1)

15. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذْنا میثاقَکُمْ وَ رَفَعْنا فَوْقَکُمُ الطُّورَ خُذُوا ما آتَیْناکُمْ بِقُوَّهٍ وَ اسْمَعُوا قالُوا سَمِعْنا وَ عَصَیْنا وَ أُشْرِبُوا فی قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِکُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَما یَأْمُرُکُمْ بِهِ إِیمانُکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنین» (2) ، { و آنگاه که از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم، [و گفتیم:] «آنچه را به شما داده ایم به جد و جهد بگیرید، و [به دستورهای آن] گوش فرا دهید.» گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم.» و بر اثر کفرشان، [مِهر] گوساله در دلشان سرشته شد.

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 544
2- . بقره / 93

بگو: «اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی دارد.» }
روایت کرده است: آنان گوساله را دوست داشتند که به عبادتش پرداختند، سپس گفتند ما اولیاء خدا هستیم. خداوند فرمود اگر واقعا شما دوست خدا هستید «فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ» آرزوی مرگ کنید اگر راست می گویید، زیرا در تورات نوشته است که دوستان خدا آرزوی مرگ می کنند.

«قُلْ مَنْ كانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ» این آیه در باره یهودیانی نازل شد که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گفتند، ما در میان ملائکه دوستان و دشمنانی داریم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید، کدام یک دوست و کدام دشمن شما هستند. پاسخ دادند، جبرئیل دشمن ما است. او بود که همیشه برای ما عذاب می آورد. اگر فرشته ای که برای تو وحی می آورد میکائیل بود، ما به تو ایمان می آوردیم زیرا او دوست ما است؛ ولی جبرئیل فرشته ای بد اخلاق و عذاب گر است، اما میکائیل فرشته رحمت است. خداوند این آیه را نازل نمود «قُلْ مَنْ كانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ» تا اینجا «فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكافِرِينَ». (1)

16. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَ لَوْ يَرَى الَّذينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَميعاً وَ أَنَّ اللَّهَ شَديدُ الْعَذابِ» (2) {و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می دارند؛ ولی کسانی که ایمان آورده اند، به خدا محبت بیشتری دارند. کسانی که [با برگزیدن بتها، به خود] ستم نموده اند اگر می دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو[ها] از آنِ خداست، و خدا سخت کیفر است. }

فرمود: وقتی مؤمنان ایمان آوردند و خردمندان ولایت محمد و علی علیهما السلام را پذیرفتند، ولی دشمنان جلوگیری کردند.

خداوند فرمود: «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْداداً» بعضی از مردم به جز خدا چیزهای دیگری را دشمن خدا قرار می دهند و به آنها مرتبه خدایی می دهند

1- . تفسير قمی 1: 64
2- . بقره / 165

«يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» مانند خدا آنها را دوست می دارند «وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» ولی مؤمنین محبتشان به خدا بیشتر است از محبت کافران به بت؛ زیرا آنها مقام خدایی را فقط به خدای یکتا می دادند.

سپس فرمود: یا محمد صلی الله علیه و آله، «وَ لَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» اگر ستمگران را ببینی که بت را به جای خدا گرفته و محمد و علی علیهما السلام به اشخاص فاسق و فاجر تشبیه کردند.

«إِذْ يَرَوْنَ الْعَذابَ» زمانی که عذابی را ببینند که به واسطه کفر و دشمنی دچار آنها می شود «أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ» خواهند دانست که نیرو در اختیار خدا است؛ هر که را بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد گرامی می دارد. کافران قدرتی که جلو عذاب خدا را بگیرند ندارند «وَ أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذابِ» خواهند دانست که خداوند کسانی را که برایش شریک بگیرند سخت کیفر می کند. سپس می فرماید. «إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا» سران و بزرگان قبائل بیزاری می جویند «مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا» از رعایا و پیروان خود «وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ» و چاره از دستشان برود «وَ قالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا» رعایا می گویند «لَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً» اگر بازگشتی به دنیا داشتیم «فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ» آنجا بیزاری می جستیم «كَما تَبَرَّؤُا مِنَّا» چنانچه از ما بیزار شدند «كَذلِكَ» خداوند می فرماید: این چنین از یکدیگر تبری می جویند «يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمالَهُمْ حَسَراتٍ عَلَيْهِمْ» بر کارهای خود حسرت می خورند زیرا می بینند که اعمال آنها هیچ پاداش و ثوابی ندارد، چون برای غیر خدا انجام داده اند و بر خلاف دستور خدا بوده.

«وَ ما هُمْ بِخارِجِينَ مِنَ النَّارِ» عذاب آنها دائم و تمام ناشدنی است، زیرا گناه آنها کفر است و از شفاعت پیامبر یا وصی و شخصیت موجه نزد پروردگار استفاده نمی کنند.(1)

17. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِى يَنْعِقُ بِما لا يَسْمَعُ إِلاَّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لا يَعْقِلُون»(2)، {و مَثَل

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 578
2- . بقره / 171

[دعوت كننده] كافران چون مَثَل كسى است كه حيوانى را كه جز صدا و ندايى [مبهم، چيزى] نمى شنود بانگ مى زند. [آرى،] كرند، لالند، كورند. [و] درنمى يابند. }

روايت مى كند: مثل كسانى كه كفر ورزيدند مانند چهارپايان است وقتى صاحبشان فرياد مى زند، صدايى مى شنوند ولى نمى فهمند منظور چيست. زمانى كه بر كفار نيز قرآن خوانده مى شود و ايمان بر آنها عرضه مى گردد، مانند چهارپايان(فقط صدايى مى شنوند ولى آن را) نمى فهمند. (1)

18. تفسير امام عليه السلام: امام حسن عسكرى عليه السلام در تفسير آيه «وَ مَثَلُ الَّذينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذى يَنْعِقُ بِما لا يَسْمَعُ إِلاَّ دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لا يَعْقِلُونَ »(2)، {و مَثَل [دعوت كننده] كافران چون مَثَل كسى است كه حيوانى را كه جز صدا و ندايى [مبهم، چيزى] نمى شنود بانگ مى زند. [آرى،] كرند، لالند، كورند. [و] درنمى يابند. } فرمود: خداوند مى فرمايد: «وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا» مثل كافران در عبادت بت ها «كَمَثَلِ الَّذِى يَنْعِقُ بِما لا يَسْمَعُ» مانند كسى است كه فرياد زند به چيزى كه شنيده نشود «إِلَّا دُعاءً وَ نِداءً» فهميده نمى شود كه چه مى گويد و به زحمت مى افتد استغاثه كننده تا كسى كه او را صدا مى زند به دادش برسد «صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ» كسانى كه كژدل و كور از تشخيص هدايتند و پيرو بت ها شده اند و دشمنان اولياء خدا را به نام برگزيدگان خداوند ناميده و لقب ائمه طاهرين را به روى آنها گذاشته اند «فَهُمْ لا يَعْقِلُونَ» آنها عقل ندارند.

حضرت زين العابدين فرمود: اين آيه در باره بت پرستان و دشمنان اهل بيت پيامبر صلى الله عليه و آله است كه پيرو شيطان و از مريدان بى ايمان او هستند. به زودى آنها را تحويل هاويه خواهند داد. (3)

19. تفسير امام عليه السلام: امام حسن عسكرى عليه السلام در تفسير آيه «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِكَهِ وَ الْكِتابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمالَ عَلى حُبِّهِ ذَوِى الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ

1- . تفسير القمى 1: 73

2- . بقره / 171
3- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 584

الْمَساكینَ وَ ابْنَ السَّبیلِ وَ السَّائِلینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاةَ وَ آتَی الزَّکاةَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصَّابِرینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»(1)، {نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آوَرَد، و مال [خود] را با وجودِ دوست داشتنش، به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راهِ آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارانند؛ و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنانند کسانی که راست گفته اند، و آنان همان پرهیزگارانند. }

فرمود: حضرت زین العابدین علیهما السلام نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام امتیاز بخشید و مردم را از مقام او در نزد پروردگار مطلع کرد و شرح امتیازات شیعه و یاوران علی علیه السّلام را داد و یهودیان و مسیحیان را بر کفر و کتمان نبوت پیامبر و وصایت علی علیهما السلام در کتب خود با فضائل و صفات شایسته ای که در آنها نقل شده توبیخ کرد.

یهودیان و مسیحیان بر مسلمانان افتخار می کردند. یهودیان می گفتند: ما سالها است رو به قبله خودمان نمازها خوانده ایم و در میان ما شب زنده دارانی هستند که به سوی همان قبله نمازها خوانده اند؛ این همان قبله ایست که موسی به ما دستور داده است.

مسیحیان نیز می گفتند: ما سالها رو به قبله خود نماز خوانده ایم و شب زنده دارانی داریم که به سوی آن قبله نمازها خوانده اند؛ این همان قبله ایست که عیسی به ما دستور داده است.

هر دو گروه می گفتند، شما خیال می کنید، چون ما پیرو محمد نشده ایم و خواسته او را در مورد برادرش نپذیرفته ایم، خداوند این همه اعمال و نمازهایمان را به سوی این قبله باطل می کند؟. این آیه به همین جهت نازل شد. «لَیْسَ الْبِرَّ» نیکی که همان اطاعتی است که به وسیله آن به بهشت می روند و مستوجب آمرزش و

1- . بقره / 177

رضای خدا می شوند به این نیست که «أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ» ای مسیحیان با نماز خود رو به جانب مشرق نمایید و ای یهودیان به طرف رو مغرب کنید.در حالی که شما مخالف امر خدا و دشمن ولی او هستید.

«وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ» ولی نیکوکار کسی است که ایمان به خدای واحد یکتای بی نیاز بیاورد و آن خدا هر که را بخواهد عزیز و هر که را بخواهد گرامی و هر کس را بخواهد خوار و ذلیل می کند. کسی نمی تواند خواست خدا را رد کند و حکم او را تاخیر اندازد. «وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ» و به روز قیامت ایمان آورد، قیامتی که با شخصیت ترین افراد در آن حضرت محمد سید النبیین صلی الله علیه و آله است و بعد از او برادر و جانشین و سرور اوصیاء علی بن ابی طالب علیه السّلام است. آن قیامتی که هر یک از شیعیان محمد صلی الله علیه و آله در آن حضور یابند، نورشان محشر را روشن کند و خود و برادران و خانواده و بستگان و نیکوکاران به او و کسانی که در دنیا از او دفاع می کردند به جانب بهشت رهسپار می شود. و هر یک از دشمنان این خاندان در محشر حضور یابد، در گرداب تاریکی فرو رود و او و همدستان و هم عقیده هایش و کسانی که خود را بدون تقیه ای که ناچارشان کرده باشد به این کار به او نزدیک می کردند، به سوی عذاب دردناک رهسپار گردد.(1)

20. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُعْجِبُکَ قَوْلُهُ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یُشْهِدُ اللَّهَ عَلی ما فی قَلْبِهِ وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصامِ»(2)، {و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجّب وامی دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می گیرد، و حال آنکه او سخت ترین دشمنان است.}

فرمود: وقتی خداوند در آیه قبل دستور داد که در پنهان و آشکارا تقوی و پرهیزگاری را در پیش بگیرید، به حضرت محمد صلی الله علیه و آله اطلاع داد، در میان مردم کسانی هستند که ظاهرا خود را متقی نشان می دهند و در باطن بر خلاف آن هستند و معصیت کارند. فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله، سخن بعضی از

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 589
2- . بقره / 204

مردم در دنیا که اظهار دین اسلام کرده و با آب و تاب اظهار ورع و اخلاص می نماید، موجب شگفتی تو می شود.

«وَ یُشْهِدُ اللَّهَ عَلی ما فِی قَلْبِهِ» او خدا را هم گواه بر دل خویش می گیرد که من مخلص و موحدم «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فِیها» همین که به تو پشت می کند، بر خلاف آنچه به تو می گفت، رو به گناه و کفر می آورد و ستمگری می نماید.

«وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» باعث نابودی کشتزار و از بین رفتن آنها می شود و حیوانات را می کشد و قطع نسل می نماید «وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ» خداوند راضی به فساد نیست و عامل آن را کیفر می دهد.

«وَ إِذا قِیلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ» وقتی به این شخص بگویی از خدا بپرهیز «أَخَذَتْهُ الْعِزَّهُ بِالْإِثْمِ» بدش می آید و خود را بالاتر از آن می داند که گناه کند، با اینکه کانون فساد است و بیشتر شر و فساد کرده و ستم

می کند «فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ وَ لَبِئْسَ الْمِهادُ» بر کردار زشت و ناپسندش جهنم او را کافی است. بسیار جای ناراحت کننده ای برایش آماده شده.(1)

21. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فیها وَ یُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْفَسادَ»(2) ، { و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباهکاری را دوست ندارد. } گفته است: حرث در این آیه دین است و نسل مردم و در باره دومی نازل شده، بعضی گفته اند در باره معاویه. (3)

22. تفسیر عیاشی: حسین بن بشار گفت: از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدم «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُعْجِبُکَ قَوْلُهُ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا»

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 617
2- . بقره / 205
3- . تفسیر قمی 1: 79

فرمود: فلانی و فلانی است. «وَ يُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» حرث کشت و زرع و نسل ذریه است. (1)

23. تفسیر عیاشی: زراره گفت، از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام تفسیر این آیه را پرسیدم «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ» فرمودند: نسل ولد و حرث این زمین است. حضرت صادق فرمود: حرث ذریه است. (2)

24. تفسیر عیاشی: حضرت علی علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ إِذا تَوَلَّی سَعی فِی الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيها وَ يُهْلِکَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ» فرمود: یعنی با ظلم و طینت بدی که دارد «وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ الْفَسادَ» و خداوند فساد را دوست نمی دارد. (3)

25. تفسیر عیاشی: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ هُوَ أَلَدُّ الْخِصامِ» فرمود: «الد» یعنی خصومت. (4)

26. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السّلام در تفسیر آیه «سَلْ بَنِی إِسْرائِيلَ کَمْ آتَيْناهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَ مَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقابِ» (5) ، {از فرزندان اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه های روشنی به آنان دادیم و هر کس نعمت خدا را - پس از آنکه برای او آمد - [به کفران] بدل کند، خدا سخت کیفر است.} فرمود: بعضی ایمان آوردند و بعضی انکار کردند و گروهی اقرار و گروهی انکار نمودند. (6)

27. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه « ها أَنْتُمْ هؤُلاءِ حاجَجْتُمْ فِيما لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فيما لَيْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ وَ أَنْتُمْ لا تَعْلَمُون.» (7) {هان، شما [اهل کتاب] همانان هستید که درباره آنچه نسبت به آن دانشی داشتید محاجه

1- . تفسیر عیاشی 1: 119
2- . تفسیر عیاشی 1: 119 - 120
3- . تفسیر عیاشی 1: 120
4- . تفسیر عیاشی 1: 120
5- . بقره / 211

6- . تفسير عياشى 1: 122
7- . آل عمران / 66

کردید؛ پس چرا در مورد چیزی که بدان دانشی ندارید محاجه می کنید؟ با آنکه خدا می داند و شما نمی دانید. }

گفته است: «ها أَنْتُمْ هؤُلاءِ» یعنی شما «حاجَجْتُمْ فِیما لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ» در مورد چیزی که اطلاع دارید یعنی تورات و انجیل بحث می کنید «فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِیما لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ» چرا در مورد چیزی که اطلاع ندارید بحث می کنید، منظور صحف ابراهیم است «وَ تَکْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» حق را کتمان می کنید با اینکه می دانید. یعنی با اینکه می دانید صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تورات ذکر شده، آن را پنهان می کنید «وَ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ» این آیه در باره گروهی از یهودیان نازل شد که صبحگاه گفتند به آنچه محمد صلی الله علیه و آله آورده ایمان آورده ایم و شب کافر شدند.

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ قالَتْ طائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ آمِنُوا بِالَّذِی أُنْزِلَ عَلَی الَّذِینَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهارِ وَ اکْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»(1) ، {و جماعتی از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد، ایمان بیاورید، و در پایان [روز] انکار کنید؛ شاید آنان [از اسلام] برگردند.» } فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه آمد و از جانب بیت المقدس به طرف کعبه روی برگرداند، (اهل کتاب) ناراحت شدند. این تغییر قبله در نماز ظهر بود. آنها گفتند، محمد نماز صبح را به سمت قبله ما خواند، پس در روز به آنچه بر او نازل شده ایمان بیاورید ولی شامگاه کافر شوید و منظورشان قبله بود(زیرا) بعد از ظهر به جانب کعبه روی برگردانده بود، شاید آنها باز به طرف قبله ما روی آورند. (2)

28. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطارٍ یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِینارٍ لا یُؤَدِّهِ إِلَیْکَ إِلاَّ ما دُمْتَ عَلَیْهِ قائِماً ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا لَیْسَ عَلَیْنا فِی الْأُمِّیِّینَ سَبیلٌ وَ یَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ»(3) ، {و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن

1- . آل عمران / 72
2- . تفسیر قمی 1: 113

3- . آل عمران / 75

را به تو برگرداند؛ و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری، آن را به تو نمی پردازد، مگر آنکه دایماً بر [سرِ] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می بندند با اینکه خودشان [هم] می دانند. }

گفته است: یهود می گفتند برای ما حلال است که مال امیین، یعنی کسانی که دارای کتاب نیستند را بخوریم خداوند حرف آنها را با این آیه رد کرد «وَ یَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ» با اینکه می دانند، بر خدا دروغ می بندند.

«إِنَّ الَّذِینَ یَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ أَیْمانِهِمْ ثَمَناً قَلِیلاً» منظور کسانی هستند که خود را به مسلمانان نزدیک می کنند و از آنها استفاده می نمایند ولی به ایشان خیانت می کنند. آنها در حقیقت مسلمان نیستند.

این آیه «وَ إِنَ مِنْهُمْ لَفَرِیقاً یَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْکِتابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْکِتابِ وَ ما هُوَ مِنَ الْکِتابِ وَ یَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ یَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ هُمْ یَعْلَمُون» (1) ، {و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده ای] می پیچانند، تا آن [بربافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید، با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست؛ و می گویند: «آن از جانب خداست»، در صورتی که از جانب خدا نیست؛ و بر خدا دروغ می بندند، با اینکه خودشان [هم] می دانند. }می نویسد: یهودیان مطالبی را می خواندند و می گفتند در تورات است با اینکه در تورات نبود. خداوند آنها را تکذیب نمود.

«ما کانَ لِبَشَرٍ» یعنی عیسی به مردم نگفت من شما را آفریده ام و بندگان من باشید نه بنده خدا، ولی به آنها گفت «کُونُوا رَبَّانِیِّینَ» مردمانی دانشمند باشید «وَ لا یَأْمُرَکُمْ». گفت، گروهی ملائکه را می پرستیدند و بعضی از مسیحیان خیال می کردند عیسی خدا است و یهودیان مدعی بودند که عزیر پسر خدا است، خداوند فرمود «لا یَأْمُرَکُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلائِکَةَ وَ النَّبِیِّینَ أَرْباباً» به شما نمی گوید ملائکه و پیامبران را خدا بگیرید. (2)

1- . آل عمران / 78

-2 . تفسير قمى 1: 114

29. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُون»(1)، {آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.} مینویسد: یعنی آیا غیر آنچه برایتان گفتم که به محمد و وصی او اقرار کنید را می جوئید «وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً» هر که در آسمان و زمین است، یا به دلخواه خود و یا از ترس شمشیر تسلیم او شده است. (2)

30. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «كُلُ الطَّعامِ كانَ حِلاًّ لِبَنِی إِسْرائيلَ إِلاَّ ما حَرَّمَ إِسْرائيلُ عَلی نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْراةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْراهِ فَاتْلُوها إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ»(3) ، {همه خوراکیها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [یعقوب] بر خویشتن حرام ساخته بود. بگو: «اگر [جز این است و] راست می گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.»} گفته است: یعقوب دچار بیماری عرق النساء بود، به همین جهت گوشت شتر را بر خود حرام کرد. یهودیان گفتند گوشت شتر در تورات حرام است. خداوند می فرماید: «فَأْتُوا بِالتَّوْراهِ فَاتْلُوها إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ» اگر راست می گویید، تورات را بیاورید و بخوانید. شتر را اسرائیل یعنی یعقوب بر خود حرام کرده بود ولی برای مردم حرام نبود. (4)

31. تفسیر عیاشی: ابن ابی یعفور گفت، از حضرت صادق علیه السّلام از تفسیر این آیه سؤال کردم «كُلُّ الطَّعامِ كانَ حِلًّا لِبَنِی إِسْرائِيلَ إِلَّا ما حَرَّمَ إِسْرائِيلُ عَلی نَفْسِهِ» فرمود: اسرائیل وقتی گوشت شتر می خورد درد پهلو می گرفت، به همین جهت گوشت شتر را بر خود حرام نمود. این جریان قبل از نزول تورات بود، وقتی تورات نازل شد آن را حرام نکرد ولی یعقوب گوشت شتر نمی خورد. (5)

1- . آل عمران / 83
2- . تفسیر قمی 1: 115
3- . آل عمران / 93
4- . تفسیر قمی 1: 115
5- . تفسیر عیاشی 1: 208

32. تفسیر عیاشی: سماعه گفت، از حضرت صادق علیه السّلام شنیدم در تفسیر آیه «الَّذینَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَیْنا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّی یَأْتِیَنا بِقُرْبانٍ تَأْکُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جاءَکُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلی بِالْبَیِّناتِ وَ بِالَّذی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقین» (1) {همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانیی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را کشتید؟» }

فرمود: با اینکه خداوند می دانست، کسانی را که به آنها خطاب می کند آن پیامبران را نکشته اند، ولی هوادار همان پیامبر کشان بودند، بنابراین خداوند آنها را قاتل نامیده چون طرفدار آنها بودند و کار آنها را می پسندیدند. (2)

33. تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «الَّذینَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَیْنا أَلاَّ نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّی یَأْتِیَنا بِقُرْبانٍ تَأْکُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جاءَکُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلی بِالْبَیِّناتِ وَ بِالَّذی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقین» (3)، {همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانیای بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می گویید، پس چرا آنان را کشتید؟» }

فرمود: وقتی این آیه نازل شد گفتند: خدا می داند ما آنها را نکشته ایم و آن وقت حضور نداشتیم. به آنها گفتند: پس از قاتلین آنها بیزار شوید، اما آنان امتناع کردند. (4)

34. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه « لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذینَ قالُوا إِنَ اللَّهَ فَقیرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِیاءُ سَنَکْتُبُ ما قالُوا وَ قَتْلَهُمُ الْأَنْبِیاءَ بِغَیْرِ حَقٍّ وَ نَقُولُ ذُوقُوا

1- . آل عمران / 183

2- . تفسیر عیاشی 1: 232

3- . آل عمران / 183
4- . تفسیر عیاشی، 1: 233

عَذابَ الْحَرِیق»(1) ، {مسلماً خداوند، سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند، و بناحق کشتنِ آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذابِ سوزان را.» }

فرمود: به خدا آنها خدا را ندیدند تا بفهمند فقیر است، ولی چون دوستان خدا را دیدند که فقیرند گفتند، اگر خدا ثروتمند بود اینها را بی نیاز می کرد. به همین جهت بر خدا افتخار کردند که ما ثروتمندیم.

و در تفسیر آیه مبارکه «الَّذِینَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَیْنا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّی یَأْتِیَنا بِقُرْبانٍ تَأْکُلُهُ النَّارُ» می نویسد: بنی اسرائیل طشتی داشتند که وقتی قربانی می کردند آن را داخل طشت می گذاشتند. آتشی می آمد و قربانی را می سوزاند. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند، ما به تو ایمان نمی آوریم تا برای ما یک قربانی بیاوری و آتش آن را بسوزاند، چنانچه بنی اسرائیل می کردند. خداوند فرمود: یا محمد - صلی الله علیه و آله - به آنها بگو «قَدْ جاءَکُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِی بِالْبَیِّناتِ وَ بِالَّذِی قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» پیامبران قبل از من همین دلائلی را که از من می خواهید آوردند، پس چرا آنها را کشتید، اگر راست می گویید.

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «فَإِنْ کَذَّبُوکَ فَقَدْ کُذِّبَ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِکَ جاؤُ بِالْبَیِّناتِ» فرمود: منظور از بینات آیات است «وَ الزُّبُرِ» کتب انبیاء است «وَ الْکِتابِ الْمُنِیرِ» حلال و حرام است.(2)

35. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ لَتُبَیِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَ لا تَکْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَراءَ ظُهُورِهِمْ وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِیلاً فَبِئْسَ ما یَشْتَرُونَ»(3)، { و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایید و کتمانش مکنید. پس، آن [عهد] را پشتِ سرِ خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله ای کردند. }

1- . آل عمران / 181
2- . تفسیر القمی، ج 1، ص 134 - 135

3- . آل عمران / 187

فرمود: جریان چنین بود که خداوند از کسانی که در کتاب آنها در مورد حضرت محمد صلی الله علیه و آله (نشانه هایی) نازل کرده بود پیمان گرفت که آنها را برای مردم اظهار کنند و کتمان ننمایند «فَنَبَذُوهُ وَراءَ ظُهُورِهِمْ» آنها پیمان خدا را پشت سر انداختند «وَ اشْتَرَوْا بِهِ ثَمَناً قَلِیلاً فَبِئْسَ ما یَشْتَرُونَ» بد معامله ای کردند.(1)

36. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: این آیه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله چنین نازل شد «یا أَیُّهَا الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنَّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ کانَ أَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُولاً»(2) {ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم؛ یا همچنانکه «اصحاب سَبْت» را لعنت کردیم؛ آنان را [نیز] لعنت کنیم، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است. }اما این قسمت آیه «مُصَدِّقاً لِما مَعَکُمْ» یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تصدیق می نمود.(3)

37. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یُزَکُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللّٰهُ یُزَکِّی مَنْ یَشاءُ وَ لا یُظْلَمُونَ فَتِیلاً»(4) ، {آیا به کسانی که خویشتن را پاک می شمارند ننگریسته ای؟ [چنین نیست،] بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می گرداند، و به قدر نخ روی هسته خرمایی ستم نمی بینند. } گفته است: آنها کسانی بودند که نام خود را صدیق و فاروق و ذو النورین گذاشته بودند «وَ لا یُظْلَمُونَ فَتِیلاً» فرمود: پوستی است که روی دانه خرما است و سپس کنایه از آنها آورده و فرموده است «انْظُرْ کَیْفَ یَفْتَرُونَ عَلَی اللّٰهِ الْکَذِبَ» آنها همین سه نفر بودند.

و اما این آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ أُوتُوا نَصِیباً مِنَ الْکِتابِ یُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطّٰاغُوتِ وَ یَقُولُونَ لِلَّذِینَ کَفَرُوا هٰؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلاً» در باره یهودیان

1- . تفسیر قمی 1: 136
2- . نساء / 47
3- . تفسیر عیاشی 1: 272

4- . نساء / 49

نازل شده که از مشرکان عرب پرسیدند آیا دین ما بهتر است یا دین محمد - صلی الله علیه و آله -؟ آنها گفتند دین شما بهتر است. روایت شده که در باره کسانی نازل شده است که حق آل محمد صلی الله علیه و آله را غصب نمودند و به مقام آنها حسادت ورزیدند. خداوند فرمود: «أُولئِکَ الَّذِینَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً أَمْ لَهُمْ نَصِیبٌ مِنَ الْمُلْکِ فَإِذاً لا یُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِیراً» منظور از نقیر همان نقطه ایست که در پشت دانه خرما است. سپس می فرماید «أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ» منظور از مردمی که در آیه می فرماید به آنها حسد میشود، امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام هستند «عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» که منظور خلفاء بعد از پیامبرند و آنها ائمه علیهم السلام هستند.

حنان از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که به ایشان گفتم، منظور از آیه «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ» چیست؟ فرمود: نبوت «وَ الْحِکْمَةَ» فهم و قضاوت «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» اطاعت واجب که مردم باید از آنها اطاعت کنند.(1)

38. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُرِیدُونَ أَنْ یَتَحاکَمُوا إِلَی الطَّاغُوتِ وَ قَدْ أُمِرُوا أَنْ یَکْفُرُوا بِهِ وَ یُرِیدُ الشَّیْطانُ أَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلالاً بَعِیداً»(2)، {آیا ندیده ای کسانی را که می پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده اند [با این همه] می خواهند داوریِ میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته اند که بدان کفر ورزند، و[لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهیِ دوری دراندازد.} می نویسد: این آیه در باره زبیر بن عوام نازل شده. او با مردی از یهودیان در باره باغی اختلاف داشت، به او گفت راضی هستی که ابن شیبه یهودی در باره ما قضاوت کند؟ یهودی گفت ما به قضاوت محمد صلی الله علیه و آله راضی هستیم. این آیه نازل شد «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِما أُنْزِلَ

1- . تفسیر قمی 1: 148
2- . نساء / 60

إِلَيْکَ» تا این قسمت «رَأَیْتَ الْمُنافِقِینَ یَصُدُّونَ عَنْکَ صُدُوداً» که دشمنان آل محمدند صلوات الله علیه. این در باره همه آنها جاری است.(1)

39. تفسیر قمی: حضرت صادق و حضرت باقر علیهما السلام فرمودند: مصیبت عبارت از فرو رفتن در زمین است. به خدا قسم، تبهکاران در کنار حوض به زمین فرو می روند. این آیه «فَکَیْفَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصیبَهٌ بِما قَدَّمَتْ أَیْدیهِمْ ثُمَّ جاؤُکَ یَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنا إِلاَّ إِحْساناً وَ تَوْفیقاً»(2)، {پس چگونه، هنگامی که به [سزایِ] کار و کردار پیشینشان مصیبتی به آنان می رسد، نزد تو می آیند و به خدا سوگند می خورند که ما جز نیکویی و موافقت قصدی نداشتیم؟ }. (3)

40. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَی الرَّسُولِ وَ إِلی أُولِی الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذینَ یَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّیْطانَ إِلاَّ قَلیلاً »(4) {و چون خبری [حاکی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که [می توانند درست و نادرست] آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمتِ او بر شما نبود، مسلّماً جز [شمارِ] اندکی، از شیطان پیروی می کردید. }می نویسد: فضل رسول خدا صلی الله علیه و آله و رحمت امیر المؤمنین علیه السلام است.(5)

41. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه لَیْسَ بِأَمانِیِّکُمْ وَ لا أَمانِیِّ أَهْلِ الْکِتابِ مَنْ یَعْمَلْ سُوءاً یُجْزَ بِهِ وَ لا یَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِیًّا وَ لا نَصیراً »(6)، { [پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست؛ هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می بیند، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی یابد. }می نویسد: یعنی آن

1- . تفسیر قمی 1: 149 - 150
2- . نساء / 62
3- . تفسیر قمی 1: 150
4- . نساء / 83
5- . تفسیر قمی 1: 153
6- . نساء / 123

طوری که آرزوی شما و اهل کتاب است نخواهد شد که در مقابل اعمالتان عذاب نشوید «وَ لا يُظْلَمُونَ نَقِيراً» نقیر همان نقطه ایست که پشت دانه خرما است. (1)

42. تفسیر عیاشی: حارث بن مغیره از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرده در تفسیر آیه «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلاَّ لَيُؤْمِنَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَهِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً»(2)، {و از اهلِ کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. } فرمود: آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. (3)

43. تفسیر عیاشی: مفضل گفت: از حضرت صادق علیه السّلام از تفسیر این آیه «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ» پرسیدم، فرمود: این آیه فقط در باره ما نازل شده که احدی از فرزندان فاطمه علیها السلام نخواهد مرد و از دنیا خارج نمی شود مگر اینکه به امامت امام خود اقرار می کند چنانچه فرزندان یعقوب به مقام یوسف اقرار نمودند وقتی که گفتند: «تَاللَّهِ لَقَدْ آثَرَکَ اللَّهُ عَلَيْنا». (4)

44. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ» فرمود: ایمان اهل کتاب به محمد صلی الله علیه و آله است. (5)

45. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم می نویسد: شهر بن حوشب گفت، حجاج به من گفت یک آیه در قرآن مرا خسته کرده. گفتم امیر ! بفرمایید کدام آیه است؟ گفت این آیه «وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» هیچ یک از اهل کتاب نیستند مگر اینکه به او قبل از مرگش ایمان می آورند.

سپس گفت، من دستور می دهم گردن یک یهودی یا مسیحی را بزنند و بعد دقیق تماشا می کنم، هرگز لبهای خود را حرکتی نمی دهد تا موقعی که می میرد و چیزی نمی گوید که معلوم شود ایمان آورده. گفتم خدا امیر را خیر دهد، آن طور که تو تاویل کرده ای نیست، پرسید چگونه است؟

-1 . تفسیر قمی 1: 160

2- . نساء / 159
3- . تفسير عياشى 1: 309
4- . تفسير عياشى 1: 310
5- . تفسير عياشى 1: 310

گفتم عیسی قبل از روز قیامت به دنیا فرود خواهد آمد. احدی از ملتها چه یهودی و چه دیگران نمی ماند مگر اینکه به او ایمان می آورد و او پشت سر حضرت مهدی نماز خواهد خواند.

گفت وای بر تو، از کجا این مطلب را کشف نموده ای و از چه کس استفاده کرده ای؟ گفتم این مطلب را محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب برایم نقل کرد. گفت به خدا قسم از سرچشمه پاکی استفاده کرده ای. (1)

46. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه « فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذینَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ طَيِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ كَثيراً»(2)، {پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زَد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم }می نویسد: عبد الله بن ابی یعفور گفت، از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: هر کس در زمین و کشتزار خود گندم بکارد ولی جو درآید به واسطه ستمی است که کرده، یا زمین را تصاحب کرده و یا به زارعین و یا کارگران خود ستمی نموده است زیرا خداوند می فرماید: «فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ طَيِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيراً» یعنی گوشت شتر و گاو و گوسفند. آیه را خداوند چنین نازل نموده، همین طور بخوانید و خداوند چیزی را در کتاب خود حلال نمی کند که بعداً حرام نماید و حرام نمی کند چیزی را که بعد حلال نماید. گفتم آیه همین طور است و من الابل «وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُما» فرمود: بلی همین طور است. عرض کردم این آیه چگونه است «إِلَّا ما حَرَّمَ إِسْرائِيلُ عَلى نَفْسِهِ» فرمود: اسرائیل وقتی گوشت شتر می خورد مبتلا به درد پهلو می شد، بنابراین گوشت شتر را بر خود حرام نمود. این مطلب قبل از نزول تورات بود، وقتی تورات نازل شد آن را حرام نکرد ولی (یعقوب از آن) نخورد. (3)

1- . تفسیر قمی 1: 165

2- . نساء / 160

3- . تفسیر قمی 1: 165 - 166

مولف: این روایت را نمی شناسی. تا اینجا یعنی لحوم الابل و البقر و الغنم از ابن ابی یعفور نقل کرده و گفته است، ان اسرائیل کان اذا اکل لحم البقر تا آخر خبر.(1)

شاید عیاشی زوائد خبر را به خاطر مشکل بودن معنی و اشکالی که در معنی آن وجود داشت که به سادگی نمی توان آن را معنی کرد، اسقاط نموده. اما آنچه به خاطر من رسیده این است که امام علیه السلام این طور قرائت نموده «حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ» بدون تشدید، یعنی آنها را از طیبات محروم کردیم و اینکه جمله به «علی» متعدی شده است از آن جهت است که معنی خشم و سخط را دارا است. حاصل معنی آن این است که آنها چون به انجام کارهای حرام بر خود ستم روا داشتند، ما لطف خود را از آنها برداشتیم طوری که آنها بدعت نهادند و بر خود طیبات را حرام کردند.

سپس امام علیه السّلام استدلال نموده است که این روایت بهتر است و این معنی شایسته تر است به اینکه ظلم یهود بعد از حضرت موسی علیه السّلام بوده و تورات را کتابی بعد از او جز انجیل منسوخ ننموده و یهودیان به حکم انجیل هم عمل نمی کنند، پس باید این تحریم از طرف خودشان باشد. پس اینکه می فرماید ثم یحرمه بعد ما احله، یعنی در غیر این کتاب و بعد از رفتن پیامبری که بر او نازل شده است. پس منافاتی در نسخ کتاب به وسیله کتاب دیگر و به وسیله سنت نیست. بعد سائل در مورد این آیه سؤال می کند «حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُما» می فرماید: این هم همان طور به تخفیف خوانده می شود اما این آیه «إِلّا ما حَرَّمَ إِسْرائِيلُ عَلى نَفْسِهِ» با تشدید خوانده می شود زیرا صریح است در اینکه به واسطه کار خودش بر خود حرام نموده و خداوند بر او حرام نکرده است.

ممکن است چنین نیز توجیه کنیم. البته بعید است که امام علیه السلام وقتی استشهاد به آیه می نماید بر اینکه خداوند بعضی از نعمتها را گاهی به خاطر معصیت مردم از بین می برد، سئوال کننده را متوجه نموده که منظور از تحریم این است که آنها را مبتلا به بلایی کرده که نتوانسته اند از این نعمتها استفاده کنند، یا شیطان بر آنها مسلط گردیده و خودشان بر خود تحریم نموده اند. سپس امام تاکید می فرماید که خدا این طور و به این معنی نازل نموده که گرچه ظاهر لفظ به صورت دیگری است،

1- . تفسير العياشى 1: 310 - 311

یعنی منظورتان آن معنی باشد نه آنچه مردم می فهمند. اما توجیه اول صحیح تر است. اما این قسمت فرمایش امام که فرمود: (لم یاکله) ظاهراً منظور حضرت موسی علی نبینا و علیه السلام است، یعنی موسی یا کتابش بر پیامبر ما صلی الله علیه و آله حرام نکرده و نخوردن موسی با خواست خودش و پرهیز شخصی بوده و یا به واسطه همان بیماری که یعقوب هم دچار آن بوده(از آن نمی خورده است) و محتمل است معنی این باشد که در تورات است: اسرائیل بر خود حرام نکرده و نخورده است.

47. تفسیر عیاشی: عبد الله بن سنان گفت، به حضرت صادق علیه السّلام عرض کردم آیه «یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبیناً»(1)، {ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.} تفسیرش چیست؟ فرمود: برهان محمد صلی الله علیه و آله و نور علی علیه السلام است. گفتم «صِراطاً مُسْتَقِیماً» چیست؟ فرمود: صراط مستقیم علی علیه السّلام است. (2)

48. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مِنَ الَّذینَ قالُوا إِنّا نَصاری أَخَذْنا میثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمّا ذُکِّرُوا بِهِ فَأَغْرَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ وَ سَوْفَ یُنَبِّئُهُمُ اللّهُ بِما کانُوا یَصْنَعُونَ »(3) ، {و از کسانی که گفتند: «ما مسیحی هستیم»، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و[لی] بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم، و به زودی خدا آنان را از آنچه می کرده اند [و می ساخته اند] خبر می دهد.} نوشته است: منظور این است که عیسی بن مریم بنده مخلوق است که نصاری او را خدا گرفته اند «وَ نَسُوا حَظًّا مِمّا ذُکِّرُوا بِهِ» این و آیه «یا أَهْلَ الْکِتابِ قَدْ جاءَکُمْ رَسُولُنا یُبَیِّنُ لَکُمْ کَثِیراً مِمّا کُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْکِتابِ وَ یَعْفُوا عَنْ کَثِیرٍ» فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنچه شما از تورات در ارتباط با اخبار مربوطه به پیامبر اسلام مخفی کرده اید

1- . نساء / 174
2- . تفسیر عیاشی 1: 311
3- . مائده / 14

را بیان می کند که و بسیاری از آنها را بیان نمی کند. «قَدْ جاءَکُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ کِتابٌ مُبِینٌ» منظور از نور، امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام است.

آیه «قَدْ جاءَکُمْ رَسُولُنا یُبَیِّنُ لَکُمْ» خطاب به اهل کتاب است «یُبَیِّنُ لَکُمْ عَلی فَتْرَهٍ مِنَ الرُّسُلِ» یعنی زمانی که فرستادن پیامبران قطع شده است. سپس بر آنها احتجاج نموده «أَنْ تَقُولُوا» یعنی تا نگویید.

آیه «اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ جَعَلَ فِیکُمْ أَنْبِیاءَ وَ جَعَلَکُمْ مُلُوکاً» یعنی در بنی اسرائیل، خداوند نبوت و فرمانروایی و سلطنت را به یک خانواده نداد ولی این دو مقام را برای پیامبر ما صلی الله علیه و آله جمع نمود.(1)

49. عیاشی: یعقوب بن شعیب گفت، از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه را پرسیدم: «وَ قالَتِ الْیَهُودُ یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ غُلَّتْ أَیْدیهِمْ وَ لُعِنُوا بِما قالُوا بَلْ یَداهُ مَبْسُوطَتانِ یُنْفِقُ کَیْفَ یَشاءُ وَ لَیَزیدَنَّ کَثیراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ طُغْیاناً وَ کُفْراً وَ أَلْقَیْنا بَیْنَهُمُ الْعَداوَهَ وَ الْبَغْضاءَ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ کُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ یَسْعَوْنَ فِی الْأَرْضِ فَساداً وَ اللَّهُ لا یُحِبُّ الْمُفْسِدینَ»(2) ،{ و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی دارد.} به من فرمود: این طور، و دست خود را به طرف گردن برد، ولی منظورشان این بود که کارها را تمام کرده. در روایت دیگری است که منظور آنها این است که خدا از کار فراغت یافته.(3)

1- . تفسیر قمی 1: 172
2- . مائده / 64
3- . تفسیر عیاشی 1: 358

امام صادق علیه السلام فرمود: آنها می گویند خدا کارها را تمام نموده «لُعِنُوا بِما قالُوا» خداوند می فرماید «بَلْ يَداهُ مَبْسُوطَتانِ».(1)

50. تفسیر عیاشی: حضرت امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ» فرمود: هر زمان یکی از ستمگران روزگار بخواهد آل محمد صلی الله علیه و آله را هلاک نماید، خداوند او را به هلاکت می رساند. (2)

51. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ ساءَ ما يَعْمَلُونَ»(3) ، {و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می شدند. از میان آنان گروهی میانه رو هستند، و بسیاری از ایشان بد رفتار می کنند. }

فرمود: ولایت است.(4)

52. تفسیر عیاشی: ابی الصهباء بکری نقل می کند که از علی بن ابی طالب علیه السّلام شنیدم، راس الجالوت و اسقف نصاری را خواست و فرمود: من از شما چیزی را می پرسم که خودم بهتر از شما می دانم، مبادا کتمان کنید. به اسقف نصاری فرمود: تو را قسم می دهم به خدایی که انجیل را بر عیسی نازل کرد و برکت را در پای او نهاد که عیسی علیه السلام کور و برص و نابینا و میت را زنده می کرد و برای شما از گل پرنده ها ساخت و به شما از آنچه می خورید و ذخیره نموده اید اطلاع داد. اسقف گفت بدون این حرفها راست می گویم. علی علیه السّلام فرمود: مسیحیان بعد از عیسی چند فرقه شدند؟ گفت به خدا قسم فقط یک فرقه. علی علیه السّلام فرمود: قسم به خدایی که جز او خدایی نیست دروغ گفتی؛ به هفتاد و دو فرقه تقسیم شدند،

1- . تفسیر عیاشی 1: 359
2- . تفسیر عیاشی 1: 359
3- . مائده / 66

4- . تفسير عياشى 1: 359

همه اهل آتشند مگر یک فرقه. خداوند می فرماید: «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ ساءَ ما يَعْمَلُونَ» فقط همین یک فرقه نجات می یابند. (1)

53. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «قُلْ يا أَهْلَ الْكِتابِ لَسْتُمْ عَلى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيراً مِنْهُمْ ما أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْياناً وَ كُفْراً فَلا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ» (2)، {بگو: «ای اهل کتاب، تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده اید بر هیچ [آیین بر حقّی] نیستید.» و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود. پس بر گروه کافران اندوه مخور.}

فرمود: این ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام است. (3)

54. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ قالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ» گفته است: یهودیان گفتند خداوند از کار فارغ شده و جز آنچه قبلا مقدر نموده نمی آفریند. خداوند اعتقاد آنها را رد کرده فرمود: «بَلْ يَداهُ مَبْسُوطَتانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشاءُ» یعنی جلو می اندازد امری را یا تاخیر می اندازد، زیاد می کند یا کم می نماید. او اختیار و بدا دارد و دارای مشیت است.

این آیه «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقامُوا التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ ما أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ» یعنی یهود و نصاری «لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» از بالای سر باران و از زیر پاهایشان نباتات. این آیه «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ» گفت: گروهی از یهود بودند که داخل اسلام شدند، آنها را خداوند امت مقتصده نامید. (4)

55. تفسیر عیاشی: از مروان از بعضی اصحاب نقل کرد که حضرت صادق علیه السّلام صحبت از نصاری و دشمنی آنها نمود. این آیه را خواندم: « لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَداوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا

1- . تفسیر عیاشی 1: 359

2- . مائده / 68

3- . تفسير عياشى 1: 363
4- . تفسير قمى 1: 178 - 179

الَّذینَ قالُوا إِنَّا نَصاری ذلِکَ بِأَنَ مِنْهُمْ قِسِّیسینَ وَ رُهْباناً وَ أَنَّهُمْ لا یَسْتَکْبِرُونَ»، (1) {مسلّماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده اند، دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما مسیحی هستیم»، نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی اند که تکبر نمی ورزند. } فرمود: آنها قومی بودند بین عیسی و محمد صلی الله علیه و آله که انتظار آمدن حضرت محمد صلی الله علیه و آله را داشتند. (2)

56. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه «ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحیرَهٍ وَ لا سائِبَهٍ وَ لا وَصیلَهٍ وَ لا حامٍ وَ لکِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا یَفْتَرُونَ عَلَی اللَّهِ الْکَذِبَ وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ»(3)، {خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل:] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می بندند و بیشترشان تعقّل نمی کنند. } فرمود: مردم جاهلیت وقتی شترشان در یک شکم دو قلو زائید می گفتند به هم وصل شد، نه کشتن آن را جایز می دانستند و نه خوردنش را. وقتی که ده فرزند می زائید او را سائبه می نامیدند، نه سواری آن و نه خوردن گوشتش را حلال می دانستند. «حام» شتر نر است که آن را نیز حلال نمی دانستند. خداوند این آیه را نازل نمود که خداوند هیچ یک از اینها را حرام نکرده است.(4)

امام صادق علیه السّلام فرمود: بحیره موقعی است که بچه بچه شتر بزاید. به آن بحیره می گویند.(5)

57. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِیرَهٍ» گفته است: بحیره موقعی بود که گوسفند پنج مرتبه بزاید و در مرتبه ششم می گفتند بحیره شده و آن بره را برای بت قرار می دادند و دیگر کسی مانع از چرا و آب خوردن او نمی شد. وصیله به گوسفندی می گفتند که پنج شکم بزاید و در مرتبه ششم یک بزغاله نر و یک ماده در یک شکم بزاید که بزغاله ماده را برای بت قرار می دادند و

1- . مائده / 82
2- . تفسیر عیاشی 1: 364
3- . مائده / 103

4- . تفسير عياشى 1: 375
5- . تفسير عياشى 1: 376

می گفتند به برادرش رسید و گوشت آن را برای زنان حرام می کردند. وقتی شتر نری پدر پدر پدر می شد، می گفتند پشت شتر قرق شد و دیگر نمی توان از او سواری و باربری کشید و او را حام می نامیدند و از چرا و آب او جلوگیری نمی شد. خداوند این (عقاید آنها) را رد کرده، فرمود: «ما جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِیرَهٍ» تا این قسمت «وَ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْقِلُونَ».(1)

58. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذْ قالَ اللَّهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونی وَ أُمِّیَ إِلهَیْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قالَ سُبْحانَکَ ما یَکُونُ لی أَنْ أَقُولَ ما لَیْسَ لی بِحَقٍّ إِنْ کُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ ما فی نَفْسی وَ لا أَعْلَمُ ما فی نَفْسِکَ إِنَّکَ أَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ»(2) ، {و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جایِ خداوند بپرستید؟» گفت: «منزّهی تو، مرا نزیبد که [در بارهِ خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم. اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می دانستی. آنچه در نفسِ من است تو می دانی؛ و آنچه در ذات توست من نمی دانم، چرا که تو خود، دانای رازهای نهانی.} گفته است: لفظ آیه ماضی است ولی معنی آن مستقبل است، قبلا نگفته، بعد از این خواهد گفت. جریان این بود که مسیحیان گمان می کردند عیسی به آنها گفته است: من و مادرم دو خدا هستیم، روز قیامت خداوند بین مسیحیان و عیسی جمع می کند و به او می گوید: «أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِی وَ أُمِّی إِلهَیْنِ» تو گفتی به مردم که من و مادرم را دو خدا بگیرید؟

می گوید خدایا تو منزهی، هرگز من چیزی را که شایسته آن نیستم نخواهم گفت. اگر گفته بودم تو خود می دانستی. تو آنچه را در دل من است می دانی، ولی من آنچه در ذات تو است را نمی دانم. تو دانای رازها هستی، تا این آیه «وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهِیدٌ» و دلیل بر اینکه عیسی چنین چیزی را نگفته این آیه است «هذا یَوْمُ یَنْفَعُ الصَّادِقِینَ صِدْقُهُمْ».(3)

1- . تفسیر قمی 1: 195
2- . مائده / 116
3- . تفسیر قمی 1: 197

59. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در باره سخن خدا به عیسی: «أَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِی وَ أُمِّی» فرمود: خداوند این سؤال را نکرده است، چون خداوند می داند یک جریان اتفاق افتادنی است از آینده به طور واقع شده خبر می دهد.(1)

و از سلیمان بن خالد از حضرت صادق علیه السّلام نقل شده که از این آیه سؤال کردند، فرمود: خداوند وقتی اراده امری را کرد، قبل از وقوع، خبر اتفاق افتادن آن را می دهد.(2)

60. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در مورد آیه «تَعْلَمُ ما فِی نَفْسِی وَ لا أَعْلَمُ ما فِی نَفْسِکَ إِنَّکَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ» فرمود: اسم اعظم و اکبر هفتاد و سه حرف است، یک حرف آن را خداوند به خود اختصاص داده و هیچ کس را از آن مطلع نکرده، به همین جهت احدی نمی داند در نفس او چیست. این است معنی قول عیسی «تَعْلَمُ ما فِی نَفْسِی» یعنی هفتاد و دو حرف از اسم اکبر به من آموختی و خود می دانی «وَ لا أَعْلَمُ ما فِی نَفْسِکَ» زیرا تو این یک حرف را به هیچ آفریده ای نیاموخته ای، پس احدی نمی داند در نفس تو چیست.(3)

61. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم گفته است: این آیه حکایت کفار قریش است: «وَ قالُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ مَلَکٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَکاً لَقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لا یُنْظَرُونَ»(4) ، { و گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟» و اگر فرشته ای فرود می آوردیم، قطعاً کار تمام شده بود؛ سپس مهلت نمی یافتند. } گفتند: چرا بر او یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله فرشته نازل نمی شود «وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَکاً لَقُضِیَ الْأَمْرُ ثُمَّ لا یُنْظَرُونَ» خداوند خبر می دهد که معجزه وقتی آمد و فرشته نازل شد و ایمان نیاوردند، هلاک می شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از روی رحمت و رأفت به امت خویش از آوردن معجزات خودداری می کند و خداوند به او شفاعت را عنایت نموده است.

1- . تفسیر عیاشی 1: 379
2- . تفسیر عیاشی 1: 379
3- . تفسیر عیاشی 1: 379
4- . انعام / 8

سپس خداوند می فرماید «وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَکاً لَجَعَلْناهُ رَجُلًا وَ لَلَبَسْنا عَلَیْهِمْ ما یَلْبِسُونَ وَ لَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِکَ فَحاقَ بِالَّذِینَ سَخِرُوا مِنْهُمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ» یعنی بر آنها عذاب نازل شد، سپس می فرماید «قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ» بگو ای محمد - صلی الله علیه و آله - بروید و گردش کنید و در قرآن و اخبار پیامبران نگاه کنید که عاقبت تکذیب کنندگان چه بوده است، بعد می فرماید «قُلْ لِمَنْ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ کَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ» بگو آسمانها و زمین مال کیست، سپس حرف آنها را رد می کند و می فرماید:

خدا است که رحمت را بر خود لازم نموده.(1)

62. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: هر چه بر خود بپوشانند و مشتبه سازند، خداوند نیز بر آنها می پوشاند و مشتبه می سازد؛ در قرآن می فرماید «وَ لَوْ جَعَلْناهُ مَلَکاً لَجَعَلْناهُ رَجُلاً وَ لَلَبَسْنا عَلَیْهِمْ ما یَلْبِسُون»(2) ، {و اگر او را فرشته ای قرار می دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی در می آوردیم، و امر را همچنان بر آنان مشتبه می ساختیم. }.(3)

63. تفسیر قمی: حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «قُلْ أَیُ شَیْ ءٍ أَکْبَرُ شَهادَهً قُلِ اللَّهُ شَهیدٌ بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَ إِنَّکُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَهً أُخْری قُلْ لا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنَّنی بَری ءٌ مِمَّا تُشْرِکُونَ »(4) {بگو: «گواهی چه کسی از همه برتر است؟» بگو: «خدا میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعاً شما گواهی می دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟» بگو: «من گواهی نمی دهم.» بگو: «او تنها معبودی یگانه است، و بی تردید، من از آنچه شریک [او] قرار می دهید بیزارم.» }فرمود: مشرکان اهل مکه گفتند یا محمد - صلی الله علیه و آله - خدا کسی را جز تو پیدا نکرد که به

1- . تفسیر القمی: 202

2- . انعام / 9

3- . تفسیر عیاشی 1: 385

4- . انعام / 19

رسالت مبعوث نماید؟ نمی بینیم یک نفر دعوت تو را بپذیرد - این سخنان در ابتدای دعوت در مکه بود - ما از یهودیان و مسیحیان پرسیدیم، گفتند در کتابهای ما چیزی راجع به تو وجود ندارد. یک نفر را شاهد بیاور که گواهی بدهد تو پیامبر خدایی. فرمود: خدا گواه بین من و شما است. (خداوند) فرموده است «إِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرى» شما گواهی می دهید که با خدا خدایان دیگری است. خداوند به حضرت محمد می فرماید: فان تشهدوا فلا تشهد معهم، اگر چنین گواهی دادند، تو با آنها گواهی مده؛ قل لا اشهد «إِنَّما هُوَ إِلهٌ واحِدٌ وَ إِنَّنِی بَرِیءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» بگو گواهی نمی دهم. او خدای یکتا است و من از شرک شما بیزارم.(1)

64. تفسیر عیاشی: حضرت باقر و امام صادق علیهما السلام در باره تفسیر آیه «وَ أُوحِیَ إِلَیَّ هذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» فرمودند: منظور از «مَنْ بَلَغَ» ائمه علیهم السلام هستند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را به وسیله قرآن هشدار می دهند.(2)

ابو خالد کابلی از حضرت باقر علیه السّلام نقل کرد که فرمود: هر که از بازماندگان پیامبر به مقام امامت برسد، همان اوصیا به وسیله قرآن هشدار می دهند چنانچه پیامبر هشدار می داد. (3)

65. تفسیر عیاشی: عمار بن میثم از حضرت صادق علیه السلام نقل کرد که مردی خدمت امیر المؤمنین علیه السّلام این آیه را خواند، «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِی يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لا يُكَذِّبُونَكَ وَ لكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآياتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ »(4)، {به یقین، می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند.}آن جناب فرمود: بلی به خدا پیامبر صلی الله علیه و آله را به شدیدترین وجه ممکن تکذیب کردند، ولی

1- . تفسیر قمی 1: 202
2- . تفسیر عیاشی 1: 386
3- . تفسیر عیاشی 1: 386
4- . انعام / 33

(یکذبوک) بدون تشدید است یعنی نمی توانند باطلی را بیاورند که حق تو را پایمال کنند. (1)

حسین بن منذر از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «فَإِنَّهُمْ لا یُکَذِّبُونَکَ» نقل کرد که فرمود: آنها نمی توانند گفتار تو را باطل نمایند. (2)

66. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَیَحْزُنُکَ الَّذِی یَقُولُونَ» گفته است: این آیه را بر حضرت صادق علیه السّلام خواندند فرمود: آری آنها به شدیدترین وجه تکذیب کردند ولی «لا یُکَذِّبُونَکَ» بدون تشدید نازل شده، یعنی نمی توانند چیزی بیاورند که حقیقت گفتار تو را باطل نمایند.

حفص بن غیاث از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: یا حفص، هر که صبر کند کمی صبر کرده و هر که ناراحتی و جزع نماید کمی ناراحتی کرده؛ بعد فرمود: صبر را در تمام کارها از دست مده. خداوند حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت و به او امر به صبر و مدارا کرد و فرمود «وَ اصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْراً جَمِیلاً»(3)، {و بر آنچه می گویند شکیبا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر.} و فرمود: «ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ السَّیِّئَةَ فَإِذَا الَّذِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُ عَداوَةٌ کَأَنَّهُ وَلِیٌّ حَمِیمٌ»(4) ، {[بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد. }آنقدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صبر کرد تا ناراحتی های شدید برای او ایجاد کردند و ایشان را سخت در معرض هدف تیرهای کینه خود قرار دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلتنگ شد، خدا این آیه را نازل نمود «وَ لَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّکَ یَضِیقُ صَدْرُکَ بِما یَقُولُونَ»(5)، {و قطعاً می دانیم که سینه تو از آنچه می گویند تنگ می شود.} ما می دانیم از گفتار آنها دلتنگ هستی. باز تکذیبش نمودند و ایشان

1- . تفسیر عیاشی 1: 389
2- . تفسیر عیاشی 1: 389
3- . المزمل / 10
4- . فصلت / 34
5- . الحجر / 97

را هدف گفتار ناهنجار خویش قرار دادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محزون گردید.

خداوند این آیه را نازل کرد «قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَیَحْزُنُکَ الَّذِی یَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لا یُکَذِّبُونَکَ وَ لکِنَّ الظّالِمِینَ بِآیاتِ اللّهِ یَجْحَدُونَ وَ لَقَدْ کُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِکَ فَصَبَرُوا عَلی ما کُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتّی أَتاهُمْ نَصْرُنا»(1) ، { به یقین، می دانیم که آنچه می گویند تو را سخت غمگین می کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می کنند. و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید. } دوباره پیامبر صبر کرد و آنها تکذیب کردند و به خدا اهانت کردند. پیامبر اکرم فرمود: در مورد خود و خانواده و آبرویم صبر کردم، اما نمی توانم در مورد نام خدایم صبر کنم که هر چه می خواهند بگویند.، خداوند این آیه را نازل نمود «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فِی سِتَّهِ أَیّامٍ وَ ما مَسَّنا مِنْ لُغُوبٍ فَاصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ»(2) {و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است را در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم. بر آنچه می گویند صبر کن. } پیامبر در تمام احوال صبر کرد سپس خداوند او را به جانشینان و ائمه بعد از او که به صبر آراسته شده اند بشارت داد و فرمود: «وَ جَعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّهً یَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمّا صَبَرُوا وَ کانُوا بِآیاتِنا یُوقِنُونَ»(3)، { و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند. } در این موقع فرمود: «الصبر من الایمان کالرأس من البدن» پیامبر شکر نعمت را نمود. خداوند این آیه را بر او نازل کرد: «وَ تَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ الْحُسْنی عَلی بَنِی إِسْرائِیلَ بِما صَبَرُوا وَ دَمَّرْنا ما کانَ یَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَ ما کانُوا یَعْرِشُونَ»(4) ، { وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت، و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم. }

1- . الأنعام / 33 - 34
2- . ق / 38 - 39
3- . السجده / 24
4- . الاعراف / 137

فرمود: آیه بشارت و انتقام است، خداوند کشتن مشرکین را اجازه داد که هر جا آنها را پیدا کردند بکشند و به دست پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش آنها را کشت و پاداش صبرش را در همین دنیا به اضافه آنچه در آخرت برایش ذخیره نموده داد.

در روایت ابی الجارود از حضرت باقر علیه السّلام در باره آیه «وَ إِنْ کانَ کَبُرَ عَلَیْکَ إِعْراضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِیَ نَفَقاً فِی الْأَرْضِ أَوْ سُلَّماً فِی السَّماءِ فَتَأْتِیَهُمْ بِآیَهٍ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَی الْهُدی فَلا تَکُونَنَّ مِنَ الْجاهِلِینَ»(1) ، {و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است، اگر می توانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن]، و اگر خدا می خواست قطعاً آنان را بر هدایت گِرد می آورد، پس زنهار از نادانان مباش.} نَفَقاً فِی الْأَرْضِ یعنی نقب و سوراخی در زمین.

علی بن ابراهیم در مورد آیه «نَفَقاً فِی الْأَرْضِ أَوْ سُلَّماً فِی السَّماءِ» می گوید: یعنی اگر قدرت داری زمین را حفر کنی یا به آسمان بالا روی، یعنی نمی توانی چنین کنی. بعد می فرماید: «وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَی الْهُدی» یعنی اگر خدا بخواهد می تواند همه را مؤمن نماید.

این آیه «فَلا تَکُونَنَّ مِنَ الْجاهِلِینَ» خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است ولی منظور مردم هستند. «إِنَّما یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ یَسْمَعُونَ» دعوت تو را کسانی که عقل دارند و درک می کنند می پذیرند. «وَ الْمَوْتی یَبْعَثُهُمُ اللَّهُ» یعنی تصدیق می کنند که خداوند مرده ها را بر می انگیزاند. «وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَیْهِ آیَهٌ» یعنی چرا بر او آیه و معجزه ای نازل نمی شود. «قُلْ إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلی أَنْ یُنَزِّلَ آیَهً وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ» بگو خداوند قادر است آیه نازل نماید ولی اکثر آنها نمی دانند اگر معجزه ای آمد و ایمان نیاوردند هلاک خواهند شد.

حضرت امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه: «وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ عَلَیْهِ آیَهٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَ اللَّهَ قادِرٌ عَلی أَنْ یُنَزِّلَ آیَهً وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ»(2) ، {و گفتند: «چرا معجزه ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «بی تردید، خدا قادر

1- . انعام / 35
2- . انعام / 37

است که پدیده ای شگرف فرو فرستد، لیکن بیشتر آنان نمی دانند.» } فرمود: به زودی در آخر الزمان آیاتی را از قبیل دابه الارض، دجال، نزول عیسی بن مریم و طلوع خورشید از مغرب نشانتان می دهد.(1)

67. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم گفته است: یا محمد - صلی الله علیه و آله - به آنها بگو «قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَ غَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ»(2) ، {بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا شما را دررسد یا رستاخیز شما را دریابد ، اگر راستگویید، کسی غیر از خدا را می خوانید؟» } اگر عذاب خدا یا قیامت بیاید، آیا جز خدا را به فریاد خود می خوانید؟ اگر راست می گویید. بعد سخن آنها را با این آیه رد می کند: «بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ ما تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شاءَ وَ تَنْسَوْنَ ما تُشْرِكُونَ»(3)، { [نه،] بلکه تنها او را می خوانید، و اگر او بخواهد، رنج و بلا را از شما دور می گرداند، و آنچه را شریک [او] می گردانید فراموش می کنید. }. فرمود: وقتی گرفتار یک ناراحتی می شوید خدا را می خوانید. وقتی خداوند آن ناراحتی را برطرف نمود فراموش می کنید و بت ها را شریک خدا قرار می دهید.(4)

68. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ»(5)، {بگو: «به نظر شما، اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دلهایتان مُهر نَهَد، آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما بازپس دهد؟» بنگر چگونه آیات [خود] را [گوناگون] بیان می کنیم، سپس آنان روی برمی تابند؟} گفته است: خداوند می فرماید به قریش بگو اگر خدا گوش و چشم شما را بگیرد و مهر بر دلهای شما بزند، یعنی هدایت را از شما بگیرد، جز خدا چه کس می تواند به شما برگرداند «ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ» باز هم آنها تکذیب می کنند.

در روایت ابی الجارود ذیل همین آیه می فرماید باز آنها اعراض می کنند.

1- . تفسیر قمی 1: 204 - 206
2- . انعام / 40
3- . انعام / 41
4- . تفسیر قمی 1: 207

5- . انعام / 46

آیه «قُلْ أَ رَأَیْتَکُمْ إِنْ أَتاکُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَهً أَوْ جَهْرَهً هَلْ یُهْلَکُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ»(1) {بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به شما برسد، آیا جز گروه ستمگران [کسی] هلاک خواهد شد؟» } در موقعی نازل شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه هجرت کرده بود و اصحاب گرفتار تنگدستی و بیماری و ناراحتی شده بودند و به پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت نمودند. خداوند این آیه را نازل نمود؛ یعنی به شما در این دنیا جز گرفتاری و تنگدستی چیز دیگری نمی رسد اما آیا عذاب دردناک خدا که موجب هلاکت می شود، جز برای ستمکاران است؟(2)

69. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً وَ یُذیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْآیاتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ»(3) ، {بگو: «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند.» بنگر، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم باشد که آنان بفهمند. } گفته است: بگو او قادر است عذابی از بالای سرتان بر شما فرستد، یعنی سلطان ستمگر «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ» یعنی مردمان نادان و بی فایده «أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً» یا شما را دچار عصبیت نماید «وَ یُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» و گرفتار همسایه بد نماید.

حضرت باقر علیه السلام در باره آیه «قُلْ هُوَ الْقادِرُ عَلی أَنْ یَبْعَثَ عَلَیْکُمْ عَذاباً مِنْ فَوْقِکُمْ» فرمود: آن عذاب دجال و صیحه آسمانی است «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِکُمْ» یعنی خسف و فرو رفتن در زمین «أَوْ یَلْبِسَکُمْ شِیَعاً» اختلاف در دین و طعنه زدن به یک دیگر است «وَ یُذِیقَ بَعْضَکُمْ بَأْسَ بَعْضٍ» یعنی یک دیگر را کشتن تمام این بلاها در میان اهل قبله است خداوند می فرماید «انْظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْآیاتِ

1- . انعام / 47
2- . تفسیر قمی 1: 208 - 209
3- . انعام / 65

لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ» یعنی قریش تکذیب کردند «لِکُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ» از برای هر جریانی حقیقتی است که بعد متوجه می شوند.

و آیه «لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» یعنی تا بفهمند. و «وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ وَ هُوَ الْحَقُّ» یعنی قریش قرآن را تکذیب کردند. «لِکُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ» یعنی هر خبری وقتی دارد. «وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِی آياتِنا» یعنی وقتی آنهایی را می بینی که قرآن را تکذیب می کنند و مسخره می نمایند. «كَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّياطِينُ» مانند کسی که او را شیطان فریب داده. «لَهُ أَصْحابٌ يَدْعُونَهُ إِلَی الْهُدَی ائْتِنا» یارانی دارد که به او می گویند پیش ما برگرد، که کنایه از ابلیس است. (1)

70. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فی آياتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّی يَخُوضُوا فِی حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّکَ الشَّيْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»(2) ، {و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می روند از ایشان روی برتاب، تا در سخنی غیر از آن درآیند؛ و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجّه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین. } فرمود: یعنی در باره خدا حرف می زنند و در قرآن جدال می کنند «فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّی يَخُوضُوا فِی حَدِيثٍ غَيْرِهِ» از آنها کناره بگیر تا وارد حدیث دیگری شوند. فرمود: از آن جمله است داستان سرا و کسی که قصه گو است. (3)

مولف: منظور از ناقل قصه های دروغ و اکاذیب است و مراد، علمای مخالفین و روایت کننده های آنها است.

71. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» می نویسد: نمی توانند به عظمت خدا برسند و او را چنان که هست بستایند «إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلی بَشَرٍ مِنْ شَيْ ءٍ» گوینده این حرف قریش و یهود بودند، خداوند آنها را رد می کند و با آنها احتجاج می نماید: «قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذِی جاءَ بِهِ مُوسی نُوراً وَ هُدیً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِيسَ تُبْدُونَها» بگو ای محمد - صلی الله علیه و آله -

---

1- . تفسیر قمی 1: 211 - 212

2- . انعام / 68
3- . تفسیر عیاشی 1: 392

منظور از «تُبْدُونَها» یعنی به مقداری از آن اقرار می کنید. «وَ تُخْفُونَ کَثِیراً» یعنی بسیاری از اخبار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را پنهان می کنید. «وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُکُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ» یعنی بگذار آنها را در همان تکذیبی که می کنند بمانند. بعد می فرماید «وَ هذا کِتابٌ أَنْزَلْناهُ مُبارَکٌ مُصَدِّقُ الَّذِی بَیْنَ یَدَیْهِ وَ لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُری وَ مَنْ حَوْلَها» یعنی قرآن کتابی است که او را با برکت نازل کرده ایم و تورات و انجیل و زبور را تصدیق می کند، تا ساکنان مکه و اطرافش را بیم دهی. اینکه مکه را ام القری نامیده اند به آن جهت است که اولین بقعه و خانه ای که در زمین ساخته شد آنجا بود. «وَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ یُؤْمِنُونَ بِهِ» یعنی به پیامبر و قرآن ایمان می آورند. (1)

72. تفسیر عیاشی: عبد الله بن سنان گفت، از حضرت صادق علیه السّلام راجع به تفسیر این آیه پرسیدم «وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قالُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ عَلی بَشَرٍ مِنْ شَیْ ءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْکِتابَ الَّذِی جاءَ بِهِ مُوسی نُوراً وَ هُدیً لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطِیسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ کَثِیراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَ لا آباؤُکُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ»(2) ، {و آنگاه که [یهودیان] گفتند: «خدا چیزی بر بشری نازل نکرده»، بزرگی خدا را چنانکه باید نشناختند. بگو: «چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده؟ [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است، [و] آن را به صورت طومارها درمی آورید. [آنچه را] از آن [می خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می کنید، در صورتی که چیزی که نه شما می دانستید و نه پدرانتان، [به وسیله آن] به شما آموخته شد.» بگو: «خدا [همه را فرستاده]»؛ آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند. }

آن حضرت فرمود: هر چه را مایل بودند آشکار می کردند و هر چه مایل بودند پنهان می نمودند.

در روایت دیگری از آن حضرت نقل می شود که در کاغذها می نوشتند، سپس هر چه را دلشان می خواست آشکار می نمودند و آنچه را مایل بودند پنهان می کردند.

ص: 542

1- . تفسیر قمی 1: 216

2- . انعام / 91

و فرمود: هر کتابی نازل شده، نزد اهل علم است (منظور از اهل علم علمای آل محمد و ائمه علیهم السلام هستند).(1)

73. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مَنْ عَمِیَ فَعَلَیْها» می نویسد: یعنی هر که گمراه شود و گناه کند، به ضرر خود اوست. «وَ لِیَقُولُوا دَرَسْتَ» جریان چنین است که قریش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گفتند، آنچه به ما می گویی از علمای یهود می آموزی و از آنها درس می گیری، آیه«وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکِینَ» این آیه منسوخ شد با آیه «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِکِینَ حَیْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ». در آیه «أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ»(2)، { اگر [چه] بر هدایت آنان حرص ورزی، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی کند، و برای ایشان یاری کنندگانی نیست. و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می میرد بر نخواهد انگیخت.} منظور قریش است. «وَ نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَ أَبْصارَهُمْ» می فرماید: دلهای آنها را زیر و رو می کنیم به طوری که بالای آن پایین می آید. چشمهایشان را کور می کنیم که (راه) هدایت را نبینند. «کَما لَمْ یُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّهٍ» چنانچه در بار اول یعنی عالم ذر و میثاق ایمان نیاوردند. «وَ نَذَرُهُمْ فِی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ» یعنی گمراه می شوند، سپس خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله اعلام می کند که دلهای ایشان چگونه است و (آنها) منافق هستند. «وَ لَوْ أَنَّنا نَزَّلْنا إِلَیْهِمُ الْمَلائِکَهَ» تا این قسمت آیه «قُبُلًا» یعنی آشکار.

«وَ هُوَ الَّذِی أَنْزَلَ إِلَیْکُمُ الْکِتابَ مُفَصَّلًا» یعنی بین حق و باطل تشخیص می دهد. «آیَهٌ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّی نُؤْتی مِثْلَ ما أُوتِیَ رُسُلُ اللَّهِ» فرمود: بزرگان آنها گفتند ما به تو ایمان نمی آوریم مگر

اینکه برایمان مانند آنچه انبیاء دیگر از وحی و نزول کتاب آوردند بیاوری. «بِما کانُوا یَمْکُرُونَ» یعنی به واسطه معصیتی که در پنهان انجام می دادند.(3)

1- . تفسیر عیاشی 1: 299
2- . نحل / 38
3- . تفسیر قمی 1: 219

74. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعامِ نَصِيباً فَقالُوا هذا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هذا لِشُرَكائِنا فَما كانَ لِشُرَكائِهِمْ فَلا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ ما كانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلى شُرَكائِهِمْ ساءَ ما يَحْكُمُونَ »(1) ، {و [مشركان،] برای خدا از آنچه از كِشت و دامها كه آفريده است سهمی گذاشتند، و به پندار خودشان گفتند: «اين ويژه خداست و اين ويژه بتان ما.» پس آنچه خاص بتانشان بود به خدا نمی رسيد، و[لی] آنچه خاص خدا بود به بتانشان می رسيد. چه بد داوری می كنند.} تا اين آيه «ساءَ ما يَحْكُمُونَ» گفته است: عربها وقتی زراعتی را می كاشتند می گفتند اين مال خدا است و اين مال الهه ما. در موقع آبياری اگر آب از مسير منحرف می شد و از قسمت خدا به قسمتی كه مربوط به بتهايشان بود می رفت آن را نمی بستند و می گفتند خدا بی نياز از اين مقدار آب است. اگر مقداری از آنچه مربوط به خدا بود برای بت ها می رفت آن را بر نمی گرداندند و می گفتند خدا از آن بی نياز است. خداوند بر پيامبر اكرم صلی الله عليه و آله در اين مورد آيه نازل نمود و كار و رفتار آنها را شرح داد و فرمود: «وَ جَعَلُوا لِلَّهِ».

آيه «وَ كَذلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلادِهِمْ شُرَكاؤُهُمْ» يعنی پيشينيان آنها از كشتن فرزندانشان خوششان می آمد. «وَ لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ» يعنی فريب دهند آنها را و ايشان را در دين به اشتباه اندازند. آيه «وَ قالُوا هذِهِ أَنْعامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ» اين چهارپايان و كشت حرام است. «لا يَطْعَمُها إِلَّا مَنْ نَشاءُ بِزَعْمِهِمْ» آنها را بر دسته ای حرام می دانستند. «وَ أَنْعامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُها» كه همان بحيره و سائبه و وصيله و حام است.

«وَ قالُوا ما فِی بُطُونِ هذِهِ الْأَنْعامِ» آنها جنينی را كه زنده از شكم چهارپايان بيرون می آمد بر زنان حرام می دانستند ولی اگر مرده بود، هم زنان می خوردند و هم مردان. سپس فرمود «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلادَهُمْ سَفَهاً بِغَيْرِ عِلْمٍ» يعنی به نافهمی. «وَ حَرَّمُوا ما رَزَقَهُمُ اللَّهُ» آنها گروهی بودند كه دختران خود را از روی غيرت می كشتند و گروهی هم بچه هايشان را از گرسنگی (فقر) می كشتند. (2)

ص: 544

1- . انعام / 136
2- . تفسير قمی 1: 223 - 224

75. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ عَلَی الَّذینَ هادُوا حَرَّمْنا کُلَ ذی ظُفُرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ شُحُومَهُما إِلاَّ ما حَمَلَتْ ظُهُورُهُما أَوِ الْحَوایا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذلِکَ جَزَیْناهُمْ بِبَغْیِهِمْ وَ إِنَّا لَصادِقُونَ»(1) ، { و بر یهودیان، هر [حیوان] چنگال داری را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم، به استثنای پیه هایی که بر پشت آن دو یا بر روده هاست یا آنچه با استخوان درآمیخته است. این [تحریم] را به سزای ستم کردنشان، به آنان کیفر دادیم، و ما البتّه راستگوییم. }

گفته است: منظور یهود است که خداوند بر آنها گوشت پرنده ها را حرام کرد و چربیها را نیز حرام کرد - در حالی که آنها را خیلی دوست داشتند - مگر آن مقدار چربی که بر پشت گوسفندان یا در پهلویش و خارج از شکم باشد. و این معنی آیه است: «حَرَّمْنا عَلَیْهِمْ شُحُومَهُما إِلَّا ما حَمَلَتْ ظُهُورُهُما أَوِ الْحَوایا» یعنی در جنین «أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذلِکَ جَزَیْناهُمْ بِبَغْیِهِمْ» یعنی فرمانروایان بنی اسرائیل مانع خوردن فقیران از خوردن گوشت پرنده و چربیها می شدند، خداوند آنها را به خاطر این ستمی که بر فقرا روا می داشتند، (همین ها را) بر آنها حرام کرد. (2)

76. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَنْ تَقُولُوا إِنَّما أُنْزِلَ الْکِتابُ عَلی طائِفَتَیْنِ مِنْ قَبْلِنا وَ إِنْ کُنَّا عَنْ دِراسَتِهِمْ لَغافِلینَ»(3)، { تا نگویید: «کتاب [آسمانی]، تنها بر دو طایفه پیش از ما نازل شده، و ما از آموختن آنان بی خبر بودیم.» } گفته است: یعنی یهود و نصاری، گرچه ما کتاب آنها را نخوانده ایم. یا می گویید، اگر بر ما کتاب نازل می شد از آنها بیشتر هدایت می یافتیم. که منظور قریش است که گفتند اگر کتاب بر ما نازل می شد بهتر اطاعت می کردیم و هدایت می شدیم. «فَقَدْ جاءَکُمْ بَیِّنَةٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ هُدیً وَ رَحْمَةٌ» یعنی هدایت و دلیل از جانب خدا برای

1- . انعام / 146
2- . تفسیر قمی 1: 226
3- . انعام / 156

شما آمد که همان قرآن کریم است «سَنَجْزِی الَّذِینَ یَصْدِفُونَ عَنْ آیاتِنا» به زودی کسانی را که جلو آیات مرا می گیرند و مانع پیشرفت آن می شوند کیفر می کنیم. (1)

77. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «إِنَ الَّذینَ فَرَّقُوا دینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فی شَیْ ءٍ إِنَّما أَمْرُهُمْ إِلَی اللَّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُمْ بِما کانُوا یَفْعَلُون» (2) ، { کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ گونه مسؤول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست. آنگاه به آنچه انجام می دادند آگاهشان خواهد کرد. } گفته است: کسانی که از امیر المؤمنین علیه السلام جدا شدند و دسته ها تشکیل دادند. معلی بن خنیس از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در باره آیه «إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً» فرمود: به خدا آنها از دین خود دست برداشتند. (3)

78. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً» فرمود: علی علیه السّلام چنین قرائت می کرد «فارقوا دینهم» فرمود: به خدا از دین خود جدا شدند. (4)

79. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «المص * کِتابٌ أُنْزِلَ إِلَیْکَ فَلا یَکُنْ فی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِکْری لِلْمُؤْمِنینَ» (5) ، {الف، لام، میم، صاد.کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است - پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد - تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد. } گفته است: خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است «فَلا یَکُنْ فِی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِنْهُ» دلتنگ نشوی از آن «لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِکْری لِلْمُؤْمِنِینَ».

محمد بن قیس از حضرت ابو جعفر علیه السّلام نقل کرد که حی بن اخطب و ابو یاسر بن اخطب و چند نفر از یهودیان نجران خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند، مگر در کتابی که بر شما نازل شده نمی گویی «الم»؟ فرمود: چرا. گفتند، جبرئیل آن را برایت از جانب خدا آورده؟ فرمود بلی. گفتند در میان

1- . تفسیر قمی 1: 227
2- . انعام / 159

3- . تفسير قمى 1: 228
4- . تفسير العياشى 1: 414
5- . اعراف / 1 - 2

انبیاء گذشته سراغ نداریم کسی مدت حکومت و قدرت ملت و امت خود را بیان کرده باشد جز تو. در این موقع حی بن اخطب رو به جانب یاران خود نموده گفت. «الف» یک است و «لام» سی است و «میم» چهل و مجموع آنها هفتاد و یک می شود. تعجب می کنم از مردمی که این دین را برگزیدند با اینکه تمام مدت عمرش هفتاد و یک سال است. و سپس رو به جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نموده گفت، جز این است که من گفتم؟ فرمود بلی. گفت بگو چیست؟

فرمود: «المص». گفت، این سنگین تر و طولانی تر است، الف یک و لام سی و میم چهل و صاد نود و مجموع آن صد و شصت و یک می شود. باز گفت دیگر چیزی هست؟ فرمود آری. گفت بگو. فرمود «المر». گفت این سنگین تر و طولانی تر است، الف یک، لام سی، میم چهل، راء دویست. گفت آیا چیز دیگری هست؟ فرمود آری. گفتند ما دیگر از کار تو سر در نمی آوریم و نمی دانیم به تو چه داده اند! از جای حرکت کردند (و رفتند). ابو یاسر به برادر خود گفت، تو نمی دانی شاید برای محمد صلی الله علیه و آله تمام این ارقام و بیشتر از آنها جمع شده است.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: این آیات در باره آنها نازل شد: «مِنْهُ آیاتٌ مُحْکَماتٌ هُنَّ أُمُّ الْکِتابِ وَ أُخَرُ مُتَشابِهاتٌ»(1)، { پاره ای از آن، آیات محکم [=صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند؛ و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. } این آیات دارای وجوهی دیگر است، بر خلاف آنچه حی بن اخطب و برادر و یارانش تفسیر نمودند. سپس خداوند مردم را مخاطب قرار می دهد و می فرماید: «اتَّبِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ قَلیلاً ما تَذَکَّرُونَ»(2)، {آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید؛ و جز او از معبودان [دیگر] پیروی مکنید. چه اندک پند می گیرید!}یعنی دوستی غیر محمد صلی الله علیه و آله. «قَلِیلاً ما تَذَکَّرُونَ».(3)

1- . آل عمران / 7
2- . اعراف / 3
3- . تفسیر قمی 1: 229

80. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً قالُوا وَجَدْنا عَلَیْها آباءَنا وَ اللَّهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللَّهَ لا یَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَ تَقُولُونَ عَلَی اللَّهِ ما لا تَعْلَمُون»(1) ، { و چون کار زشتی کنند، می گویند: «پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است.» بگو: «قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی دهد، آیا چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت می دهید؟» }می نویسد: یعنی بت پرستان و در روایت ابی الجارود در آیه «کَما بَدَأَکُمْ تَعُودُونَ» گفت، موقعی که آنها را آفرید، مؤمن و کافر و شقی و سعید آفرید و همچنین روز قیامت آنها را بر می گردند، هدایت یافته یا گمراه.(2)

81. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «لِما یُحْیِیکُمْ» گفته است: گفت، حیات بهشت است. «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ» یعنی بین آنچه خدا خواسته و آنچه او خواسته است فاصله می شود.

ابو الجارود از حضرت باقر نقل کرد در باره آیه «یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اسْتَجیبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذا دَعاکُمْ لِما یُحْییکُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ»(3) ، {ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می گردد، و هم در نزد او محشور خواهید شد. }یعنی ولایت علی بن ابی طالب را؛ زیرا پیروی از ولایتش موجب بقای عدالت و نظام اجتماع شما خواهد بود.

و اما «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ» یعنی بین مؤمن و معصیت فاصله می شود تا او را به جانب آتش نکشاند، و بین کافر و اطاعت او از خدا فاصله می شود تا نتواند ایمان خود را کامل کند. (4)

1- . اعراف / 28
2- . تفسیر قمی 1: 232
3- . انفال / 24
4- . تفسیر قمی 1: 270

82. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذْ قالُوا اللَّهُمَ إِنْ کانَ هذا هُوَ الْحَقَ مِنْ عِنْدِکَ فَأَمْطِرْ عَلَیْنا حِجارَةً مِنَ السَّماءِ أَوِ ائْتِنا بِعَذابٍ أَلِیمٍ»(1)، {و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: «خدایا، اگر این [کتاب] همان حقٍّ از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگهایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور.»} گفته است: این آیه موقعی نازل شد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قریش فرمود: خداوند مرا مبعوث به رسالت نموده تا تمام پادشاهان دنیا را از میان بردارم و قدرت را در اختیار شما بگذارم. دعوت مرا بپذیرید تا بر عرب حکومت کنید و ملت غیر عرب نیز مطیع شما شوند و در بهشت نیز فرمانروا شوید.

ابو جهل گفت، «اللَّهُمَّ إِنْ کانَ هذا» اگر آنچه محمد صلی الله علیه و آله می گوید واقعیت دارد بر سر ما سنگی از آسمان فرود آور یا دچار عذابی دردناکمان گردان. به خاطر حسادتی که با پیامبر صلی الله علیه و آله داشت.

بعد گفت، ما و بنی هاشم مانند دو اسب مسابقه بودیم. وقتی آنها حمله می کردند حمله می کردیم. وقتی آنها کوچ می کردند کوچ می کردیم. وقتی آنها می افروختند، می افروختیم. همین که ما و آنها به هدف رسیدیم، یکی از بنی هاشم گفت، در میان ما پیامبری است. ما به این که در بنی هاشم پیامبر باشد ولی در بنی مخزوم نباشد رضایت نمی دهیم. بعد گفت، خدایا از تو پوزش می خواهم. خداوند این آیه را نازل فرمود: «وَ ما کانَ اللَّهُ لِیُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِیهِمْ وَ ما کانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ یَسْتَغْفِرُونَ»(2)، {و[لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود.} این موقعی بود که او طلب مغفرت نمود، اما وقتی تصمیم به کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتند و از مکه او را بیرون کردند، خداوند فرمود: «وَ ما لَهُمْ أَلَّا یُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَ هُمْ یَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ ما کانُوا أَوْلِیاءَهُ» یعنی قریش صاحب اختیار مکه

1- . انفال / 32
2- . انفال / 33

نبودند «إِنْ أَوْلِیاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ» یا محمد، صاحب اختیار مکه تو و اصحابت هستید. خداوند آنها را در جنگ بدر با شمشیر عذاب نمود و کشته شدند. (1)

83. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه گفته است: وقتی قریش تصمیم گرفتند که شبانه بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله بریزند و ایشان را بکشند و سپس به جانب مسجد الحرام رفته سوت می زدند و کف می نواختند و دور خانه می گشتند، خداوند این آیه را نازل نمود: «وَ ما کانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَیْتِ إِلاَّ مُکاءً وَ تَصْدِیَةً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْفُرُونَ»(2) {و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید!} مکاء سوت زدن و تصدیه دست زدن می باشد. (3)

84. تفسیر قمی: حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ وَ ما أُمِرُوا إِلاَّ لِیَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا یُشْرِکُون»(4) ، {اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیّت گرفتند، با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را بپرستند که هیچ معبودی جز او نیست. منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می گردانند.} فرمود: عیسی مسیح را معصیت کردند و او را به مقامی بیشتر از آنچه داشت رساندند زیرا گمان کردند او خدا است و پسر خدا است، گروهی از آنها گفتند سومین خدا است و بعضی گفتند خود او خدا است؛ اما احبار و رهبان را اطاعت نموده و فرمانشان را پذیرفتند و پیرو دستورات آنها شدند و آنچه ایشان می گفتند به عنوان دین می پذیرفتند و با این پیروی، آنها را ارباب خویش گرفتند و دستور خدا را در کتابها و پیامبرانش را پشت سر انداختند. آنها هر چه احبار و رهبان می گفتند قبول می کردند و خدا را عصیان می کردند. این جریان در قرآن ما

1- . تفسیر قمی 1: 275 - 276
2- . انفال / 35
3- . تفسیر قمی 1: 274
4- . توبه / 31

ذکر شده تا از آنها پند بگیریم. خداوند بنی اسرائیل را بر این کار در این آیه سرزنش می کند «وَ ما أُمِرُوا إِلَّا لِیَعْبُدُوا إِلهاً واحِداً لا إِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحانَهُ عَمَّا یُشْرِکُونَ».(1)

85. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «إِنَّمَا النَّسی ءُ زِیادَهٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عاماً وَ یُحَرِّمُونَهُ عاماً لِیُواطِؤُا عِدَّهَ ما حَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا ما حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمالِهِمْ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرین»(2)، {جز این نیست که جابجا کردنِ [ماههای حرام]، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند؛ آن را یکسال حلال می شمارند، و یکسال [دیگر]، آن را حرام می دانند، تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند، و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند. زشتیِ اعمالشان برایشان آراسته شده است، و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. }گفته است: سبب نزول آیه این بود که مردی از قبیله کنانه در موسم حج می ایستاد و می گفت، خون آنها را که محرم نیستند که عبارتند از قبیله طی و خثعم، در ماه محرم حلال کردم و (ماه حرام را) فراموش می کنم و به جای آن صفر را قرار می دهم. سال بعد می گوید، من ماه صفر را حلال کردم و آن را فراموش کردم و به جای آن ماه محرم را حرام کردم. خداوند این آیه را نازل نمود: «إِنَّمَا النَّسِی ءُ زِیادَهٌ فِی الْکُفْرِ» تا این قسمت آیه «زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمالِهِمْ».(3)

86. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: برای خدا چیزی مانند درخت طلح و سدر خشم نگرفته. طلح به اندازه ترنج بود و سدر مانند خربزه، وقتی یهودیان گفتند «یَدُ اللَّهِ مَغْلُولَهٌ» میوه آنها کوچک شد و دارای دانه شدند، دانه ای سخت. وقتی مسیحیان گفتند «الْمَسِیحُ ابْنُ اللَّهِ» این دو درخت کم برگ شدند و خاردار و میوه آنها کوچک شد، سدر به این کوچکی شد و میوه طلح از بین رفت و دیگر میوه نخواهد داد تا قیام حضرت مهدی صلوات الله علیه. و فرمود: هر کس

1- . تفسیر قمی 1: 288
2- . توبه / 37
3- . تفسیر قمی 1: 289

درخت طلح و سدر را آب دهد، مثل این است که مؤمنی را از تشنگی سیراب نموده.(1)

مولف: طلح درخت موز است. گفته اند ام غیلان است. و گفته اند هر درخت بزرگ پر خار را طلح می نامند. اما خبر، معنی اول را که درخت موز باشد نفی می کند (زیرا موز اکنون هم میوه می دهد) و ممکن است غضب آن دو مجازاً باشد و ظهور غضب در آنها باشد و همین در شرف این دو درخت کافی است.

87. تفسیر عیاشی: حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه «اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» فرمود: آنها را دعوت به عبادت خود نمی کردند. اگر می گفتند ما را بپرستید ایشان نمی پذیرفتند، ولی آنها حلالی را حرام و حرامی را حلال می نمودند، ایشان هم می پذیرفتند و در نتیجه آنها را رب خود قرار می دادند. (2)

در روایت دیگری است که آنها را طوری که متوجه نبودند می پرستیدند.

88. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ وَ لا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فی کُلِ عامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لا يَتُوبُونَ وَ لا هُمْ يَذَّكَّرُونَ»(3) ، {آیا نمی بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزموده می شوند، باز هم توبه نمی کنند و عبرت نمی گیرند؟} گفته است: یعنی مریض می شوند. «نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلى بَعْضٍ» یعنی منافقین. «ثُمَّ انْصَرَفُوا» متفرق می شوند. «صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ» خدا دلهایشان را از حق بر می گرداند و باطل را بر حق ترجیح می دهند. (4)

89. تفسیر قمی: حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه «أَ كانَ لِلنَّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَيْنا إِلى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قالَ الْكافِرُونَ إِنَّ هذا لَساحِرٌ مُبِينٌ»(5)، {آیا برای مردم شگفت آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که: مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده اند

1- . تفسیر عیاشی 2: سوره توبه ح 44
2- . تفسیر عیاشی 2: 92

3- . توبه / 126
4- . تفسیر قمی 1: 308
5- . یونس / 2

مژده ده که برای آنان نزد پروردگارشان سابقه نیک است؟ کافران گفتند: «این [مرد] قطعاً افسونگری آشکار است.» }فرمود: پیامبر اکرم است.(1)

90. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ إِذا تُتْلی عَلَیْهِمْ آیاتُنا بَیِّناتٍ قالَ الَّذینَ لا یَرْجُونَ لِقاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ ما یَکُونُ لی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسی إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما یُوحی إِلَیَّ إِنِّی أَخافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذابَ یَوْمٍ عَظیمٍ»،(2) {و چون آیات روشنِ ما بر آنان خوانده شود، آنانکه به دیدار ما امید ندارند می گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را عوض کن.» بگو: «مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می ترسم.» } گفته است: قریش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند، قرآنی غیر از این برای ما بیاور، این را که از یهود و نصاری آموخته ای. «فَقَدْ لَبِثْتُ فِیکُمْ عُمُراً مِنْ قَبْلِهِ» یعنی قبل از اینکه به من وحی شود، من چهل سال میان شما زندگی کرده ام و چنین چیزی نیاوردم تا به من وحی شد. «او بدله» حضرت صادق علیه السلام در باره آیه «ائْتِ بِقُرْآنٍ غَیْرِ هذا أَوْ بَدِّلْهُ» فرمود: منظور امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. «قُلْ ما یَکُونُ لِی أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقاءِ نَفْسِی إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا ما یُوحی إِلَیَ».

در باره علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام است (که من نمی توانم او را از جانب خود تغییر دهم).

آیه «وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ» گفت: قریش بت ها را می پرستیدند و می گفتند ما اینها را می پرستیم تا ما را نزد خدا مقرب نمایند، ما قدرت بر عبادت خداوند نداریم. خداوند آنها را رد کرد و فرمود: «قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِما لا یَعْلَمُ» یعنی او را شریکی نیست که پرستیده شود. (3)

91. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «قُلْ هَلْ مِنْ شُرَکائِکُمْ مَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ یَهْدی لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ یَهْدی إِلَی الْحَقِ أَحَقُ أَنْ

1- . تفسیر قمی 1: 309

2- . یونس / 15
3- . تفسیر قمی 1: 310 - 311

يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّى إِلاَّ أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُون»(1) {بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حقّ رهبری کند؟» بگو: «خداست که به سوی حقّ رهبری می کند» پس، آیا کسی که به سوی حقّ رهبری می کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می کنید؟} می فرماید: اما آنها که هدایت یافته اند محمد و آل محمدند - صلی الله علیهم اجمعین - اما کسانی که هدایت نمی یابند مگر کسی آنها را رهبری کند، مخالفین ایشان از قریش هستند و دیگرانی که با اهل بیت پیامبر بعد از او از در مخالفت برخیزند.

امام علیه السلام در باره «أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُهُ بَياتاً» فرمود: یعنی شب و روز. «ما ذا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ» فرمود: این عذابی است که در آخر الزمان بر فاسقان اهل قبله که منکر عذاب هستند نازل می شود.(2)

آیه «وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» یعنی من وکیل شما نیستم که اعمال شما را حفظ کنم. بر من لازم است شما را دعوت نمایم.(3)

92. تفسیر قمی: حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «الر كِتابٌ أُحْكِمَتْ آياتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكيمٍ خَبيرٍ»، (4) { الف، لام، راء. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است} فرمود: آن قرآن است. «مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» فرمود: از نزد حکیم خبیر. «وَ أَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ» ای مؤمنین استغفار کنید. «يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ» او علی بن ابی طالب است و «وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخافُ عَلَيْكُمْ عَذابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» شما را می ترسانم از عذابی بزرگ؛ آن عذاب دود است و صیحه آسمانی.

و آیه «أَلا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلا حينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيابَهُمْ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ إِنَّهُ عَليمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ»(5)، { آگاه باشید که آنان دل می گردانند

1- . یونس / 35
2- . تفسیر قمی 1: 312 - 313
3- . تفسیر قمی 1: 321

4- . هود / 1
5- . هود / 5

[و می کوشند] تا [راز خود را] از او نهفته دارند. آگاه باشید آنگاه که آنان جامه هایشان را بر سر می کشند [خدا] آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می دارند، می داند، زیرا او به اسرار سینه ها داناست. }

فرمود: یعنی آنچه در دلهای خود از کینه علی علیه السّلام دارند را پنهان می کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نشانه منافق بغض علی علیه السّلام است. گروهی بودند که خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله اظهار محبت با علی می کردند ولی در دل کینه او را داشتند. پس فرمود «أَلا حِینَ یَسْتَغْشُونَ ثِیابَهُمْ» هر وقت از فضائل علی علیه السّلام چیزی نقل می کرد یا آیاتی که در باره او نازل شده است تلاوت می نمود، لباسهای خود را تکان می دادند و از جای حرکت می کردند. خداوند می فرماید «یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ» هنگام حرکت شما، از پنهان و آشکار شما مطلع است. «إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذاتِ الصُّدُورِ» (1) او بر دلها آگاه است.

آیه «وَ لَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ الْعَذابَ إِلی أُمَّهٍ مَعْدُودَه» یعنی اگر ما آنها را تا قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف مهلت دهیم، آنها را بر می گردانیم و عذاب خواهیم کرد.

«لَیَقُولُنَّ ما یَحْبِسُهُ» یعنی از روی استهزاء می گویند چرا قائم قیام نمی کند. خداوند می فرماید «أَلا یَوْمَ یَأْتِیهِمْ لَیْسَ مَصْرُوفاً عَنْهُمْ وَ حاقَ بِهِمْ ما کانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ»(2) (3) {آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست، و آنچه را که مسخره می کردند آنان را فرو خواهد گرفت. }، آیه «أَ فَمَنْ کانَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ» امام باقر علیه السّلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است «وَ یَتْلُوهُ شاهِدٌ» یعنی امیر المؤمنین علیه السلام «إِماماً وَ رَحْمَهً وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتابُ مُوسی أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ» پس آیه را مقدم و مؤخر کردند؛ یعنی آیه «إِماماً وَ رَحْمَهً» قبل از «وَ مِنْ قَبْلِهِ کِتابُ مُوسی» بوده که آنها جایش را عوض کرده اند. (4)

1- . تفسیر قمی 1: 322

2- . هود / 8

3- . تفسیر قمی 1: 323 - 324

4- . تفسیر قمی 1: 325 - 326

مولف: تفسیر استغشاء به نفض و تکان دادن لباس بعید به نظر می رسد زیرا در لغت به چنین معنی برنخوردم.

93. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ کَأَیِّنْ مِنْ آیَهٍ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَمُرُّونَ عَلَیْها وَ هُمْ عَنْها مُعْرِضُونَ»(1)، {و چه بسیار نشانه ها در آسمانها و زمین است که بر آنها می گذرند در حالی که از آنها روی برمی گردانند.} گفته است: خورشید گرفتن و زلزله و صاعقه. آیه «وَ ما یُؤْمِنُ أَکْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِکُونَ»،(2) {و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می گیرند.} این شرک در طاعت است.

حضرت امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ ما یُؤْمِنُ أَکْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِکُونَ» فرمود: شرک طاعت است نه شرک عبادت. گناهانی که مرتکب می شوند شرک طاعت است زیرا مطیع شیطان شده اند در نتیجه در اطاعت نمودن از دیگری، به خدا مشرک شده اند ولی شرک عبادت نیست که غیر خدا را بپرستند.

و در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفر در آیه «قُلْ هذِهِ سَبیلی أَدْعُوا إِلَی اللَّهِ عَلی بَصیرَهٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنی وَ سُبْحانَ اللَّهِ وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِکین»(3) ، { بگو: «این است راه من، که من و هر کس (پیروی ام) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.» }منظور خود پیامبر صلی الله علیه و آله است «وَ مَنِ اتَّبَعَنِی» کسی که پیرو من است، منظور علی بن ابی طالب علیه السلام است و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین. (4)

94. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِی یُرِیکُمُ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً»(5) ، {اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می نمایاند، و ابرهای گرانبار را پدیدار می کند. }گفته است: یعنی با دیدن برق بعضی می ترسند و بعضی نیز به طمع می افتند که باران ببارد «وَ یُنْشِئُ السَّحابَ الثِّقالَ» یعنی ابرهای سنگین را از

1- . یوسف / 105
2- . یوسف / 106

3- . یوسف / 108
4- . تفسیر قمی 1: 358
5- . رعد / 12

زمین بلند می کند «وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ» یعنی فرشته ای که ابرها را سوق می دهد تسبیح می کند «وَ هُوَ شَدِیدُ الْمِحالِ» او عذاب شدیدی دارد.

حضرت امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا یَسْتَجِیبُونَ لَهُمْ بِشَیْ ءٍ إِلاَّ کَباسِطِ کَفَّیْهِ إِلَی الْماءِ لِیَبْلُغَ فاهُ وَ ما هُوَ بِبالِغِهِ وَ ما دُعاءُ الْکافِرِینَ إِلاَّ فی ضَلال»(1) ، {دعوت حق برای اوست. و کسانی که [مشرکان] جز او می خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید، و دعای کافران جز بر هدر نباشد.}فرمود: این مثلی است که خداوند برای کسانی که بت پرست هستند و آنها که چند خدا می پرستند، زده است. یعنی خدایانشان جواب آنها را نمی دهند و برای آنها نفعی ندارند مثل کسی که از دور دست خود را به سوی آب دراز کند تا کفی بردارد و بیاشامد ولی هرگز دستش به آب نمی رسد.

حضرت باقر علیه السّلام فرمود: مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده عرض کرد، خواب عظیمی دیدم. فرمود چه چیزی؟. گفت مریضی داشتم، برای او آبی از چاه احقاف در برهوت تجویز نمودند تا بهبودی یابد. به آنجا رفتم و با خود مشک و کاسه ای برداشتم تا آب بردارم و در مشک بریزم. ناگهان دیدم از آسمان چیزی مانند زنجیر فرود آمد و می گفت مرا آب بده الآن، الآن می میرم! سر بلند کردم و کاسه را بلند نمودم تا به او بدهم. دیدم مردی است که در گردن او زنجیری است. همین که خواستم قدح را به او بدهم از من جدا شد و رفت تا به خورشید چسبید. من دوباره خواستم آب بردارم. برای مرتبه دوم آمد و فریاد زد. عطش، عطش، مرا آب بده که مردم! باز قدح را بلند کردم تا به او آب دهم، از من جدا شد تا به خورشید چسبید. این کار را سه مرتبه تکرار نمود، سر مشک را بستم و آبش ندادم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: او قابیل پسر آدم بود که برادر خود را کشت و این معنی آیه «وَ الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لا یَسْتَجِیبُونَ لَهُمْ بِشَیْ ءٍ إِلَّا کَباسِطِ کَفَّیْهِ إِلَی الْماءِ» است.

1- . رعد / 14

در تفسیر آیه «وَ لِلَّهِ یَسْجُدُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ ظِلالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ» فرمود: شبها است .گفت ظل مؤمن به دلخواه خود سجده می کند ولی ظل کافر از روی اکراه سجده می نماید. و آن سجود، نمو و حرکت و زیادت و نقصان آن چیز است.

حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ لِلَّهِ یَسْجُدُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» فرمود: اما کسانی که از ساکنان آسمان به دلخواه خود سجده می کنند، ملائکه هستند و کسانی که در زمین بر تربیت اسلام متولد شده اند نیز به دلخواه خود سجده می کنند و کسانی که از روی اکراه سجده می کنند آنهایی هستند که به اجبار اسلام را پذیرفته اند. اما کسی که سجده نمی کند، ظل او در هر صبح و شام سجده می کند.

در تفسیر آیه «هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ» فرمود: یعنی آیا مؤمن و کافر مساوی هستند «أَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُماتُ وَ النُّورُ» ظلمات کفر است و نور ایمان است. آیه «أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَسالَتْ أَوْدِیَهٌ بِقَدَرِها» یعنی باران را از آسمان فرو فرستاد، هر نهری به اندازه گنجایش خود آبگیری کرد؛ بزرگ به اندازه خود و کوچک به قدر گنجایش خویش.

آیه «أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً» منظور این است که خداوند حق را از آسمان نازل نمود اما دلها و قلبها آنها را به (اندازه) هوای نفس خویش گرفتند؛ صاحب یقین به مقدار یقین خود و مشکوک به اندازه شک خویش. هوای نفس، باطل بسیاری را برداشت و آب حق و حقیقت است و نهرها قلب ها است و سیل همان هوی است. کف همان باطل است و زیور و متاع، حق است.

خداوند می فرماید:«کَذلِکَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَ الْباطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفاءً وَ أَمَّا ما یَنْفَعُ النَّاسَ فَیَمْکُثُ فِی الْأَرْضِ»(1)، { خداوند، حق و باطل را چنین مَثَل می زند. اما کف، بیرون افتاده از میان می رود، ولی آنچه به مردم سود می رساند در زمین [باقی] می ماند. }کف و زیور بد، باطل است و متاع و حلیه، حق است. هر کس کف و زیور بد در دنیا به دست آورد سودی نخواهد برد. همچنین صاحب باطل روز

1- . رعد / 17

قیامت بهره ای نمی برد، اما حلیه و متاع که حق است، هر که آن را به دست آورد، در دنیا از آن بهره مند می شود و در روز قیامت از آن سود می برد «کَذلِکَ یَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثالَ».

آیه «زَبَداً رابِیاً» یعنی کف مرتفع «وَ مِمّا یُوقِدُونَ عَلَیْهِ فِی النّارِ ابْتِغاءَ حِلْیَهٍ» یعنی جواهری که آب به دست می آید و این مثل است؛ یعنی حق در دل مؤمنین ثابت می ماند ولی در دلهای کافران ثابت نمی ماند «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفاءً» اما کف از بین می رود «وَ أَمّا ما یَنْفَعُ النّاسَ فَیَمْکُثُ فِی الْأَرْضِ».

این مثلی است برای مؤمنین و مشرکین. خداوند می فرماید «کَذلِکَ یَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثالَ لِلَّذِینَ اسْتَجابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنی» تا این آیه «وَ بِئْسَ الْمِهادُ». پس وقتی مؤمن حدیثی را شنید، به امید ثواب پروردگار در دلش ثابت می ماند و به آن ایمان می آورد مانند آبی که در زمین می ماند و از آن گیاه می روید. و آنچه استفاده نمی دهند مانند کفی است که باد آن را از بین می برد «وَ بِئْسَ الْمِهادُ» یعنی در آتش جای می گیرند. «أُولُوا الْأَلْبابِ» صاحبان عقل(1).

95. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً سُیِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتی بَلْ لِلّهِ الْأَمْرُ جَمِیعاً أَ فَلَمْ یَیْأَسِ الَّذِینَ آمَنُوا أَنْ لَوْ یَشاءُ اللّهُ لَهَدَی النّاسَ جَمِیعاً وَ لا یَزالُ الَّذِینَ کَفَرُوا تُصِیبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَهٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِیباً مِنْ دارِهِمْ حَتّی یَأْتِیَ وَعْدُ اللّهِ إِنَّ اللّهَ لا یُخْلِفُ الْمِیعادَ»(2) ، { و اگر قرآنی بود که کوهها بدان روان می شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می گردید، یا مردگان بدان به سخن درمی آمدند [باز هم در آنان اثر نمی کرد.] نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده اند، ندانسته اند که اگر خدا می خواست قطعاً تمام مردم را به راه می آورد؟ و کسانی که کافر شده اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده اند مصیبت کوبنده ای به آنان می رسد یا نزدیک خانه هایشان فرود می آید، تا وعده خدا فرا رسد. آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی کند. } گفته

1- . تفسیر قمی 1: 362 - 364
2- . رعد / 31

است: «وَ لَوْ أَنَّ قُرْآناً» یعنی اگر مقداری از قرآن چنین باشد، هر آینه این طور خواهد بود که در آنان اثر نمی کند. «قارِعَهٌ» یعنی عذاب.

حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ لا یَزالُ الَّذِینَ کَفَرُوا تُصِیبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَهٌ» گفته است: یعنی کیفر «أَوْ تَحُلُّ قَرِیباً مِنْ دارِهِمْ» آن کیفر به گروهی در نزدیکی آنها می رسد. آنها عذاب را می بینند و می شنوند که بر گنهکاران و کفار آنها عذاب وارد شده ولی پند نمی گیرند و همان راه را ادامه می دهند «حَتَّی یَأْتِیَ وَعْدُ اللَّهِ» یعنی وعده ای که خداوند به مؤمنین داده که آنها را پیروز کند و کافران را خوار.

علی بن ابراهیم در مورد آیه «فَأَمْلَیْتُ لِلَّذِینَ کَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ» یعنی آنها را دچار آرزوهای دراز می کنم و سپس هلاک می نمایم. (1)

96. تفسیر قمی: «الر کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَیْکَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلی صِراطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ»(2)، {الف، لام، راء. کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری: به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده. } یعنی ای محمد، کتابی بر تو نازل نموده ایم تا مردم را از کفر به سمت ایمان خارج کنی «إِلی صِراطِ الْعَزِیزِ الْحَمِیدِ» راه آشکار و امامت ائمه علیهم السلام. «مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا» یعنی کسی که اقرار به ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام ندارد، عملش باطل است مانند خاکستری که باد آن را از میان ببرد.(3)

97. تفسیر قمی: سلام بن مستنیر گفت: از حضرت باقر علیه السّلام راجع به این آیه «أَ لَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلاً کَلِمَهً طَیِّبَهً کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِی السَّماءِ» ،(4) { آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؟ } سؤال کردم، فرمود: شجره و

1- . تفسیر قمی 1: 366
2- . ابراهیم / 1
3- . تفسیر قمی 1: 369 - 370
4- . ابراهیم / 24

درخت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نسب آن جناب در بنی هاشم ثابت است تنه درخت علی بن ابی طالب است و شاخه آن فاطمه زهرا علیها السلام و میوه هایش ائمه علیهم السلام از نژاد علی و فاطمه علیهما السلام و برگ درخت شیعیان آنهایند. وقتی یکی از مؤمنان شیعه از دنیا می رود، یک برگ از درخت فرو می افتد و فرزندی که برایش متولد می شود، یک برگ بر درخت می روید. گفتم نظر شما در باره این قسمت آیه چیست «تُؤْتِی أُكُلَها كُلَّ حِینٍ بِإِذْنِ رَبِّها» فرمود: یعنی آنچه ائمه علیهم السلام در مورد حلال و حرام در هر حج و عمره به آنها فتوی می دهند. سپس خداوند برای دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله مثل می زند «وَ مَثَلُ كَلِمَهٍ خَبِیثَهٍ كَشَجَرَهٍ خَبِیثَهٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ ما لَها مِنْ قَرارٍ».

در روایت ابی الجارود فرمود: همچنین اعمال کافران به آسمان بالا نمی رود، بنی امیه خدا را در هیچ مجلس و مسجدی یاد نمی کنند و اعمال آنها به جانب آسمان نمی رود مگر عده کمی از آنها.(1)

98. تفسیر قمی: عثمان بن عیسی از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که پرسیدم از تفسیر این آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ»(2) ، {آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت درآوردند ننگریستی؟ }فرمود: در باره دو نابکار قبیله قریش نازل شده، بنی امیه و بنی مغیره. اما بنی مغیره را خداوند در جنگ بدر دمار از روزگارشان برآورد ولی بنی امیه تا مدتی آزادند. سپس فرمود: «نحن و الله نعمه الله التی انعم الله بها علی عباده و بنا یفوز من فاز». به خدا قسم ما هستیم آن نعمتی که خداوند به مردم ارزانی داشته و به وسیله ما رستگار می شود هر کس که (بخواهد) رستگار گردد. (3)

99. تفسیر عیاشی: عمرو بن سعید گفت، از حضرت صادق علیه السّلام سؤال کردم از تفسیر آیه «الَّذِینَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْراً» فرمود: شما چه می گویید در مورد

1- . تفسیر قمی 1: 370 - 371
2- . ابراهیم / 28
3- . تفسیر قمی 1: 373

آن؟ گفتم آنها دو قبیله نابکار قریش بنی امیه و بنی مغیره اند. فرمود: آری تمام آنها قریشی هستند.

خداوند پیامبرش را مخاطب قرار داده فرمود: من قریش را بر عرب فضیلت دادم و نعمت خود را بر آنها ارزانی داشتم و پیامبرم را در میان آنها مبعوث کردم. نعمت مرا تبدیل نمودند و پیامبرم را تکذیب کردند.(1)

100. تفسیر قمی: حضرت صادق علیه السّلام فرمود: روز قیامت یک منادی از جانب خدا فریاد می زند: داخل بهشت نمی شود مگر مسلمان. در آن روز کفار آرزو می کنند کاش مسلمان بودند. آیه «ذَرْهُمْ یَأْکُلُوا وَ یَتَمَتَّعُوا وَ یُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ»(2) ،{بگذارشان تا بخورند و برخوردار شوند و آرزو[ها] سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست. }یعنی دل بسته به آرزوها می شوند. «کِتابٌ مَعْلُومٌ» یعنی اجل معین. «لَوْ ما تَأْتِینا» یعنی چرا پیش ما نیامدی؟ «وَ ما کانُوا إِذاً مُنْظَرِینَ» گفتند اگر ملائکه را نازل می کردیم، به آنها مهلت داده نمی شد و هلاک می شدند.(3)

آیه «وَ لَقَدْ آتَیْناکَ سَبْعاً مِنَ الْمَثانی وَ الْقُرْآنَ الْعَظیمَ»(4) ، { و به راستی، به تو سبع المثانی [=سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم. } یعنی فاتحه الکتاب آیه «الَّذینَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضینَ» { همانان که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]. } فرمود: کسانی که قرآن را تقسیم کردند و به صورتی که خداوند نازل کرده بود جمع ننمودند.(5)

101. تفسیر عیاشی: امام باقر یا صادق علیهما السلام در تفسیر آیه «لا تَمُدَّنَ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ وَ لا تَحْزَنْ عَلَیْهِمْ وَ اخْفِضْ جَناحَکَ لِلْمُؤْمِنین»،(6) {و به آنچه ما دسته هایی از آنان [=کافران] را بدان برخوردار ساخته ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر. } فرمود: برای پیامبر

1- . تفسیر عیاشی 2: 246

2- . حجر / 3

3- . تفسیر قمی 1: 375

4- . حجر / 87
5- . تفسير قمى 1: 380
6- . حجر / 88

اکرم صلی الله علیه و آله مهمانی رسید، از مردی یهودی مقداری قرض خواست، یهودی گفت به خدا قسم یا محمد، - صلی الله علیه و آله - نه گوسفند و نه شتری قرض نمی دهم، به امید کدام درآمد باشم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من امین خدا در آسمان و زمین اویم، اگر مرا امین بر چیزی قرار دهی به تو بر می گردانم. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سپری را به گروگان برایش فرستاد. این آیه در این مورد نازل شد «وَ لا تَمُدَّنَ عَیْنَیْکَ إِلی ما مَتَّعْنا بِهِ أَزْواجاً مِنْهُمْ زَهْرَهَ الْحَیاهِ الدُّنْیا لِنَفْتِنَهُمْ فیهِ وَ رِزْقُ رَبِّکَ خَیْرٌ وَ أَبْقی»(1) ، {و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزیِ پروردگار تو بهتر و پایدارتر است. }.(2)

102. تفسیر عیاشی: حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام در تفسیر آیه «الَّذِینَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِینَ» فرمودند: آنها قریشی هستند.(3)

103. تفسیر عیاشی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَیًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ سَبیلاً»(4) ، {بگو: «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نامهای نیکوتر است.» و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته اش مکن، و میان این [و آن] راهی [میانه] جوی. } فرمود: این آیه را آیه «فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ» نسخ کرد. (5)

104. تفسیر عیاشی: ابان بن عثمان نقل می کند که فرمود: مسخره کنندگان پیامبر پنج نفر بودند: 1. ولید بن مغیره مخزومی. 2. عاص بن وائل سهمی. 3. حارث بن حنظله. 4. اسود بن عبد یغوث بن وهب زهری. 5. اسود بن مطلب بن اسد. وقتی خداوند این آیه را نازل نمود «إِنَّا کَفَیْناکَ الْمُسْتَهْزِئِینَ» من مسخره کنندگان تو را

1- . طه / 131
2- . تفسیر عیاشی 2: 271
3- . تفسیر عیاشی، حجر / 91
4- . الاسراء / 110
5- . تفسیر عیاشی 2: 271

کفایت کردم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فهمید که آنها را خوار خواهد نمود و به بدترین وضع آنها را خواهد کشت.(1)

105. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُون»(2)، { [هان] امر خدا دررسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزّه و برتر است از آنچه [با وی] شریک می سازند. } گفت: این آیه وقتی نازل شد که قریش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درخواست عذاب نمودند.

آیه «یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاتَّقُونِ»(3) {فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید. } یعنی ملائکه را نازل می کند به نیرویی که در آنها قرار داده است و در روایت ابی الجارود از حضرت باقر در مورد آیه «عَلی مَنْ یَشاءُ مِنْ عِبادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ» می گوید: به کتاب و نبوت.

مولف: تاویل روح در آیه «یُنَزِّلُ الْمَلائِکَةَ بِالرُّوحِ» به نیرو بسیار بعید به نظر می رسد و در اخبار خواهد آمد که روح موجودی است بزرگتر از ملائکه و شاید این تفسیر از بطون آیه باشد. و اما اینکه فرمود به کتاب و نبوت یا تفسیر برای روح است، یعنی ملائکه را با کتاب و نبوت نازل می کند، چنانچه مفسران گفته اند. یا متعلق به انذار و ترسانیدن است یعنی به کتاب و نبوت می ترسانند. (4)

106. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «لِیَحْمِلُوا أَوْزارَهُمْ کامِلَةً یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ مِنْ أَوْزارِ الَّذینَ یُضِلُّونَهُمْ بِغَیْرِ عِلْمٍ أَلا ساءَ ما یَزِرُونَ»(5)، {تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند، و [نیز] بخشی از بار گناهان کسانی را که ندانسته آنان را گمراه می کنند. آگاه باشید، چه بد باری را می کشند. } گفته است: یعنی گناهان خود را حمل می کنند. منظور کسانی هستند که مقام امیر المؤمنین علیه السلام را

1- . تفسیر عیاشی 2: 271 - 272
2- . نحل / 1

3- . نحل / 2
4- . تفسير قمى 1: 384
5- . نحل / 25

غصب کردند و گناهان هر که را پیرو آنها شده است. آیه «فِی تَقَلُّبِهِمْ» گفت، وقتی در حال رفت و آمد و کار و تجارتند، در همان حال خداوند آنها را می گیرد. «أَوْ یَأْخُذَهُمْ عَلی تَخَوُّفٍ»(1) گفت، یا آنها را در حال بیداری می گیرد.

آیه «سُجَّداً لِلَّهِ وَ هُمْ داخِرُونَ» تغییر هر ظلی که خدا آفریده، سجده اوست. زیرا برای خدا هیچ چیزی وجود ندارد مگر اینکه دارای ظلی است که تحرک او حرکت می کند و همان تحرک، سجود اوست «وَ لَهُ الدِّینُ واصِباً» واجب است. «تَجْئَرُونَ» پناه می برید و برمی گردید. «وَ یَجْعَلُونَ لِما لا یَعْلَمُونَ نَصِیباً مِمَّا رَزَقْناهُمْ» این همان جریانی است که توضیح دادیم که اعراب برای بت های خود سهمی از کشت و زرع و شتر و گوسفند قرار می دادند. «وَ یَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَناتِ» قریش می گفتند ملائکه دختران خدا هستند و آنچه را که خودشان دوست نداشتند به خدا نسبت می دادند. خداوند می فرماید «وَ لَهُمْ ما یَشْتَهُونَ» خودشان هر چه دوست داشتند را (برای خود) می گرفتند یعنی پسران را. «أَ یُمْسِکُهُ عَلی هُونٍ» یا دختر را با کمال خواری نگه می داشت. «أَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ» معذب هستند. «فَمَا الَّذِینَ فُضِّلُوا بِرَادِّی رِزْقِهِمْ» فرمود: جایز نیست مرد خوراکی را به خود اختصاص دهد و به زن و فرزند خویش ندهد.(2)

حضرت امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «کَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَها» فرمود: کسی که رشته خود را پاره کرد زنی از بنی تمیم بن مره به نام رابطه دختر کعب بن سعد بن تیم بن کعب بن لوی بن غالب بود. زنی احمق که مویها را می رشت و وقتی تمام می کرد، رشته های خود را از هم باز می کرد. باز دو مرتبه شروع به رشتن می کرد. خداوند می فرماید «کَالَّتِی نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْکاثاً تَتَّخِذُونَ أَیْمانَکُمْ دَخَلاً بَیْنَکُمْ» خداوند امر به وفای عهد می کند و از پیمان شکنی نهی می نماید. برای چنین اشخاصی مثل می زند.

1- . تفسیر قمی 1: 385
2- . تفسیر قمی 1: 388

آیه «وَ إِذا بَدَّلْنا آیَهً مَکانَ آیَهٍ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما یُنَزِّلُ قالُوا إِنَّما أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یَعْلَمُونَ»(1) ، { و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم - و خدا به آنچه به تدریج نازل می کند داناتر است - می گویند: «جز این نیست که تو دروغ بافی.» [نه،] بلکه بیشتر آنان نمی دانند. }وقتی یک آیه نسخ می شد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می گفتند «أَنْتَ مُفْتَرٍ» تو دروغ می گویی. خداوند حرف آنها را رد می کند و می فرماید: «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّکَ بِالْحَقِ» بگو ای محمد - صلی الله علیه و آله - جبرئیل از جانب پروردگارت (آن را) می آورد. در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفر در باره «رُوحُ الْقُدُسِ» فرمود: جبرئیل است. «الْقُدُسِ» طاهر است «لِیُثَبِّتَ الله الَّذِینَ آمَنُوا» آنها آل محمد صلی الله علیه و آله هستند. «لِسانُ الَّذِی یُلْحِدُونَ إِلَیْهِ أَعْجَمِیٌّ» فرمود: این زبان ابو فکهیه غلام ابن الحضرمی بود که به زبانی غیر از عربی حرف می زد. او به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورده بود و از اهل کتاب به شمار می رفت. قریش می گفتند او زبان خود را به محمد صلی الله علیه و آله می آموزد. (2)

107. تفسیر عیاشی: سماعه از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که از تفسیر این آیه پرسیدم « وَ لَهُ الدِّینُ واصِباً»(3) { و آیین پایدار از آنِ اوست }فرمود: واصب یعنی واجب.(4)

108. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ذلِکَ مِمَّا أَوْحی إِلَیْکَ رَبُّکَ مِنَ الْحِکْمَهِ وَ لا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلهاً آخَرَ فَتُلْقی فی جَهَنَّمَ مَلُوماً مَدْحُوراً»(5)، {این [سفارشها] از حکمتهایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده، و گرنه حسرت زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد. }

1- . نحل / 101
2- . تفسیر قمی 1: 391 - 392
3- . نحل / 53
4- . تفسیر عیاشی 2: 283
5- . اسراء / 39

گفته است: خطاب به پیامبر است ولی منظور مردم هستند. این فرمایش امام صادق علیه السّلام است و فرمود: خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را مبعوث نمود «بإياک اعنی و اسمعی يا جاره»، یعنی تو را یاد می کنم ولی می گویم همسایه بشنو.

«قُلْ لَوْ کانَ مَعَهُ آلِهَهٌ کَما یَقُولُونَ إِذاً لاَبْتَغَوْا إِلی ذِی الْعَرْشِ سَبِیلاً»(1) ، {بگو: «اگر - چنانکه می گویند - با او خدایانی [دیگر] بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی [خداوند،] صاحب عرش، برمی آمدند.» } یعنی اگر بت ها خدا می بودند، آن طوری که شما گمان می کنید، به جانب صاحب عرش صعود می کردند و بالا می رفتند. (2)

آیه «نَحْنُ أَعْلَمُ بِما یَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ یَسْتَمِعُونَ إِلَیْکَ وَ إِذْ هُمْ نَجْوی إِذْ یَقُولُ الظّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلاّ رَجُلاً مَسْحُوراً»(3)، { هنگامی که به سوی تو گوش فرا می دارند ما بهتر می دانیم به چه [منظور] گوش می دهند، و [نیز] آنگاه که به نجوا می پردازند؛ وقتی که ستمگران گویند: «جز مردی افسون شده را پیروی نمی کنید.» } یعنی زمانی که آنها در پنهانی به یکدیگر می گویند او ساحر است.

در تفسیر آیه «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ عَلی أَنْ یَأْتُوا بِمِثْلِ هذَا الْقُرْآنِ لا یَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ کانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیراً»(4) {بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.» }می نویسد: «ظَهِیراً» یعنی کمک کننده.

در تفسیر آیه «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً»(5) {و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. } می نویسد: این آیه در باره عبد الله بن ابی امیه برادر ام سلمه رحمه الله علیها بود. او

1- . اسراء / 42
2- . تفسیر قمی 1: 408
3- . اسراء / 47
4- . اسراء / 88

5- . اسراء / 90

این حرف را قبل از هجرت به پیامبر صلی الله علیه و آله زده بود. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای فتح مکه خارج شد، عبد الله بن ابی امیه به استقبال پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و بر آن جناب سلام کرد.

اما ایشان جواب او را نداده و از او روی برگرداندند. خواهرش ام سلمه با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. عبد الله پیش خواهر خود آمد و گفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اسلام همه مردم را پذیرفت ولی اسلام مرا نپذیرفت و به من مانند دیگران توجه نکرد.

وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش ام سلمه آمد، عرض کرد پدر و مادرم فدایت باد، به وسیله تو تمام مردم به سعادت رسیدند مگر برادر من. از میان قریش و عرب اسلام همه را پذیرفتی ولی از او نپذیرفتی.

فرمود ام سلمه، برادرت مرا چنان تکذیب کرد که هیچ کس آن طور تکذیب ننمود، اوست که این حرف را به من گفته بود: «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً *أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّهٌ مِنْ نَخیلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجیراً *أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ کَما زَعَمْتَ عَلَیْنا کِسَفاً أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِکَهِ قَبیلاً *أَوْ یَکُونَ لَکَ بَیْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقی فِی السَّماءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِیِّکَ حَتَّی تُنَزِّلَ عَلَیْنا کِتاباً نَقْرَؤُهُ قُلْ سُبْحانَ رَبِّی هَلْ کُنْتُ إِلاَّ بَشَراً رَسُولاً»(1) ، {و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی،یا چنانکه ادعا می کنی، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری، یا برای تو خانه ای از طلا[کاری] باشد، یا به آسمان بالا روی، و به بالا رفتن تو [هم] اطمینان نخواهیم داشت، تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم.»بگو: «پاک است پروردگار من، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم؟» }

1- . اسراء / 90 - 93

ام سلمه عرض کرد پدر و مادرم فدایت، مگر نفرمودی «ان الاسلام یجب ما کان قبله» اسلام سوابق قبل کفر و معصیت را محو می کند و از میان می برد؟ فرمود: آری، و سپس پیامبر اسلام او را پذیرفت.(1)

و در روایت ابی الجارود آمده است که امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعا»(2) ، { و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. } فرمود: « یَنْبُوعاً » یعنی چشمه «أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّةٌ مِنْ نَخِیلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجِیراً» « أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّةٌ» یعنی بوستان «مِنْ نَخِیلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجِیراً» از خرما و انگور داشته باشی که میان درختان نهرها جاری باشد.

«أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ کَما زَعَمْتَ عَلَیْنا کِسَفاً» جریان چنین بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در آینده آسمان بر سر شما فرو می ریزد؛ با اشاره به این آیه: «وَ إِنْ یَرَوْا کِسْفاً مِنَ السَّماءِ ساقِطاً یَقُولُوا سَحابٌ مَرْکُومٌ».

و در تفسیر آیه «أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِکَةِ قَبِیلاً» فرمود: «قبیلا» یعنی کثیر. «أَوْ یَکُونَ لَکَ بَیْتٌ مِنْ زُخْرُفٍ» یعنی خانه ای آراسته از طلا.

در تفسیر آیه «أَوْ تَرْقی فِی السَّماءِ وَ لَنْ نُؤْمِنَ لِرُقِیِّکَ حَتَّی تُنَزِّلَ عَلَیْنا کِتاباً نَقْرَؤُهُ» می نویسد: نامه ای از جانب خدا بیاوری که در آن نوشته باشد: نامهای از جانب خدا است برای عبد الله بن ابی امیه. محمد - صلی الله علیه و آله - راست می گوید، من او را مبعوث کرده ام و با او چهار ملائکه بیایند و شهادت دهند که این نامه از خداست. خداوند این آیه را در رد او نازل نمود: «قُلْ سُبْحانَ رَبِّی هَلْ کُنْتُ إِلَّا بَشَراً رَسُولاً» {بگو: «پاک است پروردگار من، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم؟» }.(3)

1- . تفسیر قمی 1: 411

2- . اسراء / 90

3- . تفسیر قمی 1: 417

و در تفسیر آیه «وَ ما مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جاءَهُمُ الْهُدى إِلاَّ أَنْ قالُوا أَ بَعَثَ اللَّهُ بَشَراً رَسُولاً»(1) ، {و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت، آنگاه که هدایت برایشان آمد، جز اینکه گفتند: «آیا خدا بشری را به سِمَتِ رسول مبعوث کرده است؟» } می نویسد: کفار گفتند چرا خداوند برای ما ملائکهای را به عنوان پیامبر مبعوث نمی کند؟ خداوند می فرماید: اگر ملائکه را بر آنها نازل کنیم ایمان نمی آورند و هلاک می شوند. اگر در زمین ملائکه ساکن بودند پیامبری از ملائکه برای آنها می فرستادیم.

«يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَكاً رَسُولاً» {که با اطمینان راه می رفتند، البته بر آنان [نیز] فرشته ای را به عنوان پیامبر از آسمان نازل می کردیم. }.(2)

در تفسیر آیه «قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذاً لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفاقِ وَ كانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً»(3) {بگو: «اگر شما مالک گنجینه های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می ورزیدید، و انسان همواره بخیل است.» }گفت: اگر اموال به دست مردم باشد، از ترس تمام شدن به مردم چیزی نمی دهند.

منظور از «وَ كانَ الْإِنْسانُ قَتُوراً» انسان بخیل است.

و در تفسیر آیه «وَ قُرْآناً فَرَقْناهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلى مُكْثٍ وَ نَزَّلْناهُ تَنْزِيلاً » {و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. } می نویسد: «عَلى مُكْثٍ» یعنی به تدریج و با فاصله.(4)

109. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجاً قَيِّماً» گفته است: این کلمه ها مقدم و مؤخر شده است زیرا معنی آن چنین است: بر بنده خود کتاب استواری را نازل کرده و در آن کژی قرار نداده، یک کلمه را بر دیگری

ص: 570

1- . اسراء / 94
2- . تفسیر قمی 1: 418
3- . اسراء / 100

4- . تفسير قمى 1: 419

مقدم داشته اند «قَیِّماً لِیُنْذِرَ بَأْساً شَدیداً مِنْ لَدُنْهُ وَ یُبَشِّرَ الْمُؤْمِنینَ الَّذینَ یَعْمَلُونَ الصَّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْراً حَسَناً »(1)، { [کتابی] راست و درست، تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته می کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست. }یعنی بترساند و آنها را از عذاب خدا بر حذر دارد.

و در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفر علیه السلام در مورد آیه «فَلَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ» یعنی خود را بکشی «عَلی آثارِهِمْ» و «أَسَفاً» از اندوه.(2)

110. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه « لَقَدْ جِئْتُمْ شَیْئاً إِدًّا »(3) { واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید. }می نویسد: « إِدًّا » یعنی عظیم «قَوْماً لُدًّا» اهل بحث و خصومت.(4)

111. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «لاهِیَةً قُلُوبُهُمْ وَ أَسَرُّوا النَّجْوَی الَّذینَ ظَلَمُوا هَلْ هذا إِلاَّ بَشَرٌ مِثْلُکُمْ أَ فَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُون »(5) ، {در حالی که دلهایشان مشغول است. و آنانکه ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که: «آیا این [مرد] جز بشری مانند شماست؟ آیا دیده و دانسته به سوی سحر می روید؟» } می نویسد: یعنی شما پیش محمد صلی الله علیه و آله می آیید با اینکه میگویید او ساحر است؛ بعد می فرماید: «قالَ رَبِّی یَعْلَمُ الْقَوْلَ فِی السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیم»(6)، {[پیامبر] گفت: «پروردگارم [هر] گفتار[ی] را در آسمان و زمین می داند، و اوست شنوای دانا.» }

سپس خداوند سخن قریش را حکایت می کند «بَلْ قالُوا أَضْغاثُ أَحْلامٍ بَلِ افْتَراهُ بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْیَأْتِنا بِآیَهٍ کَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُون»(7) ، {بلکه گفتند: «خوابهای شوریده

1- . کهف / 2
2- . تفسیر قمی 2: 5
3- . مریم / 89
4- . تفسیر قمی 2: 30 - 31
5- . انبیاء / 3

6- . انبياء / 4
7- . [7] انبياء / 5

است، [نه] بلکه آن را بربافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه ای بیاورد.» }

یعنی آنچه محمد صلی الله علیه و آله به ما می گوید در خواب می بیند. بعضی گفتند بلکه دروغ می گوید «بَلْ هُوَ شاعِرٌ فَلْيَأْتِنا بِآيَةٍ كَما أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ» بعضی گفتند او شاعر است، اگر راست می گوید مانند پیامبران قبل معجزه ای بیاورد. خداوند بر رد آنها می گوید، «ما آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْناها أَ فَهُمْ يُؤْمِنُونَ»(1) {قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری - که آن را نابود کردیم - [به آیات ما] ایمان نیاوردند. پس آیا اینان [به معجزه] ایمان می آورند؟ }

می فرماید: اینها چگونه ایمان خواهند آورد و حال اینکه پیشینیان با وجود معجزات ایمان نیاوردند تا هلاک شدند.

آیه «فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» اهل ذکر آل محمدند صلی الله علیه و آله. «ما جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ» چون خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله اطلاع داد که اهل بیت او از کسانی که ادعای خلافت را می نمایند چه خواهند دید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله غمگین شد. این آیه را در همین مورد نازل نمود «وَ ما جَعَلْنا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ أَ فَإِنْ مِتَّ فَهُمُ الْخالِدُونَ كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً» یعنی آزمایش می کنیم آنها را. (2)

آیه «وَ لَقَدْ كَتَبْنا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُون » (3) {و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. } فرمود: تمام کتابها ذکر است «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُها عِبادِيَ الصَّالِحُونَ»، گفت: منظور حضرت قائم عجل اللّه فرجه و اصحاب او هستند. گفت: زبور کتابی است دارای جریانهای تاریخی، رنج و ناراحتی و حمد خدا و تمجید و دعا.

1- . انبیاء / 6
2- . تفسیر قمی 2: 42
3- . انبیاء / 105

آیه « قالَ رَبِ احْكُمْ بِالْحَقِ وَ رَبُّنَا الرَّحْمنُ الْمُسْتَعانُ عَلی ما تَصِفُونَ »(1)، {گفت: «پروردگارا، [خودت] به حق داوری کن، و به رغم آنچه وصف می کنید، پروردگار ما همان بخشایشگر دستگیر است.» } گفت: معنی آن این است که کفار را رها نکن و حق این است که از ستمگران انتقام بگیری.(2)

112. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یُجادِلُ فِی اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ لا هُدیً وَ لا کِتابٍ مُنِیرٍ»(3)، {و از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد}گفت: در باره ابو جهل نازل شد «ثانِیَ عِطْفِهِ» پشت کرد از حق «لِیُضِلَّ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ» تا از راه ایمان و خدا باز دارد «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَعْبُدُ اللَّهَ عَلی حَرْفٍ» خدا را از روی شک می پرستد. «فَإِنْ أَصابَهُ خَیْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ» ابن طیار از حضرت صادق علیه السّلام نقل می کند که این آیه در باره گروهی نازل شد که خدا را به یکتایی می پرستیدند و جز او را نمی پرستیدند. آنها از شرک دست کشیده بودند ولی نمی دانستند که محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است. آنها خدا را پرستش می کردند اما در نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آنچه آورده شک داشتند. خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند، ما صبر می کنیم، اگر اموالمان افزایش یافت و خودمان و فرزندانمان سلامتی داشتیم می فهمیم او راست می گوید و پیامبر است، اگر چنین نشد، باز در باره اش تحقیق می کنیم. خداوند این آیه را نازل کرد « یَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُرُّهُ وَ ما لا یَنْفَعُهُ ذلِکَ هُوَ الضَّلالُ الْبَعِیدُ »(4) ، { به جای خدا چیزی را می خواند که نه زیانی به او می رساند و نه سودش می دهد. این است همان گمراهی دور و دراز. }.

ص: 573

1- . انبیاء / 112
2- . تفسیر قمی 2: 52
3- . حج / 8
4- . حج / 12

یعنی به شرک برگشته و غیر خدا را می خواند و غیر از او را می پرستد، بعضی از آنها مؤمن می شوند و ایمان وارد قلبشان می گردد و تصدیق می کند و آن شک و تردید از میان می رود، برخی هم به همان حالت شک باقی می مانند و بعضی نیز به شرک بر می گردند.

اما این آیه «مَنْ کانَ یَظُنُّ أَنْ لَنْ یَنْصُرَهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ فَلْیَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَی السَّماءِ ثُمَّ لْیَقْطَعْ فَلْیَنْظُرْ هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ ما یَغیظُ»(1)، { هر که می پندارد که خدا [پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا طنابی به سوی سقف کشد [و خود را حلق آویز کند] سپس [آن را] بِبُرَد. آنگاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد؟ } ظن در قرآن به دو صورت آمده است، ظن به معنی یقین و ظن به معنی شک، این ظن به معنی شک است یعنی هر کس گمان می کند که خدا در دنیا و آخرت به او ثواب می دهد «فَلْیَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَی السَّماءِ» یعنی بین خود و خدا دلیلی قرار دهد. علت اینکه سبب را در این آیه دلیل معنی کردیم این است که خداوند در سوره کهف می فرماید: «وَ آتَیْناهُ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ سَبَباً فَأَتْبَعَ سَبَباً» یعنی دلیل «ثُمَّ لْیَقْطَعْ» یعنی بعد تمییز دهد؛ و دلیل بر اینکه لیقطع معنی تمیز میدهد، این آیه است «وَ قَطَّعْناهُمُ اثْنَتَیْ عَشْرَهَ أَسْباطاً أُمَماً» یعنی تمییز دادیم آنها را، پس معنی این می شود که تشخیص دهد «فَلْیَنْظُرْ هَلْ یُذْهِبَنَّ کَیْدُهُ ما یَغِیظُ» یعنی حیله اش را. دلیل بر اینکه کید به معنی حیله است این آیه است «کَذلِکَ کِدْنا لِیُوسُفَ» به یوسف چنین حیلهای را آموختیم تا بتواند برادرش را نگه دارد و این آیه که از قول فرعون نقل می کند «فَأَجْمِعُوا کَیْدَکُمْ» تمام حیله خود را به کار برید گفت، وقتی برای خود دلیلی قرار دهد و تشخیص دهد، او را به حق راهنمایی می کند. اما عامه روایت کرده اند که هر کس گفتار خدا را تصدیق نکند ریسمانی از سقف بیاویزد و خود را حلق آویز نماید.(2)

1- . حج / 15
2- . تفسیر قمی 2: 54 - 55

113. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السلام در تفسیر آیه «أُولئِکَ یُسارِعُونَ فِی الْخَیْراتِ وَ هُمْ لَها سابِقُونَ»(1)، {آنانند که در کارهای نیک شتاب می ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می جویند} فرمود: آنها به کارهای نیک سریع اقدام می کنند و از سبقت گیرندگان هستند. می گوید علی بن ابی طالب علیه السلام است که احدی بر او سبقت نگرفته.

آیه «بَلْ قُلُوبُهُمْ فِی غَمْرَهٍ مِنْ هذا» یعنی از قرآن «وَ لَهُمْ أَعْمالٌ مِنْ دُونِ ذلِکَ» می گوید: آنچه قبل از اینکه آفریده شوند در لوح نوشته شده است که آنها

انجام خواهند داد و عامل این اعمال خواهند بود.

و علی بن ابراهیم در مورد آیه «وَ لا نُکَلِّفُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها وَ لَدَیْنا کِتابٌ یَنْطِقُ بِالْحَقِ وَ هُمْ لا یُظْلَمُون»(2) ، {و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت.} یعنی کتاب ما برای شما واقعیتی را بازگو می کند. بعد می فرماید: «بَلْ قُلُوبُهُمْ فِی غَمْرَهٍ مِنْ هذا» دلهای آنها در شک است «حَتَّی إِذا أَخَذْنا مُتْرَفِیهِمْ» یعنی وقتی بزرگان آنها را به عذاب گرفتیم. «إِذا هُمْ یَجْأَرُونَ» در این هنگام آنها ضجه و ناله می کنند. خداوند بر آنها رد کرده «لا تَجْأَرُوا الْیَوْمَ» تا این آیه «سامِراً تَهْجُرُونَ» یعنی آن را داستان حساب کردید و فاصله گرفتید !.

آیه «أَمْ یَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٌ» یا می گویند رسول خدا صلی الله علیه و آله دیوانه است «وَ لَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْواءَهُمْ» رسول خدا و امیر المؤمنین علیه السلام حق است. دلیل بر این مطلب تا آیه «قَدْ جاءَکُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّکُمْ» بر ولایت امیر المؤمنین علیه السّلام و شبیه این، زیاد است.

و دلیل بر اینکه حق، رسول خدا و امیر المؤمنین است، این آیه است که می فرماید، اگر رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السلام تابع قریش شوند، آسمانها و زمین و هر چه در آنها است تباه می شود. تباه شدن آسمان به باران نباریدن است و فساد زمین به گیاه نروییدن و فساد مردم به این است: «وَ إِنَّکَ لَتَدْعُوهُمْ إِلی صِراطٍ

1- . مومنون / 61
2- . مومنون / 62

مُسْتَقِيمٍ» تو آنها را دعوت به صراط مستقیم می کنی یعنی به ولایت امیر المؤمنین علیه السلام «وَ إِنَّ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ عَنِ الصِّراطِ لَناكِبُونَ» یعنی از امام رو برگردانند، سپس کسانی را که اعتقاد به ثنویت دارند و دو خدا را می پرستند رد می کند «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَ ما كانَ مَعَهُ مِنْ إِلهٍ» یعنی اگر دو خدا وجود داشت با هم اختلاف می کردند، یکی می خواست خلق کند دیگری خلق نکند و یکی اراده می کرد دیگری اراده نمی کرد و هر کدام به دنبال پیروزی بر دیگری بودند. وقتی یکی از آنها اراده می کرد انسان بیافریند و دیگری چهارپا، آن مخلوق چیزی بین انسان و چهارپا می شد که این محال است. وقتی این مطلب باطل گردید، ثابت می شود که مدبر جهان خدایی یکتا است. همین تدبیر و ثبات و استواری اشیاء به یکدیگر دلیل بر آن است که صانع یکتا است، جل جلاله. سپس گفت: «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ».

آیه «قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ» همزات شیطان عبارت از وسوسه ای است از شیطان که در قلب قرار می گیرد. (1)

114. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ يَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ أَطَعْنا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ وَ ما أُولئِکَ بِالْمُؤْمِنِينَ»(2) { و می گویند: «به خدا و پیامبر [او] گرویدیم و اطاعت کردیم.» آنگاه دسته ای از ایشان پس از این [اقرار] روی برمی گردانند، و آنان مؤمن نیستند.} ابن سنان از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: این آیه در باره امیر المؤمنین علیه السلام و عثمان نازل شد. جریان این بود که بین آنها در مورد باغی اختلاف افتاد. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: راضی هستی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد اختلاف ما قضاوت کند؟. عبد الرحمن بن عوف (به عثمان) گفت، قضاوت را پیش پیامبر مبر زیرا به نفع او و به ضرر تو حکم خواهد کرد. برای قضاوت پیش ابن شیبه یهودی بروید.

عثمان گفت، جز ابن شیبه یهودی کسی را قبول ندارم. ابن شیبه به عثمان گفت، شما به حضرت محمد صلی الله علیه و آله در مورد وحی آسمان ایمان و

1- . تفسیر قمی 2: 67 - 68

2- . نور / 47

اعتقاد دارید ولی در مورد حکومت و قضاوت اعتماد ندارید؟! خداوند این آیه را نازل کرد «أَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتابُوا أَمْ یَخافُونَ أَنْ یَحِیفَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَ رَسُولُهُ بَلْ أُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ»(1)، {آیا در دلهایشان بیماری است، یا شک دارند، یا از آن می ترسند که خدا و فرستاده اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه،] بلکه خودشان ستمکارند}.

سپس امیر المؤمنین علیه السلام را ذکر کرده و فرموده: «إِنَّما کانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِینَ إِذا دُعُوا إِلَی اللَّهِ وَ رَسُولِهِ لِیَحْکُمَ بَیْنَهُمْ أَنْ یَقُولُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»(2)، {گفتار مؤمنان - وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند - تنها این است که می گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» ایناند که رستگارند.}.(3)

115. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ أَعانَهُ عَلَیْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ» گفت: آنچه حضرت محمد صلی الله علیه و آله می خواند و به ما خبر می دهد از یهود یاد می گیرد و علمای نصاری برایش می نویسند و مردی به نام ابن قبیطه هر صبح و شام برایش نقل می کند.

و در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفر است که در باره «إِفْکٌ افْتَراهُ» فرمود: افک دروغ است «وَ أَعانَهُ عَلَیْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ» یعنی ابا فهیکه و حبر و عداس و عابس غلام حویطب به او کمک می کنند.

آیه «وَ قالُوا أَساطِیرُ الْأَوَّلِینَ اکْتَتَبَها» این سخن نضر بن حارث بن علقمه کلده است که گفت داستانهای پیشینیان است که آنه نوشتهاند. «فَهِیَ تُمْلی عَلَیْهِ بُکْرَةً وَ أَصِیلاً». 3

116. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «لَعَلَّکَ باخِعٌ نَفْسَکَ» گفت: یعنی شاید تو خود را به کشتن دهی.(4)

1- . نور / 50
2- . نور / 51
3- . تفسیر قمی 2: 83
4- . اگر چه در اینجا علی بن ابراهیم (باخِعٌ) را خادع معنی کرده و این معنی در لغت نیست مخصوصا در چند صفحه قبل همین آیه را قاتل معنی

کرده همان طور که ترجمه کردیم.

آیه «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ آیَهً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِینَ» هشام از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که فرمود: گردنهایشان خاضع شود، یعنی بنی امیه. و آن آیه صیحه آسمانی است به اسم صاحب الامر عجل الله فرجه.(1)

آیه «وَ إِنَّهُ لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعالَمِینَ» یعنی قرآن. حسان از حضرت صادق علیه السلام در آیه «وَ إِنَّهُ لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعالَمینَ *نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمینُ *عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرین»(2)، { و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است.«روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از [جمله] هشداردهندگان باشی؛}نقل کرد که فرمود: ولایت امیر المؤمنین که روز غدیر نازل نمود.

آیه «وَ لَوْ نَزَّلْناهُ عَلی بَعْضِ الْأَعْجَمِینَ» حضرت صادق علیه السلام فرمود: اگر قرآن بر عجم نازل می شد عرب به آن ایمان نمی آورد ولی بر عرب نازل شد، عجم ایمان آورد. این فضیلتی است برای عجم.(3)

محمد بن فرات از حضرت ابی جعفر علیه السلام نقل کرد «الَّذِی یَراکَ حِینَ تَقُومُ» در نبوت «وَ تَقَلُّبَکَ فِی السَّاجِدِینَ» یعنی در اصلاب پیامبران.(4)

117. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ قالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدی مَعَکَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنا أَ وَ لَمْ نُمَکِّنْ لَهُمْ حَرَماً آمِناً یُجْبی إِلَیْهِ ثَمَراتُ کُلِّ شَیْ ءٍ رِزْقاً مِنْ لَدُنَّا وَ لکِنَّ أَکْثَرَهُمْ لا یَعْلَمُونَ»(5) {و گفتند: «اگر با تو از [نورِ] هدایت پیروی کنیم، از سرزمین خود ربوده خواهیم شد.» آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که همه محصولات - که رزقی از جانب ماست - به سوی آن سرازیر می شود؟ ولی بیشترشان نمی دانند. }گفت، این آیه در باره قریش نازل شد. موقعی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را دعوت به اسلام و هجرت می کرد، گفتند اگر ما پیرو

1- . تفسیر قمی 2: 94
2- . شعراء / 192 - 194
3- . تفسیر قمی 2: 99
4- . تفسیر قمی 2: 100
5- . قصص / 57

هدایت شویم، از سرزمین و وطنمان ما را به همراه تو اخراج خواهند کرد(1) : «إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدی مَعَک نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنا»

118. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذا أُوذِیَ فِی اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ کَعَذابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا کُنَّا مَعَکُمْ أَ وَ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِما فی صُدُورِ الْعالَمِینَ»(2) ، {و از میان مردم کسانی اند که می گویند: «به خدا ایمان آورده ایم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می دهند؛ و اگر از جانب پروردگارت یاری رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دلهای جهانیان است داناتر نیست؟ }گفت: وقتی کسی او را بیازارد، یا دچار گرفتاری یا فقر شود، یا ترس از ستمگران داشته باشد، داخل در دین آنها می شود و چنین گمان دارد که آنچه اینها می کنند، مانند عذاب پایان ناپذیر خدا است.

آیه «لَئِنْ جاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّکَ» یعنی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه «وَ لْنَحْمِلْ خَطایاکُمْ» کفار به مؤمنین می گفتند با ما باشید، آنچه شما از آن می ترسید اهمیتی ندارد. اگر صحیح باشد ما گناهان شما را به گردن می گیریم. خداوند آنها را دو مرتبه عذاب می کند، یک بار به خاطر گناهان خودشان و یک بار به خاطر گناهان دیگران.

سپس خداوند در مورد کسانی که غیر خدا را به دوستی برگزیده اند مثل می زند «مَثَلُ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِیاءَ کَمَثَلِ الْعَنْکَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً» همان تارهایی است که عنکبوت بر در غاری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شد تنید که سست ترین خانه ها است. همین طور است هر کسی که غیر خدا دیگری را به دوستی بگزیند.

«وَ ما يَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ» یعنی جز آل محمد کسی درک نمی کند «وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ» یعنی یهود و نصاری «إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ» مگر به وسیله قرآن «فَالَّذِینَ آتَيْناهُمُ الْکِتابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ» یعنی آل محمد صلی الله علیه و آله «وَ مِنْ

1- . تفسیر قمی 2: 119
2- . عنکبوت / 10

هؤُلاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ» مؤمنين از اهل قبله «فِی صُدُورِ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ» آنها ائمه علیهم السلام هستند. (1)

119. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ضَرَبَ لَکُمْ مَثَلاً مِنْ أَنْفُسِکُمْ هَلْ لَکُمْ مِنْ ما مَلَکَتْ أَیْمانُکُمْ مِنْ شُرَکاءَ فی ما رَزَقْناکُمْ فَأَنْتُمْ فیهِ سَواءٌ تَخافُونَهُمْ کَخیفَتِکُمْ أَنْفُسَکُمْ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ»(2) ، {[خداوند] برای شما از خودتان مَثَلی زده است: آیا در آنچه به شما روزی داده ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از آنها بیم داشته باشید؟ این گونه، آیات خود را برای مردمی که می اندیشند، به تفصیل بیان می کنیم. } می نویسد: سبب نزول این آیه بود که قریش وقتی مراسم حج انجام می دادند، به این صورت تلبیه می گفتند: «لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک و الملک لا شریک لک» که همین تلبیه حضرت ابراهیم و انبیاء علیهم السلام بود. ابلیس به صورت پیر مردی پیش آنها آمد و گفت این تلبیه اجداد شما نیست، پرسیدند تلبیه آنها به چه صورت بود؟ گفت این گونه بود: «لبیک اللهم لبیک لا شریک لک الا شریک هو لک.»

قریش از این لبیک بدشان آمد. ابلیس گفت اجازه بدهید و عجله نکنید تا تمام حرف خود را بزنم، گفتند بگو. گفت،(الا شریک هو لک تملکه و ما ملک) با این جمله می گویید، مگر شریکی که تو مالک او و هر چه دارد هستی. قبول کردند و تنها قبیله قریش چنین لبیک می گفتند.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد این لبیک را رد کرد و فرمود: این شرک است. خداوند این آیه را نازل کرد «ضَرَبَ لَکُمْ مَثَلًا مِنْ أَنْفُسِکُمْ» یعنی شما خودتان راضی هستید که در چیزهایی که مالک آنها هستید کسی شریک شما باشد؟ وقتی شما نمی خواهید کسی از مملوک های خودتان شریکتان باشد، چگونه برای من از چیزهایی که مالک هستم شریک قرار می دهید.(3)

1- . تفسیر قمی 2: 126 - 127
2- . روم / 28
3- . تفسیر قمی 2: 131 - 132

آیه «وَ لا یَسْتَخِفَّنَّکَ الَّذِینَ لا یُوقِنُونَ» یعنی تو را به خشم در نیاورد.(1)

120. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْتَری لَهْوَ الْحَدیثِ لِیُضِلَّ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ بِغَیْرِ عِلْمٍ وَ یَتَّخِذَها هُزُواً أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ مُهین»(2) فرمود: و برخی از مردم کسانی اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی[هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود.} فرمود: او نضر بن حارث بن علقمه بن کلده از قبیله بنی عبد الدار بن قصی بود که داستانها و اشعاری برای مردم نقل می کرد.

آیه «هذا خَلْقُ اللَّهِ» یعنی مخلوق خدا است زیرا خلق آفرینش است و آن فعل است و فعل دیده شدنی نیست.(3)

آیه «وَ إِذا قِیلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ» در مورد نضر بن حارث است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: بیا از آنچه خدا نازل نموده پیروی کن. گفت من پیرو آباء و اجداد خویشم. «فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ» یعنی صالحند و الختار یعنی حیله گر.(4)

121. تفسیر قمی: امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ إِنْ أَجْرِیَ إِلاَّ عَلَی اللَّهِ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهیدٌ»(5) ، {بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان! مزد من جز بر خدا نیست، و او بر هر چیزی گواه است.» } فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله از قومش خواستار دوستی نزدیکانش و نیازردن ایشان شد «فَهُوَ لَکُمْ» می گوید: ثواب آن برای شما است.(6)

122. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم می نویسد: خداوند بر بت پرستان با این آیه احتجاج می کند «إِنْ تَدْعُوهُمْ لا یَسْمَعُوا دُعاءَکُمْ وَ لَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجابُوا لَکُمْ وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یَکْفُرُونَ بِشِرْکِکُمْ وَ لا یُنَبِّئُکَ مِثْلُ خَبیر»(7)، {اگر آنها را بخوانید، دعای

1- . تفسیر قمی 2: 137
2- . لقمان / 6
3- . تفسیر قمی 2: 137 - 138

4- . تفسیر قمی 2: 143 - 144
5- . سباء / 47
6- . تفسیر قمی 2: 179
7- . فاطر / 14

شما را نمی شنوند، و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتتان نمی کنند، و روز قیامت شرکِ شما را انکار می کنند؛ و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه، تو را خبردار نمی کند.} یعنی روز قیامت شرک شما را انکار می نمایند. آیه «وَ ما یَسْتَوِی الْأَعْمی وَ الْبَصِیرُ» مثلی است که خدا برای مؤمن و کافر می زند «وَ ما أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِی الْقُبُورِ» این کفار از تو نمی شنوند، چنانچه اهل قبرستان نمی شنوند. در آیه «وَ إِنْ مِنْ أُمَّهٍ إِلَّا خَلا فِیها نَذِیرٌ» گفت: هر زمان امامی هست، سپس خداوند سخن قریش را حکایت می کند «وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَیْمانِهِمْ لَئِنْ جاءَهُمْ نَذِیرٌ لَیَکُونُنَّ أَهْدی مِنْ إِحْدَی الْأُمَمِ» کسانی که هلاک شدند «فَلَمَّا جاءَهُمْ نَذِیرٌ» وقتی آنها را پیامبر یعنی رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد.(1)

123. تفسیر قمی: حضرت صادق علیه السلام فرمود: «یس» اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است «عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ» فرمود: راه واضح «تَنْزِیلَ الْعَزِیزِ الرَّحِیمِ» فرمود: قرآن «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلی أَکْثَرِهِمْ» منظور کسانی است که عذاب بر آنها نازل شد «وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ أَ فَلا یَعْقِلُونَ» این آیه ردی است بر کفاری که توحید را قبول ندارند و مدعی هستند که مرد وقتی با زن ازدواج کرد و نطفه او در رحم زن قرار گرفت و غذاهای گوناگون به او رسید و طبیعت به گردش خود ادامه داد و شب و روز بر او گذشت، انسان از طبیعت: غذا، گوشت، شب و روز به وجود می آید. خداوند سخن آنها را با یک حرف رد می کند: «وَ مَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَکِّسْهُ فِی الْخَلْقِ أَ فَلا یَعْقِلُونَ» می فرماید: اگر این جریان همان طوری است که آنها می گویند، باید تا وقتی غذاهای متنوع هست و شب و روز وجود دارد و گردش طبیعت هست انسان پیوسته رو به رشد برود، پس چرا هر چه بزرگتر می شود رو به کاهش می رود و گوش و چشم و نیرو و علم و دانش او و سخن گفتنش کم می شود و طوری به عقب بر می گردد که به مرز طفولیت می رسد. این تغییرات از آفرینش خداوند عزیز و علیم و تدبیر و برنامه ریزی او است.(2)

1- . تفسیر قمی 2: 183 - 184
2- . تفسیر قمی 2: 186

آیه «وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ وَ ما یَنْبَغِی لَهُ» قریش می گفتند، آنچه محمد صلی الله علیه و آله آورده است شعر است. خداوند آنها را رد می کند و می فرماید: «وَ ما عَلَّمْناهُ الشِّعْرَ» و پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز شعری نگفته است. «لِیُنْذِرَ مَنْ کانَ حَیًّا» تا مؤمنی را که دل زنده است بیم دهد «وَ یَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَی الْکافِرِینَ» یعنی عذاب.

و در روایت ابی الجارود از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده که در تفسیر آیه «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً» تا این آیه «لا یَسْتَطِیعُونَ نَصْرَهُمْ» فرمود: یعنی خدایان قدرت یاری آنها را ندارند «وَ هُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ». (1)

124. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «فَاسْتَفْتِهِمْ أَ هُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ مَنْ خَلَقْنا إِنَّا خَلَقْناهُمْ مِنْ طِینٍ لازِب»(2)، {پس، [از کافران] بپرس: آیا ایشان از نظر آفرینش سخت ترند یا کسانی که [در آسمانها] خلق کردیم؟ ما آنان را از گِلی چسبنده پدید آوردیم.} می نویسد: از گلی که به دست می چسبد. «فَاسْتَفْتِهِمْ أَ لِرَبِّکَ الْبَناتُ» قریش گفتند ملائکه دختران خدایند. ولی خداوند با این آیه آنها را رد می کند «فَاسْتَفْتِهِمْ» تا «سُلْطانٌ مُبِینٌ» یعنی دلیلی قوی بر اعتقاد خود. «وَ جَعَلُوا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ الْجِنَّهِ نَسَباً» آنها گفتند جنیان دختران خدایند «وَ لَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّهُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ» آنها در آتشند. (3)

و در روایت ابی الجارود از حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «وَ إِنْ کانُوا لَیَقُولُونَ لَوْ أَنَّ عِنْدَنا ذِکْراً مِنَ الْأَوَّلِینَ لَکُنَّا عِبادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِینَ» نقل می کند که فرمود: آنها کفار قریش بودند که می گفتند، اگر ما کتاب آسمانی داشتیم، از بندگان مخلص خدا می شدیم، خداوند یهود و نصاری را بکشد، چگونه پیامبران خود را تکذیب نمودند. خداوند می فرماید «فَکَفَرُوا بِهِ» هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای آنها آمد، کفر ورزیدند.(4)

1- . تفسیر قمی 2: 192
2- . صافات / 11
3- . تفسیر قمی 2: 195
4- . تفسیر قمی 2: 200

125. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «بَلِ الَّذینَ کَفَرُوا فی عِزَّهٍ وَ شِقاق» (1) ، {آری، آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه اند.} می نویسد: یعنی در کفر. «فَنادَوْا وَ لاتَ حِینَ مَناصٍ» آن وقت هنگام فرار نیست «إِلَّا اخْتِلاقٌ» به هم در آمیختن «مِنَ الْأَحْزابِ» آنها که همداستان شدند و گروه و احزابی علیه تو در جنگ خندق تشکیل دادند. (2)

ابن عباس در مورد آیه «قُلْ ما أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ» گفت: بگو ای محمد صلی الله علیه و آله، من در مقابل دعوت به دین و آیین خدا که کرده ام از شما مالی نمی خواهم «وَما أَنَا مِنَ الْمُتَکَلِّفِینَ» من این قرآن را از جانب خویش نیاورده ام «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرٌ لِلْعالَمِینَ» تذکر است برای جهانیان «وَ لَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِینٍ» جریان آن را هنگام مرگ و بعد از مرگ در روز قیامت خواهید فهمید. (3)

126. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَلا لِلَّهِ الدِّینُ الْخالِصُ وَ الَّذِینَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِیاءَ ما نَعْبُدُهُمْ إِلاَّ لِیُقَرِّبُونا إِلَی اللَّهِ زُلْفی إِنَّ اللَّهَ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ فی ما هُمْ فیهِ یَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدی مَنْ هُوَ کاذِبٌ کَفَّارٌ» (4)، {آگاه باشید: آیینِ پاک از آنِ خداست، و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته اند [به این بهانه که:] ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی پرستیم، البتّه خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ پردازِ ناسپاس است هدایت نمی کند.} مینویسد: جریان چنین است که قریش می گفتند ما این بت ها را می پرستیم تا ما را به خدا نزدیک کنند زیرا ما نمی توانیم خدا را چنانچه شایسته است عبادت کنیم. خداوند با جمله خبری سخن آنها را نقل می کند و آیه حکایت حال آنها است. (5)

ص: 584

1- . ص / 2

2- . تفسیر قمی 2: 202

3- . تفسیر قمی 2: 215

4- . زمر / 3

5- . تفسیر قمی 2: 216

و در خبری از ابی الجارود از حضرت ابی جعفر در تفسیر آیه « فَاعْبُدُوا ما شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَ الْخاسِرِینَ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ أَلا ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبین»(1) {پس هر چه را غیر از او می خواهید، بپرستید «[ولی به آنان] بگو:» زیانکاران در حقیقت کسانی اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده اند؛ آری، این همان خسران آشکار است.» }آمده، یعنی خود و خانواده خویش را دچار زیان کرده اند.(2)

127. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ما یُجادِلُ فی آیاتِ اللَّهِ إِلاَّ الَّذِینَ کَفَرُوا فَلا یَغْرُرْکَ تَقَلُّبُهُمْ فِی الْبِلاد»(3)، {جز آنهایی که کفر ورزیدند [کسی] در آیات خدا ستیزه نمی کند، پس رفت و آمدشان در شهرها تو را دستخوش فریب نگرداند.} آیات خدا ائمه علیهم السلام هستند «وَ الْأَحْزابُ مِنْ بَعْدِهِمْ» آنها اصحاب انبیاء هستند که تشکل یافته اند «وَ هَمَّتْ کُلُّ أُمَّهٍ بِرَسُولِهِمْ لِیَأْخُذُوهُ» تا او را بکشند «وَ جادَلُوا بِالْباطِلِ» دشمنی ورزیدند «لِیُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَ» تا حق او را از میان ببرند.(4)

128. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «کِتابٌ فُصِّلَتْ آیاتُهُ قُرْآناً عَرَبِیًّا لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ»(5)، {کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می دانند.} می نویسد: یعنی حلال و حرام و احکام و سنن آنها توضیح داده شده «بَشِیراً وَ نَذِیراً» به مؤمنین بشارت می دهد و ستمکاران را می ترساند «فَأَعْرَضَ أَکْثَرُهُمْ» بیشتر آنها از قرآن اعراض کردند. آیه «فِی أَکِنَّهٍ مِمَّا تَدْعُونا إِلَیْهِ» یعنی به چیزی دعوت می کنی که ما آنها را نمی فهمیم و درک نمی کنیم «فَاسْتَقِیمُوا إِلَیْهِ» یعنی اجابت کنید او را آیه «وَ وَیْلٌ لِلْمُشْرِکِینَ» آنها کسانی هستند که اقرار به اسلام دارند ولی در عمل مشرکند. ابان بن تغلب گفت، حضرت صادق علیه السلام فرمود: یا ابان، تو خیال می کنی خداوند از مشرکان زکات بخواهد با

1- . زمر / 15
2- . تفسیر قمی 2: 219
3- . غافر / 4
4- . تفسیر قمی 2: 226
5- . فصلت / 3

اینکه آنها مشرک به خدا هستند؟ در این آیه می فرماید «وَ وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لا يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ بِالْآخِرَهِ هُمْ كافِرُونَ» عرض کرد، چگونه است فدایت شوم؟ برایم تفسیر بفرمایید.

فرمود: وای بر مشرکین، کسانی که به امام اول مشرک شدند و به ائمه دیگر کافرند. ابان، خداوند مردم را دعوت به ایمان به خود می کند، وقتی ایمان به خدا و پیامبر آوردند، احکام و فرائض را بر او واجب می نماید. «إِذْ جاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ» یعنی نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و پیامبران «وَ مِنْ خَلْفِهِمْ» یعنی تو «وَ الْغَوْا فِيهِ» آن را مسخره و بیهوده جلوه بدهند.(1)

و در روایت ابی الجارود است که حضرت امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جاءَهُمْ» فرمود: ذکر یعنی قرآن «لا يَأْتِيهِ الْباطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ» یعنی از جانب تورات و انجیل و زبور، چیزی که موجب ابطال آن شود نیست «وَ لا مِنْ خَلْفِهِ» یعنی کتابی بعد از او نخواهد آمد تا قرآن را باطل کند.

آیه «لَوْ لا فُصِّلَتْ آياتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ» یعنی اگر این قرآن به زبان غیر عرب بود می گفتند چگونه آن را بیاموزیم؟ زبان ما عربی است، تو برای ما قرآنی به زبان عجمی آورده ای، خداوند (آن را) به زبان خودشان فرستاد.(2)

129. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ ما وَصَّى بِهِ نُوحاً وَ الَّذى أَوْحَيْنا إِلَيْكَ وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهيمَ وَ مُوسى وَ عيسى أَنْ أَقيمُوا الدِّينَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا فيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبى إِلَيْهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَهْدى إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ»(3) ، { از [احکامِ] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که «دین را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی مکنید.» آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می خوانی، بر مشرکان گران می آید. خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمی گزیند، و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه

1- . تفسير قمی 2: 233 - 237
2- . تفسير قمی 2: 238
3- . شوری / 13

می نماید. } می نویسد: یعنی توحید و نماز و زکاه و روزه ماه رمضان و حج و سنن و احکامی که در آداب شریعت هست و اقرار به ولایت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام را فرا گیرید «وَ لا تَتَفَرَّقُوا فِیهِ» در باره آن اختلاف نکنید «کَبُرَ عَلَی الْمُشْرِکِینَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَیْهِ» دعوت به این شرایعی که می کنید بر مشرکین گران است. سپس می فرماید «اللَّهُ یَجْتَبِی إِلَیْهِ مَنْ یَشاءُ» خدا هر که را بخواهد انتخاب می کند «وَ یَهْدِی إِلَیْهِ مَنْ یُنِیبُ» ایشان ائمه علیهم السلام هستند که خدا آنها را انتخاب و اختیار کرده است.

«وَ ما تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیاً بَیْنَهُمْ» آنها از روی نادانی تفرقه و اختلاف را از پیش نگرفتهاند بلکه با علم و اطلاع و از روی حسادت و ستمی که بر یکدیگر روا داشتند اختلاف انداختند. آنها وقتی دیدند امیر المؤمنین به دستور خدا بر همه برتری جست، مذاهب مختلفی به وجود آوردند و به آراء و خواسته های دل خویش گرایش پیدا کردند. بعد خداوند می فرماید: «وَ لَوْ لا کَلِمَهٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّکَ إِلی أَجَلٍ مُسَمًّی لَقُضِیَ بَیْنَهُمْ» اگر این نبود که خداوند در ازل این مطلب را مقدر نمود، هر آینه وقتی به اختلاف می گراییدند، بین آنها قضاوت می کرد و آنها را هلاک می نمود و به ایشان مهلت نمی داد ولی آن را تا موقع معین تاخیر انداخته «وَ إِنَّ الَّذِینَ أُورِثُوا الْکِتابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِی شَکٍّ مِنْهُ مُرِیبٍ» کنایه از کسانی است که پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله را شکستند، سپس می فرماید: «فَلِذلِکَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ» به خاطر این، به دین و دوستی امیر المؤمنین علیه السلام دعوت کن و پایدار باش، چنانچه به تو دستور داده شد. بعد می فرماید: «وَ الَّذِینَ یُحَاجُّونَ فِی اللَّهِ» کسانی که با خدا بعد از اینکه پیامبرانی را فرستاد به احتجاج بپردازند «حُجَّتُهُمْ داحِضَهٌ» دلیل آنها نزد خدا باطل است. بعد می فرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً» بگو ای محمد، در مقابل نبوت، از شما تقاضای پاداشی ندارم «إِلَّا الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی» مگر دوستی با اهل بیتم. سپس می گوید، مگر چنین نیست که شخص دوستی دارد و می خواهد سفارشی (راجع به او) به خانواده خود کند ولی دلش اجازه نمی دهد. خداوند می دانست که در دل پیامبر چیزی در ارتباط با امت از سفارشات لازم، جز علاقه و دوستی به خانواده اش باقی نمانده، به همین جهت دوستی با خویشاوندان پیامبر را

واجب نمود که اگر انجام دادند، واجبی را انجام داده اند و اگر ترک کنند واجبی را ترک کرده اند. آنها از اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله متفرق شدند در حالی که به یکدیگر می گفتند، ما اموال خود را در اختیارش گذاشتیم، گفت پس از رفتنم از اهل بیت من دفاع کنید. عده‌ای گفتند پیامبر چنین چیزی را نگفته و انکار نمودند، و چنانچه قرآن حکایت می کند گفتند، «أَمْ یَقُولُونَ افْتَری عَلَی اللَّهِ کَذِباً» به خدا دروغ بسته. خداوند می فرماید «فَإِنْ یَشَإِ اللَّهُ یَخْتِمْ عَلی قَلْبِکَ» اگر دروغ بگویی «وَ یَمْحُ اللَّهُ الْباطِلَ» باطل را نابود می کند «وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ» حق را به وسیله ائمه علیهم السلام و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله ثابت می کند. (1)

130. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ فَنَضْرِبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحاً أَنْ کُنْتُمْ قَوْماً مُسْرِفینَ» (2)، {آیا به [صِرفِ] اینکه شما قومی منحرفید [باید] قرآن را از شما بازداریم؟ } می نویسد: یعنی شما را بیهوده رها خواهیم کرد و حجت خود را به وسیله پیامبر یا امام و دلائل تمام نخواهیم کرد؟ «أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشاً» از قریش «وَ جَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبادِهِ جُزْءاً» قریش گفتند ملائکه دختران خدا هستند «أَ وَ مَنْ یُنَشَّؤُا فِی الْحِلْیَهِ» یعنی در طلا. (3)

و آیه «عَلی أُمَّهٍ »یعنی بر مذهب. سپس خداوند گفتار قریش را حکایت می کند «وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ» چرا این قرآن نازل نشد «عَلی رَجُلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ» و او عروه بن مسعود است و دو قریه مکه و طائف است عروه غرامت و جریمه ها را از مال خود پرداخت می کرد و عموی مغیره بن شعبه بود. خداوند سخن آنها را رد کرد «أَ هُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ» مگر آنها نبوت و قرآن را به هر کس بخواهند می دهند؟ موقعی که گفتند چرا بر عروه بن مسعود ثقفی نازل نشد. (4)

مولف: به زودی تفسیر آیه «وَ سْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ» در باب احتجاج امام باقر علیه السلام خواهد آمد.

1- . تفسیر قمی 2: 246 - 248
2- . زخرف / 5
3- . تفسیر قمی 2: 254
4- . تفسیر قمی 2: 256

131. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلاً إِذا قَوْمُکَ مِنْهُ یَصِدُّون»(1)، {و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، بناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله درانداختند [و اعراض کردند]} می نویسد: سلمان فارسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرد که روزی پیامبر صلی الله علیه و آله میان اصحاب نشسته بود، فرمود: هم اکنون شخصی بر شما وارد می شود که شبیه عیسی بن مریم است. بعضی از اطرافیان از جای حرکت کرده رفتند تا وارد شوند و آنها صاحب این امتیاز باشند. در این موقع علی بن ابی طالب علیه السّلام وارد شد. آن مرد به یکی از دوستان خود گفت، - محمد صلی الله علیه و آله - قانع به همین نشد که علی را بر همه ما برتری بخشد تا بالاخره او را شبیه عیسی بن مریم کرد. به خدا قسم، خدایانی که در جاهلیت می پرستیدیم بهتر از او بود. خداوند در همین مجلس این آیه را نازل فرمود: «وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْیَمَ مَثَلًا إِذا قَوْمُکَ مِنْهُ» یضجون که تغییرش دادند «یَصِدُّونَ وَ قالُوا أَ آلِهَتُنا خَیْرٌ أَمْ هُوَ ما ضَرَبُوهُ لَکَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ» علی جز بنده ای که بر او نعمت بخشیدیم و او را مثل برای بنی اسرائیل قرار دادیم نیست. آنها اسمش را از این آیه محو نموده اند. سپس خداوند مقام و عظمت امیر المؤمنین علیه السلام را بیان می کند.(2)

«وَ إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَهِ فَلا تَمْتَرُنَّ بِها وَ اتَّبِعُونِ هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ» منظور امیر المؤمنین علیه السلام است «فَأَنَا أَوَّلُ الْعابِدِینَ» یعنی اولین مخالف این هستم که او را فرزندی باشد.(3)

132. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ إِنَّا کُنَّا مُنْذِرینَ»(4) ، { [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم.}گفته است: یعنی قرآن؛ «فِی لَیْلَهٍ مُبارَکَهٍ» شب قدر است. خداوند قرآن را یک مرتبه در این شب در بیت المعمور نازل کرد سپس از بیت

1- . زخرف / 57
2- . تفسیر قمی 2: 259
3- . تفسیر قمی 2: 263
4- . دخان / 3

المعمور در طول بیست سال بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل نمود «فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ» یعنی منتظر باش آنها نیز منتظرند.(1)

133. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ»(2)، { وای بر هر دروغزن گناه پیشه!} گفته است: یعنی کذاب. «وَ إِذا عَلِمَ مِنْ آياتِنا شَيْئاً» یعنی وقتی بیند. خداوند به جای دیدن، کلمه علم را گذاشته است. «عَذابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ» گفت، یعنی شدت و گرفتاری.

داود بن کثیر از حضرت صادق علیه السّلام نقل کرد که در مورد آیه «قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْماً بِما كانُوا يَكْسِبُونَ»(3)، { به کسانی که ایمان آورده اند بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزیِ] خدا امید ندارند درگذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند.} فرمود: به کسانی که به آنها به شناخت خود منت نهاده ایم بگو که نادانان را بیاموزند، وقتی به آنها معرفت بیاموزند، آنها را می بخشیم.

در تفسیر آیه «أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ» گفت: این آیه در باره قریش نازل شده که هر چه دوست داشتند را می پرستیدند «وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ» یعنی او را با اطلاع از آنچه در باره امیر المؤمنین علیه السّلام انجام دادند عذاب می نماید. این جریان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد و آنها به میل خود حرکت کردند و کارهایی انجام دادند که خلافت و امامت را از امیر المؤمنین علیه السّلام گرفت. آیه «اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ» در باره قریش نازل شده و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد اصحابش که خلافت امیر المؤمنین علیه السّلام را غصب نمودند و امامی را به هوای نفس خود انتخاب کردند، جاری شده؛ سپس سخن را به دهری ها برمی گرداند که مدعی هستند بعد از مرگ زنده نمی شویم، «وَ قالُوا ما هِيَ إِلَّا حَياتُنَا الدُّنْيا نَمُوتُ وَ نَحْيا» و در اینجا تقدیم و تاخیر شده، زیرا دهریها به حشر و نشر بعد از مرگ اعتقادی ندارند. آنها می گویند نحیا و نموت «وَ ما يُهْلِكُنا إِلَّا الدَّهْرُ» ما

-1 . تفسیر قمی 2: 264
-2 . جاثیه / 7
-3 . جاثیه / 14

خودمان زنده می شویم و می میریم و جز طبیعت چیز دیگری ما را نمی میراند تا این آیه «یَظُنُّونَ»، این گمان به معنی شک است. (1)

134. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما إِلاَّ بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُسَمًّى وَ الَّذینَ کَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُون» (2) {[ما] آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حقّ و [تا] زمانی معیّن نیافریدیم، و کسانی که کافر شده اند، از آنچه هشدار داده شده اند روی گردانند. } گفته است: منظور قریش است که از آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به آن دعوت می کرد روی برمی گرداندند. فرمود: یا محمد، به آنها بگو «أَ رَأَیْتُمْ ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ» یعنی بت هایی را که می پرستیدند. سپس می فرماید: «وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ یَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لا یَسْتَجیبُ لَهُ» گفت: کسانی که خورشید و ماه و ستارگان و چهارپایان و درخت و سنگ را می پرستیدند، زمانی که در قیامت محشور شوند، همین معبودها و خدایان دشمن ایشان خواهند بود و نسبت به عبادت آنها بیزاری می جویند؛ سپس می فرماید «أَمْ یَقُولُونَ افْتَراهُ» یا می گویند این قرآن را از خود درآورده «إِنِ افْتَرَیْتُهُ فَلا تَمْلِکُونَ لی مِنَ اللَّهِ شَیْئاً» اگر من دروغ بسته باشم، در صورتی که خدا بخواهد مرا پاداش یا کیفر دهد، قدرت ندارند جلوی او را بگیرند «هُوَ أَعْلَمُ بِما تُفیضُونَ فیهِ» او دروغهایی که در این مورد می گویید بهتر می داند.

سپس می فرماید: «قُلْ ما کُنْتُ بِدْعاً مِنَ الرُّسُلِ» بگو من تنها یک پیامبر نیستم و قبل از من انبیایی آمده اند. (3)

135. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ إِلَیْکَ حَتَّى إِذا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِکَ قالُوا لِلَّذینَ أُوتُوا الْعِلْمَ ما ذا قالَ آنِفاً أُولئِکَ الَّذینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ» (4) ، {و از میان [منافقان] کسانی اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می روند، به دانش یافتگان

1- . تفسیر قمی 2: 268 - 270
2- . احقاف / 3
3- . تفسیر قمی 2: 271
4- . محمد / 16

می گویند: «هم اکنون چه گفت؟» اینان همانانند که خدا بر دلهایشان مُهر نهاده است و از هوسهای خود پیروی کرده اند.} گفته است: این آیه در باره منافقین از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و کسانی که وقتی قرآن را می شنیدند، نه به آن ایمان داشتند و نه آن را حفظ می کردند و وقتی خارج می شد به مؤمنین می گفتند، پیامبر چه گفت؟ !.(1)

136. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لکِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا یَدْخُلِ الْإِیمانُ فی قُلُوبِکُمْ وَ إِنْ تُطیعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لا یَلِتْکُمْ مِنْ أَعْمالِکُمْ شَیْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ»(2) {[برخی از] بادیه نشینان گفتند: «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم.» و هنوز در دلهای شما ایمان داخل نشده است. و اگر خدا و پیامبرِ او را فرمان برید از [ارزشِ] کرده هایتان چیزی کم نمی کند. خدا آمرزنده مهربان است.»} گفته است: «وَ لکِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا» یعنی شما با شمشیر تسلیم شدید «وَ لَمَّا یَدْخُلِ الْإِیمانُ فِی قُلُوبِکُمْ لا یَلِتْکُمْ» یعنی از شما کاسته نمی شود.

آیه «یَمُنُّونَ عَلَیْکَ أَنْ أَسْلَمُوا» در باره عثمان در جنگ خندق نازل شد. او در حالی از کنار عمار بن یاسر گذشت که عمار خندق حفر می کرد و از کند و کاو او گرد و غبار بلند شده بود. عثمان بینی خود را گرفت و رد شد. عمار گفت:

لَا یَسْتَوِی مَنْ یَبْنِی

الْمَسَاجِدَا

یَظَلُّ فِیهَا رَاکِعاً وَ

سَاجِداً

کَمَنْ یَمُرُّ بِالْغُبَارِ

حَائِداً

یُعْرِضُ عَنْهُ جَاحِداً

مُعَانِدا

آن که مسجد می سازد و در آن رکوع و سجود می کند مانند کسی نیست که از کنار غبار در حالی که بینی خود را گرفته می گذرد و از آن با حالت انکار و عناد روی می گرداند.

عثمان عصبانی شده گفت، پسر سیاه زاده! منظورت من هستم؟ سپس شکایتش را پیش پیامبر صلی الله علیه و آله برد و گفت، ما دعوت تو را پذیرفتیم و

ص: 592

1- . تفسیر قمی 2: 278
2- . حجرات / 14

اسلام آوردیم تا ما را به دشنام بگیرند و آبرویمان را ببرند؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر اسلام برایت دشوار است برو.

خداوند این آیه را نازل نمود «یَمُنُّونَ عَلَیْکَ أَنْ أَسْلَمُوا» تا «إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» یعنی راست نمی گویند. (1)

137. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَما أَنْتَ بِمَلُومٍ» (2) {پس، از آنان روی بگردان، که تو درخور نکوهش نیستی.} خداوند تصمیم داشت مردم روی زمین را هلاک نماید، به حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: تو از آنها فاصله بگیر سرزنش نخواهی شد. سپس در این مورد بدا حاصل شد و این آیه را نازل نمود «وَ ذَکِّرْ فَإِنَّ الذِّکْری تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِینَ». (3)

138. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلامُهُمْ بِهذا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طاغُون» (4) {آیا پندارهایشان آنان را به این [موضعگیری] وا می دارد یا [نه،] آنها مردمی سرکشند؟} گفت: در دنیا پندار گرا تر از قریش نبود، بعد روی سخن را به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله می نماید «أَمْ یَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ» یا می گویند محمد از خودش ساخته و منظور امیر المؤمنین است «بَلْ لا یُؤْمِنُونَ» از خود نساخته و این رأی شخصی او نیست. سپس می فرماید «فَلْیَأْتُوا بِحَدِیثٍ مِثْلِهِ» یعنی مردی مانند او را از جانب خدا بیاورند «إِنْ کانُوا صادِقِینَ» سپس می فرماید «أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْراً فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ» مگر تو از آنها پاداشی خواستی که زیر بار سنگینی پرداخت آن بمانند؟.

آیه «وَ إِنَّ لِلَّذِینَ ظَلَمُوا» کسانی که به آل محمد صلی الله علیه و آله در مورد حقشان ظلم کردند «عَذاباً دُونَ ذلِکَ» عذاب رجعت است به وسیله شمشیر «فَإِنَّکَ بِأَعْیُنِنا» تو در پناه حفظ و نگهبانی و نعمت ما هستی «وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّکَ حِینَ تَقُومُ» وقتی برای نماز شب حرکت می کنی خدا را تسبیح کن. «فَسَبِّحْهُ» گفت، نماز

1- . تفسیر قمی 2: 297 - 298
2- . ذاریات / 54
3- . تفسیر قمی 2: 306

4- . طور / 32

شب است بزنطی گفت، حضرت رضا علیه السّلام فرمود: «أَدْبارَ السُّجُودِ» چهار رکعت است بعد از مغرب «وَ إِدْبارَ النُّجُومِ» دو رکعت است قبل از نماز صبح.(1)

139. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ النَّجْمِ إِذا هَوی»(2) ، { سوگند به اختر [= قرآن] چون فرود می آید. } گفته است: نجم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است «إِذا هَوی» وقتی شب در آسمانها سیر داده شد و آن وقت در هوا بود و این قسمی است که خداوند به پیامبر اکرم می خورد و یک فضیلتی است برای آن جناب نسبت به سایر پیامبران، و جواب قسم است «ما ضَلَّ صاحِبُکُمْ وَ ما غَوی وَ ما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی» یعنی از روی هوای نفس نمی گوید، تمام این قرآن وحی است «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی عَلَّمَهُ شَدِیدُ الْقُوی» منظور جبرئیل است که به او آموخته «ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوی» یعنی پیامبر اکرم.

آیه «وَ هُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلی» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «ثُمَّ دَنا» یعنی رسول الله به پروردگارش نزدیک شد «فَتَدَلَّی» گفته است این طور نازل شده «ثُمَّ دَنا» پس به یکدیگر نزدیک شدند «فَکانَ قابَ قَوْسَیْنِ» یعنی پیامبر چنان به خدا به اندازه فاصله سر کمان تا دو طرف آن «أَوْ أَدْنی» بلکه از این نزدیکتر «فَأَوْحی إِلی عَبْدِهِ ما أَوْحی» رودر رو به او وحی نمود.(3)

آیه «إِذْ یَغْشَی السِّدْرَةَ ما یَغْشی» گفت وقتی حجاب بین خدا و پیامبر برداشته شد، نور او سدره را پوشاند «ما زاغَ الْبَصَرُ وَ ما طَغی» انکار نکرده «لَقَدْ رَأی مِنْ آیاتِ رَبِّهِ الْکُبْری» گفت، جبرئیل را دید که بر ساقش درّی بود مانند کمربند قاطر دارای ششصد بال که بین آسمان و زمین را پر کرده بود.

«أَ فَرَأَیْتُمُ اللَّاتَ وَ الْعُزَّی» گفت، لات مرد است و عزی زن «وَ مَناةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْری» گفت، بتی در مِسک خارج از مکه به فاصله شش میل بود که منات نام

1- . تفسیر قمی 2: 309 - 310
2- . نجم / 1

3- . تفسير قمى 2: 311

داشت. «تِلْکَ إِذاً قِسْمَةٌ ضِیزی» قسمت ناقص، سپس می فرماید «إِنْ هِیَ إِلَّا أَسْماءٌ سَمَّیْتُمُوها أَنْتُمْ وَ آباؤُکُمْ ما أَنْزَلَ اللَّهُ بِها مِنْ سُلْطانٍ» سلطان، یعنی دلیل و حجت.(1)

«فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکَ تَتَماری» یعنی با چه نیرویی می جنگی «هذا نَذِیرٌ» رسول الله صلی الله علیه و آله «مِنَ النُّذُرِ الْأُولی أَ فَمِنْ هذَا الْحَدِیثِ تَعْجَبُونَ» از آنچه از اخبار ذکر شد «وَ تَضْحَکُونَ وَ لا تَبْکُونَ وَ أَنْتُمْ سامِدُونَ» شما به لهو و لعب مشغولید.(2)

مولف: (هوی) به معنی فرود آمدن و بالا رفتن هر دو هست.

140. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ کَذَّبُوا وَ اتَّبَعُوا أَهْواءَهُمْ وَ کُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِر»(3) {و به تکذیب دست زدند و هوسهای خویش را دنبال کردند، و[لی] هر کاری را [آخر] قراری است. } گفته است: رای و نظر خود را به کار می بستند و به دستور انبیای خویش عمل نمی کردند «ما فِیهِ مُزْدَجَرٌ» پندگیرنده «وَ لَقَدْ أَهْلَکْنا أَشْیاعَکُمْ» پیروان شما را در عبادت بت ها هلاک کردیم «وَ کُلُّ شَیْ ءٍ فَعَلُوهُ فِی الزُّبُرِ» در کتب نوشته است «وَ کُلُّ صَغِیرٍ وَ کَبِیرٍ» گناه کوچک و بزرگ «مُسْتَطَرٌ» مکتوب.(4)

141. تفسیر قمی: «أَ فَرَأَیْتُمْ ما تُمْنُونَ»(5)، {آیا آنچه را [که به صورت نطفه] فرو می ریزید دیده اید؟ } یعنی نطفه «مِنَ الْمُزْنِ» گفت، از سحاب و ابر «أَ فَرَأَیْتُمُ النَّارَ الَّتِی تُورُونَ» می افروزید آن را و از آن بهره مند می شوید «لِلْمُقْوِینَ» برای محتاجان «فَلا أُقْسِمُ بِمَواقِعِ النُّجُومِ» یعنی قسم می خورم. (6)

ابو عبد الرحمن سلمی گفت، علی علیه السّلام سوره واقعه را برای آنها این طور قرائت کرد «وَ تَجْعَلُونَ - شکرکم - أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ» وقتی به پایان رسانید فرمود: می دانستم که یکی خواهد گفت چرا این طور خواندی؟ من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم همین طور می خواند.

1- . تفسیر قمی 2: 315
2- . تفسیر قمی 2: 317
3- . قمر / 3

4- . تفسير قمی 2: 319 - 320
5- . واقعه / 58
6- . تفسير قمی 2: 327 - 328

وقتی باران می بارید می گفتند، فلان ستاره و فلان چیز باران را فرستاد «وَ تَجْعَلُونَ - شکرکم - أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ» به جای سپاس و شکر، تکذیب می کنید.

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَکُمْ أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ» فرمود: این آیه چنین است «وَ تَجْعَلُونَ - شکرکم - أَنَّکُمْ تُکَذِّبُونَ». (1)

مولف: مرحوم طبرسی نوشته علی علیه السّلام و ابن عباس چنین خوانده اند و از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که و تجعلون شکرکم خوانده.(2)

142. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ لَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکْرِ اللَّهِ » ، {آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دلهایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد؟} در معنای ألم یأن گفته است: یعنی آیا لازم نشده است؟ «أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ» که دلها بترسد. در آیه «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» گفت، یعنی دو بهره از رحمت خود: اول این که او را داخل آتش نکند. دوم اینکه وارد بهشتش نماید. آیه «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» منظور نور ایمان است.

سماعه بن مهران از حضرت صادق علیه السّلام در باره آیه «یُؤْتِکُمْ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ» نقل کرد، یعنی حسن و حسین علیه السّلام «وَ یَجْعَلْ لَکُمْ نُوراً تَمْشُونَ بِهِ» گفت، یعنی امامی که به او اقتداء کنید.(3)

143. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذینَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ ما هُمْ مِنْکُمْ وَ لا مِنْهُمْ وَ یَحْلِفُونَ عَلَی الْکَذِبِ وَ هُمْ یَعْلَمُون»(4)، {آیا ندیده ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خدایند به دوستی گرفته اند؟ آنها نه از شمایند و نه از ایشان، و به دروغ سوگند یاد می کنند و خودشان [هم] می دانند.} گفته است: این آیه در باره دومی نازل شد، زیرا موقعی که پیش مردی یهودی نشسته بود و مشغول نوشتن اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله بود پیامبر اکرم صلی الله علیه

1- . تفسیر قمی 2: 327 - 328
2- . مجمع البیان 5: 339
3- . مجمع البیان 2: 331 - 332
4- . مجادله / 14

و آله بر او گذشت، این آیات نازل شد: «أَ لَمْ تَرَ إِلَی الَّذِینَ تَوَلَّوْا قَوْماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ ما هُمْ مِنْکُمْ وَ لا مِنْهُمْ».

دومی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید، آن جناب به او فرمود: دیدم گفتار یهود را می نوشتی با اینکه خداوند چنین کاری را نهی نموده. گفت، آنچه در تورات راجع به شما نوشته بود را می نوشتم و شروع کرد به خواندن نوشته های خود، در حالی که پیامبر بر او خشمگین بود.

مردی از انصار به او گفت، وای بر تو، نمی بینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر تو خشمگین است.

دومی گفت، به خدا پناه می برم از خشم خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله. من اینها را چون راجع به شما بود نوشتم. پیامبر اکرم به او فرمود فلانی، اگر موسی بن عمران در میان آنها ایستاده باشد و تو با بی اعتنائی به آنچه من از نزد خدا آورده ام پیش او بروی نسبت به آنچه من آورده ام کافر خواهی بود.(1)

144. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «هُوَ الَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبین»(2) ، {اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. } گفته است: امیون کسانی هستند که میان آنها کتابی وجود ندارد.

معاویه بن عمار از حضرت صادق علیه السّلام در باره «هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ» نقل کرد که فرمود: سواد نوشتن داشتند ولی کتابی از جانب خداوند میان آنها نیامده بود و نه پیامبری میان آنها برانگیخته شده بود، به همین جهت آنها را امی می گفتند «فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» در تورات نوشته شده که اولیاء خدا آرزوی مرگ می کنند.(3)

1- . تفسیر قمی 2: 337

2- . جمعه / 2
3- . تفسیر قمی 2: 348

145. تفسیر قمی: حضرت صادق علیه السّلام در تفسیر آیه «فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذی أَنْزَلْنا وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ خَبیر»(1)، {پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فروفرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.} فرمود: یا ابا خالد، به خدا آن نور ائمه از آل محمد صلی الله علیه و آله هستند تا روز قیامت. به خدا قسم آنها نوری هستند که نازل نموده ... تا آخر خبر.(2)

آیه «قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَیْکُمْ ذِکْراً رَسُولاً» گفت، ذکر نام پیامبر صلی الله علیه و آله است و فرمود: ما اهل ذکریم «ذَلُولاً» یعنی رختخواب «فَامْشُوا فِی مَناکِبِها» در اطراف آن. (3)

146. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ»(4) { نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند} می نویسد: یعنی آنچه می نویسند. این قسم و جواب آن است «ما أَنْتَ بِنِعْمَهِ رَبِّکَ بِمَجْنُونٍ * وَ إِنَّ لَکَ لَأَجْراً غَیْرَ مَمْنُونٍ»(5) { [که] تو، به لطف پروردگارت، دیوانه نیستی. و بی گمان، تو را پاداشی بی منّت خواهد بود.}یعنی (به خاطر) آن پاداش بزرگی که به تو می دهد، منتی بر تو نخواهد گذاشت «وَ لَوْ تَقَوَّلَ عَلَیْنا بَعْضَ الْأَقاوِیلِ» اگر پیامبر بر ما از طرف خود چیزی بسازد و بگوید «لَأَخَذْنا مِنْهُ بِالْیَمِینِ» با تمام نیرو از او انتقام خواهیم گرفت «ثُمَّ لَقَطَعْنا مِنْهُ الْوَتِینَ» نسل او را قطع می کنیم. وتین رگی است که فرزند از او تولید می شود «فَما مِنْکُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حاجِزِینَ» هرگز کسی نمی تواند جلوی خدا را نسبت به پیامبرش بگیرد و از او دفاع کند.(6)

آیه «وَ قالُوا لا تَذَرُنَ آلِهَتَکُمْ وَ لا تَذَرُنَ وَدًّا وَ لا سُواعاً وَ لا یَغُوثَ وَ یَعُوقَ وَ نَسْراً»(7)، {و گفتند: زنهار، خدایان خود را رها مکنید، و نه «وَدّ» را واگذارید و نه

1- . تغابن / 8
2- . تفسیر قمی 2: 354
3- . تفسیر قمی 2: 364
4- . قلم / 1
5- . قلم / 3
6- . تفسیر قمی 2: 372

7- . نوح / 23

«سُواع» و نه «يَغُوث» و نه «يَعُوق» و نه «نَسْر» را. } گفت، گروهی قبل از حضرت نوح علیه السّلام بودند که از دنیا رفتند، مردم از مردن ایشان غمگین شدند. شیطان پیش آنها آمد و مجسمه های آنها را ساخت تا به آنها انس بگیرند؛ وقتی زمستان شد آن مجسمه ها را میان خانه هایشان بردند. آن قرن گذشت. در قرن بعد ابلیس پیش آنها آمد و گفت، اینها خدایانی بودند که آباء شما آنها را می پرستیدند. بت پرست شدند و گروه زیادی گمراه گردیدند. نوح آنها را نفرین کرد هلاک شدند «لا تَذَرُنَّ وَدًّا وَ لا سُواعاً» گفت، ود بتی بود متعلق به قبیله کلب و سواع مال هذیل بود و یغوث متعلق به مراد و یعوق مربوط به قبیله همدان و نسر مال حصین. (1)

آیه «قُلْ إِنِّی لَنْ یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ» کسی مرا از کیفر خدا پناه نمی دهد، اگر آنچه را که مامورم ابلاغ کنم، پنهان نمایم «وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً» یعنی جز او پناهگاهی ندارم «إِلَّا بَلاغاً مِنَ اللَّهِ» مگر اینکه آنچه را که راجع به ولایت علی بن ابی طالب علیه السّلام مأمورم، برسانم «وَ مَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ» هر که با خدا و پیامبر در مورد ولایت علی علیه السّلام مخالفت نماید «فَإِنَّ لَهُ نارَ جَهَنَّمَ خالِدِینَ فِیها أَبَداً». (2)

147. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «یا أَیُّهَا الْمُدَّثِّرُ»(3)، {ای کشیده ردایِ شب بر سر} گفته است: یعنی پیامبر که جامه به خود پیچیده بود. مدثر یعنی متدثر «قُمْ فَأَنْذِرْ» گفت، آن قیام پیامبر است در رجعت که می ترساند آیه «وَ ثِیابَکَ فَطَهِّرْ»(4) {و لباس خویشتن را پاک کن.} یعنی جامه ات را بالا بزن. گفته می شود شیعتنا یطهرون، یعنی جامه های خود را کوتاه می کنند «وَ الرُّجْزَ فَاهْجُرْ»(5)، {و از پلیدی دور شو.} از پلیدیها بپرهیز. و در روایت ابی الجارود است از حضرت باقر

1- . تفسیر قمی 2: 376 - 377
2- . تفسیر قمی 2: 379
3- . مدثر / 1
4- . مدثر / 4
5- . مدثر / 5

علیه السّلام در آیه «وَ لا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ»(1) {و منّت مگذار و فزونی مَطَلب. } فرمود: یعنی عطا را نبخش به امید اینکه بیشتر بگیری.(2)

مولف: این مطلب که فرمود: «شیعتنا یطهرون» شاید منظور این است که لباس کنایه از شیعه است که پیامبر صلی الله علیه و آله امر به پاک شدن آنها از گناهان و اخلاق بد می کند، چنانچه در مورد شیعیان در چند جا فرموده اند: انتم الشعار دون الدثار. شما لباس تن ما هستید نه لباس رو (یعنی چسبیده به ما هستید).

148. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «ذَرْنِی وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِيداً»(3)، {مرا با آنكه [او را] تنها آفریدم واگذار. } گفته است: این آیه در باره ولید بن مغیره که یکی از پیرمردان سیاستمدار عرب بود و از جمله مستهزئین و مسخره کنندگان پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت نازل شده است. آن جناب در کنار حجر الاسود می نشست و قرآن می خواند؛ قریش پیش ولید بن مغیره آمدند و گفتند یا ابا عبد الشمس، آنچه محمد می گوید چیست؟ شعر است یا کهانت و یا خطبه است؟ گفت اجازه بدهید تا من سخنان او را بشنوم.

نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفت و گفت، از اشعارت برایم بخوان. فرمود: اینها شعر نیست کلام خداست که آن را ملائکه و انبیاء و رسل خوش می دارند. گفت، برایم مقداری بخوان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوره حم السجده را خواند، همین که به آیه «فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صاعِقَةً مِثْلَ صاعِقَةِ عادٍ وَ ثَمُودَ»(4) {پس اگر روی برتافتند بگو: «شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود برحذر داشتم.» }. رسید، موی بر تن ولید راست شد و تمام مویهای سر و ریشش راست شد. به خانه خود برگشت و دیگر به میان قریش نرفت. قریش پیش ابا جهل رفتند و گفتند: ای ابو الحکم، ولید متمایل به دین محمد صلی الله علیه و آله شده، دیدی که پیش ما بر نگشت؟.

1- . مدثر / 6
2- . تفسیر قمی 2: 384
3- . مدثر / 11
4- . فصلت / 13

ابو جهل با عجله پیش ولید رفت و به او گفت، عمو ما را بی آبرو کردی و رسوا شدیم و دشمن ما را سرزنش می کند که به دین محمد گرائیدی. گفت من به دین او نپیوسته ام، ولی سخنانی بس دشوار شنیدم، موی بر تنم راست شد. ابو جهل پرسید، خطبه است؟ گفت نه، خطبه سخنی پیوسته است و این کلام پراکنده و غیر مشابه. گفت شعر است؟ گفت نه. من اشعار عرب را، کوتاه و بلند و وزن رمل و رجز آنها را شنیده ام، اینها شعر نیست. گفت پس چیست؟ گفت اجازه بده در این مورد بیاندیشم. فردا صبح گفتند یا ابا عبد الشمس، بالاخره نظرت در مورد سؤال ما چه شد؟ گفت بگویید سحر است زیرا بر دل می نشیند. خداوند این آیات را در مورد او فرستاد.

«ذَرْنِی وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِیداً» او را وحید می نامیدند چون به قریش گفته بود به من اجازه بدهید یک سال به تنهایی پرده داری کعبه را به عهده بگیرم و تمام شما یک سال دیگر را به عهده بگیرید. ثروت زیادی داشت و دارای باغهای زیادی بود و ده پسر و ده بنده داشت که هر کدام آنها هزار دینار برای تجارت در اختیار داشتند. به این مبلغ در آن زمان قنطار می گفتند. بعضی گفته اند قنطار یک پوست گاو پر از طلا است. آیه «ذَرْنِی وَ مَنْ خَلَقْتُ وَحِیداً» تا «صَعُوداً» گفته است، کوهی است که نام آن صعود است.

«إِنَّهُ فَکَّرَ وَ قَدَّرَ* فَقُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ * ثُمَّ قُتِلَ کَیْفَ قَدَّرَ»(1)، {آری، [آن دشمن حقّ] اندیشید و سنجید. کُشته بادا، چگونه [او] سنجید؟[آری،] کشته بادا، چگونه [او] سنجید.} یعنی اندیشید که چگونه این کلام تهیه شده و مرتب گردیده «ثُمَّ نَظَرَ * ثُمَّ عَبَسَ وَ بَسَرَ» { آنگاه نظر انداخت.سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید.} گفت، از روی تمسخر نگاهی کرده «ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَکْبَرَ فَقالَ إِنْ هذا إِلَّا سِحْرٌ یُؤْثَرُ»(2) تا

1- . مدثر / 18 - 20

2- . مدثر / 21 -22

«سَقَرَ» که محلی است در جهنم «فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَهٍ»(1)، { که از پیش شیری گریزان شده است. }یعنی از شیر درنده.(2)

و در روایت ابی الجارود از حضرت امام محمد باقر علیه السّلام نقل شده است که در تفسیر آیه «بَلْ یُرِیدُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ یُؤْتی صُحُفاً مُنَشَّرَهً»(3)، { بلکه هر مردی از آیشان خواهد که نامه هایی سرگشاده دریافت کند. } فرمود: جریان این بود که آنها گفتند، یا محمد! به ما رسیده که هر یک از بنی اسرائیل گناهی می کردند، فردا صبح گناه او و کفاره آن گناه بر سرش گذاشته می شد. جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شده گفت، قوم تو خواسته اند سنت بنی اسرائیل در مورد گناه میان ایشان نیز جاری شود، اگر بخواهند، همین کار را در مورد آنها نیز می کنیم و مانند بنی اسرائیل آنها را کیفر خواهیم کرد. چنین گمان کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله خوش نداشت این کیفر در باره قومش اجرا شود.(4)

149. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «إِنَّ عَلَیْنا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ»،(5) {در حقیقت گردآوردن و خواندن آن بر [عهده] ماست. } گفته است: بر آل محمد صلی الله علیه و آله است که قرآن را جمع کنند و آن را بخوانند «فَإِذا قَرَأْناهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ»(6) ، { پس چون آن را برخواندیم [همان گونه] خواندن آن را دنبال کن. } گفت، از آنچه می خواهند پیروی کنند «ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا بَیانَهُ»(7)، {سپس توضیح آن [نیز] بر عهده ماست!} تفسیر آن بر ما است.(8)

«وَ شَدَدْنا أَسْرَهُمْ»(9) { و پیوند مفاصل آنها را استوار کرده ایم }یعنی آفرینش آنها را شاعر گفته است:

ص: 602

1- . مدثر / 51
2- . تفسیر قمی 2: 384 - 386
3- . مدثر / 52
4- . تفسیر قمی 2: 387
5- . قیامت / 17
6- . قیامت / 18
7- . قیامت / 19
8- . تفسیر قمی 2: 388

9- . انسان / 28

و ضامره

شد المليک اسرها

اسفلها

و ظهرها و بطنها(1)

گفت ضامره اسب اوست و "شد المليک اسرها" يعنی آفرينش او را خدواوند محکم کرد، پايينش را و پشتش را و شکمش را. «تکاد مادتها» گفت گردنش را «تکون شطرها» يعنی نصف آن. (2)

مولف: اين قسمت (تکاد مادتها تکون شطرها) مصرع ديگر شعر است که اول آن را ذکر نکرده و در موقع تفسير ذکر می کند. در بعضی از نسخه ها اين مصراع در بين آن دو مصراع ذکر شده "ماده" به معنی گردن در لغت نيافتيم ظاهرا بايد هاديها باشد که هادی به معنی گردن است، در اين صورت وزن و معنی هر دو درست می شود.

150. تفسير قمی: علی بن ابراهيم در تفسير آيه «أَ لَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ ماءٍ مَهِينٍ»(3) {مگر شما را از آبی بی مقدار نيافريديم؟} گفته است: يعنی آب بدبو «فَجَعَلْناهُ فِی قَرارٍ مَكِينٍ»(4)، { پس آن را در جايگاهی استوار نهاديم} قرار مکين رحم است «أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً * أَحْياءً وَ أَمْواتاً»(5) ، { مگر زمين را محلّ اجتماع نگردانيديم؟ چه برای مردگان چه زندگان.} کفات به معنی مساکن است. گفت، امير المؤمنين عليه السّلام در بازگشت خود از صفين چشمش به قبرستانی افتاد. فرمود: اينجا کفات اموات است يعنی مساکن آنها است بعد چشم به منازل کوفه انداخته فرمود: هذه کفات الاحياء؛ اين هم مساکن زنده ها است. سپس اين آيه را قرائت نمود «أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً أَحْياءً وَ أَمْواتاً وَ جَعَلْنا فِيها رَواسِيَ شامِخاتٍ» کوههای مرتفع «وَ أَسْقَيْناكُمْ ماءً فُراتاً» يعنی آب گوارا، هر آب گوارايی را فرات گويند.(6)

151. تفسير قمی: علی بن ابراهيم در تفسير آيه «أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهاداً» گفت، انسان آن را آماده می کند و در آن ساکن می شود «وَ الْجِبالَ أَوْتاداً» کوهها

1- . فی المصدر: وضامره شد الملیک أسرها یکاد ماذنها اسفلها و ظهرها و بطنها

2- . تفسیر قمی 2: 391

3- . مرسلات / 20

4- . مرسلات / 21

5- . مرسلات / 25 - 26

6- . تفسیر قمی 2: 392

میخهای زمین است «وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِباساً» شب لباس روز است «وَ جَعَلْنا سِراجاً وَهَّاجاً» گفت، خورشید درخشان است «وَ أَنْزَلْنا مِنَ الْمُعْصِراتِ» یعنی از ابرها «ماءً ثَجَّاجاً» آبی که پیوسته بر روی هم بریزد «وَ جَنَّاتٍ أَلْفافاً» باغهایی که درختها در هم فرو روند.(1)

152. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ أَغْطَشَ لَيْلَها وَ أَخْرَجَ ضُحاها»(2) {و شَبَش را تیره و روزش را آشکار گردانید، } گفته است: یعنی شبش را تاریک کرد «وَ أَخْرَجَ ضُحاها» یعنی خورشید را درآورد « وَ الْأَرْضَ بَعْدَ ذلِکَ دَحاها »(3) ،{و پس از آن، زمین را با غلتانیدن گسترد} یعنی گسترش داد «وَ الْجِبالَ أَرْساها»(4) { و کوهها را لنگر آن گردانید، } یعنی آن را ثابت کرد. (5)

آیه «وَ عِنَباً وَ قَضْباً»(6) ،{و انگور و سبزی، } قضب یعنی قَتّ (خوراک حیوانات، علوفه خشک. به معنی دانه های نباتی است که مردم می خورند و شاید در اینجا منظور همان باشد).

«وَ حَدائِقَ غُلْباً»(7) { و باغهای انبوه }یعنی باغهای پهلوی هم و پیچیده و پر درخت «وَ فاكِهَةً وَ أَبًّا»(8) {و میوه و چراگاه، }گفت، اب، به معنی علوفه خشک برای بهائم است. ضحاک از ابن عباس نقل کرد که در مورد آیه «مَتاعاً لَكُمْ وَ لِأَنْعامِكُمْ»(9) {[تا وسیله] استفاده شما و دامهایتان باشد. } گفت، منظور این است که موجب استفاده شما و چهارپایانتان می باشد. (10)

1- . تفسیر قمی 2: 394
2- . نازعات / 29
3- . نازعات / 30
4- . نازعات / 32
5- . تفسیر قمی 2: 397
6- . عبس / 28
7- . عبس / 30
8- . عبس / 31
9- . عبس / 32
10- . تفسیر قمی 2: 399

153. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ»(1) ، { نه، نه ! سوگند به اختران گردان، } گفته است: «فَلا أُقْسِمُ» یعنی قسم می خورم «بِالْخُنَّسِ» اسم ستاره ها است «الْجَوارِ الْكُنَّسِ» ستارگان در روز پنهان می شوند و دیده نمی شوند «وَ اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ» گفت، شب وقتی تاریک شود «وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ» گفت، روز وقتی بلند شود. تمام اینها قسم است و جواب آن جمله « إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِی الْعَرْشِ مَكينٍ »(2)، { كه [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است نیرومند [كه] پیش خداوند عرش، بلندپایگاه است. }یعنی در نزد خدا دارای ارزش و استوار است «مُطاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ» این چیزی است كه فقط از امتیازات پیامبر ماست - صلی اللّه علیه و آله - كه به دیگری از پیامبران داده نشده.

ابو بصیر از حضرت صادق علیه السّلام در مورد آیه «ذِی قُوَّةٍ عِنْدَ ذِی الْعَرْشِ مَكِينٍ»، فرمود: یعنی جبرئیل. پرسیدم این قسمت «مُطاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ»، فرمود: پیامبر در نزد پروردگار خود مطاع است و امین روز قیامت است. گفتم «وَ ما صاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ»ریال فرمود: یعنی پیامبر در نصب امیر المؤمنین علیه السّلام به امامت دیوانه نیست. گفتم «وَ ما هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ»، فرمود: یعنی خداوند در اطلاع دادن پیامبر به ما از غیب بخیل نیست و مضایقه ندارد. گفتم «وَ ما هُوَ بِقَوْلِ شَيْطانٍ رَجِيمٍ» فرمود: یعنی كاهنانی كه در قریش بودند. سخن آنها به شیطانهایی نسبت داده شده كه به زبان آنها صحبت می كردند. گفت، سخن شیطان مطرود مثل آنها نیست.

گفتم، معنی این آیه «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ» فرمود: كجا می روید و از ولایت علی علیه السّلام به كجا فرار می كنید؟ «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعالَمِينَ» برای كسانی كه خدا از آنها به ولایت علی علیه السّلام پیمان گرفته است. گفتم «وَ ما تَشاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ» فرمود: زیرا مشیت مال خدا است نه مردم. (3)

154. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» می نویسد: یعنی در او كجی و اعوجاج نیست «فِی أَيِّ صُورَةٍ ما شاءَ رَكَّبَكَ» گفت، اگر بخواهد،

1- . تكویر / 15

2- . تكوير / 19-20
3- . تفسير قمى 2: 401 - 402

به غیر این صورت در می آورد «کَلَّا بَلْ تُکَذِّبُونَ بِالدِّینِ» رسول خدا و امیر المؤمنین علیهما السلام «وَ إِنَّ عَلَیْکُمْ لَحافِظِینَ» دو ملکی که بر انسان موکلند «کِراماً کاتِبِینَ» کارهای نیک و زشت انسان را می نویسند. (1)

آیه «فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ» یعنی قرمزی بعد از غروب آفتاب «وَ اللَّیْلِ وَ ما وَسَقَ» می فرماید: زمانی که هر یک از مخلوقات را به خواب ببرد «وَ الْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ» زمانی که اجتماع یابد «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ» می گوید: یعنی حالی بعد از حال. می گوید، به راهی که پیشینیان رفته اند می روید، و به اندازه یک وجب هم با آنها تفاوت نخواهید داشت. حتی پر تیری مانند پر تیر و گشادی دست به اندازه گشادی دست به طوری که اگر یکی از پیشینیان وارد سوراخ سوسماری شده باشد شما نیز داخل خواهید شد. گفتند یا رسول الله، منظورتان یهود و نصاری هستند ؟ فرمود: پس منظورم کیست؟ دست آویزهای اسلام را یکی پس از دیگری می شکنید. اولین چیزی که از دین خود در هم می شکنید امانت است (در نسخه دیگری امامت است) و آخر آن نماز است.

علی بن ابراهیم در مورد آیه «إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ یَحُورَ» گفت: چرا، به بعد از مرگ بر می گردد «فَلا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ» قسم است و جواب آن جمله «لَتَرْکَبُنَّ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ» یعنی مذهبی بعد از مذهب دیگر «وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِما یُوعُونَ» به آنچه در سینه های آنها است «لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمْنُونٍ» بر آنها منت نهاده نمی شود. (2)

155. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «وَ السَّماءِ ذاتِ الرَّجْعِ» گفت: یعنی قسم به آسمان باران زا «وَ الْأَرْضِ ذاتِ الصَّدْعِ» و زمین صاحب گیاه، این قسم است و جواب آن جمله «إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ» گفتاری قاطع است «وَ ما هُوَ بِالْهَزْلِ» یعنی مسخره نیست «إِنَّهُمْ یَکِیدُونَ کَیْداً» آنها حیله ها به کار می برند «وَ أَکِیدُ کَیْداً» و ما عذابی برای آنها آماده می کنیم «فَمَهِّلِ الْکافِرِینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً» یعنی مختصری آنها را مهلت بده. (3)

1- . تفسیر قمی 2: 403

2- . تفسیر قمی 2: 407 - 408

3- . تفسیر قمی 2: 411

بیان: قول «یعنی ما مذی» ضمیر راجع به آیات گذشته است.

156. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی»(1) {نام پروردگار والایِ خود را به پاکی بستای} گفته است: یعنی بگو سبحان ربی الاعلی «الَّذِی خَلَقَ فَسَوَّی *وَ الَّذِی قَدَّرَ فَهَدی»(2)، {همان که آفرید و هماهنگی بخشید. و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود.} گفته است: اشیاء را در اول تقدیر کرد، بعد هر که را خواست هدایت نمود «وَ الَّذِی أَخْرَجَ الْمَرْعی»(3) ، { و آنکه چمنزار را برآورد}کسی که گیاه را بیرون آورد «فَجَعَلَهُ بعد إخراجه غُثاءً أَحْوی»(4)، { و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید.}بعد آن را خشک و سیاه کرد.

آیه «سَنُقْرِئُکَ فَلا تَنْسی»(5) ، {ما به زودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی} یعنی به تو می آموزیم، فراموش نکن بعد استثناء می کند «إِلَّا ما شاءَ اللَّهُ»(6) ، { جز آنچه خدا خواهد}، فراموش نکن مگر آن مقداری را که خدا می خواهد، زیرا پیامبر از نسیان در امان نیست و آن کس که فراموش نمی کند خداست «وَ نُیَسِّرُکَ لِلْیُسْری* فَذَکِّرْ - یا محمد - إِنْ نَفَعَتِ الذِّکْری* سَیَذَّکَّرُ مَنْ یَخْشی»(7) ، {و برای تو آسانترین [راه] را فراهم می گردانیم. پس پند ده، اگر پند سود بخشد. آن کس که ترسد، به زودی عبرت گیرد.}، یعنی به واسطه تذکری که تو به او می دهی می ترسد. سپس می فرماید: «وَ یَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَی الَّذِی یَصْلَی النَّارَ الْکُبْری»، کسی که دچار آتش دوزخ می شود، از تذکرات تو فاصله می گیرد

1- . اعلی / 1
2- . اعلی / 2 - 3
3- . اعلی / 4
4- . اعلی / 5
5- . اعلی / 7
6- . اعلی / 5
7- . اعلی / 8 - 10

«ثُمَّ لا یَمُوتُ فِیها وَ لا یَحْیی»، یعنی در آتش نه می میرد و نه زنده است چنانچه در این آیه می فرماید: «وَ یَأْتِیهِ الْمَوْتُ مِنْ کُلِّ مَکانٍ وَ ما هُوَ بِمَیِّتٍ»(1)، { و مرگ از هر جانبی به سویش می آید ولی نمی میرد }. آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَکّی»(2)، { رستگار آن کس که خود را پاک گردانید } هر کس زکات فطره داد رستگار شد. وقتی زکات فطره را خارج کرد نماز عیدش قبول می شود «وَ ذَکَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّی»(3) {و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. }، فرمود: نماز فطر و نماز عید قربان. «إِنَّ هذا» یعنی آنچه که از قرآن برایت تلاوت کردم «لَفِی الصُّحُفِ الْأُولی* صُحُفِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی»(4)، { قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست، صحیفه های ابراهیم و موسی. }.

ابن عباس در قول خداوند متعال: «إِنَّهُ یَعْلَمُ الْجَهْرَ وَ ما یَخْفی»(5)، { او آشکار و آنچه را که نهان است می داند. } گوید: مراد از آن، چیزی است که تا روز قیامت در دل و ضمیر تو باشد «وَ نُیَسِّرُکَ» ای محمد، در تمام کارهایت «لِلْیُسْری»(6).

ابن عباس در مورد آیه «أَفَلا یَنْظُرُونَ إِلَی الْإِبِلِ کَیْفَ خُلِقَتْ»(7)، { آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ }گفت: منظور شتر تنها نیست، منظور چهارپایان است «وَ إِلَی الْجِبالِ کَیْفَ نُصِبَتْ»(8)، {و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده؟ }، خداوند می فرماید: جز من کسی قادر است مانند شتر را بیافریند و مانند آن بلند نماید و کوهها را برافرازد و زمین را مسطح نماید؟ و آیا کسی جز من می تواند چنین کارهایی را بکند؟ «فَذَکِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَکِّرٌ»(9)، {پس تذکّر ده که تو تنها تذکّردهنده ای. }

1- . ابراهیم / 17
2- . اعلی / 14
3- . اعلی / 15
4- . اعلی / 18 - 19
5- . اعلی / 7
6- . تفسیر قمی 2: 413 - 414
7- . غاشیه / 17
8- . غاشیه / 19
9- . غاشیه / 21

پند بده، تو واعظ و پند دهنده هستی «لَسْتَ عَلَیْهِمْ بِمُصَیْطِرٍ»(1)، {بر آنان تسلّطی نداری} تو نگهبان آنها و نویسنده اعمالشان نیستی.

و در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفرعلیه السلام است، «إِلَّا مَنْ تَوَلَّی وَ کَفَرَ»(2) ، {مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد}یعنی کسی که پند نگرفت و تو را تصدیق نکرد و منکر ربوبیت من شد و کافر به نعمتم گردید «فَیُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذابَ الْأَکْبَرَ»(3)، {که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند.} او را به عذاب شدید و دائمی کیفر می کند «إِنَّ إِلَیْنا إِیابَهُمْ»(4) ، {در حقیقت، بازگشت آنان به سوی ماست.} «ثُمَّ إِنَّ عَلَیْنا حِسابَهُمْ» و جزای آنها بر ما است.(5)

157. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «لا أُقْسِمُ بِهذَا الْبَلَدِ»(6)، {سوگند به این شهر}یعنی مکه «وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهذَا الْبَلَدِ»(7) ، {و حال آنکه تو در این شهر جای داری.}گفت: قریش حلال نمی دانستند که به کسی در مکه بود ستم کنند، اما ستم به تو(ی پیامبر) را حلال شمردند «وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ»(8) ، { سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد.} قسم به آدم و انبیاء و اوصیائی که از او متولد شدند «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسانَ فِی کَبَدٍ»(9) ، {براستی که انسان را در رنج آفریده ایم.} انسان را متعادل و درست آفریدیم و چیزی را مانند او نیافریدیم «یَقُولُ أَهْلَکْتُ مالاً لُبَداً»(10)، {گوید: «مال فراوانی تباه کردم.» } مال انبوهی را از بین بردم.

1- . غاشیه / 22
2- . غاشیه / 23
3- . غاشیه / 24
4- . غاشیه / 25
5- . تفسیر قمی 2: 416
6- . بلد / 1
7- . بلد / 2
8- . بلد / 3
9- . بلد / 4
10- . بلد / 6

و در روایت ابی الجارود در تفسیر آیه «أَهْلَكْتُ مالاً لُبَداً» از حضرت ابی جعفر نقل می کند که فرمود: آن شخص عمرو بن عبد ودّ بود که حضرت علی علیه السّلام در روز جنگ خندق به او اسلام را عرضه داشت ولی او گفت، پس آن همه اموالی را که در راه شما خرج کردم چه می شود؟! (او ثروت زیادی را در راه جلوگیری از گسترش دین خرج کرده بود) پس علی علیه السّلام او را کشت.

حسین بن ابی یعقوب از یکی از اصحاب از امام ابی جعفر علیه السّلام در مورد آیه «أَ يَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ»، (1){آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت؟}نقل کرد که منظور نعثل است که دختر پیامبر را کشت. «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مالاً لُبَداً» منظور پولی است که برای تجهیز سپاه در جنگ عسرت داد «أَ يَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ»(2)، {آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟}خیال می کند کسی از فساد ضمیر و دلش خبر ندارد «أَ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ» (3)، { آیا دو چشمش نداده ایم؟}یعنی رسول خدا، «وَ لِساناً» یعنی امیر المؤمنین، «وَ شَفَتَيْنِ» امام حسن و امام حسین علیهما السلام «وَ هَدَيْناهُ النَّجْدَيْنِ»(4)، {و هر دو راه [خیر و شرّ] را بدو نمودیم.} او را به ولایت آن دو هدایت کردیم «فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ وَ ما أَدْراكَ مَا الْعَقَبَةُ» و ما ادریک یعنی ما اعلمک. هر چه در قرآن به این لفظ (ما ادریک) هست، یعنی چه چیز تو را آگاه نموده «يَتِيماً ذا مَقْرَبَةٍ» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، او مقربه خویشاوندان ایشان است «أَوْ مِسْكِيناً ذا مَتْرَبَةٍ» یعنی امیر المؤمنین علیه السّلام که بی نیاز از علم است.(5)

مولف: نعثل لقب عثمان بن عفان بود جوهری می نویسد: نعثل اسم مردی بود که ریش بلندی داشت، وقتی عثمان را مورد سرزنش و عیبجویی قرار می دادند او را به خاطر ریش درازی که داشت تشبیه به همان مرد می کردند.(6)

1- . بلد / 5
2- . بلد / 7
3- . بلد / 8
4- . بلد / 10
5- . تفسیر قمی، 2: 420
6- . الصحاح: 1832

توضیحی که داد و "ما ادریک" را به معنی "ما اعلمک" گرفت شاید "ما" را مای تعجب گرفته و به احتمال بعید ممکن است منظورش این مطلب باشد که گفته اند، هر چه در قرآن به لفظ "ما ادریک" است یعنی آنچه خدا بیان نموده و آنچه به لفظ "ما یدریک" است، یعنی آنچه خدا بیان نکرده است. (1)

158. تفسیر قمی: حضرت باقر علیه السلام فرمود: جبرئیل بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت «اقراء» بخوان. گفت چه بخوانم؟ گفت «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ» یعنی نور قدیم تو را قبل از اشیاء آفرید «خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ»(2)، {انسان را از عَلَق آفرید.} یعنی تو را از نطفه آفرید و از تو علی را جدا کرد «اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»(3) ، { بخوان، و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است. همان کس که به وسیله قلم آموخت. }یعنی به علی بن ابی طالب علیه السّلام تعلیم نمود «عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ یَعْلَمْ»(4)، {آنچه را که انسان نمی دانست [به تدریج به او] آموخت. }یعنی علی را که قبلا نمی دانست، برای تو نوشتن آموخت. علی بن ابراهیم در مورد آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ» (5)، {بخوان به نام پروردگارت که آفرید. }گفت بخوان بسم الله الرحمن الرحیم را الذی «خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ»(6)، {انسان را از عَلَق آفرید. }گفت، از خون «اقْرَأْ وَ رَبُّکَ الْأَکْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ»، (7) { بخوان، و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است. همان کس که به وسیله قلم آموخت. } گفت به انسان نوشتن را آموخت که به وسیله آن امور دنیا در شرق و غرب تکمیل می شود سپس فرمود: «کَلَّا إِنَّ الْإِنْسانَ لَیَطْغی أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی»(8)، {حقّاً که انسان سرکشی می کند، همین که خود را بی نیاز پندارد. }می فرماید انسان وقتی بی نیاز شد کفر می ورزد و

1- . الصحاح: 90
2- . علق / 2
3- .علق / 3-4
4- . علق / 5
5- . علق / 1
6- . علق / 2
7- . علق / 3-4
8- . علق / 6-7

طغیان می کند «إِنَّ إِلی رَبِّکَ الرُّجْعی»، (1) {در حقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست. } آیه «أَ رَأَیْتَ الَّذِی یَنْهی عَبْداً إِذا صَلَّی»، (2) {آیا دیدی آن کس را که باز می داشت، بنده ای را آنگاه که نماز می گزارد؟ } گفته است آن شخص ولید بن مغیره بود که مردم را از نماز خواندن باز می داشت که اطاعت خدا و پیامبر را ننمایند. آیه «لَنَسْفَعاً بِالنَّاصِیَهِ»، (3) {موی پیشانی [او] را سخت بگیریم} یعنی سر او را می گیریم و در آتش می اندازیم.

آیه «فَلْیَدْعُ نادِیَهُ»، (4) {[بگو] تا گروه خود را بخواند. }گفت، وقتی ابو طالب علیه السّلام از دنیا رفت، ابو جهل و ولید ملعون فریاد زدند، بیایید محمد صلی الله علیه و آله را بکشیم، دوست و یاورش از دنیا رفت. خداوند می فرماید: فریاد بزنند و هر کس را مایل است بخواند، چنانچه مردم را دعوت به کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله نمود ما نیز زبانیه جهنم را آماده می کنیم، سپس می فرماید «کَلَّا لا تُطِعْهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» (5) { زنهار! فرمانش مَبَر، و سجده کن، و خود را [به خدا] نزدیک گردان. } هر چه دعوت کرد از او اطاعت نکردند چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را مطعم بن عدی بن نوفل بن مناف پناه داده بود و کسی جرات جسارت به ایشان را نداشت. (6)

مولف: اینکه «لا تُطِعْهُ» را به معنی اطاعت نکردند معنی نموده، شاید منظور این باشد که گفتیم کلاً از آنها اطاعت نکنید و آنها را از پیروی باز داشتیم.

159. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «لَمْ یَکُنِ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکینَ مُنْفَکِّینَ حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ »، (7) { کافران اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید. } گفته است: یعنی قریش در کفر

1- . علق / 8
2- . علق / 9-10
3- . علق / 15
4- . علق / 17
5- . علق / 19

6- . تفسیر قمی 2: 430 - 431
7- . بینه / 1

خود از کفار اهل کتاب جدا نیستند «حَتَّی تَأْتِیَهُمُ الْبَیِّنَهُ» در روایت ابی الجارود از حضرت ابی جعفر علیه السّلام است که بینه محمد صلی الله علیه و آله است.

علی بن ابراهیم گفت، «وَ ما تَفَرَّقَ الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ إِلاَّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَیِّنَهُ» (1) {و اهل کتاب دستخوشِ پراکندگی نشدند، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد. } وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد با او به مخالفت برخاستند و پس از او متفرق شدند.

«حُنَفاءَ» یعنی پاکان «وَ ذلِکَ دِینُ الْقَیِّمَهِ» یعنی دینی پایدار. «إِنَّ الَّذینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ الْمُشْرِکینَ فی نارِ جَهَنَّمَ خالِدینَ فیها أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ»، (2) { کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می مانند؛ ایناننند که بدترین آفریدگانند. } خداوند قرآن را بر آنها نازل کرد مرتد شدند و کفر ورزیدند و با علی امیر المؤمنین علیه السلام به مخالفت برخاستند «أُولئِکَ هُمْ شَرُّ الْبَرِیَّهِ إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ»، (3) { ایناننند که بدترین آفریدگانند. در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، آنانند که بهترین آفریدگانند. } در باره آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده. (4)

160. تفسیر قمی: علی بن ابراهیم در تفسیر آیه «أَ رَأَیْتَ الَّذِی یُکَذِّبُ بِالدِّینِ»، (5) {آیا کسی را که [روزِ] جزا را دروغ می خواند، دیدی؟ } گفته است: در باره ابو جهل و کفار قریش نازل شده است «فَذلِکَ الَّذِی یَدُعُّ الْیَتِیمَ» (6) ، {این همان کس است که یتیم را به سختی می راند، } یعنی مانع حقش می شود «وَ لا یَحُضُّ عَلی طَعامِ

ص: 613

1- . بینه / 4
2- . بینه / 6
3- . بینه / 6-7
4- . تفسیر قمی 2: 433
5- . الماعون / 1
6- . الماعون / 2

الْمِسْكِينِ» ،(1) {و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند.} علاقه ای به اطعام درویشان و تهیدستان ندارد.(2)

161. تفسیر قمی: ابو شاکر دیصانی از ابو جعفر احول راجع به این آیات پرسید: «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ. لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ. وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ. وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ. وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ» ،(3) { بگو: ای کافران، آنچه می پرستید، نمی پرستم. و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. و نه آنچه پرستیدید من می پرستم. و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید.} گفت: آیا حکیم این طور صحبت می کند و این همه مکررات را پشت سر هم می آورد؟

ابو جعفر احول نتوانست جواب او را بدهد. وارد مدینه شد و اشکال را از حضرت صادق علیه السلام پرسید.

امام فرمود: سبب نزول این آیات و تکرار آن این بود که قریش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیشنهاد کردند، تو یک سال خدای ما را بپرست و ما یک سال خدای تو را می پرستیم، باز یک سال تو خدای ما را بپرست و یک سال هم ما خدای تو را بپرستیم. خداوند شبیه گفتار خود آنها، به آنها جواب داد. در مقابل اینکه گفتند یک سال خدای ما را بپرست فرمود: «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ. لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ» { بگو: ای کافران، آنچه می پرستید، نمی پرستم} و در جواب اینکه یک سال خدای تو را می پرستیم فرمود: «وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ» { و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید.} باز در جواب سخن آنها که یک سال تو خدایان ما را بپرست فرمود: «وَ لا أَنا عابِدٌ ما عَبَدْتُّمْ» و در مقابل این سخن که ما خدای تو را یک سال می پرستیم فرمود: «وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ. لَکُمْ دِینُکُمْ وَ لِیَ دِینِ» {و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید. دین شما برای خودتان، و دینِ من برای خودم.}.

1- . الماعون / 3
2- . تفسیر قمی 2: 446
3- . کافرون / 1تا آخر

ابو جعفر احول پیش ابو شاکر دیصانی برگشت و جواب را گفت. ابو شاکر گفت این پاسخ به وسیله شتر از حجاز رسیده است.(1)

مولف: بسیاری از تفاسیر این آیات در بخشهای آینده کتاب خواهد آمد، ان شاء الله.

ص: 615

1- . تفسیر قمی 2: 448

بابهای احتجاجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

باب اول : احتجاجی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مشرکان و کفار و سایر مدعیان باطل کرده است

1. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه «وَ قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلَّا مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصاری تِلْکَ أَمانِیُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ. بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ» (1)، {و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد.» این آرزوهای [واهیِ] ایشان است. بگو: «اگر راست می گویید، دلیل خود را بیاورید.» آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد.} فرمود: امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: «وَ قالُوا» یعنی یهود و نصاری.

یهودیان گفتند، داخل بهشت نمی شود مگر کسی که یهودی باشد «أَوْ نَصاری» و مسیحیان گفتند هرگز داخل بهشت نخواهد شد مگر کسی که مسیحی باشد. امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: دیگران چیز دیگری گفتند، دهری ها گفتند اشیاء ابتدا ندارند و از قدیم بوده اند، هر که خلاف این اعتقاد را داشته باشد اشتباه کرده و گمراه است. مشرکان عرب گفتند: بتهای ما خدایند، مخالف عقیده ما گمراه است. خداوند

1- . بقره / 112

می فرماید «تِلْکَ أَمانِیُّهُمْ» این آرزویی است که آنها دارند، به آنها بگو دلیلی بر اعتقاد خود بیاورند(1) اگر راست می گویند.

خدمت امام صادق علیه السّلام سخن از این شد که پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام از بحث و مناظره دینی نهی کرده اند. ایشان فرمود: به طور کلی نهی نکرده اند آنچه مورد نهی قرار گرفته، جدال و بحث و مناظره ایست که از طریق احسن نباشد. به این آیه توجه نمی کنید که می فرماید: «وَ لا تُجادِلُوا أَهْلَ الْکِتابِ إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ»(2) با اهل کتاب جدال نکنید مگر از طریق احسن. و این آیه دیگر «ادْعُ إِلی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ»،(3) {با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. }.(4)

پس دانشمندان جدال به طریق احسن را جزء دین قرار داده اند، ولی جدال غیر از این راه حرام است و خداوند آن را بر شیعیان ما حرام نموده، چگونه خداوند مطلق بحث و مناظره را حرام می کند با اینکه می فرماید «وَ قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلَّا مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصاری تِلْکَ أَمانِیُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ»،(5) {و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد.» این آرزوهای [واهیِ] ایشان است. بگو: «اگر راست می گویید، دلیل خود را بیاورید.» }.

خداوند در این آیه دلیل و برهان را نشانه صحت و درستی ادعا قرار داده، مگر می توان جز در بحث و مناظره از راه احسن دلیل آورد.

کسی گفت یا ابن رسول الله، جدال از راه صحیح و غیر صحیح کدام است؟

فرمود: اما جدالی صحیح نیست که با یاوه سرایی به بحث بپردازی و او دلیلی باطل اقامه نماید ولی تو با دلیلی که خداوند به حق در مقابل او قرار داده، باطلش را رد نکنی و فقط حرف او را انکار کنی یا منکر یک واقعیت و ادعای صحیحی بشوی

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 526
2- . عنکبوت / 46

3- . نحل / 125
4- . نحل / 125
5- . بقره / 111

که او برای اثبات ادعای باطل خود کمک گرفته، از ترس اینکه مبادا این واقعیت تو را در ادعایت مغلوب نماید، چون نمی دانی چگونه از چنگ او رهایی یابی. این چنین مناظره ای که موجب تشویش خاطر ضعفای برادران خود شود و یاوه سرایان فرصت یابند، بر شیعیان ما حرام است زیرا یاوه سرایان و مدعیان باطل ضعف او را دلیل بر صحت مدعای باطل خود می گیرند و ضعیفان از برادرانتان در چنین گیر و داری دلگیر می شوند، چون می بینند اعتقاد صحیح آنها در چنگ یک یاوه سرا تضعیف گردید.

اما مناظره احسن همان مناظره ای است که خداوند پیامبرش را مامور می کند تا با کسانی که منکر قیامت و حشر و نشرند بنماید. خداوند از قول آنها نقل می کند: «وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلاً وَ نَسِیَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ»، (1) { و برای ما مَثَلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: «چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می بخشد؟» } برای ما مثلی زد ولی آفرینش خود را فراموش کرده بود. گفت چه کسی این استخوان پوسیده را زنده می کند؟ خداوند در رد او می فرماید: بگو یا محمد «یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ. الَّذِی جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ ناراً فَإِذا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ» ، (2) {بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست.» همو که برایتان در درخت سبزفام اخگر نهاد که از آن [چون نیازتان افتد] آتش می افروزید. }خداوند از پیامبرش می خواهد که با یاوه سرا به مناظره پردازد، آن کسی که می گوید چگونه ممکن است این استخوان ها زنده شوند با اینکه پوسیده است؟ خداوند می فرماید، بگو، آیا آن کسی که ابتدا آنها را از هیچ آفریده، عاجز است که دو مرتبه استخوان پوسیده را زنده کند؟ به نظر شما، آفرینش اول که از هیچ بود از اعاده آن سخت تر است؟ سپس می فرماید «الَّذِی جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ ناراً» یعنی کسی که آتش گرم را در دل درخت سبز و تازه پنهان کند و بعد (از آن) خارج نماید، بر اعاده چیزی که کهنه است قادرتر است. سپس می فرماید «أَ وَ لَیْسَ الَّذِی

1- . یس / 78
2- . یس / 79-80

خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِقادِرٍ عَلى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلى وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» {آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند؟ آری، اوست آفریننده دانا. }یعنی وقتی آفرینش آسمانها و زمین در نظر شما مشکلتر و بعیدتر از خلق دوباره پوسیده ها باشد، چگونه آفرینش آنچه را به نظر مشکلتر است می پذیرند ولی آنچه ساده تر است که خلق دوباره موجودات پوسیده و کهنه باشد را نمی پذیرند.

امام صادق علیه السّلام فرمود این است جدال احسن، زیرا بهانه کفار را قطع و شبهه آنها را بر طرف می نماید. اما جدال غیر احسن به این است که حقی را انکار نمایی چون نمی توانی بین آن و باطلی را که ادعا می کند این جدال حرام است تمیز دهی؛ پس تو نیز مانند او هستی، او یک واقعیت را انکار نموده و تو واقعیت دیگری را.

حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود: روزی مردی در حضور حضرت صادق علیه السّلام عرض کرد، آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مناظره هم کرده اند؟ آن جناب فرمود: هر گمانی در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می بری، گمان مخالفت با دستور خدا را مبر، مگر نخوانده ای که خداوند در این آیه می فرماید: «وَ جادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ». با آنها به بهترین روش مناظره کن و در این آیه می فرماید: «قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّةٍ» {بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد }.

در جواب کسی که مثالی برای پیامبر زده بود و می گفت این استخوان پوسیده چگونه زنده می شود. تو خیال می کنی پیامبر اکرم بر خلاف دستور خدا جوابی که او به او فرموده است نگفته؟(1)

پدرم حضرت باقر از جدم زین العابدین علیه السّلام و ایشان از سید الشهداء و آن جناب از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل کرد که روزی معتقدین پنج مذهب و مسلک، یهودیان و مسیحیان و طبیعی مذهبان و مانویان و مشرکین عرب خدمت پیامبر اکرم اجتماع کردند.

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 527 - 530

یهودیان گفتند، ما معتقدیم که عزیر پسر خدا است، آمده ایم در این مورد با شما مناظره کنیم. اگر در این اعتقاد تابع ما شوی، به واسطه سبقت زمانی که داریم بر تو مقدم هستیم و اگر مخالفت نمایی، با تو به بحث و مناظره می پردازیم.

مسیحیان مدعی شدند که عیسی مسیح پسر خدا است و با او متحد است، و گفتند ما آمده ایم ببینیم شما در این مورد چه عقیده داری، اگر قبول کنی تابع ما خواهی بود و در صورت مخالفت با تو مناظره می کنیم. ثنویها (پیروان مانی) گفتند، نور و ظلمت تدبیر جهان را می کنند؛ اگر این را قبول نمایی تابع مایی و در صورت مخالفت با هم بحث می کنیم.

طبیعی مذهبان گفتند، اشیاء ازلی بوده اند و تا ابد خواهند بود. کسی آنها را به وجود نیاورده. ما برای مناظره با شما آمده ایم، در صورتی که عقیده ما را قبول کنی سبقت ما موجب فضیلت ما می شود و در صورت مخالفت، با هم مناظره خواهیم کرد.

مشرکین عرب گفتند، ما بتها را خدای خود می دانیم، آمده ایم با شما مناظره کنیم، اگر تابع ما شوی ما مقدم هستیم و اگر مخالفت کنی به بحث می پردازیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من به خدای یکتایی ایمان دارم که او را شریکی نیست و به بتها و هر معبودی جز او کافرم، خداوند مرا برای مژده و تهدید تمام جهانیان فرستاده و برای همه حجت قرار داده است؛ به زودی اعتقاد هر یک از شما را رد می کنم و اعتقادات پوشالی را به گردنش می آویزم. در این موقع رو به جانب یهودیان نموده فرمود: می خواهید بدون دلیل عقیده شما را بپذیرم؟ گفتند نه. فرمود: پس به چه دلیل عزیر را پسر خدا می دانید.

گفتند، چون او تورات را برای بنی اسرائیل بعد از کهنه شدن زنده کرد. این کار را فقط به خاطر آن توانست انجام دهد که پسر خدا است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: چه شد که عزیر پسر خدا گردید و موسی که تورات را آورد، با آن معجزاتی که داشت، پسر خدا نشد؟ اگر عزیر به خاطر زنده کردن تورات پسر خدا باشد، موسی به این مقام شایسته تر است. و در صورتی که ارج نهادن خدا به عزیر به واسطه این کار موجب فرزندی شود، موقعیت

و مقام موسی که از او بالاتر است، پس باید مقامی بالاتر از فرزندی برای او به وجود آورد.

اگر منظور شما از فرزندی همان گونه باشد که در فرزندان خود مشاهده می کنید به این صورت که در اثر با نزدیکی پدر و مادر، فرزندی از طریق زایمان از مادر متولد می شود، این عقیده کفر است و خدا را تشبیه به مخلوق نموده اید و صفات موجودات را به او داده اید، در این صورت باید او خود نیز آفریده شده باشد و او را خالق و صانعی باشد.

گفتند منظورمان این نیست زیرا چنین عقیده ای همان طور که تذکر دادی کفر است ولی ما معتقدیم پسر خدا است به این معنی که دارای چنین مقام و موقعیتی است، گرچه ولادتی در بین نباشد؛ همانطور که دانشمندان ما وقتی می خواهند کسی را بر دیگری امتیاز بخشند و او را احترام نمایند می گویند پسر من است بدون اینکه ولادتی در کار باشد و با هم نسبت و خویشاوندی ندارند، خداوند عزیر را به واسطه مقامش به فرزندی خود گرفت نه اینکه از او متولد شده باشد.

پیامبر اکرم فرمود: در این صورت چنانچه قبلا توضیح دادم، موسی به این مقام از او شایسته تر است. این اعتراف بیشتر موجب رسوایی و شکست شماست، علاوه بر اینکه استدلال شما موجب می شود مقامی بالاتر از فرزندی را نیز برای او بپذیرید زیرا گفتید بزرگان شما یک نفر اجنبی را که با آنها خویشاوندی ندارند، از روی احترام می گویند فرزند من است. آنها به اجنبی دیگری هم می گویند این برادر من است و یا بزرگتر و پدر من است و یا آقا و سرور من است. تمام این انتسابها از جهت احترام و عظمت است و هر چه بخواهند به کسی بیشتر احترام بگذارند، به او مقامی بالاتری می دهند.

در این صورت باید موسی برادر یا بزرگتر یا پدر و سرور خدا باشد زیرا او را از عزیر بیشتر احترام می کنند و به این مقام مفتخرش می نمایند و می گویند سرورم یا آقای من، عمو جان یا فرمانروای من. شما تجویز می کنید موسی برادر یا بزرگتر یا عمو و رئیس یا سید و آقا و امیر خدا باشد؟.

ص: 621

یهودیان در جواب فروماندند و گفتند ما را مهلت ده تا در این مورد اندیشه کنیم و جوابی آماده کنیم. فرمود: شما مهلت دارید مشروط بر اینکه انصاف را از دست ندهید تا خدا هدایتتان نماید.

سپس روی به مسیحیان آورد و فرمود: شما معتقدید که خدای قدیم با عیسی مسیح متحد گشته که پسر او شده است؟ منظورتان از این عقیده چیست؟ می گویید ذات قدیم و ازلی خدا به واسطه اتحاد با عیسی که خودش مخلوق است مخلوق شده، یا عیسی که خود آفریده ای است و سابقه عدمی داشته، به واسطه اتصال به خدا قدیم و ازلی شده است؟ یا منظورتان از این اتحاد این است که خداوند او را مزیت و مرتبه ای داده که به هیچ کس این مقام را نداده.

اگر می گویید خدای قدیم مخلوق است که این ادعای باطلی است زیرا ذات قدیم و ازلی محال است که دگرگون شود و آفریده گردد. اگر بگویید عیسی قدیم و ازلی شده است که این هم محال است زیرا مخلوق نیز محال است قدیم و ازلی شود. اگر بگویید منظورتان از اتحاد این است که او را مزیتی بخشیده و از بین مردم ممتازش نموده، شما خود معترف شدید که عیسی آفریده شده است و این مقام و موقعیت نیز قبلاً نبوده و بعد پیدا شده است، زیرا وقتی عیسی آفریده شده باشد و مقامی که به او داده است نیز بعد به وجود آمده باشد، هر دو محدث و مخلوقند و این مخالف ادعایی است که اول کردید.

مسیحیان گفتند، وقتی خداوند به دست عیسی آن معجزات را آشکار نموده، از جهت مقام و موقعیت او را فرزند خود خواند.

پیامبر اکرم فرمود: شنیدید که در جواب یهود چه گفتم؟ بعد همان فرمایش خود را تکرار کرد. همه سکوت کردند مگر یک نفر که گفت، مگر شما معتقد نیستید که ابراهیم خلیل الله است، آن جناب فرمود: آری. گفت، پس چه اشکالی دارد که ما بگوییم عیسی پسر خدا است.

پیامبر اکرم فرمود: این دو مثل هم نیستند، زیرا وقتی می گوییم ابراهیم خلیل الله است؛ یا لفظ خلیل از خله به معنی احتیاج و فقر گرفته شده، در این صورت می گوییم او محتاج و فقیر در خانه خدا است و از دیگران بی نیاز است. این معنی

آشکار است، زیرا همان موقعی که خواستند او را در آتش اندازند و در منجنیق قرار دادند، خداوند به جبرئیل دستور داد که بنده ام ابراهیم را دریاب. او در وسط آسمان با ابراهیم ملاقات کرده، گفت، هر دستوری داری بگو که مرا برای یاری تو فرستاده اند. در جواب جبرئیل گفت، خدا کافی است و خوب نگهبانی است، من پناه به دیگری نمی برم و فقط به او عرض حاجت می کنم. پس خداوند او را خلیل خود نامید زیرا از دیگران بی نیاز و محتاج و فقیر درب خانه اوست. اگر خلیل را از خله بگیریم که معنیش این است که بر اموری از اسرار اطلاع دارد که دیگری مطلع نیست این مقام موجب تشبیه خدا به خلق نمی شود. چنانچه می بینید که در هر یک از این دو معنی، وقتی ابراهیم محتاج به او نباشد خلیلش نیست یا وقتی عالم به اسرارش نباشد باز خلیل او نخواهد بود. ولی کسی که فرزند شخصی باشد و از او به وجود آمده باشد، گرچه به او اهانت نماید و او را از خودش دور کند، باز هم فرزند اوست زیرا مقام فرزندی ثابت است. از این گذشته، در صورتی که شما خلیل بودن را با فرزند بودن مقایسه کنید و بگویید عیسی پسر خدا است، لازم است همین مقام را به موسی نیز بدهید زیرا معجزات موسی کمتر از عیسی نبوده، با وجود این معنی می توان گفت، سرور و عمو و فرمانروا و امیر خدا نیز هستند چنانچه به یهودیان گفتم.

در این موقع یکی از مسیحیان به دیگری گفت، در کتابهای آسمانی آمده که عیسی گفت، پیش پدرم می روم. فرمود: اگر شما به آن کتاب معتقد هستید، در آنجا گفته است، پیش پدر شما و خودم می روم، پس باید به همان دلیل که عیسی پسر خدا است، تمام کسانی که مخاطب عیسی در این سخن بوده اند پسر خدا باشند. علاوه بر این، اگر دلیل شما نوشته آن کتاب باشد، دیگر استدلال قبل را که گفتید به واسطه امتیاز و مقام بود که خدا این سمت را به او داده، باطل می شود، زیرا گفتید این فرزندی از جهت احترام و موقعیت عیسی بوده و خودتان می دانید که موقعیت عیسی را آنهایی که عیسی به ایشان گفت پیش پدر خود و شما می روم نداشتند. پس مقام فرزندی اختصاص به عیسی پیدا نمی کند با اینکه شما گفتار عیسی را بر خلاف منظورش تفسیر کردید. شاید منظور او این بوده که پیش آدم که پدر من و شما است می روم یا پیش نوح پیامبر و منظور عیسی غیر از این هم نبوده است. مسیحیان

ساکت شدند و گفتند تاکنون با این استدلال و مناظره ای روبرو نشده بودیم، اجازه بده بیشتر در این باره فکر کنیم.

در این موقع پیامبر اکرم رو به طبیعی مذهبان نموده و فرمود: شما را چه واداشته است که معتقد شدید موجودات ازلی هستند و پیوسته خواهند بود؟ گفتند، ما هر چه را ببینیم قبول داریم، ما برای اشیاء آفریننده ای نمی بینیم و به همین جهت می گوییم از ازل بوده اند و چون پایان و فنایی برای آنها مشاهده نمی کنیم، معتقدیم که همیشه خواهند بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما قدیم بودن اشیاء و بودن آنها را از ازل دیده اید؟

اگر بگویید آن را مشاهده کرده اید، ثابت کرده اید که خود شما نیز از قدیم به همین صورت و با همین عقل و درک بوده اید و همیشه نیز خواهید بود. در صورتی که چنین ادعایی کنید، ادعایی بر خلاف واقعیت کرده اید و تمام جهان شما را تکذیب می کنند.

گفتند، ما قدیم بودن اشیاء و باقی ماندن آنها را تا ابد مشاهده نکرده ایم. فرمود، پس چرا حکم به قدیم بودن و بقای ابدی می کنید در صورتی که شما شاهد حدوث و به وجود آمدن و فانی شدن آنها نبوده اید، و از کجا ادعای شما می تواند بهتر از ادعای کسانی باشد که مثل شما شاهد حدوث و فنای اشیاء نبوده اند و مدعی هستند که موجودات آفریده شده اند و فانی خواهند شد، به دلیل اینکه شاهد قدیم بودن و باقی بودن آنها نبوده اند. و فرمود: مگر شما نمی بینید که شب و روز یکی پس از دیگری می آید؟ گفتند چرا.

پرسید، شما عقیده دارید که پیوسته همین طور بوده و خواهد بود؟ گفتند آری. فرمود: شما جایز می دانید که شب و روز با هم جمع شوند؟ گفتند نه. فرمود: در این صورت یکی از آن دو از دیگری جدا شده و جلوتر بوده و دومی پس از او آمده؟ گفتند همین طور است.

فرمود: پس شما اعتراف کردید که یکی از شب و روز که جلوتر بوده است پدیدار گشته و قبلا نبوده، با اینکه پیدایش آنها را مشاهده نکرده اید؛ پس چرا قدرت پروردگار را در آفرینش موجودات انکار می کنید؟.

آنگاه فرمود: این پرسش مرا پاسخ دهید: آیا شب و روز گذشته را ابتدا و انتهایی است یا متناهی نیستند؟ اگر مدعی شوید متناهی نیستند باید قبول کنید که یک غیر متناهی به شما رسیده و منتهی به زمان شما گردیده با اینکه اول ندارد، و اگر قبول کنید متناهی است پس اعتراف کرده اید خدا بوده است و شب و روز هیچ کدام وجود نداشته اند. گفتند همین طور است. فرمود: شما که مدعی بودید عالم قدیم است و پدیدار نگشته، با اینکه به معنی حادث بودن عالم که اقرار کردید توجه داشتید و معنی قدیم را نیز متوجه هستید.

فرمود: این اشیاء و موجودات که می بینیم به یکدیگر احتیاج دارند زیرا نمی توانند قوام و وجود داشته باشند مگر با اتصال به اشیاء دیگر، چنانچه در ساختمان مشاهده می کنید که قسمتی از آن به قسمت دیگر متصل است اگر این اتصال و پیوستگی نباشد ساختمان استحکام نخواهد داشت و درست نمی شود بقیه اشیاء نیز شبیه همین ساختمان است. وقتی این اشیایی که به یکدیگر نیازمند هستند تا بتوانند کامل و درست باشند قدیم باشد، شما توضیح دهید، اگر اینها مخلوق و آفریده باشند، باید به چه صورت درآیند که غیر این صورت فعلی باشد و چه مختصاتی غیر از این وضع فعلی خواهند داشت.

طبیعی مذهبان سکوت کرده و متوجه شدند نمی توانند صفتی برای مخلوق و آفریده شده بیابند جز همین صفاتی که اکنون در موجوداتی که به عقیده آنها قدیم است وجود دارد، پس مغلوب شدند و تقاضای اندیشه و تفکر بیشتر کردند.

پیامبر اکرم متوجه ثنویان (پیروان مانی) که معتقدند آفرینش جهان از نور و ظلمت است شده فرمود: شما را چه چیز به این اعتقاد واداشته است؟ گفتند، چون ما می بینیم جهان از دو قسمت خیر و شر تشکیل شده و این دو با یکدیگر ضدند، نمی توانیم بپذیریم که یک آفریننده چیزی را بیافریند و ضد آن را نیز به وجود آورد و می گوییم، هر کدام از این دو، یک فاعل دارند. مگر نمی بینی که محال است یخ

گرم باشد و محال است که آتش سرد باشد؟ برای این دو موجود، به دو صانع قدیم که ظلمت و نور است معتقد شده ایم.

پیامبر اکرم فرمود: شما مگر سیاهی و سفیدی و قرمزی و زردی و رنگ سبز و آبی را نمی بینید؟ هر کدام از این رنگها با دیگری ضد است چون نمی تواند دو رنگ در یک محل جمع شود، مانند سرما و گرما که نمی تواند در یک جا جمع شود. گفتند صحیح است. فرمود: پس چرا برای هر رنگی صانعی قدیم قائل نشده اید تا فاعل هر کدام از این رنگها غیر از فاعل دیگری باشد.

ثنویان ساکت ماندند.

آنگاه پیامبر اکرم فرمود: چگونه این نور و ظلمت با یکدیگر درآمیختند، با اینکه یکی طبیعتش صعود است و دیگری نزول. اگر دو نفر در حال حرکت باشند، یکی به جانب شرق و دیگری در جهت غرب، تا وقتی به سیر و حرکت خود در دو جهت مختلف ادامه دهند، ممکن است با یکدیگر ملاقات کنند؟ گفتند نه.

فرمود: پس نمی تواند نور و ظلمت با هم درآمیزد، چون هر کدام جهت مخالفی با دیگری دارد. پس چگونه این جهان از امتزاج دو چیزی که محال است با هم اختلاط و امتزاج یابند پدیدار گشته، چنین نیست. این دو (نور و ظلمت) نیز مخلوق و آفریده شده هستند. گفتند در این باره اندیشه خواهیم کرد.

در این موقع پیامبر اکرم رو به جانب مشرکین عرب نمود و فرمود: شما چرا در مقابل خدای یکتا بت ها را می پرستید؟ گفتند ما با پرستش آنها به خدا نزدیک می شویم. فرمود: آیا بتها شنوایند و مطیع پروردگار خود هستند و او را می پرستند تا با پرستش آنها مقرب درگاه خدا شوید؟ گفتند نه.

فرمود: پس شما با دست خود آنها را تراشیده اید و اگر می توانستند عبادت کنند، باید آنها شما را می پرستیدند نه شما آنها را بپرستید. در صورتی که خدای عارف به مصالح و عواقب امور و حکیم و دانا در امر و نهی به شما دستوری در مورد عبادت آنها نداده است. سخن پیامبر اکرم که به اینجا رسید، بین آنها اختلاف پیدا شد. بعضی گفتند خداوند در قیافه این مردان حلول کرده و ما مجسمه آنها را ساخته ایم و آنها را مقدس می شماریم چون خداوند در آنها حلول نموده.

گروه دیگر مدعی شدند که این مجسمه ها صورت اشخاصی است که قبلا زندگی می کرده اند و مطیع و فرمانبردار خدا بوده اند و ما مجسمه آنها را ساخته ایم و به همین جهت آنها را گرامی می داریم.

دسته دیگری گفتند، وقتی خداوند آدم را آفرید و به ملائکه دستور داد برای او سجده کنند، ما از ملائکه به سجده نمودن شایسته تریم و چون ما آن موقعیت را درک نکردیم مجسمه ای ساختیم و آن مجسمه را برای تقرب به خدا سجده می کنیم چنانچه ملائکه با همین سجده تقرب جستند؛ همان طوری که شما نیز به خیال خود به طرف مکه سجده می کنید و در این شهر با دست خود محراب می سازید و به جانب کعبه سجده می کنید، با اینکه قصد شما کعبه است نه آن محراب ها و منظورتان از کعبه خدا است نه خود کعبه.

فرمود :اشتباه کرده اید و گمراه گشته اید. اما شما که می گویید خداوند در پیکر مردانی حلول کرده و شما صورتها و مجسمه آنها را تراشیده اید و به خاطر حلول خدا آنها را می پرستید، صفت مخلوقات را به خدا داده اید. آیا جایز است خدا در چیزی حلول کند و آن چیز او را احاطه نماید؟ در این صورت چه فرقی است بین خدا و چیزهای دیگری که در آن شی ء حلول کرده از قبیل رنگ، طعم، بو، نرمی، درشتی و سنگینی و سبکی. به چه دلیل آن شی ء آفریده شده باشد و چیزی که در او حلول کرده قدیم باشد. چرا آن شی ء قدیم نشد و حلول کننده مخلوق، و چگونه کسی که پایدار بوده قبل از این اشیاء و پایدار خواهد بود احتیاج به حلول دارد؟ وقتی به او صفت حلول می دهید، لازم است - بنا به عقیده شما - صفت زوال نیز به او بدهید و چیزی را که با صفت زوال و پیدایش انگاشتید، باید صفت فنا و ناپایداری نیز به او بدهید زیرا تمام اینها مخصوص اشیایی است که در چیزی حلول نمایند و یا چیزی در آنها حلول کند و تمام این صفات موجب تغییر ذات می شود.

اگر مدعی شوید که ذات پروردگار با حلول در چیزی تغییر نمی کند، پس باید با حرکت و سکون و سیاهی و سفیدی و قرمزی و زردی نیز تغییر نکند و صفاتی که بر چنین اشیایی وارد می شود بر او نیز عارض گردد؛ به طوری که تمام صفتهای مخلوقات در او وارد شود و خدا نیز آفریده شده باشد.

او منزه است از این اوهام. اگر اعتقاد شما در باره خدا که در چیزی حلول نموده صحیح باشد، دیگر احترام و پرستشی که می کنید صحیح نخواهد بود. آنها سکوت کرده، تقاضای اندیشه بیشتر نمودند.

سپس متوجه گروه دوم شده فرمود: در صورتی که شما مجسمه اشخاصی را که خدا را می پرستیده اند بپرستید و برای آنها سجده کنید و صورتهای خویش را برای آنها بر خاک گذارید، دیگر برای پرستش خدا چه باقی گذاشته اید؟ مگر خود شما قبول ندارید، خدایی را که باید پرستش و تعظیم نمود نباید با بنده اش مساوی باشد؟ اگر پادشاهی را در احترام و تعظیم با غلامش برابر کنید، با این کار مگر به شاه اهانت نکرده اید و غلامش را بیش از حد بزرگ نداشته اید؟ گفتند صحیح است.

مگر متوجه نیستید که با تعظیم و احترام مجسمه اشخاصی که خداپرست بوده اند، به خدای یکتا توهین کرده اید؟ آنها نیز سکوت کردند و تقاضای مهلت نمودند.

بعد متوجه دسته سوم شده فرمود: برای من مثالی زدید و ما را به خود تشبیه کردید، با اینکه با هم برابر نیستیم؛ زیرا ما بنده خدا و مخلوق و تحت فرمان او هستیم، هر چه او فرمان دهد اطاعت می کنیم و از هر چه نهی نماید می پرهیزیم و او را همان طور که دستور داده می پرستیم. وقتی ما را به یک صورت معینی (از عبادت) فرمان دهد، از دستور او تجاوز نمی کنیم و به صورت دیگری که دستور نداده آن را انجام نمی دهیم. چون ما نمی دانیم، شاید همان طوری را که فرموده دوست دارد و با وضع دیگری نپسندد، و ما را از اینکه در مقابلش بایستیم نهی نموده، چون دستور داده رو به جانب کعبه کنیم، اطاعت می کنیم و نیز امر کرده در شهرهای دیگر به همان سمت رو کنیم، باز مطیع او هستیم و از فرمان او ذره ای سرپیچی نمی کنیم. خداوندی که امر کرد برای آدم سجده کنند، دستور نداده مجسمه او را که غیر آدم است سجده کنیم. نباید شما این دو را با هم قیاس کنید؛ از کجا می دانید، شاید این کار را نپسندد چون در این مورد دستوری نداده است.

اگر شخصی به شما اجازه دهد در فلان روز معین وارد خانه اش بشوید، آیا جایز است بعد از آن روز هر وقت خواستید، بدون اجازه وارد خانه او شوید یا بدون

اجازه داخل خانه دیگرش بشوید؟ یا اگر کسی یکی از جامه های خود یا غلامش را یا یکی از مالهای سواریش به شما ببخشد، می توانید شما به جای آن، جامه معین یا غلام مشخص و یا مال سواری معین دیگری را انتخاب کنید؟ گفتند نه زیرا اجازه دیگری را به ما نداده است.

فرمود: حالا بگویید، آیا شایسته تر نیست که در ملک خداوند بدون اجازه اش تصرف نکنید؟ گفتند، خدا شایسته تر است که بدون اجازه در ملکش تصرف نکنیم. فرمود: پس چرا شما این کار را می کنید؟ چه وقت به شما دستور داده این مجسمه ها را بپرستید؟ آنها دیگر چیزی نگفتند و مهلت خواستند.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: قسم به پروردگاری که محمد مصطفی را به نبوت برانگیخت، پس از سه روز، تمام آنها که بیست و پنج نفر بودند (از هر مذهبی پنج نفر) خدمت پیامبر اکرم آمده اسلام آوردند و گفتند، استدلالی محکمتر از استدلال تو ندیدیم، گواهی می دهیم که تو پیامبر خدایی.(1)

امام صادق علیه السلام از قول حضرت امیرالمؤمنین فرمود: خداوند متعال فرستاد «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ»(2) ، {ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید، و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کفر ورزیده اند، [غیر او را] با پروردگار خود برابر می کنند. }

پس این آیه ردی بر سه گروه از کفار است: آنجا که فرموده «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ» این قسمت آیه رد بر گروه دهریه است، کسانی که می گویند ابتدائی برای چیزها نیست و آنها همیشه بوده اند. و قسمت دوم آیه که می فرماید «وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ» رد بر ثنویه است، کسانی که می گویند: نور و ظلمت جهان را اداره می کنند. و قسم سوم آیه «ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُوا بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ» رد بر مشرکین عرب است، کسانی که می گویند همان بت های ما خدایان ماست. سپس

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 530
2- . انعام / 1

خدای متعال سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»(1) { بگو: «او خدایی است یکتا، } را تا آخر فرو فرستاد و این هم رد بر کسانی است می گویند خدا شریک دارد.

امیرالمؤمنین فرمود: رسول خدا به اصحابش می فرمودند: بگویید «إِیَّاک نَعْبُدُ» یعنی خدای واحد را می پرستیم و آنچه را که دهریه می گویند نمی گوییم، آنها می گویند، قطعاً اشیاء ابتدائی ندارد و همیشگی هستند و همچنین آنچه را که ثنویه می گویند ما نمی گوییم. آنان می گویند نور و ظلمت اداره کننده جهان هستند و همچنین ما آنچه را که مشرکین عرب می گویند نمی گوییم. آنان می گویند: بت های ما خدایان ما است پس ما به تو شرک نمی ورزیم و خدایی غیر تو را نمی خوانیم، همان طور که این کفار می گویند؛ و آن چه را که یهود و نصاری می گویند نیز ما نمی گوییم. آن ها برای تو فرزندی قائل هستند، تو بلند مرتبه ای از آنچه آنها می گویند.

امیرالمؤمنین فرمود: به همین دلیل بود که خداوند فرمود: «وَ قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلَّا مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصاری»(2)، { و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد.» }یعنی هرگز جز یهود و نصاری داخل بهشت نمی شوند و غیر از آنان، سایر کفار نیز همان حرف های آنان را می گویند.

خدا فرمود: ای محمدصلی الله علیه وآله، «تِلْک أَمانِیُّهُمْ» این آرزوهای بدون دلیل آن ها است که طلب می نمایند.

«قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ» بگو دلیل و حجت خود را بر مدعای خودتان را بیاورید «إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ» اگر راست می گویید. همان طوری که محمّد دلیل هایش را آورد و شما شنیدید.

پس فرمود: «بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ» بله، کسی که محض رضای خدا تسلیم خدا گشته، همان طوری که آن گروه وقتی دلائل و حجت های او را شنیدند به رسول خدا ایمان آوردند. «وَ هُوَ مُحْسِنٌ» در حالی که کار نیک کردند و کردارش را برای خدا انجام داده «فَلَهُ أَجْرُهُ» ثواب او برای او است «عِنْدَ رَبِّهِ» در نزد پروردگارش روز قیامت «وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ» وقتی که کافران عذاب خدا را مشاهده می کنند و

1- . توحید / 1
2- .بقره / 111

می ترسند، خوفی بر آنان نیست «وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ» و آنان هنگام مرگ محزون نیستند، چون بشارت به بهشت در آن هنگام برای آنان خواهد آمد. (1)

احتجاج: امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: نزد امام صادق علیه السلام یاد آوری شد که در دین رسول خدا و ائمه معصومین از جدال نهی شده است تا آخر حدیث(2).

مولف: «خَله» به معنای فقر و نیازمندی است «خُله» به معنای انتهای دوستی و محبت است که از ماده «خلال» مشتق شده، چون محبت در درون دل جای می گیرد، لذا «خُله» به آن اطلاق می شود. لغویون گفته اند: احتمال دارد خلیل از خَله یا خُله مشتق شده باشد.

در آنجا که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «قد حکمتم بحدوث ما تقدم من لیل و نهار» آن حضرت در استدلال از قاعده تدرّج استفاده کرده:

اولاً: آنها را با این گفتار از مرتبه انکار تا پلّه شک پائین آورده است و نتیجه سخن آن حضرت این است که شما بسیاری اوقات به چیزهایی حکم می کنید که آن را نمی بینید. مثل همین حکم شما که قائل به عدم امکان اجتماع شب و روز در زمان های گذشته شده اید، پس نباید ندیدنتان را دلیل انکار چیزی قرار دهید و منکر قدرت خدا نشوید؛ یعنی اینکه تمام اشیاء را خداوند تقدیر کرده و خدا خالق آنهاست؛ یا قدرت خدا را به ایجاد اشیاء از کتم عدم و بدون ماده به عرصه وجود منکر نشوید. سپس حضرت شروع کرده است به اقامه برهان بر حدوث عالم و آن دو احتمال دارد:

اول: تا آخر کلام می تواند برهان واحدی باشد به این شرح که زمان از ازل تا رسیدن به ما، یا پایان ناپذیر است و یا پایان پذیر. اگر پایان پذیر باشد حادث بوده و نیازمند آفرینندهای قبل از خود می باشد «چون علت قبل از معلول است». اگر بگویید پایان ناپذیر است و از ازل نیاز به علت نداشته و قدیم است، این حرف باطل است چون قدیم بی نیاز از آفریدگار، باید در حالات و صفات با حادث نیازمند علت

1- . تفسیر امام حسن العسکری: 542 - 543

2- . احتجاج: 21 - 28

فرق داشته باشد، در حالی که فرقی ندارد. «شب و روز مانند مخلوقات دیگر متغیر است و هر متغیری حادث است» نه قدیم، به علاوه این که ترکیب، عارض شدن صفات ضد هم و زوال پذیری همه از صفات حادث است که در شب و روزی که شما قائل به قدیم بودن آنها هستید موجود است، پس باید حادث و مخلوق باشد نه ازلی.

دوم: قول پیامبرصلی الله علیه وآله: «اتقولون» تا «قال لهم اقلتم» یک برهان باشد به این که به شما آخری رسیده که اولش نهایت ندارد، این موضوع شق اول را به سبب حواله دادن بر دلائلی که برای ابطال امور غیر متناهیه مترتبه اقامه شده، باطل می کند، چون وجود امور با هم در تحقق آن شرط نشده است، چنان که اکثر متکلمین اعتقاد دارند، و مطلب بعد از این یک دلیل مستقل به حساب می آید چنان چه سیاق آن گذشت.

و ممکن است پیش از آن، برهان سوم بر اثبات خداوند به حساب آید. و قول آن حضرت «حکمتم بحدوث ماتقدم من لیل و نهار»، بیان حکم آنان به حدوث روز و شب باشد که برای نیاز آنها به خدا کافی است و قدیم بودن طبیعت زمان برای شما فایده ندارد، چون حادث بودن هر یک از روزها و از شب ها برای اثبات این مطلب کافی است.

قول او صلی الله علیه وآله: «کیف اختلط هذا النور و الظلمه»: اشاره به اعتقادات مانویه است که گفته اند، عالم مصنوعی مرکب از دو اصل قدیمی است که یکی از آن ها نور و یکی دیگر ظلمت است و هر دو آنها ابدی و دائمی بوده و همیشه خواهد بود.

مانوی ها در مزاج و سبب این امتزاج اختلاف کرده اند. بعضی آنان گفته اند: این کار اتفاقی بوده است و بعضی دلائل واهی دیگری را بیان کرده اند.

آنها گفته اند، تمام اجزاء نور همیشه رو بالا دارد و اجزاء تاریکی همیشه رو به پایین است. پیامبرصلی الله علیه وآله این کلام آنان را رد کرده با این استدلال که وقتی شما اعتراف دارید به این که طبیعت نور بالا رفتن و طبیعت تاریکی پایین رفتن است، و اعتراف به خدایی که آن دو را مجبور به اجتماع کرده ندارید، این

امتزاج و اختلاط از کجا آمد تا این عالم درست شود؟ و چگونه این اجتماع به وجود آمد در حالی که طبیعت هر یک خواهان جدایی و دوری است.

تفصیل و توضیح این مقاله باعث خارج شدن از موضوع کتاب می شود. ما فقط به اشارات قانع کننده عاقلان در هر باب بسنده می کنیم.

2. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السّلام نقل می کند که به پدرم حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کردم، آیا وقتی یهودیان و مخالفین بر پیامبر اکرم اعتراض و مخالفت می کردند مناظره هم کرده؟ فرمود: آری چندین مرتبه. از آن جمله این آیه است که خداوند از قول آنها نقل می کند:

«وَ قالُوا ما لِهذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعامَ وَ یَمْشِی فِی الْأَسْواقِ لَوْ لا أُنْزِلَ إِلَیْهِ مَلَکٌ» {و گفتند: «این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشداردهنده باشد؟} تا «رَجُلاً مَسْحُوراً» ،(1) {مردی افسون شده}و این آیه دیگر: «لَوْ لا نُزِّلَ هذَا الْقُرْآنُ عَلی رَجُلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ» ،(2) { و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر فرود نیامده است؟» } و آیه دیگر: «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً» {و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.} تا «کِتاباً نَقْرَؤُهُ»(3) { کتابی که آن را بخوانیم }.

بالاخره در آخر این قسمت گفتند، اگر تو پیامبری، مانند موسی آسمان را بر سر ما فرود آور. یا در صورتی که پیامبر باشی، باید صاعقه ای از آسمان ما را فرا گیرد چون درخواست ما از تقاضای قوم موسی بزرگتر و شدیدتر است (آنها می گفتند ما می خواهیم با چشم خدا را ببینیم).

پدرم فرمود: این جریانها موقعی اتفاق افتاد که روزی پیامبر اکرم با اصحاب خود کنار خانه کعبه نشسته بود و برای آنها آیات قرآن و دستورات پروردگار را می خواند. در این موقع گروهی از سران قریش از قبیل: ولید بن مغیره مخزومی و ابو

1- . فرقان / 7- 8

2- . زخرف / 31
3- . اسراء / 90- 93

البختری پسر هشام و ابو جهل و عاص بن وائل سهمی و عبد الله بن ابی امیه مخزومی و گروهی از پیروان آنها اجتماع نمودند و با هم به گفتگو پرداختند. آنها می گفتند، کار محمد بالا گرفته و موقعیتی پیدا کرده، باید او را سرکوب نمود و ساکت کرد و با او به بحث و مناظره پرداخت و سرزنشش کرد تا ادعایش باطل شود و موقعیت و مقامش پیش پیروان و هوادارانش پایین بیاید، شاید بدین وسیله دست از گمراهی بردارند و این سرکشی و طغیان را فرو گذارند. اگر دست برداشتند چه بهتر و گر نه با شمشیر بران با آنها مقابله خواهیم کرد.

ابو جهل گفت: چه کسی حاضر به بحث و مناظره با اوست؟ عبد الله بن ابی امیه مخزومی جواب داد من. مگر مرا همطراز و همدوش با او نمی دانید؟

ابو جهل پاسخ داد چرا.

تمام آنها پیش پیامبر آمدند. ابتدا عبد الله بن ابی امیه مخزومی شروع به سخن کرده گفت: یا محمد! ادعای بزرگی کرده ای و سخن دشواری می گویی. خود را پیامبر خدا می دانی با اینکه شایسته نیست خداوند و آفریننده جهان مانند تو را سفیر و پیامبر خود قرار دهد. یک انسان که مانند ما می خورد و می آشامد و در کوچه و بازار راه می رود. یک مطالعه در باره فرمانروایان روم و پادشاهان ایران بکن. اگر بخواهند پیکی بفرستند، قطعا شخصی را انتخاب می کنند که موقعیتی داشته باشد و دارای ثروت باشد. قصرهای بلند و باغهای زیبا و غلام و کنیز فراوان. خداوند از تمام این فرمانروایان بزرگتر و با قدرت تر است، اینها همه بنده اویند.

از آن گذشته، اگر تو پیامبر بودی، به همراهت فرشته ای می فرستاد تا تو را تصدیق نماید و ما او را می دیدیم. اگر خداوند تصمیم داشت برای ما پیامبری بفرستد حتما فرشته و ملکی را می فرستاد نه آدمی مثل خودمان را. تو مردی هستی که جن زده ای و عقل خویش را از دست داده ای، نه پیامبر و سفیر خدا.

پیامبر اکرم فرمود: دیگر اعتراضی نداری؟ گفت چرا. اگر خداوند می خواست پیامبری بفرستد، باید شخصی را می فرستاد که از نظر مالی و شخصیت از همه ما برتر باشد، چرا این قرآنی که مدعی هستی خدا بر تو نازل کرده، بر یکی از دو

شخصیت برجسته عرب در مکه، ولید بن مغیره و در طائف، عروه بن مسعود ثقفی نازل نکرد.

دوباره پیامبر اکرم فرمود: دیگر حرفی نداری؟ گفت چرا. هرگز ایمان به تو نخواهیم آورد، مگر از زمین مکه چشمه ساری برآوری. چون اینجا سرزمین سخت و خشک و کوهستانی است، زمین آن را پر خاک و قابل شخم و کشت کنی و نهرها و جویبارها در آن به وجود آوری، ما احتیاج به چنین چیزهایی داریم. یا لا اقل خودت باغی داشته باشی پر از انگور و خرما که خود بخوری و به ما نیز بدهی. از میان باغ و بین درختان خرما و انگور، نهرها و جویبارها جاری باشد. یا چنانچه مدعی هستی، آسمان را بر سر ما فرود آری زیرا خود در قرآن می گویی: «وَ إِنْ يَرَوْا كِسْفاً مِنَ السَّماءِ ساقِطاً يَقُولُوا سَحابٌ مَرْكُومٌ»(1).

اگر پاره ای از آسمان را ببینند که بر سر آنها فرو می بارد، می گویند چیزی نیست اینها ابرهای بر هم انباشته است. تو این کار را بکن شاید ما هم همین حرف را بزنیم.

یا خدا و ملائکه را پیش ما بیاوری، طوری که در مقابل و روبروی ما باشند. و یا انباری از جواهر و طلا و نقره داشته باشی و به ما بدهی تا بی نیاز و ثروتمند شویم. شاید چنانچه خود می گویی سر به طغیان و سرکشی برداریم زیرا در قرآن خود می گویی «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى»(2)، {حقّاً که انسان سرکشی می کند، همین که خود را بی نیاز پندارد}. نه چنین است. انسان وقتی خود را بی نیاز ببیند سرکشی آغاز می کند.

باز دنباله سخن خود را چنین ادامه داد: یا به آسمان برآیی. تازه ما برای این بالا رفتن به آسمان به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر نامه ای از جانب خداوند بیاوری که مضمونش این باشد: ای عبد الله بن امیه مخزومی، با همراهان خود به محمد بن عبد الله بن عبد المطلب ایمان بیاورید. او پیامبر من است، گفتارش را بپذیرید که من

1- . سوره طور / 44
2- . علق / 6- 7

او را فرستاده ام. تازه بعد از تمام این کارها که انجام دهی، اطمینان ندارم که به تو ایمان خواهم آورد یا خیر.

اگر ما را به آسمان بالا ببری و تمام درب های آسمان ها را به روی ما بگشایی و ما را وارد آنها بنمایی، ما می گوییم چشم بندی کرده ای و این یک نوع سحر است.

پیامبر اکرم فرمود: آیا حرف دیگری هم داری؟ گفت: یا محمد! آنچه بر تو اعتراض نمودم کافی نبود؟ دیگر چیزی باقی نمانده، حالا تو هر جوابی داری واضح و آشکار بیان کن. اگر واقعاً می توانی تقاضاهای ما را برآور و در صورتی که دلیلی داری، برای ما استدلال نما؟

پیامبر اکرم فرمود: خدایا، تو هر صدایی را می شنوی و از هر چیز اطلاع داری، سخن این بندگان خود را شنیدی. خداوند این آیه بر پیامبر نازل نمود:

«وَ قالُوا ما لِهذَا الرَّسُولِ یَأْکُلُ الطَّعامَ»، (1) {و گفتند: این چه پیامبری است که غذا می خورد } تا «رَجُلاً مَسْحُوراً» سپس می فرماید:

«انْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا یَسْتَطِیعُونَ سَبِیلاً»(2) ببین چگونه برایت مثال می زنند؟ اینان گمراهند و هرگز به راه نخواهند آمد.

سپس می فرماید: «تَبارَکَ الَّذِی إِنْ شاءَ جَعَلَ لَکَ خَیْراً مِنْ ذلِکَ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ وَ یَجْعَلْ لَکَ قُصُوراً»(3)، { بزرگ [و خجسته] است کسی که اگر بخواهد، بهتر از این را برای تو قرار می دهد: باغهایی که جویبارها از زیر [درختان] آن روان خواهد بود، و برای تو کاخها پدید می آورد. }.

و این آیه دیگر را نیز در همین مورد نازل فرمود: «فَلَعَلَّکَ تارِکٌ بَعْضَ ما یُوحی إِلَیْکَ وَ ضائِقٌ بِهِ صَدْرُکَ أَنْ یَقُولُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ کَنْزٌ أَوْ جاءَ مَعَهُ، مَلَکٌ، إِنَّما أَنْتَ نَذِیرٌ وَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ وَکِیلٌ»(4)، { و مبادا تو برخی از آنچه را که به سویت

1- . الفرقان / 7
2- . اسراء / 48

3- . فرقان / 10
4- . هود / 14

وحی می شود ترک گویی و سینه ات بدان تنگ گردد که می گویند: «چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته ای با او نیامده است؟» تو فقط هشداردهنده ای، و خدا بر هر چیزی نگهبان است. }.

شاید برخی از آنچه را به تو وحی می شود ترک می کنی و دلگیر می گردی از اینکه می گویند چرا برایش گنجی نفرستاده اند یا فرشته ای با او نیامده. تو یک پیامبر و نذیر هستی، خداوند عهده دار تمام چیزها است. این آیه دیگر را نیز نازل نمود: «وَ قالُوا لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَ لَوْ أَنْزَلْنا مَلَكاً لَقُضِيَ الْأَمْرُ»،(1) {و گفتند: «چرا فرشته ای بر او نازل نشده است؟» و اگر فرشته ای فرود می آوردیم، قطعاً کار تمام شده بود} تا «وَ لَلَبَسْنا عَلَيْهِمْ ما يَلْبِسُونَ»،(2) {و امر را همچنان بر آنان مشتبه می ساختیم. }.

پیامبر فرمود: اینک توجه کن ای بنده خدا، آنچه اعتراض کردی که چرا من هم مثل شما غذا می خورم و مدعی شدی که به همین دلیل شایسته پیامبری نیستم. این کار مربوط به خدا است. هر کار بخواهد انجام می دهد و هر تصمیمی بخواهد می گیرد. به کارهای او نمی توان خرده گرفت. به تو و به هیچ کس نمی رسد که چون و چرا کنند.

مگر نمی بینی خدا گروهی را فقیر و برخی را غنی و بعضی را عزیز و برخی را ذلیل و عده ای را سالم و صحیح و برخی را مریض و بعضی را شریف و برخی را پست کرده، همه آنها غذا می خورند. فقرا نمی توانند بگویند چرا ما ضعیف و ناتوان شده ایم و آنها سالم و توانایند و ذلیلان بگویند، چرا ما ذلیل و آنها عزیز شده اند، و نه زشت صورتان بگویند، چرا ما زشت و آنها را زیبا کرده ای.

اگر چنین حرفی بزنند بر خدا اعتراض نموده و در مقابل او ایستادگی کرده اند و به او کافر خواهند بود. خداوند در جواب آنها خواهد گفت، من فرمانروایی هستم که پستی و بلندی و ثروت و فقر و عزت ذلت و صحت و بیماری در اختیار من است. شما بنده منید و جز تسلیم در مقابل من و اطاعت فرمانم کاری ندارید. اگر

1- . الانعام / 8
2- . الانعام / 9

تسلیم شدید بندگانی مؤمنید و اگر امتناع ورزیدید به من کافر هستید و گرفتار عقاب و کیفر من خواهید شد.

بعد خداوند این آیه را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل کرد: «قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ» ،(1) {بگو: «من هم مثل شما بشری هستم و[لی] به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است}. بگو من هم انسانی مثل شما هستم، غذا می خورم و در بشریت همانند شمایم جز اینکه خداوند مرا به پیامبری برگزیده است، چنانچه بعضی را ثروتمند و برخی را تندرست و یکی را جمال می دهد و به بعض دیگر نمی دهد. همینطور نباید انکار نبوت مرا بکنید. چون به شما این امتیاز را نبخشیده.

اما آنچه گفتی که پادشاه روم و فرمانروای ایران پیک و فرستاده خود را از ثروتمندانی که دارای قصرها و خانه ها و باغ ها و غلام و کنیزها هستند، انتخاب می کنند و خدا از همه آنها برتر است چون اینها بنده اویند.

باید بدانی که اختیار در دست خدا است، به دستور و عقیده و نظر تو عمل نمی کند و نه به آنچه تو صلاح بدانی، بلکه هر چه او خود صلاح بداند و تصمیم بگیرد انجام می دهد و در کارهایش جای هیچ اعتراضی نیست.

خداوند پیامبرانش را فرستاد تا مردم را به دین متمایل کنند و متوجه خدا نمایند و شبانه روز وقت خود را در راه پرورش افکار، با زحمت و مشقت از هیچ خدمتی فروگذاری ننمایند.

اگر دارای قصرها باشد که درون آنها جای بگیرد و خدمتکاران، مردم را از رسیدن به خدمت او باز دارند، مگر نه این است که رسالت از بین می رود و کارها به کندی می گذرد. مگر تو خود نمی بینی، وقتی پادشاهان در پشت پرده های قصرها جای می گیرند، چگونه فساد و کارهای زشت دور از دید آنها شیوع پیدا می کند و اطلاعی هم از آن حاصل نمی کنند.

فرمود: ای بنده خدا، خداوند مرا بدون ثروت برانگیخت تا به شما قدرت و نیروی خویش را بشناساند و بدانید که او یاور من است و شما قدرت کشتن مرا

1- .الكهف / 110

ندارید و نمی توانید جلوی گسترش دین او را بگیرید، این خود مطلبی است آشکار از نیروی خدا و ضعف و ناتوانی شما.

به زودی مرا بر شما پیروز خواهد کرد. شما را می کشم و اسیر می نمایم. مرا بر شهر و دیار شما مسلط خواهد کرد و مؤمنین فرمانروای این دیار می شوند و شما و دوستانتان را قدرت مقابله نیست.

اما آنچه گفتی که اگر پیامبر می بودم با من فرشته ای بود که شما او را مشاهده می کردید و او مرا تصدیق می نمود، و گفتی اگر خدا بخواهد برای ما پیامبری بفرستد از ملائکه می فرستد نه بشری مانند ما، باید بدانی که ملک و فرشته را شما نمی توانید با حواس خود درک کنید چون او از جنس این هوا است و متمثل و آشکار نیست. اگر قدرت دید شما را بیافزایند او را مشاهده نمایید، خواهید گفت این فرشته نیست، او هم بشری است. چون در صورت ظهور و آشکار شدن، به شکل انسان خواهد بود که شما به آن مانوس هستید تا سخنش را بفهمید و منظورش را درک کنید. از کجا می توانید درستی ادعای فرشته را درک کنید.

خداوند پیامبران را از میان انسانها برانگیخت و در اختیارشان معجزاتی را گذاشت که بشر در یابد کسی نمی تواند مانند آن را بیاورد. همین عاجز بودن مردم از آوردن مانند آن معجزات، گواهی است از جانب خدا بر صدق ادعای انبیاء.

اگر آنها را به صورت فرشته و ملک بفرستد و این معجزات را نیز در اختیار آنها قرار بدهد که سایر فرشتگان نتوانند چنین کارهایی را بکنند تا کار او برای شما معجزه باشد. مگر با چشم خود نمی بینید که پریدن پرنده برایش اعجازی نیست، زیرا بسیاری از این جنس هستند که می پرند. اگر یک آدم مثل پرنده ها پرید، این کار معجزه است. خداوند کار را بر شما آسان نموده و به آسانی بر شما حجت تمام می شود اما خودتان راه دشواری را می پذیرید که حجت و دلیلی هم در آن نیست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اما این که گفتی من جن زده و دیوانه ام، چگونه چنین چیزی ممکن است، با اینکه کاملا تشخیص می دهید که من دارای تمیز و تشخیص هستم و عقلی بالاتر از شما دارم. آیا از کودکی تا چهل سالگی، شما سابقه ای از من دارید که شاهد عیب و عاری باشد؟ یا گمراهی و یا

دروغ و خیانتی کرده باشم، و خطایی و در گفتار و کردار و عقیده من سر زده باشد. ممکن است یک نفر خود را در طول چنین زمانی به نیروی خویش نگه دارد یا به نیرو و قدرت پروردگار است؟ خداوند در این آیه به همین مطلب اشاره می کند: «انْظُرْ کَیْفَ ضَرَبُوا لَکَ الْأَمْثالَ فَضَلُّوا فَلا یَسْتَطِیعُونَ سَبِیلاً»(1)، { ببین چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند، در نتیجه راه به جایی نمی توانند ببرند. }.

نمی توانند با دلیل، سابقه ای برای تو اثبات کنند جز ادعاهای باطلی که برای تو ابطال آن ادعاها بسیار ساده است. سپس فرمود: اما سخن تو که چرا این قرآن بر یکی از دو شخصیت مکه و طائف، ولید بن مغیره و عروه بن مسعود ثقفی نازل نشد، باید بدانی که خداوند مثل شما برای ثروت دنیا ارزشی قائل نیست و برایش ثروت دنیا ارزش آفرین نیست، چنانچه در نزد شما هست.

اگر دنیا در نزد خداوند به اندازه پر مگسی ارزش داشت، به کافر و مخالف خود شربت آبی نمی داد.

تقسیم کننده رحمت خدا تو نیستی. اوست که رحمت خود را به هر کس از بندگانش بخواهد می بخشد. هرگز خداوند از کسی به خاطر موقعیت و ثروتی که دارد نمی ترسد، آن طور که تو می ترسی، تا به او مقام نبوت را به واسطه این ترس ببخشد. و نه طمع در مال و موقعیت شخصی دارد، چنانچه تو داری، که به واسطه این طمع او را به نبوت برانگیزد، و نه کسی را از روی هوی و هوس دوست می دارد مانند تو، تا موجب شود کسی را که شایسته نیست مزیت و برتری بخشد. او از روی عدالت رفتار می کند. هرگز عالی ترین مزیت دینی را نمی بخشد مگر به کسی که در طاعت و بندگی و فرمانبرداری از همه برتر و شایسته تر باشد و نه کسی را در مراتب دینی مؤخر می دارد مگر اینکه نافرمانتر باشد.

وقتی چنین بود، دیگر توجهی به مال و موقعیت ندارد. تازه این مال و موقعیت از فضل و لطف خود اوست و هیچ یک از بندگان از او طلبی ندارند تا گفته شود حالا که به او مال و موقعیت بخشیدی باید نبوت هم بدهی. چون هیچ کس نمی تواند خداوند را مجبور به خواست خود نماید و نه اینکه او را به بخشیدن چیزی

1- . الاسراء / 48

ملزم نماید که چون قبلاً چیزی را بخشیده، حالا نیز باید ببخشد. مگر نمیبینی چگونه شخصی را غنی می کند اما به او صورتی زشت می دهد. یا یکی را فقیر کرده ولی صورتی زیبا میدهد و یا شخصی را با وجود فقر شرافت می دهد و به دیگری ثروت می دهد اما با پستی و خست. این ثروتمند نمی تواند بگوید خدایا چرا به توانگری و ثروتم جمال و زیبایی فلانی را نیفزودی و نه شخص پست می تواند بگوید چرا شرافت و شخصیت فلانی را به من ندادی؟! فرمان از خدا است، به هر کس هر طور بخواهد می دهد. کارهایش از روی صلاح اندیشی است و تمام این کارها صحیح و درست است.این آیه از قرآن همین مطلب را گوشزد می کند:

«وَ قالُوا لَوْ لا نُزِّلَ هذَا الْقُرْآنُ عَلی رَجُلٍ مِنَ الْقَرْیَتَیْنِ عَظِیمٍ»(1)، { و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر فرود نیامده است؟». }

خداوند می فرماید: «أَ هُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ» ،(2) {آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ }آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند. «نَحْنُ قَسَمْنا بَیْنَهُمْ مَعِیشَتَهُمْ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا»،(3) { ما [وسایل] معاشِ آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم }.

ما متاع زندگی را بین آنها تقسیم کرده ایم، بعضی را محتاج و نیازمند بعضی دیگر، یکی احتیاج به مال دیگری دارد و دیگری احتیاج به متاع و یا کار او. بزرگترین پادشاهان و ثروتمندترین ثروتمندان را می بینی که به نوعی به فقیرترین اشخاص احتیاج دارند؛ یا متاعی دارد که او ندارد و یا از او کاری بر می آید که پادشاه را قدرت انجام آن کار نیست مگر به وسیله همان شخص. و یا دارای اطلاعاتی است که او احتیاج دارد این مطلب را از همان فقیر استفاده کند، آن فقیر نیز نیازمند ثروت و مال آن پادشاه و ثروتمند است و پادشاه نیز محتاج علم یا نظر و شناخت آن فقیر است.

1- . الزخرف / 31
2- . الزخرف / 32
3- . زخرف / 32

پادشاه نمی تواند بگوید چرا به قدرت و امکان مالی من علم این فقیر را نیفزودی و فقیر نیز نمی گوید چرا به این علم و درایت من مال فلان ثروتمند را نیفزودی؟ سپس خداوند می فرماید:

«وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیًّا»(1)، { و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند }.

بعد خداوند می فرماید ای محمد، «وَ رَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ»، {و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند بهتر است.}رحمت پروردگارت بهتر است از آنچه اینها بر هم انباشته می کنند.

آنگاه فرمود: اما سخن تو که گفتی ایمان نمی آورم مگر اینکه از زمین چشمه ساری خارج کنی تا آخر حرفهایت، تو با این سخنان خود مطالبی را از محمد رسول خدا - صلی الله علیه و آله - خواسته ای که بعضی از آنها در صورت انجام، دلیلی بر نبوت نیست و مقام پیامبر بالاتر از آن است که تحت تاثیر نادانی نادانان قرار گیرد و احتیاج و به چیزی که دلیل نیست استدلال نماید.

بعضی دیگر در صورت انجام، موجب هلاک تو می شود با اینکه احتیاج و استدلال به دلیل و برهان، برای راهنمایی مردم و ایمان آنها است نه برای کشتن و نابود کردن ایشان.

تو نابودی خود را می خواهی. خداوند مهربانتر است به بندگان خود و مصالح ایشان را بهتر می داند که طبق خواسته تو آنها را از بین ببرد (یا نه).

بعضی از خواسته های تو محال است و امکان ندارد. پیامبر خدا تو را آگاه می کند و بهانه هایت را از بین می برد و راه را بر مخالفت تو می بندد و با استدلال، تو را مجبور به تصدیق نبوتش می نماید تا چاره ای از قبول آن نداشته باشی.

بعضی دیگر از خواسته هایت دلیل بر این است که دشمنی می ورزی و عناد و تمرد داری و دلیل و برهان نمی پذیری، کسی که چنین باشد، معالجه او به وسیله عذاب خدا است که او را در جهنم یا با شمشیر دوستان خود معذب نماید.

1- . زخرف / 32

اینکه گفتی ایمان نمی آورم، مگر چشمه ساری در مکه جاری کنی چون سرزمین سنگلاخ و کوهستانی است و این سرزمین را به جای سنگ انباشته از خاک کنی و نهرها در آن جاری سازی چون ما نیازمند به چنین چیزها هستیم.

تو چنین درخواستی می کنی با اینکه نسبت به دلائل خدا جاهلی، بگو ببینم، اگر چنین کاری انجام دهم، با همین کار، من پیامبر می شوم؟ گفت نه. فرمود: مگر طائف که خود در آنجا چندین باغ داری، زمینهای سنگلاخ نداشته که تو خود آنها را آباد کرده ای و زیر کشت آورده ای و جوی در آن جاری کرده ای؟ جواب داد چرا. فرمود: آیا غیر تو، دیگران نیز چنین کارهایی نکرده اند؟ جواب داد چرا.

فرمود: تو و آنها با چنین کاری پیامبر شده اید؟ جواب داد نه. فرمود: اگر این کار را من هم انجام بدهم، دلیل بر نبوتم نمی شود. آن سخن تو مثل این است که بگویی: من به تو ایمان نمی آورم مگر از جای حرکت کنی و مثل مردم روی زمین راه بروی یا بگویی، مگر مانند مردم غذا بخوری.

اما این سخن تو که گفتی، یا دارای باغی باشی از خرما و انگور که خود بخوری و به ما نیز بدهی و دارای جویها و نهرهای جاری باشد. مگر تو و دوستانت باغهای خرما و انگور در طائف ندارید که از آنها می خورید و به دوستان نیز می دهید و جویها در میان درختان جاری است، با داشتن چنین چیزی پیامبر می شوید؟ گفت نه.

فرمود: پس چرا چیزهایی از پیامبر درخواست می کنید که در صورت انجام دلیل بر صدق گفتارش نمی شود. اگر خواسته شما را بپذیرد، تازه دلیل بر کذب اوست چون استدلال به چیزی نموده که دلیل نیست و مردم را در راه اندیشه و دین فریفته است. پیامبر مقامش بالاتر و بزرگتر از چنین کارهایی است.

بعد فرمود: اما سخن تو که گفتی آسمان بر سر ما سنگ ببارد، چون در این آیه تصریح شده است:

«وَ إِنْ یَرَوْا کِسْفاً مِنَ السَّماءِ ساقِطاً یَقُولُوا سَحابٌ مَرْکُومٌ»(1)، { و اگر پاره سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند می گویند: «ابری متراکم است.» } با فرو

1- . طور / 44

ریختن آسمان نابود می شوید و می میرید، تو با این تقاضا می خواهی که پیامبر سبب هلاک و نابودیت شود؟ او مهربانتر از این حرفها است. تو را نمی کشد ولی برایت دلیل و برهان می آورد، تا حجت بر تو تمام شود. استدلال خدا برای اثبات نبوت پیامبر، بستگی به درخواست مردم ندارد چون آنها نادانند و چیزی را می خواهند که صلاحشان نیست و انجام آن موجب تباهی است. گاهی نیز درخواستهای متضاد دارند که انجام همه آنها محال است. خداوند طبیب و راهنمای شما است، هرگز برنامه ای که مستلزم محال باشد به اجرا نمی گذارد.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ دیده ای طبیبی به دلخواه مریض دوا بدهد؟ بلکه آنچه برای مریض صلاح باشد انجام می دهد. چه او بخواهد یا نخواهد. شما مریض هستید و خداوند طبیب شما است، اگر دوایش را پذیرفتید شما را شفا می دهد و اگر سرپیچی کردید، بیمارتان می کند.

از اینها گذشته، تو هیچ دیده ای کسی بر دیگری ادعای حقی نماید و حاکم و قاضی از او دلیلی به دلخواه و نظر مدعی علیه بخواهد (یعنی کسی که مثلا بدهکار است بگوید، اگر فلان دلیل را آورد من حقش را قبول می کنم).

اگر چنین کاری صحیح باشد، ادعا و حق هیچ کس ثابت نخواهد شد و بین مظلوم و ظالم و راستگو و دروغگو فرقی نخواهد بود.

سپس فرمود: این سخن تو که گفتی، یا خدا را با ملائکه جلوی ما حاضر کنی طوری که آنها را مشاهده کنیم، این درخواست تو محال است و جای هیچ شک و شبهه ای نیست. خداوند کریم مانند آفریده ها نیست که بیاید و برود و حرکت کند و روبروی چیزی بایستد یا او را بیاورند، این محال است. چنین چیزی از صفات بت های ضعیف و ناقص است که نمی شنوند و نمی بینند و درک ندارند و برای شما و دیگری ذره ای سود ندارند.

مگر تو خودت در طائف باغ و بستان نداری، و در مکه نیز دارای زمین نیستی که نمایندگان و مامورینت کارهای آنها را انجام می دهند؟ پاسخ داد چرا.

فرمود: تمام کارهای کشاورزی و باغداری خود را به چشم می بینی یا نمایندگانت واسطه بین تو و کارگران هستند.

گفت: نمایندگان واسطه هستند. فرمود: آیا صحیح است کارگران و خریداران به نمایندگان تو بگویند، ما شما را در این وساطت و ماموریت قبول نداریم، مگر این که عبد الله بن امیه مخزومی را بیاورید و آنچه را شما ادعا می کنید، خودمان از او بشنویم. تو اجازه می دهی چنین چیزی را بخواهند و آیا از نظر تو این کار جایز است؟.

گفت: نه. فرمود: به نظر تو، مامورین و نمایندگان تو چه باید انجام دهند؟ مگر نه این است که باید علامت و نشانه صحیحی از جانب تو بیاورند که شاهد ادعای ایشان باشد تا آنها تصدیق نمایند؟

گفت: چرا؟ فرمود: حالا بگو ببینم، اگر نماینده تو پس از شنیدن چنین درخواستی پیش تو بیاید و بگوید، حرکت کن برویم پیش این معامله گران و کارگران، آنها گفته اند باید خودت پیش آنها بیایی، چنین کاری مخالف نظر تو نیست و به آن نماینده نمی گویی، تو نماینده هستی نه صلاح اندیش و دستور دهنده؟

گفت: همین طور است؟

فرمود: پس چرا آنچه در مورد نمایندگان خویش تجویز نمی کنی، از پیامبر خدا درخواست می نمایی و او را پیش خدا شرمنده می کنی که به او امر کند و نهی نماید؟ چنین کاری را نسبت به نمایندگان خود و حتی راجع به کارگران و خریداران تجویز نمی کنی، پس این دلیلی قاطع برای ابطال تمام این خواسته های تو است.

اما این گفته ات که یا خانه ای از طلا داشته باشی، مگر نشنیده ای که عزیز مصر خزینه هائی از طلا داشت، آیا با داشتن این خزینه های طلا پیامبر می شد؟

جواب داد: نه.

فرمود: پس اگر محمد نیز خانه های پر از طلا می داشت، موجب نبوتش نمی شد. هرگز محمد از نادانی تو برای آوردن دلیل استفاده نمی کند.

اما این سخن تو که به آسمان بالا روی. و اضافه کردی که این بالا رفتن به آسمان سبب ایمان آوردن به تو نمی شود مگر اینکه فرود آیی و نامه ای از جانب خدا بیاوری که آن نامه را بخوانیم.

وقتی خود اعتراف می کنی که در صورت بالا رفتن به آسمان ایمان نمی آوری، پس پایین آمدن از آسمان نیز همین حکم را خواهد داشت.

بعد گفتی، مگر اینکه فرود آیی و نامه ای بیاوری تا آن را بخوانیم، و باز هم نمی دانم ایمان خواهم آورد یا نه. تو خود اعتراف می کنی که در مورد حجت خدا عناد و دشمنی داری. بیماری تو را دوایی نیست مگر اینکه به وسیله دوستان خدا ادب گردی و یا به شراره های جهنم سپرده شوی. خداوند بر من علم و اطلاعی جامع عنایت کرده که تمام خواسته های تو را باطل می نمایم.

خداوند فرموده: بگو ای محمد، «سُبْحانَ رَبِّی هَلْ کُنْتُ إِلَّا بَشَراً رَسُولاً» ، (1) { پاک است پروردگار من، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم؟ }مگر من جز انسانی پیامبر هستم.

هرگز خداوند کارها را طبق خواسته و نظر نادانان انجام نخواهد داد. چه جایز باشد و چه غیر جایز، مگر من جز انسانی پیامبرم و مرا ، غیر آن دلائلی که خدا در اختیارم گذاشته الزامی نیست. هرگز مرا نمی رسد که به خدا امر و نهی کنم و نه برایش صلاحدید نمایم، در این صورت مانند آن پیکی هستم که پادشاهی او را پیش دشمنان خود بفرستد و پیک به پادشاه بگوید، باید آنچه دشمنان مایلند انجام دهی.

ابو جهل گفت، یک چیز باقی ماند. مگر تو خود نمی گویی که قوم موسی با صاعقه آسمانی سوختند ،چون تقاضای دیدن خدا را کردند؟

فرمود: صحیح است.

ابو جهل گفت: اگر تو نیز پیامبرش باشی، باید همه ما بسوزیم، زیرا ما درخواستمان دشوارتر از درخواست قوم موسی است. آنها بنا به ادعای شما می گفتند خدا را به ما آشکارا نشان بده. ما می گوییم به تو ایمان نمی آوریم مگر خداوند و ملائکه را برای ما حاضر کنی که با چشم خود ایشان را ببینیم.

پیامبر اکرم فرمود: ابا جهل، مگر داستان ابراهیم خلیل را نشنیده ای؟ وقتی خداوند او را به ملکوت آسمانها برد، که این آیه شاهد آن است:

-1 . اسراء / 93

«وَ كَذلِکَ نُرِی إِبْراهِیمَ مَلَکُوتَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِیَکُونَ مِنَ الْمُوقِنِینَ». (1) و این گونه ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد.} دید چشم او قوی شد به طوری که زمین و آنچه بر روی زمین بود، چه پنهان و چه آشکارا می دید. در همین موقع مشاهده کرد زن و مردی مشغول عمل منافی عفتند. با دیدن چنین جریانی آنها را نفرین کرد که هلاک شوند. هر دو مردند. سپس دو نفر دیگر را مشاهده کرد، بر آن دو نیز نفرین نمود، آن دو هم مردند. برای مرتبه سوم، دو نفر دیگر را به این کار مشغول دید، تا خواست نفرین کند، خداوند به او وحی نمود: ابراهیم، از نفرین نسبت به زن و مرد بنده من خودداری کن، من بخشنده و مهربان و جبار و حلیم هستم. مرا گناه بندگانم زیانی نمی رساند همان طور که اطاعت و بندگی آنها نیز سودی نمی بخشد. هرگز با آنها مثل تو معامله قهرآمیز نمی کنم، از نفرین نسبت به بندگانم خودداری کن. تو بنده ای هستی که باید بندگانم را بترسانی. مرا در ملک شریکی نیست و نه مراقب و فرمانروایی دارم.

بندگان من نسبت به من در یکی از سه حالت هستند:

1. یا توبه می کنند و من توبه آنها را می پذیرم و گناهشان را می بخشم و کار زشت آنها را می پوشانم.

2. یا آنها را عذاب نمی کنم. چون می دانم از نژاد ایشان فرزندانی مؤمن به وجود خواهد آمد، نسبت به پدر و مادر کافر آنها مدارا می کنم و عذابشان نمی کنم تا آن فرزند مؤمن متولد شود، وقتی متولد شد، گرفتار عذاب و بلای من می شوند.

3. اگر نه جزء دسته اول و نه دسته دوم باشند، آن کیفری که برای آنها آماده کرده ام شدیدتر از نفرینی است که تو می کنی، زیرا عذاب و کیفر من برای بندگان مناسب کبریا و جلال من است.

اینک ابراهیم، مرا با بندگانم واگذار، من به آنها از تو مهربانترم، مرا با آنها واگذار چون من جبار و حلیم و حکیم هستم و با علم خود تدبیر امور آنها را می نمایم و قضا و قدر خویش را در میان ایشان اجرا می کنم.

1- . انعام / 75

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ابا جهل، خداوند عذاب را از تو رفع نموده، برای اینکه می داند به زودی از نژاد تو فرزندی پاک به وجود خواهد آمد. همان فرزندت عکرمه، او فرمانروای مسلمانان و نزد خدا - تا وقتی که مطیع خدا باشد - از شخصیتهای برجسته خواهد بود. اگر این جریان نبود، به واسطه این درخواستی که کردید، عذاب بر تو و سایر قریش نازل می شد ولی خداوند می داند، گروهی از ایشان به پیامبرش ایمان می آورند و سعادتمند می شوند. خداوند جلو این سعادت را از آنها نمی گیرد و از ایشان دریغ نمی دارد؛ یا می داند از او مؤمنی متولد می شود و پدرش را مهلت می دهند تا فرزندش به سعادت برسد. اگر این گونه نبود، عذاب بر همه آنها نازل می شد. به آسمان نگاه کن.

اباجهل چشم گشود و دید، دربهای آسمان باز است و آتشی فرود می آید تا جایی که بالای سر آنها قرار میگیرد، آن قدر نزدیک که حرارت آتش را احساس کردند. پیکر ابا جهل و گروه حاضر به لرزه افتاد، پیامبر اکرم فرمود: نترسید، خداوند شما را از میان نمی برد با این آتش عذابی نازل کرد تا شما پند بگیرید. سپس از پشت آن گروه نورهایی خارج شد و به آسمان بالا رفت و در مقابل آنها قرار گرفت و به آسمان برگشت، چنانچه از آسمان آمده بود.

پیامبر اکرم فرمود: بعضی از این نورها همان نورهایی است که خداوند می داند با ایمان به من سعادتمند می شوند و بعض دیگر نورهایی است از فرزندانی پاک که به برخی از شما مربوط است. پدرانشان به من ایمان نمی آورند ولی آن فرزندان ایمان خواهند آورد.(1)

3. تفسیر امام علیه السلام: گروهی از قریش از جمله عتبه بن ربیعه و امیه بن خلف، ولید بن مغیره و عاص بن سعید با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روبرو شدند و گفتند: یا محمد! بیا تا ما خدای تو را عبادت کنیم و تو نیز خدای ما را عبادت کن، ما و تو هر دو در این کار شریک باشیم. اگر اعتقاد ما بر حق باشد تو هم از آن بهره مند شده ای و اگر معتقدات تو بر حق باشد، ما نیز بهره خود را برده ایم. خداوند این سوره را نازل نمود:

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 500 - 514

«قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ. لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ. وَ لا أَنْتُمْ عابِدُونَ ما أَعْبُدُ ...» { بگو: «ای کافران، آنچه می پرستید، نمی پرستم. و آنچه می پرستم، شما نمی پرستید... }

سپس ابی بن خلف استخوان پوسیده ای را با دست خود نرم کرده، آن را به باد داد و گفت، آیا خیال می کنی پروردگارت این استخوانها را باز زنده خواهد کرد خداوند این آیه را نازل نمود «وَ ضَرَبَ لَنا مَثَلًا وَ نَسِیَ خَلْقَهُ قالَ مَنْ یُحْیِ الْعِظامَ وَ هِیَ رَمِیمٌ قُلْ یُحْیِیهَا الَّذِی أَنْشَأَها أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ هُوَ بِکُلِّ خَلْقٍ عَلِیمٌ» تا آخر سوره ... (1)

4. خرایج: مردی عرب خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده گفت، من می خواهم چند سؤال از شما بکنم، خشمگین نمیشوی؟ فرمود: هر چه می خواهی سؤال کن، اگر خودم می دانستم برای تو خواهم گفت و گر نه از جبرئیل سؤال خواهم کرد.

گفت برایم توضیح بدهید، صلیعاء، قریعاء چیست و اولین خونی که بر زمین ریخت چه بود و بهترین بقعه های روی زمین و بدترین جایگاه در زمین کجاست؟ فرمود: ای مرد عرب، این چیزها را نشنیده ام اما جبرئیل که آمد از او می پرسم. جبرئیل نازل شد، او نیز گفت این نامهایی است که تا حالا نشنیده ام. به آسمان عروج نمود و بعد پایین آمده گفت، به مرد عرب بگو صلیعاء سرزمینی است که مردم می کارند ولی چیزی به عمل نمی آید. اما قریعاء سرزمینی است که مردم می کارند بعضی جاها می روید ولی بعضی از قسمتهای آن نمی روید و به اندازه مخارج مردم محصول نمی دهد. بهترین بقعه های زمین مساجد است و بدترین بقعه ها بازارها است که میدان جنب و جوش شیطان است و هر صبح رو به آنجا می آورد. اولین خونی که بر زمین ریخت خون جفت حواء بود، وقتی قابیل از او متولد شد.

مولف: جزری گفته است، در حدیث علی علیه السّلام (که مرد عربی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید صلیعاء و قریعاء چیست) آمده، صلیعاء مصغر صلعاء است و آن زمینی است که چیزی در آن نمی روید و قریعاء زمینی است که خدا آن را لعنت کرد، وقتی چیزی در آن کاشته شود، حاشیه دو طرف زمین می روید ولی وسط آن چیزی نمی روید. (2)

1- . امالی الطوسی 18 - 19
2- . النهایه فی غریب الحدیث والاثر 4: 45

5. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ یَأْتِیَهُمُ اللَّهُ فِی ظُلَلٍ مِنَ الْغَمامِ وَ الْمَلائِکَهُ وَ قُضِیَ الْأَمْرُ وَ إِلَی اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»(1) ، {مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان، در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود؟ و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود. }فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کفار و مشرکین با دلائل خود غلبه یافت و عذر و بهانه آنها را با معجزات خویش رد کرد، بعضی از آنها از آوردن ایمان امتناع کردند و تقاضای انجام کارهای باطلی را نمودند که در این آیه می فرماید «وَ قالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتَّی تَفْجُرَ لَنا مِنَ الْأَرْضِ یَنْبُوعاً أَوْ تَکُونَ لَکَ جَنَّهٌ مِنْ نَخِیلٍ وَ عِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهارَ خِلالَها تَفْجِیراً، أَوْ تُسْقِطَ السَّماءَ کَما زَعَمْتَ عَلَیْنا کِسَفاً أَوْ تَأْتِیَ بِاللَّهِ وَ الْمَلائِکَهِ قَبِیلاً»،(2) { و گفتند: «تا از زمین چشمه ای برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی،یا چنانکه ادعا می کنی، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری، }و بقیه چیزهایی که در آیه ذکر شده است. خداوند می فرماید یا محمد، آیا بعد از این همه دلائلی که آوردیم و بهانه های آنها را با معجزات قطع نمودیم، منتظرند «إِلَّا أَنْ یَأْتِیَهُمُ اللَّهُ فِی ظُلَلٍ مِنَ الْغَمامِ وَ الْمَلائِکَهُ»، (3) {مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان، در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود؟ }تا خداوند با گروهی از ملائکه در سایه هایی از ابر بیاید، چنانچه از تو می خواستند که خداوند در این جهان برای آنها آشکار شود که درخواستی محال است و می گفتند ملائکه پیش ایشان بیاید که ملائکه نیز نخواهند آمد مگر زمانی که دیگر پرستشی نباشد و ستمکاران به واسطه ظلم خود نابود شوند؛ اما فعلا هنگام تکلیف و تعبد است نه وقتی که ملائکه برای هلاک کردن بیایند، این درخواست را از روی نادانی می کنند «وَ قُضِیَ الْأَمْرُ» آنها منتظر آمدن ملائکه هستند، وقتی ملائکه بیایند، دیگر محکوم به فنا و هلاک

1- . بقره / 210
2- . اسراء / 90 - 91
3- . بقره / 210

هستند. «وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ»،(1) {و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود} بازگشت به سوی خدا است که او بر تبهکاران به عقاب و برای مردم متقی و پرهیزگار به جایگاه عالی حکم خواهد کرد.(2)

امام زین العابدین علیه السّلام فرمود: این کفار به آن همه آیات و دلائل کافی که برای آنها آمد قانع نشدند تا آنجا که به آنها گفته شد، «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ یَأْتِیَهُمُ اللَّهُ» یعنی وقتی با دلیل واضح و آشکار قانع نشدند، آیا جز این انتظار دارند که خدا پیش آنها بیاید که این محال است، زیرا چنین توهمی بر خدا جایز نیست.(3)

6. کنز کراجکی: در حدیث آمده که گروهی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده گفتند، مگر تو پیامبر نیستی؟ فرمود: چرا. گفتند، مگر این قرآن کلام خدا نیست؟ فرمود: چرا. گفتند، اینک این آیه را توضیح بده «إِنَّکُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَها وارِدُونَ»(4)، {در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می پرستید، هیزم دوزخید. شما در آن وارد خواهید شد.}وقتی آنها با خدایانشان داخل جهنم شوند، (پس) گروهی حضرت مسیح را می پرستند، تو می گویی عیسی مسیح هم در جهنم خواهد بود؟!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند قرآن را بر من به زبان عرب و حالت متعارف بین آنها در زبانشان در مورد بی شعوران و باشعوران نازل نموده، اگر شما عرب باشید خود متوجه می شوید. در این آیه می فرماید «إِنَّکُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ» شما و آنچه می پرستید که منظور بت ها است و عیسی مسیح داخل آنها نیست (چون «ما» در مورد غیر ذوی العقول به کار برده می شود) و عیسی از ذوی العقول است. اگر گفته بود انکم و من تعبدون حضرت مسیح را نیز در بر می گرفت. پس آنها به درستی فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتراف نمودند.(5)

1- . بقره / 210
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 629 - 630
3- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 630
4- . انبیاء / 98
5- . کنز الفوائد 2: 186 - 187

1. تفسیر امام علیه السلام و احتجاج طبرسی: از حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام نقل می کند که فرمود: جابر ابن عبد الله انصاری گفت، عبد الله بن صوریا که غلامی یهودی و یک چشمش کور بود و یهودیان مدعی بودند او داناترین افراد به مکتب خدا و علوم انبیاء است، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤالهایی در مورد مسائل مختلف نمود تا ایشان را در جواب به آنها درمانده کند، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جوابهایی به او دادند که چاره ای از نپذیرفتن آنها نداشت.

گفت، این اخبار را کدام فرشته برایت می آورد؟ فرمود: جبرئیل. گفت، اگر فرشته دیگری می آورد به تو ایمان می آوردم ولی جبرئیل در بین فرشتگان دشمن ما است جز او اگر میکائیل یا ملائکهای به جز جبرئیل می آورد به تو ایمان می آوردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا جبرئیل را دشمن خود می دانید؟ گفت چون او گرفتاری و شدت را برای بنی اسرائیل می آورد و نگذاشت بخت النصر(1) به دست دانیال کشته شود تا مسلط بر مردم گردید و بنی اسرائیل را به کشتن داد. هر نوع گرفتاری و ناراحتی را فقط جبرئیل می آورد ولی میکائیل حامل رحمت خدا بود.

1- . فیروزآبادی می نویسد: بخت یعنی پسر و نصر بتی است؛ چون او را پیش بتی یافتند و نفهمیدند پدرش کیست، او را بخت نصر پسر آن بت نامیدند، در حملات خود مصر را غارت کرد و بر اورشلیم تسلط یافت. شهر را آتش زد و تمام متاع آن را به غارت برد و یهودیان را به بابل متواری کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وای بر تو که اطلاعی از کار خدا نداری. جبرئیل چه گناهی دارد؟ او که اطاعت امر خدا را در باره شما نموده است. آیا شما ملک الموت را دشمن خود می دانید که مامور قبض روح تمام مردم است؟ آیا پدر و مادری که به فرزندان خود برای بهبودی و مصلحت آنها دواهای تلخ و شور می دهند، تو خیال می کنی دشمن آنها هستند و باید بچه ها پدر و مادر خود را برای این کار دشمن خود بدانند؟ شما نادان هستید و از حکمت خدا غافلید.

من گواهی می دهم که جبرئیل و میکائیل هر دو به دستور خدا عمل می کنند و مطیع او هستند و هر کس دشمن یکی از آن دو باشد، دشمن دیگری نیز هست و کسی که بگوید یکی را دوست می دارم، اگر با دیگری دشمن باشد دروغ گفته است. همچنین محمد و علی علیهما السلام هر دو برادر هستند مانند جبرئیل و میکائیل. هر که آن دو را دوست بدارد از اولیاء خداست و هر که دشمن آنها باشد از دشمنان خداست. کسی که یکی را دوست بدارد و مدعی شود دیگری را دشمن می دارد دروغ گفته و هر دو از چنین کسی بیزارند. همین طور هر کس یکی از ما دو نفر (محمد و علی) را دشمن بدارد و مدعی شود که دیگری را دوست می دارم، ادعای دروغی کرده و ما هر دو از او بیزاریم. خداوند و ملائکه و مردمان پاک سرشت نیز از او بیزارند.(1)

2. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری در تفسیر آیه «قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلی قَلْبِکَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنِینَ. مَنْ کانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِیلَ وَ مِیکالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْکافِرِینَ»(2) {بگو: «کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او، به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.» هر که دشمن خدا، و فرشتگان و فرستادگان او، و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است. } فرمود: امام حسین علیه السّلام از علی بن ابی طالب علیه السّلام نقل

-1 . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 406 - 407
-2 . بقره / 98

کرد که فرمود: خداوند یهود را به دلیل دشمنی که با جبرئیل دارند سرزنش می کند، چون او به دستور خدا مامور اجرای مسائلی بوده که یهود آن پیش آمدها را نمی پسندیدند. خداوند آنها و نواصب را به واسطه کینه ای که با جبرئیل و میکائیل داشتند سرزنش می کند چون این دو فرشته و فرشتگان خدا برای تائید علی بن ابی طالب علیه السّلام نزول می کردند تا او را بر کافران و دشمنان خدا پیروز نمایند تا شمشیر آبدارش دمار از روزگار آنها بر کند.

فرمود: بگو ای محمد صلی الله علیه و آله، «مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ» هر کس از یهودیان دشمن جبرئیل است که بخت النصر را بلند کرد تا بدون گناه به دست دانیال کشته نشود و امضای خدا در مورد یهود به وقوع پیوندد و آنچه خداوند می داند برای ایشان اتفاق افتد. و کافران دیگری از دشمنان خدا که با جبرئیل دشمنی دارند، آل محمد و علی و ناصبی ها هستند، چون خداوند جبرئیل را یاور و ناصر علی قرار داده، نسبت به او کینه دارند، زیرا از محمد و علی علیهما السلام پشتیبانی نموده و دستور پروردگار را در مورد هلاک دشمنان ایشان انجام داده، «فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ» همان جبرئیل قرآن را برای تو به اجازه خدا آورده است. این آیه نیز مشابه آیه دیگری است که می فرماید: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِینُ عَلی قَلْبِکَ لِتَکُونَ مِنَ الْمُنْذِرِینَ بِلِسانٍ عَرَبِیٍّ مُبِینٍ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ»(1) ، {«روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، تا از [جمله] هشداردهندگان باشی؛ به زبان عربی روشن، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن }جبرئیل این قرآن را به قلب تو، موافق با آنچه در انجیل و زبور و صحف ابراهیم و کتاب شیث و سایر انبیاء علیهم السلام است نازل نموده.(2)

سپس می فرماید، «مَنْ کانَ عَدُوًّا لِلَّهِ» هر که به خاطر نعمتهایی که بر محمد و علی و خانواده آنها ارزانی داشته دشمن خدا باشد. آنها آنقدر نادانند که می گویند ما نسبت به خدا و جبرئیل کینه داریم زیرا محمد و علی را گرامی می دارد. هر که دشمن جبرئیل باشد به این دلیل که خدا او را در پیکار با دشمنان خدا پشتیبان محمد و علی علیهما السلام قرار داده، و به دلیل آنکه پشتیبان سایر انبیاء و مرسلین

1- . شعراء / 193 - 195

2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 448 - 449

بوده و همین طور هر کس دشمن ملائکه خداست که برای نصرت دین و تائید اولیائش فرستاده (این آیه در رابطه با گفتار ناصبیان بود که می گفتند ما از جبرئیلی که یاور علی باشد بیزاریم و همچنین از پیامبرانی از قبیل موسی و عیسی و سایر انبیاء که دعوت به نبوت محمد و امامت حضرت علی نموده اند بیزاریم) و سپس می فرماید «وَ جِبْرِیلَ وَ مِیکالَ» یعنی هر کس دشمن جبرئیل و میکائیل باشد.

(وقتی پیامبر اکرم در باره علی علیه السّلام فرمود جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ و اسرافیل پشت سر و ملک الموت جلو علی است بعضی از نواصب گفتند، ما از خدا و جبرئیل و میکائیل و ملائکه ای که با علی چنین کنند بیزاریم.)

فرمود: هر کس به واسطه شدت کینه ای که با علی بن ابی طالب علیه السّلام دارد دشمن اینها باشد، «فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْکافِرِینَ» خداوند دشمن کفار است و با آنها چنان رفتار می کند که دشمن، دشمن خویش را کیفر داده و عقوبت و شکنجه می کند.

سبب نزول این دو آیه، گفتار زشت یهودیان در باره دشمنی با جبرئیل و میکائیل بود و گفتار بدتری که ناصبیان در باره خدا و جبرئیل و میکائیل و سایر ملائکه خدا گفتند. اما ناصبیان چون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوسته در باره فضائل علی علیه السّلام و امتیازاتی که خدا به او ارزانی داشته سخنانی می شنیدند و در تمام این موارد پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: جبرئیل برایم از جانب خدا چنین پیام آورده و گاهی می فرمود: جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ علی است و جبرئیل بر میکائیل افتخار می کند چون طرف راست او است چنانچه وزیر دست راست پادشاه بر وزیر دست چپ افتخار می کند، و همین طور بر بر اسرافیل که در پشت سر علی است و عزرائیل که در جلو به ماموریت گماشته شده افتخار می کند، زیرا راست و چپ از جلو بهتر است، چنانچه اطرافیان پادشاه به نسبت قرب و منزلتی که دارند بر یکدیگر افتخار می کنند.

و باز می فرمود: ممتازترین ملائکه آن ملکی است که بیشتر از دیگران علی را دوست داشته باشد و سوگند ملائکه بین خودشان این جمله است، قسم به آن کسی

که علی علیه السلام را بر تمام مردم بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امتیاز بخشیده.

و گاهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: ملائکه حجب مشتاق دیدار علی ابن ابی طالب هستند همان طور که مادر مهربانی مشتاق دیدار فرزند دلبند و نیکوکار خویش است، فرزندی که پس از مرگ ده فرزندش برایش باقی مانده.

ناصبیان می گفتند، تا کی محمد صلی الله علیه و آله مرتب می گوید جبرئیل و میکائیل و ملائکه چنین هستند و همین طور مقام علی را بالا می برد و می گوید خداوند اختصاص به علی دارد نه سایر مردم. ما از خدا و ملائکه و جبرئیل و میکائیلی که علی را بعد از محمد صلی الله علیه و آله برتری می بخشد بیزاریم و از پیامبرانی که علی را بعد از پیامبر از سایر مردم برتر می دانند نیز بیزاریم.

اما گفتار دشمنان خدا، یهودیان، موقعی بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد. عبد الله ابن صوریا را آوردند. او گفت، یا محمد - صلی الله علیه و آله - چگونه می خوابی؟ زیرا به ما کیفیت خواب پیامبری را که در آخر الزمان می آید اطلاع داده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب او فرمود، چشمم خواب است ولی دلم بیدار است. گفت راست گفتی. باز پرسید، بگو ببینم، بچه از مرد است یا از زن؟ فرمود، استخوانها و رگ و پی ها از مرد است ولی گوشت و خون و موی از زن است. گفت صحیح است. گفت، چرا بچه گاهی چنان شبیه عموی خود می شود و هیچ شباهتی به دایی های خود ندارد؟ فرمود، هر کدام آبش بر دیگری بچربد، شباهت به آن طرف می شود. گفت صحیح است. گفت، بگو ببینم، چگونه می شود که بعضی فرزند ندارند و بچه دار نمی شوند و بعضی دارای بچه اند.

فرمود، وقتی نطفه قرمز شود و کدر گردد منشأ فرزند نمی شود ولی اگر صاف باشد بچه خواهد شد. گفت، بگو ببینم، خدا چگونه است؟ که این سوره در رابطه با همین سؤال نازل شد «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» تا آخر سوره. گفت صحیح است.

گفت، یک سؤال دیگر باقی مانده، اگر بگویی به تو ایمان می آورم و از تو پیروی می کنم. بگو، کدام فرشته برایت از جانب خدا وحی می آورد؟

فرمود، جبرئیل. ابن صوریا گفت، در بین ملائکه، جبرئیل دشمن ما است. او پیوسته کشتار و

ص: 656

گرفتاری و جنگ را برای ما آورده اما پیک و پیام آور ما میکائیل است که حامل شادی و فراوانی است. اگر فرشته وحی تو میکائیل بود به تو ایمان می آوردم چون او باعث تقویت قدرت ما می شد ولی جبرئیل پادشاه ما را از میان می برد، به همین جهت دشمن ما است.

سلمان فارسی از او پرسید، دشمنی او با شما از کجا شروع شد؟ جواب داد، بسیار زیاد اتفاق افتاده که با ما دشمنی ورزیده ولی شدیدترین دشمنی او آنجا بود که خداوند به پیامبران خود خبر داد که بیت المقدس به دست مردی به نام بخت النصر و در زمان حکومت او خراب میشود. او آن را به ما گفته بود، با اینکه خداوند هر چه را بخواهد تغییر می دهد و هر چه را مایل باشد باقی می گذارد و آنچه را بخواهد از میان می برد.

در همان تاریخ، اجداد ما یکی از زورمندان بنی اسرائیل را که پیامبر نیز بود و دانیال نام داشت برای دفع و قتل بخت النصر مامور کردند و مال زیادی در اختیارش گذاشتند تا در این راه خرج کند. همان طور که در بین راه به جستجوی او بود، در بابل پسرک ضعیف و ناتوانی را یافت که نیرو و قدرتی نداشت، خواست او را بکشد اما جبرئیل مانع او شد و به دانیال گفت، اگر خدا او را امر به کشتن شما اسرائیلیان نموده که تو نخواهی توانست او را بکشی، ولی اگر این پسر، آن مرد نباشد، به چه جهت او را می کشی؟ دانیال او را تصدیق کرد و از کشتنش منصرف شد و بازگشت و جریان را نقل کرد. کم کم بخت النصر (همان پسر) قوی شد و به سلطنت رسید و با ما به جنگ پرداخت و بیت المقدس را خراب کرد. به همین جهت است که ما او را (جبرئیل) دشمن خود می گیریم و میکائیل هم دشمن جبرئیل است.

سلمان گفت: ابن صوریا، با همین اندیشه فاسد از راه حقیقت گمراه شده اید. دیدید که اجداد شما چگونه دانیال را برای کشتن بخت النصر مامور کردند، با اینکه خداوند به وسیله انبیاء و پیامبرانش اطلاع داده بود که کسی بر بیت المقدس دست می یابد و آنجا را خراب می کند. آنها تصمیم داشتند پیامبران را تکذیب کنند و آنها را در خبری که داده اند متهم نمایند یا می خواسته اند - با اینکه خبر پیامبران را تصدیق می کنند - بر آنچه خدا مقدر نموده پیروز شوند.

آیا چنین افرادی ممکن است کافر نباشند؟ این چه دشمنی با جبرئیلی است که جلوی طرح شکست تقدیر خدا را گرفته و مردم را از تکذیب خبر انبیاء باز داشته است!.

ابن صوریا گفت، صحیح است که خدا توسط انبیاء چنین خبری داده است ولی او هر چه را بخواهد محو می کند و هر چه را بخواهد ثابت می دارد.

سلمان گفت، پس در این صورت نمی توان به آنچه در تورات، نسبت به گذشته و آینده است نیز اطمینان داشت، زیرا خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می نماید. شاید خداوند موسی و هارون را از نبوت عزل کرده و دعوت آنها را باطل نموده است، چون هر چه را بخواهد اثبات می کند و هر چه آنها اطلاع داده اند که در آینده به وقوع می پیوندد، شاید انجام نشود؛ و آنچه را که گفته اند انجام نمی شود، شاید انجام شد؛ و هر چه گفته اند اتفاق افتاده، شاید اتفاق نیافتاده؛ و آنچه اطلاع داده اند اتفاق نیافتاده، شاید اتفاق افتاده؛ و ممکن است ثوابی را که می گویند در مقابل اعمال داده می شود، خداوند محو کرده باشد و هر عقاب و عذابی که به وسیله آنها تهدید کرده، شاید انجام نشود؛ زیرا خداوند محو و اثبات می نماید. شما معنی محو و اثبات را نمی دانید به همین جهت کافر به خدا هستید و تکذیب خبر غیبی خدا را نموده اید و از دین خارج هستید.

بعد سلمان گفت، من گواهی می دهم، هر کس دشمن جبرئیل باشد او دشمن میکائیل است و آن دو دشمن کسی هستند که با ایشان دشمنی ورزد و رفیق کسی که با آنها مهربان باشد. خداوند این آیه را موافق قول سلمان رحمه الله علیه نازل کرد «قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ» هر که دشمن جبرئیل است، چون پشتیبان اولیاء خدا است و فضائل علی علیه السّلام را از جانب خداوند آورده و این قرآن را به اجازه خدا بر قلب تو نازل کرده، تصدیق سایر کتب آسمانی را می کند و هدایتی است برای مؤمنین و بشارتی برای آنها است به نبوت حضرت محمد و ولایت حضرت علی و سایر ائمه علیهم السلام پس از او. او (جبرئیل) آنها را بشارت می دهد که اگر بر موالات این خاندان بمیرند اولیای واقعی خدا هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود: خداوند سخن تو را تصدیق نموده و گفتارت را پذیرفت. اینک

جبرئیل از جانب خدا پیام آورده است که سلمان و مقداد دو برادر پاک باز در محبت تو و علی برادر و وصی و برگزیده تو هستند و آنها میان اصحابت همچون جبرئیل و میکائیل در میان ملائکه اند. آنها دشمن کسی هستند که یکی از آن دو نفر را دشمن بدارد و دوست دوستدار خود هستند و دوست دوستدار محمد و علی هستند و دشمن کینه توز آنها. اگر مردم روی زمین سلمان و مقداد را به اندازه ای دوست بدارند که ملائکه آسمانها و حجب و کرسی و عرش آنها را دوست دارند، خداوند به واسطه دوستی با دوستان آنها و دشمنی با دشمنان ایشان، یک نفر را عذاب نخواهد کرد.(1)

3. احتجاج طبرسی: ابن عباس گوید: چهل نفر از یهودیان مدینه گفتند، برویم پیش این جادوگر دروغگو و او را سرزنش نماییم و تکذیبش کنیم. او مدعی است من پیامبر خدای جهانم، چگونه می تواند پیامبر باشد با اینکه آدم بهتر از اوست و نوح از او بهتر است و یکایک انبیاء را نام بردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عبد الله بن سلام فرمود: بین من و تو تورات حاکم باشد. یهودیان راضی شدند. آنها گفتند آدم از تو بهتر است زیرا خداوند او را به دست خویش آفریده و از روح خود در او دمیده. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آدم پدر من است ولی به من بهتر از آنچه به آدم داده اند، داده شده. پرسیدند چه چیز؟ فرمود: منادی در هر روز پنج مرتبه فریاد می زند: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله» ولی نمی گوید آدم رسول خدا است. لواء حمد در روز قیامت در اختیار من است نه در دست آدم. گفتند صحیح است، در تورات نوشته است. فرمود، این یکی.

یهودیان گفتند، موسی بهتر از تو است. فرمود، به چه دلیل؟ گفتند زیرا خداوند عزیز با چهار هزار کلمه با او صحبت کرد ولی با تو یک کلمه هم صحبت نکرده. فرمود: به من بهتر از او داده اند. پرسیدند چه چیز؟ فرمود: «سُبْحانَ الَّذِی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلاً مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ إِلَی الْمَسْجِدِ الْأَقْصَی الَّذِی بارَکْنا حَوْلَهُ» من بر بال جبرئیل نشستم تا به آسمان هفتم رسیدم و از سدره المنتهی گذشتم، آنجا که جنه الماوی

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 451 - 457

است، تا بالاخره به ساق عرش چسبیدم از ساق عرش صدایی برآمد: «انی انا الله لا اله الا انا السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر الرؤف الرحیم»

با دل او را دیدم نه با چشم و این بهتر است از آنچه به موسی داده اند. یهودیان اعتراف نموده گفتند، اینها در تورات مکتوب است. فرمود، این دومی.

گفتند، نوح بهتر از تو است. فرمود: به چه دلیل؟ گفتند، چون او سوار کشتی شد و بر جودی گذشت. فرمود: به من از نوح بهتر داده اند. گفتند، چه چیز؟ فرمود: خداوند به من نهری در آسمان عنایت کرده که مجرای آن زیر عرش است بر آن یک میلیون قصر است با یک خشت از طلا و یک خشت از نقره. خار و خاشاک آن زعفران است و سنگریزه آن در و یاقوت است و زمینش از مشک سفید. این برای من و امتم بهتر است و اشاره به همین است آیه شریفه «إِنَّا أَعْطَیْناکَ الْکَوْثَرَ»(1) { ما تو را [چشمه] کوثر دادیم، } گفتند، صحیح است این مطلب در تورات نوشته شده و این نهر بهتر از آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این سومی.

گفتند، ابراهیم بهتر از تو است. فرمود: به چه دلیل؟ گفتند، زیرا خداوند او را خلیل خود قرار داده. فرمود: اگر ابراهیم خلیل خداست من حبیب خدایم. پرسیدند چرا تو را محمد نامیده اند؟ فرمود: مرا خداوند محمد نامیده و اسم مرا از اسم خود جدا نموده، او محمود است و من محمد و امت من حامدند. یهودیان گفتند، صحیح است این بهتر از آن است. فرمود: این چهارمی.

گفتند: عیسی بهتر از تو است. فرمود: برای چه؟ گفتند، زیرا عیسی بن مریم روزی در گردنه های بیت المقدس بود، شیاطین آمدند تا او را ببرند، خداوند جبرئیل را مامور کرد تا بال خود بر چهره شیاطین بزند و آنها را در آتش اندازد. با بال خود زد و آنها را در آتش افکند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به من بهتر از او عنایت کرده اند. گفتند، چه چیز؟ فرمود: روز جنگ بدر از پیکار با مشرکین برگشتم، بسیار گرسنه بودم، وارد مدینه که شدم زنی یهودی به استقبال من آمد و بالای سر خود تغاری داشت و در آن بزغاله ای را بریان کرده بود و مقداری نیز شکر به همراه خود آورده بود. گفت

ص: 660

1- . کوثر / 1

خدا را سپاس که به سلامت برگشتی و بر دشمن پیروز گردیدی، من نذر کرده بودم اگر از این جنگ به سلامت و با غنیمت برگشتی، این بزغاله را بکشم و آن را بریان کنم و برایت بیاورم. من از استرم به نام شهباء پایین آمدم. همین که دست بردم از آن گوشت بریان بخورم، خداوند او را به سخن درآورد و روی چهارپا ایستاد و گفت، یا محمد! مرا نخوری که مسموم هستم. گفتند راست می گویی، این بهتر از آن است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: این پنجم.

گفتند، یکی دیگر مانده، بعد می رویم. فرمود: بگویید. گفتند، سلیمان بهتر از تو است. پرسید به چه دلیل؟ گفتند، چون خداوند برای او شیاطین انس و جن و باد و حیوانات را مسخر گردانیده بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند براق را مسخر من گردانید که بهتر از تمام دنیا است و یکی از چهارپایان بهشت است. صورتش مانند صورت انسان و پاهایش مانند چهارپایان و دم او شبیه دم گاو است. از الاغ بزرگتر و از استر کوچکتر است. زینی از یاقوت قرمز دارد و رکاب آن از در سفید و هفتاد هزار افسار از طلا دارد. دارای دو بال مکلل به در و گوهر و یاقوت و زبرجد است و در پیشانی او نوشته است: «لا اله الا الله وحده لا شریک له محمد رسول الله»

گفتند، صحیح است این مطلب در تورات نوشته شده و از آن بهتر است. ما گواهی به یکتایی خدا و رسالت شما می دهیم.

پیامبر اکرم فرمود: نوح در میان قوم خود نهصد و پنجاه سال درنگ کرد و آنها را دعوت به دین خدا نمود، ولی خداوند تعداد مؤمنین به او را اندک شمرده و فرمود: «وَ ما آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِیلٌ»(1)، { و با او جز [عدّه] اندکی ایمان نیاورده بودند. }ولی در سن کم و عمر کوتاهم آنقدر پیرو من شدند که در طول عمر نوح پیرو او نشدند. در بهشت صد و بیست صف هستند که هشتاد صف آن از امت من می باشند. خداوند عزیز کتاب مرا حاکم و ناسخ بر کتب آنها قرار داده، من چیزهایی را که حرام کرده اند حلال نموده ام و بعضی از چیزهایی را که حلال دانسته اند حرام نموده ام.

1- . هود / 40

یکی از آنها این است که موسی علیه السّلام ماهی گرفتن را در روز شنبه حرام کرده است و خداوند به متجاوزین از این دستور می فرماید «کُونُوا قِرَدَهً خاسِئِینَ»(1) ، {بوزینگانی رانده شده باشید.} یعنی میمون پست باشید و آنچنان شدند. اما من صید ماهی را حلال نمودم، خداوند می فرماید «أُحِلَّ لَکُمْ صَیْدُ الْبَحْرِ وَ طَعامُهُ مَتاعاً لَکُمْ»(2) ، {صید دریا و مأکولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره ای باشد.} من چربیها را حلال نموده ام با اینکه شما آن را نمی خورید. خداوند در کتاب خود بر من درود و صلوات می فرستد و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً»(3) ، { خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید.} خداوند مرا به رافت و رحمت می ستاید و در قرآن می فرماید: «لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ»(4) ، { قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.} و خداوند در قرآن نازل نموده که با من به نجوی نپردازند مگر اینکه صدقه ای بدهند و هیچ پیامبری این امتیاز را ندارد؛ خداوند در قرآن می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا ناجَیْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَیْنَ یَدَیْ نَجْواکُمْ صَدَقَهً»(5)، {ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه با پیامبر [خدا] گفتگوی محرمانه می کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه ای تقدیم بدارید.} بعداً خداوند از آنها این حکم را برداشت.(6)

مولف: شاید اینکه یهودیان نام عیسی بن مریم را می برند، از طرف نصاری صحبت می کنند و نظر آنها را بیان می نمایند. اینکه پیامبر اکرم اراده خوردن بزغاله را

1- . بقره / 65
2- . مائده / 96
3- . احزاب / 56
4- . توبه / 128
5- . مجادله / 12
6- . احتجاج : 48 - 50

می کند، قبل از نزول حرمت ذبیحه اهل کتاب بوده یا منظور اظهار معجزه بوده نه خوردن و یا به ایشان اطلاع داده بودند که مسلمانی آن را کشته است.

4. احتجاج طبرسی: از ثوبان نقل می کند که مردی یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و گفت، یا محمد! سؤال می کنم به من جواب بده. ثوبان با پای خود او را زد و گفت بگو یا رسول الله! یهودی گفت، من فقط نامی را می برم که خانواده اش او را به آن نام نامیده اند. فرمود: به این آیه توجه کردهای؟ «یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَیْرَ الْأَرْضِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیّاتٌ بِیَمِینِهِ»(1) ،{ روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمانها درپیچیده به دست اوست }روزی که زمین به غیر آن تبدیل شود و آسمانها در دست او پیچیده شده است.

یهودی گفت، مردم در آن وقت کجا هستند؟ فرمود: در ظلمت هستند، نه محشر. گفت، اولین چیزی که بهشتیان وقتی وارد بهشت می شوند می خورند چیست؟ فرمود: کبد ماهی. پرسید، غذای آنها بعد از این چیست؟ فرمود: کبد گاو. پرسید، پشت سر این غذا چه آشامیدنی می خورند؟ فرمود سلسبیل. گفت، صحیح است یا محمد. اینک از تو سؤالی می کنم که جز پیامبر، کس دیگری جواب آن را نمی داند. فرمود: چه سؤالی؟ گفت، چگونه است که بچه شبیه پدر و مادرش می شود؟ فرمود: آب مرد سفید و غلیظ است و آب زن زرد و رقیق، وقتی آب مرد بر زن فزونی یافت، بچه به اجازه خدا پسر می شود ، از همین جهت شباهت نیز پیدا می شود؛ ولی موقعی که آب زن بر مرد فزون شد، بچه به اجازه خدا دختر می شود و شباهت هم از همین جهت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنچه از من پرسیدی، سوگند می خورم به آن کس که جانم در دست اوست، هیچ اطلاعی از آن نداشتم جز اینکه خداوند همین الان مرا مطلع نمود. (2)

علل الشرائع: همین خبر را نقل می کند تا این قسمت که کبد حوت می گوید و بعد سؤال می کند، چه آشامیدنی می خورند؟(3)

1- . ابراهیم / 48 و زمر / 67
2- . احتجاج: 50

3- . علل الشرائع: 96

5. امالی صدوق: حسن بن علی علیهما السلام نقل می کند که یک نفر یهودی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده گفت، تو مدعی هستی پیامبرم و به من مانند موسی بن عمران وحی می شود؟ پیامبر اکرم ساعتی سکوت نمود بعد فرمود: آری من بهترین فرزند آدم هستم، فخری نیست، من خاتم النبیین و پیشوای متقین و پیامبر پروردگار جهانیانم. گفت، به جانب کدام گروه مبعوث شده ای، عربها یا عجمها یا ما؟ خداوند این آیه را نازل نمود: «قُلْ یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکُمْ جَمِیعاً».(1)، { بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم }

آن یهودی که از همه داناتر بود گفت، من از ده کلمه ای که خداوند با موسی بن عمران در بقعه مبارکه مناجات نمود که جز پیامبر مرسل یا ملک مقرب کسی نمی داند می پرسم، فرمود: بپرس. گفت به من بگو، کلماتی را که خداوند برای ابراهیم موقعی که خانه خدا را می ساخت انتخاب کرد چه بود؟ فرمود: آن کلمات این است: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر».

یهودی گفت، به چه چیز کعبه را مربع قرار داد؟ فرمود: به کلمات چهارگانه. پرسید، چرا کعبه نام گرفت؟ فرمود: چون وسط دنیا است. یهودی گفت، تفسیر «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله» را برایم بگو. فرمود: خداوند می دانست که فرزندان آدم به خدا دروغ می بندند پس فرمود: «سبحان الله»، یعنی منزه است خدا از آنچه آنها می گویند. اما «الحمدلله»؛ خداوند می داند که بندگان شکر نعمت او را نمی توانند ادا نمایند، پس خود را قبل از ستایش آنها می ستاید و همین اول کلام است، اگر این نبود خداوند احدی را به نعمت خود متنعم نمی کرد. اما «لا اله الا الله»

این کلمه تقوی است که موجب سنگینی ترازوی عمل در روز قیامت می شود. اما «الله اکبر» بالاترین و محبوبترین کلمات است در نزد خدا؛ یعنی چیزی از من بزرگتر نیست. به واسطه اهمیت این کلمه در نزد خدا، نماز با این کلمه شروع می شود و همین اسم با ارزش و گرامی خدا است.

یهودی گفت، صحیح است اما پاداش گوینده این کلام چیست؟ فرمود: وقتی بنده بگوید «سبحان الله»، با او تمام جهان غیر از عرش تسبیح می کنند و به گوینده

1- . اعراف / 158

این کلام ده برابر پاداش می دهد. وقتی بگوید«الحمد لله»، خداوند به او نعمتهای دنیا را متصل به نعمتهای آخرت ارزانی می دارد و این سخن اهل بهشت است. وقتی وارد بهشت می شوند، همه سخنان دنیا تمام می شود و قطع می گردد مگر همین کلمه.

اما «الحمد لله»؛ خداوند در این آیه می فرماید: «دَعْواهُمْ فِیها سُبْحانَکَ اللَّهُمَّ وَ تَحِیَّتُهُمْ فِیها سَلامٌ وَ آخِرُ دَعْواهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»(1)، { نیایش آنان در آنجا سبحانک اللّهم [=خدایا! تو پاک و منزّهی] و درودشان در آنجا سلام است، و پایان نیایش آنان این است که: الحمد لله رب العالمین [=ستایش ویژه پروردگار جهانیان است]. }

اما «لا اله الا الله»؛ که جزای آن بهشت است و این آیه اشاره به همان است «هَلْ جَزاءُ الْإِحْسانِ إِلَّا الْإِحْسانُ»(2) و آیا پاداش کسی که می گوید «لا اله الا الله»، جز بهشت است؟.

یهودی گفت، راست می گویی یا محمد، اولی را جواب دادی، اینک اجازه بده دومی را بپرسم. فرمود: هر چه مایلی بپرس. جبرئیل از طرف راست پیامبر و میکائیل از طرف چپ به او تلقین می نمودند.

یهودی گفت، چرا تو را محمد و احمد و ابو القاسم و بشیر و نذیر و داعی نامیده اند؟ فرمود: اما محمد، زیرا من محمودم در زمین؛ اما احمد، چون در آسمان محمودم؛ اما ابو القاسم، زیرا خداوند در روز قیامت سهم آتش را تقسیم می کند، هر کس از اولین و آخرین کافر به من باشد، در جهنم است؛ و اهل بهشت را تقسیم می کند، هر که به من ایمان آورد و اقرار بر نبوت من کند در بهشت است. اما داعی، زیرا من دعوت کننده مردمم به دین پروردگارم؛ اما نذیر، من هر کس را که مخالفت با من کند، به آتش جهنم می ترسانم؛ اما بشیر، من هر که را اطاعت من کند، مژده به بهشت می دهم.

گفت، راست می گویی یا محمد، بگو ببینم چرا خداوند نماز پنجگانه را بر امت تو در این اوقات شبانه روز واجب کرد؟ فرمود: خورشید هنگام ظهر حلقه ای

1- . يونس / 10
2- . رحمن / 60

دارد که وارد آن می شود، وقتی داخل آن حلقه شد، تمام جهان به جز عرش تسبیح خدا می کنند و این همان ساعتی است که خدا بر من درود می فرستد؛ به همین جهت خدا در این ساعت نماز را بر من و امتم واجب نموده و فرموده است «أَقِمِ الصَّلاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلی غَسَقِ اللَّیْلِ»(1) ، {نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار }و این همان ساعتی است که جهنم را در روز قیامت می آورند، هر مؤمنی که در این ساعت توفیق یابد ساجد یا راکع و یا قائم باشد، خداوند بدنش را بر جهنم حرام می نماید. اما نماز عصر، در همان ساعتی است که آدم در آن ساعت از درخت منهی خورد و او را از بهشت خارج کرد. خداوند فرزندان او را تا روز قیامت مامور به این نماز کرد. خداوند برای امت من نیز لازم گردانید و این از محبوبترین نمازها در نزد خدا است و به من سفارش شده که در بین نمازها، به این نماز اهمیت خاصی بدهم. اما نماز مغرب در همان ساعتی است که خداوند توبه آدم را پذیرفت و فاصله بین موقعی که از درخت منهی خورد تا وقتی که توبه اش را قبول کرد، سیصد سال از سالهای دنیا بود و در آخرت، یک روز مانند هزار سال است. از وقت نماز عصر تا عشاء، آدم سه رکعت نماز خواند، یک رکعت برای خطایش و یک رکعت برای خطای حوا و یک رکعت برای توبه خود. خداوند این سه رکعت را بر امت من واجب نموده و این ساعت استجابت دعا است. خداوند به من وعده داده که دعای کسی را که در این ساعت او را می خواند مستجاب نماید. این بود نمازهایی که خداوند مرا به آن مامور نموده و فرموده است «فَسُبْحانَ اللَّهِ حِینَ تُمْسُونَ وَ حِینَ تُصْبِحُونَ».(2)، {پس خدا را تسبیح گویید آنگاه که به عصر درمی آیید و آنگاه که به بامداد درمی شوید.} اما نماز عشای آخر، چون قبر تاریک است و قیامت نیز تاریک است، خداوند من و امتم را به این نماز مامور نموده تا قبور آنها نورانی شود و به آنها بر صراط نیز نور عنایت شود. (بنده) هر قدمی که برای نماز عشا بردارد، خداوند جسدش را بر آتش حرام می کند و این نمازی است که خداوند برای پیامبران قبل از من انتخاب نموده است. اما نماز صبح، زیرا خورشید وقتی بر دو شاخ شیطان طلوع

1- . اسراء / 78
2- . روم / 17

می کند، خداوند مرا مامور کرده که نماز صبح را قبل از طلوع آفتاب و پیش از آنکه کافر برای خورشید سجده نماید به جا آورم و امت من برای خدا سجده نمایند و سرعت در این نماز محبوب تر است نزد خدا و این نمازی است که ملائکه شب و ملائکه روز هر دو شاهد آن هستند.

گفت، راست می گویی یا محمد، اینک بگو چرا این چهار عضو که نظیف ترین اعضای جسد هستند اختصاص به وضو دارند. فرمود: وقتی شیطان آدم را وسوسه کرد و او نزدیک درخت رفت و به آن نگاه کرد، آب صورتش رفت. سپس از جای حرکت کرد و این اولین قدمی بود که به سوی خطیئه برداشت. بعد با دست آن را گرفت و مالید و از آن خورد، تمام زیور و لباسهایش از تنش ریخت. وقتی خداوند از او درگذشت، دست خود را روی سر گذاشت و گریست. خداوند بر او و فرزندانش وضو را بر این چهار عضو واجب نموده و دستور به شستن صورتی که به درخت نگاه کرد داد. و دستور داد دو دست را تا آرنج بشوید چون از درخت برداشت. و دستور مسح سر را داد، چون دست خود را روی سر گذاشت. و امر کرد دو پایش را مسح نماید چون به سوی خطا گام برداشت. بر امت من مضمضه لازم شد تا دل از حرام بشوید و استنشاق نیز لازم گردید تا بر آنها بوی آتش و گند جهنم را حرام نماید.

یهودی گفت، راست می گویی یا محمد، پاداش عمل کننده به آن چیست؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اولین لحظه ای که به آب دست می زند، شیطان از او دور می شود. وقتی مضمضه می کند، خداوند قلب و زبانش را به حکمت نورانی می کند. وقتی استنشاق می کند، خدا او را از آتش ایمن می کند و بوی بهشت را روزی او می گرداند. وقتی صورتش را بشوید، خداوند رویش را در روزی که صورتهای سفید سیاه می شوند، سفید می کند. وقتی دو دستش را بشوید، خداوند غلهای آتش را بر او حرام می کند. وقتی سر را مسح می کند خداوند گناهان او را می زداید و وقتی دو پایش را مسح می کند، خداوند در روزی که قدمها در آنجا می لغزد، او را از صراط عبور می دهد.

ص: 667

گفت راست گفتی یا محمد، مرا از پنجمی اطلاع بده، چرا خداوند غسل جنابت را لازم نمود ولی برای ادرار و دفع غایط غسل را لازم نکرد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی آدم از درخت خورد، آن غذا در تمام رگها و موی و پوست او جریان یافت. وقتی مردی با همسر خود همبستر شود، آبی که از او خارج می شود، از هر رگ و موی اوست. به همین جهت خداوند بر ذریه او شستشوی از جنابت را تا روز قیامت واجب نمود. ولی ادرار از زیادی آشامیدنی است که می آشامد و غایط مواد زائد غذایی است که می خورد، به همین جهت برای آنها وضو لازم شده است.

یهودی گفت، صحیح می گویی یا محمد، اینک بفرمایید، پاداش کسی که غسل جنابت از حلال نماید چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مؤمن وقتی با زن خود همبستر شود، هفتاد نفر از فرشته بال و پر خود را می گشایند و رحمت نازل می شود و هر وقت غسل نماید، با هر قطره ای، خداوند خانه ای در بهشت برایش می سازد و این سرّی است بین خدا و خلق او (منظور غسل جنابت است).

یهودی گفت، صحیح می فرمایید، مرا از ششمی مطلع کنید. پنج چیز در تورات است که خداوند به بنی اسرائیل دستور داد بعد از موسی به او اقتدا کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود تو را به خدا سوگند، اگر از آنها اطلاع دهم می پذیری و اقرار می کنی؟ گفت آری.

فرمود: اولین کلمهای که در تورات نوشته شده «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» است که به زبان عبرانی طاب است، سپس این آیه را خواند «یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ الْإِنْجِیلِ»(1)، «وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ یَأْتِی مِنْ بَعْدِی اسْمُهُ أَحْمَدُ»(2)، {همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند - پیروی می کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد، و از کار ناپسند باز می دارد}، { و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او «احمد» است بشارتگرم }و در جمله دوم، نام وصی من علی بن ابی طالب است و

1- . اعراف / 157
2- . صف / 6

سوم و چهارم دو نواده من حسن و حسین و در سطر پنجم مادر آنها فاطمه سرور زنان جهان صلوات الله علیهم است و در تورات نام وصی من ایلیا و اسم دو نواده ام شبر و شبیر و آن دو، نور چشم فاطمه علیهما السلام هستند.

یهودی گفت، صحیح است. اکنون بفرمایید، فضیلت اهل بیت چیست؟ فرمود: مرا بر پیامبران فضیلتی است. هیچ پیامبری نیست مگر اینکه قوم خود را نفرین نموده ولی من دعا بر امت خود را نگه داشته ام تا روز قیامت شفاعت کنم از آنها اما برتری بازماندگان و خاندانم بر دیگران، مانند برتری آب است بر تمام اشیاء. همان طور که آب وسیله حیات همه چیز است، حب و دوستی خانواده من باعث کمال دین می شود و این آیه را قرائت نمود: «الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً»(1) ، { امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم }تا آخر آیه.

یهودی گفت، صحیح است یا محمد، راجع به هفتمی بفرمایید. فضیلت مردان بر زنان چیست؟ پیامبر اکرم فرمود: مانند فضل آسمان است بر زمین و مانند برتری آب است بر زمین. به وسیله آب زمین زنده می شود و با مردان زنان زنده می شوند. اگر مردان نبودند خداوند زنان را نمی آفرید، و این آیه را تلاوت کرد: «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَی النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلی بَعْضٍ».(2)، { مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده. }

یهودی گفت چرا چنین است؟ پیامبر اکرم فرمود: خداوند عزیز آدم را از گل

آفرید و از زیادی گل آدم حوّا را آفرید. اولین کسی که از زن اطاعت کرد آدم بود و همین موجب اخراج آدم از بهشت شد. خداوند فضیلت مردان بر زنان در دنیا را بیان کرده است. نمی بینی که زنان حیض می شوند و به همین جهت نمی توانند عبادت کنند ولی مردان دچار چنین ناپاکی نمی شوند؟ یهودی گفت، صحیح است. بفرمایید چرا خداوند بر امت شما سی روز روزه واجب نموده ولی بر سایر امت ها بیشتر از این واجب کرده؟ فرمود: وقتی آدم از درخت منهی خورد، سی روز در دل او باقی

1- . مائده / 3
2- . نساء / 34

ماند. خداوند بر فرزندانش واجب کرد که سی روز تشنگی و گرسنگی بکشند و آن خوراکی که در شب می خورند، تفضل و لطفی است از خدا به آنها، همین طور که بر آدم تفضل نمود، خداوند بر امت من آن را واجب نموده بعد پیامبر این آیه را تلاوت کرد: «کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ. أَیّاماً مَعْدُوداتٍ»(1)، { ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید. روزهای معدودی. }

یهودی گفت، صحیح است. پاداش کسی که روزه بدارد چیست؟ فرمود: هر مؤمنی که ماه رمضان برای امر خدا و به امید ثواب روزه بدارد، برایش هفت امتیاز دارد:

1. پیکرش از حرام زدوده می شود. 2. به رحمت خدا نزدیک می گردد. 3. کفاره خطای آدم را پرداخته است. 4. ناراحتیهای مرگ بر او آسان می شود. 5. ایمنی از گرسنگی و تشنگی در روز قیامت است. 6. خداوند به او براتی از آزادی آتش جهنم می دهد. 7. از میوه های بهشت به او می خوراند. گفت صحیح است، نهمی را بفرمایید، چرا خداوند وقوف در عرفات را بعد از عصر واجب کرده؟ فرمود: عصر همان ساعتی است که آدم در آن ساعت خلاف نمود. خداوند بر امت من وقوف و تضرع و دعا را در بهترین مواضع و محبوب ترین جاها نزد خود لازم نموده و ضمانت بهشت را برای آنها نموده و ساعتی که مردم از عرفات کوچ می کنند همان ساعتی است که آدم کلمات را از خداوند پذیرفت و بر او توبه نمود. خداوند توبه پذیر و مهربان است.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آن کس که مرا به عنوان بشیر و نذیر به رسالت مبعوث نمود، برای خداوند دری است در آسمان دنیا به نام باب الرحمه و باب التوبه و باب الحاجات و باب التفضل و باب الاحسان و باب الجود و باب الکرم و باب العفو و احدی در عرفات اجتماع نمی کند مگر اینکه شایسته این امتیازات می شود. خداوند را صد هزار فرشته است که با هر کدام صد و

1- . بقره / 183 - 184

بیست هزار فرشته می باشد و خدا را رحمتی بر اهل عرفات است که بر آنها نازل می فرماید. وقتی از عرفات کوچ کنند، خداوند ملائکه را بر آزاد نمودن اهل عرفات از آتش شاهد می گیرد و بهشت را برای آنها واجب می کند و منادی فریاد می زند، بروید شما آمرزیده هستید، مرا از خود خشنود کردید و از شما راضی شدم.

یهودی گفت صحیح می فرمایید، اینک دهمی را بفرمایید و آن هفت امتیازی است که خداوند از پیامبران به شما و از تمام امت ها به امت شما عنایت کرده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به من فاتحه الکتاب را عنایت نموده و اذان و جماعت در مسجد و روز جمعه و بلند خواندن در سه نماز و آزادی که به امت من عنایت شده در هنگام بیماری ها و سفر و نماز میت و شفاعت برای اهل کبائر از امتم. یهودی گفت راست می فرمایی،

سپس پرسید: ثواب کسی که فاتحه را بخواند چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس فاتحه الکتاب را بخواند، خداوند معادل هر آیه ای که از آسمان نازل شده، ثواب تلاوت آن آیات را به او پاداش می دهد.

اما اذان، پاداشش این است که اذان گویان امت من با پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین محشور می شوند.

اما جماعت صفوف امت من در زمین، مانند صفهای ملائکه است در آسمان و یک رکعت در جماعت معادل بیست و چهار رکعت است که هر رکعتی در نزد خدا محبوبتر از عبادت چهل سال است. اما روز جمعه، خداوند اولین و آخرین را برای حساب جمع می کند. مؤمنی که در روز جمعه به سوی جماعت برود، خداوند بر او اهوال و ترسهای روز قیامت را سبک می گرداند و او را روانه بهشت می کند.

اما بلند خواندن نماز موجب دور شدن شراره آتش به اندازه صدایش می گردد و از صراط عبور می کند و خوشحال می شود تا وارد بهشت گردد.

اما ششم، خداوند اهوال قیامت را برای امت من تخفیف می دهد چنانچه در قرآن کریم ذکر نموده، هر مؤمنی که نماز میت بخواند خداوند بهشت را بر او واجب می نماید مگر منافق یا نافرمان پدر و مادر باشد. اما شفاعت

من در باره مرتکبین گناه کبیره است به جز مشرکین و ستمگران. گفت درست است یا محمد، صلی الله

ص: 671

علیه و آله، من گواهی می دهم به لا اله الا الله و اینکه تو بنده و پیامبر او و خاتم پیامبران و پیشوای متقین و رسول رب العالمینی. پس از اسلام آوردن نوشته ای سفید خارج کرد که در آن تمام گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوشته بود و گفت یا رسول الله، قسم به آن کسی که تو را به حق مبعوث نموده، این مطالب را نسخه برداری نکرده ام مگر از الواحی که خدا برای موسی بن عمران نوشته بود. در تورات فضیلت تو را خواندم، ولی به شک افتادم. چهل سال است که نام تو را از تورات محو می کنم و پیوسته می بینم باز نوشته است. در تورات خواندم که این مسائل را جز تو جواب نمی دهد و در آن ساعتی که این مسائل به تو عرضه می شود، جبرئیل طرف راست و میکائیل طرف چپ و وصیت در مقابل تو است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: راست می گویی، این جبرییل است که طرف راست من و میکائیل طرف چپ و وصیم علی بن ابی طالب است که در مقابل من است. یهودی ایمان آورد و نیکو ایمانی پیدا کرد.

این خبر در امالی و علل الشرائع و اختصاص نیز نقل شده است.(1)

الخصال: در کتاب خصال از جد بزرگوارش حسن بن علی علیه السلام در حدیث طولانی مثل آن را روایت کرده است.(2)

علل الشرائع: امام حسن علیه السلام فرمود: تعدادی از یهودیان پیش رسول خدا آمدند و داناترین آنان از رسول خدا در مورد تفسیر سبحان اللّه پرسید، تا آخر حدیث.(3)

علل الشرائع: گروهی یهودی نزد رسول خدا صلی الله علیه وآله آمد که داناترین آنان از رسول خدا مسائلی سؤال کرد که از آن جمله بود، مرا خبر بده از خدای متعال، برای چه نماز پنجگانه را فرض کرد، تا آخر حدیث.(4)

1- . امالی صدوق: 157 - 163

2- . الخصال: 355

3- . علل الشرائع: 251

4- . علل الشرائع: 337

الإختصاص: حسن بن عبداللّه از پدرش از جدش از امام حسین علیه السلام مثل این حدیث را نقل کرده است.(1)

مولف: شرح این خبر در ابواب مناسب آن خواهد آمد.

6. علل الشرائع: وهب یمانی گفت، مردی یهودی پیش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده گفت، آیا تو در ام الکتاب، قبل از به وجود آمدنت پیامبر بوده ای؟ فرمود: آری. گفت نام این اصحاب مؤمن تو، قبل از به وجود آمدنشان با نام تو ثبت شده است؟ فرمود: آری. گفت چه شد که شما موقع تولد زبان به حکمت نگشودی چنانچه عیسی زبان گشود، با اینکه تو قبل از آن پیامبر بودی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وضع من مانند عیسی نیست. او را خداوند از مادر بدون پدر آفرید چنانچه آدم را بدون پدر و مادر آفرید. اگر عیسی هنگام ولادت زبان به حکمت نمی گشود، مادرش در مقابل مردم عذری نداشت که او را بدون پدر زائیده بود و او را مورد مؤاخذه قرار می دادند، چنانچه سایر زنان پاکدامن را بازخواست می کردند. سخن او باعث عذر مادرش گردید.(2)

مولف: شاید منظور یهودی، سخن گفتن پیامبر در مقابل مردم بود. به همین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفتن خود را برای خویشاوندان نزدیک خویش ذکر نکرد و یا اظهار نکردن برای آن بوده که اثباتش برای سائل با انکاری که داشت ممکن نبوده.

7. علل الشرائع: انس بن مالک گفت، عبد الله بن سلام شنید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سرزمین یحترث آمده است، او نیز در آنجا بود، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و گفت، من سه سؤال از شما می کنم که جز پیامبر یا وصی او کسی نمی داند. اولین نشانه قیامت چیست و اولین خوراک بهشتیان چه خواهد بود و چه چیز موجب کشش فرزند به پدر و مادرش می شود؟.

فرمود: جبرئیل لحظه ای پیش به من خبر داد. عبد الله بن سلام گفت جبرئیل به تو خبر داده؟ فرمود: آری. گفت او در بین ملائکه، دشمن یهودیان است. پیامبر

1- . اختصاص: 33 - 35
2- . علل الشرائع: 79

این آیه را قرائت نمود: «قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلی قَلْبِکَ بِإِذْنِ اللَّهِ»(1)، { بگو: کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او، به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است، } اما اولین نشانه قیامت آتشی است که مردم مشرق و مغرب را زنده می کند. اما اول غذایی که اهل بهشت می خورند کبد ماهی است. و وقتی آب مرد بر زن غلبه کند، فرزند شبیه پدر می شود. عبد الله بن سلام گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انک رسول الله و گفت، یهودیان مردمانی حیرانند اگر بدانند من مسلمان شده ام به من نسبت نادانی می دهند. یهودیان خدمت پیامبر اکرم آمدند. فرمود: عبد الله بن سلام چگونه شخصی است؟ گفتند بهترین ما است و سرور و سید ما است. فرمود؟ اگر مسلمان شده باشد؟ گفتند به خدا پناه می بریم از این کار.

عبد الله بن سلام پیش آنها آمد در حالی که می گفت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله. گفتند او بدترین ما است و خانواده او بدند و از او جدا شدند. به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد، این بود همان مطلبی که من از آن می ترسیدم.(2)

توضیح: «زیاده الکبد» تکه ای جدا از کبد است که به آن چسپیده و گوارا ترین و پاکیزه ترین آنها است. این مطلب را کرمانی در شرح صحیح بخاری نوشته است. کرمانی گوید: «نزع الولد الی ابیه» به معنای شبیه ترین انسان به پدرش است. جزری در حدیث ابن سلام گوید: بهت، جمع بهوت می باشد. و بهوت صیغه مبالغه بهت است مثل صبور و صبر. سپس به خاطر کثرت استعمال ساکن شده است.(3)

8. علل الشرائع: یزید بن سلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد، چرا قرآن را فرقان نامیده اند؟ فرمود: زیرا آیات و سوره های آن متفرق است و به صورت الواح نازل نشده، ولی سایر کتب از قبیل صحف و تورات و انجیل و زبور یکباره در الواح و اوراق نازل شده است. گفت چرا خورشید و ماه در نور با هم

1- . بقره / 97
2- . علل الشرایع: 94
3- . النهایه فی غریب الحدیث والاثر1: 165

مساوی نیستند؟ فرمود وقتی خداوند آن دو را آفرید اطاعت نمودند و هیچ مخالفتی ننمودند.

خداوند به جبرئیل دستور داد نور ماه را از بین ببرد. جبرئیل نور ماه را محو کرد. در روی قمر خطهای سیاهی بر اثر همین محو نور باقیمانده، اگر ماه به همان صورت خود مانند خورشید به جای می ماند و نورش محو نمی گردید، شب از روز و روز از شب تمییز داده نمی شد و نه روزه دار می دانست چقدر روزه گرفته و تاریخ ماه و سال نیز معلوم نمی شد و این آیه در همین مورد است: «وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ وَ النَّهارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنا آيَةَ اللَّيْلِ وَ جَعَلْنا آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ الْحِسابَ». (1)، {و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره گون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم تا [در آن] فضلی از پروردگارتان بجویید، و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم. }

گفت صحیح است. بفرمایید چرا شب را لیل گفته اند. فرمود زیرا مردان در پناه و کنار زنان قرار می گیرند و خداوند شب را موقع الفت و پوشش قرار داده و این آیه همان مطلب را می فرماید: «وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِباساً وَ جَعَلْنَا النَّهارَ مَعاشاً»، (2) { و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم. و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم. }

گفت صحیح است. بفرمایید چرا ستاره ها کوچک و بزرگ دیده می شوند و حال اینکه اندازه آنها مساوی است؟ فرمود: زیرا بین ستاره ها و آسمان دنیا دریاهایی است که باد امواج آن را به حرکت در می آورد و به همین جهت کوچک و بزرگ دیده می شود و اندازه ستارگان مساوی هستند. گفت بفرمایید چرا دنیا را دنیا نامیده اند؟ فرمود: زیرا دنیا پست آفریده شده و بی ارزش تر از آخرت است. اگر با آخرت خلق می شد اهل آن فانی نمی شد.

گفت بفرمایید چرا به قیامت قیامت می گویند؟ فرمود: زیرا در قیامت مردم برای حساب قیام می کنند. گفت چرا آخرت را آخرت نامیده اند؟ فرمود: چون آخرت

1- . اسراء / 12
2- . نبأ / 10 - 11

بعد از دنیا در آخر می آید سالهایش وصف ناشدنی است و روزهایش ناشمردنی و اهل آن نخواهند مرد.

گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم اولین روزی را که خدا آفرید کدام روز بود؟ فرمود: روز یک شنبه. گفت چرا یک شنبه نامیده شد؟ فرمود: چون یکی است و محدود است. گفت دوشنبه چرا؟ فرمود: چون روز دوم دنیا بود. گفت سه شنبه چرا؟ جواب داد: او روز سوم بود. پرسید چهارشنبه؟ فرمود: روز چهارم بود. گفت پنج شنبه؟ فرمود: پنجمین روز دنیا بود و همان روز انیس است که ابلیس در آن روز مورد لعنت قرار گرفت و ادریس را بالا برد. گفت جمعه چرا به این نام اختصاص یافت؟ فرمود: آن روزی است که مردم در آن جمع می شوند «وَ ذلِکَ یَوْمٌ مَشْهُودٌ» روز شاهد و مشهود است. گفت شنبه را بفرمایید چرا شنبه نام گرفت؟ فرمود: روز آسوده شدن و تمام گردیدن است و این آیه در قرآن شاهد آن است «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَیْنَهُما فِی سِتَّهِ أَیّام»(1) { و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم.} روز یک شنبه خلقت آسمان و زمین شروع شد و روز جمعه اتمام یافت و شنبه روز فراغت و تمام شدن کار است.

گفت راست می فرمایید. بفرمایید چرا آدم را آدم نامیده اند؟ فرمود: زیرا از گل زمین و خاک ظاهر آن آفریده شده. گفت آدم از همه نوع گل آفریده شده یا از یک نوع؟ فرمود: از همه نوع، اگر از یک نوع آفریده شده بود، مردم همدیگر را نمی شناختند و به یک شکل بودند. گفت آیا شبیهی در دنیا دارند؟ فرمود: در خاک رنگ سفید و سبز و زرد و تیره و قرمز و آبی وجود دارد و در آن طعم شیرین و شور و درشت و نرم و رنگ نزدیک به زرد هست، به همین جهت در میان مردم نرم خو و درشت خو و سفید و زرد و قرمز پوست و زرد پوست و سیاه وجود دارد، مطابق رنگهای خاک.

گفت بفرمایید آدم از حوا آفریده شد یا حوا از آدم؟ فرمود: نه، حوا از آدم؛ اگر آدم از حوا آفریده می شد طلاق به دست زنان بود و نه مردان. گفت از همه آدم

1- . قاف / 38

خلق شد یا از یک قسمت او؟ فرمود: از یک قسمت بدنش، اگر از همه او آفریده شده بود قصاص نیز در زنان مانند مردان جایز بود. گفت از ظاهر آدم آفریده شد یا از باطنش؟ فرمود: از باطن او، اگر از ظاهر آدم آفریده شده بود، زنان نیز مانند مردان می توانستند آشکارا و ظاهر باشند به همین جهت آنها پوشیده اند. گفت از طرف راست یا چپ او بود؟ فرمود: از طرف چپ، اگر از طرف راست می بود، مقدار سهم ارث زن هم برابر مرد می شد. به همین جهت مرد دو برابر زن ارث می برد و شهادت دو زن مساوی با شهادت یک مرد است. گفت پس از کجا خلق شد؟ فرمود: از گلی که از پهلوی چپ آدم اضافه مانده بود.

گفت راست می فرمایید. بگویید چرا نام بیت المقدس را روی آن سرزمین گذاشته اند؟

فرمود: چون در آن سرزمین روحها مقدس شده اند و ملائکه برگزیده گردیده و خداوند با موسی در آنجا صحبت کرد. پرسید چرا بهشت جنت نام دارد؟ فرمود: زیرا بهشت مستور و پوشیده از مردم است و خوب و پاک است و در نزد خدا یادآوری بهشت، پسندیده است.(1)

بیان: قول آن حضرت که فرمود: «لانه یلایل الرجال» ملایله در اصل به معنای ملابست و مانند آن است گرچه این معنا از کتابهای لغوی موجود به دست نمی آید.

فیروزآبادی گوید: «لا یلته» به معنای اجاره کردن و عامل گرفتن شخصی برای کار یک شب است.

قول پیامبر که فرمود: «من دون الاخره» مراد در رتبه یا بُعد زمانی می باشد.

قول پیامبر که فرمود: «یوم مسبوت» جزری گوید: روز شنبه را یوم السبت نامید زیرا خداوند متعال عالم را در شش روز آفرید که آخر آن جمعه بود. و خداوند در آن روز کار را تمام کرد پس روز هفتم را یوم السبت یا روز آرامش نامگذاری نمود.

1- . علل الشرائع: 470 - 472

فیروزآبادی گوید: سبت به معنای راحتی و بریدن است. وی گوید: «الأشقر من الدواب» به معنای سرخ موترین آنها است که موهای سفید بر سرخی آن بچربد. وی گوید: «صَهَب» سرخی یا بوری در مو است و «اصهب» به معنای شتری است که موهایش سفیدی تند ندارد.

قول آن حضرت «لانها جنینه» یعنی از مردم پوشیده است. و جز شی نفیس را نمی پوشانند.(1)

9. قصص الانبیاء: صدوق از شهر بن حوشب نقل کرده است: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد، گروهی از یهود خدمت ایشان رسیدند و گفتند ما می خواهیم از چهار چیز سؤال کنیم، اگر جواب ما را دادی تو را تصدیق خواهیم کرد و به تو ایمان می آوریم. فرمود: در این مورد با خدا عهد و پیمان ببندید. گفتند بسیار خوب. فرمود: هر چه مایلید بپرسید.

گفتند، چرا فرزند به مادر شبیه می شود با اینکه نطفه از مرد است؟ فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم، شما قبول ندارید که نطفه مرد سفید و غلیظ است و نطفه زن قرمز و رقیق است؟ هر کدام غلبه داشت شباهت به آن طرف می شود. گفتند درست است.

پرسیدند، بگو ببینیم قبل از نازل شدن تورات، اسرائیل چه چیز را بر خود حرام نمود؟ فرمود: شما را به خدا قسم، مگر محبوب ترین غذاها در نزد یعقوب گوشت شتر و شیر آن نبود تا اینکه گرفتار یک نوع ناراحتی شد، همین که خداوند او را شفا بخشید، به شکرانه این شفا آن گوشت را بر خود حرام نمود. گفتند بسیار خوب، بگو ببینیم چطور می خوابی؟ فرمود: شما را به خدا قسم می دهم، آیا از امتیازات آن شخصی که شما خیال می کنید من آن شخص نیستم این نیست که چشمش در خواب است ولی دلش بیدار؟ گفتند چرا. فرمود: خواب من همین طور است. گفتند به ما از روح اطلاع بده. فرمود: شما را به خدا سوگند، آیا نمی دانید آن جبرئیل است؟ گفتند چرا و او همان فرشتهای است که حامل وحی است برای تو و دشمن ما است و او فرشته ایست تندخو و سخت گیر، اگر جز این بود، ما از تو پیروی

1- . النهایه فی غریب الحدیث والاثر2: 331

می کردیم. خداوند این آیه را به همین جهت نازل کرد: «قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ» تا این قسمت «أَ وَ کُلَّما عاهَدُوا عَهْداً نَبَذَهُ فَرِیقٌ مِنْهُمْ».(1)

10. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَ لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَکْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ. وَ أَقِیمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّکاةَ وَ ارْکَعُوا مَعَ الرَّاکِعِینَ. أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ. وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ وَ إِنَّها لَکَبِیرَهٌ إِلَّا عَلَی الْخاشِعِینَ. الَّذِینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَیْهِ راجِعُونَ یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ. وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَهٌ وَ لا یُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ وَ إِذْ نَجَّیْناکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ یُذَبِّحُونَ أَبْناءَکُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِساءَکُمْ وَ فِی ذلِکُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظِیمٌ».(2) {و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را - با آنکه خود می دانید - کتمان نکنید. و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید. آیا مردم را به نیکی فرمان می دهید و خود را فراموش می کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می خوانید؟ آیا [هیچ] نمی اندیشید؟ از شکیبایی و نماز یاری جویید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان: همان کسانی که می دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او باز خواهند گشت. ای فرزندان اسرائیل، از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتم، و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی کند؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می شود؛ و نه یاری خواهند شد. و [به یاد آرید] آنگاه که شما را از [چنگ] فرعونیان رهانیدیم؛ [آنان] شما را سخت شکنجه می کردند؛ پسران شما را سر می بریدند؛ و زنهایتان را زنده می گذاشتند، و در آن [امر، بلا و] آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود. }

فرمود: خداوند با این آیات یهود را مخاطب قرار داده که حق را با باطل می آمیختند. آنها معتقدند که محمد پیامبر است و علی نیز وصی اوست اما پانصد

1- . قصص الانبیاء: 296
2- . بقره / 42 - 49

سال دیگر خواهد آمد. سپس فرمود: شما قبول دارید که تورات حاکم بین ما و شما باشد؟ گفتند آری.

تورات را آوردند و بر خلاف مطالبی که در آن وجود داشت شروع به خواندن آن کردند. خداوند طوماری که در دست خواننده بود برگرداند و زیر و رو کرد مقداری در دست یکی و بقیه در دست دیگری قرار گرفت و به صورت اژدهایی درآمد که دو سر داشت و هر سر آن اژدها، دست راست یکی از آنها را گرفت و شروع کرد به تکه تکه کردن دست او. آن دو مرد فریاد و ناله می کردند. طومارهای دیگری نیز وجود داشت که به زبان آمده گفتند، باید این عذاب را بکشید تا وقتی که آنچه در باره امتیازات محمد و وصی او علی بن ابی طالب در تورات وجود دارد را درست بخوانید.

در این موقع شروع به خواندن تورات به صورت صحیح کردند و به پیامبر ایمان آوردند و به امامت علی بن ابی طالب علیه السّلام معتقد شدند. خداوند فرمود: «لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ» به این صورت که از یک سو به محمد و علی علیهما السلام اقرار کنید و از جهت دیگر آن را کتمان کنید «وَ تَكْتُمُوا الْحَقَ» اما نبوت و امامت این محمد و علی علیه السّلام را منکرید و شما خود می دانید که کتمان می کنید و مخالف علوم و عقول خود هستید. خداوند اخبار شما را حجت قرار داده اما شما منکر می شوید. او هرگز حجت خویش را از بین نمی برد و با دلائل دیگری آنها را در میان خلق به پا می دارد و شما نمی توانید بر خداوند پیروز و غالب شوید.(1)

سپس خداوند به گروهی از یهودیان منافق که زالووار اموال فقراء را غصب می کنند و مال اغنیاء را می خورند، آنهایی که امر به معروف می کنند ولی خود انجام نمی دهند و از کار بد باز می دارند ولی خود مرتکب آن می شوند، فرموده است «أَ تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ» مردم را امر به صدقه دادن و رد امانت می کنید «وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» و آنچه می گویید انجام نمی دهید «وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتابَ» منظور خواندن تورات است که امر به کار نیک می کند و از زشتیها باز می دارد و کیفر متمردین را بیان می نماید و شرافت و شخصیت اطاعت کنندگان را بازگو می کند «أَ فَلا تَعْقِلُونَ»

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 230

شما اندیشه و عقل ندارید که چه عذابی در انتظار کسانی است که امر کنند و خود انجام ندهند و باز دارند از کاری که خود انجام می دهند؟ اینان گروهی از رؤسای یهود بودند که اموال بیت المال و صدقات را به خود اختصاص می دادند و به نفع خویش ضبط می کردند، سپس خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند در حالی که مردم نادان مردم را علیه پیامبر صلی الله علیه و آله به جسارت واداشته بودند و می گفتند محمد از حد خود تجاوز نموده و ادعای بیجا می نماید. همه خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدند و عوام آنها تصمیم داشتند به پیامبر صلی الله علیه و آله حمله نمایند و او را بکشند - گر چه آن جناب میان اصحاب و یاران خود باشند - و باکی از آینده (و عاقبت کار خود) نداشته باشند. وقتی حضور یافتند، رؤسای یهود شروع به صحبت کردند و قرار گذاشتند، موقعی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مغلوب کردند، به روی او شمشیر بکشند.

گفتند، تو مدعی هستی که مانند موسی و سایر انبیای پیشین پیامبری؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ادعای پیامبری درست است اما اینکه بگویم من نظیر موسی و انبیاء هستم، این را نمی گویم. مقام و موقعیتی که خداوند به من ارزانی داشته را کوچک نمی کنم. خداوند عزیز می فرماید: ای محمد، برتری تو بر سایر پیامبران و مرسلین و ملائکه و مقربین، مانند برتری من است که من پروردگار جهانیانم بر تمام جهانیان. همین سخن را خداوند به موسی فرمود، وقتی او گمان می کرد بر تمام جهانیان برتری دارد.

یهودیان از این جملات به خشم آمدند و تصمیم گرفتند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بکشند و خواستند شمشیرهای خود را از نیام بکشند ولی متوجه شدند که دستهایشان مثل اینکه از پشت بسته شده باشد، خشک است و قدرت حرکت دادن آن را ندارند، متحیر ماندند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ناراحت نباشید! خداوند تصمیم خوبی در باره شما دارد و نگذاشت که به دوست او حمله کنید و شما را مجبور کرد، استدلال او را در باره نبوت حضرت محمد و وصی او علی بن ابی طالب علیه السّلام گوش دهید.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به یهودیان نموده فرمود: ای مردم یهود، این رؤسای شما کافرند و اموال شما را می بلعند و حقوق شما را نمی دهند و به شما ستم روا داشته اند و اموالی را به خود اختصاص داده اند و آن را کم و زیاد می کنند.

رؤسای یهودیان گفتند، اینک استدلال خود را بر ادعایت در مورد نبوت خویش و وصایت برادرت علی بیاور؛ این ادعاهای واهی است که هم کیشان ما را علیه ما می شورانی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اما خداوند عزیز اجازه داده که من آن اموالی را که شما به این مردم ضعیف خیانت کرده اید و همچنین صورت حسابهایی که ترتیب داده اید و در آن صورت حسابها حق اینها را را به نفع خویش ضبط نموده اید حاضر کنم و اعضای آنها به این عمل گواهی دهد و اعضای شما هم این ظلم را افشاء کند.

در این موقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ملائکه خدای عزیز، کلیه اموالی را که اینها به نفع خویش ضبط نموده و به مردم عوام ستم روا داشته اند حاضر کنید. کیسه های زر و سیم و لباسها و حیوانات و اموال مختلف از از بالا سرازیر شدند و در مقابل ایشان صف کشیدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: صورت حسابهایی را که اینها در آن صورت حساب ها مغالطه نموده و حق این بیچارگان را به خویش اختصاص داده اند بیاورید. در این موقع طومارهایی پایین آمد و روی زمین قرار گرفت. فرمود: این طومارها را بردارید. وقتی برداشتند، روی آنها نوشته شده بود، نصیب و حق فلان کس فلان مبلغ است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای فرشتگان خدا، زیر اسم هر کس، مقداری که از او به سرقت برده و به او ستم روا داشته اند بنویسید. مشاهده کردند به خط آشکار نوشته شد، نصیب و حق فلان کس فلان مبلغ است. آنها متوجه شدند که به آنها ده برابر خیانت شده است و حقشان را نداده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ملائکه خدا، اموالی را که حق این مردم است جدا کنید تا به هر کس حق خود او داده شود. اموال از هم جدا شد و به

همان مقداری که در صورت حسابها نوشته شده بود، در کنار هم قرار گرفت و معلوم شد این مبلغ را به سرقت برده و به خود اختصاص داده اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هر کدام از عوامی که حضور داشتند حق آنها را پرداخت و آنهایی را که نبودند برایشان فرستاد و کسانی که فوت شده بودند، به ورثه آنها پرداخت. خداوند رؤسای یهود را بین مردم رسوا نمود ولی بر بعضی از آن رؤسا و مردم شقاوت مستولی گردید و عده ای را هم خداوند توفیق هدایت بخشید.

آنهایی که تصمیم به اسلام آوردن گرفتند، به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند، ما گواهی می دهیم که شما برترین پیامبران و وصی تو علی بن ابی طالب علیهما السلام برترین اوصیاء است؛ اینک خداوند ما را به گناهانمان رسوا نمود، اگر توبه کنیم و دست از هر چه ستم به مردم نموده ایم برداریم، آینده ما چگونه خواهد بود؟

فرمود: شما با ما در بهشت رفیق خواهید شد و برادر ما در دین و آیین خدا هستید. این مردم نیز رسوایی شما را فراموش خواهند کرد طوری که حتی به یاد یکی از آنها نخواهد آمد.

گفتند، ما به یکتایی خدا که شریکی ندارد گواهی می دهیم و به رسالت و برگزیدگی و عظمت شما و اینکه علی برادر شما، وزیر و نگهبان دین و نائب و جانشین شما است و او نسبت به شما همچون هارون است نسبت به موسی، جز مرتبه پیامبری که بعد از شما پیامبری نخواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اینک رستگار شدید.(1)

بعد خداوند در این آیه می فرماید: «یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ»(2)، {ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتم به یاد آرید.}که موسی و هارون را برای اجداد شما به نبوت فرستادم تا بشارت به ظهور حضرت محمد صلی الله علیه و آله و نبوت او و وصایت علی علیه السّلام و امامان از عترت پاکش بدهند و پیمان ها و عهدهایی در این مورد از شما گرفتم که اگر به آنها وفا

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 233 - 237
2- . بقره / 40

کنید در بهشت برین فرمانفرما خواهید بود و استحقاق لطف و محبت خدا را خواهید داشت «وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ» و شما را بر جهانیان برتری بخشیدم، یعنی اجداد شما را هم از نظر دین و هم از نظر دنیا برتری بخشیدم.

اما برتری دینی آنها به واسطه آن بود که آنها ولایت حضرت محمد و علی علیهما السلام و آل او را پذیرفتند و اما در دنیا، به اینکه ابر بر سر آنها سایه افکند و خداوند برای آنها مرغ بریان و ترنجبین را از آسمان نازل نمود و از یک سنگ، آب خوشگوار می نوشیدند و دریا را برای آنها شکافت و آنها نجات یافتند و دشمنانشان غرق گردیدند؛ آنها را بدین وسیله بر اهل زمانشان برتری بخشید، آن کسانی که مخالف عقیده ایشان بودند و منحرف بودند.

سپس خداوند به آنها فرمود: وقتی به خاطر پذیرفتن ولایت محمد صلی الله علیه و آله چنین کاری را نسبت به اجداد شما انجام داده باشم، پس شایسته است شما را فضیلت بیشتری دهم که به عهد و پیمان خود وفا کرده اید.(1)

بعد می فرماید: «وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً» بپرهیزید از روزی که هیچ کس نمی تواند جلوی عذابی را که هنگام مرگ به دیگری خواهد رسید، بگیرد «وَ لا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَهٌ» و نه شفاعت او در تاخیر مرگ پذیرفته می شود «وَ لا یُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ» و نه از او پذیرفته می شود که دیگری را برای مرگ به جای او معرفی نماید.

امام صادق علیه السّلام فرمود: این جریان به هنگام مرگ است که شفاعت و فدا قبول نمی شود، اما در قیامت، ما و خانواده مان تمام گرفتاریهای شیعیانمان را برطرف می کنیم.(2)

بیان:

در باره قول آن حضرت «احتجنوا»، جوهری گوید: این لغت به معنای جذب و نگهداری چیزی آمده است.

جزری گوید: به معنای تملک کردن هم آمده است، «احتجان» جمع آوری و یک جا کردن چیزی است.

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 240
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 241

و در بعضی نسخه ها «احتجبوا» آمده است. یعنی با اموال خود را پوشاندند. اما معنای اول اظهر است. «اقتطاع» به معنای گرفتن آمده است. «حالق» کوه بلند را گویند. در زبان عرب «جاء من حالق» را زمانی می گویند که کسی از جای بلندی آمده باشد.

قول امام علیه السلام «ما سرقوه منه و بینوه» به معنای «مابینوه» است یعنی آن را ظاهر نکردم. یا صیغه امر و خطاب به فرشتگان است که تیر و پیکان را آشکار سازید یعنی جهاد نمایید. و «حادوا» به معنای میل کردن آمده است.(1)

11. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُکُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ فَهِیَ کَالْحِجارَهِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَهً وَ إِنَّ مِنَ الْحِجارَهِ لَما یَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهارُ وَ إِنَّ مِنْها لَما یَشَّقَّقُ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْماءُ وَ إِنَّ مِنْها لَما یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»(2)، {سپس دلهای شما بعد از این [واقعه] سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت تر از آن، چرا که از برخی سنگها، جویهایی بیرون می زند، و پاره ای از آنها می شکافد و آب از آن خارج می شود، و برخی از آنها از بیم خدا فرو می ریزد، و خدا از آنچه می کنید غافل نیست.} «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُکُمْ» فرمود: ای یهودیان، دلهایتان کور و خشک و دور از خیر و رحمت شد. «مِنْ بَعْدِ ذلِکَ» یعنی بعد از اظهار آیات و معجزات عالی که در زمان حضرت موسی مشاهده کردید و آیات و معجزاتی که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله دیدید «فَهِیَ کَالْحِجارَهِ» مانند سنگ ترشح و رطوبتی نداشت که موجب سود و نفعی باشد. یعنی نه حق خدا را پرداختید و نه از اموال و قدرتهای مالی خود انفاق نمودید و نه گرسنه ای را سیر کردید و نه مهمان نوازی نمودید و نه به داد کسی رسیدید و هیچ عمل به آداب انسانیت نکردید «أَوْ أَشَدُّ قَسْوَهً» یعنی دلهای شما مانند سنگهای سخت یا سخت تر از سنگ شد. در اینجا به صورت ابهام بیان می کند و توضیح نمی دهد؛ مانند کسی که به دیگری می گوید، تو نان یا گوشت خورده ای و منظورش این نیست که من نمی دانم کدام را خورده ای و می خواهد بر شنونده مبهم باشد تا نفهمد که چه خورده،

1- . الصحاح: 2097

2- . بقره / 74

گرچه می داند او چه خورده است. معنی آیه این نیست که بلکه سخت تر از سنگ است، زیرا استدراک (که مطلبی را اول به صورتی بگویند و بعد آن را تصحیح کنند، در جایی است که جمله اول غلط است و جمله بعد آن را تصحیح می کند) و این محال است که به خدا نسبت دهیم که مطلبی را به غلط بگوید و بعد آن را تصحیح نماید زیرا او عالم به گذشته و حال و آینده است و می داند که چیزی که در آینده به وجود آید، چگونه خواهد بود. این استدراک مخصوص مخلوق ناقص است و منظورش این هم نیست که دلهای شما چون سنگ و سخت تر از سنگ است یعنی نه سخت تر و نه ملایم تر. وقتی بعداً بفرماید سخت تر است، گفتار قبلی خود را باطل می کند زیرا قبلاً فرمود: مانند سنگ است و این مثل است برای کسی که منظورش این است که بفهماند، دلهای شما نه کم و نه زیاد، منبع و منشأ خیری نیست. در جمله اول مبهم آورده چون می فرماید «أَوْ أَشَدُّ» ولی در جمله دوم توضیح داده که از سنگ سخت تر است این توضیح نه به وسیله لفظ «أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» است بلکه به وسیله این آیه است «وَ إِنَّ مِنَ الْحِجارَةِ لَما یَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهارُ» یعنی در قساوت طوری است که از آن خیری بر نمی خیزد. از بعضی سنگها آب تراوش می کند و به درد مردم می خورند «وَ إِنَّ مِنْها لَما یَشَّقَّقُ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْماءُ» بعضی از سنگها می شکافد و از آنها آب می تراود که منبع خیری است، به جز نهرهایی که از دل کوه ها جاری است، اما دلهای آنها هیچ خیری از آن نمی تراود و تکان نمی خورد تا موجب خیرات مختصری گردد. سپس می فرماید: «وَ إِنَّ مِنْها لَما یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَةِ اللَّهِ» بعضی از این سنگها وقتی آنها را به خدا و به اسماء اولیاء خدا محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و اولاد پاکش علیهم السلام قسم بدهند، از خشیت خدا فرود می آید ولی در دلهای شما چنین اثری وجود ندارد «وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» خداوند کاملا مطلع از وضع شما است و طبق استحقاق شما به شما جزا و کیفر می دهد. او هرگز به شما ظلم نخواهد کرد. او حسابی سخت می گیرد و عقابی سخت می نماید. آنچه در این آیه خداوند در باره دلهای آنها می فرماید، شبیه مطلبی است که در سوره نساء آمده است:

«أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذاً لا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيراً»(1)، {آیا آنان نصیبی از حکومت دارند؟ [اگر هم داشتند،] به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی دادند.} اگر قدرت در دست آنها بود، به مردم به اندازه ذره ای هم نمی دادند و توضیحی که در مورد سنگ ها داده، شبیه توصیفی است که در این آیه می فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»(2)، { اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی. و این مَثَلها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند.} این سرزنش در ارتباط با یهودیان و ناصبی ها است. یهودیان جامع هر دو کار و فاعل هر دو خطا بودند به همین جهت بر آنها سخت گرفته شد تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را مورد سرزنش قرار داد. زیرا گروهی از رؤسای ایشان و زبان آورانشان گفتند: یا محمد، تو ما را ملامت می کنی و از دلهای ما خبر می دهی، درحالی که خدا می داند آن طور نیست. دلهای ما موجب خیر کثیری است؛ ما روزه می گیریم، صدقه می دهیم و با فقرا مواسات داریم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خیر و خوبی در صورتی درست است که در راه خدا باشد و به دستور او انجام شود، اما وقتی منظور، ریا و دشمنی با پیامبر خدا و خودنمایی به وسیله ثروت علیه سفیر خدا باشد، چنین کاری خیر نیست بلکه شر خالص است و آن چنان گردنگیر فاعل می شود که به عذاب شدید مبتلا خواهد شد.

گفتند یا محمد، تو چنین ادعایی می کنی، ولی ما می گوییم آنچه انفاق می کنیم در راه سرکوب نمودن تو و پراکنده کردن یاران تو است و این کار برای ما جهاد بزرگی است و از خداوند آرزوی ثواب عظیمی در مقابل این اعمال داریم. و کمترین چیز این است که ما با شما در ادعا برابریم. دیگر چه فضیلتی برای تو نسبت به ما می ماند؟

1- . نساء / 53
2- . حشر / 21

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برادران یهود! ادعای تساوی نسبت به کسی که به حق این ادعا را می کند و کسی که به باطل مدعی است درست نیست. حجت ها و براهین خداداد بین این دو فرق می گذارد و پرده از ادعای باطل بر می دارد و حق را آشکار می کند. محمد رسول خدا نادانی شما را مغتنم نمی شمرد که بدون دلیل سخن او را بپذیرید، ولی چنان برای شما استدلال می کند که امکان نپذیرفتن آن را نداشته باشید و نتوانید فرار کنید. اگر محمد یک معجزه به انتخاب خود بیاورد، خواهید گفت که این ساختگی و حیله بازی است یا قبلا آموخته است، اما اگر خودتان تقاضا کنید و انتخاب نمایید، دیگر نمی توانید چنین ادعایی کنید. اینک چه معجزه ای می خواهید؟ خداوند به من خبر داده که هر چه شما انتخاب کنید انجام خواهد داد تا بهانه کفار را قطع نماید و موجب افزایش بصیرت مؤمنین شما گردد.

گفتند با ما به انصاف رفتار کردی، اگر همین وعده ای که دادی در مورد خود به انجام رسانیدی، درست، و گر نه باید از ادعای خود در مورد نبوت دست برداری و مانند مردم عادی باشی و تابع حکم تورات گردی، زیرا نتوانسته ای آنچه را ما خواسته ایم انجام دهی و ادعایت باطل میگردد. پیامبر اکرم فرمود: باید تعهد به واقعیت و حقیقت کنید نه تهدید. حالا هر چه مایلید انتخاب کنید تا بهانه شما از میان برود.

گفتند یا محمد، اینک از این کوه گواهی (به رسالت) خود بخواه. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای کوه، از تو می خواهم به حق محمد و آل پاکش، آنها که به نام ایشان خداوند عرش را بر شانه هشت فرشته سبک نموده با اینکه نمی توانستند آن را تکان بدهند، آنها که با نام ایشان خدا توبه آدم را پذیرفت و از خطایش درگذشت و به او مقام اولش را برگرداند، و به حق محمد و آل پاکش، آنها که با نام آنها و درخواست از خدا، خداوند ادریس را در بهشت به مقام ارجمندی رساند، اینک برای این یهودیان گواهی بده، به آن شهادتی که خداوند در تو در مورد قساوت دلهای ایشان و تکذیب آنها گفتار محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله را به امانت گذارده. کوه حرکتی کرد و آب از آن جاری شد و فریاد زد یا محمد!

گواهی می دهم تو رسول پروردگار جهان و بهترین مردم هستی و گواهی می دهم که دل این یهودیان چنانچه توصیف نموده ای از سنگ سخت تر است و چیزی از آن بر نمی آید، چنانچه از دل سنگ آب سیل آسا می تراود یا بیرون می آید و گواهی می دهم که آنها در مورد نسبت کذبی که به تو در رابطه با خدای جهان می دهند، دروغ می گویند. (1)

مولف: بقیه این خبر در ابواب معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد آمد.

12. تفسیر امام علیه السلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ یُؤْمِنُوا لَکُمْ» می فرماید: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با معجزات خود یهودیان را مغلوب نمود و بهانه آنها را قطع کرد، به طوری که امکان مقابله نداشتند و نتوانستند با معجزات آن جناب مبارزه نمایند، گفتند یا محمد، ما به رسالت شما و به اینکه شما هادی و مهدی هستی و علی علیه السّلام برادرت وصی و ولی خدا است ایمان آورده ایم. اما وقتی با سایر یهودیان به خلوت می نشستند، به آنها می گفتند، این ایمانی که ما به ظاهر آوردیم، ما را از ناراحتیهایی که از جانب ایشان می رسد مصون نگه می دارد و در نابودی او و اصحابش ما را کمک می کند، زیرا وقتی آنها خیال می کنند از ایشان هستیم به ما اعتماد نموده اسرار خود را در اختیار ما می گذارند و چیزی را از ما پنهان نمی کنند و ما بدین وسیله اطلاعات خود را در اختیار دشمنان آنها می گذاریم و آنها به کمک ما می توانند در هنگام اشتغال و گرفتاری آنها و زمانی که امکان دفاع ندارند، به ایشان حمله نمایند. ولی در عین حال، مشاهدات و معجزاتی که دیده بودند را نیز به آنها می گفتند. خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر این اعتقاد زشت آنها آگاه نمود و مداخلات بی جای آنها و اینکه منکر مشاهدات خود در مورد معجزات و دلائل واضح آن جناب هستند و فرمود «أَ فَتَطْمَعُونَ» آیا طمع دارید شما و اصحابت از قبیل علی علیه السّلام و آل پاکش «أَنْ یُؤْمِنُوا لَکُمْ» که ایمان به شما بیاورند، این یهودیانی که به وسیله دلائل و معجزات آنها را مغلوب کرده اید و با دلائل واضح آنها را مقهور نمودید «أَنْ یُؤْمِنُوا

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 283 - 387

لَكُمْ» شما را تصديق كنند و براى شيطان صفتان خود، مقام عالى و احوال شريف شما را بيان كنند. «وَ قَدْ كانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ» بعضى از اين يهوديان بنى اسرائيل «يَسْمَعُونَ كَلامَ اللَّهِ» كلام خدا را در كنار كوه طور سيناء و دستورات و نواهى خدا را مى شنيدند «ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ» بعد وقتى به ديگران تحويل مى دادند، تغيير مى دادند «مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ» و كاملا متوجه بودند كه آنچه مى گويند دروغ است «وَ هُمْ يَعْلَمُونَ».

بعد خداوند نفاق ديگرى از آنها را بيان مى كند «وَ إِذا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا» اين يهوديان وقتى با سلمان و مقداد و اباذر و عمار روبرو مى شدند، مى گفتند ما ايمان آورديم «آمَنَّا» ايمان به نبوت محمد صلى الله عليه و آله به همراه ايمان به امامت برادرش على بن ابى طالب كه او برادر او و راهنما و وزير دوستدارش و جانشين او در ميان امت و وفا كننده به عهد او و پرداخت كننده تعهدات او است و بپا دارنده سياست و كفيل مردم و بازدارنده مردم است و اطاعت او موجب خشنودى خدا و جانشينان بعد از او ستارگان درخشان و ماه تابان و خورشيد نور افشانند و دوستان آنها دوستان خدايند و دشمنانشان دشمنان خدا.

و بعضى مى گويند، گواهى مى دهيم كه محمد صاحب معجزات و بپا دارنده دلائل واضح... و دنباله مطلب را به بخش معجزات پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله و باب جنگ بدر كشانده و تا آنجا كه مى گويد: گروهى از اين يهوديان وقتى به ديگران مى رسند، مى گويند چه كرده ايد؟ به آنها گفتيد كه خداوند چگونه شما را از صدق نبوت محمد صلى الله عليه و آله و امامت برادرش على بن ابى طالب عليه السّلام مطلع نموده «لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ» تا در نزد خدا با شما به استدلال پردازند، و گفتيد كه شما اين معجزات و شواهد را مشاهده كرديد ولى ايمان نياورديد و اطاعت از او ننموديد؟ آنها خيال مى كردند، اگر اين شواهد و دلائل را براى ديگران نگويند، از آنها بازخواستى نخواهد شد «أَ فَلا تَعْقِلُونَ» مگر شما انديشه نمى كنيد كه آنچه از دلائل و شواهد نبوت حضرت محمد صلى الله عليه و آله به شما برسد، حجتى بر شما خواهد بود «أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ» خدا مى داند كه شما در دل خود دشمنى حضرت محمد صلى الله عليه و آله را پنهان كرده ايد و اين ايمان ظاهرى آنها را در تصميم خود مبنى بر كشتن پيامبر و از بين بردن اصحابش بيشتر كمک مى كند «وَ ما

يُعْلِنُونَ» و آنچه آشکار می کنند، از قبیل اظهار ایمان که آنها را با مسلمانان مانوس نماید و اسرار آنها را کشف نمایند و به آنها که می توانند بر ضرر مسلمانان اقدام کنند برسانند. ولی خداوند پیامبر خود محمد صلی الله علیه و آله را در پناه خود نگه می دارد تا بتواند هدف خود را از بعثت آن جناب به انجام برساند و نفاق و دشمنی آنها نمی تواند زیانی به پیامبر صلی الله علیه و آله برساند.(1)

خداوند می فرماید، «وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ» تا آخر آیه. امام علیه السّلام فرمود: بعد خداوند می فرماید ای محمد، بعضی از این یهودیان بیسوادند که نمی توانند کتاب بخوانند و سواد نوشتن نیز ندارند (امی منسوب به لفظ «ام» است، یعنی او مانند وقتی که از مادر متولد شده، نمی تواند بنویسد و بخواند) و اطلاعی از کتاب آسمانی و کتاب غیر آسمانی که به دروغ آسمانی معرفی کرده اند ندارد و فرقی بین آن دو نمی گذارد.

«إِلَّا أَمانِيَ» یعنی مگر برای آنها بخوانند و یا بگویند این کتاب خدا است و سخن پروردگار است، و اگر کتاب خدا را بر خلاف آنچه نزول یافته بخوانند، آنها تشخیص نمی دهند «وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» هر چه دانشمندان ایشان به آنها در مورد تکذیب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و وصایت و امامت حضرت علی علیه السّلام تلقین کنند، فقط از آنها تقلید می کنند، با اینکه تقلید بر آنها حرام است.(2)

سپس خداوند می فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتابَ بِأَيْدِيهِمْ»(3)، {پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف شده ای] با دستهای خود می نویسند.} امام علیه السّلام در تفسیر این آیه فرمود: این سخن را خداوند در مورد گروهی از یهودیان می فرماید که صفاتی را در مورد پیامبر آخر الزمان می نویسند و آن صفات بر خلاف صفات موجود در حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، به این صورت که بلند قامت و تنومند است و شکمی بزرگ دارد و مویهایی نزدیک به قرمز رنگ دارد، در حالی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دارای این صفات نبود و مدعی می شدند که آن

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 291 – 293 و 297
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 229
3- . بقره / 79

پیامبر پانصد سال بعد از این خواهد آمد. این سخنان را می گفتند تا ریاست و حکومتشان بر آن مردم از دست نرود و استفاده هایی که از آنها می برند از میان نرود؛ و در ضمن از رنج خدمتگزاری نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و یاران خاصش آسوده باشند. خداوند می فرماید «فَوَیْلٌ لَهُمْ مِمَّا کَتَبَتْ أَیْدِیهِمْ» وای بر آنها از این صفات غیر واقعی که در باره محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السّلام به دست خود می نویسند و عذابی بس شدید در بدترین چاهای جهنم «وَ وَیْلٌ لَهُمْ» برای مرتبه دوم شدیدترین عذاب بر آنها «مِمَّا یَکْسِبُونَ» از اموالی که به دست می آورند که عوام مردم را از ایمان به حضرت محمد صلی الله علیه و آله باز می دارند و منکر ولایت و امامت حضرت علی علیه السّلام می شوند. (1)

و گفتند «لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَیَّاماً مَعْدُودَةً» امام علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه می فرماید: این یهودیانی که اظهار ایمان می کنند ولی نفاق خود را پنهان می نمایند و پیوسته نقشه قتل و هلاک او را می کشند، مدعی هستند که چند روزی بیش دچار آتش جهنم نخواهیم شد. جریان چنین بود که آنها خویشاوندان و برادرانی رضاعی در میان مسلمانان داشتند که آنها را مورد سؤال قرار می دادند که چرا نفاق خود را پنهان می کنید؟ شما خود می دانید که مورد خشم خداوند قرار خواهید گرفت. اما آنها جواب می دادند که مدت این عذاب اندک است و چند روزی بیش نیست و سپس به نعمت بهشت جاوید خواهیم رسید. بنابراین به خاطر آن عذاب مختصری که در آخرت مبتلا خواهیم شد که به زودی از ما برداشته می شود به استقبال این ناراحتی و رنج دنیا نمی رویم، ولی حالا آزاد هستیم و گردن به دین او نمی نهیم و از نعمت دنیا برخورداریم. اشکالی ندارد، ناراحتی وقتی زودگذر باشد اهمیتی ندارد.

خداوند می فرماید: «قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْداً» بگو ای محمد، آیا پیمان گرفته اید از خدا بر اینکه عذاب شما در باره کفر به محمد و وصی او و جانشینانش کم و معدود است؟ نه، بلکه بر این انکار نبوت محمد و ولایت حضرت علی که چون مادری مهربان به امر رهبری امت بعد از او قیام می کند، عذابی دائم و جاوید خواهد

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 302 - 303

بود «فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ» تا خدا خلاف پیمان و قرارداد خود نکند؛ شما در هر دو ادعای خود کاذب و دروغگو هستید. (1)

13. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ لَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ وَ قَفَّيْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ»(2) ، {و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم، و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم. } فرمود: خداوند در این آیه به همان یهودیانی خطاب می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معجزه کوه را برای آنها آورد و آنها را به این صورت سرزنش می کند که ما به حضرت موسی کتاب تورات را دادیم که احکام دین و فضیلت محمد و آل او و امامت علی بن ابی طالب و جانشینان بعد از او و مقام و ارزش مؤمنین به او و بدبختی کسانی که نسبت به او کفر ورزیدند، در آن بود «وَ قَفَّيْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ» و پیوسته پیامبرانی یکی پس از دیگری فرستادیم «وَ آتَيْنا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّناتِ» و به عیسی بن مریم معجزاتی آشکارا دادیم از قبیل زنده نمودن مرده و شفا بخشیدن به کور و پیس و اطلاع دادن از آنچه در خانه خود پنهان می کنند «وَ أَيَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» و او را با جبرئیل مدد و یاری کردیم در آن موقعی که او را از پنجره خانه اش به آسمان برد و کسانی که تصمیم به کشتن او داشتند را به اشتباه انداختیم و خیال کردند آن شخص عیسی مسیح است. (3)

14. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ قالُوا قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلاً ما يُؤْمِنُونَ»، (4) {و گفتند: «دلهای ما در غلاف است.» [نه، چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان، لعنتشان کرده است. پس آنان که ایمان می آورند چه اندک شماره اند. } فرمود :یعنی همان یهودیانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای آنها اظهار معجزه نمود و گفتند دلهای ما منبع خیرات

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 303 - 304
2- . بقره / 87
3- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 371
4- . بقره / 88

و علومی است که خود داریم و در آن هیچ فضیلت و شخصیتی برای توی محمد نمی بینیم که در کتابهای خدا ذکر شده باشد و نه به زبان یکی از پیامبران آمده باشد.

خداوند در رد آنها می فرماید «بَلْ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ» بلکه خدا آنها را لعنت نموده و از خیر و نیکی دورشان کرده «فَقَلِیلاً ما یُؤْمِنُونَ»(1) ایمان مختصری دارند. ایمان به بعضی از آنچه خدا فرستاده دارند و برخی دیگر را کافرند. وقتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در مورد سایر گفتارش تکذیب نمایند، تکذیب ایشان از تصدیقشان بیشتر می شود اما اگر قرائت شود «غُلُفٌ» منظورشان این است که دلهای ما در پس پرده ایست و گفتار تو را نمی فهمیم و شبیه این آیه است که خداوند می فرماید: «وَ قالُوا قُلُوبُنا فِی أَکِنَّهٍ مِمَّا تَدْعُونا إِلَیْهِ وَ فِی آذانِنا وَقْرٌ وَ مِنْ بَیْنِنا وَ بَیْنِکَ حِجابٌ»،(2) { و گفتند: «دلهای ما از آنچه ما را به سوی آن می خوانی سخت محجوب و مهجور است. و در گوشهای ما سنگینی و میان ما و تو پرده ای است } و هر دو قرائت درست است. آنها مدعی هر دو جهت شده اند.(3)

سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای گروه یهودیان، آیا با فرستاده پروردگار عالمیان دشمنی می کنید و از اعتراف به این که شما به خاطر گناهانتان از جاهلان هستید سر باز می زنید؟ قطعاً خداوند با چنین اعترافی احدی را عذاب نمی کند و از کسی که دشمنی ورزد و اعتراف نکند، عذاب دائمی خداوند برطرف نخواهد شد زیرا حضرت آدم بخشش گناهان خود را جز با توبه پیشنهاد نداد، چگونه شما آن را پیشنهاد می دهید، در حالی که چنین عناد و دشمنیای دارید.

توضیح: مرحوم طبرسی می نویسد، قرائت های مشهور «غُلْفٌ» به سکون لام است ولی قرائت به ضم لام کمتر شده است. اگر به سکون لام باشد جمع اغلف است که شمشیر را وقتی در غلاف باشد اغلف می گویند و آنها که به ضم لام

1- . بقره / 88
2- . فصلت / 5
3- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 390 - 391

خوانده اند، جمع غلاف است و معنی آن این است: با اینکه قلوب ما ظرف منبع علم است، نمی دانیم چرا نمی فهمد که تو پیامبری.(1)

15. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السّلام در تفسیر آیه « قُلْ إِنْ كانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقينَ *وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَداً بِما قَدَّمَتْ أَيْديهِمْ وَ اللَّهُ عَليمٌ بِالظَّالِمينَ *وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلى حَياةٍ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَ اللَّهُ بَصيرٌ بِما يَعْمَلُونَ »(2) ، { بگو: «اگر در نزد خدا، سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد، نه دیگر مردم، پس اگر راست می گویید آرزوی مرگ کنید.» ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده اند، هرگز آن را آرزو نخواهند کرد. و خدا به [حال] ستمگران داناست. } فرمود: حضرت مجتبی علیه السّلام فرموده است: وقتی خداوند این یهودیان را به زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سرزنش نمود و عذر و بهانه ایشان را قطع کرد و در مورد نبوت حضرت ختمی مرتبت و بهترین خلایق، دلائل واضحی برای آنها اقامه نمود و اثبات کرد که علی علیه السّلام سید اوصیاء و بهترین فرد بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است و عترت پاکش بپا دارنده دین خدا و رهبر و راهنمای بندگان خدایند و بهانه آنها قطع شد، بطوری که دیگر دلیل و برهانی نمی توانستند اقامه نمایند، شروع به مکابره و لجبازی کردند و گفتند، ما نمی فهمیم تو چه می گویی ولی مدعی هستیم که بهشت فقط به ما اختصاص دارد نه شما و علی و هواداران و امتت. ما گرفتار شما شده ایم و خداوند ما را به این گرفتاری آزمایش می کند. ما اولیاء خاص خدا و بندگان نیکوکار او هستیم که دعایمان را مستجاب می نماید و هرگز درخواست ما را رد نمی کند. پس از این سخنان، خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به آنها بگو، اگر بهشت به شما اختصاص دارد نه دیگران که عبارتند از محمد صلی الله علیه و آله و علی و ائمه علیهم السلام و سایر اصحاب و مؤمنین امت تو، و شما گرفتار به محنت

1- . مجمع البيان 1: 308
2- . بقره / 94 - 96

محمد و آل شده اید و دعایتان مستجاب است، پس برای دروغگویان خود و مخالفین خویش آرزوی مرگ کنید.

زیرا محمد و علی علیهما السلام می گویند، ما اولیای خاص خدا هستیم نه دیگرانی که با ما در عقیده مخالفند، و دعای ما مستجاب است؛ اگر آنچه مدعی هستید واقعیت دارد، پس برای هر کدام از این دو گروه که دروغگو است، آرزوی مرگ کنید «إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ» اگر واقعا راست می گویید و دعایتان مستجاب است و اینگونه دعا کنید: خدایا هر یک از ما را دروغگو هستیم بکش تا راست گویان آسوده شوند. تا روشن شود که استدلال شما صحیح و درست بوده است یانه؟.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از آوردن آن معجزات برای ایشان به آنها فرمود: اینک هر کدام از شما که این حرف را بزنید، چنان آب دهانتان گلوگیرتان می شود که در دم خواهید مرد.

یهودیان می دانستند که در ادعای خود دروغ می گویند و محمد و علی علیهما السلام در ادعای خویش صادقند و هر که آنها را تصدیق نماید صادق است. جرات نکردند چنین دعایی بکنند زیرا می دانستند همان دم خواهند مرد. خداوند می فرماید: «وَ لَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَداً بِما قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ»، یعنی یهودیان به خاطر کفری که قبلا به خدا و محمد و علی برادر و وصی او و ائمه طاهرین ورزیده اند، برای کاذب و دروغگو آرزوی مرگ نخواهند کرد.

می فرماید «وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظّالِمِينَ» خداوند می داند آنها جرات آرزوی مرگ برای کاذب را ندارند چون می دانند خودشان دروغگو هستند، به همین جهت به تو ای پیامبر! دستور داده که با حجت خود ایشان را مغلوب نمایی و به آنها بگویی دروغگو را نفرین کنند تا از این عمل خودداری کند و برای ضعفاء روشن شود که آنها خود دروغگو هستند؛ سپس می فرماید «لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النّاسِ عَلى حَياةٍ» ای محمد! آنها را حریص ترین مردم به زندگی دنیا خواهی یافت، چون از نعمتهای آخرت مایوس هستند و در کفر خویش چنان غوطه ورند که می دانند با چنین کفری امید بهشت امکان ندارد «وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا» خداوند می فرماید، این یهودیان بیشتر از مشرکین (که منظور مجوسیان است)، به دنیا حرص دارند زیرا آنها جز دنیا به چیز

دیگری اعتقاد ندارند و امید خیری در آخرت ندارند و به همین دلیل حرص شدیدی به زندگی دنیا دارند.

بعد سخن از یهودیان می گوید «یَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ یُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَهٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ یُعَمَّرَ»(1) ، {با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند داشت. و خدا بر آنچه می کنند بیناست. } آرزو دارند هر یک از آنها هزار سال عمر کند و این درازی عمر، آنها را از عذاب دور نخواهد کرد. در این آیه خداوند فقط نفرموده «وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ» که اگر چنین می فرمود، معنی آن این می شد که این آرزو او را از عذاب دور نمی کند، اما چون منظورش عمر دراز بود، فرمود «وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ یُعَمَّرَ» بعد می فرماید «وَ اللَّهُ بَصِیرٌ بِما یَعْمَلُونَ» خداوند می داند که آنها چه می کنند و مطابق علم و اطلاعی که دارد به آنها کیفر می دهد و به عدالت رفتار می نماید و ظلم روا نمی دارد.(2)

امام حسن بن علی علیهما السلام فرمود: وقتی یهودیان از این آرزو و تمنا خودداری کردند و خداوند بهانه آنها را قطع کرد، گروهی از آنها که در حضور پیامبر امتناع ورزیده بودند، گفتند یا محمد، آیا دعای تو و مؤمنان مخلص و علی برادر و وصیت که برترین آنها است، مستجاب می شود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آری.

گفتند اگر واقعا چنین است، به علی بگو برای پسر رئیس ما دعا کند. او جوانی برومند و زیبا و تنومند بود اما مبتلا به برص و جذام شده و چنان گوشه گیر شده که در میان مردم رفت و آمدی ندارد و حتی نان را با سرنیزه و از فاصله دور بر می دارد و کسی به او نزدیک نمی شود.

فرمود: او را بیاورید. وقتی آوردند پیامبر صلی الله علیه و آله و اصحاب دیدند قیافه بسیار کریه و زشتی دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: برایش دعا کن خداوند دعایت را مستجاب می نماید. علی علیه السّلام

1- . بقره / 96
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 442 - 444

شروع به دعا کرد و بعد از پایان دعا، تمام ناراحتیهای جوان بر طرف شد و همان جمال و زیبایی و کمال اول به او برگشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جوان، اینک به آن کس که از این گرفتاری نجاتت بخشید ایمان بیاور. گفت ایمان آوردم و ایمان نیکویی پیدا کرد. اما پدرش رو به پیامبر اکرم نموده گفت یا محمد، به من ستم روا داشتی. کاش پسرم همان طور جذام و برص داشت و دین تو را نمی پذیرفت، من همان حال را بهتر دوست می داشتم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ولی خداوند او را از این درد نجات بخشید و بهشت برین را به او ارزانی داشت. پدرش گفت چنین موقعیتی را به تو و دوستت نداده اند، هنگام شفایش رسیده بود خدا به او شفا داد. اگر دعای دوست تو یعنی علی در امور خیر به اجابت می رسد، باید در امور شر نیز به اجابت برسد، بگو دعا کند خدا مرا مبتلا به برص و جذام نماید من می دانم طوری نخواهد شد؛ تا برای آنها معلوم شود که فریب تو را خورده اند و پسر من به دعای او شفا پیدا نکرده.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای یهودی از خدا بپرهیز و قدر عافیت و سلامتی را بدان، مبادا خود را دچار بلا کنی و به استقبال بلا و گرفتاری بروی. این نعمت را با شکر و سپاسگزاری پاسخ بده. هر که کفران نعمت کند، آن نعمت از او گرفته می شود و هر کس سپاسگزار باشد به او افزایش می دهند.

یهودی گفت، یکی از شکرهای نعمت خدا، تکذیب دشمن دروغگوی خدا است. من می خواهم با این کار به پسرم بفهمانم که شفای او به شما هیچ ربطی ندارد و خوب شدنش به واسطه دعای علی دوست شما نبوده.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تبسمی نموده فرمود: بسیار خوب، تو می گویی شفای فرزندت به دعای علی نبوده بلکه هنگام شفای او مصادف با دعای علی گردیده، اکنون اگر علی بر تو نفرین کند و مبتلا به بلا بشوی، خواهی گفت بلای من مصادف با نفرین او شده است؟

یهودی گفت نه این حرف را نمی زنم زیرا من بدین وسیله بر دشمن خدا استدلال می کنم و همین نیز دلیلی از طرف او برای من است. خداوند هرگز در چنین

موردی دعای دشمن خود را مستجاب نخواهد کرد که در این صورت، بندگان خود را فریفته که دعای مدعی دروغی را اجابت نموده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت نباید دعای علی را نیز در مورد شفای فرزندت می پذیرفت، چنانچه ادعا می کنی در باره تو نمی پذیرد و کاری نمی کند که موجب اشتباه بندگان خدا شود و دروغگو را تصدیق نماید. مرد یهودی متحیر شد زیرا شبهه او باطل گردید، ولی باز گفت، اگر راست می گویی، علی این کار را نسبت به من انجام دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود یا ابو الحسن این کافر جز سرپیچی و تمرد راه دیگری را نمی پذیرد اینک از خدا آنچه را او پیشنهاد می کند بخواه و بگو خدایا، او را مبتلا به بیماری فرزندش بفرما. امیر المؤمنین علیه السّلام همین نفرین را نمود و مرد یهودی به درد فرزند خود مبتلا گردید و دچار جذام و برص شد. شروع کرد به ناله و فریاد زدن و می گفت یا محمد، فهمیدم راست می گویی مرا ببخش.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر خدا بداند تو راست می گویی نجاتت می بخشد ولی او می داند تو از این حال خارج نخواهی شد و پیوسته بر کفرت افزوده می شود. اگر بداند در صورت نجات ایمان می آوری تو را می بخشد زیرا خداوند جواد و کریم است.

امام علیه السّلام فرمود: درد یهودی چهل سال به همین صورت باقی بود تا نشانه ای برای مردم باشد و موجب عبرت گردد و علامت و حجتی برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و آیندگان باشد و فرزندش صحیح و سالم هشتاد سال زندگی کرد تا موجب عبرت شود و مردم به ایمان تشویق شوند و از کفر و طغیان کناره گیری کنند.

وقتی مرد یهودی مبتلا به بیماری شد و پسرش شفا یافت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بندگان خدا! از کفر نسبت به نعمت خدا بپرهیزید زیرا موجب بازگشت بلا برای ناسپاس و کافر خواهد شد و با بندگی و اطاعت به خدا نزدیک شوید تا پاداش شما را زیاد کند. و عمرهای خود را در دنیا با پیکار و جنگ با

دشمنان خدا کوتاه کنید تا به شما در آخرت در بهشت جاوید طول عمر عنایت کنند و اموال خود را در مصارف لازم به کار بندید تا ثروت و غنای شما در بهشت افزون شود.

گروهی گفتند یا رسول الله، ما بدنی ضعیف و عمری کوتاه و اموال کمی داریم که برای پیکار با دشمنان کافی نیست و اموال ما از خرج خانواده مان زیادتر نمی باشد، می فرمایید چکار کنیم؟ فرمود: با دل و زبان همراهی کنید.

عرض کردند به چه صورت؟ فرمود: دلهای خود را وقف محبت «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و علی ولی الله و وصی رسول الله و حب و دوستی برگزیدگان دین خدا و حب شیعه و دوستداران آنها و حب برادران مؤمن خودتان و خودداری از دشمنی و کینه توزی کنید اما زبانها را به ذکر خدا و ستایش او و صلوات بر پیامبر و آل پاکش بگشایید که خداوند با این اعمال شما را به شایسته ترین درجات می رساند و به مقام های عالی خواهید رسید.(1)

بیان: «کاع» به معنای فرار و ترسیدن میآید «وسیم» مانند «قسیم» و به خوشروی گویند. گفته می شود این چیز مورد حمایت است یعنی کسی حق نزدیک شدن به او را ندارد «امتری الریح السحاب» گفته می شود یعنی باد ابر را بفشرد.

16. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه: «وَ لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ آیاتٍ بَیِّناتٍ وَ ما یَکْفُرُ بِها إِلَّا الْفاسِقُونَ»(2) ، {و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم، و جز فاسقان [کسی] آنها را انکار نمی کند. }فرمود: خداوند می فرماید ای محمد - صلی الله علیه و آله - بر تو آیات و نشانه های آشکاری نازل کردیم که شاهد صدق ادعای نبوت تو است و امامت برادرت علی و وصی و صفی تو را آشکار می کند و این دلائل کفر کسانی است که در باره تو و برادرت شک دارند و یا گفتار یکی از شما را رد می کنند و نمی پذیرند. سپس می فرماید «وَ ما یَکْفُرُ بِها» به این آیات که شاهد برتری تو و علی بعد از تو بر تمام جهانیان است

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 444 - 448

2- . بقره / 99

کافر نمی شود مگر فاسق و شخصی که خارج از دین خداست، از یهودیان دروغگو و دشمنان سرسختی که به ظاهر خود را مسلمان می نامند.(1)

امام فرمود: حضرت علی بن الحسین علیه السّلام فرمود: جریان چنین بود که وقتی عبد الله بن سلام پس از سؤالهایی که نمود و جوابهایی که دریافت کرد به پیامبر ایمان آورد و گفت، یا محمد صلی الله علیه و آله، یک چیز دیگر باقی مانده و آن بزرگترین سؤال و عالی ترین هدف است. چه کسی جانشین تو خواهد بود و تعهدات تو را می پردازد و امانات تو را رد می کند و آیات و نشانه های تو را توضیح می دهد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اینک اصحاب من حضور دارند، پیش آنها برو. نور درخشانی که در پیشانی جانشین من و چهره تابناکش وجود دارد تو را راهنمایی خواهد کرد و به زودی طومار دست تو می گوید او وصی من است و اعضاء و جوارحت نیز بر آن گواهی خواهند داد.

عبد الله بن سلام پیش آنها رفت، چشمش به علی علیه السّلام که در بین آنها بود افتاد. چهره اش چنان می درخشید که نور آفتاب را خیره می کرد. طوماری که در دست داشت، با اعضای بدنش گفتند ای پسر سلام، این علی بن ابی طالب است که دوستانش بهشت را پر کرده اند و دشمنانش جهنم را و گسترش دهنده دین خدا در اطراف جهان است و کفر و بت پرستی را از روی زمین بر می دارد. به دامن ولایت او چنگ بزن تا سعادتمند شوی و در راه او پایدار باش تا رشد و کمال یابی.

عبد الله بن سلام گفت، «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد صلی الله علیه و آله عبده و رسوله المصطفی و امینه المرتضی و امیره علی جمیع الوری و اشهد ان علیا اخوه و صفیه و وصیه القائم بامره». کسی که تعهدات و دیون و امانتهای او را رد می کند و آیات و بینات او را توضیح می دهد و با دلائل و معجزات خود اباطیل و یاوه سرائیها را رد می نماید. من گواهی می دهم که شما دو تا همان کسانی هستید که موسی و پیامبران پیش از او ما را راهنمایی به شناختتان نموده اند و برگزیده همه اصفیاء هستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حجت

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 459

تمام گردید و شک و شبهه و بهانه برطرف شد. اگر تو را رها کنم دیگر برای من بهانه ای نماند و اگر از تو پشتیبانی نکنم برای من سودی نخواهد داشت.

بعد گفت یا رسول الله، یهودیان مردمانی یاوه سرا و متعصبند، اگر بدانند من مسلمان شده ام مرا به باد ناسزا می گیرند؛ مرا پیش خود پنهان کن. وقتی پیش تو آمدند سؤال کن نظرشان در باره من چیست؟ تا بشنوی قبل از اطلاع نسبت به ایمان من، چه عقیده ای در باره ام دارند و بعد از اطلاع چه خواهند کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عبد الله بن سلام را در خانه خود پنهان کرد و گروهی از یهودیان را احضار نمود و اسلام را بر آنها عرضه داشت ولی ایشان انکار نمودند. فرمود: چه کسی را قبول دارید تا بین من و شما حکومت کند؟ گفتند عبد الله بن سلام را. فرمود: او نزد شما چگونه شخصی است؟ گفتند او رئیس ما است و پسر رئیسمان و سرور و فرزند سرور ما و عالم و پسر دانشمند ما است. مردی پارساست و پدری پارسا داشت و بسیار زاهد و متدین است.

فرمود: اگر او به من ایمان آورد آیا شما ایمان خواهید آورد؟ گفتند خدا او را از این شر نگهدارد. باز سؤال کرد و آنها همین جواب را دادند. پیامبر اکرم در این موقع صدا زد خارج شو عبد الله و برای آنها آنچه خدا برایت از نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله آشکار نموده اظهار نما.

عبد الله بن سلام خارج شد در حالی که می گفت «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمد عبده و رسوله» همان کسی که در تورات و انجیل و زبور و صحف ابراهیم و سایر کتب آسمانی نامش برده شده و نام او و برادرش علی بن ابی طالب یاد شده است. وقتی یهودیان این سخن را از او شنیدند گفتند، این مرد نادانترین ماست و فرزند مردی نادان و بدترین ماست و فرزند بدترین و فاسق پسر فاسق و نادان و فرزند نادانی است. چون اینجا نبود ما نخواستیم از او به بدی یاد کنیم و غیبت او را نماییم.

عبد الله رو به پیامبر اکرم نموده عرض کرد، من از همین مطلب می ترسیدم. او ایمان خوبی داشت و یهودیان همسایه اش همواره در پی آزار عبد الله بودند. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شدت گرما در مسجد بود که عبد الله بن سلام

وارد شد. بلال اذان نماز را گفته بود و مردم نیز بعضی در رکوع و برخی در قیام و گروهی در سجده بودند. تا چشم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او افتاد دید رنگش تغییر کرده و از دو چشمش اشک می بارد. فرمود: چه شده عبد الله؟

گفت یا رسول الله، یهودیان به من حمله کردند و هر چه در منزل داشتم از من به امانت گرفته و شکستند و هر چه از آنها به امانت خواستم ندادند بعد با هم قرار گذاشتند که با من مجالست و معامله و مشورت نکنند و حتی سخن نگویند و هرگز رفت و آمدی نکنند. آنها با خانواده من نیز چنین قراردادی کردند و دیگر اهل منزلم نیز با من صحبت نمی کنند و تمام همسایگان یهودم همین طورند. از آنها بیزار شده ام و دیگر با آنها انس و الفتی ندارم؛ اما فاصله بین من و مسجد و خانه شما زیاد است و امکان ندارد هر وقت ناراحت شدم در مسجد یا منزلتان خدمت شما برسم. پس از شنیدن سخنان عبد الله، پیامبر اکرم را حالتی مانند حالت وحی دست داد و بعد از لحظه ای آن حالت مرتفع شد و این آیه نازل گردید «إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَ هُمْ راكِعُونَ وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغالِبُونَ»(1) {ولیّ شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند: همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده اند ولیّ خود بداند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروزمندانند. }

فرمود یا عبد الله بن سلام، ولی شما خدا است و یاور شما بر یهودیانی که علیه شما توطئه می کنند اوست و رسول خدا نیز یاور شما و کسانی است که نماز بپا میدارند و در حال رکوع زکات میدهند. سپس فرمود: یا عبد الله هر که خدا و پیامبر و مؤمنین را دوست داشته باشد و دوستان آنها را دوست بدارد و با دشمنان آنها دشمن باشد و در گرفتاریها به خدا و آنها پناه ببرد، همانا حزب خدا بر یهودیان و سایر کافران پیروزند. مبادا ناراحت باشی، خدا و این گروه یاور تواند و او مدافع تو از شر دشمنانت است و جلوی مکر و حیله آنها را میگیرد.

1- . مائده / 55 - 56

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: یا عبد الله بن سلام، به تو مژده میدهم که خداوند دوستانی بهتر از آنها به تو عنایت کرده که آن دوستان عبارتند از خدا و پیامبرش و کسانی که ایمان دارند و نماز می خوانند و در حال رکوع زکات می دهند.

عبد الله گفت آن شخصی که این امتیاز را دارد کیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رو به جانب سائلی نموده فرمود: هم اکنون کسی به تو چیزی داد؟ گفت آری، آن نمازگزار دست خود را به جانب من دراز کرد و اشاره نمود که این انگشتر را از او بگیرم، من از دست او گرفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به انگشتر و آن سمت نمود و دید انگشتر علی است. آنگاه فرمود: الله اکبر، این شخص ولی شما بعد از من و برترین مردم پس از من است.

پس از مدتی کوتاه، همسایه عبد الله مریض شد و فقیر گردید و مجبور به فروش خانه خود شد اما جز عبد الله مشتریای نداشت. پس از آن نیز هر کدام از همسایگانش به یک گرفتاری مبتلا شدند و به همان جهت مجبور به فروش منزل خود شدند. عبد الله مالک آن محله شد، خداوند ریشه یهودیان را کند و عبد الله به جای آنها گروهی از بهترین افراد مهاجر را جایگزین نمود که با او کمال انس و مجالست را پیدا کردند. حیله آنها به خودشان برگشت. خداوند به واسطه ایمانی که عبدالله به پیامبر داشت و دوستی با امیر المؤمنین علی ولی الله علیهما السلام، زندگی بسیار خوشی به او عنایت کرد.(1)

آیه «أَ وَ كُلَّما عاهَدُوا عَهْداً نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لا يُؤْمِنُونَ»(2) ، { و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکندند؟ بلکه [حقیقت این است که] بیشترشان ایمان نمی آورند. } امام عسکری علیه السّلام فرمود: حضرت باقر علیه السّلام فرمود: خداوند در این آیه یهودیانی را که جریان آنها را ذکر کردیم و ناصبی هایی که پیمان شکنی کردند را توبیخ و سرزنش می کند و می فرماید: «أَ وَ كُلَّما عاهَدُوا عَهْداً» هر زمان پیمانی بستند و تاکید نمودند که مطیع محمد و علی و فرمانبردار و شکیبا در این راه باشند، گروهی از آنها پیمان شکنی

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 460 - 464

2- . بقره / 100

کردند. خداوند می فرماید، بلکه اکثر آنها ایمان ندارند و در آینده با مشاهده آیات و دیدن معجزات توبه نخواهند کرد.(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مردم، از خدا بپرهیزید و در راه فرمان پیامبر او در توحید و ایمان به نبوت محمد رسول و اعتقاد به ولایت علی ولی الله پایدار باشید. مبادا شما را نماز و روزه و عبادت های گذشته بفریبد و آنچه به شما سود می بخشد، وفا نمودن به عهد و پیمان است. اگر وفا کردید نسبت به شما وفا خواهد شد و مورد محبت قرار می گیرید و هر که پیمان شکنی کند به ضرر خود او است و خداوند انتقام گیرنده از او است و نتیجه اعمال شما در آخر معلوم خواهد شد. این وصیت پیامبر است برای همه اصحابش و همین سفارش را هنگامی که روانه غار شد، کرد.(2)

بیان: «حماره القیظ» با تشدید «ر» به معنای گرم شدن آن است و در مثال «استاصل الله شافته» یعنی خدا او را از بین برد.

17. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «وَ لَمَّا جاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»(3) ، {و آنگاه که فرستاده ای از جانب خداوند برایشان آمد }تا این آیه «لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ»(4) ، { قطعاً پاداشی [که] از جانب خدا [می یافتند] بهتر بود، اگر می دانستند} می فرماید: امام صادق علیه السّلام فرمود: وقتی پیامبری از جانب خدا می آید و آنچه نزد یهودیان و ناصبی ها از فضیلت محمد و علی و لزوم ولایت آن دو ولایت دوستان آنها و دشمنی با دشمنانشان است را تصدیق می کند، گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر می اندازند و عمل به آن را ترک می کنند و نسبت به نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت و امامت علی علیه السّلام حسد می ورزند و فضائل آنها را انکار می کنند و طوری برخورد می کنند که انگار اطلاعی ندارند با اینکه کاملا مطلع هستند که راه و ادعای

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 464 - 465
2- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 465
3- . بقره / 101
4- . بقره / 103

آنها بر حق است. این یهودیان و ناصبی ها آنچه را شیاطین بر ملک سلیمان میخوانند خوانده و گمان می کنند که سلیمان با سحر و جادو و نیرنگ بازی ها به آن قدرت عظیم رسیده و می خواهند به این وسیله آنها را از راه خدا باز دارند.

جریان چنین بود که یهودیان ملحد و ناصبی های مشرک که همکار آنها در الحادشان بودند، وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فضائل علی را شنیدند و از او و علی علیه السّلام معجزاتی را که خداوند به دست آنها ابراز نمود دیدند، با یکدیگر به گفتگو پرداختند و بالاخره چنین نتیجه گیری کردند که محمد صلی الله علیه و آله با نیرنگ و جادوگری و سحری که خود آموخته و به علی نیز یاد داده، جز قدرت طلبی هدفی ندارد. او تصمیم دارد بر ما حکومت کند و فرمانروایی را بعد از خود برای علی تحکیم نماید و آنچه از جانب خداوند می گوید ناصحیح است و بر خدا بسته است. او با سحر و نیرنگ خود می خواهد ما و ضعفای ما را به زانو درآورد. از همه مردم نیرومندتر در سحر، سلیمان بن داود بود که با سحر خود مالک تمام دنیا شد و جن و انس و شیاطین را مسخر نمود. اگر ما هم مقداری از جادوگری سلیمان را بیاموزیم می توانیم آنچه را محمد و علی علیهما السلام می گویند بگوییم و می توانیم مقامی را که محمد به علی علیه السّلام اختصاص می دهد برای خود ادعا کنیم و از اطاعت علی بی نیاز خواهیم بود.

در این هنگام خداوند آنها را سرزنش می کند و می فرماید «نَبَذَ ... کِتابَ اللَّهِ» کتاب خدا که آنها را امر به ولایت محمد و علی علیهما السلام می نماید پشت سر می اندازند و به آن عمل نمی کنند «وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا» و از نیرنگ و سحر شیاطین کافر در ملک سلیمان پیروی می کنند و مدعی هستند که سلیمان با همین سحر و جادو قدرت یافته است. خداوند آنها را با این آیه رد می کند «وَ ما کَفَرَ سُلَیْمانُ» چنانچه این کافران ادعا می کنند، سلیمان کفر نورزیده و سحر به کار نبرده «وَ لکِنَّ الشَّیاطِینَ کَفَرُوا یُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ»(1)، { لیکن آن شیطان[صفت]ها به کفر گراییدند

ص: 706

1- . بقره / 102

که به مردم سحر می آموختند. } ولی شیاطینی که به مردم سحر آموختند و آنها را به سلیمان نسبت دادند، کافر شدند. (1)

18. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْکافِرِینَ عَذابٌ أَلِیمٌ»، (2) {ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرنا»، و [این توصیه را] بشنوید؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است. } فرمود: که موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد و اطراف او را مهاجر و انصار گرفتند، پیوسته نیازمندی مردم به ایشان افزایش می یافت و او را با لقبهای شایسته مورد خطاب قرار می دادند، القابی که زیبنده آن جناب بود و خداوند به آنها دستور داده بود که «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُکُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ»، (3) { ای کسانی که ایمان آورده اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید، و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می گویید با او به صدای بلند سخن مگویید، مبادا بی آنکه بدانید کرده هایتان تباه شود. } پیامبر اکرم نسبت به آنها مهربان و با محبت بود و در رفع گرفتاری آنها پیوسته می کوشید و سعی می کرد با هر کدام از مؤمنین صحبت می کرد، صدایش از او بلندتر باشد مبادا آن مؤمن، اگر صدایش بلند شود، مشمول تهدید خداوند شود و اعمالش از میان برود. روزی مردی اعرابی از پشت دیوار با صدای بلند ایشان را صدا زده گفت، یا محمد! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با صدای بلندتری - می خواست مرد عرب با بلند نمودن صدایش به گناه دچار نشود - او را پاسخ داد.

مرد عرب پرسید، به من بگو، توبه تا چه وقت پذیرفته می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برادر عرب! باب توبه بسته نمی شود تا وقتی که خورشید از طرف مغرب طلوع کند و این آیه اشاره به همان است «هَلْ یَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِیَهُمُ

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 471 - 472
2- . بقره / 104
3- . حجرات / 2

الْمَلائِکَهُ أَوْ یَأْتِیَ رَبُّکَ أَوْ یَأْتِیَ بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ یَوْمَ یَأْتِی بَعْضُ آیاتِ رَبِّکَ»(1)، { آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت بیاید، یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید؟ [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید. } و این آمدن بعض آیات پروردگار، همان طلوع خورشید است از مغرب «لا یَنْفَعُ نَفْساً إِیمانُها لَمْ تَکُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ کَسَبَتْ فِی إِیمانِها خَیْراً»(2)، { کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. }.

موسی بن جعفر علیه السّلام فرمود: این لفظ «راعِنا» از سخنان مسلمین بود که به پیامبر خطاب می نمودند و می گفتند «راعِنا»، یعنی مراعات حال ما را بفرما و سخن ما را گوش کن تا سخنان شما را بشنویم. ولی در لغت یهود به معنی «اسمع» به معنی نشنیدی بود. وقتی یهودیان این نوع خطاب مسلمانان را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدند که می گویند «راعِنا»، گفتند ما قبلا او را پنهانی ناسزا می گفتیم حالا بیایید آشکارا او را دشنام دهیم. از آن پس هر وقت با پیامبر صلی الله علیه و آله برخورد می کردند می گفتند «راعِنا» و منظورشان ناسزا بود. سعد بن معاذ متوجه این نیرنگ یهودیان شد.

به آنها گفت، دشمنان خدا! خدا شما را لعنت کند. من فهمیدم که شما با این برخورد خود، پیامبر را دشنام می دهید ولی در ظاهر ایشان را شبیه ما خطاب می کنید. به خدا سوگند، اگر از یک نفر شما چنین خطابی را بشنوم گردنتان را می زنم. اگر بیم این را نداشتم که قبل از اجازه از پیامبر و برادرش و وصی او علی بن ابی طالب که نگهبان امت اسلامی است و نایب او است پیش دستی نمایم، گردن هر کس از شما که این سخن را می گفت می زدم. خداوند این آیه را نازل نمود:

«مِنَ الَّذِینَ هادُوا یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ یَقُولُونَ سَمِعْنا وَ عَصَیْنا وَ اسْمَعْ غَیْرَ مُسْمَعٍ وَ راعِنا لَیًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْناً فِی الدِّینِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ اسْمَعْ

1- . انعام / 158
2- . انعام / 158

وَ انْظُرْنا لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلاً»،(1) {برخی از آنان که یهودی اند، کلمات را از جاهای خود برمی گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام، با درآمیختن عبری به عربی] می گویند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم؛ و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی.» و [نیز از روی استهزا می گویند:] «راعنا» [که در عربی یعنی: به ما التفات کن، ولی در عبری یعنی: خبیث ما،] و اگر آنان می گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم، و بشنو و به ما بنگر»، قطعاً برای آنان بهتر و درست تر بود، ولی خدا آنان را به علّت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی آورند. }

و این آیه دیگر را «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْکافِرِینَ عَذابٌ أَلِیمٌ»،(2) { ای کسانی که ایمان آورده اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرنا»، و [این توصیه را] بشنوید؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است. }. یعنی نگوئید «راعِنا» این لفظی است که با آن دشمنان شما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دشنام می دهند و به شما نیز دشنام می دهند. به جای آن بگویید «انْظُرْنا» زیرا در این لفظ سوء استفاده نمی شود و نمی توانند لفظ «انْظُرْنا» را وسیله دشنام قرار دهند «وَ اسْمَعُوا» وقتی پیامبر اکرم سخنی می گوید بشنوید و اطاعت کنید «وَ لِلْکافِرِینَ» برای یهودیانی که پیامبر را مورد ناسزا قرار می دهند «عَذابٌ أَلِیمٌ» عذاب دردناکی در دنیا است و اگر دوباره دشنام دهند، در آخرت نیز در آتش مخلد خواهند بود.(3)

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بندگان خدا این سعد بن معاذ از بهترین بندگان است که خشنودی خدا را بر خشنودی خویشاوندان و بستگان خود از یهودیان مقدم داشت و امر به معروف و نهی از منکر کرد و به خاطر برخورد ناشایست با محمد رسول خدا و علی ولی الله و وصی رسول الله خشمگین شد. خداوند پاس تعصب و حمایت او را نسبت به محمد و علی داشت و او را در بهترین

1- . نساء / 46
2- . بقره / 104
3- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 477 - 479

منازل بهشت جای داد و برای او عالیترین نعمت ها را در بهشت فراهم نمود که نمی توان آنها را توصیف نمود و نه دلها می توانند تصور کنند و یک نخ از پارچه های بهشتی او از تمام دنیا و زینت آلات و جواهر و سایر اموال و نعمتهای دنیا بهتر است. هر که بخواهد در بهشت رفیق او باشد، باید خشم دوستان و خویشاوندان را در حمایت از محمد صلی الله علیه و آله تحمل کند و خشنودی ایشان را بر خشنودی خویشاوندان مقدم بدارد و اگر دید حق را ترک کرده اند و باطل میان مردم معمول است خشمگین شود. از ضعف و سستی در این باره با تمکن و قدرت و زوال تقیه بپرهیزید. در چنین مواقعی خداوند بهانه را نمی پذیرد. (1)

19. تفسیر امام علیه السّلام: امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر آیه «ما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ لَا الْمُشْرِکِینَ أَنْ یُنَزَّلَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَیْرٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ اللَّهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ»(2) ، {نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده اند، و نه مشرکان [هیچ کدام] دوست نمی دارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید، با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد، و خدا دارای فزون بخشی عظیم است.} فرمود: حضرت رضا علیه السّلام فرمود: خداوند یهود و مشرکان و ناصبی ها را سرزنش نمود و در این آیه فرمود: «ما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ»(3)، {نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده اند} کافران اهل کتاب و مشرکین ناصبی دوست ندارند و از نام خدا و اسم محمد و فضائل علی علیه السّلام خشمگین می شوند و اظهار فضل و شرف آنها خشم ایشان را می افزاید. آنها دوست ندارند خیری از جانب خدا به شما برسد که موجب افزایش عظمت و شخصیت شما گردد و دوست ندارند دلیل معجزه آسایی از آسمان فرود آید که موجب آشکار شدن مقام محمد و علی علیه السّلام شود. به همین جهت مانع هم کیشان خود می شوند که با تو مناظره کنند، مبادا بر آنها پیروز شوی و معجزات تو آنها را مجاب و مغلوب نماید و باعث ایمان آوردن عوام آنها بشود و یا

1- . تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام: 479
2- . بقره / 105
3- . بقره / 105

در مورد رؤسای خود تردید پیدا کنند، به همین جهت جلوی هر کس که مایل به ملاقات تو است می گیرند تا تو را به عنوان یک ساحر زبان باز معرفی کنند و می گویند، اگر او را نبینی و او تو را نبیند برای تو بهتر است و موجب سلامتی دین و دنیای تو می شود و با چنین حیله ای جلوی عوام خود را می گرفتند.

سپس خداوند می فرماید: «وَ اللَّهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ»(1) ، {با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد، و خدا دارای فزون بخشی عظیم است. }

خداوند هر که را بخواهد به رحمت خویش ممتاز می سازد؛ آنهایی که توفیق هدایت به دین تو و ولایت تو و ولایت برادرت علی بن ابی طالب یافته اند. وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را مورد سرزنش قرار داد، گروهی از یهودیان خدمت ایشان آمدند و شروع به دشمنی کردند. گفتند یا محمد، تو ادعای چیزی را در دلهای ما می کنی که ما فکر می کنیم صحیح نیست، ما بی میل نیستیم دلیلی بر تو نازل شود که موجب اطاعت ما از شما بشود. فرمود: اگر شما حالا با من دشمنی کنید، در آینده نیز با خدا دشمنی خواهید کرد. وقتی نامه عمل شما گویا شود، می گویید خدایا، ملائکه نویسنده به ما ستم روا داشته اند و چیزهایی را به ما نسبت داده اند که انجام نداده ایم. در چنین موقعی جوارح و اعضایتان علیه شما گواهی می دهند.

گفتند، چه دلیل بعیدی آوردی، این کار دروغگویان است. بین ما و قیامت فاصله زیادی است. در بدن ما چیزی به ما نشان بده که بفهمیم راست می گویی و هرگز نمی توانی انجام دهی چون دروغگو هستی.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: جوارح آنها را به شهادت بخواه و امیر المؤمنین علیه السّلام اعضاء و جوارح ایشان را به شهادت خواست. تمام جوارح آنها گواهی دادند که اینها دوست ندارند به زبان آن جناب خیری از جانب خدا بر امت محمد نازل شود- آیه ای روشنگر و حجت و معجزه ای

1- . بقره / 105

برای نبوت آن جناب و امامت برادرش علی - مبادا مغلوب شوند و عوام آنها ایمان آورند و گروهی از آنها از این دانشمندان سرپیچی کنند.

گفتند یا محمد، ما شهادت جوارح خود را نمی پذیریم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیر المؤمنین علیه السّلام فرمود: اینها از کسانی هستند که خداوند در باره ایشان می گوید: «إِنَّ الَّذِینَ حَقَّتْ عَلَیْهِمْ کَلِمَتُ رَبِّکَ لا یُؤْمِنُونَ وَ لَوْ جاءَتْهُمْ کُلُّ آیَهٍ»(1) ، { در حقیقت، کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی آورند، هر چند هر گونه آیتی برایشان بیاید. } اینک آنها را نفرین کن تا هلاک شوند. امیر المؤمنین علیه السّلام آنها را نفرین نمود، هر عضوی که علیه آنها گواهی داده بود از هم پاشید و آنها در جا مردند.

گروهی از یهودیان که حضور داشتند گفتند، چقدر تو قساوت داری یا محمد، همه اینها را کشتی. فرمود: شما چقدر نسبت به کسی که مورد خشم خدا قرار گرفته مهربان هستی. اگر آنها از خدا درخواست می کردند و او را به محمد و علی و آل آن دو قسم می دادند، آنها را سالم نگه می داشت. همان کاری که نسبت به گوساله پرستان انجام داد و به آنها به زبان موسی پیام داد که اگر او را به محمد و علی و آل پاکش قسم دهند، خداوند به جهت عظمت مقام محمد و علی و آل پاک آنها علیهم السلام، آنها را سالم نگه می دارد.(2)

20. اختصاص: ابن عباس نقل می کند که وقتی خداوند پیامبر اکرم را برانگیخت تا مردم را دعوت به شهادت «لا اله الا الله وحده لا شریک له» نماید، مردم به سرعت او را اجابت نمودند و پیامبر مردم را بر حذر داشت، جبرئیل به پیامبر گفت، برای اهل کتاب یعنی یهود و نصاری نامه ای بنویسد و موضوع نامه را جبرئیل بر پیامبر دیکته کرد. نویسنده پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز سعد بن ابی وقاص بود او نامه ای به یهودیان خیبر نوشت:

بسم الله الرحمن الرحیم. نامه ایست از جانب محمد بن عبد الله پیامبر امی به سوی یهود خیبر. اما بعد، زمین متعلق به خدا است که به هر کس از بندگان خود که

1- . يونس: 96 - 97

2- . تفسير امام حسن عسكرى عليه السلام: 488 - 490

بخواهد می سپارد و عاقبت نیکو اختصاص به پرهیزکاران دارد «و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم».

نامه را برای اهالی خیبر فرستاد. نامه را پیش رئیس خود که نامش عبد الله بن سلام بود آوردند و گفتند، این نامه محمد است، برای ما بخوان. نامه را خواند و از آنها پرسید، در این نامه چه می بینید؟.

گفتند علامتی را که در تورات داریم در این نامه می بینیم. اگر این شخص همان محمدی است که موسی و داود و عیسی علیهم السلام مژده او را داده اند، در آینده تورات تعطیل خواهد شد و آنچه قبلاً بر ما حرام شده حلال می نماید. اگر ما دین خود را داشته باشیم برایمان بهتر است.

عبد الله بن سلام گفت، شما دنیا را بر آخرت برگزیدید و عذاب را به جای رحمت انتخاب کردید. گفتند نه. گفت چرا از منادی خدا پیروی نمی کنید؟ گفتند ما نمی دانیم آنچه می گوید راست است یا نه.

گفت از او راجع به کائن و مکون و ناسخ و منسوخ می پرسیم، اگر پیامبر باشد چنانچه مدعی است، مانند انبیای گذشته توضیح خواهد داد. گفتند اینک راه بیافتیم و پیش محمد برویم تا گفتار او را در هم شکنی و ببینیم در جواب تو چه خواهد گفت.

گفت شما مردمان نادانی هستید. اگر این همان محمدی باشد که موسی و عیسی بن مریم مژده داده اند و خاتم پیغمبران باشد، اگر جن و انس جمع شوند که یک حرف او را رد کنند یا یک آیه بیاورند، جز با اجازه خدا نمی توانند.

گفتند راست می گویی پس چه چاره ای بیاندیشیم؟ گفت تورات را بیاورید. تورات را آوردند. هزار و چهار مسأله از آن انتخاب کرد و روز دوشنبه بعد از نماز صبح آنها را خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورد. گفت «السلام علیک یا محمد».

آن جناب در جواب فرمود:«و علی من اتبع الهدی و رحمه الله و برکاته» تو کیستی؟ گفت من عبد الله بن سلام از رؤسای بنی اسرائیل و از کسانی هستم که

تورات را خوانده است و من نماینده یهودیان هستم با آیاتی که از تورات آورده ام، اگر برای ما توضیح دهید، ما شما را از نیکوکاران می شماریم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الحمد لله علی نعمائه». پسر سلام، بگو ببینم، آمده ای برای فهمیدن سؤال کنی یا لجبازی کنی. گفت نه، می خواهم بفهمم. فرمود: برای هدایت یا گمراهی؟ گفت برای هدایت. پیامبر اکرم فرمود: اینک هر چه مایلی بپرس. گفت انصاف دادی ای محمد. گفت بفرمایید شما نبی هستید یا رسول؟ فرمود: من نبی و رسولم و این آیه قرآن نشان آن است «مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنا عَلَيْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْکَ».(1).(2) { برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده ایم. }

گفت راست می گویی، بفرما آیا خداوند با تو رو در رو صحبت می کند؟ فرمود: خداوند با هیچ بنده ای صحبت نمی کند مگر به صورت وحی یا از پشت پرده. گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینیم دعوت به دین خود می کنید یا به دین خدا؟ گفت به دین خدا. مرا دینی نیست جز آنچه خداوند به ما عنایت نموده.

گفت صحیح است یا محمد، بگو ببینم به چه چیز دعوت می کنی؟ گفت به اسلام و ایمان به خدا. پرسید اسلام چیست؟ فرمود: دعوت به شهادت «لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله» و اینکه قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست و خداوند هر که را در قبرها است بر می انگیزاند.

گفت صحیح است، بگو ببینم خدا چند دین دارد؟ فرمود: یک دین. خدا یکتا است و شریکی ندارد. پرسید دین خدا چیست؟ گفت اسلام. پرسید آیا پیامبران پیشین و قبل از تو هم همین دین را داشتند.

فرمود: آری. گفت شرایع چگونه است؟ فرمود: شرایع مختلف است و راه و روش پیشینیان گذشته است.

1- . ممکن است آیه نقل به معنی شده باشد چون در قرآن چنین است رُسُلًا قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَيْکَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْکَ یعنی همه اینها

رسول و نبی هستند مثل من.
2- . غافر / 78

گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم بهشتیان به واسطه اسلام داخل بهشت می شوند یا به واسطه ایمان یا عمل؟ فرمود: بعضی با هر سه داخل بهشت می شوند. آنان که مسلمان مؤمن عامل هستند با سه عمل داخل بهشت می شوند. یا کسی مسیحی و یا یهودی و یا مجوس است ولی بین دو نماز مسلمان می شود و کفر را از دل می زداید و پس از مسلمان شدن از دنیا می رود، او با اینکه عملی انجام نداده، از اهل بهشت خواهد بود، این ایمان بدون عمل است. و یا یهودی و یا مسیحی است که صدقه می دهد و انفاق می کند ولی نه در راه خدا. او در کفر و گمراهی خویش است، مردم پرست است نه خدا پرست، اگر بمیرد در جهنم خواهد بود، چون خداوند غیر از متقین و پرهیزگاران عملی را نمی پذیرد.

عرض کرد درست است یا محمد، بفرمایید آیا کتابی بر شما نازل شده است؟

فرمود: آری. گفت چه کتابی است؟ فرمود: فرقان. پرسید چرا فرقان نام گرفته؟ فرمود چون آیات و سوره های متفرق دارد و به صورت الواح و صحیفه و تورات و انجیل و زبور نازل نشده است.

گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم ابتدای قرآن و انتهای آن چیست؟ فرمود: ابتدای آن«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ»(1)، { به نام خداوند رحمتگر مهربان }است و آخر آن (ابجد) است. گفت تفسیر ابجد چیست؟

فرمود: الف آلاء و نعمتهای خدا است و باء بها الله و جیم جمال الله و دال دین الله و راهنمایی خدا به خیر است. و نیکی "هوز" هاویه است. "حطی" از بین رفتن گناهان و خطاها است. "سعفص" یک من به یک من و یک پیمانه به یک پیمانه و یک نگین به یک نگین یعنی هر طور باشد معادل همان. "قرشت" سهم خدا است که در کتاب محکم او تعیین شده.

بسم الله الرحمن الرحیم سنت خدا است که رحمتش بر غضب او سبقت گرفته و فرمود: وقتی آدم عطسه زد گفت «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»(2)، {ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است. }

1- . فاتحه / 1

2- . فاتحه / 2

خداوند او را جواب داد: یرحمک ربک یا آدم. این لطف و مرحمت از خدا در بهشت، قبل از اینکه معصیت خدا را بکند، به آدم رسید.

گفت راست می گویی یا محمد، بگو آن چهار چیزی که خدا به دست خود آفریده چیست؟ فرمود: بهشت عدن را به دست خود آفریده و شجره طوبی را در بهشت به دست خود نصب کرده و آدم را به دست خود آفریده و تورات را به دست خود نوشته.

گفت راست می گویی یا محمد، چه کسی این خبر را به تو داده؟ فرمود: جبرئیل. گفت جبرئیل از چه کس خبر می آورد؟ فرمود: از میکائیل. پرسید میکائیل از که؟ فرمود: از اسرافیل. پرسید اسرافیل از که؟ فرمود: از لوح محفوظ. گفت لوح از که؟ فرمود: از قلم. پرسید قلم از که؟ فرمود: قلم از رب العالمین.

گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم جبرئیل به صورت زنان است یا مردان؟ فرمود: به صورت مردها نه به صورت زنان. پرسید غذایش چیست؟ فرمود: غذایش تسبیح و آب او تهلیل. گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم طول جبرئیل چقدر است؟ فرمود: در بین ملائکه نه بسیار بلند قد است و نه کوتاه قد. دارای هشتاد زلف است و جلوی سرش مجعد است. یک ابرو بین دو چشم دارد نیکو و سفید چشم زیبا و بزرگی دارد و آن نشانه ای که پرهیزکاران امت من دارند «محجل» است که او نیز دارد و نشانه زیبایی است. نور جبرئیل بین ملائکه مانند نور روز روشن است هنگام تاریکی شب تار. دارای بیست و چهار بال سبز است که آراسته به در و یاقوت شده و به مروارید ختم گردیده. گردن آویزی دارد که باطن آن رحمت است. جامه او کرامت است و پیراهنش وقار و پرهایش زعفران. پیشانی گشاده دارد. بینی باریک و برآمده دارد. چهره ای گشاده و ریشی گرد و خوش قامت دارد. نه می خورد و نه می آشامد و نه ملول می شود و نه سهو می کند. مامور وحی خدا است تا روز قیامت. گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم واحد چیست و دو تا و سه تا و چهار تا و پنج تا و شش تا و هفت تا و هشت تا و نه تا و ده تا و یازده تا و دوازده تا و سیزده تا و چهارده تا و پانزده تا و شانزده تا و هفده تا و هجده تا و نوزده تا و بیست تا و بیست و یک و بیست و دو و بیست و سه و بیست

و چهار و بیست و پنج و بیست و شش و بیست و هفت و بیست و هشت و بیست و نه و سی و چهل و پنجاه و شصت و هفتاد و هشتاد و نود و نه و صد چیست؟ فرمود: آری پسر سلام! اما واحد خدای یکتای قهار است که شریک و رفیق و فرزند ندارد، زنده می کند و می میراند، بیده الخیر و هو علی کل شی ء قدیر.

اما دوتا: آدم و حوا یک زن و شوهر بودند در بهشت قبل از اینکه از آنجا خارج شوند.

اما سه تا: جبرئیل و میکائیل و اسرافیل که رؤسای ملائکه هستند؛ آنها مامور وحی پروردگار جهانیانند.

اما چهارتا: تورات و انجیل و زبور و فرقان.

اما پنج تا: بر من و امتم پنج نماز واجب شد که بر سایر امتهای قبل و امت های بعد واجب نخواهد شد، زیرا پیامبری بعد از من نیست.

اما شش تا: خداوند آسمانها و زمین را در شش روز آفرید.

اما هفت تا: پس هفت آسمان محکم است و این آیه اشاره به همان است «وَ بَنَيْنا فَوْقَكُمْ سَبْعاً شِداداً»(1) ، { و بر فرازِ شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم. }

اما هشت تا: «وَ يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمانِيَةٌ(2) {و عرش پروردگارت را آن روز، هشت [فرشته] بر سر خود بر می دارند. }

اما نه تا: این آیه «آتَيْنا مُوسى تِسْعَ آياتٍ بَيِّناتٍ»(3) ، { ما به موسى نُه نشانه آشکار دادیم. } به موسی نه معجزه آشکار دادیم.

اما ده تا: «تِلْكَ عَشَرَةٌ كامِلَةٌ»(4) ، { این ده [روزِ] تمام است. }این است ده تا.

اما یازده: سخن یوسف که به پدرش گفت: «يا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَباً »(5) ، {«ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را دیدم}.

1- . نبأ / 12
2- . حاقّه / 17
3- . اسراء / 31
4- . بقره / 196
5- . يوسف / 4

و اما دوازده: هر سال دوازده ماه جدید می آورد.

اما سیزده: ستاره است که برادران یوسف بودند و شمس و قمر، مادر و پدرش.

و اما چهارده تا: آن چهارده قندیل از نور است که بین عرش و کرسی آویخته است که فاصله بین هر قندیل صد سال راه است.

اما پانزده: قرآن است که آیات مفصل آن در پانزده روز از ماه رمضان گذشته بر من نازل شده است: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذی أُنْزِلَ فیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنَّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَ الْفُرْقانِ»(1) {ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است. }

و اما شانزده تا: شانزده صف از ملائکه است که اطراف عرش صف کشیده اند و این آیه اشاره به همان است «حَافِّینَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُسَبِّحُونَ»(2)، { پیرامون عرش به ستایش پروردگارِ خود تسبیح می گویند }.

اما هفده: عبارت از هفده اسم از اسماء خدای تعالی است که بین بهشت و جهنم نوشته شده که اگر آن اسماء نباشد، جهنم چنان شعله می کشد که هر که در آسمانها و زمین است آتش می گیرد و می سوزد.

اما هجده: عبارت از هجده حجاب از نور است که بین کرسی و حجب معلق است. اگر آنها نبودند کوههای بسیار سخت و بلند ذوب می شد و جن و انس از نور خدا می سوختند.

گفت راست گفتی یا محمد.

فرمود: اما نوزده: عبارت از (نگهبان) جهنم است که باقی نمی گذارد و فروگذاری نمی کند. این آیه اشاره به همان است «لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ * عَلَیْها تِسْعَةَ عَشَرَ»(3)، {پوستها را سیاه می گرداند.[و] بر آن [دوزخ]، نوزده [نگهبان] است. }.

1- . بقره / 185
2- . زمر / 75
3- . مدثر / 29 - 30

اما بیست: زبور در بیست روز گذشته از ماه رمضان بر داود نازل شد و این آیه اشاره به آن است «وَ آتَیْنا داوُدَ زَبُوراً»(1)، { و به داوود زبور بخشیدیم. }

اما بیست و یک: سلیمان بن داود تسبیح نمود و کوهها با او شروع به تسبیح کردند.

اما بیست و دو: خداوند توبه داود را پذیرفت و او را بخشید و آهن را برایش نرم کرد و او از آن زره می ساخت.

بیست و سه: مائده آسمانی در روز بیست سوم بر عیسی نازل شد.

بیست و چهار: خداوند با موسی سخن گفت.

بیست و پنج: خداوند دریا را برای موسی و بنی اسرائیل شکافت.

بیست و شش: خداوند تورات را بر موسی نازل نمود.

و اما بیست و هفت: ماهی یونس متی را از شکم خود بیرون افکند.

بیست و هشت: خداوند بینایی چشم یعقوب را به او برگرداند.

اما بیست و نه: خداوند ادریس را به مکانی بلند بالا برد.

اما سی: خداوند موسی را سی شب دعوت کرد و ده شب دیگر را به آن اضافه کرد.

اما چهل: قرار پروردگار به چهل شب کامل شد.

اما پنجاه: روزی که مقدار آن پنجاه هزار سال است.

اما شصت: زمین دارای شصت رگه است و مردم به شصت نوع آفریده شده اند.

اما هفتاد: موسی از میان قوم خود، هفتاد نفر را برای قرارگاه پروردگار انتخاب کرد.

اما هشتاد: شراب خوار را هشتاد تازیانه می زنند.

اما نود و نه: در این آیه دارای نود و نه گوسفند است «لَهُ تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ نَعْجَةً»(2) {او را نود و نه میش، و مرا یک میش است. }

1- . نساء / 163
2- . ص / 23

اما صد: زن زنا کار و مرد زنا کار را صد تازیانه به هر کدام بزنید.

گفت راست می گویی یا محمد، بگو ببینم آدم چگونه و از چه چیز آفریده شد.

فرمود: آری، خداوند سبحان که او را می ستایم و اسمایش را ارج می نهم و جز او خدایی نیست، آدم را از گل آفرید و گل از کف و کف از موج و موج از دریا و دریا از ظلمت و ظلمت از نور و نور از حرف و حرف از آیه و آیه از سوره و سوره از یاقوت و یاقوت از (کن) و (کن) از هیچ آفریده شد.

گفت راست می گویی یا محمد، بفرمایید هر بنده ای چند ملک دارد؟ فرمود هر بنده ای دارای دو ملک است، یکی طرف راست و دیگری طرف چپ. ملک طرف راست حسنات و کارهای نیک را می نویسد و فرشته طرف چپ خطاها را یادداشت می کند. گفت فرشته ها کجا می نشینند و قلم آنها چیست و دوات چیست و لوح چیست؟ فرمود: محل آنها روی دو شانه است. قلم آنها زبان اوست و دوات حلق او و مرکب آب دهانش و لوح آن دو دل او است که اعمال او را تا روز وفاتش می نویسند.

گفت صحیح می فرمایید یا محمد، بفرمایید خداوند بعد از آن چه آفرید؟ فرمود: «ن وَ الْقَلَمِ». پرسید تفسیر «ن وَ الْقَلَمِ» چیست؟ فرمود: نون لوح محفوظ و قلم نور درخشان است و این آیه همان است «ن وَ الْقَلَمِ وَ ما یَسْطُرُونَ»(1)، { نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند }گفت راست گفتی، بفرمایید طول آن چقدر است و عرض آن چقدر و مرکبش چیست و مجرای آن کدام؟

فرمود: طول قلم پانصد سال است و عرض آن به مقدار هشتاد سال. مرکب از بین دندانهایش خارج می شود و به امر خدا و قدرت او در لوح محفوظ جاری می گردد. گفت راست می گویی. بفرمایید لوح محفوظ از چیست.

فرمود: از زمرد سبز که درون آن مروارید است و داخل آن رحمت است.

گفت راست می گویی. بفرمایید آدم علیه السّلام کجا فرود آمد؟ فرمود: در هند. گفت حواء کجا؟ فرمود: در جده. گفت شیطان کجا؟ فرمود: در اصفهان. گفت

1- . قلم / 1

آدم وقتی پایین آدم چه لباسی داشت؟ فرمود برگهایی از برگ بهشت که یکی را به کمر بسته بود و دیگری را به شانه انداخته و عمامه ای با برگ سوم بسته بود. پرسید لباس حواء چه بود؟ فرمود مویهای او به زمین می رسید. پرسید در کجا به هم رسیدند؟ فرمود: در عرفات. گفت راست می گویی یا محمد. بفرمایید اولین رکنی که خدا در زمین قرار داد چه بود؟

فرمود: رکنی که در مکه است و این آیه اشاره به آن است «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بِبَكَّةَ مُبارَكاً»(1) ، {در حقیقت، نخستین خانه ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک }

گفت راست می گویی یا محمد، بفرمایید آدم از حواء خلق شد یا حواء از آدم؟

فرمود: نه. حواء از آدم. اگر آدم از حواء آفریده می شد طلاق به دست زنان بود نه به دست مردان. پرسید از تمام بدن او یا قسمتی از بدنش؟ گفت از مقداری از بدنش. اگر حواء از تمام بدن او آفریده شده بود قصاص در زنان جایز بود چنانچه در مردان جایز است. گفت از ظاهر او خلق شد یا از باطنش؟ فرمود: از باطنش. اگر از ظاهر او آفریده می شد باید زنان نیز مانند مردان در پوشش آزاد بودند به همین جهت زنان را در پرده قرار دارند. پرسید از طرف راست یا چپ او آفریده شد؟ فرمود: از طرف چپ. اگر از طرف راست آفریده شده بود، نصیب مرد و زن یکسان بود به همین جهت برای مرد دو سهم است و برای زن یک سهم و گواهی دو زن برای یک مرد است. گفت پس آدم از چه موضعی آفریده شد؟ فرمود: از پهلوی چپش.

گفت چه کسی قبل از آدم ساکن زمین بود؟ فرمود: جنیان. گفت بعد از جن؟ فرمود: ملائکه. گفت بعد از ملائکه؟ فرمود: آدم. پرسید چقدر فاصله بین جن و ملائکه بود؟ فرمود: هفت هزار سال. پرسید بین ملائکه و آدم چقدر فاصله شد؟ فرمود: دو ملیون سال.

1- . آل عمران / 96

گفت راست می گویی یا محمد، بفرمایید آیا آدم حج خانه خدا را بجا آورد؟ فرمود: آری. پرسید چه کسی سر او را تراشید؟ فرمود: جبرئیل. گفت چه کسی آدم را ختنه نمود؟ فرمود: او ختنه شده بود. گفت پس از آدم چه کسی ختنه شد؟ فرمود: ابراهیم خلیل.

گفت بفرمایید کدام رسول بود که نه انسان و نه جن و نه از وحوش بود؟ فرمود: «بعث اللَّهُ غُراباً یَبْحَثُ فِی الْأَرْضِ»(1)، { پس، خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می کاوید. } گفت راست می گویی. بفرمایید کدام سرزمین است که در تمام طول جهان یک مرتبه بر او آفتاب تابیده و دیگر نخواهد تابید؟.

فرمود: وقتی موسی با عصای خود به دریا زد، دریا به دوازده شعبه شکافته شد و خورشید بر آن زمین تابید. وقتی خدا فرعون و سپاهش را غرق نمود، دریا به هم پیوست و دیگر تا روز قیامت بر آن نخواهد تابید.

گفت راست می گویی یا محمد، بفرمایید کدام خانه بود که دوازده درب داشت و از آن دوازده رزق برای دوازده فرزند خارج شد؟ فرمود: وقتی موسی داخل دریا شد، گذارش به سنگ سفید مربع شکلی چون یک خانه افتاد. بنی اسرائیل از تشنگی شکایت کردند، با عصای خود بر آن زد، از آن سنگ دوازده چشمه از دوازده درب جوشید. (2)

مولف: تا اینجا آنچه از خبر به دست ما آمده پایان می یابد. مقداری از این خبر افتاده است. این خبر دارای مقداری تصحیف و اشتباهات و پس و پیش هایی بود که ما آن را همان طور که دیدیم نقل کردیم.

بیان: اینکه در خبر فرموده: «مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنا» گویا نقل به معنا نموده، اما در قرآن آیه چنین است «وَ رُسُلاً قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَیْک مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلاً لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَیْک»(3) ، {و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو

1- . مائده / 31
2- . اختصاص: 42 - 51
3- . نساء / 164

حکایت نمودیم؛ و پیامبرانی [را نیز برانگیخته ایم] که [سرگذشتِ] ایشان را بر تو بازگو نکرده ایم. }یعنی آن رسولان هم مثل من پیامبرند.

اینکه در خبر فرموده: «مؤخره ابجد» این تاخر تاخر به حسب رتبه است یا منظور این است که لازم است آنها را بعد از آموزش قرآن یاد بگیرند. بیشتر مسائلی که در خبر است، موافق آن چیزی است بین اهل کتاب مشهور است وارد شده و از امتیازات آنها این است که از واقعیت چنین مسائلی، جز انبیاء و شاگردان آنها اطلاع ندارند.

ص: 723

1. قرب الاسناد: هارون از ابن زیاد از جعفر از پدرش علیه السّلام نقل کرد که یکی از صحابه به مرد راهبی گذر کرد. با او چند کلمه ای صحبت کرد. راهب به او گفت بنده خدا، دین تو تازه است ولی دین من کهنه، اگر دین تو نیز کهنه شود، چیزی محبوب تر از آن نزد تو نخواهد بود. (1)

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . قرب الاسناد: 40

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109